

بُکات پوجسٹم قواذیر و مقررات

مآلے و محاسباتے





نکات برجسته‌ی قوانین و مقررات مالی و محاسباتی
به اهتمام حمید دیانت‌پی

«معیار سنجش ارزش انسان، اخلاق و دانش اوست»

فهرست مطالب

(۱)	قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران	۴
(۲)	قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید	۱۴
(۳)	قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران	۲۰
(۴)	قانون محاسبات عمومی	۴۱
(۵)	قانون تجارت	۵۴
(۶)	قانون برگزاری مناقصات	۷۷
(۷)	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۱۱۱
(۸)	قانون مالیات‌های مستقیم	۱۴۷
(۹)	قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)	۲۳۳
(۱۰)	قانون پولی و بانکی کشور	۲۳۹
(۱۱)	قانون بیمه بیکاری	۲۵۸
(۱۲)	ضمائم و پیوست‌ها	۲۶۲
(۱۳)	منابع و مأخذ	۳۲۷

(۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران

۱. **بورس اوراق بهادار:** بازاری متشکل و خودانتظام است که اوراق بهادار در آن توسط کارگزاران و یا معامله‌گران طبق مقررات این قانون، مورد دادوستد قرار می‌گیرد. بورس اوراق بهادار (که از این پس بورس نامیده می‌شود) در قالب شرکت سهامی عام تأسیس و اداره می‌شود.
۲. **هیئت داور:** متشکل از سه عضو می‌باشد که یک عضو توسط رییس قوه قضاییه از بین قضات باتجربه و دو عضو از بین صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد "سازمان" و تأیید "شورا" به اختلافات رسیدگی می‌نمایند. رییس قوه قضاییه و "سازمان" با تأیید "شورا" علاوه بر نماینده اصلی خود، هریک عضو علی‌البدلی تعیین و معرفی می‌نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در "هیئت داور" شرکت نمایند. شرایط عضو علی‌البدل همانند عضو اصلی می‌باشد.

جدول هیئت داور	
واژه کلیدی	شرح
نماینده قوه قضاییه	رییس هیئت
انتخاب مجدد آنان حداکثر برای دو دوره دیگر بلامانع است.	مدت مأموریت اعضای اصلی و علی‌البدل
دو سال	دارای دبیرخانه‌ای است
در محل "سازمان"	بودجه هیئت
قالب بودجه "سازمان" منظور و پرداخت	آرای صادر شده از سوی هیئت
اجرای آن به عهده اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد.	قطعی و لازم‌الاجراست.

۳. **کانون:** کانون‌های کارگزاران، معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر مجامع مشابه، تشکل‌های خود انتظامی است که به منظور تنظیم روابط بین اشخاصی که طبق این قانون به فعالیت در بازار اوراق بهادار اشتغال دارند، طبق دستورالعمل‌های مصوب "سازمان" به صورت مؤسسه غیردولتی، غیر تجاری و غیرانتفاعی به ثبت می‌رسند.
۴. **تشکل خودانتظام:** تشکلی است که برای حسن انجام وظایفی که به موجب این قانون بر عهده دارد و هم‌چنین برای تنظیم فعالیت‌های حرفه‌ای خود و انتظام‌بخشیدن به روابط بین اعضا، مجاز است ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای و انضباطی را که لازم می‌داند، با رعایت این قانون، وضع و اجرا کند.
۵. **شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه:** شرکتی است که امور مربوط به ثبت، نگهداری، انتقال مالکیت اوراق بهادار و تسویه وجوه را انجام می‌دهد.
۶. **بازارهای خارج از بورس:** بازاری است در قالب شبکه ارتباط الکترونیک یا غیرالکترونیک که معاملات اوراق بهادار در آن بر پایه مذاکره صورت می‌گیرد.
۷. **بازار اولیه:** بازاری است که اولین عرضه و پذیره‌نویسی اوراق بهادار جدیدالانتشار در آن انجام می‌شود و منابع حاصل از عرضه اوراق بهادار در اختیار ناشر قرار می‌گیرد.
۸. **بازار ثانویه:** بازاری است که اوراق بهادار، پس از عرضه اولیه، در آن مورد دادوستد قرار می‌گیرد.

۹. **بازار مشتقه:** بازاری است که در آن قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر اوراق بهادار یا کالا
۱۰. **ناشر:** شخص حقوقی است که اوراق بهادار را به نام خود منتشر می‌کند.
۱۱. **کارگزار:** شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن‌ها معامله می‌کند.
۱۲. **کارگزار/معامله‌گر:** شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن‌ها و یا به نام و حساب خود معامله می‌کند.
۱۳. **بازارگردان:** کارگزار/معامله‌گری است که با اخذ مجوز لازم با تعهد به افزایش نقدشوندگی و تنظیم عرضه و تقاضای اوراق بهادار معین و تحدید دامنه نوسان قیمت آن، به دادوستد آن اوراق می‌پردازد.
۱۴. **مشاور سرمایه‌گذاری:** شخص حقوقی است که در قالب قراردادی مشخص، درباره خرید و فروش اوراق بهادار، به سرمایه‌گذار مشاوره می‌دهد.
۱۵. **سببگردان:** شخص حقوقی است که در قالب قراردادی مشخص و به منظور کسب انتفاع، به خرید و فروش اوراق بهادار برای سرمایه‌گذار می‌پردازد.
۱۶. **شرکت تأمین سرمایه:** شرکتی است که به‌عنوان واسطه بین ناشر اوراق بهادار و عامه سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کند، و می‌تواند فعالیت‌های کارگزاری، معامله‌گری، بازارگردانی، مشاوره، سببگردانی، پذیره‌نویسی، تعهد پذیره‌نویسی و فعالیت‌های مشابه را با اخذ مجوز از "سازمان" انجام دهد.
۱۷. **صندوق بازنشستگی:** صندوق سرمایه‌گذاری است که با استفاده از طرح‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، مزایای تکمیلی را برای دوران بازنشستگی اعضای آن فراهم می‌کند.
۱۸. **صندوق سرمایه‌گذاری:** نهادی مالی است که فعالیت اصلی آن سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار می‌باشد و مالکان آن به نسبت سرمایه‌گذاری خود، در سود و زیان صندوق شریک‌اند.
۱۹. **نهادهای مالی:** منظور نهادهای مالی فعال در بازار اوراق بهادار آنند که از آن جمله می‌توان به "کارگزاران"، "کارگزاران/معامله‌گران"، "بازارگردانان"، "مشاوران سرمایه‌گذاری"، "مؤسسات رتبه‌بندی"، "صندوق‌های سرمایه‌گذاری"، "شرکت‌های سرمایه‌گذاری"، "شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی"، "شرکت‌های تأمین سرمایه" و "صندوق‌های بازنشستگی" اشاره کرد.
۲۰. **شرکت مادر (هلدینگ):** شرکتی که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر جهت کسب انتفاع، آن‌قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیئت‌مدیره را انتخاب کند و یا در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره مؤثر باشد.
۲۱. **ارزش‌یاب:** کارشناس مالی‌ای است که دارایی‌ها و اوراق بهادار موضوع این قانون را مورد ارزشیابی قرار دهد.
۲۲. **اوراق بهادار:** هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد. "شورا"، اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام خواهد کرد. مفهوم ابزار مالی و اوراق بهادار در متن این قانون، معادل هم در نظر گرفته شده است.
۲۳. **انتشار:** انتشار عبارت است از صدور اوراق بهادار برای عرضه عمومی.
۲۴. **عرضه عمومی:** عرضه اوراق بهادار منتشره به عموم جهت فروش.
۲۵. **عرضه خصوصی:** فروش مستقیم اوراق بهادار توسط "ناشر" به سرمایه‌گذاران نهادی است.

۲۶. **پذیره‌نویسی:** فرآیند خرید اوراق بهادار از ناشر و یا نماینده قانونی آن و تعهد پرداخت وجه کامل آن طبق قرارداد.
۲۷. **تعهد پذیره‌نویسی:** تعهد شخص ثالث برای خرید اوراق بهاداری که ظرف مهلت "پذیره‌نویسی" به فروش نرسد.
۲۸. **اعلامیه پذیره‌نویسی:** اعلامیه‌ای است که از طریق آن، اطلاعات مربوط به ناشر و اوراق بهادار قابل پذیره‌نویسی در اختیار عموم قرار می‌گیرد.
۲۹. **بیانیه ثبت:** مجموعه فرم‌ها، اطلاعات، و اسناد و مدارکی است که در مرحله تقاضای ثبت شرکت، به "سازمان" داده می‌شود.
۳۰. **اطلاعات نهانی:** هرگونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می‌شود، و در صورت انتشار، بر قیمت و یا تصمیم سرمایه‌گذاران برای معامله اوراق بهادار مربوط تأثیر می‌گذارد.
۳۱. **سبد:** مجموعه دارایی‌های مالی است که از محل وجوه سرمایه‌گذاران خریداری می‌شود.
۳۲. **شورا:** بالاترین رکن بازار اوراق بهادار است که تصویب سیاست‌های کلان آن بازار را برعهده دارد.
۳۳. **اعضای "شورا"** به شرح ذیل می‌باشد:
۱. وزیر امور اقتصادی و دارایی
 ۲. وزیر بازرگانی
 ۳. رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
 ۴. رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون
 ۵. رییس "سازمان" که به‌عنوان دبیر "شورا" و سخنگوی "سازمان" نیز انجام وظیفه خواهد کرد
 ۶. دادستان کل کشور یا معاون وی
 ۷. یک نفر نماینده از طرف "کانون"ها
 ۸. سه نفر خبره مالی منحصراً از بخش خصوصی با مشورت تشکل‌های حرفه‌ای بازار اوراق بهادار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیئت وزیران
 ۹. یک نفر خبره منحصراً از بخش خصوصی به پیشنهاد وزیر ذی‌ربط و تصویب هیئت وزیران برای هر "بورس کالایی"

جدول شورا	
واژه کلیدی	شرح
وزیر امور اقتصادی و دارایی	ریاست شورا
مدت مأموریت پنج‌سال آنان را نمی‌توان از میان اعضای هیئت‌مدیره و کارکنان "سازمان" انتخاب کرد.	اعضای موضوع بندهای ۷، ۸ و ۹
انتخاب مجدد آنان حداکثر برای دو دوره امکان‌پذیر خواهد بود.	
اعضای موضوع بند ۹، فقط در جلسات مربوط به تصمیم‌گیری همان بورس شرکت می‌کنند.	

۳۴. وظایف اعضا "شورا" و هیئت مدیره "سازمان" به شرح زیر می‌باشد:

وظایف و اختیارات هیئت مدیره سازمان	وظایف شورا
۱. تهیه آیین‌نامه‌های لازم برای اجرای این قانون و پیشنهاد آن به شورا.	۱. اتخاذ تدابیر لازم جهت ساماندهی و توسعه بازار اوراق بهادار و اعمال نظارت عالی بر اجرای این قانون.
۲. تهیه و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی این قانون.	۲. تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی بازار اوراق بهادار در قالب سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مربوط.
۳. نظارت بر حسن اجرای این قانون و مقررات مربوط.	۳. پیشنهاد آیین‌نامه‌های لازم برای اجرای این قانون جهت تصویب هیئت وزیران.
۴. ثبت و صدور مجوز "عرضه عمومی" اوراق بهادار و نظارت بر آن.	۴. تصویب ابزارهای مالی جدید.
۵. درخواست صدور، تعلیق و لغو مجوز تأسیس "بورس"ها و سایر نهادهایی که تصویب آن‌ها بر عهده "شورا"ست.	۵. صدور، تعلیق، و لغو مجوز فعالیت "بورس"ها، "بازارهای خارج از بورس"، "شرکت‌های سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه" و "شرکت‌های تأمین سرمایه".
۶. صدور، تعلیق و لغو مجوز تأسیس "کانون‌ها" و "نهادهای مالی" موضوع این قانون که در حوزه عمل مستقیم "شورا" نیست.	۶. تصویب بودجه و صورت‌های مالی "سازمان".
۷. تصویب اساسنامه "بورس‌ها"، "کانون‌ها"، و "نهادهای مالی" موضوع این قانون.	۷. نظارت بر فعالیت و رسیدگی به شکایت از "سازمان".
۸. اتخاذ تدابیر لازم جهت پیش‌گیری از وقوع تخلفات در بازار اوراق بهادار.	۸. تصویب نوع و میزان وصولی‌های "سازمان" و نظارت بر آن‌ها.
۹. اعلام آن‌دسته از تخلفات در بازار اوراق بهادار که اعلام آن‌ها طبق این قانون بر عهده "سازمان" است به مراجع ذی‌صلاح و پی‌گیری آن‌ها.	۹. انتخاب بازرس/حسابرس "سازمان" و تعیین حق‌الزحمه آن.
۱۰. ارائه صورت‌های مالی و گزارش‌های ادواری در مورد عملکرد "سازمان" و همچنین وضعیت بازار اوراق بهادار به "شورا".	۱۰. انتخاب اعضای هیئت مدیره "سازمان".
۱۱. اتخاذ تدابیر ضروری و انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران در بازار اوراق بهادار.	۱۱. تعیین حقوق و مزایای رییس و اعضای هیئت مدیره "سازمان".
۱۲. ایجاد هماهنگی‌های لازم در بازار اوراق بهادار و همکاری با سایر نهادهای سیاست‌گذاری و نظارتی.	۱۲. انتخاب اعضای "هیئت داور" و تعیین حق‌الزحمه آنان.
۱۳. پیشنهاد به کارگیری "ابزارهای مالی" جدید در بازار اوراق بهادار به شورا.	۱۳. اعطای مجوز به "بورس" به منظور عرضه اوراق بهادار شرکت‌های پذیرفته شده خود در بازارهای خارجی.
۱۴. نظارت بر سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در "بورس".	۱۴. اعطای مجوز پذیرش اوراق بهادار خارجی به "بورس".
۱۵. تهیه بودجه و پیشنهاد انواع درآمدها و نرخ‌های خدمات "سازمان" جهت تصویب توسط "شورا".	۱۵. اعطای مجوز به "بورس" جهت معاملات اشخاص خارجی در "بورس".

۱۶. تصویب سقف نرخ‌های خدمات و کارمزدهای "بورس"، و سایر "نهادهای مالی" موضوع این قانون.	۱۶. سایر اموری که به تشخیص هیئت‌وزیران، به بازار اوراق بهادار مربوط باشد.
۱۷. صدور تأییدنامه "سازمان" قبل از ثبت شرکت‌های سهامی عام نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و نظارت "سازمان" بر آن شرکت‌ها.	
۱۸. بررسی و نظارت بر افشای اطلاعات بااهمیت توسط شرکت‌های ثبت‌شده نزد "سازمان".	
۱۹. همکاری نزدیک و هماهنگی با مراجع حسابداری به‌ویژه هیئت تدوین استانداردهای حسابرسی.	
۲۰. انجام تحقیقات کلان و بلندمدت برای تدوین سیاست‌های آتی بازار اوراق بهادار.	
۲۱. همکاری و مشارکت با مراجع بین‌المللی و پیوستن به سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی.	
۲۲. انجام سایر اموری که از طرف "شورا" به "سازمان" محول شده باشد.	

تبصره - مصوبات شورا پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی لازم‌الاجراء خواهد بود.

۳۵. **سازمان**؛ مؤسسه عمومی غیردولتی است که دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل بوده و از محل کارمزدهای دریافتی و سهمی از حق پذیرش شرکت‌ها در "بورس"‌ها و سایر درآمدها اداره خواهد شد. منابع لازم برای آغاز فعالیت و راه‌اندازی سازمان یادشده از محل وجوه امانی شورای بورس نزد سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران تأمین می‌شود.

۳۶. **هیئت‌مدیره "سازمان"**: دارای ۵ عضو است که از میان افراد امین و دارای حسن شهرت و تجربه در رشته مالی منحصراً از کارشناسان بخش غیردولتی به پیشنهاد رئیس "شورا" و با تصویب "شورا" انتخاب می‌شوند. رئیس "شورا" حکم اعضای هیئت‌مدیره را صادر می‌کند.

جدول هیئت مدیره سازمان	
واژه کلیدی	شرح
از بین اعضای هیئت‌مدیره به پیشنهاد اعضا و تصویب "شورا" برای مدت سی‌ماه تعیین خواهد شد.	رییس هیئت‌مدیره
"رییس" سازمان و بالاترین مقام اجرایی آن خواهد بود.	
وظایف و حدود اختیارات رییس "سازمان" در اساسنامه "سازمان" تعیین خواهد شد.	
انتخاب مجدد آنان برای یک دوره پنج‌سال است. دیگر بلامانع است.	مدت عضویت هر یک از اعضای هیئت‌مدیره
اشتغال اعضای هیئت‌مدیره به صورت موظف و تمام‌وقت بوده و به هیچ‌وجه حق اشتغال یا پذیرش مسئولیت دیگری در سایر دستگاه‌ها، بنگاه‌ها و نهادها اعم از دولتی و غیردولتی را نخواهند داشت. (در صورت برکناری، فوت و یا استعفا جانشین وی برای مدت باقی‌مانده، ظرف پانزده‌روز)	

۳۷. اعضای هیئت‌مدیره قبل از شروع به کار در "سازمان" موظف‌اند در جلسه "شورا" سوگند یاد کنند که وظایف قانونی خود را به نحو احسن انجام دهند و در انجام وظایف نهایت دقت و بی‌طرفی را به کار برند و کلیه تصمیماتی را که می‌گیرند مقرون به صلاح کشور بوده و رعایت حفظ اسرار "سازمان" و هیئت‌مدیره را بنمایند. متن سوگندنامه در اساسنامه "سازمان" مندرج خواهد شد.
۳۸. حقوق و مزایای رییس و اعضای هیئت‌مدیره "سازمان" از محل بودجه "سازمان" پرداخت می‌شود. حق حضور اعضای غیردولتی "شورا" در جلسات شورا، به پیشنهاد رئیس "شورا" و با تصویب "شورا" تعیین و از محل بودجه "سازمان" پرداخت می‌شود.
۳۹. در بدو انتصاب و خاتمه عضویت، اعضای هیئت‌مدیره باید فهرست دارایی‌های خود، همسر، و افراد تحت تکفل خود را به "شورا" گزارش نمایند.
۴۰. حسابرس/بازرس "سازمان"، از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی برای یک‌سال توسط "شورا" انتخاب می‌شود؛ انتخاب حسابرس/بازرس حداکثر برای دو دوره امکان‌پذیر خواهد بود.
۴۱. انجام هر گونه معاملات اوراق بهادار ثبت‌شده یا در شرف ثبت نزد "سازمان" یا هرگونه فعالیت و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در انجام معاملات مذکور توسط اعضای "شورا"، "سازمان"، مدیران و شرکای مؤسسه حسابرسی "سازمان" و نیز اشخاص تحت تکفل آن‌ها ممنوع است.
۴۲. **"عرضه عمومی" اوراق بهادار در "بازار اولیه"** منوط به ثبت آن نزد "سازمان" با رعایت مقررات این قانون می‌باشد، و "عرضه عمومی" اوراق بهادار به هر طریق بدون رعایت مفاد این قانون ممنوع است.
۴۳. ثبت اوراق بهادار نزد "سازمان" به‌منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی و مصوبات "سازمان" و شفافیت اطلاعاتی بوده و به‌منزله تأیید مزایا، تضمین سودآوری و یا توصیه و سفارشی در مورد شرکت‌ها یا طرح‌های مرتبط با اوراق بهادار توسط "سازمان" نمی‌باشد. این موضوع باید در "اعلامیه پذیرهنویسی" قید گردد.
۴۴. ناشر موظف است تقاضای ثبت اوراق بهادار را همراه با "بیانیه ثبت" و "اعلامیه پذیرهنویسی" جهت اخذ مجوز عرضه عمومی به "سازمان" تسلیم نماید.
- تبصره - فرم تقاضای ثبت اوراق بهادار، محتویات "بیانیه ثبت" و "اعلامیه پذیرهنویسی" که باید به "سازمان" تسلیم شود و نیز چگونگی انتشار "اعلامیه پذیرهنویسی" و نحوه هماهنگی بین مرجع ثبت شرکت‌ها و "سازمان" به‌موجب دستورالعملی است که توسط "سازمان" تنظیم و به تأیید "شورا" می‌رسد.
۴۵. "سازمان" پس از بررسی تقاضای ثبت اوراق بهادار و ضمایم آن و اطمینان از انطباق آن‌ها با مقررات، نسبت به تأیید "اعلامیه پذیرهنویسی" اقدام می‌کند.
- تبصره ۱- "عرضه عمومی" اوراق بهادار باید ظرف مدتی انجام پذیرد که "سازمان" تعیین می‌کند. مدت مذکور از سی‌روز تجاوز نخواهد کرد. "سازمان" می‌تواند مدت پذیرهنویسی را با تقاضای "ناشر" و احراز ادله موجه حداکثر به مدت سی روز دیگر تمدید کند.
- تبصره ۲- "ناشر" موظف است حداکثر ظرف پانزده روز پس از اتمام مهلت "عرضه عمومی"، "سازمان" را از نتایج توزیع و فروش اوراق بهادار از طریق‌ی که "سازمان" معین خواهد نمود، مطلع نماید. نحوه برخورد "ناشر" در خصوص عدم فروش کامل، در "اعلامیه پذیرهنویسی" مشخص می‌شود.

تبصره ۳- استفاده از وجوه تأدیه‌شده، پس از تأیید تکمیل فرآیند "عرضه عمومی" توسط "سازمان"، مجاز است.

تبصره ۴- در صورت عدم تکمیل فرآیند "عرضه عمومی"، وجوه گردآوری‌شده باید حداکثر ظرف مدت پانزده روز به سرمایه‌گذاران عودت داده شود.

۴۶. اگر "سازمان" فرم تقاضای تکمیل‌شده و ضmann ارسالی را برای ثبت و اخذ مجوز انتشار اوراق بهادار ناقص تشخیص دهد، طی مدت سی‌روز مراتب را به اطلاع "ناشر" رسانده و درخواست اصلاحیه می‌نماید. "سازمان" در صورت کامل بودن مدارک، موظف است حداکثر ظرف سی‌روز از تاریخ ثبت درخواست در سازمان، مراتب موافقت یا عدم موافقت خود را با ثبت اوراق بهادار به "ناشر" اعلام کند.

۴۷. از تاریخ لازم‌الاجراشدن این قانون، برای ثبت شرکت‌های سهامی عام یا افزایش سرمایه آن‌ها، اجازه انتشار "اعلامیه پذیرهنویسی" توسط مرجع ثبت شرکت‌ها، پس از موافقت "سازمان" صادر می‌شود.

۴۸. از تاریخ لازم‌الاجراشدن این قانون، وظایف و اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موضوع ماده (۴) قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰ به "سازمان" واگذار می‌شود.

تبصره- اوراق مشارکتی که به موجب این قانون معاف از ثبت نزد "سازمان" باشد، از شمول این ماده مستثنی است.

۴۹. اوراق بهادار زیر از ثبت نزد سازمان "معاف" است:

- اوراق مشارکت دولت، بانک مرکزی و شهرداری‌ها
- اوراق مشارکت منتشره توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی
- اوراق بهادار عرضه‌شده در "عرضه‌های خصوصی"
- سهام هر شرکت سهامی عامی که کل حقوق صاحبان سهام آن کمتر از رقم تعیین‌شده توسط "سازمان" باشد.
- سایر اوراق بهاداری که به تشخیص "شورا" نیاز به ثبت نداشته باشند، از قبیل اوراق منتشره توسط سازمان‌ها و مراجع قانونی دیگر.

تبصره- "ناشر" اوراق بهاداری که از ثبت معاف است، موظف است مشخصات و خصوصیات اوراق و نحوه و شرایط توزیع و فروش آن را طبق شرایطی که "سازمان" تعیین می‌کند، به "سازمان" گزارش کند.

۵۰. تأسیس "بورس"ها، "بازارهای خارج از بورس" و "نهادهای مالی" موضوع این قانون منوط به ثبت نزد "سازمان" است و فعالیت آن‌ها تحت نظارت "سازمان" انجام می‌شود.

۵۱. صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیئت‌مدیره و مدیران، حداقل سرمایه، موضوع فعالیت در اساسنامه، نحوه گزارش‌دهی و نوع گزارش‌های ویژه حسابرسی "نهادهای مالی" موضوع این قانون، باید به تأیید "سازمان" برسد.

۵۲. پذیرش اوراق بهادار در "بورس" طبق دستورالعملی است که به پیشنهاد هر "بورس" و به تصویب "سازمان" می‌رسد. "بورس" مجاز به پذیرش اوراق بهاداری نیست که نزد "سازمان" ثبت نشده است.

تبصره- اوراق بهادار معاف از ثبت از شمول این ماده مستثنی است.

۵۳. "سازمان" مجاز است با تشخیص شرایط اضطراری، دستور تعطیل و یا توقف انجام معاملات هر یک از "بورس" ها را، حداکثر به مدت سه روز کاری صادر نماید. در صورت تداوم شرایط اضطراری، مدت مزبور با تصویب "شورا" قابل تمدید خواهد بود.
۵۴. شروع به فعالیت "کارگزاری"، "کارگزاری/معامله‌گری" و "بازارگردانی" به هر شکل و تحت هر عنوان، منوط به عضویت در "کانون" مربوط و رعایت مقررات این قانون و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن است.
- تبصره- تازمانی که "کانون" "کارگزاران/معامله‌گران" و "بازارگردانان" تشکیل نشده است، وظایف مربوط به آن "کانون" را "سازمان" انجام می‌دهد. هنگامی که تعداد اعضای "کانون" در سطح کشور به یازده نفر رسید، تشکیل "کانون" "کارگزاران/معامله‌گران" و "بازارگردانان" الزامی است.
۵۵. فعالیت "کارگزاری"، "کارگزاری/معامله‌گری" و "بازارگردانی" در هر "بورس" موقوف به پذیرش در آن "بورس"، طبق دستورالعملی است که به پیشنهاد "بورس" به تأیید "سازمان" می‌رسد.
۵۶. هیئت‌مدیره "بورس" به تخلفات انضباطی "کارگزاران"، "کارگزار/معامله‌گران"، "بازارگردانان"، "ناشران" و سایر اعضای خود از هریک از مقررات این قانون یا آیین‌نامه‌های ذی‌ربط طبق آیین‌نامه انضباطی خود رسیدگی می‌نماید. رأی "بورس" به مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در "سازمان" می‌باشد. رأی "سازمان" قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد.
۵۷. اختلافات بین "کارگزاران"، "بازارگردانان"، "کارگزار/معامله‌گران"، "مشاوران سرمایه‌گذاری"، "ناشران"، سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در "کانون" ها توسط "هیئت داوری" رسیدگی می‌شود.
۵۸. "سازمان" موظف است "بورس" ها، "ناشران" اوراق بهادار، "کارگزاران"، "معامله‌گران" "بازارگردانان"، "مشاوران سرمایه‌گذاری"، و کلیه تشکلهای فعال در بازار سرمایه را ملزم نماید تا براساس استانداردهای حسابداری و حسابرسی ملی کشور، اطلاعات جامع فعالیت خود را انتشار دهند.
۵۹. "ناشر" اوراق بهادار موظف است صورت‌های مالی را طبق مقررات قانونی، استانداردهای حسابداری و گزارش‌دهی مالی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی که توسط "سازمان" ابلاغ می‌شود، تهیه کند.
۶۰. "ناشر"، "شرکت تأمین سرمایه"، حسابرس و "ارزش‌یابان" و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارات وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آن‌ها باشد، متضرر گردیده‌اند.
- تبصره ۱- خسارت‌دیدگان موضوع این ماده، می‌توانند حداکثر ظرف مدت یک‌سال پس از تاریخ کشف تخلف به هیئت‌مدیره "بورس" یا "هیئت داوری" شکایت کنند، مشروط بر این که بیش از سه سال از عرضه عمومی توسط "ناشر" نگذشته باشد.
- تبصره ۲- فقط اشخاصی که اوراق بهادار ناشر موضوع این ماده را قبل از کشف و اعلام تخلف خریده باشند، مجاز به ادعای خسارت می‌باشند.
۶۱. "سازمان" می‌تواند در صورت آگاهی از ارائه اطلاعات خلاف واقع، ناقص یا گمراه‌کننده از طرف "ناشر" در "بیانیه ثبت" یا "اعلامیه پذیره‌نویسی"، "عرضه عمومی" اوراق بهادار را در هر مرحله‌ای که باشد، متوقف کند.

۶۲. هر ناشری که مجوز انتشار اوراق بهادار خود را از "سازمان" دریافت کرده است، مکلف است حداقل موارد زیر را طبق دستورالعمل اجرایی که توسط "سازمان" تعیین خواهد شد، به "سازمان" ارائه نماید:

۱. صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده.

۲. صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای شامل صورت‌های مالی ۶ ماهه حسابرسی شده، و صورت‌های مالی سه ماهه

۳. گزارش هیئت‌مدیره به مجامع و اظهارنظر حسابرس

۴. اطلاعاتی که اثر با اهمیتی بر قیمت اوراق بهادار و تصمیم سرمایه‌گذاران دارد.

۶۳. اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به‌دست آمده یا زیان متحمل‌نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱. هر شخصی که "اطلاعات نهانی" مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آن‌ها به هر عنوان نمایندگی داشته باشد، قبل از انتشار عمومی، مورد استفاده قرار دهد و یا موجبات افشاء و انتشار آن‌ها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید.

۲. هر شخصی که با استفاده از "اطلاعات نهانی" به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید.

۳. هر شخصی که اقدامات وی نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود.

۴. هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون اقدام به انتشار آگهی یا "اعلامیه پذیره‌نویسی" به‌منظور عرضه عمومی اوراق بهادار نماید.

تبصره ۱- اشخاص زیر به عنوان اشخاص دارای "اطلاعات نهانی" شرکت شناخته می‌شوند:

الف) مدیران شرکت شامل اعضای هیئت‌مدیره، هیئت‌عامل، مدیرعامل و معاونان آنان.

ب) بازرسان، مشاوران، حسابداران، حسابرسان و وکلای شرکت.

ج) سهامدارانی که به تنهایی و یا به همراه افراد تحت‌تکفل خود، بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند یا نمایندگان آنان.

د) مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ذی‌ربط یا نمایندگان شرکت‌های مادر (هلدینگ) که مالک حداقل ده درصد سهام یا دارای حداقل یک عضو در هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌پذیر باشند.

ه) سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات و یا موقعیت خود به "اطلاعات نهانی" دسترسی دارند.

تبصره ۲- اشخاص موضوع تبصره یک این ماده موظف‌اند آن بخش از معاملات اوراق بهادار خود را که مبتنی بر "اطلاعات نهانی" نباشد، ظرف پانزده روز پس از انجام معامله، به "سازمان" و "بورس" مربوط گزارش کنند.

۶۴. "کارگزار"، "کارگزار/معامله‌گر"، "بازارگردان" و "مشاور سرمایه‌گذاری" که اسرار اشخاصی را که بر حسب وظیفه از آن‌ها مطلع شده یا در اختیار وی قرار دارد، بدون مجوز افشاء نماید، به مجازات‌های مقرر در ماده (۶۴۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهد شد.

۶۵. اشخاص زیر به حبس تعزیری از یک‌ماه تا شش‌ماه یا به جزای نقدی معادل یک تا سه برابر سود به‌دست آمده یا زیان متحمل‌نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱. هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون تحت هر عنوان به فعالیت‌هایی از قبیل "کارگزاری"، "کارگزار/معامله‌گر" یا "بازارگردانی" که مستلزم اخذ مجوز است مبادرت نماید یا خود را تحت هر یک از عناوین مزبور معرفی کند.
۲. هر شخصی که به موجب این قانون مکلف به ارائه تمام یا قسمتی از اطلاعات، اسناد و یا مدارک مهم به "سازمان" و یا "بورس" مربوط بوده و از انجام آن خودداری کند.
۳. هر شخصی که مسئول تهیه اسناد، مدارک، اطلاعات، "بیانیه ثبت" یا "اعلامیه پذیره‌نویسی" و امثال آن‌ها جهت ارائه به "سازمان" می‌باشد و نیز هر شخصی که مسؤولیت بررسی و اظهار نظر یا تهیه گزارش مالی، فنی یا اقتصادی یا هر گونه تصدیق مستندات و اطلاعات مذکور را برعهده دارد و در اجرای وظایف محوله از مقررات این قانون تخلف نماید.
۴. هر شخصی که عالماً و عامداً هر گونه اطلاعات، اسناد، مدارک یا گزارش‌های خلاف واقع مربوط به اوراق بهادار را به هر نحو مورد سوءاستفاده قرار دهد.
۶۶. هیچ سهامدار حقیقی یا حقوقی، نمی‌تواند بیش از دو و نیم درصد (۲/۵٪) از سهام "بورس" را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت داشته باشد.
۶۷. هیچ سهامدار حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند بیش از پنج درصد (۵٪) از سهام "شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه" را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت داشته باشد.
۶۸. قانون فوق مشتمل بر شصت ماده و بیست و نه تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ اول آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

(۲) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید

اصطلاحات و واژه‌های کاربردی؛

الف - گواهی سرمایه‌گذاری؛ اوراق بهادار متحدالشکلی است که توسط صندوق سرمایه‌گذاری منتشر و در ازای سرمایه‌گذاری اشخاص در صندوق با درج مشخصات صندوق و سرمای‌هگذار و مبلغ سرمایه‌گذاری به آن‌ها ارائه می‌شود.

ب - سهام شناور آزاد؛ بخشی از سهام شرکت است که دارندگان آن همواره آماده عرضه و فروش آن سهام می‌باشند، و قصد ندارند با حفظ آن قسمت از سهام، در مدیریت شرکت مشارکت نمایند.

ج - سازمان بورس و اوراق بهادار؛ سازمانی است که به موجب قانون "بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران" مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ تشکیل شده است و در این قانون "سازمان" نامیده می‌شود.

د - نهاد واسط؛ یکی از نهادهای مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند با انجام معاملات موضوع عقود اسلامی نسبت به تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار اقدام نماید.

ه - صندوق سرمایه‌گذاری؛ نهادی مالی است که منابع مالی حاصل از انتشار گواهی سرمایه‌گذاری را در موضوع فعالیت مصوب خود سرمایه‌گذاری می‌کند.

ضوابط و موارد اجرایی؛

۱. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است صرفاً با مجوز سازمان، صندوق بازنشستگی و صندوق سرمایه‌گذاری^۱ و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک موضوع بند (۱) ماده (۱۴) قانون "ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن" و سایر صندوق‌هایی را که به موجب مقررات قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران نهاد مالی محسوب می‌شوند، ثبت نماید. این صندوق‌ها از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌باشند.
 ۲. در ازای سرمایه‌گذاری، گواهی سرمایه‌گذاری با نام صادر می‌شود.
 ۳. مسئولیت سرمایه‌گذاران در این صندوق‌ها محدود به میزان مبلغ سرمایه‌گذاری آن‌ها است.
 ۴. تأسیس، ثبت، فعالیت، انحلال و تصفیه صندوق‌ها طبق ضوابط زیر خواهد بود:
- ۴.۱. مدت فعالیت این صندوق‌ها باید متناسب با نوع فعالیت صندوق در اساسنامه قید شود؛

^۱ موضوع بندهای ۱۹ و ۲۰ ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران.

۴,۲. حداقل سرمایه لازم برای تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری پنج میلیارد (۵۰۰۰ ر ۵۰۰۰ ر ۵۰۰۰) ریال می‌باشد. شورای عالی بورس و اوراق بهادار می‌تواند حداقل سرمایه لازم برای تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری را با در نظر گرفتن تغییرات نرخ تورم افزایش دهد.

۴,۳. متغیر یا ثابت بودن سرمایه و همچنین قابلیت و نحوه نقل و انتقال گواهی سرمایه‌گذاری صندوق‌ها از طریق صدور و ابطال و یا خرید و فروش باید در اساسنامه صندوق قید شود.

۴,۴. صندوق به موجب ترتیباتی که در اساسنامه پیش بینی می‌شود باید حداقل یک رکن اداره کننده و یک رکن ناظر به عنوان بازرس / حسابرس داشته باشد.

۴,۵. وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های ارکان مذکور و سایر ارکان از قبیل ضامن بر عهده اشخاص حقوقی واجد شرایطی خواهد بود که باید در صندوق قبول سمت نمایندند. حدود مسئولیت و اختیارات هر یک از ارکان در اساسنامه تعیین می‌شود. رکن اداره کننده را می‌توان از بین اشخاص حقیقی واجد شرایط تعیین کرد.

۴,۶. نحوه تصفیه صندوق در پایان مدت فعالیت و یا انحلال آن به موجب شرایط مندرج در اساسنامه بوده و مدیر صندوق مدیر تصفیه نیز می‌باشد مگر اینکه شرایط لازم برای اداره صندوق را از دست بدهد.

❖ اداره صندوق‌های سرمایه‌گذاری طبق اساسنامه آنها می‌باشد.

۵. هرگونه اختلاف ناشی از سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها و فعالیت آن‌ها و نیز اختلاف بین ارکان صندوق، در هیئت داورى موضوع قانون "بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران" رسیدگی می‌شود.

۶. تبصره (۱) ماده (۱۴۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن حذف و تبصره‌های (۲) و (۳) به عنوان تبصره‌های (۱) و (۲) ابقاء گردید:

۶,۱. معادل ده درصد (۱۰٪) از مالیات بردرآمد حاصل از فروش کالاهایی که در بورس‌های کالایی پذیرفته شده و به فروش می‌رسد و ده درصد (۱۰٪) از مالیات بردرآمد شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای معامله در بورسهای داخلی یا خارجی پذیرفته می‌شوند و پنج درصد (۵٪) از مالیات بردرآمد شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای معامله در بازار خارج از بورس داخلی یا خارجی پذیرفته می‌شوند، از سال پذیرش تا سالی که از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در این بورسها یا بازارها حذف نشد هاند با تأیید سازمان بخشوده می‌شود. شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای معامله در بورسهای داخلی یا خارجی یا بازارهای خارج از بورس داخلی یا خارجی پذیرفته شود در صورتی که در پایان دوره مالی به تأیید سازمان حداقل بیست درصد (۲۰٪) سهام شناور آزاد داشته باشند معادل دو برابر معافیت‌های فوق از بخشودگی مالیاتی برخوردار خواهند شد.

۷. متن زیر به عنوان ماده (۱۴۳) مکرر و چهار تبصره ذیل آن به قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ الحاق می‌شود؛

۷,۱. از هر نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام شرکت‌ها اعم از ایرانی و خارجی در بورس‌ها یا بازارهای خارج از بورس دارای مجوز، مالیات مقطوعی به میزان نیم درصد (۰.۵٪) ارزش فروش سهام و حق تقدم سهام وصول خواهد شد و از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بردرآمد و نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام و مالیات بر ارزش افزوده خرید و فروش مطالبه نخواهد شد. کارگزاران بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس مکلف‌اند مالیات یاد شده را به هنگام هر انتقال از انتقال دهنده وصول و به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند و ظرف ده روز از تاریخ انتقال رسید آن را به همراه فهرستی حاوی تعداد و مبلغ فروش سهام و حق تقدم مورد انتقال به اداره امور مالیاتی محل ارسال کنند.

تبصره ۱: تمامی درآمدهای صندوق سرمایه گذاری در چهارچوب این قانون و تمامی درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری در اوراق بهادار موضوع بند (۲۴) ماده یک (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ و درآمدهای حاصل از نقل و انتقال این اوراق یا درآمدهای حاصل از صدور و ابطال آن‌ها از پرداخت مالیات بردرآمد و مالیات بر ارزش افزوده موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌باشد و از بابت نقل و انتقال آن‌ها و صدور و ابطال اوراق بهادار یاد شده مالیاتی مطالبه نخواهد شد.

تبصره ۲: سود و کارمزد پرداختی یا تخصیصی اوراق بهادار موضوع تبصره (۱) این ماده به استثناء سود سهام و سهم شرکت‌ها و سود گواه بهای سرمایه گذاری صندوقها، مشروط به ثبت اوراق بهادار یاد شده نزد سازمان جزء هزینه‌های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات ناشر این اوراق بهادار محسوب می‌شود.

تبصره ۳: در صورتی که هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم ایران که سهامدار شرکت پذیرفته شده در بورس یا بازار خارج از بورس، سهام یا حق تقدم خود را در بورس‌ها یا بازارهای خارج از بورس خارجی بفروشد، از این بابت هیچگونه مالیاتی در ایران دریافت نخواهد شد.

تبصره ۴- صندوق سرمایه گذاری مجاز به هیچگونه فعالیت اقتصادی دیگری خارج از مجوزهای صادره از سوی سازمان نمی‌باشد.

۸. در ماده (۱۰۴) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم "بورس‌ها، بازارهای خارج از بورس و کارمزد معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالا در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس" قبل از کلمه "بانک‌ها" و کلمه "قرارداد" قبل از عبارت "حمل و نقل" اضافه شود.

۹. بند (۱۱) ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده به شرح زیر اصلاح می‌گردد؛

«خدمات بانکی و اعتباری بانک‌ها، مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه مجاز و خدمات معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالا در بورس و بازارهای خارج از بورس».

۱۰. معاملات کالا و اوراق بهادار در بورس‌های کالایی و کلیه فعالیت‌های اشخاص در آن‌ها مشمول احکام مندرج در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران بوده و مرتکبان جرائم مندرج در ذیل فصل مذکور با رعایت ماده (۵۲) همان قانون تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

۱۱. نهاد واسط از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض نقل و انتقال و مالیات بردرآمد آن دسته از دارایی‌هایی که تأمین مالی آن از طریق انتشار اوراق بهادار به عموم صورت می‌گیرد معاف است. وجوه حاصل از اقدامات تأمین مالی که از طریق انتشار اوراق بهادار توسط این‌گونه نهادها صورت می‌گیرد، باید در حساب خاصی متمرکز شود و هرگونه برداشت از این حساب باید تحت نظارت و با تأیید سازمان انجام گیرد. دستورالعمل مربوط به فعالیت نهادهای واسط ظرف مدت سه ماه به پیشنهاد سازمان به تصویب شورای عالی بورس و اوراق بهادار خواهد رسید.

۱۲. درآمد حاصل از فروش دارایی به نهاد واسط برای تأمین مالی از طریق عرضه عمومی اوراق بهادار معاف از مالیات است و به نقل و انتقال آن هیچ‌گونه مالیات و عوارضی تعلق نمی‌گیرد. هزینه استهلاک ناشی از افزایش ارزش دارایی در خرید مجدد همان دارایی توسط فروشنده به هر نحوی که باشد جزء هزینه‌های قابل قبول مالیاتی نخواهد بود.

۱۳. مدیران نهادهای مالی، ناشران اوراق بهادار و تشکلهای خودانتظام شامل اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر بوده و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبردگان، مرجع انتخاب‌کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت‌های یاد شده خودداری نموده و یا مدیران انتخاب شده را از آن سمت برکنار نماید. شرایط و معیارهای صلاحیت حرفه‌ای مدیران مذکور صرفاً از حیث تحصیلات و سوابق تجربی مرتبط و همچنین نحوه سلب صلاحیت آن‌ها توسط سازمان، به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۱۴. ناشران اوراق بهادار، نهادهای مالی و تشکلهای خودانتظام و نیز اشخاصی که به عنوان مدیران آن‌ها انتخاب می‌شوند، در صورت نقض قوانین و مقررات مربوط به فعالیت هر یک از آن‌ها متخلف محسوب شده و سازمان علاوه بر اقدامات انضباطی مندرج در مواد (۷) و (۳۵) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران نسبت به اخذ جریمه نقدی از متخلفین از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اقدام و به حساب خزانه واریز نماید. آئین‌نامه مربوط به تعیین میزان جرائم (نقدی متناسب با عمل ارتكابی به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و دادگستری تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۱۴,۱. مبالغ جزای نقدی هر سه سال یک بار متناسب با رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی اعلام می‌شود با پیشنهاد شورای عالی بورس و اوراق بهادار و تصویب هیئت وزیران تعدیل می‌شود.

۱۴,۲. آراء صادره در خصوص جریمه‌ها لازماً اجرا بوده و از طریق دوائر اجرای ثبت و اجرای احکام دادگاه‌ها قابل وصول است.

۱۴,۳. قوه قضائیه می‌تواند گزارش سازمان در خصوص وقوع جرائمی که آن سازمان به عنوان شاکی و در اجرای ماده (۵۲) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران نسبت به طرح شکایت در مراجع ذی صلاح قضائی اقدام می‌نماید را در حکم گزارش ضابطان دادگستری تلقی نماید. کارکنان سازمان در اجرای دستورات قضائی مربوط به جرائم مذکور کلیه اختیارات و مسئولیت‌هایی را که برای ضابطان دادگستری در قانون آئین دادرسی کیفری تصریح یا بیان شده است دارا می‌باشند. کارکنان مرتبط با معرفی رئیس سازمان و حکم دادستان تعیین می‌شوند.

۱۵. در صورتی که اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس و یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا که در بورس کالا پذیرفته‌ام می‌شود متضمن سود مصوب، سررسید شده یا تضمین شده باشد، باید به موقع و در چهارچوب مقررات توزیع و پرداخت شود. در صورت خودداری ناشران و شکایت‌سازان اوراق بهادار یا سازمان، موضوع در هیئت داوری قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران طرح و آراء صادره در ای نخصوص از طریق اجرای احکام دادگاه‌ها قابل اجرا است.

۱۶. در صورت درخواست سازمان، کلیه اشخاص تحت نظارت از قبیل ناشران، نهادهای مالی و تشکلهای خودانتظام موظف‌اند اسناد، مدارک، اطلاعات و گزارش‌های مورد نیاز برای انجام وظایف و مسئولیت‌های قانونی سازمان را ارائه کنند. سازمان می‌تواند نسبت به ارائه اطلاعات، اسناد، مدارک و گزارش‌های مذکور به مراجع و نهادهای ذیصلاح داخلی و یا بین‌المللی با موافقت دادستان کل در چهارچوب صلاحیت‌های قانونی آن‌ها اقدام نماید. مدیران اشخاص حقوقی تحت نظارت در صورت خودداری از انجام موارد فوق به مجازات مندرج در صدر ماده (۴۹) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران محکوم می‌شوند.

۱۶,۱. در صورتی که ارائه دهنده اطلاعات، اسناد، مدارک و گزارش اعلام نماید که موارد ارائه شده جزء اسرار تجاری وی محسوب و غیرقابل انتشار می‌باشد، موضوع در هیئت مدیره سازمان مطرح و تصمیم‌گیری می‌شود. تصمیم هیئت مدیره سازمان در خصوص موضوع لازم‌الاتباع و مبنای اقدام خواهد بود.

۱۶,۲. اسرار تجاری محرمانه تلقی شده و در صورت افشای آن، سازمان مسئول جبران ضرر و زیان وارده به ارائه دهنده اسناد، مدارک و اطلاعات می‌باشد مشروط بر اینکه افشای اسرار تجاری توسط سازمان و در غیر موارد قانونی صورت گرفته باشد.

۱۶,۳. دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها از شمول تکالیف مربوط به ناشران اوراق بهادار مستثنی هستند.

۱۷. خرید و فروش کالاهای پذیرفته شده در بورس های کالایی که با رعایت مقررات حاکم بر آن بورسها مورد دادوستد قرار می‌گیرند توسط وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های دولتی و عمومی و دستگاه‌های اجرایی نیاز به برگزاری مناقصه یا مزایده و تشریفات مربوط به آنها ندارد.

۱۸. دولت مکلف است کالای پذیرفته شده در بورس را از نظام قیمت گذاری خارج نماید.

۱۸,۱. دارو از شمول این ماده مستثنی است.

۱۹. لایحه فوق مشتمل بر هجده ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و پنجم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

(۳) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

فصل پنجم - اقتصادی

ماده ۱۱۹ - دولت موظف است در راستای هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف‌سازی حمایت‌های مالی اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف - جایگزینی سیاست اعتبار مالیاتی با نرخ صفر به جای معافیت‌های قانونی مالیاتی

ب - ثبت معافیت‌های مالیاتی مذکور به صورت جمعی - خرجی در قوانین بودجه سالانه

تبصره ۱ - به اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول معافیت‌های قانونی مذکور، مالیات تعلق نمی‌گیرد.

تبصره ۲ - تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی است.

ماده ۱۲۰ - سازمان امور مالیاتی مکلف است پایگاه اطلاعات مؤدیان مالیاتی شامل اطلاعات درآمدی و هزینه‌ای اشخاص حقیقی را تا پایان برنامه و اشخاص حقوقی را حداکثر تا پایان سال دوم برنامه به پایان رساند. کلیه دستگاه‌های اجرائی و نهادهای عمومی و ذی‌ربط که اطلاعات مورد نیاز پایگاه فوق را در اختیار دارند موظف‌اند مطابق با دستورالعمل تبادل اطلاعات با حفظ محرمانه‌بودن که توسط وزارت امور اقتصادی و دارائی در سال اول برنامه تنظیم و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، این اطلاعات را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند.

تبصره ۱ - سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است از سال دوم اجرای برنامه به منظور تسهیل در دریافت اظهارنامه‌های مالیاتی و سایر اوراقی که مؤدیان مالیاتی مکلف به تسلیم آن می‌باشند و نیز ابلاغ اوراق مالیاتی برای تمام یا برخی از مؤدیان مذکور از فناوری‌های نوین نظیر خدمات پست الکترونیکی، امضاء الکترونیکی یا سایر روش‌ها استفاده نماید.

تبصره ۲ - سازمان امور مالیاتی موظف است با همکاری مراکز دولتی صدور گواهی الکترونیکی ریشه و براساس ضوابط آن مرکز حداکثر تا پایان سال دوم برنامه نسبت به راه‌اندازی مرکز صدور گواهی الکترونیکی میانی اقدام نماید.

ماده ۱۲۱ - به منظور شفافیت در مبادلات اقتصادی و تشخیص درآمدهای مؤدیان مالیاتی و مالیات بر ارزش افزوده، وزارت بازرگانی مکلف است با هماهنگی سازمان امور مالیاتی کشور و شورای اصناف کشور تا پایان سال دوم برنامه صاحبان مشاغل را براساس اولویت، ملزم به استفاده از سامانه‌های صندوق فروش (مکانیزه فروش) نماید.

معادل هزینه‌های انجام‌شده بابت خرید، نصب و راه‌اندازی دستگاه سامانه صندوق فروش (مکانیزه فروش) توسط صاحبان مشاغل مذکور از درآمد مشمول مالیات مؤدیان مزبور (در اولین

سال استفاده از سامانه‌های مذکور) قابل کسر است. عدم استفاده صاحبان مشاغل از سامانه صندوق فروش (مکانیزه فروش) در هر سال، موجب محرومیت از معافیت‌های مالیاتی مقرر در قانون برای سال مربوط می‌شود.

سازمان امور مالیاتی موظف است به تدریج و براساس اولویت، آن دسته از صاحبان مشاغل که ملزم به استفاده از سامانه صندوق فروش (مکانیزه فروش) هستند را تعیین نماید و تا شهریور ماه هر سال از طریق اطلاع کتبی و رسمی به اتحادیه صنفی مربوطه و نیز درج در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و روزنامه رسمی کشور اعلام و از ابتداء فروردین ماه سال بعد از آن اعمال نماید.

ماده ۱۲۲- مدیران اشخاص حقوقی غیردولتی به طور جمعی یا فردی، نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و همچنین مالیات‌هایی که اشخاص حقوقی به موجب مقررات قانون مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده مکلف به کسر یا وصول یا ایصال آن بوده و مربوط به دوران مدیریت آن‌ها باشد با شخص حقوقی مسؤولیت تضامنی خواهند داشت. این مسؤولیت مانع از مراجعه ضامن‌ها به شخص حقوقی نیست.

فصل نهم - بودجه و نظارت

ماده ۲۱۳- به منظور حسن اجرای قانون برنامه و ارزیابی میزان پیشرفت کشور در چهارچوب سیاست‌های کلی برنامه، دستگاه‌های اجرائی مکلف‌اند تا پایان شهریور ماه هر سال گزارشی از عملکرد هر یک از مواد ذی‌ربط سال قبل را به معاونت تسلیم نمایند.

معاونت موظف است گزارش عملکرد مذکور را همراه با نظرات خود و بررسی مواد برنامه و شاخص‌ها و متغیرهای مربوطه به رئیس‌جمهور ارائه نماید. رئیس‌جمهور مکلف است گزارش مذکور را همزمان با لایحه بودجه سالیانه تا پانزدهم آذرماه هر سال به مجلس شورای اسلامی ارائه و خلاصه آن را در جلسه علنی به اطلاع نمایندگان برساند.

ماده ۲۱۴- دولت موظف است به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با رعایت قانون نحوه اجرای اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی اقدامات زیر را به اجرا درآورد:

الف - نظام فنی و اجرائی مصوب ۱۳۸۵ را با رویکردهای نتیجه‌گرا و کنترل هر سه عامل هزینه، زمان و کیفیت در اجرای پروژه، تا سال سوم برنامه اصلاح و از سال چهارم به مورد اجرا گذارد.

ب - روش‌های اجرائی مناسب از قبیل «تأمین منابع مالی، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری»، «تأمین منابع مالی، ساخت و بهره‌برداری»، «طرح و ساخت کلید در دست»، «مشارکت بخش عمومی - خصوصی» و یا «ساخت، بهره‌برداری و مالکیت» را با پیش‌بینی تضمین‌های کافی به کارگیرد.

ج - از ابتدای سال دوم برنامه نظام مدیریت کیفیت و مهندسی ارزش را در طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای بزرگ و متوسط اجرا کند.

د - ساز و کار تأمین مالی طرح‌های تملک دارائی سرمایه‌ای بزرگ و متوسط از طریق گشایش اعتبارات اسنادی ریالی و ارزی نزد بانک‌های داخلی و خارجی همراه با پیش‌بینی ابزارهای مالی تضمینی را به تدریج به گونه‌ای پیاده کند که در پایان برنامه رابطه تأمین منابع مالی و اجرای طرح‌های فوق با نوسانات بودجه سالانه کاهش یابد.

ه - استانداردهای ملی حسابداری و حسابرسی طرح‌های تملک دارائی سرمایه‌ای و قیمت تمام‌شده را که توسط وزارت اموراتقتصادی و دارائی تهیه و توسط معاونت تأیید و ابلاغ می‌گردد از ابتدای سال دوم برنامه در طرح‌های بزرگ و متوسط پیاده کند.

ماده ۲۱۵ - پیشنهاد طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه‌ای جدید در لویج بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر است:

الف - عناوین، اهداف کمی و اعتبارات طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه‌ای جدید با رعایت مواد (۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه براساس گزارش توجیهی فنی (حجم کار، زمانبندی اجرا)، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی و رعایت پدافند غیرعامل از سوی مشاور و دستگاه اجرائی پس از تأیید معاونت برای یک بار و به قیمت ثابت سالی که طرح‌های مورد نظر برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور می‌گردد به تفکیک سالهای برنامه و سالهای بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

تبصره - سازمان حفاظت محیط‌زیست موظف است استانداردهای زیست‌محیطی را در شش ماهه اول سال اول برنامه به معاونت جهت ابلاغ به دستگاه‌های اجرائی و شرکت‌های مهندسی مشاور به منظور رعایت مفاد آن در طراحی طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه‌ای خود اعلام نماید.

ب - مبادله موافقتنامه‌های طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه‌ای مشتمل بر اهداف طرح، شرح عملیات، اعتبارات مصوب، پیشرفت فیزیکی و مشخصات فنی مورد نیاز فقط یک بار در دوران برنامه انجام می‌پذیرد این موافقتنامه‌ها برای دوران برنامه معتبر و ملاک عمل خواهد بود. اطلاعات ضروری در خصوص موارد فوق در اصلاحیه موافقتنامه‌ها نیز درج می‌گردد.

تبصره - اعتبارات مورد نیاز طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه‌ای برای سالهای باقی‌مانده اجرای طرح در برنامه با اعمال ضرایب تعدیل محتمل محاسبه و توسط معاونت منظور می‌شود.

ج - موافقتنامه‌هایی که برای انطباق میزان اعتبارات سالانه طرحها با قوانین بودجه سنواتی مبادله می‌گردند جنبه اصلاحی داشته و نباید موجب افزایش اهداف و تعداد پروژه‌های طرح شوند. موارد استثناء که منجر به تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها می‌شوند با پیشنهاد دستگاه اجرائی ذی‌ربط و تأیید معاونت و تصویب هیأت وزیران با رعایت مفاد بند (الف) این ماده بلامانع است.

د - مبادله موافقتنامه‌های طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای محرمانه و بخش دفاع تابع دستورالعملی است که به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و معاونت به تأیید هیأت وزیران می‌رسد.

ه - معاونت موظف است خلاصه‌ای از جمع‌بندی گزارش‌های توجیهی طرح‌هایی که از منابع عمومی تأمین مالی می‌شود، به استثناء طرح‌های دفاعی و امنیتی را یک سال پس از تصویب از طریق وبگاه معاونت در دسترس عموم کارشناسان و پژوهشگران قرار دهد.

و - تصویب طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای جدید در هر فصل توسط معاونت، منوط به تأمین اعتبار کامل برای طرح‌های مزبور است به طوری که اعتبار سال اول اجرای طرح جدید از نسبت کل اعتبار مورد نیاز به مدت زمان اجرای طرح (برحسب سال) کمتر نگردد. اعتبارات طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای در ابتدای برنامه با در نظر گرفتن پیش‌بینی نرخ تورم در دوران برنامه برآورد می‌گردد و اعتبارات پیش‌بینی شده اصلاح و یا تغییر طرح برای هر فصل و دستگاه تا پایان سال آخر برنامه فقط در حد انحراف نرخ تورم واقعی از نرخ پیش‌بینی شده مجاز است.

ماده ۲۱۶-

الف - تخصیص اعتبار، تعهد و پرداخت در اجرای موافقتنامه‌های متبادله با دستگاه‌های اجرائی، مشروط به رعایت شرح عملیات و فعالیت‌های موضوع موافقتنامه و شروط الزام‌آوری که به منظور اعمال نظارت بیشتر بر اجرای برنامه و بودجه توسط معاونت درج می‌شود، خواهد بود. شروط یادشده نباید مغایر قانون باشد.

ب - متناسب با وظایف و اختیارات واگذار شده آن بخش از اعتبارات هزینه‌ای دستگاه که با توجه به واگذاری وظایف، هزینه‌کرد آن توسط دستگاه موضوعیت ندارد با پیشنهاد معاونت و تصویب هیأت وزیران به استان‌ها یا دستگاه‌های دیگر حسب مورد واگذار می‌گردد.

ج - به دولت اجازه داده می‌شود برای پیش‌آگاهی، پیشگیری، امدادسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، تگرگ، طوفان، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و بیماری‌های همه‌گیر انسانی و دامی، تا معادل دو درصد (۲٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه تأمین و هزینه نماید. تنخواه مذکور حداکثر تا پایان همان سال از محل صرفه‌جویی در اعتبارات عمومی و یا اصلاح بودجه سالانه تسویه می‌شود. در هر حال برداشت و هزینه از محل تنخواه‌گردان خزانه در اجرای قوانین و مقررات منوط به تأیید معاونت است.

د - در مورد آراء حل اختلاف دستگاه‌های اجرائی که در اجرای اصول یکصد و سی و چهارم (۱۳۴) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی و یا در اجرای قوانین و مقررات مربوط صادر می‌شود چنانچه به هر دلیل دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط از اجرای تصمیم مرجع حل اختلاف

خودداری نماید معاونت مطابق رأی مرجع مذکور، بدون الزام به رعایت محدودیت‌های جابه‌جایی در بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای، از بودجه سنواتی دستگاه مربوط کسر و به بودجه دستگاه اجرائی ذی‌نفع اضافه و یا با مطالبات تهاثر می‌نماید.

ماده ۲۱۷- کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی موظف‌اند برنامه‌های اجرائی و عملیاتی خود را در قالب بسته‌های اجرائی برنامه ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه کنند. این بسته‌ها که پس از تصویب هیأت وزیران جهت اطلاع به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود، مبنای تنظیم و تصویب بودجه سنواتی دستگاه قرار می‌گیرد.

تبصره - بسته اجرائی مجموعه‌ای از چندین پروژه به هم پیوسته و یا خوشه‌ای از پروژه‌های متجانس و به هم مرتبط اولویت‌دار است که به منظور حل یک مشکل اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی در چهارچوب اهداف برنامه به اجرا درمی‌آید.

ماده ۲۱۸- کلیه شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) قانون مدیریت خدمات کشوری که فهرست آن‌ها توسط دولت تعیین می‌شود و نیز شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس مکلف‌اند از سال دوم برنامه و حداقل یک بار تا پایان برنامه از طریق سازمان حسابرسی و یا مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران حسب مورد در جهت افزایش صرفه اقتصادی، کارآیی و اثربخشی فعالیت شرکت‌ها و افزایش قابلیت اعتماد گزارش‌های مالی نسبت به انجام حسابرسی عملیاتی اقدام نمایند. هیأت مدیره این شرکت‌ها مسؤولیت اجرای این بند را به عهده دارند.

تبصره ۱- شرکت‌هایی که بر اساس مصوبه دولت دارای طبقه‌بندی می‌باشند از شمول این ماده مستثنی می‌شوند.

تبصره ۲- سازمان حسابرسی مکلف است چهارچوب و استانداردهای حسابرسی عملیاتی را ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون تهیه و ابلاغ نماید.

ماده ۲۱۹- به منظور استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی، دولت موظف است تا پایان سال دوم برنامه به تدریج زمینه‌های لازم را برای تهیه بودجه به روش عملیاتی در کلیه دستگاه‌های اجرائی فراهم آورد به نحوی که لایحه بودجه سال سوم برنامه به روش مذکور تهیه، تدوین و تقدیم مجلس شورای اسلامی شود. دستورالعمل اجرائی توسط معاونت تهیه و ابلاغ می‌شود. همچنین در اجرای بند (۳۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم و استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی، اعتباراتی که براساس قیمت تمام‌شده موضوع ماده (۱۶) قانون مدیریت خدمات کشوری اختصاص می‌یابد پس از پرداخت به واحدهای مربوطه بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی و فقط براساس آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و اداری و استخدامی هزینه می‌گردد که متضمن پیش‌بینی نحوه نظارت بر هزینه‌ها و تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده است و با پیشنهاد معاونت و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۲۰- به دولت اجازه داده می‌شود حسب مورد در چهارچوب شرایط و انواع قراردادهای واگذاری مصوب شورای اقتصاد در خصوص طرح‌های تملک دارائیه‌ای سرمایه‌ای اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف- واگذاری طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای جدید و نیمه‌تمام و تکمیل شده و آماده بهره‌برداری در قالب قراردادها و شرایط مورد تصویب شورای اقتصاد با تعیین نحوه تأمین مالی دوره ساخت (فاینانس)، پرداخت هزینه‌های بهره‌برداری یا خرید خدمات در مدت قرارداد، با رعایت استانداردهای اجرای کیفیت خدمات و نهایتاً واگذاری طرح پس از دوره قرارداد به بخش غیردولتی

ب- واگذاری طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای نیمه‌تمام و تکمیل شده که خدمات آن‌ها قابل عرضه توسط بخش غیردولتی است به صورت نقد و اقساط به بخش غیردولتی

ج- واگذاری حق بهره‌برداری طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای قابل واگذاری و نیز اموال منقول و غیرمنقول و حقوق مالی مازاد بر نیاز دولت و دستگاه‌های اجرائی

د- واگذاری مالکیت و یا بهره‌برداری طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای قابل واگذاری و نیز اموال منقول و غیرمنقول و حقوق مالی مازاد بر نیاز دولت و دستگاه‌های اجرائی

تبصره ۱- درآمد دولت ناشی از اجرای احکام این ماده پس از واریز به خزانه‌داری کل و از محل ردیف خاصی که برای این منظور در قانون بودجه سنواری پیش‌بینی می‌شود و نیز اعتبار ردیف‌های مربوط به طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای در قالب تسهیلات و وجوه اداره‌شده شامل یارانه، سود و کارمزد و یا تسهیلات و کمک و سایر روش‌های تأمین مالی مورد تصویب شورای اقتصاد به طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای و یا تبدیل به احسن نمودن اموال منقول و غیرمنقول در قالب موافقتنامه متبادله با معاونت قابل اختصاص است.

تبصره ۲- کمک‌های بلاعوض موضوع این ماده، درآمد اشخاص تلقی نمی‌شود و مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیست.

ماده ۲۲۱- به منظور ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت و ارتقاء بهره‌وری و برای تقویت مدیریت کشور، شورای دستگاه‌های نظارتی متشکل از دو نفر از مسؤولین نظارتی هر قوه با انتخاب رئیس قوه با حفظ استقلال هر یک از آن‌ها در حدود مقرر در قانون اساسی تشکیل می‌شود.

دستورالعمل اجرائی این ماده و نحوه تشکیل جلسات شورا، نحوه تصمیم‌گیری و نحوه پیگیری تصمیمات، ظرف شش ماه سال اول برنامه به پیشنهاد اعضاء شورا و با توافق سران قواء تعیین می‌گردد.

ماده ۲۲۲- کلیه دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور در موارد مربوط، مشمول مقررات این قانون می‌باشند.

ماده ۲۲۳- در کلیه مواردی که برای اجرای احکام و مواد این قانون و قوانین بودجه سنواتی یا اجرای سایر قوانین در طول برنامه تصویب آئین‌نامه، تصویب‌نامه، دستورالعمل، بسته اجرائی و سایر مقررات نظیر اسناد توسعه ملی و استانی و اسناد راهبردی مربوط به قوه مجریه اعم از مراجع، مقامات و دستگاه‌های اجرائی مورد نیاز باشد، پیشنهاد دستگاه مربوط پس از تأیید معاونت از جهت انطباق با اهداف برنامه و قانون بودجه به تصویب هیأت‌وزیران یا مرجع مربوط در قوه مجریه می‌رسد.

دستگاه‌های اجرائی موظف‌اند کلیه اطلاعات و اسناد و مدارک مربوط را در موارد لازم در اختیار معاونت قرار دهند. اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده مشمول مقررات خاص خود است. دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های معاونت در چهارچوب مفاد این قانون و قانون برنامه و بودجه و قوانین بودجه سنواتی و آئین‌نامه‌های مربوط برای کلیه دستگاه‌های اجرائی لازم‌الاجراء است.

ماده ۲۲۴- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن با اصلاحات و الحاقات زیر برای دوره برنامه پنجم تنفیذ می‌شود:

الف- در ماده (۲) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت بعد از عبارت «شرکت‌های دولتی» عبارت «و شرکت‌های آب و فاضلاب و توزیع برق استانی» اضافه می‌شود.

ب- هر گونه پرداخت توسط خزانه از جمله پرداخت حقوق و مزایای مستمر دستگاه‌های اجرائی و موارد ضروری یا از محل تنخواه‌گردان خزانه فقط با تأیید و تخصیص اعتبار از سوی معاونت مجاز است.

ج- کلیه شرکت‌های دولتی و بانک‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری که در بودجه کل کشور برای آن‌ها سود ویژه پیش‌بینی شده است مکلف‌اند:

۱- در هر ماه معادل یک دوازدهم مالیات پیش‌بینی شده سال مورد نظر خود را بابت مالیات عملکرد همان سال به صورت علی‌الحساب به سازمان امور مالیاتی پرداخت نمایند تا به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل منظور شود.

۲- حداقل چهل درصد (۴۰٪) سود پیش‌بینی شده هر سال را با ساز و کار جزء (۱) این بند به حساب درآمد عمومی واریز نمایند.

شرکت‌های دولتی که قسمتی از سهام آن‌ها متعلق به بخش غیردولتی است، به تناسب میزان سهام بخش غیردولتی، مشمول پرداخت وجوه موضوع این بند نمی‌باشند و سهم بخش غیردولتی از چهل درصد (۴۰٪) سود ابرازی (سود ویژه) مذکور باید توسط شرکت‌های دولتی ذی‌ربط به سهامداران بخش یادشده پرداخت شود.

وصول مبلغ یادشده تابع احکام مربوط و مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن است.

د - مازاد درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های اجرائی از سقف رقم پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی کل کشور به نسبت مقرر در بودجه سنواتی با تأیید معاونت توسط همان دستگاه قابل هزینه است.

ه - در راستای تسهیل انجام امور و تسریع در خدمت‌رسانی به مردم و تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌های اداری و مالی و اجتناب از موازی‌کاری و پاسخگویی مدیران، اختیارات، وظایف و مسؤولیت‌هایی که در قوانین و مقررات برای دستگاه‌های اجرائی یا رؤسا و بالاترین مقام آن‌ها پیش‌بینی شده است حسب مورد به مدیران واحدهای ذی‌ربط استانی و ستادی دستگاه‌های یادشده براساس شرح وظایف پستهای سازمانی و یا احکام انتصاب و یا تفویض اختیار قابل تفویض است لکن در هیچ موردی مسؤولیت مدیران استانی یا ستادی یادشده رافع اختیار رئیس یا بالاترین مقام دستگاه نیست.

و - کلیه اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارائیهای سرمایه‌ای و مالی و کمک‌ها و سایر اعتبارات و ردیف‌های مندرج در جداول قوانین بودجه سنواتی به شرح عناوین و ارقام جداول مذکور فقط در حدود وصولی درآمدها و سایر منابع عمومی به شرح عناوین و ارقام مندرج در جداول مربوط قوانین یادشده بر اساس مفاد موافقتنامه‌های متبادله دستگاه با معاونت و در حدود ابلاغ و تخصیص اعتبار از سوی معاونت، قابل تعهد، پرداخت و هزینه است.

ز - در کلیه موارد قانونی انجام تعهد و هر گونه پرداخت و کمک مالی توسط دستگاه‌های اجرائی، فقط براساس مفاد موافقتنامه و بعد از تخصیص و در حدود آن مجاز است. همچنین در کلیه موارد قانونی هر گونه کمک غیرنقدی و واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای و مالی از جمله عین، منفعت و مشابه آن شامل اموال منقول و غیرمنقول و نیز رد دیون، مطالبات، حقوق و مانند آن در قالب فرمها، شرایط و دستورالعمل‌های ابلاغی معاونت مجاز است. نسخه‌ای از این فرمها ضمیمه موافقتنامه اعتبارات هزینه‌ای دستگاه خواهد شد. احکام این بند در خصوص نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی در حدود اعتبارات مندرج در قانون و مابه‌ازاء یا معوض آن لازم‌الاجراء است. شرایط موضوع این بند نباید مغایر قانون باشد.

ح - انجام هر گونه تعهد و پرداخت در اجرای قوانین و مقررات مختلف از جمله ماده (۷۰) قانون محاسبات عمومی کشور بدون رعایت سقف اعتبارات مصوب و الزامات قانون در خصوص محدودیت‌های تخصیص و نیز شرح عملیات موافقتنامه‌های متبادله، ممنوع است.

ط - معاونت و وزارت اموراتصادی و دارائی موظف‌اند حداکثر تا پایان تیر ماه هر سال شرکت‌های دولتی زیان‌ده که ادامه فعالیت آن‌ها در بخش دولتی به دلایل قانونی ضرورت دارد را احصاء و به دولت گزارش نمایند. در مورد سایر شرکت‌های زیان‌ده با پیشنهاد معاونت و با استفاده از

اختیارهای قانونی دولت در قالب واگذاری سهام یا انحلال شرکت و واگذاری اموال باقی‌مانده اقدام می‌شود.

ی — دستگاه‌های اجرائی در ایجاد هر گونه تعهد و پرداخت وجه از محل اعتبارات عمومی موظف‌اند موارد زیر را رعایت نمایند:

۱- اولویت واگذاری امور، وظایف، مدیریت و تصدیها به بخش غیردولتی نسبت به هزینه مستقیم اعتبارات عمومی.

۲- اولویت شیوه پرداخت تسهیلات نظیر کمک‌های فنی و اعتباری و وجوه اداره‌شده نسبت به روش‌های پرداخت و کمک بلاعوض.

تبصره — معاونت و رؤسای دستگاه‌های اجرائی و مقامات مجاز از سوی آنان و مدیران مالی مربوط موظف‌اند اولویت‌های فوق را در امضاء موافقتنامه‌ها و دستور پرداخت‌ها و مشابه آن رعایت نمایند.

ک — ایجاد و تحمیل هر گونه بار مالی مازاد بر ارقام مندرج در قوانین بودجه سنواتی، توسط کلیه دستگاه‌های اجرائی از جمله دستگاه‌های مباشر دولت در موارد مختلف از قبیل خرید تضمینی و هزینه‌های تبعی خرید، جبران زیان، تفاوت قیمت، تنظیم بازار، یارانه نهاده‌ها و غیر آن، ایفاء تعهدات خاص، کالاهای اساسی، جایزه صادراتی و مانند آن که از اعتبارات عمومی استفاده می‌شود ممنوع است. مسؤولیت اجرای این حکم به عهده بالاترین مقام دستگاه اجرائی و یا مقامات مجاز و مدیران مالی مربوط است. تخلف از این حکم و سایر موارد، تعهد زائد بر اعتبار محسوب و مشمول مجازات مربوط می‌شود.

ل -

۱- اعتبار طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه‌ای مندرج در قوانین بودجه سنواتی حداکثر ده درصد (۱۰٪) از محل کاهش اعتبارات سایر طرح‌های مندرج در قوانین مذکور با تأیید معاونت و در قالب سقف اعتبار کل طرح قابل افزایش است و عوامل اجرائی طرح‌های مذکور با رعایت ماده (۲۲) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ انتخاب می‌شوند.

۲- اعتبارات هریک از ردیف‌های متفرقه، تملک دارائیهای مالی و هزینه‌ای مندرج در قوانین بودجه سنواتی حداکثر ده درصد (۱۰٪) از محل کاهش اعتبارات سایر ردیف‌های متفرقه، اعتبار تملک دارائیهای مالی و هزینه‌ای توسط معاونت در سقف بودجه سنواتی کل کشور قابل افزایش است.

۳- حداکثر نیم درصد (۰/۵٪) از اعتبارات هزینه‌ای و اختصاصی بودجه عمومی دولت، حداکثر یک درصد (۱٪) از اعتبارات تملک دارائیهای سرمایه‌ای بودجه عمومی دولت، حداکثر بیست و پنج صدم درصد (۰/۲۵٪) از مجموع هزینه‌های شرکت‌های دولتی، حداکثر نیم درصد (۰/۵٪) از مجموع

هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی و پنجاه درصد (۵۰٪) از اعتبارات هزینه‌ای و اختصاصی توسعه علوم و فناوری و پژوهش‌های کاربردی، با تأیید معاونت و بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین و مقررات عمومی کشور و با رعایت «قانون نحوه هزینه‌کرد اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۹» هزینه می‌شود.

۴-

۱- کلیه دستگاه‌های اجرایی و مراکز تحقیقاتی وابسته به آن‌ها و شرکت‌های دولتی که از اعتبارات بخش تحقیقات کشور (توسعه علوم و فناوری و یا اعتبارات پژوهشی) استفاده می‌کنند، موظف‌اند این اعتبارات را براساس سیاست‌گذارها و اولویت‌های تحقیقاتی تعیین شده توسط شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری هزینه نمایند و هر سه ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به دبیرخانه شورای علوم، تحقیقات و فناوری ارائه دهند. شورا موظف است پس از دریافت گزارش و حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه سال بعد گزارش جامعی از عملکرد اعتبارات تحقیقاتی کشور را به همراه نتایج و دستاوردهای پژوهشی تهیه و پس از تأیید در شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

۲- مازاد درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند در سقف اعتباراتی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود حسب مورد به همان دانشگاه و مؤسسه‌ای که درآمد را کسب کرده‌اند، اختصاص می‌یابد.

۳- طرح‌های دانشگاهی که در قوانین بودجه سالانه کشور، ذیل ردیف‌های وزارت مسکن و شهرسازی، ذکر می‌شود مشمول تسهیلات قانونی موضوع قانون اجرای طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای دانشگاهی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

ن - کلیه دستگاه‌های اجرایی دارای ردیف در قوانین بودجه سنواتی موظف‌اند حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه هر سال بر اساس اعتبار ابلاغی اعم از هزینه‌ای، مالی و نیز تملک داراییهای سرمایه‌ای جدید متن پیشنهادی موافقتنامه مربوط را براساس الزامات قانون برنامه و قوانین بودجه سنواتی و سایر قوانین و مقررات مربوط در چهارچوب فرمها، شرایط و دستورالعمل‌های ابلاغی معاونت ارائه نمایند. معاونت موظف است در صورت موافقت با متن پیشنهادی حداکثر ظرف پانزده روز نسبت به امضاء موافقتنامه و ابلاغ آن اقدام نماید و در صورت عدم موافقت با متن پیشنهادی خود نسبت به اصلاح و

ابلاغ موافقتنامه نهائی به نحوی که مغایر قانون نباشد ظرف پانزده روز رأساً اقدام کند، موافقتنامه ابلاغی لازم‌الاجراء است.

س — مازاد درآمدهای استانی نسبت به ارقام مصوب در ردیف مستقل در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد که با اعلام خزانه‌داری کل کشور در مقاطع سه ماهه توسط معاونت توزیع می‌شود.

پنجاه درصد (۵۰٪) از مازاد درآمدهای مذکور به خود همان استان به نسبت هشتاد درصد (۸۰٪) تملک داراییهای سرمایه‌ای و بیست درصد (۲۰٪) اعتبارات هزینه‌ای و مابقی اعتبار در اختیار معاونت قرار می‌گیرد تا در راستای تعادل بخشی و ارتقاء شاخصهای توسعه‌یافتگی بین استانها توزیع گردد.

ع — کلیه مراجع و دستگاه‌های ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری که زیرمجموعه قوه مجریه می‌باشند و صلاحیت وضع مصوبه لازم‌الاجراء را دارند، در کلیه مصوبات و تصمیماتی که تکالیفی برای مصرف اعتبار بودجه کل کشور تعیین می‌نماید قبل از اتخاذ تصمیم یا تصویب باید تأیید معاونت را مبنی بر وجود اعتبار برای آن منظور و عدم مغایرت با احکام و ردیف‌های بودجه را اخذ نمایند.

کلیه مراجع و دستگاه‌ها و دارندگان ردیفی که زیرمجموعه قوه مجریه نیستند، در مصوبات و تصمیمات خود مکلف‌اند در سقف اعتبارات مصوب موضوع قوانین بودجه سنواتی با رعایت احکام و ردیف‌های آن اقدام نمایند.

ف — به منظور تأمین منابع ارزی مورد نیاز طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی و مالی و زیست محیطی شرکت‌های دولتی اجازه داده می‌شود در حدود ارقام مقرر در قوانین بودجه سنواتی حسب مورد نسبت به صدور اوراق صکوک اسلامی و یا اوراق مشارکت ارزی در بازارهای مالی داخلی و خارجی با رعایت ضوابط بانک مرکزی و در سقف مقرر در ماده (۸۱) این قانون اقدام نمایند. صدور اوراق یادشده منوط به تأیید بانک مرکزی و معاونت بوده و بازپرداخت و تضمین اصل و سود این اوراق با شرکت‌های مربوط است.

صدور اوراق مشارکت یا صکوک اسلامی با سود تشویقی منوط به تأیید شورای پول و اعتبار است.

ص — به دستگاه‌های اجرائی کشور اجازه داده می‌شود اعتبارات کمک‌های فنی و اعتباری و همچنین اعتباراتی که در پیوست قوانین بودجه سنواتی به منظور تحقق اهداف سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی پیش‌بینی شده است را در قالب وجوه اداره‌شده و بر اساس قراردادهای منعقدشده در اختیار بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه و صندوق‌های توسعه‌ای دارای مجوز از بانک مرکزی برای پرداخت کمک، تسهیلات تلفیقی و یا یارانه سود و کارمزد تسهیلات قرار دهند. این اعتبارات پس از پرداخت توسط دستگاه اجرائی

واگذارنده اعتبار به هزینه قطعی منظور می‌شود. آئین‌نامه اجرائی این بند به پیشنهاد معاونت و با همکاری بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارائی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ق — بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در اعطاء تسهیلات بانکی برای اجرای طرح‌های کشاورزی، اسناد مشاعی مالکین و نسق‌های زارعین را به عنوان وثیقه و تضمین به نسبت سهم مشاع از قیمت روز کل مشاع، ارزیابی و مورد پذیرش قرار دهند و دفاتر اسناد رسمی موظف‌اند بنا به درخواست بانک‌ها و مؤسسات مذکور، نسبت به تنظیم سند رهن بر این اساس اقدام نمایند.

ر — هزینه خدمات مدیریت طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه‌ای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی، شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل، سازمان توسعه برق ایران، شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران، شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی، شرکت مادر تخصصی حمل و نقل ریلی کشور وابسته به وزارت کشور و مؤسسه جهاد نصر، حداکثر تا دو و نیم درصد (۲/۵٪) عملکرد تخصیص اعتبارات ذی‌ربط با احتساب اعتبارات دریافتی از منابع بودجه عمومی کشور، توسط معاونت تعیین می‌گردد.

ش — به دولت اجازه داده می‌شود به منظور پیشگیری، مقابله و جبران خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه و مدیریت خشکسالی، تنخواه‌گردان موضوع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ را به سه درصد (۳٪) و اعتبارات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران را به دو درصد (۲٪) افزایش دهد. اعتبارات مذکور با پیشنهاد معاونت و تصویب هیأت وزیران قابل هزینه است. بخشی از اعتبارات مذکور به ترتیب و میزانی که در قانون بودجه سنواتی تعیین می‌شود به صورت هزینه‌ای و تملک دارائی سرمایه‌ای به جمعیت هلال احمر اختصاص می‌یابد تا در جهت آمادگی و مقابله با حوادث و سوانح هزینه گردد.

ت — کلیه تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تغییرات تشکیلات، تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه‌بندی مشاغل و افزایش مبنای حقوقی، اعطاء مجوز هر نوع استخدام و به‌کارگیری نیرو و همچنین مصوبات هیأت‌های امناء که متضمن بار مالی برای دولت باشد در صورتی قابل طرح و تصویب و اجراء است که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرائی ذی‌ربط تأمین شده باشد. اقدام دستگاه اجرائی برخلاف این حکم، تعهد زائد بر اعتبار محسوب می‌شود.

ث — خرید دست اول اوراق مشارکت توسط بانک‌های دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات و واحدهای وابسته و تابعه آن‌ها ممنوع است.

خ — بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است در طول برنامه فروش مبالغ ارزی مذکور در احکام و ردیف‌های قوانین بودجه سنواتی را به گونه‌ای انجام دهد که تا تاریخ تصویب

ترازنامه سال بعد آن بانک خالص داراییهای خارجی نسبت به پایان سال قبل از این محل افزایش نیابد.

ذ - مبالغی که به هر یک از مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی تحت پوشش وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و از محل اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارائی سرمایه‌ای ذیل ردیف‌های متمرکز پرداخت می‌شود پس از ابلاغ به عنوان کمک به سرجمع اعتبارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی فوق‌الذکر افزوده می‌شود تا مطابق شرح عملیات مندرج در موافقتنامه براساس قوانین و مقررات مربوطه هزینه کنند.

ض - وزیر امور اقتصادی و دارائی موظف است در طول برنامه هر شش ماه یکبار گزارش انطباق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی پیوست شماره (۳) قانون بودجه سنواتی را در چهارچوب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) به تفکیک طرح به کمیسیونهای برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی ارسال نماید.

تبصره - اجرای احکام بندهای (و)، (ز)، (ن) و (ذ) در خصوص دانشگاه‌ها، مؤسسات، مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی با رعایت ماده (۲۰) این قانون خواهد بود.

ماده ۲۲۵ - دولت موظف است بار مالی کلیه قوانین و مقررات از جمله احکام قانون برنامه پنجم که مستلزم استفاده از منابع عمومی است را در لوایح بودجه سنواتی در حدود درآمدهای وصولی و پیش‌بینی اجراء نماید.

ماده ۲۲۶ - احکام قوانین و مقرراتی که لغویا اصلاح آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است در صورت مغایرت با احکام این قانون، در طول برنامه موقوف‌الاجراء می‌گردد.

ماده ۲۲۷ - دولت نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سالهای برنامه اقدام قانونی به عمل آورد.

ماده ۲۲۸ - در طول سالهای برنامه، افرادی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا ابتدای سال ۱۳۷۰ در کمیته انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به صورت تمام‌وقت خدمت کرده‌اند به میزان مدت خدمت و همچنین رزمندگان که به صورت داوطلبانه در جبهه‌های جنگ حضور داشته‌اند به میزان مدت حضور در جبهه مشمول بیمه بازنشستگی می‌گردند.

برخوررداری از مزایای بیمه مذکور مستلزم پرداخت حق بیمه سهم کارمند توسط افراد فوق‌الذکر و سهم کارفرما توسط دولت است.

آئین‌نامه اجرائی این بند توسط وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رفاه و تأمین اجتماعی تنظیم و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۲۹- وزارت نفت موظف است نسبت به تولید صیانتی میدان‌های نفتی و گازی در طی سالهای برنامه به توالی با حداقل ده درصد (۱۰٪)، بیست درصد (۲۰٪)، پنجاه درصد (۵۰٪)، هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) و صددرصد (۱۰۰٪) از میادین اقدام نماید. به این منظور سالانه ده درصد (۱۰٪) از ارزش نفت خام و میعانات و مایعات گازی تولیدی پس از واریز به خزانه برای عملیات زیر به شرکت‌های تابعه وزارت نفت تخصیص می‌یابد:

الف- برداشت صیانتی از مخازن نفتی موجود با تزریق گاز، آب و سایر روشها به نحوی که در طول برنامه پنجم، متوسط تولید نفت خام مخازن مذکور، حداقل معادل متوسط برداشت در سال ۱۳۸۸ باشد.

ب- افزایش تولید گاز طبیعی به خصوص با اجرای فازهای برنامه‌ریزی شده میدان گازی پارس جنوبی و سایر میادین مشترک گازی و جمع‌آوری گازهای در حال سوختن میادین در حال بهره‌برداری، به نحوی که علاوه بر تأمین گاز کافی برای تزریق به میادین نفتی، مصارف داخلی کشور و صادرات تعهدشده، تضمین شود.

ماده ۲۳۰- دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی- معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.

ماده ۲۳۱- به منظور ارتقاء سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای و امنیت فناوری‌ها و اجرای سند امنیت فضای تبادل اطلاعات، اقدامات ذیل انجام خواهد گرفت:

الف- کلیه دستگاه‌های اجرائی، نهادهای عمومی و شرکت‌های غیردولتی دارای زیرساخت‌های حیاتی موظفند به منظور امن‌سازی زیرساخت‌ها و حفظ امنیت تبادل اطلاعات در مقابل حملات الکترونیکی در چهارچوب سند امنیت فضای تبادل اطلاعات (افتا) تا پایان سال دوم برنامه امنیت فضای تبادل اطلاعات خود را ارتقاء بخشند.

ب - کلیه دستگاه‌های اجرائی و اشخاص حقوقی ارائه‌دهنده خدمات عمومی موظف‌اند از سال دوم برنامه نسبت به اجرای سامانه مدیریت اطلاعات اقدام نموده و نسبت به اجرای دستورالعمل‌ها و استانداردهای «افتا» از سال اول برنامه اقدام نمایند.

تبصره ۱- وزارت اطلاعات با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است استانداردها و دستورالعمل‌های لازم برای «افتا» را به صورتی در شش‌ماهه اول برنامه با همکاری مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تدوین نماید که حداقل پنج‌درصد (۵۰٪) ارزش ریالی تجهیزات و نرم‌افزارهای «افتا» تا پایان سال دوم برنامه از توانمندسازی شرکت‌های غیردولتی داخلی تهیه شود.

تبصره ۲- وزارت اطلاعات موظف است گزارش اجرای این ماده را با همکاری وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هر ساله به کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی و صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

ماده ۲۳۲- دولت مکلف است نسبت به ساماندهی حمل و نقل بار و مسافر روستاها و پوشش برنامه‌های نگهداری و ایمن‌سازی شبکه راه‌های روستایی و برخورداری روستاهای بالای بیست خانوار و کانون‌های اسکان عشایری از راه مناسب اقدام نماید.

ماده ۲۳۳- دستگاه‌های اجرائی می‌توانند پس از کسب موافقت و مجوز ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تشکیل یگانهای حفاظت اقدام کنند. این یگان‌ها از نظر به‌کارگیری سلاح و مهمات تابع ضوابط نیروهای مسلح می‌باشند و با رعایت ضوابط نیروی انتظامی تحت نظر دستگاه ذی‌ربط اداره خواهند شد.

شرح وظایف و اختیارات و سازماندهی و چگونگی تسلیح این یگان‌ها و آموزش و انتصاب فرماندهی هر یک از این یگان‌ها و چگونگی ارتباط آنها با نیروی انتظامی و نظارت بر عملکرد آنها به تصویب ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد.

نکات مالیاتی:

بند ز ماده ۴۶:

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت بازرگانی با همکاری سازمان امور مالیاتی مکلف‌اند نسبت به گسترش سامانه الکترونیکی امن معاملات املاک و مستغلات در سطح کشور اقدام نمایند. کلیه دستگاه‌های اجرائی ذیربط موظف به همکاری برای اجرای کامل این سامانه می‌باشند.

ماده ۵۲:

سقف معافیت مالیاتی موضوع مواد (۸۴) و (۸۵) قانون مالیات‌های مستقیم در طول برنامه هر ساله در بودجه سنواتی تعیین می‌شود. همچنین در ماده (۸۵) قانون مذکور به جای عبارت «مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۲» عبارت «وزارتخانه‌ها و موسسات، و سایر دستگاه‌های

دولتی موضوع مواد (۱) و (۲) و قسمت اخیر ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز سایر دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی در صورت اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، قضات، اعضای هیأت علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی» جایگزین می‌شود.

ماده ۸۲:

د- در استفاده از تسهیلات مالی خارجی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (ج) این ماده رعایت موارد زیر توسط دستگاههای اجرائی و بانکهای عامل ضروری است:

۱- تمامی طرحهای دستگاههای اجرائی با رعایت سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام اجرائی دستگاه زیربط و تأیید شورای اقتصاد، باید دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی باشند و مجموع هزینههای اجرای کامل آنها از سقفهای تعیین شده تجاوز نکند. زمان بندی دریافت و بازپرداخت تسهیلات هر طرح و میزان استفاده آن از ساخت داخل با توجه به ظرفیتها، امکانات و تواناییهای داخلی و رعایت قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرائی کشور در اجرای پروژهها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲» و نیز رعایت شرایط زیست محیطی در اجرای هر یک از طرحها باید به تصویب شورای اقتصاد برسد.

۲- استفاده کنندگان از بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی شامل تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) و وامهای مستقیم باید ظرف دو ماه از زمان انعقاد قرارداد، جدول زمانی و میزان تعهدات ایجاد شده و یا استفاده شده و نیز زمانبندی بازپرداخت بدهیها و تعهدات ارزی خود را در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. پس از اجرائی شدن طرحهای مذکور، گزارش عملکرد مشتمل بر اصل و سود وجوه دریافتی یا پرداختی و باقیمانده تعهد در فواصل سه ماهه به بانک مرکزی و معاونت اعلام می‌شود.

تبصره- استفاده کنندگان از وامهای مستقیم موظف‌اند در ایجاد تعهد با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هماهنگی لازم را به عمل آورند.

ماده ۹۳:

دولت مجاز است با پیشنهاد مشترک معاونت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی در قالب بودجههای سنواتی بخشی از سود شرکت بیمه ایران و بانکهایی را که به موجب قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) صد درصد (۱۰۰٪) در بخش دولتی باقی خواهد ماند پس از کسر مالیات برای افزایش سرمایه دولت در شرکت مذکور و بانکهای یاد شده اختصاص دهند.

بند ب ماده ۱۰۴:

اخذ هر گونه مالیات و عوارض از صادرات کالاهای غیر نفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع است.

ماده ۱۰۵:

الف- ادغام شرکت‌های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقا یکی از شرکت‌ها- شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید- شرکت جدید)، در چارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام مجاز است.

امور موضوع این بند شامل مواردی که شرعاً قابل انتقال نمی‌باشد نمی‌گردد.

کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود.

کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال می‌یابند در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یاد شده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل می‌شود.

سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است.

ماده ۱۰۷-

تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری برای یک دوره محدود و بر اساس قراردادی کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن و با رعایت موازین اسلامی و اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار مجاز است.

تبصره ۱- تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد و در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اعضاء گروه به طور تضامنی مسئول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد.

تبصره ۲- عملیات مربوط به دفاتر تجاری، بازرسی و تصفیه، مطابق ماده (۶) و احکام باب یازدهم قانون تجارت و مواد (۱۵۱) و (۱۵۲) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ انجام می‌شود.

تبصره ۳- فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲:

ب- کالاهای تولید و یا پردازش شده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به هنگام ورود به سایر نقاط کشور به نسبت به مجموع ارزش افزوده و ارزش مواد اولیه و قطعات داخلی به کار رفته در آن، تولید داخلی محسوب و از پرداخت حقوق ورودی معاف است.

تبصره ۱- مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی به کار رفته در تولید، مشروط به پرداخت حقوق ورودی، در حکم مواد اولیه و کالاهای داخلی محسوب می‌شود.

تبصره ۲- مواد اولیه و قطعات خارجی به کار رفته در کالاهای تولید و یا پردازش شده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که در گذشته از سایر نقاط کشور به منطقه ارسال شده و در تولید و یا پردازش محصولی که به کشور وارد می‌شود، به کار گرفته شود در حکم مواد اولیه تلقی می‌گردد و از پرداخت حقوق ورودی معاف است.

د- مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق آزاد از کلیه عوارض (به استثناء عوارض موضوع ماده (۱۰) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷)، مالیات و حقوق ورودی معاف می‌باشند.

ماده ۱۱۷:

به منظور قطع کامل وابستگی اعتبارات هزینه‌ای به عواید نفت و گاز از طریق افزایش سهم درآمدی عمومی در تأمین اعتبارات هزینه‌ای دولت، به نحوی اقدام شود که:

الف- در پایان برنامه نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی مشروط به عدم افزایش نرخ مالیات‌های مستقیم و با گسترش پایه‌های مالیاتی حداقل به ده درصد (۱۰٪) برسد.

تبصره ۱- برقراری هر گونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت مالیاتی و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده است برای اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله دستگاه‌های موضوع ماده (۲۲۲) این قانون طی سالهای اجرای برنامه ممنوع است.

تبصره ۲- دولت مکلف است با اجرای کامل قانون مالیات بر ارزش افزوده، نرخ این مالیات را از سال اول برنامه سالانه یک واحد درصد اضافه نماید؛ به گونه‌ای که در پایان برنامه نرخ آن به هشت درصد (۸٪) برسد. سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از نرخ مزبور سه درصد (۳٪) (به عنوان عوارض) و سهم دولت پنج درصد (۵٪) تعیین می‌شود.

ماده ۱۱۹:

دولت موظف است در راستای هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف سازی حمایت‌های مالی اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف- جایگزینی سیاست اعتبار مالیاتی با نرخ صفر به جای معافیت‌های قانونی مالیاتی

ب- ثبت معافیت‌های مالیاتی مذکور به صورت جمعی- خرجی در قوانین بودجه سالانه

تبصره ۱- به اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول معافیت‌های قانونی مذکور، مالیات تعلق نمی‌گیرد.

تبصره ۲- تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر شرط برخورداری از هر گونه معافیت مالیاتی است.

ماده ۱۲۲:

مدیران اشخاص حقوقی غیر دولتی به طور جمعی یا فردی، نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و همچنین مالیات‌هایی که اشخاص حقوقی به موجب مقررات قانون مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده مکلف به کسر یا وصول یا ایصال آن بوده و مربوط به دوران مدیریت آن‌ها باشد با شخص حقوقی مسئولیت تضامنی خواهند داشت. این مسئولیت مانع از مراجعه ضامنها به شخص حقوقی نیست.

ماده ۱۲۳:

عوارض وصولی ارزش افزوده و عوارض آلودگی واحدهای تولیدی موضوع بند الف و تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده در هر شهرستان به نسبت جمعیت بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های همان شهرستان توزیع می‌گردد. در صورتی که آلودگی واحدهای بزرگ تولیدی (پنجاه نفر و بیشتر) به بیش از یک شهرستان در یک استان سرایت کند، عوارض آلودگی بر اساس سیاست‌های اعلامی معاونت به نسبت تأثیرگذاری، در کمیته ای مرکب از معاون برنامه ریزی استان، فرمانداران شهرستان‌های ذیربط، مدیر کل محیط زیست و مدیر کل امور مالیاتی استان بین شهرستان‌های متأثر توزیع می‌شود.

در صورتی که شهرستان‌های متأثر از آلودگی در دو یا چند استان واقع شده باشند، اعضاء کمیته توزیع کننده عوارض آلودگی واحدهای بزرگ (پنجاه نفر و بیشتر) متشکل از نماینده معاونت، معاونین برنامه ریزی استان‌های ذیربط، نماینده سازمان حفاظت محیط زیست و نماینده اداره کل امور مالیاتی بر اساس سیاست‌های اعلامی معاونت اقدام به توزیع عوارض آلودگی خواهند کرد.

ماده ۱۵۶:

به منظور توسعه صنایع میانی پتروشیمی و گسترش زنجیره ارزش صادراتی آن:

شهرک‌های تخصصی غیر دولتی که به منظور توسعه زنجیره‌های ارزش متانول، آمونیاک، استایرن و بوتادین با تصویب دولت تأسیس می‌گردند مشمول مقررات و مزایای مربوط به قانون تأسیس شرکت شهرک‌های صنعتی ایران مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات بعدی آن بدون وابستگی به وزارت صنایع و معادن خواهند بود.

درآمدهای حاصل از قراردادهای بلندمدت تأمین خوراک صنایع میانی پتروشیمی از معافیت‌های صادرات غیر نفتی برخوردارند.

آئین نامه این ماده مشتمل بر دامنه صنایع مشمول و چهارچوب قراردادهای بلندمدت و سایر ضوابط مربوط توسعه معاونت با همکاری سایر دستگاه‌های مرتبط تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۵۹:

به منظور تسهیل و تشویق سرمایه گذاری صنعتی و معدنی در کشور اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- معافیت موضوع ماده (۱۳۸) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی در طول برنامه به میزان پانزده واحد درصد (۱۵٪) افزایش می‌یابد.

ب- میزان معافیت مالیاتی واحدهای صنعتی و معدنی مناطق کمتر توسعه یافته تا سقف معافیت‌های منظور شده در مناطق آزاد تجاری- صنعتی افزایش می‌یابد.

ماده ۲۲۰:

به دولت اجازه داده می‌شود حسب مورد در چارچوب شرایط و انواع قراردادهای واگذاری مصوب شورای اقتصاد در خصوص طرح‌های تملک دارائیهای سرمایه ای اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف- واگذاری طرح‌های تملک دارایی سرمایه ای جدید و نیمه تمام و تکمیل شده و آماده بهره برداری در قالب قراردادهای و شرایط مورد تصویب شورای اقتصاد با تعیین نحوه تأمین مالی دوره ساخت (فاینانس)، پرداخت هزینه‌های بهره برداری یا خرید خدمات در مدت قرارداد، با رعایت استانداردهای اجرای کیفیت خدمات و نهایتاً واگذاری طرح پس از دوره قرارداد به بخش غیر دولتی

ب- واگذاری طرح‌های تملک دارایی سرمایه ای نیمه تمام و تکمیل شده که خدمات آنها قابل عرضه توسط بخش غیر دولتی است به صورت نقد و اقساط به بخش غیر دولتی

ج- واگذاری حق بهره برداری طرح‌های تملک دارایی سرمایه ای قابل واگذاری و نیز اموال منقول و غیر منقول و حقوقی مالی مازاد بر نیاز دولت و دستگاه‌های اجرائی

د- واگذاری مالیکت و یا بهره برداری طرح‌های تملک دارایی سرمایه ای قابل واگذاری و نیز اموال منقول و غیر منقول و حقوق مالی مازاد بر نیاز دولت و دستگاه‌های اجرائی

تبصره ۱- درآمد دولت ناشی از اجرای احکام این ماده پس از واریز به خزانه داری کل و از محل ردیف خاصی که برای این منظور در قانون بودجه سنواتی پیش بینی می‌شود و نیز اعتبار ردیف‌های مربوط به طرح‌های تملک دارایی سرمایه ای در قالب تسهیلات و وجوه اداره شده شامل یارانه، سود و کارمزد و یا تسهیلات و کمک سایر روش‌های تأمین مالی مورد تصویب شورای اقتصاد به طرح‌های تملک دارایی سرمایه ای و یا تبدیل به احسن نمودن اموال منقول و غیر منقول در قالب موافقتنامه متبادله با معاونت قابل اختصاص است.

تبصره ۲- کمک‌های بلاعوض موضوع این ماده، درآمد اشخاص تلقی نمی‌شود و مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیست.

ماده ۲۲۴:

ج- کلیه شرکت‌های دولتی و بانک‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری که در بودجه کل کشور برای آن‌ها سود ویژه پیش بینی شده است مکلف‌اند:

۱- در هر ماه معادل یک دوازدهم مالیات پیش بینی شده سال مورد نظر خود را بابت مالیات عملکرد همان سال به صورت علی الحساب به سازمان امور مالیاتی پرداخت نمایند تا به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه داری کل منظور شود.

۲- حداقل چهل درصد (۴۰٪) سود پیش بینی شده هر سال را با ساز و کار جزء ۱ این بند به حساب درآمد عمومی واریز نمایند.

شرکت‌های دولتی که قسمتی از سهام آن‌ها متعلق به بخش غیر دولتی است، به تناسب میزان سهام بخش غیر دولتی، مشمول پرداخت وجوه موضوع این بند نمی‌باشند و سهم بخش غیر دولتی از چهل درصد (۴۰٪) سود ابرازی (سود ویژه) مذکور باید توسط شرکت‌های دولتی ذیربط به سهامداران بخش یاد شده پرداخت شود.

وصول مبلغ یاد شده تابع احکام مربوط و مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن است.

ماده ۲۲۶:

احکام قوانین و مقرراتی که لغو یا اصلاح آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است در صورت مغایرت با احکام این قانون، در طول برنامه موقوف الاجراء می‌گردد.

(۴) قانون محاسبات عمومی

ماده ۱ - بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یکسال مالی تهیه و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاست‌ها و به هدف‌های قانونی کشور، بوده و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می‌شود:

۱- بودجه عمومی دولت که شامل اجزاء زیر است:

الف - پیش بینی دریافت‌ها و منابع تامین اعتبار که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در سال مالی قانون بودجه بوسیله دستگاه‌ها از طریق حساب‌های خزانه داری کل اخذ می‌گردد.

ب - پیش پرداخت‌های که از محل درآمد عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاه‌های اجرائی می‌تواند در سال مالی مربوط انجام دهد.

۲- بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها شامل پیش بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار.

۳- بودجه موسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود.

ماده ۲ - وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که بموجب قانون به این عنوان شناخته شده و یا بشود.

ماده ۳- موسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که بموجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد.

ماده ۴- شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود.

تبصره شرکت‌هایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال این‌ها به منظور بکار انداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها و موسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه ایجاد شده یا می‌شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند.

ماده ۵- موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود.

تبصره - فهرست این قبیل موسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

ماده ۶- سال مالی یکسال هجری شمسی است که از اول فروردین ماه آغاز و به پایان اسفندماه ختم می‌شود .

ماده ۷- اعتبار عبارت از مبلغی است که برای مصرف یا مصارف معین به منظور نیل به اهداف و اجرای برنامه‌های دولت به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد .

ماده ۸- دیون بلامحل عبارتست از بدهی‌های قابل پرداخت سنوات گذشته که در بودجه مربوط اعتباری برای آن‌ها منظور نشده و یا زائد بر اعتبار مصوب و در هر دو صورت به یکی از طرق زیر بدون اختیار دستگاه ایجاد شده باشد .

الف - احکام قطعی صادره از طرف مراجع صالحه .

ب - انواع بدهی به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکت‌های دولتی ناشی از خدمات انجام شده مانند حق اشتراک برق ، آب ، هزینه‌های مخابراتی ، پست و هزینه‌های مشابه که خارج از اختیار دستگاه اجرائی ایجاد شده باشد .

ج - سایر بدهی‌هایی که خارج از اختیار دستگاه ایجاد شده باشد . انواع دیون بلامانع موضوع این بند از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی تعیین و اعلام خواهد شد .

ماده ۱۰ - درآمد عمومی عبارت است از درآمدهای وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی و درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت و سایر درآمدهایی که در قانون بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد عمومی منظور می‌شود.

ماده ۱۱- دریافت‌های دولت عبارت است از کلیه وجوهی که تحت عنوان درآمد عمومی و درآمد اختصاصی و درآمد شرکت‌های دولتی و سایر منابع تامین اعتبار و سپرده‌ها و هدایا به استثناء هدایائی که برای مصارف خاصی اهداء می‌گردد و مانند این‌ها و سایر وجوهی که بموجب قانون باید در حساب‌های خزانه داری کل متمرکز شود .

ماده ۱۲ - سایر منابع تامین اعتبار عبارت‌اند از منابعی که تحت عنوان وام ، انتشار اوراق قرضه ، برگشتی از پرداخت‌های سالهای قبل و عناوین مشابه در قانون بودجه کل کشور پیش بینی می‌شود و ماهیت درآمد ندارند .

ماده ۱۳ - وجوه عمومی عبارت است از نقدینہ‌های مربوط به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات وابسته به سازمان‌های مذکور که متعلق حق افراد و موسسات خصوصی نیست و صرفنظر از نحوه و منشاء تحصیل آن منحصرأ برای مصارف عمومی بموجب قانون قابل دخل و تصرف می‌باشد .

تبصره ۱- وجوهی نظیر سپرده ، وجه الضمان و مانند آن‌ها که به طور موقت در اختیار دستگاه‌های مذکور در این ماده قرار می‌گیرد و پس از انقضای مدت معین و یا حصول شرایط خاص قابل استرداد

است مادام که در اختیار دستگاه‌های مزبور می‌باشد تصرف در آنها بدون رضایت صاحب وجه یا احراز اعراض صاحب آن در حکم تصرف غیر قانونی در وجه عمومی تلقی می‌گردد .

ماده ۱۴ - درآمد اختصاصی عبارت است از درآمدهائی که بموجب قانون برای مصرف یا مصارف خاص در بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد اختصاصی منظور می‌گردد و دولت موظف است حداکثر تا سه سال پس از تصویب این قانون ، بودجه اختصاصی را حذف نماید .

ماده ۱۷ - تشخیص ، عبارت است از تعیین و انتخاب کالا و خدمات و سایر پرداختهائی که تحصیل یا انجام آن‌ها برای نیل به اجرای برنامه‌های دستگاه‌های اجرائی ضروری است .

ماده ۱۸ - تامین اعتبار عبارت است از اختصاص دادن تمام یا قسمتی از اعتبار مصوب برای هزینه معین .

ماده ۱۹ - تعهد از نظر این قانون عبارت است از ایجاد دین بر ذمه دولت ناشی از :

الف - تحویل کالا یا انجام دادن خدمت .

ب - اجرای قراردادهائی که با رعایت مقررات منعقد شده باشد .

ج - احکام صادر شده از مراجع قانونی و ذیصلاح .

د - پیوستن به قراردادهای بین المللی و عضویت در سازمان‌ها یا مراجع بین المللی با اجازه قانون .

ماده ۲۰ - تسجیل عبارت است از تعیین میزان بدهی قابل پرداخت به موجب اسناد و مدارک اثبات کننده بدهی .

ماده ۲۱ - حواله اجازه ای است که کتباً بوسیله مقامات مجاز وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و یا شرکت دولتی و یا دستگاه اجرائی محلی و یا نهادهای عمومی غیر دولتی و یا سایر دستگاه‌های اجرائی برای تأدیه تعهدات و بدهی‌های قابل پرداخت از محل اعتبارات مربوط عهده ذیحساب در وجه ذینفع صادر می‌شود .

ماده ۲۲ - درخواست وجه سندی است که ذیحساب برای دریافت وجه به منظور پرداخت حواله‌های صادر شده موضوع ماده ۲۱ این قانون و سایر پرداختهائی که بموجب قانون از محل وجوه متمرکز شده در خزانه مجاز می‌باشد حسب مورد از محل اعتبارات و یا وجوه مربوط عهده خزانه در مرکز و یا عهده نمایندگی خزانه در استان در وجه حساب بانکی پرداخت دستگاه اجرائی ذیربط صادر می‌کند .

ماده ۲۳ - هزینه عبارت از پرداختهائی است که به طور قطعی به ذینفع در قبال تعهد یا تحت عنوان کمک یا عناوین مشابه با رعایت قوانین و مقررات مربوط صورت می‌گیرد .

ماده ۲۴ - تنخواه گردان خزانه عبارت است از اعتبار بانکی در حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که بموجب قانون اجازه استفاده از آن به میزان معین در هر سال مالی

برای رفع احتیاجات نقدی خزانه در همان سال به وزارت امور اقتصادی و دارایی داده می‌شود و منتها تا پایان سال واریز می‌گردد.

ماده ۲۵ - تنخواه گردان استان عبارت است از وجهی که محل اعتبارات مصوب به منظور ایجاد تسهیلات لازم در پرداخت هزینه‌های جاری و عمرانی دستگاه‌های اجرائی محلی تابع نظام بودجه استانی در اختیار نمایندگی‌های خزانه در مرکز هر استان قرار می‌دهد.

ماده ۲۶ - تنخواه گردان حسابداری عبارت است از وجهی که خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان از محل اعتبارات مصوب برای انجام بعضی از هزینه‌های سال جاری و تعهدات قابل پرداخت سالهای قبل در اختیار ذیحساب قرار می‌دهد تا در قبال حواله‌های صادر شده واریز و با صدور درخواست وجه مجدداً دریافت گردد.

ماده ۲۷ - تنخواه گردان پرداخت عبارت است از وجهی که از محل تنخواه گردان حسابداری از طرف ذیحساب با تأیید وزیر یا رئیس مؤسسه و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها برخی از هزینه‌ها در اختیار واحدها و یا مأمورینی که بموجب این قانون و آئیننامه‌های اجرائی آن مجاز بدریافت تنخواه گردان هستند قرار می‌گیرد تا به تدریج که هزینه‌های مربوط انجام می‌شود اسناد هزینه تحویل و مجدداً وجه دریافت دارند.

ماده ۲۸ - پیش پرداخت عبارت است از پرداختی که محل اعتبارات مربوط بر اساس احکام و قراردادهای طبق مقررات پیش از انجام تعهد صورت می‌گیرد.

ماده ۲۹ - علی الحساب عبارت است از پرداختی که به منظور ادای قسمتی از تعهد با رعایت مقررات صورت می‌گیرد.

ماده ۳۰ - سپرده از نظر این قانون عبارت است از :

الف - وجوهی که طبق قوانین و مقررات به منظور تأمین و یا جلوگیری از تضییع حقوق دولت دریافت می‌گردد و استرداد و یا ضبط آن تابع شرایط مقرر در قوانین و مقررات و قراردادهای مربوط است.

ب - وجوهی که به منظور قرارها و یا احکام صادره از طرف مراجع قضائی از اشخاص حقیقی و یا حقوقی دریافت می‌گردد و بموجب قرارها و احکام مراجع مذکور کلاً یا بعضاً قابل استرداد می‌باشد.

ج - وجوهی که بر اساس مقررات قانونی توسط اشخاص نزد دستگاه‌های دولتی به نفع اشخاص ثالث تودیع می‌گردد تا با رعایت مقررات مربوط به ذینفع پرداخت شود.

تبصره - وجوهی که توسط دستگاه‌های دولتی بموجب مقررات تحت عنوان ودیعه و یا حق اشتراک آب و برق، تلفن، تلکس، گاز و نظائر آن‌ها از اشخاص دریافت می‌شود از نظر این قانون سپرده تلقی نمی‌گردد و از هر نظر مشمول مقررات مربوط به خود می‌باشد.

ماده ۳۱- ذیحساب مأموری است که بموجب حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی از بین مستخدمین رسمی واجد صلاحیت به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در احراز مقررات مالی و محاسباتی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرائی محلی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی به این سمت منصوب می‌شود و انجام سایر وظایف مشروحه زیر را بعهده خواهد داشت :

۱- نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگاهداری و تنظیم حساب‌ها بر طبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت آن‌ها .

۲- نظارت بر حفظ اسناد و دفاتر مالی .

۳- نگاهداری و تحویل و تحول وجوه و نقدینه‌ها و سپرده‌ها و اوراق بهادار .

۴- نگاهداری حساب اموال دولتی و نظارت بر اموال مذکور .

تبصره ۱- ذیحساب زیر نظر رئیس دستگاه اجرائی وظایف خود را انجام می‌دهد .

تبصره ۲- ذیحساب مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی موضوع ماده ۵ این قانون در مورد وجوهی که از محل درآمد عمومی دریافت می‌دارند ، با حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی وبا موافقت آن دستگاه منصوب خواهند شد .

ماده ۳۲- معاون ذیحساب مأموری است که با حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی از بین کارکنان رسمی واجد صلاحیت به این سمت منصوب می‌شود .

ماده ۳۳- نمایندگی خزانه در استان واحد سازمانی مشخصی است که در مرکز هر استان امور مربوط به دریافت تنخواه گردان استان و واگذاری تنخواه گردان حسابداری به ذیحسابان دستگاه‌های اجرائی تابع بودجه استانی و ابلاغ اعتبار بودجه‌های استانی و افتتاح حساب‌های جاری دولتی در سطح استان و سائر وظایفی را که بموجب این قانون و آئیننامه های اجرائی آن بر عهده واحد مزبور محول می‌شود به نمایندگی خزانه در استان مربوط زیر نظر مدیر کل امور اقتصادی و دارایی محل انجام خواهد داد .

ماده ۳۴- امین اموال مأموری است که از بین مستخدمین رسمی واجد صلاحیت و امانتدار با موافقت ذیحساب و بموجب حکم وزارتخانه یا مؤسسه ذیربط به این سمت منصوب و مسوولیت حراست و تحویل و تحول و تنظیم حساب‌های اموال و اوراقی که در حکم وجه نقد است و کالاهای تحت ابوابجمعی ، بعهده او واگذار می‌شود . آئیننامه مربوط به شرایط و طرز انتخاب و حدود وظایف و مسوولیت‌های امین اموال در مورد اموال منقول و غیر منقول با رعایت مقررات این قانون از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد .

ماده ۳۶- عامل ذیحساب مأموری است که با موافقت ذیحساب و به موجب حکم دستگاه اجرائی مربوط از بین مستخدمین رسمی واجد صلاحیت در مواردی که بموجب آئیننامه اجرائی این ماده

معین خواهد شد به این سمت منصوب و انجام قسمتی از وظایف و مسوولیت‌های موضوع ماده ۳۱ این قانون توسط ذیحساب به او محول می‌شود. کار پردازان و واحدهای تدارکاتی و سایر مأموران و واحدهای دولتی ماده که به اقتضای طبع و ماهیت وظایف قانونی خود و یا مأموریت‌های محوله مجاز به دریافت تنخواه گردان پرداخت از ذیحساب می‌باشد از لحاظ مقررات مربوط به واریز تنخواه گردان دریافتی در حکم عامل ذیحساب محسوب می‌شود.

ماده ۴۴- شرکت‌های دولتی مکلف‌اند پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت توسط مجامع عمومی مربوط حداکثر ظرف یکماه ترتیب پرداخت مبالغ مالیات و همچنین سود سهام دولت را در وجه وزارت امور اقتصادی و دارائی بدهند. تخلف از اجرای این ماده در حکم تصرف غیر مجاز در وجوه عمومی محسوب می‌شود.

تبصره - شرکت‌های دولتی مکلف‌اند در صورتی که تا پایان شهریور ماه هر سال ترازنامه و حساب سود و زیان سال قبل آنها به تصویب مجامع عمومی مربوط نرسیده باشد، بر مبنای ارقام ترازنامه و حساب سود و زیانی که بر حسابرس منتخب وزارت امور اقتصادی و دارائی ارائه داده‌اند مالیات متعلقه را طبق قوانین مالیاتی مربوط و یا معادل ۸۰ درصد مبلغی را که به عنوان مالیات دوره مالی مورد نظر در لایحه بودجه کل کشور برای آنها پیش بینی شده است به ترتیب مقرر در این ماده در وجه وزارت امور اقتصادی و دارائی به طور علی الحساب پرداخت نمایند.

ماده ۴۵- مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مجاز نیستند در موقع تصویب پیشنهاد تقسیم سود، اندوخته‌های سرمایه ای و جاری شرکت را که در مفاد اساسنامه آنها پیش بینی شده است طوری تعیین کنند که موجب کاهش سود سهام دولت در بودجه کل کشور گردد.

ماده ۵۲- پرداخت هزینه‌ها به ترتیب پس از طی مراحل تشخیص و تأمین اعتبار و تعهد و تسجیل و حواله و با اعمال نظارت مالی به عمل خواهد آمد.

ماده ۵۳- اختیار و مسوولیت تشخیص و انجام تعهد و تسجیل و حواله به عهده وزیر یا رئیس مؤسسه و مسوولیت تأمین اعتبار و تطبیق پرداخت با قوانین و مقررات بعهد ذیحساب می‌باشد.

تبصره ۱- اختیارات و مسوولیت‌های موضوع این ماده حسب مورد مستقیماً و بدون واسطه از طرف مقامات فوق به سایر مقامات دستگاه مربوطه کلاً یا بعضاً قابل تفویض خواهد بود لکن در هیچ مورد تفویض اختیار و مسوولیت سلب اختیار و مسوولیت از تفویض کننده نخواهد کرد.

تبصره ۲- در اجرای این ماده تفویض اختیارات و مسوولیت‌های مربوط به وزیر یا رئیس مؤسسه و ذیحساب به شخص واحد و نیز تفویض اختیار و مسوولیت‌های وزیر یا رئیس مؤسسه و یا کارکنان تحت نظر او مجاز نخواهند بود.

ماده ۶۲ -

۱- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی در صورتی می‌توانند برای خدمات و کالاهای وارداتی مورد نیاز خود اقدام به افتتاح اعتبار اسنادی نمایند که معادل کل مبلغ آن و حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی و سایر هزینه‌های ذیربط، اعتبار تأمین کرده باشند.

۲- در مورد آن قسمت از کالاها و خدمات موضوع این ماده که بموجب قراردادهای منعقد شده بهای آن‌ها باید تدریجاً و یا به طور یکجا در سالهای بعد به فروشنده پرداخت شود افتتاح اعتبار اسنادی توسط بانک مرکزی ایران بدون پیش دریافت بهای کالاها و خدمات مزبور با تعهد سازمان برنامه و بودجه مشعر بر پیش بینی اعتبار لازم در بودجه سالهای مربوط مجاز خواهد بود.

۳- آئیننامه اجرائی این ماده شامل مبالغی که از بابت افتتاح اعتبار اسنادی قبل از حصول تعهد به عنوان پیش پرداخت قابل تأدیه می‌باشد از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۶۳ - کلیه اعتبارات جاری و عمرانی (سرمایه گذاری ثابت) منظور در قانون بودجه کل کشور تا آخر سال مالی قابل تعهد و پرداخت است و مانده وجوه اعتبارات مصرف نشده هر سال باید حداکثر تا پایان فروردین ماه سال بعد به خزانه برگشت داده شود. تعهداتی که تا آخر سال مالی مربوط با رعایت مقررات در حدود اعتبار مصوب ایجاد شده و پرداخت نشده باشد در سالهای بعد به شرح زیر قابل پرداخت خواهد بود.

۱- تعهدات مربوط به اعتبارات جاری از محل اعتبار خاصی که تحت عنوان (تعهدات پرداخت نشده بودجه مصوب سالهای قبل) در بودجه سالهای بعد منظور می‌شود.

۲- تعهدات مربوط به سالهای ۱۳۵۲ به بعد طرح‌های عمرانی پس از رسیدگی و تأیید مقامات مجاز دستگاه‌های اجرائی در زمان تأدیه تعهد از محل اعتباری که در سالهای بعد ضمن موافقتنامه طرح‌های مربوط منظور می‌شود.

۳- تعهدات سنوات مذکور در بند (۲) در مورد طرحهایی که عملیات آن‌ها خاتمه یافته و یا کلاً متوقف گردیده است پس از رسیدگی و تأیید مقامات مجاز دستگاه‌های اجرائی در زمان تأدیه تعهد و با موافقت سازمان برنامه و بودجه در قالب طرحی که از محل برنامه مربوط و یا از محل ردیف خاصی که به همین منظور در بودجه هر سال پیش بینی می‌شود.

تبصره ۱- بهای کالا یا خدمات موضوع قراردادهایی که در هر سال مالی برای تأمین احتیاجات همان سال طبق مقررات منعقد و از محل اعتبارات جاری و یا عمرانی مصوب تأمین شده است مشروط بر آنکه پایان مدت قرارداد حداکثر آخر همان سال مالی بوده ولی به عللی که خارج از اختیار طرفین قرارداد و یا یکی از آن‌ها است کلاً و یا بعضاً در سال مالی بعد به مرحله تعهد می‌رسد با تأیید

وزارت امور اقتصادی و دارایی حسب مورد از محل اعتبارات مذکور در بندهای (۱) و یا (۲) این ماده قابل پرداخت است.

تبصره ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است ترتیبی اتخاذ نماید که در صورت لزوم مانده وجوه مصرف نشده مربوط به اعتبارات واحدهای خارج از کشور وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در پایان هر سال مالی با رعایت مفاد آئیننامه موضوع ماده ۵۴ این قانون به پای تنخواه گردان سال بعد واحدهای مذکور محسوب گردد.

تبصره ۳- چک‌هایی که تا پایان هر سال عهده حساب‌های خزانه صادر می‌شود پرداخت آن سال محسوب می‌شود.

اصلاح مواد (۶۳) و (۶۴) قانون محاسبات عمومی

مهلت‌های مذکور در مواد قانون اصلاح مواد (۶۳) و (۶۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱/۶/۶۶ برای تعهد و پرداخت هزینه‌های جاری و عمرانی (سرمایه گذاری ثابت) اعم از اینکه از محل اعتبارات عمومی و یا اختصاصی تامین شده و تا پایان سال مالی توسط خزانه‌داری کل در اختیار ذیحسابی دستگاه‌های ذیربط قرار گرفته باشند به ترتیب برای هزینه‌های جاری پایان فروردین ماه و هزینه‌های عمرانی پایان تیرماه سال بعد اصلاح می‌گردد. مانده وجوه مصرف نشده تا تاریخ‌های مذکور پس از انقضای مهلت ظرف ده روز به خزانه واریز می‌گردند. کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردند.

تبصره ۱- آخرین مهلت تهیه و ارائه صورت حساب دریافت و پرداخت نهائی موضوع ماده (۹۵) قانون محاسبات عمومی کشور پایان مردادماه سال بعد خواهد بود.

تبصره ۲- تخلف از این قانون در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب و متخلف برابر مقررات قانونی تعقیب خواهد شد.

تبصره ۳- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کماکان تابع قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۶۹ و قانون تشکیل هیات امناء دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ و شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیین نامه‌های مربوطه خواهند بود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پانزدهم اسفند ماه یک‌هزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۵/۱۲/۱۳۷۹ به تائید شورای نگهبان رسیده است.

ماده ۶۴- اعتبارات مصوب از محل درآمدهای اختصاصی تا آخر سال مالی در حدود وصولی درآمدهای مربوط قابل تعهد و پرداخت می‌باشد و مانده وجوه اعتبارات از محل درآمد اختصاصی مصرف نشده هر سال باید تا پایان فروردین ماه سال بعد به خزانه برگشت داده شود تا به حساب

درآمد عمومی کشور منظور گردد. تعهداتی که تا آخر سال مالی با رعایت مقررات در حدود اعتبار مصوب و درآمدهای وصولی مربوط ایجاد شده و پرداخت نشده باشد در سالهای بعد از محل اعتبار موضوع بند یک ماده ۶۳ این قانون قابل پرداخت بود.

تبصره ۱- هر مبلغ از درآمدهای اختصاصی موضوع این ماده که زائد بر میزان پیش بینی شده در بودجه‌های مصوب مربوط وصول شود، قابل مصرف نبوده و باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز گردد.

تبصره ۲- سازمان تأمین اجتماعی از شمول مقررات این ماده مستثنی است و مشمول مقررات مربوط به خود می‌باشد.

ماده ۹۰- اعمال نظارت مالی بر مخارج وزرتخانه ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی از نظر انطباق پرداختها با مقررات این قانون و سایر قوانین و مقررات راجع به هر نوع خرج، بعهده امور اقتصادی و دارائی است.

تبصره - نظارت عملاتی دولت بر اجرای فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی که هزینه آن‌ها از محل اعتبارات جاری و عمرانی در قانون بودجه کل کشور تأمین می‌شود، به منظور ارزشیابی و از نظر مطابقت عملیات و نتایج حاصله با هدف‌ها و سیاست‌های تعیین شده در قوانین برنامه عمرانی و قوانین بودجه کل کشور و مقایسه پیشرفت کار با جدول‌های زمانبندی به ترتیبی که در قانون برنامه و بودجه کشور مقرر شده و یا خواهد شد کماکان بعهده برنامه و بودجه می‌باشد.

ماده ۹۱- در صورتی که ذیحساب انجام خرجی را بر خلاف قانون و مقررات تشخیص دهد، مراتب را با ذکر مستند قانونی مربوط کتباً به مقام صادر کننده دستور خرج اعلام می‌کند. مقام صادر کننده دستور پس از وصول گزارش ذیحساب چنانچه دستور خود را منطبق با قوانین و مقررات تشخیص داده و مسوولیت قانونی بودن دستور خود را کتباً با ذکر مستند قانونی به عهده بگیرد و مراتب را به ذیحساب اعلام نماید. ذیحساب مکلف است وجه سند هزینه مربوط را پس از ضمیمه نمودن دستور کتبی متضمن قبول مسوولیت مذکور پرداخت و مراتب را با ذکر مستندات قانونی مربوط به وزارت امور اقتصادی و دارائی و رونوشت آنرا با ذکر مستندات قانونی مربوط به وزارت امور اقتصادی و دارائی و رونوشت آنرا جهت اطلاع به دیوان محاسبات کشور گزارش نماید. وزارت امور اقتصادی و دارائی در صورتی که مورد را خلاف تشخیص داد مراتب را برای اقدامات قانونی لازم به دیوان محاسبات کشور اعلام خواهد داد.

ماده ۹۲- در مواردی که بر اثر تعهد زائد بر اعتبار یا عدم رعایت مقررات این قانون خدمتی انجام شود یا مالی به تصویب دولت درآید، دستگاه اجرایی ذیربط مکلف به رد معامله مربوطه می‌باشد. و در صورتی که رد عین آن میسر نبوده و یا فروشنده از قبول امتناع داشته باشد و همچنین در مورد خدمات انجام شده مکلف به قبول و وجه مورد معامله در حدود اعتبارات موجود یا اعتبارات سال

بعد دستگاه اجرایی مربوط قابل پرداخت است و اقدامات فوق مانع تعقیب قانونی متخلف نخواهد بود .

ماده ۹۴ - وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با رعایت قوانین و مقررات نسبت به ایجاد وحدت رویه در مورد اعمال نظارت قبل از خرج اقدام نماید .

ماده ۹۵ - کلیه ذیحسابان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلف‌اند نسخه اول صورتحساب دریافت و پرداخت هر ماه را همراه با اصل اسناد و مدارک مربوط منتهی تا آخر ماه بعد و حساب نهائی هر سال را حداکثر تا پایان خردادماه سال بعد به ترتیبی که در اجرای ماده ۳۹ قانون دیوان محاسبات کشور مقرر می‌شود به دیوان مذکور تحویل و نسخه دوم صورتحساب‌های مذکور را بدون ضمیمه کردن اسناد و مدارک به نحوی که وزارت امور اقتصادی و دارایی معین می‌کند به وزارت نامبرده ارسال نمایند

تبصره ۱- صورتحساب‌های فوق باید به امضاء بالاترین مقام دستگاه اجرائی مربوط و یا مقام مجاز از طرف او و ذیحساب و گواهی نماینده دیوان محاسبات کشور رسیده باشد

تبصره ۲ - مواعد تنظیم و ارسال صورتحساب‌های موضوع این ماده توسط دیوان محاسبات کشور با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی قابل تغییر می‌باشد .

تبصره ۳- نحوه حسابرسی یا رسیدگی دیوان محاسبات کشور معین خواهد شد .

ماده ۱۰۵ - ذیحسابان و سایر مأموران مالی در اجرای تکالیف و مسوولیت‌هایی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به آن‌ها محول می‌شود ، موظفند به تکالیف و مسوولیت‌های محوله عمل نمایند و کلیه مسوولان دستگاه‌های اجرائی و کارکنان ذیحسابیها مکلف به همکاری و تشریک مساعی در این مورد خواهند بود .

متخلفین با اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی و یا دادستان دیوان محاسبات کشور بموجب رأی هیأت‌های مستشاری دیوان مزبور حسب کورد به مجازات‌های زیر محکوم خواهند شد :

۱- اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی .

۲- توبیخ کتبی بدون درج در پرونده استخدامی .

۳- کسر حقوق و مزایا تا حداکثر یک سوم از یکماه تا سه ماه .

۴- انفصال موقت از سه ماه تا یکسال .

ماده ۱۰۶ - مسوولیت حفظ و حراست و نگهداری حساب اموال منقول دولتی در اختیار وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با وزارتخانه‌ها یا مؤسسه دولتی استفاده کننده و نظارت و تمرکز حساب اموال مزبور با وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشد . در اجرای این ماده وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است در مواردی که لازم تشخیص دهد به حساب و موجودی اموال وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به طریق مقتضی رسیدگی نماید و دستگاه‌های مزبور مکلف به همکاری و ایجاد تسهیلات

لازم در این زمینه خواهند بود و در هر حال رسیدگی و نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی رافع مسوولیت دستگاه‌های دولتی مربوط نخواهد بود.

تبصره - اسلحه و مهمات و سایر تجهیزات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از نظامی و انتظامی از لحاظ رسیدگی و نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی از شمول حکم این ماده مستثنی است و تابع مقررات مربوط به خود می‌باشد. فهرست سایر تجهیزات موضوع این تبصره به پیشنهاد وزیران دفاع و سپاه و تصویب شورایعالی تعیین خواهد شد.

ماده ۱۰۷ - انتقال بلاعوض اموال منقول دولت از یک وزارتخانه یا مؤسسه دولتی به وزارتخانه یا مؤسسه دولتی دیگر در صورتی امکان پذیر خواهد بود که علاوه بر موافقت وزارتخانه یا مؤسسه ای که مال را در اختیار دارد موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی قبلاً تحصیل شده باشد.

ماده ۱۰۸ - انتقال بلاعوض اموال منقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به شرکت‌های دولتی که صد در صد سهام آن‌ها متعلق به دولت باشد بنا به تقاضای شرکت دولتی ذیربط و موافقت وزیر یا بالاترین مقام اجرائی وزارتخانه یا مؤسسه دولتی انتقال دهنده مال با تأیید قبلی وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز می‌باشد. در صورتیکه ارزش اموال منقولی که در اجرای این ماده در هر سال به شرکت دولتی منتقل می‌شود براساس ارزیابی کارشناس منتخب شرکت جمعاً بیش از یک میلیون ریال در پایان هر سال باید سرمایه معادل مبلغ ارزیابی شده افزایش یابد و در هر حال شرکت انتقال گیرنده مکلف است ارزش مال منتقل شده را به حساب‌های مربوط منظور نماید.

ماده ۱۰۹ - انتقال بلاعوض اموال منقول شرکت‌های دولتی که صد در صد سهام آن‌ها متعلق به دولت می‌باشد به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی بنا به تقاضای وزیر یا رئیس مؤسسه دولتی مربوط و موافقت مجمع عمومی شرکت و اطلاع قبلی وزارت امور اقتصادی و دارایی مشروط بر آنکه ارزش دفتری (قیمت تمام شده منهای تجمع ذخیره استهلاک) اموالی که در اجرای این ماده انتقال داده می‌شود جمعاً از ۵۰٪ سرمایه پرداخت شده شرکت تجاوز نکند، مجاز می‌باشد. شرکت انتقال دهنده مال مکلف است در صورتی که ارزش دفتری اموال منقول شرکت که در اجرای این ماده به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی منتقل می‌شود تا یک میلیون ریال باشد معادل مبلغ مزبور به حساب هزینه همان سال منظور و در صورت تجاوز این مبلغ از یک میلیون ریال معادل ارزش دفتری اموال منتقل شده سرمایه شرکت را کاهش دهد.

ماده ۱۲۸ - نمونه اسنادی که برای پرداخت هزینه‌های مورد قبول واقع می‌شود و همچنین مدارک و دفاتر و روش نگهداری حساب با موافقت وزارت دارایی و تأیید دیوان محاسبات کشور تعیین می‌شود و دستورالعمل‌های اجرائی این قانون از طرف وزارت مزبور ابلاغ خواهد شد.

ماده ۱۳۲ - مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مکلف‌اند ظرف شش ماه پس از پایان سال مالی ترازنامه و حساب سود و زیان (شامل عملیات جاری و طرح‌های عمرانی) شرکت را رسیدگی و تصویب نمایند.

تبصره ۱- ترازنامه و حساب سود و زیان (شامل عملیات جاری و طرح‌های عمرانی) در صورت قابل طرح و تصویب در مجمع عمومی خواهد بود که از طرف حسابرس منتخب وزارت امور اقتصاد و دارائی مورد رسیدگی قرار گرفته و گزارش حسابرسی را همراه داشته باشد.

تبصره ۲- هیأت مدیره و یا هیأت عامل حسب مورد در شرکت‌های دولتی مکلف است پس از پایان سال مالی حداکثر تا پایان خردادماه ترازنامه و حساب سود و زیان و ضمائم مربوط را جهت رسیدگی به حسابرس منتخب وزارت امور اقتصادی و دارائی تسلیم نماید. حسابرس منتخب وزارت امور اقتصادی و دارائی مکلف است پس از وصول ترازنامه و حساب سود و زیان و ضمائم مربوط حداکثر ظرف مدت دو ماه رسیدگی‌های لازم را انجام داده و گزارش حسابرسی را به مقامات و مراجع ذیربط تسلیم نماید.

تبصره ۳- موعد مقرر برای تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان و ضمائم مربوط از طرف هیأت مدیره و یا هیأت عامل به حسابرس منتخب وزارت امور اقتصادی و دارائی حداکثر تا دو ماه و مهلت رسیدگی حسابرس منتخب وزارت امور اقتصادی و دارائی حداکثر تا سه ماه با ارائه دلایل قابل توجیهی که به تأیید وزارت امور اقتصادی و دارائی برسد قابل تمدید است.

ماده ۱۳۳- در صورتیکه پس از تشکیل مجامع عمومی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌های دولتی به دلایل موجهی قابل تصویب نباشد، مجامع عمومی مکلف‌اند هیأت عامل شرکت را حسب مورد موظف نمایند در مهلتی که تعیین می‌شود نسبت به رفع ایرادات و اشکالات اقدام نمایند و مجدداً ترتیب مجمع عمومی را برای تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان بدهند، در هر حال ترازنامه و حساب سود و زیان هر سال مالی شرکت‌های دولتی باید حداکثر تا پایان آذر ماه سال بعد به تصویب مجامع عمومی آن‌ها رسیده باشد.

تبصره - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌های دولتی از طرف مجامع عمومی مربوط مانع از تعقیب قانونی تخلفات احتمالی مسوولان امر در رابطه با عملکرد شرکت نخواهد بود.

ماده ۱۳۴- انحلال شرکت‌های دولتی منحصرأ با اجازه قانون مجاز می‌باشد مگر آنکه در اساسنامه‌های مربوط ترتیبات دیگری مقرر باشد.

ماده ۱۳۵ - شرکت‌های دولتی مکلف‌اند هر سال معادل ده درصد سود ویژه شرکت را که به منظور افزایش بنیه مالی شرکت دولتی به عنوان اندوخته قانونی موضوع نمایند تا وقتی که اندوخته مزبور معادل سرمایه ثبت شده شرکت بشود.

تبصره - افزایش سرمایه شرکت از محل اندوخته قانونی مجاز نمی‌باشد.

ماده ۱۳۶- سود و زیان حاصل از تسعیر دارائیه‌ها و بدهی‌های ارزی شرکت‌های دولتی در آمد یا هزینه تلقی نمی‌گردد. مابه‌التفاوت حاصل از تسعیر دارائیه‌ها و بدهی‌های مذکور باید در حساب «ذخیره تسعیر دارائیه‌ها و بدهی‌های ارزی» منظور شود. در صورتیکه در پایان سال مالی مانده حساب ذخیره مزبور بدهکار باشد این مبلغ به حساب سود و زیان همان سال منظور خواهد شد.

تبصره - در صورتیکه مانده حساب ذخیره تسعیر دارائیه‌ها و بدهی‌های ارزی در پایان سال مالی از مبلغ سرمایه ثبت شده شرکت تجاوز نماید مبلغ مازاد پس از طی مراحل قانونی قابل انتقال به حساب سرمایه شرکت می‌باشد.

(۵) قانون تجارت

❖ مسئولیت صورت‌های مالی:

ماده ۲۳۲- هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت‌داری و دیون شرکت را در پایان سال و هم‌چنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به‌ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقل‌بیشت روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود.

❖ محتوای صورت‌های مالی:

ماده ۲۳۳- در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روش‌های ارزیابی که در سال مالی قبل از آن به‌کاررفته است رعایت شود با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آن‌ها و با توجه به گزارش هیأت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده ۲۳۴- در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آن که پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم‌باقی نماند یا کافی نباشد. پایین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به‌علل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیان‌ها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۱۴۰- هیأت مدیره مکلف است هر سال یک‌بیستم از سود خالص شرکت را به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی به یک‌دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک‌بیستم مذکور ادامه خواهد یافت و وقتی که اندوخته قانونی به یک‌دهم سرمایه بالغ گردد.

ماده ۲۳۸- از سود خالص شرکت پس از وضع زیان‌های وارده در سال‌های قبل باید معادل یک‌بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به‌عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

❖ تصویب صورت‌های مالی:

ماده ۸۹- مجمع عمومی عادی باید سالی یک‌بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت‌داری و مطالبات و دیون شرکت و صورت‌حساب دوره عملکرد سالانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسان یا بازرسان و سایر امور مربوط به حساب‌های سال مالی تشکیل شود.

تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

ماده ۹۱- چنانچه هیأت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلف‌اند رأساً اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند.

ماده ۱۳۹ - هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورت حساب‌ها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

ماده ۱۴۷- اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند:

۱- اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون.

۲- مدیران و مدیر عامل شرکت.

۳- اقرباء و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.

۴- هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می‌دارد.

ماده ۱۱۱- اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند:

۱- مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آن‌ها صادر شده است.

۲- کسانی که به علت ارتکاب جنایت با یکی از جنجهای ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت:

سرق - خیانت در امانت - کلاهبرداری - جنجه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است - اختلاس - تدلیس - تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

ماده ۲۰۱- در موارد زیر هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد:

۱- در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.

۲- در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.

۳- در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و هم چنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.

۴- در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأیه انحلال شرکت ندهد.

❖ سرمایه:

ماده ۳۳- مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفعحق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

تبصره - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.

ماده ۴۰- انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیلا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هر گونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۴۳- هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوقالعاده سهامداران خود سهام بینام شرکت را به سهام بانام و یا آن که سهام بانام را به سهام بینام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.

ماده ۴۹- دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبانسهام را نخواهند داشت.

ماده ۹۳- در هر موقعی که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعینخواهد بود مگر بعد از آن که دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آن که تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این گونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلاً یکسوم اینگونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود.

ماده ۱۴۸- بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفانند درباره صحت و درستی صورت داراییو صورتحساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان

و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و هم چنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلف‌اند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند.

❖ افزایش و کاهش سرمایه:

ماده ۱۵۷- سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

ماده ۱۵۸- تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان‌پذیر است:

- ۱- پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد.
- ۲- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.
- ۳- انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت.
- ۴- تبدیل اوراق قرضه به سهام.

تبصره ۱- فقط در شرکت سهامی خاص تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است.

تبصره ۲- انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.

ماده ۱۵۹- افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.

ماده ۱۶۰- شرکت می‌تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشند یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.

ماده ۱۶۱- مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازرسان یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می‌کند.

تبصره ۱- مجمع عمومی فوق‌العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می‌کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأدیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیأت مدیره واگذار خواهد کرد.

تبصره ۲- پیشنهاد هیأت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت

به حساب‌های سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالیقبل باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت مدیره باشد.

ماده ۱۶۲- مجمع عمومی فوقالعاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.

ماده ۱۶۳- هیأت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاحاساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۱۶۴- اساسنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد.

ماده ۱۶۵- مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.

ماده ۱۶۶- در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالک‌اند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می‌توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیرهنویسی تعیین می‌گردد شروع می‌شود.

ماده ۱۶۷- مجمع عمومی فوقالعاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می‌کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می‌دهد حقتقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آن که چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت‌مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود.

تبصره - گزارش هیأت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آن‌ها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت اینگونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است.

ماده ۱۶۸- در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیرهنویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعضی دیگر انجام می‌گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آن‌ها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آن‌ها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

ماده ۱۶۹- در شرکت‌های سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیرهنویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده ۱۷۰- در شرکت‌های سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بینام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین کهنباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه‌های حق‌خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۷۱- گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت.
 - ۲- مبلغ سرمایه فعلی و هم چنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت.
 - ۳- تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.
 - ۴- نام بانک و مشخصات حساب سپردهای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
 - ۵- مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند.
 - ۶- هر گونه شرایط دیگری که برای پذیرهنویسی مقرر شده باشد.
- تبصره - گواهینامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.

ماده ۱۷۲- در صورتی که حق تقدم در پذیرهنویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت‌مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.

ماده ۱۷۳- شرکت‌های سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیرهنویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۱۷۵- آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد و در

صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود.

ماده ۱۷۴- طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

- ۱- نام و شماره ثبت شرکت.
 - ۲- موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن.
 - ۳- مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.
 - ۴- در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.
 - ۵- مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
 - ۶- اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
 - ۷- هویت کامل اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت.
 - ۸- شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.
 - ۹- مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه.
 - ۱۰- مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم.
 - ۱۱- مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌های که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن.
 - ۱۲- مبلغ دیون شرکت و هم چنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
 - ۱۳- مبلغ افزایش سرمایه.
 - ۱۴- تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند.
 - ۱۵- تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی.
 - ۱۶- مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.
 - ۱۷- حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود.
 - ۱۸- نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌های که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
 - ۱۹- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت در آن نشر می‌شود.
- ماده ۱۷۶- مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول طرح اعلامیه پذیرهنویسی و ضامم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۱۷۷- اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن نشر می‌گردد اقلأ در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن به عمل می‌آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع

عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برایمراجعه علاقمندان آماده است.

ماده ۱۷۸- خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهدسهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۷۹- پذیرهنویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد به عمل خواهد آمد:

۱- نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.

۲- سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.

۳- مبلغ افزایش سرمایه.

۴- شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.

۵- تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن.

۶- نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می‌شود.

۷- هویت و نشانی کامل پذیرهنویس.

ماده ۱۸۰- مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است.

ماده ۱۸۱- پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیأت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت‌شرکتها اطلاع خواهد داد.

هر گاه پس از رسیدگی به اوراق پذیرهنویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیأت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعدادسهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.

ماده ۱۸۲- هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکتها به ثبت‌رسد به درخواست هر یک از پذیرهنویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیرهنویسی به آن تسلیم شده است گواهی‌نامه‌های حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیرهنویسی کرده‌اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه‌های که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می‌گیرد.

ماده ۱۸۳- برای ثبت افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود:

۱- صورتجلسه مجمع عمومی فوقالعاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیأت مدیره داده است و در صورت اخیر صورتجلسه هیأت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.

۲- یک نسخه از روزنامه‌های که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است.

۳- اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه‌هقید شود.

۴- در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوقالعاده رسیده باشد مجمع عمومی فوقالعاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیرهنویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورتجلسه مجمع عمومی فوقالعاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.

تبصره - اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضاء کلیه هیأت مدیره رسیده باشد.

ماده ۱۸۴- وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حساب‌های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.

ماده ۱۸۵- در صورتی که مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیرهنویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد.

ماده ۱۸۶- در ورقه خرید سهم مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ ماده ۱۷۹ باید قید شود.

ماده ۱۸۷- در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیرهنویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت‌ها صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده بستانکاران پذیرهنویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از تصفیه آنگونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده باشند همراه با صورتجلسه مجمع

عمومی فوق‌العاده و اظهارنامه هیأت مدیره مشعر بر این که کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود.

ماده ۱۸۸- در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید هنگام پذیرهنویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاتر شود.

ماده ۱۸۹- علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آن که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد.

تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد.

ماده ۱۹۰- پیشنهاد هیأت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و هم چنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حساب‌های مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۱۴۱- اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیأت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیأت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت نماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

❖ معاملات اعضای هیأت مدیره:

ماده ۱۲۹- اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت و هم چنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیأت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل آن‌ها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند و در صورت اجازه نیز هیأت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع

عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معاملاتی به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله در جلسه هیأت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور در حق رأی نخواهد داشت.

ماده ۱۳۳- مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسوول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تقویت منفعت

❖ سایر مقررات مربوط به مدیران:

ماده ۱۱۴- مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصحا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته باشد سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده ۱۱۷- بازرس یا بازرسان شرکت مکلف‌اند هر گونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند.

ماده ۱۳۴- مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیأت مدیره در جلسات هیأت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها به طور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. هم چنین در صورتی که در اساسنامه پیشبینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضاء هیأت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیر موظف هیأت مدیره حق ندارند به جز آنچه در این ماده پیشبینی شده است در قبال سمت مدیریت خود به طور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حقالزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

ماده ۱۲۴- هیأت مدیره باید اقلأ یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حقالزحمه او را تعیین کند در صورتی که مدیر عامل عضو هیأت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیأت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی.

تبصره - هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیر عامل را عزل نماید.

ماده ۱۲۵ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حقامضاء دارد.

ماده ۱۲۸ - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخهای از صورتجلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

❖ سود قابل تقسیم:

ماده ۹۰ - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

ماده ۲۳۹ - سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان‌های سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز این که سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیأت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

❖ انتصابات و اختیارات بازرسان:

ماده ۱۴۴ - مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است.

مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آن که جانشین آن‌ها را نیز انتخاب نماید.

تبصره - در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف بازرسی شرکت‌ها را در شرکت‌های سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام‌آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکت‌ها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکت‌های سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آییننامه‌های می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۱۴۹- بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسوولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آن که آن‌ها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

ماده ۱۳۷- هیأت مدیره باید لااقل هر شش ماه یک بار خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.

❖ وظایف بازرسان:

ماده ۱۵۰- بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.

تبصره - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر یک می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده ۱۵۱- بازرس یا بازرسان باید هر گونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیر عامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

❖ سئوالات آزمون‌های جامعه حسابداران رسمی ایران در ادوار مختلف:

ماده ۲- معاملات تجارتي از قرار ذیل است:

- ۱) خرید یا تحویل هر نوع مال منقوض به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- ۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- ۳) هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العملکاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
- ۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.
- ۵) تصدی به عملیات حراجی.
- ۶) تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.
- ۷) هر قسم عملیات صرافى و بانكى.

۸) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

۹) عملیات بیمه بحری و غیر بحری

۱۰) کشتیسازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آن‌ها.

ماده ۴- شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می‌شود:

نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آن‌ها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند. این گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام‌نامیده می‌شوند.

نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آن‌ها در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این گونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص‌نامیده می‌شوند.

تبصره - در شرکت‌های سهامی عام عبارت "شرکت سهامی عام" و در شرکت‌های سهامی خاص عبارت "شرکت سهامی خاص" باید قبل از نام‌شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهیهای شرکت به طور روشن و خوانا قید شود.

ماده ۵- در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد.

در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده ۶- برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسين باید اقلأ بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهدشده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌های به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه‌پذیرهنویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستانها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.

ماده ۱۷- مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل و پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و ششور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند و نیز مجمع عمومی مؤسس روزنامه

کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه به طور منحصر در آن منتشر خواهد شد تعیین خواهد نمود. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسوولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

ماده ۱۹- در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیرهنویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی‌نامه‌های حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهدسهم و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسين و پذیرهنویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترددارند در این صورت هر گونه هزینه‌های که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين خواهد بود.

ماده ۲۱- شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیرهنویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها عرضه نمایند و بایه انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر این که از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام بهنجوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

ماده ۲۳- مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسوولیت تضامنی دارند.

ماده ۲۴- سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد و رقه‌سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱- سهم ممکن است بانام و یا بینام باشد.

تبصره ۲- در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام ممتاز نامیده می‌شود.

ماده ۲۵- اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین میشوند برسد.

ماده ۲۶- در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود:

۱- نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکت‌ها.

۲- مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن.

۳- تعیین نوع سهم.

۴- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد.

۵- تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.

ماده ۲۷- تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ماده ۲۹- در شرکت‌های سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

ماده ۳۲- مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

ماده ۳۷- دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. به علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و هم چنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند.

ماده ۳۹- سهم بی نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید.

گواهینامه موقت سهام بینام در حکم سهام بینام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بینام می‌باشد.

ماده ۴۱- در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.

ماده ۴۲- هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و هم چنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به طور وضوح تعیین گردد. هر گونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف به علاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.

ماده ۷۳- مجامع عمومی به ترتیب عبارت‌اند از:

۱- مجمع عمومی مؤسس.

۲- مجمع عمومی عادی.

۳- مجمع عمومی فوق‌العاده.

ماده ۷۵- در مجمع عمومی مؤسس حضور عده‌ای از پذیرهنویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسين دعوت می‌شوند مشروط بر این که لااقل بیست روز قبل

از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لاقبل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود در صورتی که در مجمع عمومی یک سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام می‌دارند.

تبصره - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسین و پذیرهنویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.

ماده ۷۸- مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.

ماده ۷۹- هرگاه آورده غیر نقد یا مزایایی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یک ماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد. در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیر نقد آن‌ها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیر نقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تأدیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آن‌ها تصویب نشده می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آن‌ها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می‌گردد و سایر پذیرهنویسان می‌توانند به جای آن‌ها سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه کنند.

ماده ۸۲- در شرکت‌های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمی‌توان آورده‌های غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

ماده ۸۳- هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

ماده ۸۴- در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۵- تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده ۸۷- در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلأ بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد

شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۸- در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلافین ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۹۴- هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

ماده ۹۵- سهامدارانی که اقلأ یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیأت‌مدیره خواستار شوند و هیأت‌مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواستکنندگان می‌توانند دعوت مجمع را از بازرسان یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرسان یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آنگونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آن که کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیأت‌مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده ۹۶- در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصرأ موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیأت‌ریسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.

ماده ۹۷- در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به عمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برایشامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوتنامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد.

تبصره - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.

ماده ۱۰۱- مجامع عمومی توسط هیأت‌تریسهای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیشبینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیأت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزودستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبانسهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده ۱۰۲- در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائممقام قانونی صاحب سهم و هم چنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است.

ماده ۱۰۶- در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورتجلسه مجمع باید به جهت ثبت به مرجع شرکت‌ها ارسال گردد:

۱- انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان.

۲- تصویب ترازنامه.

۳- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه.

۴- انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن.

ماده ۱۰۸- مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند.

ماده ۱۰۹- مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است.

ماده ۱۱۰- اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسوولیت‌های مدنی شخص حقیقی‌عضو هیأت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

چنین نماینده‌های مشمول همان شرایط و تعهدات و مسوولیت‌های مدنی و جزایی عضو هیأت مدیره بوده و از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسوولیت تضامنی خواهد داشت.

شخص حقوقی عضو هیأت مدیره می‌تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آن که در همان موقع جانشین او را کتبا به شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می‌شود.

ماده ۱۱۵- در صورتی که مدیری هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشند و هم چنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه، مدیر باید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد وگرنه مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۱۸- جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آن که تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کانلمیکن است.

ماده ۱۲۱- برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیأت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آن که در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

ماده ۱۲۶- اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و هم چنین هیچ کس نمی‌تواند در عین حال مدیرعامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسوولیت‌های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.

ماده ۱۳۰- معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آن که توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تعدیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیأت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسوول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند.

ماده ۱۳۲- مدیر عامل شرکت و اعضاء هیأت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات به خودی خود باطل است. در مورد بانک‌ها و شرکت‌های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌کنند و هم چنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

ماده ۱۳۶- در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسوول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

ماده ۱۳۸- هیأت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیشبینی شده است مجمع عمومی سالیانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

ماده ۱۴۲- مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسوول می‌باشند و دادگاه حدود مسوولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۵۴- بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسوولیت مدنی مسوول جبران خسارات وارده خواهند بود.

ماده ۱۵۵- تعیین حقالزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۱۵۶- بازرس نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد به طور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

ماده ۱۹۸- خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.

ماده ۱۹۹- شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

۱- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.

۲- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.

۳- در صورت ورشکستگی.

۴- در هر موقع که مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد.

۵- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه.

ماده ۲۰۶- شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت "در حال تصفیه" ذکر شود و ناممدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهیهای مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۲۰۸- تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران برای تصفیه موظف بهخاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۱۰- انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.

ماده ۲۱۲- مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داور و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی و کیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کانلمیکناست.

ماده ۲۱۴- مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند.

ماده ۲۳۷- سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.

ماده ۲۴۱- با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. مقررات اساسنامه و هر گونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلااثر است.

• جداول خلاصه قوانین تجاری:

ردیف	شرح	موسس	عادی (سالانه)	فوق العاده
۱	زمان تشکیل	در زمان تاسیس شرکت‌های سهامی عام ^۲	سالی حداقل یک بار، در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده	در شرایط مقرر در بند وظایف (بند ۲)
۲	وظایف	رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و احراز پذیره نویسی و تادیه مبالغ لازم، تصویب طرح اساسنامه صندوق و در صورت لزوم اصلاح آن، انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان قانونی شرکت، تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت نشر دعوت نامه‌ها.	تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل، انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان قانونی، تصویب آئین نامه های اداری و استخدامی - مالی - معاملاتی، اتخاذ تصمیم در کلیه امور راجع به شرکت به جز موادی که صراحتاً در صلاحیت مجمع عمومی موسس یا فوق العاده می باشد.	ایجاد هرگونه تغییر در مواد اساسنامه، افزایش سرمایه، کاهش سرمایه و انحلال شرکت .
۳	اعتبار مصوبات	اکثریت دوثلث آراء حاضرین	اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه	اکثریت دوسوم آراء حاضر در جلسه
۴	حد نصاب تشکیل	نوبت اول	دارندگان اقلای بیش از نصف سهامی که حق رای دارند.	دارندگان بیش از نصف سهامی که دارای حق رای است.
		نوبت دوم	صاحبان لاقل یک سوم سرمایه شرکت.	دارندگان بیش از یک سوم سهامی که دارای حق رای است.

^۲ طبق ماده ۸۲ قانون تجارت، در شرکت‌های سهامی خاص، تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست.

ردیف	نوع شرکت	حداقل مقدار سرمایه	حداقل تعداد شرکاء (نفر)	حداقل تعداد مدیران	مدت مأموریت مدیریت سال	چگونگی مسئولیت صاحبان سهام / سرمایه
۱	سهامی عام	۵,۰۰۰,۰۰۰	۵	۵	۲	محدود به مبلغ اسمی سهام
۲	سهامی خاص	۱,۰۰۰,۰۰۰	۳	۳	۲	محدود به مبلغ اسمی سهام
۳	با مسئولیت محدود	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲	۱	نامحدود	تا میزان سرمایه
۴	تضامنی	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲	۱	نامحدود	مسئول پرداخت تمام قروض شرکت
۵	مختلط غیرسهامی	۱,۰۰۰,۰۰۰	یک نفر شریک ضامن و یک شریک با مسئولیت محدود	۱	نامحدود	۱- شریک ضامن: مسئول کلیه قروضی که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود. ۲- شریک با مسئولیت محدود: تا میزان سرمایه‌ای که گذارده و یا بایستی بگذارد.
۶	مختلط سهامی	۱,۰۰۰,۰۰۰	یک عده شرکاء سهامی و یک نفر شریک ضامن	۱	نامحدود	۱- شرکاء سهامی: تا میزان سرمایه‌ای که در شرکت دارند ۲- شریک ضامن: مسئول کلیه قروضی که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود.
۷	نسبی	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲	۱	نامحدود	محدود به سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته‌اند.
۸	تعاونی عام	۱,۰۰۰,۰۰۰	۵۰۰	-	نامحدود	محدود به مبلغ اسمی سهام
۹	تعاونی خاص	۱,۰۰۰,۰۰۰	۷	-	نامحدود	محدود به مبلغ اسمی سهام

(۶) قانون برگزاری مناقصات

ماده ۱- کاربرد:

الف - این قانون به منظور تعیین روش و مراحل برگزاری مناقصات به تصویب می‌رسد و تنها در معاملاتی که با رعایت این قانون انجام می‌شود، کاربرد دارد.

ب - قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی، شرکت‌های بیمه دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند)، مؤسسات عمومی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی و همچنین دستگاه‌ها و واحدهائی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، اعم از این که قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت نمایند نظیر وزارت جهاد کشاورزی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های تابعه آن‌ها موظف‌اند در برگزاری مناقصه مقررات این قانون را رعایت کنند.

تبصره - نیروهای مسلح، تابع مقررات و ضوابط خاص خود بوده و از شمول این قانون مستثنی هستند.

ماده ۲- تعاریف:

واژگانی که در این قانون به کار برده شده، به شرح زیر تعریف می‌شوند:

الف - مناقصه: فرایندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه)، که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کمترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می‌شود.

ب - مناقصه‌گزار: دستگاه موضوع بند (ب) ماده (۱) این قانون که مناقصه را برگزار می‌نماید.

ج - مناقصه‌گر: شخصی حقیقی یا حقوقی است که اسناد مناقصه را دریافت و در مناقصه شرکت می‌کند.

د - کمیته فنی بازرگانی: هیأتی است با حداقل سه عضو خبره فنی بازرگانی صلاحیتدار که از سوی مقام مجاز دستگاه مناقصه‌گزار انتخاب می‌شود و ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها و سایر وظایف مقرر در این قانون را برعهده می‌گیرد.

ه - ارزیابی کیفی مناقصه‌گران: عبارت است از ارزیابی توان انجام تعهدات مناقصه‌گران که از سوی مناقصه‌گزار یا به تشخیص وی توسط کمیته فنی بازرگانی انجام می‌شود.

و - ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها: فرایندی است که در آن مشخصات، استانداردها، کارایی، دوام و سایر ویژگی‌های فنی بازرگانی پیشنهادهای مناقصه‌گران بررسی، ارزیابی و پیشنهادهای قابل قبول برگزیده می‌شوند.

ز - ارزیابی مالی: فرایندی است که در آن مناسب‌ترین قیمت به شرح مندرج در ماده (۲۰) این قانون از بین پیشنهادهایی

که از نظر فنی بازرگانی پذیرفته شده‌اند، برگزیده می‌شود.

- ح - ارزیابی شکلی: عبارت است از بررسی کامل بودن اسناد و امضای آن‌ها، غیرمشروط و خوانا بودن پیشنهاد قیمت.
- ط - انحصار: انحصار در معامله عبارت است از یگانه بودن متقاضی شرکت در معامله که به طرق زیر تعیین می‌شود:
- ۱- اعلان هیأت وزیران برای کالاها و خدماتی که در انحصار دولت است.
 - ۲- انتشار آگهی عمومی و ایجاب تنها یک متقاضی برای انجام معامله.
- ی - برنامه زمانی مناقصه: سندی است که در آن زمان و مهلت برگزاری مراحل مختلف مناقصه، مدت اعتبار پیشنهادها و زمان انعقاد قرارداد مشخص می‌شود.
- ماده ۳- طبقه‌بندی معاملات
- معاملات از نظر نصاب (قیمت معامله) به سه دسته تقسیم می‌شوند:
- ۱- معاملات کوچک: معاملاتی که به قیمت ثابت سال ۱۳۸۲ کمتر از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد.
 - ۲- معاملات متوسط: معاملاتی که مبلغ مورد معامله بیش از سقف مبلغ معاملات کوچک بوده و از ده برابر سقف ارزش معاملات کوچک تجاوز نکند.
 - ۳- معاملات بزرگ: معاملاتی که مبلغ برآورد اولیه آن‌ها بیش از ده برابر سقف ارزش مبلغ معاملات کوچک باشد.
- تبصره ۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است در ابتدای هر سال نصاب معاملات را براساس شاخص بهای کالاها و خدمات اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جهت تصویب به هیأت وزیران پیشنهاد نماید.
- تبصره ۲- مبلغ نصاب برای معاملات کوچک و متوسط مبلغ مورد معامله و در معاملات عمده مبلغ برآوردی واحد متقاضی معامله می‌باشد.
- تبصره ۳- مبلغ یا برآورد معاملات مشمول هر یک از نصاب‌های فوق نباید با تفکیک اقلامی که به‌طور متعارف یک مجموعه واحد تلقی می‌شوند، به نصاب پایین‌تر برده شود.
- ماده ۴- طبقه‌بندی انواع مناقصات
- الف - مناقصات از نظر مراحل بررسی به انواع زیر طبقه‌بندی می‌شوند:
- ۱- مناقصه یک مرحله‌ای: مناقصه‌ای است که در آن نیازی به ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها نباشد. در این مناقصه پاکت‌های پیشنهاد مناقصه‌گران در یک جلسه گشوده و در همان جلسه برنده مناقصه تعیین می‌شود.
 - ۲- مناقصه دو مرحله‌ای: مناقصه‌ای است که به تشخیص مناقصه‌گزار، بررسی فنی بازرگانی پیشنهادها لازم باشد. در این مناقصه، کمیته فنی بازرگانی تشکیل می‌شود و نتایج ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها را به کمیسیون مناقصه گزارش می‌کند و بر اساس مفاد ماده (۱۹) این قانون برنده مناقصه تعیین می‌شود.

ب - مناقصات از نظر روش دعوت مناقصه‌گران به انواع زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- مناقصه عمومی: مناقصه‌ای است که در آن فراخوان مناقصه از طریق آگهی عمومی به اطلاع مناقصه‌گران می‌رسد.

۲- مناقصه محدود: مناقصه‌ای است که در آن به تشخیص و مسؤلیت بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار، محدودیت برگزاری مناقصه عمومی با ذکر ادله تأیید شود. فراخوان مناقصه از طریق ارسال دعوت‌نامه برای مناقصه‌گران صلاحیتدار [براساس ضوابط موضوع مواد (۱۳) و (۲۷) این قانون] به اطلاع مناقصه‌گران می‌رسد.

فصل دوم - سازماندهی مناقصات

ماده ۵ - کمیسیون مناقصه

الف - کمیسیون مناقصه از اعضای زیر تشکیل می‌شود:

۱- رئیس دستگاه مناقصه‌گزار یا نماینده وی.

۲- ذی‌حساب یا بالاترین مقام مالی دستگاه مناقصه‌گزار حسب مورد.

۳- مسؤول فنی دستگاه مناقصه‌گزار یا واحدی که مناقصه به درخواست وی برگزار می‌شود.

ب - در مناقصات مربوط به شهرداری‌ها، از سوی شورای شهر یک نفر به عنوان ناظر در جلسات کمیسیون مناقصه شرکت خواهد کرد.

ج - کمیسیون با حضور هر سه نفر اعضای مزبور رسمیت دارد و تمام اعضاء مکلف به حضور در جلسه و ابراز نظر هستند. تصمیمات کمیسیون با رأی اکثریت اعضاء معتبر خواهد بود.

د - در مناقصات دو مرحله‌ای کمیسیون، مناقصه با حضور رئیس دستگاه مناقصه‌گزار تشکیل می‌شود.

ه - اعضاء کمیسیون مناقصات در شرکت‌های دولتی با انتخاب هیأت مدیره می‌باشد.

ماده ۶ - وظایف کمیسیون مناقصه

اهم وظایف کمیسیون مناقصه به شرح زیر است:

الف - تشکیل جلسات کمیسیون مناقصه در موعد مقرر در فراخوان مناقصه.

ب - بررسی پیشنهادهای مناقصه‌گران از نظر کامل بودن مدارک و امضای آن‌ها و نیز خوانا بودن و غیرمشروط بودن پیشنهادهای قیمت (ارزیابی شکلی).

ج - ارزیابی پیشنهادها و تعیین پیشنهادهای قابل قبول طبق شرایط و اسناد مناقصه.

د - ارجاع بررسی فنی پیشنهادها به کمیته فنی بازرگانی در مناقصات دو مرحله‌ای.

ه - تعیین برندگان اول و دوم مناقصه (طبق ضوابط مواد ۱۹ و ۲۰ این قانون).

و - تنظیم صورتجلسات مناقصه.

ز - تصمیم‌گیری درباره تجدید یا لغو مناقصه.

ماده ۷- هیأت رسیدگی به شکایات

به منظور رسیدگی به دعاوی بین مناقصه‌گر و مناقصه‌گزار هیأت رسیدگی تشکیل می‌گردد. اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

ماده ۸- وظایف هیأت رسیدگی به شکایات

الف- رسیدگی به اعتراضات مربوط به اجرا نشدن هر یک از مواد این قانون.

ب- صدور رأی تجدید یا لغو مناقصه.

تبصره ۱- موارد زیر مشمول رسیدگی از سوی هیأت رسیدگی به شکایات نیست:

۱- معیارها و روش‌های ارزیابی پیشنهادها.

۲- ترجیح پیشنهاد دهندگان داخلی.

۳- اعتراضاتی که یک ماه پس از اعتبار پیشنهادها ارسال شده باشد.

۴- شکایت برندگان مناقصات پس از انعقاد قرارداد.

تبصره ۲- آئین‌نامه اجرائی این ماده پس از تصویب این قانون و اساسنامه موضوع ماده (۷) به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

فصل سوم- برگزاری مناقصات

ماده ۹- فرایند برگزاری مناقصات

فرایند برگزاری مناقصات به ترتیب شامل مراحل زیر است:

الف- تأمین منابع مالی.

ب- تعیین نوع مناقصه در معاملات بزرگ (یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای، عمومی یا محدود).

ج- تهیه اسناد مناقصه.

د- ارزیابی کیفی مناقصه‌گران در صورت لزوم.

ه- فراخوان مناقصه.

و- ارزیابی پیشنهادها.

ز- تعیین برنده مناقصه و انعقاد قرارداد.

ماده ۱۰- تأمین منابع مالی

الف- انجام معامله به هر طریق مشروط بر آن است که دستگاه‌های موضوع بند (ب) ماده (۱) این قانون به نحو مقتضی نسبت به پیش‌بینی منابع مالی معامله در مدت قرارداد اطمینان حاصل و مراتب در اسناد مرتبط قید شده باشد.

ب- موضوع پیش‌بینی منابع مالی و نحوه ضمانت تأخیر تعهدات برای انجام معامله باید به صراحت در شرایط و اسناد مناقصه از سوی دستگاه مناقصه‌گزار قید و تعهد شود.

ماده ۱۱- روش‌های انجام مناقصه

مناقصه به طرق زیر انجام می‌شود:

الف- در معاملات کوچک، کارپرداز یا مأمور خرید باید با توجه به کم و کیف موضوع معامله (کالا، خدمت یا حقوق) درباره بهای آن تحقیق نماید و با رعایت صرفه و صلاح و اخذ فاکتور مشخص و به تشخیص و مسؤولیت خود، معامله را با تأمین کیفیت به کمترین بهای ممکن انجام دهد.

ب- در معاملات متوسط، کارپرداز یا مأمور خرید باید با توجه به کم و کیف موضوع معامله (کالا، خدمت یا حقوق) درباره بهای آن تحقیق نماید و با رعایت صرفه و صلاح و اخذ حداقل سه فقره استعلام کتبی، با تأمین کیفیت مورد نظر، چنانچه بهای به‌دست آمده مورد تأیید مسؤول واحد تدارکاتی یا مقام مسؤول همتراز وی باشد، معامله را با عقد قرارداد یا اخذ فاکتور انجام دهد و چنانچه اخذ سه فقره استعلام کتبی ممکن نباشد با تأیید مسؤول تدارکاتی یا مقام مسؤول همتراز وی، به تعداد موجود کفایت می‌شود.

تبصره- چنانچه مسؤولیت واحد تدارکاتی برعهده کارپرداز واحد باشد امضای نامبرده به منزله امضای مسؤول واحد تدارکاتی است. در صورتی که دستگاه اجرائی فاقد کارپرداز باشد می‌توان وظایف مندرج در این قانون را به متصدیان پستهای مشابه سازمانی و یا به مأمور خرید محول نمود.

ج- در معاملات بزرگ به یکی از روش‌های زیر عمل می‌شود:

۱- برگزاری مناقصه عمومی از طریق انتشار فراخوان در روزنامه‌های کثیرالانتشار.

۲- برگزاری مناقصه محدود.

ماده ۱۲- ارزیابی کیفی مناقصه‌گران

الف- در ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، باید موارد زیر لحاظ شود:

۱- تضمین کیفیت خدمات و محصولات.

۲- داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر.

۳- حسن سابقه.

۴- داشتن پروانه کار یا گواهینامه‌های صلاحیت، در صورت لزوم.

۵- توان مالی متقاضی برای انجام کار در صورت لزوم.

ب- مراحل ارزیابی کیفی مناقصه‌گران به شرح زیر است:

۱- تعیین معیارهای ارزیابی و اهمیت نسبی معیارها.

۲- تهیه اسناد ارزیابی.

۳- دریافت، تکمیل و ارسال اسناد ارزیابی از سوی متقاضیان.

۴- ارزیابی اسناد دریافت شده و تعیین امتیاز هر یک از مناقصه‌گران و رتبه‌بندی آنها.

۵- اعلام اسامی مناقصه‌گران صلاحیتدار به کارفرما و امتیازات و رتبه آنها (تهیه لیست کوتاه).

۶- مستندسازی ارزیابی کیفی مناقصه گران.

ج - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرائی حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون آئین‌نامه اجرائی ارزیابی کیفی مناقصه گران را با رعایت موازین مقرر در این ماده که بیانگر شاخص‌های اندازه‌گیری و روش ارزیابی مناقصه گران باشد تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند.

ماده ۱۳- فراخوان مناقصه

الف - مفاد فراخوان مناقصه حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

۱- نام و نشانی مناقصه گزار.

۲- نوع، کمیت و کیفیت کالا یا خدمات.

۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه.

۴- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها.

۵- مبلغ برآورد شده معامله و مبانی آن (در صورتی که تعیین آن میسر یا به‌مصلحت باشد).

در مواردی که فهرست بهای پایه وجود دارد، برآورد مربوط طبق فهرست یاد شده تهیه می‌شود.

ب - فراخوان مناقصه عمومی باید به تشخیص مناقصه گزار از دو تا سه نوبت حداقل در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا استان مربوط منتشر گردد.

ج - مناقصه گزار می‌تواند علاوه بر موارد مذکور در بند (ب) این ماده از طریق سایر رسانه‌های گروهی و رسانه‌های ارتباط جمعی یا شبکه‌های اطلاع‌رسانی نیز فراخوان را منتشر نماید.

د - در صورتی که نیاز به برگزاری مناقصه بین‌المللی باشد، یا استفاده از تسهیلات اعتباری خارجی مطرح باشد، باید با کسب مجوزهای مربوط و با رعایت موازین قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرائی کشور مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ آگهی مربوط در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و حداقل یک نوبت در یکی از روزنامه‌های انگلیسی زبان داخل و یک مجله یا روزنامه بین‌المللی مرتبط با موضوع مناقصه، منتشر شود.

ماده ۱۴- اسناد مناقصه

الف - تمامی اسناد مناقصه باید به طور یکسان به همه داوطلبان تحویل شود.

ب - اسناد مناقصه شامل موارد زیر است:

۱- نام و نشانی مناقصه گزار.

۲- نوع و مبلغ تضمین مناقصه.

۳- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، تحویل پیشنهادها و گشایش آن‌ها.

۴- مبلغ پیش‌پرداخت و تضمین حسن انجام کار.

۵- مدت اعتبار پیشنهادها.

۶- شرح کار، مشخصات فنی بازرگانی، استانداردها، نوع، کمیت و کیفیت کالا یا خدمات.

۷- برنامه‌ریزی انجام کار یا تحویل کالا.

۸- معیارها و روش ارزیابی کیفی مناقصه‌گران.

۹- روش تهیه و مهلت مقرر برای تسلیم پیشنهادها و تعداد نسخه‌های آن‌ها.

۱۰- متن قرارداد شامل موافقتنامه، شرایط عمومی و خصوصی و ضمیمه آن.

۱۱- صورت‌جلسات و توضیحات موضوع ماده (۱۷).

۱۲- سایر اسنادی که به تشخیص مناقصه‌گزار لازم باشد.

ماده ۱۵- ترتیب تهیه و تسلیم پیشنهادها

الف- شرکت‌کنندگان در مناقصه پس از دریافت یا خرید اسناد باید پیشنهادهای خود را به ترتیب

زیر تهیه و به مناقصه‌گزار تسلیم کنند:

۱- تهیه و تکمیل اسناد و پیشنهادها.

۲- تسلیم پیشنهادها در مهلت مقرر در فراخوان مناقصه.

۳- دریافت رسید تحویل پیشنهادها.

ب- مهلت قبول پیشنهادها در مورد مناقصات داخلی و بین‌المللی از آخرین مهلت تحویل اسناد

مناقصه به ترتیب نباید کمتر از ده روز و یک ماه باشد.

ماده ۱۶- شرایط تسلیم و تحویل پیشنهادها

الف- هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان در مناقصه، جز در مواردی که در اسناد مناقصه پیش‌بینی شده

باشد، نمی‌توانند بیش از یک پیشنهاد تسلیم کنند.

ب- شرکت‌کنندگان در مناقصه، اسناد مناقصه و پیشنهادهای خود را باید در پاکت‌های جداگانه

لاک و مهر شده شامل تضمین (پاکت الف)، پیشنهاد فنی بازرگانی (پاکت ب) و پیشنهاد قیمت

(پاکت ج) بگذارند و همه پاکت‌ها را در لفاف مناسب و لاک و مهر شده قرار دهند.

ج- مناقصه‌گزار موظف است در مهلت مقرر همه پیشنهادهای ارائه شده شرکت‌کنندگان را پس

از دریافت، ثبت و تا جلسه بازگشائی، از پاکت‌ها صیانت نماید.

د- هرگونه تسلیم، تحویل، اصلاح، جایگزینی و یا پس‌گرفتن پیشنهاد باید به‌صورت قابل

گواهی و در مهلت و مکان مقرر در اسناد مناقصه انجام شود.

ماده ۱۷- توضیح و تشریح اسناد

الف- چنانچه شرکت‌کننده در اسناد مناقصه، ابهام یا ایرادی مشاهده کند، می‌تواند از

مناقصه‌گزار توضیح بخواهد.

ب - توضیحات و پاسخ به پرسش‌های مناقصه‌گران و همچنین در صورت تشکیل « جلسه توضیح اسناد»، رونوشت صورتجلسه آن مطابق ماده (۲۲) این قانون به طور یکسان برای همه شرکت کنندگان مناقصه‌گر ارسال خواهد شد.

ماده ۱۸ - گشایش پیشنهادها

الف - پیشنهادهای مناقصه‌گران در زمان و مکان مقرر گشوده می‌شود.

ب - مراحل گشایش پیشنهادها به شرح زیر است:

۱ - تهیه فهرست اسامی دریافت کنندگان اسناد، (پیشنهاددهندگان)، حاضران و شرکت کنندگان در جلسه.

۲ - باز کردن پاکت تضمین (پاکت الف) و کنترل آن.

۳ - باز کردن پاکت فنی بازرگانی.

۴ - باز کردن پیشنهاد قیمت و کنترل از نظر کامل بودن مدارک و امضای آن‌ها و کنار گذاشتن پیشنهادهای غیر قابل قبول در مناقصات یک مرحله‌ای.

۵ - تحویل پاکت‌های فنی بازرگانی به کمیته فنی بازرگانی در مناقصات دو مرحله‌ای.

۶ - تهیه و تنظیم و امضای صورتجلسه گشایش پیشنهادها توسط کمیسیون مناقصه.

۷ - تحویل پاکت‌های قیمت و پاکت تضمین پیشنهادهای رد شده به مناقصه‌گزار برای استرداد به ذی‌نفع.

ج - در صورت برگزاری مناقصه دو مرحله‌ای، زمان و مکان تشکیل جلسه گشایش پیشنهادهای قیمت، در جلسه گشایش پاکت‌ها اعلام خواهد شد، این مدت فقط برای یک بار تا سقف مدت اعتبار پیشنهادها قابل تمدید است. در این صورت پاکت‌های قیمت در یک لفاف لاک و مهر شده توسط دستگاه مناقصه‌گزار صیانت می‌شود. در مناقصات یک مرحله‌ای، پیشنهادهای قیمت بی‌درنگ گشوده و براساس ماده (۲۰) این قانون، برنده مناقصه تعیین می‌شود.

د - دستگاه مناقصه‌گزار مکلف است از مناقصه‌گران یا نمایندگان آن‌ها جهت حضور در جلسه گشایش پیشنهادهای مالی دعوت نماید.

ماده ۱۹ - ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها

الف - در مناقصات دو مرحله‌ای، مناقصه‌گزار موظف است براساس معیارها و روش‌های اعلام شده در اسناد مناقصه، ارزیابی کیفی مناقصه‌گران و ارزیابی فنی بازرگانی پیشنهادها را انجام و اعلام نماید.

ب - در صورتی که بررسی فنی بازرگانی پیشنهادها لازم باشد، نتیجه بررسی طی مهلتی که کمیسیون مناقصه معین می‌کند به جلسه بعدی کمیسیون احاله می‌شود و براساس گزارش کمیته فنی

بازرگانی، پاکت‌های قیمت پیشنهاددهندگانی که امتیاز فنی بازرگانی لازم را احراز کرده‌اند، گشوده می‌شود.

ج - هرگونه ارزیابی فنی بازرگانی، تنها پیش از گشودن پیشنهادهای قیمت مجاز است.

د - پاکت پیشنهاد قیمت مناقصه‌گرانی که در ارزیابی‌های فنی بازرگانی پذیرفته نشده‌اند، باید ناگشوده بازگردانده شود.

ماده ۲۰ - ارزیابی مالی و تعیین برنده مناقصه

الف - هنگام ارزیابی مالی، مناقصه‌گری که مناسب‌ترین قیمت را حائز شده باشد، به‌عنوان برنده اول اعلام خواهد شد و برنده دوم در صورتی اعلام می‌شود که تفاوت قیمت پیشنهادی وی با برنده اول، کمتر از مبلغ تضمین باشد. روش ارزیابی مالی باید در اسناد مناقصه به‌صورت مشروح با ذکر نحوه تأثیرگذاری ارزیابی فنی بازرگانی بر قیمت اعلام شود.

ب - پس از گشودن پاکت‌های قیمت، چنانچه بررسی قیمت‌ها و تجزیه و کنترل‌مبانی آن لازم باشد، کمیسیون مناقصه می‌تواند بررسی آن را به کمیته فنی بازرگانی ارجاع نماید و کمیته فنی بازرگانی حداکثر ظرف دو هفته نتیجه ارزیابی را به کمیسیون مناقصه اعلام می‌کند.

ج - پس از گشودن پیشنهادهای قیمت، تضمین برنده اول و دوم، نزد مناقصه‌گزار نگهداری و تضمین سایر مناقصه‌گران بازگردانده می‌شود.

د - در مناقصات بین‌المللی، مناقصه‌گران داخلی نسبت به مناقصه‌گران خارجی ترجیح دارند. نحوه ترجیح مناقصه‌گران داخلی، در اسناد مناقصه قید خواهد شد. مناقصاتی که در آن‌ها رعایت این قاعده به مصلحت نباشد، باید از سوی شورای اقتصاد تأیید شود.

ماده ۲۱ - انعقاد قرارداد

الف - قرارداد با برنده مناقصه، باید پیش از پایان مدت اعتبار پیشنهادها منعقد شود. این مدت حداکثر برای یک بار و برابر مدت پیش‌بینی شده در اسناد مناقصه قابل تمدید است. بعد از عقد قرارداد تضمین پیشنهاددهنده دوم مسترد می‌گردد.

ب - قرارداد با برنده اول در مهلت پیش‌بینی شده در اسناد، منعقد خواهد شد. چنانچه برنده اول از انعقاد قرارداد امتناع نماید و یا ضمانت انجام تعهدات را ارائه ننماید، تضمین مناقصه وی ضبط و قرارداد با برنده دوم منعقد می‌گردد. در صورت امتناع نفر دوم، تضمین وی نیز ضبط و مناقصه تجدید خواهد شد.

فصل چهارم - مقررات مناقصات

ماده ۲۲ - شرایط ارسال اسناد و مکاتبات

ارسال مکاتبات یا اسناد مرتبط با مناقصه موضوع ماده (۲۰) این قانون در صورتی معتبر است که فرستادن آن جز در موارد تغییر نشانی یا محل قابل تصدیق باشد؛ مانند پست سفارشی، تلگرام، تلکس و نظایر آن.

ماده ۲۳ - مستند سازی و اطلاع‌رسانی

الف - دولت موظف است ظرف مدت یک سال بانک اطلاعات و پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات را ایجاد و اطلاعات و اسناد زیر را ثبت و نگهداری کند:

۱ - فراخوان مناقصه.

۲ - نام و مشخصات اعضای کمیسیون، مناقصه‌گران و حاضران در جلسات مناقصات.

۳ - خلاصه اسناد مناقصه.

۴ - روش و مراحل ارزیابی کیفی مناقصه‌گران و نتایج ارزیابی آن‌ها.

۵ - صورتجلسات و نتایج ارزیابی‌ها.

۶ - نام، مشخصات و نحوه انتخاب برنده یا برندگان مناقصه.

ب - مناقصه‌گزار موظف است اطلاعات موضوع بند (الف) این ماده و نیز همه اسناد مناقصه را به نحوی مطمئن بایگانی و نگهداری و نسخه‌ای از آن را برای بانک اطلاعات مناقصات ارسال کند.

ج - اطلاعات کلیه معاملات اعم از مناقصه و ترک مناقصه - جز آن دسته از معاملات که به تشخیص هیأت وزیران باید مستور بماند - باید از طریق شبکه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات در اختیار عموم قرار گیرد.

د - حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون، آئین‌نامه اجرائی نظام مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۴ - تجدید و لغو مناقصه

الف - مناقصه در شرایط زیر تجدید می‌گردد:

۱ - کم بودن تعداد مناقصه‌گران از حدنصاب تعیین شده در اسناد مناقصه.

۲ - امتناع برندگان اول و دوم مناقصه از انعقاد قرارداد.

۳ - پایان مدت اعتبار پیشنهادها.

۴ - رأی هیأت رسیدگی به شکایات.

۵ - بالا بودن قیمت‌ها به نحوی که توجیه اقتصادی طرح منتفی گردد.

ب - مناقصه در شرایط زیر لغو می‌شود:

۱ - نیاز به کالا یا خدمات موضوع مناقصه مرتفع شده باشد.

۲ - تغییرات زیادی در اسناد مناقصه لازم باشد و موجب تغییر در ماهیت مناقصه گردد.

۳- پیشامدهای غیرمتعارف نظیر جنگ، زلزله، سیل و مانند آن‌ها.

۴- رأی هیأت رسیدگی به شکایات.

۵- تشخیص کمیسیون مناقصه مبنی بر تبانی بین مناقصه‌گران.

ج - مناقصه‌گزار باید تجدید و یا لغو مناقصه را مطابق ماده (۲۲) این قانون به آگاهی همه مناقصه‌گران برساند.

ماده ۲۵ - نحوه رسیدگی به شکایات

الف - چنانچه هریک از مناقصه‌گران نسبت به اجرا نشدن موادی از قانون برگزاری مناقصات اعتراض داشته باشد می‌تواند به بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گزار شکایت کند.

ب - دستگاه مناقصه‌گزار مکلف است در مهلت پانزده‌روز کاری از تاریخ دریافت شکایت، رسیدگی‌های لازم را به عمل آورده و در صورت وارد دانستن اعتراض، مطابق مقررات مربوط اقدام نماید و در صورتی که شکایت را وارد تشخیص ندهد، ظرف مهلت تعیین شده جوابیه لازم را به شاکی اعلام کند.

ج - در صورت عدم پذیرش نتیجه توسط شاکی، هیأت رسیدگی به شکایات موضوع را بررسی و رأی قطعی را طی پانزده روز اعلام خواهد کرد. در صورت اعتراض هریک از طرفین، موضوع جهت رسیدگی قانونی به مراجع ذیصلاح ارجاع می‌شود و فرایند برگزاری مناقصه نیز روال معمول خود را طی خواهد کرد.

ماده ۲۶ - نحوه برگزاری مناقصه محدود

مناقصه محدود با رعایت مواد (۴) و (۱۳) در موارد زیر برگزار می‌شود:

الف - وجود فهرست‌های مناقصه‌گران صلاحیتدار معرفی شده توسط مراجع ذیصلاح دولتی.

تهیه این فهرست با رعایت اصل رقابت بین تمامی مناقصه‌گران صلاحیتدار، برابر آیین‌نامه‌ای است که با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ب - وجود فهرست کوتاه مناقصه‌گران صلاحیتدار که طبق ماده (۱۲) این قانون حداکثر دو سال قبل تهیه شده باشد.

در مناقصه محدود نیازی به انتشار آگهی (انجام ترتیبات موضوع بندهای «ب»، «ج» و «د» ماده (۱۳) این قانون نیست.

ماده ۲۷ - ترک تشریفات مناقصه

در مواردی که انجام مناقصه براساس گزارش توجیهی دستگاه مناقصه‌گزار به تشخیص یک هیأت سه‌نفره مرکب از مقامات مذکور در ماده (۲۸) این قانون میسر نباشد، می‌توان معامله را به طریق دیگری انجام داد و در این صورت هیأت ترک تشریفات مناقصه با رعایت صرفه و صلاح

دستگاه ترتیب انجام این گونه معاملات را با رعایت سایر مقررات مربوط در هر مورد برای یک نوع کالا یا خدمت تعیین و اعلام خواهد نمود.

ماده ۲۸ - ترکیب هیأت ترک تشریفات مناقصه

ترکیب هیأت ترک تشریفات مناقصه موضوع ماده (۲۷) این قانون در مورد دستگاه‌های موضوع بند(ب) ماده (۱) این قانون به شرح زیر خواهد بود:

الف - در مورد معاملات واحدهای مرکزی دستگاه‌های موضوع بند (ب) ماده (۱) این قانون معاون مالی و اداری و یا مقام مشابه وزارتخانه یا مؤسسه دولتی حسب مورد و ذی حساب مربوط یا مقام مشابه و یک نفر دیگر از کارکنان خبره و متعهد دستگاه مربوطه به انتخاب بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی ربط.

ب - در انجام معاملات دستگاه‌های اجرایی که دارای اعتبارات استانی هستند در واحدهای خارج از مرکز دستگاه‌های موضوع بند (ب) ماده (۱)، استاندار یا نماینده او و بالاترین مقام دستگاه اجرایی در محل و حسب مورد ذی حساب یا مسؤول امور مالی مربوط.

تبصره ۱ - در دستگاه‌هایی که ذی حساب ندارند، بالاترین مسؤول امور مالی، جانشین ذی حساب می باشد.

تبصره ۲ - هیأت ترک مناقصه در استانداری‌ها، استاندار یا نماینده او، معاون ذی ربط استاندار و ذی حساب استانداری می باشد.

ج - در مورد انجام معاملات شرکت‌های دولتی، مدیرعامل و یا بالاترین مقام اجرایی و حسب مورد ذی حساب یا مدیر مالی شرکت و یک نفر به انتخاب مجمع عمومی یا شورای عالی حسب مورد.

د - هیأت موضوع این ماده که در هر مورد بنا به دعوت بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی ربط و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها تشکیل می شود، با حضور هر سه نفر اعضای مربوطه رسمیت دارد و کلیه اعضاء مکلف به حضور در جلسات هیأت و ابراز نظر خود نسبت به گزارش توجیهی دستگاه اجرایی مربوط در مورد تقاضای ترک مناقصه و همچنین نحوه انجام معامله مورد نظر هستند لکن تصمیمات هیأت با رأی اکثریت اعضاء معتبر خواهد بود.

ه - در اجرای ماده (۲۷) این قانون در صورتی که مبلغ معامله بیش از پنجاه برابر نصاب معاملات کوچک باشد، انجام معامله پس از تصویب هیأت‌های سه نفری موضوع این ماده حسب مورد با تأیید مقامات زیر مجاز خواهد بود:

۱- در مورد واحدهای مرکزی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی، به ترتیب وزیر یا رئیس مؤسسه مزبور و در مورد شرکت‌های دولتی هیأت مدیره شرکت.

۲- در مورد دستگاه‌های اجرائی محلی تابع نظام بودجه استانی و در مورد معاملات مربوط به اعتبارات غیراستانی که توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به واحدهای خارج از مرکز ابلاغ می‌گردد و همچنین در مورد مؤسسات دولتی مستقر در خارج از مرکز، استاندار استان مربوطه.

تبصره - در مواردی که استاندار شخصاً در هیأت ترک مناقصه موضوع این ماده شرکت کند و با نظر موافق صورتجلسه مربوط را امضاء نماید، تأیید مجدد وی ضرورت ندارد.

۳- در مورد معاملات مربوط به قوه قضائیه، شورای نگهبان، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دیوان محاسبات کشور و سایر مؤسسات دولتی که به صورت مستقل اداره می‌شوند و تابع هیچ یک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی نیستند، به ترتیب رئیس قوه قضائیه یا حسب مورد یکی از معاونین منتخب وی، رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، رئیس دیوان محاسبات کشور و بالاترین مقام دستگاه اجرائی ذی‌ربط.

۴- در مورد معاملات مربوط به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی بالاترین مقام اجرائی نهاد یا مؤسسه مربوط.

و - در اجرای بند (ه) این ماده در صورتی که مبلغ معامله بیش از دویست برابرنصاب معاملات کوچک باشد انجام معامله پس از تصویب هیأت‌های سه‌نفری موضوع این ماده تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منوط به تأیید شورای اقتصاد و پس از آن منوط به تأیید هیأتی مرکب از رئیس سازمان‌مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر هیأت)، وزیر امور اقتصادی و دارائی و بالاترین مقام مذکور در بند (ه) خواهد بود.

ماده ۲۹ - موارد عدم الزام به برگزاری مناقصه

در موارد زیر الزام به برگزاری مناقصه نیست و دستگاه‌های اجرائی مندرج در بند (ب) ماده (۱) این قانون می‌توانند بدون انجام تشریفات مناقصه، معامله مورد نظر را انجام دهند:

الف - خرید اموال منقول، خدمات و حقوقی که به تشخیص و مسؤولیت وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرائی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها منحصر به فرد (انحصاری) بوده و دارای انواع مشابه نباشد.

ب - خرید، اجاره به شرط تملیک یا اجاره گرفتن اموال غیرمنقول که به تشخیص و مسؤولیت وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرائی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها با کسب نظر از هیأت کارشناسان رسمی دادگستری حداقل سه نفر و یا هیأت کارشناسان خبره مربوطه در صورت نبود کارشناسان رسمی انجام خواهد شد.

ج - خرید اموال منقول و غیرمنقول، کالا و خدمات با قیمت تعیین شده یا کمتر یا حقوقی که نرخ‌های آن‌ها از طرف مراجع قانونی ذی‌صلاح تعیین شده باشد.

د - تعمیر تجهیزات و ماشین‌آلات ثابت و متحرک و تأمین تجهیزات و ماشین‌آلات صرفاً جایگزین و مرتبط با تداوم تولید در واحدهای تولیدی به نحوی که شامل توسعه واحد نگردد به تشخیص و مسئولیت وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرائی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها با رعایت صرفه و صلاح کشور.

ه - خرید خدمات مشاوره اعم از مهندسی مشاور و مشاوره فنی بازرگانی مشتمل بر مطالعه، طراحی و یا مدیریت بر طرح و اجرا و نظارت و یا هر نوع خدمات مشاوره‌ای و کارشناسی.

آئین‌نامه اجرائی این بند جهت تعیین ضوابط، موازین و معیارهای خدمات مشاوره حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

و - خدمات فرهنگی و هنری، آموزشی و ورزشی و نظایر آن به تشخیص و مسئولیت وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرائی که امکان برگزاری مناقصه مقدور نباشد با رعایت صرفه و صلاح کشور.

ز - خرید قطعات یدکی برای تعویض و یا تکمیل لوازم و تجهیزات ماشین‌آلات ثابت و متحرک موجود و همچنین ادوات و ابزار و وسایل اندازه‌گیری دقیق و لوازم آزمایشگاه‌های علمی و فنی و نظایر آن که تأمین آن با تشخیص بالاترین مقام اجرائی از طریق مناقصه امکان‌پذیر نباشد، با تعیین بهای مورد معامله از سوی حداقل یک نفر کارشناس رشته مربوط که حسب مورد توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرائی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها انتخاب می‌شود.

ح - در مورد معاملات محرمانه به تشخیص هیأت وزیران با رعایت صرفه و صلاح کشور.

ط - خرید سهام و تعهدات ناشی از اجرای احکام قضائی.

ماده ۳۰ - نسخ قوانین

از تاریخ تصویب این قانون تمامی قوانین و مقررات مغایر دستگاه‌های مشمول این قانون منسوخ می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر سی ماده و ده تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و پنجم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۳ با اصلاحاتی در بند (ب) ماده (۱) و بند (ب) ماده (۲۸) و ماده (۳۰) و حذف بندهای (د)، (ه) و جزء (۳) بند (ز) ماده (۲۸) به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

نکات برجسته:

❖ معامله دولتی: مطابق با ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی کشور، معاملات وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی اعم از خرید، فروش، اجاره، استجاره، پیمانکاری، اجرت کار و غیره باید بر حسب مورد

از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود؛ لازم به ذکر است که استثناء موارد استخدامی در معاملات دولتی نیز با توجه به ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری لغو شده است.

معاملاتی که مبلغ مورد معامله کمتر یا مساوی نصاب معاملات موضوع ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات باشد.	معاملات کوچک (جزیی)
معاملاتی که مبلغ مورد معامله بزرگ‌تر از سقف معاملات کوچک بوده و از ده برابر سقف ارزش معاملات کوچک تجاوز نکند.	معاملات متوسط
معاملاتی که مبلغ برآورد اولیه آن‌ها بیش از ده برابر سقف ارزش مبلغ معاملات کوچک باشد.	معاملات بزرگ (عمده)

❖ مبلغ نصاب برای معاملات کوچک و متوسط در معاملات دولتی (مناقصه) براساس تبصره ۲ ماده ۳ «قانون برگزاری مناقصات» مبلغ مورد معامله و در معاملات عمده مبلغ برآوردی واحد متقاضی معامله است.

❖ مبنای نصاب در معاملات دولتی (مزایده) یا فروش مطابق «تبصره ۲ ماده ۱ آیین‌نامه معاملات دولتی» مبلغ ارزیابی کارشناس منتخب دستگاه است.

❖ مبلغ یا برآورد معاملات (مناقصه) مشمول هر یک از نصاب‌های معاملات در مناقصه نباید با تفکیک اقلامی که به طور متعارف یک مجموعه واحد تلقی می‌شود، به نصاب پایین‌تر برده شود. «تبصره ۳ ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات»

❖ نصاب معاملات موضوع ماده (۳) قانون برگزاری مناقصات در اجرای مفاد جزء (ب) بند (۱۰) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور و با توجه به مصوبه شماره ۳۵۹۳۴ / ۴۴۶۹۵ مورخ ۸۹/۳/۲۲ هیئت وزیران به مواردی که معامله براساس مزایده انجام می‌شود، تسری یافته و مورد عمل دستگاه‌های اجرایی قرار می‌گیرد.

❖ روش‌های انجام معامله (کالا، خدمت یا حقوق):

نوع معامله	معاملات کوچک (جزیی)	معاملات متوسط	معاملات بزرگ (عمده)
------------	---------------------	---------------	---------------------

<p>(۱) برگزاری مناقصه عمومی از طریق انتشار فراخون در روزنامه‌های کثیرالانتشار.</p> <p>(۲) برگزاری مناقصه محدود (دعوت‌نامه)</p>	<p>کارپرداز یا مأمور خرید باید با توجه به کم و کیف موضوع معامله درباره بهای آن تحقیق نموده و با رعایت صرفه و صلاح و اخذ حداقل ۳ فقره استعلام کتبی با تأمین کیفیت و تأیید مسؤل واحد تدارکاتی یا مقام مسؤل هم‌تراز وی معامله را با عقد قرارداد یا اخذ فاکتور انجام دهد.</p>	<p>با اخذ فاکتور مشخص با رعایت صرفه و صلاح به تشخیص و مسؤلیت کارپرداز یا مأمور خرید با تأمین کیفیت به کمترین بهای ممکن معامله را انجام دهد.</p>	<p>مناقصه</p>
<p>مزایده عمومی</p>	<p>اطلاعات کلی در مورد نوع، مشخصات، مقدار مورد معامله، روز، ساعت، محل حراج و سایر شرایطی که لازم باشد باید با آگهی در روزنامه و طرق انتشاراتی دیگر از قبیل رادیو، تلویزیون، الصاق آگهی در معابر به اطلاع عموم برسد؛ مورد معامله باید قبلاً ارزیابی شود و حراج از بهای تعیین شده شروع گردد و به خریداری که بالاترین بها را پیشنهاد کند واگذار می‌شود.</p>	<p>مأمور فروش مکلف است به داوطلبان مراجعه و پس از تحقیق کامل از بها با رعایت صرفه دولت، معامله را انجام دهد و سند مربوط را با تعهد اینکه معامله با بیش‌ترین بهای ممکن انجام شده است و با ذکر نام و نام خانوادگی و سمت و تاریخ امضاء کند.</p>	<p>مزایده</p>

- چنانچه براساس بند ب ماده ۱۱ قانون برگزاری مناقصات، اخذ سه فقره استعلام کتبی در معاملات دولتی (مناقصه) ممکن نباشد با تأیید مسؤل تدارکاتی یا مقام مسؤل هم‌تراز وی به تعداد موجود کفایت می‌شود.
- هزینه ثبت قرارداد مطابق جزء ۵ آیین‌نامه معاملات دولتی در دفترخانه اسناد رسمی به عهده برنده (مناقصه / مزایده) خواهد بود؛ ضمناً براساس جزء ۱۳ ماده ۳۱ آیین‌نامه معاملات دولتی، هزینه درج آگهی به عنوان سایر تعهدات می‌توان در شرایط مناقصه یا مزایده بر عهده برنده معامله گذاشت.
- براساس ماده ۴ دستورالعمل شرکت در مناقصه (راهنمای مناقصه)، بخشنامه شماره ۱۰۱/۹۵۵۷۹ مورخ ۸۴/۵/۲۶ ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور)، مناقصه گزار بدون توجه به نحوه انجام یا نتیجه مناقصه، در مورد هزینه شرکت در مناقصه، مسؤلیت و تعهدی ندارد.

موارد عدم الزام به برگزاری مناقصه:

- خرید اموال منقول، خدمات و حقوقی که به تشخیص و مسئولیت وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها منحصر به فرد (انحصاری) بوده و دارای انواع مشابه نباشد.

انحصار: مطابق جزء ط ماده ۲ قانون مناقصات انحصار در معامله عبارت است از یگانه بودن متقاضی شرکت در معامله که به طریق ذیل تعیین شود:

الف - اعلان هیأت وزیران برای کالاها و خدماتی که در انحصار دولت است.

ب - انتشار آگهی عمومی و ایجاب تنها یک متقاضی برای انجام معامله.

- خرید، اجاره به شرط تملیک، اجاره اموال غیر منقول که به تشخیص و مسئولیت بالاترین مقام دستگاه اجرایی و یا مقام مجاز با کسب نظر از سه نفر هیأت کارشناسان رسمی دادگستری و در صورت نبود کارشناس رسمی، هیأت کارشناسان خبره مربوطه.

- خرید اموال منقول و غیر منقول، کالا و خدمات به قیمت تعیین شده یا کمتر از نرخ‌های اعلام شده توسط مراجع قانونی ذیصلاح.

- خرید خدمات مشاوره اعم از مهندسی مشاور، مشاور فنی بازرگانی مشتمل بر مطالعه، طراحی یا مدیریت بر طرح، اجرا و نظارت و یا هر نوع خدمات مشاوره‌ای و کارشناسی با رعایت آیین‌نامه اجرایی آن.

- خدمات فرهنگی، هنری، آموزشی و ورزشی و نظایر آنکه به تشخیص و مسئولیت صرفاً وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی که امکان برگزاری مناقصه مقدور نباشد با رعایت صرفه و صلاح کشور.

- تعمیر تجهیزات و ماشین‌آلات ثابت و متحرک و تأمین تجهیزات و ماشین‌آلات صرفاً جایگزین و مرتبط با تداوم تولید در واحدهای تولیدی به نحوی که شامل توسعه واحد نگردد به تشخیص مقامات مجاز دستگاه اجرایی با رعایت صرفه و صلاح کشور.

- خرید قطعات یدکی برای تعویض و یا تکمیل لوازم و تجهیزات ماشین‌آلات متحرک و ثابت موجود ادوات و ابزار و وسایل اندازه‌گیری دقیق و لوازم آزمایشگاهی علمی و فنی و نظایر آنکه به تشخیص بالاترین مقام دستگاه اجرایی که تأمین آن از طریق مناقصه امکان‌پذیر نباشد. با تعیین بهای مورد معامله از سوی حداقل یک نفر کارشناس رشته مربوطه حسب مورد با انتخاب مقامات مجاز دستگاه اجرایی.

- در معاملات محرمانه به تشخیص هیأت وزیران با رعایت صرفه و صلاح کشور.
- خرید سهام و تعهدات ناشی از اجرای احکام قضایی.
- به استناد تبصره (۱) و (۲) جزءت ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات اعلام می‌دارد؛ به منظور تحقق اصل رقابت در تهیه فهرست مناقصه‌گران صلاحیت‌دار، ضمن رعایت لایحه قانونی راجع به منع مداخله کارکنان دولت، مناقصاتی که با حضور شرکت‌های وابسته، تعاونی‌های کارکنان، صندوق‌های بازنشستگی و نظایر آن انجام می‌شود باید به صورت عمومی برگزار شود و تعاونی‌های کارکنان و صندوق‌های بازنشستگی نمی‌توانند با دستگاه‌های خود قرارداد منعقد کنند؛ ضمناً طبق نظریه شماره ۵۶/۱۱۰۷۸ مورخ ۸۵/۱۰/۲ نظارت بر اجرای بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی، ممنوعیت مذکور فارغ از معاملاتی است که قرارداد آن‌ها از طریق مناقصه عمومی و یا ترک تشریفات مناقصه منعقد شده.

موارد عدم برگزاری مزایده عمومی «ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی کشور»:

- در مورد معاملاتی که طرف معامله، وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی باشد.
- در مورد معاملاتی که انجام آنها به تشخیص مقامات مجاز دستگاه اجرایی به شرح ذیل مقرون به صرفه و صلاح دولت نیز باشد :
- ✓ الف: مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و مؤسسات تابعه که بیش از ۵۰٪ درصد سهام آن متعلق به مؤسسات و نهادهای مذکور باشد.
- ✓ ب: شرکت‌های تعاونی مصرف و توزیع کارکنان وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که بر اساس قوانین و مقررات ناظر بر شرکت‌های تعاونی تشکیل و اداره شود.
- ✓ ج: شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع که تحت نظارت مستقیم دولت تشکیل و اداره می‌شود.
- ✓ در مورد معاملاتی که به تشخیص هیأت وزیران به ملاحظه و صرفه و صلاح دولت باید مستور بماند.
- ✓ مورد فروش کالاها و خدماتی که مستقیماً توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تولید و ارایه می‌شود و نرخ فروش آن‌ها توسط مراجع قانونی مربوط تعیین می‌گردد.

براساس تبصره ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی کشور، انجام معاملات موضوع ردیف‌های (الف) - (ب) و (ب - ۲) بدون رعایت تشریفات مزایده مشروط بر آن است که دستگاه فروشنده، مورد معامله را در اختیار داشته یا تولید کننده یا انجام دهنده آن باشد یا اینکه وظیفه تهیه و توزیع و فروش مورد معامله را به عهده داشته باشد.

مورد خاص جهت عدم برگزاری مناقصه یا مزایده و تشریفات مربوط به آن:

- به استناد ماده ۱۷ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوبه شماره ۳۲۶/۵۳۱۴۰ مورخ ۸۸/۱۰/۲۰ مجلس شورای اسلامی: خرید و فروش کالاهای پذیرفته شده در بورس‌های کالایی که با رعایت مقررات حاکم بر آن بورس‌ها مورد داد و ستد قرار می‌گیرند، توسط وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های دولتی و عمومی و دستگاه‌های اجرایی، نیاز به برگزاری مناقصه یا مزایده و تشریفات مربوط به آن‌ها ندارد.

آگهی مناقصه (عمومی)

➤ مناقصه عمومی مناقصه‌ای است که در آن فراخوان مناقصه از طریق آگهی عمومی به اطلاع مناقصه‌گران می‌رسد؛ براساس ماده ۱۳ قانون برگزاری مناقصات، مفاد فراخوان مناقصه حداقل باید شامل موارد ذیل باشد:

۱. نام و نشانی مناقصه‌گزار
۲. نوع، کمیت و کیفیت کالا یا خدمات
۳. نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه
۴. محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها
۵. مبلغ برآورد شده معامله و مبانی آن (در صورتی که تعیین آن میسر یا به مصلحت باشد)؛ در مواردی که فهرست بهای پایه وجود دارد، برآورد مربوط طبق فهرست یاد شده تهیه می‌شود.
۶. فراخوان مناقصه عمومی باید به تشخیص مناقصه‌گزار از دو تا سه نوبت حداقل در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا استان مربوط منتشر گردد؛ مناقصه‌گزار می‌تواند علاوه بر موارد مذکور از طریق سایر رسانه‌های گروهی و رسانه‌های ارتباط جمعی یا شبکه‌های اطلاع‌رسانی نیز فراخوان را منتشر نماید؛ در صورتی که نیاز به برگزاری مناقصه بین‌المللی باشد، یا استفاده از تسهیلات اعتباری خارجی مطرح باشد، باید با کسب مجوزهای مربوط و با رعایت

موازن قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور مصوب ۷۵/۱۲/۱۲ آگهی مربوط در یکی از روزنامه‌های کثیرالتشعار و حداقل یک نوبت در یکی از روزنامه‌های انگلیسی زبان داخل و یک مجله یا روزنامه بین‌المللی مرتبط با موضوع مناقصه منتشر شود.

آگهی مزایده (عمومی)

در آگهی مزایده بر اساس ماده ۷ آیین‌نامه معاملات دولتی باید نکات زیر ذکر شود:

- ✓ نوع و مقدار کالا و یا کار با ذکر مشخصات.
 - ✓ مدت و محل و نحوه تحویل کالا یا انجام کار و ترتیب عمل و میزان خسارت در مواردی که طرف معامله در تحویل کالا یا انجام کار کلاً یا بعضاً تأخیر نماید.
 - ✓ تصریح اینکه بهای پیشنهادی باید به مبلغ مشخص یا براساس درصد کسر یا اضافه نسبت به واحد بهای اعلام شده تعیین و در پاکت لاک و مهر شده تسلیم شود.
 - ✓ مدت قبول پیشنهادها.
 - ✓ محل تسلیم پیشنهادها.
 - ✓ میزان سپرده شرکت در مزایده به طور مقطوع که باید به صورت نقد به حساب سپرده دستگاه مزایده‌گزار در بانک تحویل و رسید آن به ضمیمه پیشنهاد تسلیم شود.
 - ✓ میزان تضمین حُسن انجام معامله و ترتیب دریافت و استرداد آن.
- (در صورتی که موضوع معامله، کالا باشد ممکن است به میزان تضمین حُسن انجام معامله از کالای مورد معامله دریافت شود و در این صورت باید موضوع در آگهی قید گردد).
- ✓ حداکثر مدتی که برای بررسی پیشنهادها و تشخیص حائز حداقل و ابلاغ به برنده مزایده ضرورت دارد.
 - ✓ روز و ساعت و محل قرائت پیشنهادها و همچنین مجاز بودن حضور پیشنهاد دهندگان یا نمایندگان آنها در کمیسیون مزایده.
 - ✓ محل توزیع یا فروش نقشه‌ها و برگ شرایط و مشخصات در صورت لزوم.

- ✓ محل توزیع نمونه‌های ضمانت‌نامه و قرارداد اگر تهیه آن لازم باشد که در این صورت ضمانت‌نامه عیناً مطابق نمونه باید تنظیم و نمونه قرارداد نیز با قید اینکه مورد قبول است باید امضاء و ضمیمه پیشنهاد شود.
- ✓ دستگاه مزایده‌گزار در صورتی که ذکر شرایط خاصی را لازم تشخیص دهد مشروط بر اینکه با قوانین و مفاد این آیین‌نامه مغایر نباشد می‌تواند در متن آگهی و برگ شرایط و مشخصات درج نماید به طوری که عموم داوطلبان قبل از تسلیم پیشنهاد از مفاد آن اطلاع حاصل کنند ولی منظور داشتن امتیازات جدید برای برنده مزایده، هنگام انعقاد قرارداد یا اجرای قرارداد به هر عنوان **ممنوع** می‌باشد. (ماده ۸ آیین‌نامه معاملات دولتی)
- ✓ در صورتی که شرایط مزایده که بر طبق مواد ۷ و ۸ آیین‌نامه معاملات دولتی باید در آگهی ذکر شود مفصل باشد و درج آن در روزنامه مستلزم هزینه زیاد گردد، ممکن است نوع کالا یا کار مورد معامله، مقدار، مدت، محل تحویل، مدت و محل قبول پیشنهادها در آگهی درج شود و تصریح گردد که نقشه‌ها و برگ شرایط و مشخصات معامله در محل معین موجود است و پیشنهاد دهندگان باید یک نسخه از آن را دریافت و با قید قبولی امضاء کرده و به پیشنهاد خود ضمیمه و تسلیم نمایند. (ماده ۹ آیین‌نامه معاملات دولتی)

تکالیف و اختیارات دستگاه مزایده‌گزار

- دستگاه مزایده‌گزار در خصوص اتخاذ تصمیم در مورد پیشنهادهاى واصله و انعقاد قرارداد دارای تکالیف و اختیارات زیر می‌باشد: (ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات دولتی)
- ۱. دستگاه مزایده‌گزار **مکلف** است سپرده شرکت در مزایده برنده معامله را در صورتی که حاضر به انجام معامله نشود و همچنین سپرده نفر دوم را در صورتی که بر اساس تبصره (۱) ماده (۲۷) آیین‌نامه معاملات دولتی برای انجام معامله به او رجوع شود و از انجام معامله امتناع نماید ضبط کند.
- ۲. دستگاه مزایده‌گزار **اختیار** دارد، مقدار کالا یا کار مورد معامله را تا بیست و پنج درصد افزایش یا کاهش دهد مشروط بر اینکه کلیه محاسبات فنی نسبت به این افزایش یا کاهش متناسباً رعایت و تطبیق نماید.
- ۳. دستگاه مزایده‌گزار مجاز نیست به پیشنهادات مبهم و مشروط و بدون سپرده و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در آگهی برسد ترتیب اثر دهد.

۴. دستگاه مزایده‌گزار در هر یک یا تمام پیشنهادها مختار است.
۵. هزینه ثبت قرارداد در دفترخانه اسناد رسمی به عهده برنده مزایده خواهد بود.
۶. دستگاه مزایده‌گزار **مکلف** است هرگونه مالیات یا عوارض که بابت معامله به طرف قرارداد تعلق گیرد از بهای کارکرد یا کالای تحویلی در موقع پرداخت مطالبات او کسر کند.
- دستگاه مزایده‌گزار مکلف به رعایت نکات زیر می‌باشد (ماده ۱۱ آیین‌نامه معاملات دولتی):
۱. مدت قبول پیشنهادها در مورد آگهی‌هایی که در داخل کشور منتشر می‌شود از تاریخ اولین نوبت انتشار از ده روز **نباید** کمتر باشد و در مورد آگهی‌هایی که در خارج از کشور طبق تبصره ۳ ماده ۶ منتشر می‌شود از ۶۰ روز **نباید** کمتر تعیین شود.
 ۲. در صورتی که به تشخیص دستگاه مزایده‌گزار، نوع معامله ایجاب کند که نقشه یا برگ شرایط و مشخصات و نمونه‌های ضمانت‌نامه و قرارداد و مدارک دیگری تهیه شود قبل از نشر آگهی باید آن‌ها را تهیه کند.
 ۳. میزان سپرده شرکت در مزایده با توجه به موضوع و خصوصیات معامله **نباید** از پنج درصد مبلغ برآوردی معامله کمتر باشد ولی در صورتی که میزان سپرده به مآخذ فوق از پانصد هزار ریال بیشتر شود، دستگاه مزایده‌گزار می‌تواند میزان سپرده را به مبلغ متناسب که از پانصد هزار ریال کمتر نباشد تقلیل دهد.
 ۴. حداقل میزان تضمین حُسن انجام معامله که باید قبل از انعقاد قرارداد اخذ شود در مورد معاملاتی که موضوع آن انجام امور ساختمانی یا باربری یا فروش ماشین‌آلات باشد پنج درصد و در مورد سایر معاملات ده درصد مبلغ معامله می‌باشد و باید به صورت نقد به حساب سپرده بانکی دستگاه مزایده‌گزار تحویل شود، در مورد معاملات ساختمانی و باربری علاوه بر پنج درصد مذکور دستگاه مزایده‌گزار باید از هر پرداخت معادل ده درصد کسر و به حساب سپرده بابت تضمین حُسن انجام معامله منظور کند.
 ۵. براساس بند (۱) ماده ۳۸ آیین‌نامه معاملات دولتی، در مورد معاملات عمده، در آگهی مزایده، شرایطی که طبق آیین‌نامه معاملات دولتی برای آگهی مناقصه پیش‌بینی شده در صورتی که با عمل مزایده منطبق باشد، باید رعایت شود.

اعضای کمیسیون معاملات دولتی

➤ الف - مناقصه:

✓ کمیسیون مناقصه براساس ماده ۵ قانون برگزاری مناقصات از اعضای ذیل تشکیل می‌گردند:

۱. رییس دستگاه مناقصه‌گزار یا نماینده وی؛
 ۲. ذیحساب یا بالاترین مقام مالی دستگاه مناقصه‌گزار حسب مورد؛
 ۳. مسئول فنی دستگاه مناقصه‌گزار یا واحدی که مناقصه به درخواست وی برگزار می‌شود.
- کمیسیون با حضور هر سه نفر اعضای مزبور رسمیت دارد و تمام اعضاء **مکلف** به حضور در جلسه و ابراز نظر هستند؛ تصمیمات کمیسیون با رأی اکثریت اعضاء معتبر خواهد بود؛ در مناقصات مربوط به شهرداری‌ها، از سوی شورای شهر یک نفر به عنوان ناظر در جلسات کمیسیون مناقصه شرکت خواهد کرد و اعضای کمیسیون مناقصات در شرکت‌های دولتی با انتخاب هیأت مدیره می‌باشد. ضمناً در مناقصات دو مرحله‌ای، کمیسیون مناقصه با حضور رییس دستگاه مناقصه‌گزار تشکیل می‌شود.

➤ ب - مزایده:

براساس جزء ۲ ماده ۳۸ و ماده ۱۹، ۲۰ و ۲۱ آیین‌نامه معاملات دولتی، کمیسیون مزایده در مرکز از سه نفر به شرح ذیل تشکیل می‌شود:

۱. معاون وزارتخانه یا مؤسسه دولتی یا یک نفر نماینده به انتخاب وزیر یا رییس مؤسسه مربوط.
۲. ذیحساب وزارتخانه یا مؤسسه دولتی یا نماینده او.
۳. رییس قسمت تقاضا کننده مورد معامله یا نماینده او.

در شهرستان‌ها، کمیسیون مزایده از سه نفر به شرح ذیل تشکیل می‌شود:

۱. رییس دستگاه مزایده‌گزار یا نماینده او.
۲. ذیحساب مربوط یا نماینده او.
۳. مسئول امور تدارکات دستگاه مزایده‌گزار یا نماینده او.

ترک تشریفات معاملات (مناقصه)

➤ براساس ماده ۲۷ قانون برگزاری مناقصات، در مواردی که انجام مناقصه براساس گزارش توجیهی دستگاه مناقصه‌گزار به تشخیص یک هیأت سه نفره مرکب از مقامات مذکور در ماه ۲۸ این قانون برگزاری مناقصات میسر نباشد، می‌توان معامله به طریق دیگر انجام داد و در این

صورت هیأت ترک تشریفات مناقصه با رعایت صرفه و صلاح دستگاه، ترتیب انجام این گونه معاملات را با رعایت سایر مقررات مربوط در هر مورد برای یک نوع کالا یا خدمت تعیین و اعلام خواهد نمود.

➤ جزء (ه) ماده ۲۸ قانون برگزاری مناقصات - در اجرای ماده (۲۷) قانون برگزاری مناقصات در صورتی که مبلغ معامله بیش از پنجاه برابر نصاب معاملات کوچک باشد، انجام معامله پس از تصویب هیأت‌های سه نفری موضوع این ماده حسب مورد با تأیید مقامات زیر مجاز خواهد بود:

➤ در مورد واحدهای مرکزی، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی به ترتیب، وزیر یا رئیس مؤسسه مزبور و در مورد شرکت‌های دولتی هیأت مدیره شرکت.

➤ در مورد دستگاه‌های اجرایی محلی تابع نظام بودجه استانی و در مورد معاملات مربوط به اعتبارات غیر استانی که توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به واحدهای خارج از مرکز ابلاغ می‌گردد و همچنین در مورد مؤسسات دولتی مستقر در خارج از مرکز، استاندار استان مربوطه.

➤ **تبصره -** در مواردی که استاندار شخصاً در هیأت ترک مناقصه موضوع این ماده شرکت کند و با نظر موافق صورتجلسه مربوط را امضاء نماید، تأیید مجدد وی ضرورت ندارد.

➤ در مورد معاملات مربوط به قوه قضائیه، شورای نگهبان، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، دیوان محاسبات کشور و سایر مؤسسات دولتی که به صورت مستقل اداره می‌شوند و تابع هیچ یک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی نیستند، به ترتیب رئیس قوه قضائیه یا حسب مورد یکی از معاونین منتخب وی، رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، رئیس دیوان محاسبات کشور و بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذیربط.

➤ در مورد معاملات مربوط به مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، بالاترین مقام اجرایی نهاد یا مؤسسه مربوط.

➤ جزء (و) ماده ۲۸ قانون برگزاری مناقصات - در صورتی که مبلغ معامله بیش از دو برابر نصاب معاملات کوچک باشد، انجام معامله پس از تصویب هیأت‌های سه نفری موضوع این ماده تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منوط به تأیید شورای اقتصاد و پس از آن منوط به تأیید هیأتی مرکب از رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر هیأت)، وزیر امور اقتصادی و دارایی و بالاترین مقام مذکور در بند (ه) خواهد بود.

ترک تشریفات معاملات (مزایده)

- ماده ۸۳ قانون محاسبات عمومی کشور: در مواردی که انجام مزایده براساس گزارش توجیهی دستگاه اجرایی مربوط به تشخیص یک هیأت سه نفره مرکب از مقامات مذکور در ماده ۸۴ قانون محاسبات عمومی کشور به مصلحت نباشد، می‌توان معامله را به طریق دیگری انجام داد و در این صورت هیأت مزبور با رعایت صرفه و صلاح دولت، ترتیب انجام اینگونه معاملات را با رعایت سایر مقررات مربوط در هر مورد یا به طور کلی برای یک نوع کالا یا خدمت تعیین و اعلام خواهد نمود.
- ماده ۸۵ قانون محاسبات عمومی کشور: هیأت موضوع مواد ۸۳ و ۸۴ این قانون که در هر مورد بنا به دعوت وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی و یا مقامات مجاز از طرف آن‌ها تشکیل می‌شود با حضور هر سه نفر اعضاء مربوط رسمیت دارد و کلیه اعضاء **مکلف** به حضور در جلسات هیأت و ابراز نظر خود نسبت به گزارش توجیهی دستگاه اجرایی مربوط در مورد تقاضای ترک مزایده و همچنین نحوه انجام معامله مورد نظر هستند، لکن تصمیمات هیأت با رأی اکثریت اعضاء معتبر خواهد بود.
- ماده ۸۳ قانون محاسبات عمومی کشور: در صورتی که مبلغ معامله بیش از ۳۰۰ میلیون ریال باشد انجام معامله پس از تصویب هیأت سه نفری موضوع ماده ۸۴ این قانون حسب مورد با تأیید مقامات زیر مجاز خواهد بود:
- ✓ الف - در مورد واحدهای مرکزی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی، وزیر مربوطه.
- ✓ ب - در مورد دستگاه‌های اجرایی محلی تابع نظام بودجه استانی و سایر واحدهای تابعه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در خارج از مرکز و همچنین در مورد مؤسسات دولتی مستقر در خارج از مرکز، استاندار استان مربوط.
- ✓ ج - در مورد معاملات نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و در مورد معاملات نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و در مورد معاملات مربوط به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- ✓ د - در مورد معاملات مربوط به دادگستری جمهوری اسلامی ایران، صدا سیمای جمهوری اسلامی ایران و دیوان محاسبات کشور و سایر مؤسسات دولتی که به صورت مستقل اداره

می‌شوند و تابع هیچیک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی نیستند به ترتیب شورای عالی قضائی، شورای سرپرستی، رییس دیوان محاسبات کشور و بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذیربط.

✓ ه - در مورد معاملات مربوط به مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی در صورتیکه بموجب مقررات مربوط زیر نظر شورا و یا ارکان مشابه اداره می‌شوند، شورا و یا ارکان مربوط و در صورتی که فاقد شورا و یا ارکان مشابه می‌باشند، بالاترین مقام اجرایی مؤسسه یا نهاد مربوط.

✓ ماده ۸۷ قانون محاسبات عمومی کشور: در اجرای ماده ۸۳ در صورتیکه مبلغ معامله بیش از ۲ میلیارد ریال باشد، انجام معامله پس از تصویب هیأت سه نفری موضوع ماده ۸۴ موکول به پیشنهاد مقامات و مراجع مذکور در بندهای ذیل ماده ۸۶ و تأیید شورای اقتصاد خواهد بود.

ترکیب هیأت ترک تشریفات مناقصه و مزایده

➤ الف: مناقصه

ترکیب هیأت ترک تشریفات مناقصه براساس ماده ۲۸ قانون برگزاری مناقصات مشخص شده است.

➤ ب: مزایده

ترکیب هیأت ترک تشریفات مزایده براساس ماده ۸۴ قانون محاسبات عمومی کشور به شرح ذیل می‌باشد:

✓ الف - در مورد اعتبارات جاری و عمرانی واحدهای مرکزی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و همچنین در مورد مؤسسات دولتی مستقر در خارج از مرکز، معاون مالی و اداری و یا مقام مشابه وزارتخانه یا مؤسسه دولتی حسب مورد و ذیحساب مربوط و یک نفر دیگر از کارکنان خبره و متعهد دولت به انتخاب وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذیربط.

✓ ب - در مورد اعتبارات جاری و عمرانی غیر استانی واحدهای خارج از مرکز وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، استاندار یا نماینده او و بالاترین مقام دستگاه اجرایی در محل و عامل ذیحساب مربوطه در مرکز استان.

✓ ج - در مورد اعتبارات جاری و عمرانی دادگستری جمهوری اسلامی ایران و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و دیوان محاسبات کشور و سایر مؤسسات دولتی که به صورت مستقل اداره می‌شوند و تابع هیچیک از وزارتخانه‌ها نمی‌باشند بجای نماینده وزیر به ترتیب نماینده شورای عالی قضایی و نماینده شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و نماینده

رییس دیوان محاسبات کشور و نماینده بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذیربط در هیأت موضوع این ماده شرکت خواهد نمود.

✓ د - در مورد اعتبارات جاری و عمرانی استانی، استاندار یا نماینده او و بالاترین مقام دستگاه اجرایی محلی ذیربط و ذیحساب مربوط.

✓ ه - در مورد عملیات جاری و طرح‌های عمرانی شرکت‌های دولتی، مدیر عامل و یا بالاترین مقام اجرایی و ذیحساب مربوط و یک نفر به انتخاب مجمع عمومی.

✓ و - در مورد مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی مادام که از محل درآمد عمومی وجهی دریافت می‌دارند در صورتی که به موجب مقررات مربوط زیر نظر شورا و یا ارکان مشابه اداره می‌شوند، ذیحساب و دو نفر به انتخاب شورا یا ارکان مربوط و در صورتیکه فاقد شورا یا ارکان مشابه می‌باشند، ذیحساب و دو نفر به انتخاب بالاترین مقام اجرایی مؤسسه یا نهاد مربوط.

✓ ز - در مورد معاملات نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در مرکز، فرمانده نیروی مربوط و ذیحساب مربوط یا یک نفر به انتخاب رییس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران یا رییس ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حسب مورد و در خارج از مرکز به ترتیب نماینده نیروی مربوط و عامل ذیحساب در محل و نماینده رییس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران یا رییس ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حسب مورد.

✓ ح - در مورد معاملات وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به ترتیب مقرر در بند (الف) این ماده و در مورد معاملات مربوط به ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ذیحساب مربوط و دو نفر به انتخاب رییس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و یا رییس ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حسب مورد.

اجرای نظر کمیسیون معاملات دولتی

➤ الف: مناقصه

ارزیابی مالی و تعیین برنده مناقصه (ماده ۲۰ و ۲۱ قانون برگزاری مناقصات):

۱. هنگام ارزیابی مالی، مناقصه‌گری که مناسب‌ترین قیمت را حائز باشد، به عنوان برنده اول اعلام خواهد شد و برنده دوم در صورتی اعلام می‌شود که تفاوت قیمت پیشنهادی وی با برنده اول،

- کمتر از مبلغ تضمین باشد. روش ارزیابی مالی باید در اسناد مناقصه به صورت مشروح با ذکر نحوه تأثیرگذاری ارزیابی فنی بازرگانی بر قیمت اعلام شود.
۲. پس از گشودن پاکت‌های قیمت، چنانچه بررسی قیمت‌ها و تجزیه و کنترل مبانی آن لازم باشد، کمیسیون مناقصه می‌تواند بررسی آن را به کمیته فنی بازرگانی ارجاع نماید و کمیته فنی بازرگانی حداکثر ظرف دو هفته نتیجه ارزیابی را به کمیسیون مناقصه اعلام می‌کند.
۳. از گشودن پیشنهادهای قیمت، تضمین برنده اول و دوم، نزد مناقصه‌گزار نگهداری و تضمین سایر مناقصه‌گران بازگردانده می‌شود.
۴. در مناقصات بین‌المللی، مناقصه‌گران داخلی نسبت به مناقصه‌گران خارجی ترجیح دارند. نحوه ترجیح مناقصه‌گران داخلی، در اسناد مناقصه قید خواهد شد. مناقصاتی که در آن‌ها رعایت این قاعده به مصلحت نباشد، باید از سوی شورای اقتصاد تأیید شود.
۵. قرارداد با برنده مناقصه، باید پیش از پایان مدت اعتبار پیشنهادها منعقد شود. این مدت حداکثر برای یک‌بار و برابر مدت پیش‌بینی شده در اسناد مناقصه قابل تمدید است. بعد از عقد قرارداد، تضمین پیشنهاد دهنده دوم مسترد می‌گردد.
۶. قرارداد با برنده اول در مهلت پیش‌بینی شده در اسناد، منعقد خواهد شد. چنانچه برنده اول از انعقاد قرارداد امتناع نماید و یا ضمانت انجام تعهدات را ارائه ننماید، تضمین مناقصه وی ضبط و قرارداد با برنده دوم منعقد می‌گردد. در صورت امتناع نفر دوم، تضمین وی نیز ضبط و مناقصه تجدید خواهد شد.

➤ ب - مزایده

- ✓ در صورتی که کمیسیون مزایده، برنده معامله را اعلام کند، دستگاه مزایده‌گزار باید نتیجه را به برنده مزایده ابلاغ کند که برای انجام معامله مراجعه کند مگر اینکه مبلغ معامله را از ده میلیون ریال زیاده‌تر باشد و یا نظر سایر امور فنی که در کمیسیون حضور داشته منطبق با نظر کمیسیون نباشد که در این صورت ابلاغ نتیجه به برنده معامله موکول به موافقت وزیر یا رئیس مؤسسه یا کسانی می‌باشد که در مرکز یا شهرستان‌ها برای انجام این امر مجاز شده باشند و در صورت عدم موافقت مقامات مزبور به تشخیص دستگاه مزایده‌گزار، مزایده تجدید یا موضوع برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون مقرر در ماده ۸۳ قانون محاسبات عمومی ارجاع خواهد شد. (ماده ۲۵ آیین‌نامه معاملات دولتی)

- ✓ تبصره ماده ۲۵ آیین‌نامه معاملات دولتی: احکام ابلاغ مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم در مورد ابلاغ نتیجه مزایده مجری خواهد بود.
- ✓ در مواردی که کمیسیون مزایده، برنده مزایده را اعلام کرده باشد سپرده او و شخصی که بهای پیشنهادی او در مرتبه دوم قرار دارد (مگر اینکه رجوع به او طبق تبصره یک ماده ۲۷ میسر نباشد) نگاهداری و سپرده سایر پیشنهاد دهندگان مسترد خواهد شد (ماده ۲۶ آیین‌نامه معاملات دولتی)
- ✓ در صورتی که برنده مزایده از تاریخ ابلاغ نتیجه مزایده، ظرف مدت هفت روز به استثنای ایام تعطیل نسبت به سپردن تضمین حُسن انجام معامله اقدام نکند و یا برای انجام معامله حاضر نشود سپرده شرکت در مزایده او ضبط می‌شود و مراتب به شخصی که پیشنهاد او در مرتبه دوم قرار دارد با رعایت مفاد تبصره یک این ماده ابلاغ می‌گردد اگر او هم از تاریخ ابلاغ نتیجه مزایده ظرف مدت هفت روز به استثنای ایام تعطیل نسبت به سپردن تضمین حُسن انجام معامله اقدام نکند و یا برای انجام معامله حاضر نشود سپرده او هم ضبط می‌شود و در این صورت به تشخیص دستگاه مزایده‌گزار، معامله تجدید یا موضوع برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون مقرر در ماده ۸۳ قانون محاسبات عمومی ارجاع خواهد شد. (ماده ۲۷ آیین‌نامه معاملات دولتی)
- ✓ تبصره ۱ ماده ۲۷ - به شخصی که بهای پیشنهادی او در مرتبه دوم قرار دارد به شرطی ابلاغ می‌شود که تفاوت بهای پیشنهادی او با برنده مزایده از مبلغ سپرده بیشتر نباشد در غیر این صورت رجوع به او ممنوع است.
- ✓ تبصره ۲ ماده ۲۷ - مدت ۷ روز مقرر در این ماده در مورد معاملاتی که طرف معامله در خارج از کشور اقامت دارد ممکن است حداکثر تا یک ماه تعیین شود مشروط بر اینکه در آگهی مزایده یا برگ شرایط آن ذکر شده باشد.
- ✓ مأموران مسؤول در دستگاه مزایده‌گزار **موظفند** با توجه به مدت مقرر در آگهی یا دعوت‌نامه مزایده برای ابلاغ نتیجه مزایده به برنده به نحوی اقدام نمایند که به علت انقضای مدت، خسارتی متوجه دستگاه مزایده‌گزار نشود والا مورد تعقیب قرار خواهند گرفت. (ماده ۲۸ آیین‌نامه معاملات دولتی)
- ✓ در صورتی که حائز حداکثر بها بیش از یک نفر باشد و نسبت به انجام معامله با یکی از آنها در مهلتی که کمیسیون تعیین خواهد کرد بین آنها توافق نشود حق تقدم با برنده مزایده خواهد بود

که در محل انجام کار سکونت دارد در صورتی که سایرین نیز واجد این شرط باشند کمیسیون برنده مزایده را از طریق قرعه تعیین خواهد کرد. (ماده ۲۹ آیین‌نامه معاملات دولتی)

✓ براساس ماده ۳۰ آیین‌نامه معاملات دولتی، در معاملاتی که تحویل مورد معامله در مهلت مقرر در ماده ۲۷ این آیین‌نامه میسر نباشد، باید قرارداد منعقد شود.

شرایط قرارداد در معاملات دولتی (مناقصه - مزایده)

- ۱- نام متعاملین.
- ۲- نوع و مقدار مورد معامله با مشخصات کامل آن‌ها.
- ۳- مدیریت انجام تعهد و محل و شرایط تحویل مورد معامله.
- ۴- ترتیب عمل و میزان خسارت در مواردی که برنده معامله در انجام تعهدات جزئاً یا کلاً تأخیر نماید.
- ۵- الزام تحویل کالا بر طبق نمونه مهیور در صورتی که تهیه نمونه لازم باشد. در این صورت باید نمونه کالا یا مهر طرفین معامله مهیور و نزد مناقصه‌گزار / مزایده‌گزار نگهداری شود.
- ۶- اقرار برنده معامله به اینکه از مشخصات کالا یا کار مورد معامله و مقتضیات محل تحویل کالا یا انجام کار اطلاع کامل دارد.
- ۷- اختیار مناقصه‌گزار / مزایده‌گزار نسبت به افزایش یا کاهش مورد معامله در مدت قرارداد تا میزان بیست و پنج درصد مقدار مندرج در قرارداد.
- ۸- بهای مورد معامله و ترتیب پرداخت آن، در مواردی که انجام کار براساس واحد بها باشد، بهای مورد معامله، برآورد و در قرارداد ذکر می‌شود ولی بهای کارهای انجام یافته براساس واحد بها احتساب و پرداخت خواهد شد.
- ۹- مبلغ پیش‌پرداخت و ترتیب واریز آن در صورتی که در شرایط معامله ذکر شده باشد.
- ۱۰- میزان تضمین حُسن انجام معامله و نحوه وصول اقساط آن در مورد امور ساختمانی و باربری و ترتیب استرداد آن براساس شرایط معامله.
- ۱۱- مدت فاصله زمانی بین تحویل موقت و تحویل قطعی در قراردادهای مربوط به ساختمان و راه‌سازی و نظائر آن براساس شرایط معامله.

۱۲ - اقرار به عدم شمول ممنوعیت موضوع قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب دیماه ۱۳۳۷.

۱۳ - سایر تعهداتی که در شرایط معامله ذکر شده است.

۱۴ - سایر شرایط که مورد توافق طرفین معامله قرار گیرد مشروط بر آنکه متضمن امتیازاتی علاوه بر آنچه در شرایط معامله ذکر شده، برای فروشنده نباشد.

ترتیب تحویل کالا یا خدمت در معاملات دولتی (مناقصه - مزایده)

➤ **ماده ۳۲:** تحویل مورد معامله به شرح زیر باید انجام شود:

- ✓ الف - در مورد معاملات جزئی به وسیله و مسؤولیت انباردار یا تحویل گیرنده کار حسب مورد.
- ✓ ب - در مورد معاملات متوسط به وسیله و مسؤولیت انباردار یا تحویل گیرنده کار و نماینده قسمت تقاضا کننده.
- ✓ ج - در مورد معاملات عمده به وسیله و مسؤولیت انباردار یا تحویل گیرنده کار و نماینده قسمت تقاضا کننده و نماینده دیگری که در مرکز از طرف وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و در شهرستانها از طرف دستگاه مناقصه گزار / مزایده گزار تعیین خواهد شد.

تبصره ۱ - تحویل مورد معامله در موارد مندرج در بند ب و ج این ماده با تنظیم صورتمجلس باید انجام شود و پس از اینکه مسلم شد کالا یا کار دارای تمام مشخصات لازم می‌باشد مراتب و مقدار آن در صورتمجلس تحویل ذکر و از طرف مسؤولان مربوط با ذکر نام و نام خانوادگی و سمت و تاریخ باید امضاء شود.

✓ در مورد بند الف گواهی تطبیق مشخصات و مقدار کالا یا کار به عهده انباردار یا تحویل گیرنده کار می‌باشد.

تبصره ۲ - در مواردی که تشخیص مشخصات مورد معامله محتاج بصیرت و تخصص باشد، نماینده قسمت تقاضا کننده از بین کسانی باید انتخاب شود که دارای اطلاعات کافی در این خصوص باشد و این مسؤولیت را عهده‌دار خواهد بود.

➤ **ماده ۳۳:** برای کالاهای تحویل شده در تمام موارد باید قبض انبار که دارای شماره مسلسل باشد صادر گردد و به امضای انباردار برسد و در واردات دفتر انبار ثبت و شماره ثبت دفتر انبار در روی قبض ذکر شود.

✓ **تبصره** - در مواردی که کالا در خارج از انبار تحویل می‌گردد و به انبار وارد نمی‌شود با در نظر گرفتن مفاد ماده ۳۲ و تبصره‌های آن حسب مورد اقدام خواهد شد و تحویل گیرنده کالا به جای انباردار تکالیف مربوط را انجام خواهد داد و رسید یا صورت‌مجلس مربوط حسب مورد مبنای صدور قبض انبار و حواله انبار قرار خواهد گرفت.

➤ **ماده ۳۴:** در صورتی که در شرایط معامله برای تحویل مورد معامله علاوه بر آنچه در مواد ۳۲ و ۳۳ تعیین شده تکالیف دیگری نیز پیش‌بینی شده باشد، باید اجراء شود.

➤ **ماده ۳۵:** در مواردی که بین مسئولان تحویل مورد معامله مذکور در بندهای ب و ج ماده ۳۲ از لحاظ مشخصات و سایر مسائل مربوط به کار یا کالایی که باید تحویل گرفته شود اختلاف نظر باشد هر یک از مسئولان مذکور نظر خود را در صورت‌مجلس قید خواهند کرد و ترتیب انجام تحویل مورد معامله در مرکز از طرف وزارتخانه یا مؤسسه و در شهرستان‌ها از طرف مسئول دستگاه مناقصه‌گزار / مزایده‌گزار، طبق جلب نظر افراد بصیر و مطلع تعیین خواهد شد.

نصاب معاملات دولتی در سال ۱۳۹۲

- الف - نصاب معاملات موضوع ماده (۳) قانون مذکور به شرح زیر تعیین می‌شود:
۱. معاملات کوچک: معاملاتی که کمتر از مبلغ هشتاد و هشت میلیون (۸۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد.
 ۲. معاملات متوسط: معاملاتی که مبلغ معامله بیش از سقف معاملات کوچک بوده و از مبلغ هشتصد و هشتاد میلیون (۸۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تجاوز نکند.
 ۳. معاملات بزرگ: معاملاتی که مبلغ برآورد آن‌ها بیش از مبلغ هشتصد و هشتاد میلیون (۸۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد.
- ب - نصاب‌های تعیین شده از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه تا زمانی که اصلاح نشده‌اند، قابل اجرا خواهند بود

نصاب معاملات دولتی در سال ۱۳۹۰

احکام قانونی مندرج در قوانین بودجه سنواتی که اصطلاحاً تبصره‌های بودجه نامیده می‌شوند اصولاً دارای دو نوع ماهیت هستند، برخی از احکام ناظر بر درآمدها، اعتبارات سالانه و مصارف بودجه بوده که اعتبار این احکام عمدتاً تا انقضاء سال مالی و تعیین تکلیف اعتبارات مربوط است که به صورت عرفی می‌توان دامنه اعتبار آن‌ها را یکسال دانست؛ تعدادی دیگر از احکام نیز متضمن وضع قواعد آمره (مثبت یا منفی) در راستای اداره امور کشور، اعمال حاکمیت، تنظیم مقررات مالی دولت

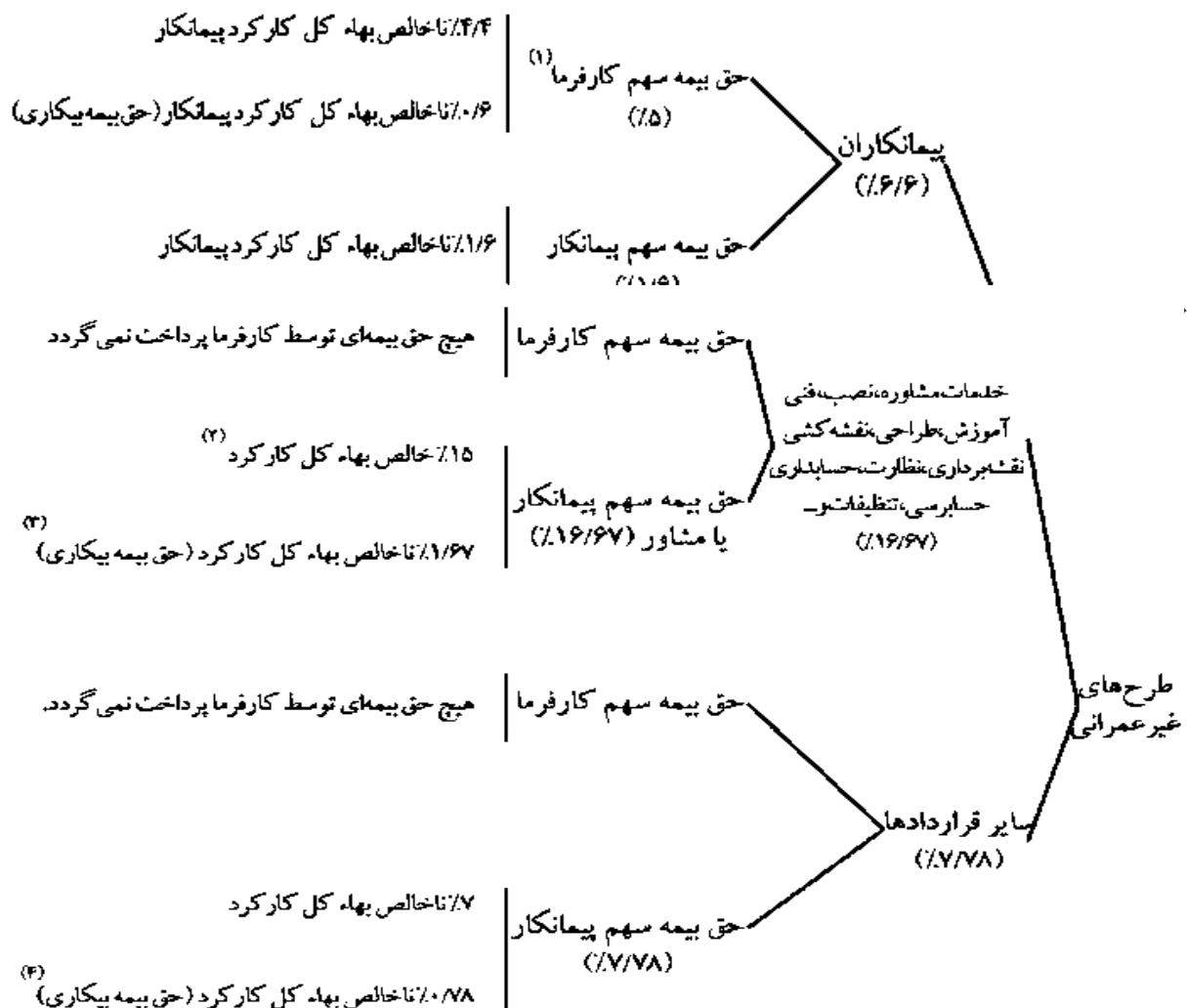
است که ذاتاً اجرای آن‌ها وابسته به اعتبارات و بودجه سنواتی نیست؛ این قبیل احکام به احکام دائمی یا تبصره‌های دائمی تعبیر می‌شوند و کماکان برای سنوات بعد نیز قابلیت اجرایی دارند؛ براساس مفاد جزء (ب) بند (۱۰) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور، نصاب معاملات موضوع بند (الف) به مواردی که معامله براساس مزایده انجام می‌شود تسری یافته و مورد عمل دستگاه‌های اجرایی قرار می‌گیرد؛ با این توصیف مفاد تبصره قانونی فوق‌الذکر جزء تبصره‌های دائمی محسوب می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی نظام ملی طبقه‌بندی و خدمات شناسه کالا و خدمات

ماده ۷: دستگاه‌های دولتی مربوط موظف به انجام اقدامات زیر می‌باشند:

- به منظور اجرای نظام، کلیه دستگاه‌های دولتی موظف‌اند از ابتدای سال ۱۳۸۸ خریدهای بزرگ و متوسط خود را با قید شناسه ملی انجام دهند.

نحوه محاسبه حق بیمه طرح‌های عمرانی و غیر عمرانی



بخشنامه ۱۰۸ در آمد سازمان تأمین اجتماعی مصوبه مورخه ۱۳۷۶/۱۰/۰۲؛

➤ به موجب دادنامه شماره ۵۸ مورخ ۷۶/۵/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که عیناً نقل می‌گردد:

حکم مقرر در ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی ناظر به پیمانکارانی است که در اجرای قرارداد پیمانکاری از وجود کارگر استفاده می‌کنند و بنابراین تسری و تعمیم آن به پیمانکاران فاقد کارگر، انطباقی با هدف مقنن ندارد و بخشنامه شماره ۱۰۸ مورخ ۱۳۶۰/۶/۵ در حدی که مفهوم مشمول ماده مزبور نسبت به مواردی که قرارداد منحصراً توسط شخص پیمانکار اجراء می‌شود خلاف قانون شناخته می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

آیین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی

➤ ماده ۲- دستگاه اجرایی مذکور در ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری- مصوب ۱۳۸۶- مکلف‌اند از انعقاد قرارداد مازاد بر مبلغ ده برابر نصاب معاملات بزرگ موضوع قانون برگزاری مناقصات- مصوب ۱۳۸۷۳- با اشخاص مشمول این آیین نامه که فاقد صورت‌های مالی حسابرسی شده باشند، خودداری نمایند.

۷) قانون مالیات بر ارزش افزوده

قانون مالیات بر ارزش افزوده (VAT)، مشتمل بر ده فصل و ۵۲ ماده در تیرماه ۱۳۸۷ به تصویب رسیده و اجرای آن از مهرماه ۱۳۸۷ الزامی شده است؛ که اهم نکات مهم اجرائی این قانون به شرح زیر می‌باشد:

دامنه شمول قانون

فصل اول قانون مالیات بر ارزش افزوده (مواد ۱ الی ۱۱) شامل سرفصل‌هایی چون کلیات، تعاریف و دامنه شمول این قانون می‌باشد که به طور خلاصه دامنه شمول قانون مالیات بر ارزش افزوده شامل: عرضه و فروش کلیه کالاها و ارائه خدمات (به غیر از کالا و خدمات معاف، به شرح بند ۲ ذیل) و همچنین واردات و صادرات آن‌ها مشمول قانون جدید مالیاتی است.

معافیت‌ها

فصل دوم قانون شامل مواد ۱۲ و ۱۳، معافیت‌های موضوع این قانون را به جزئیات ارائه داده است. به طور خلاصه، برخی از کالاها و خدمات از شمول این نظام مالیاتی و در نتیجه اخذ این مالیات از مصرف‌کنندگان کالا یا خدمات، معاف تشخیص داده شده است.

مأخذ، نرخ و نحوه محاسبه مالیات

مصادیق فوق در فصل سوم (مواد ۱۲ الی ۱۷) مورد بحث قرار گرفته است. به طور خلاصه، با توجه به قانون برنامه پنجم توسعه نرخ این مالیات برای کالاها و خدمات عمومی در سال ۱۳۹۲ عبارتست از ۳/۶ درصد از بابت مالیات، به علاوه ۲/۴ درصد از بابت عوارض (جمعاً ۶ درصد) که نسبت به مأخذ مالیات محاسبه می‌شود.

وظایف و تکالیف مؤدیان

فصل چهارم، وظایف و تکالیف مؤدیان را در طی مواد ۸ الی ۲۳ مشخص نموده است، موارد زیر در این رابطه حائز اهمیت می‌باشند. فعالان اقتصادی برای انجام و اجرای این قانون، ضروری است با سازمان امور مالیاتی کشور اقدام به ثبت نام نمایند.

- مؤدیان مالیاتی این قانون، در هر سال شمسی و هر سه ماه یکبار، مکلف به ارائه ۴ اظهارنامه مالیاتی ارزش افزوده (VAT)، براساس فرم و دستورالعمل سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشند.

- جرایم خاصی برای عدم انجام تکالیف فوق در این قانون پیش‌بینی شده است، از آنجمله عدم ثبت نام به موقع و اخذ شماره مالیاتی، عدم تهیه صورتحساب و گزارش مالیاتی مخصوص و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی کشور، عدم پیش‌بینی سرفصل حساب‌های لازم در سیستم حسابداری مؤدی، جهت جداسازی حساب طلب و یا بدهی این مالیات و بالاخره عدم تسلیم به موقع اظهارنامه‌های مالیاتی، مطابق با فرم تهیه شده.

سازمان مالیات بر ارزش افزوده

فصل پنجم (مواد ۲۴ الی ۳۳) اختصاص به سازمان مالیات بر ارزش افزوده و وظایف و اختیارات آن داده شده است. قانون مالیات بر ارزش افزوده، مؤدیان را مجاز به استفاده از خدمات مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی و یا سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران نموده که در این مورد، گزارش حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده هر یک از آن‌ها، حکم رسیدگی قطعی را دارد و سازمان مالیاتی مکلف به قبول و صدور مقاصد حساب مالیاتی و یا واریز طلب مالیات بر ارزش افزوده (VAT) می‌باشد.

متفرقه

فصل ششم الی دهم این قانون، مشتمل بر مواد ۳۸ الی ۵۲ به مواردی چون، سایر مقررات، عوارض کالاها و خدمات، حقوق ورودی، سایر مالیات‌ها و عوارض خاص و بالاخره تکلیف سایر قوانین مربوطه و تاریخ اجراء قانون، اختصاص داده شده است.

***متن قانون مالیات بر ارزش افزوده:**

ماده ۱- عرضه کالاها و ارائه خدمات در ایران و همچنین واردات و صادرات آنها مشمول مقررات این قانون می‌باشد.

ماده ۲- منظور از مالیات در این قانون، به استثناء موارد مندرج در فصول هشتم و نهم، مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.

ماده ۳- ارزش افزوده در این قانون، تفاوت بین ارزش کالاها و خدمات عرضه شده با ارزش کالاها و خدمات خریداری یا تحصیل شده در یک دوره معین می‌باشد.

ماده ۴- عرضه کالا در این قانون، انتقال کالا از طریق هر نوع معامله است.

تبصره- کالاهای موضوع این قانون که توسط مؤدی خریداری، تحصیل یا تولید می‌شود در صورتی که برای استفاده شغلی به عنوان دارایی در دفاتر ثبت گردد یا برای مصارف شخصی برداشته شود، عرضه کالا به خود محسوب و مشمول مالیات خواهد شد.

ماده ۵- ارائه خدمات در این قانون، به استثناء موارد مندرج در فصل نهم، انجام خدمات برای غیر در قبال ما به‌ازاء می‌باشد.

ماده ۶- واردات در این قانون، ورود کالا یا خدمت از خارج از کشور یا از مناطق آزاد تجاری-صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی به قلمرو گمرکی کشور می‌باشد.

ماده ۷- صادرات در این قانون، صدور کالا یا خدمت به خارج از کشور یا به مناطق آزاد تجاری-صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی می‌باشد.

ماده ۸- اشخاصی که به عرضه کالا و ارائه خدمت و واردات و صادرات آنها مبادرت می‌نمایند، به‌عنوان مؤدی شناخته شده و مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده ۹- معاوضه کالاها و خدمات در این قانون، عرضه کالا یا خدمت از طرف هر یک از متعاملین تلقی و به طور جداگانه مشمول مالیات می‌باشد.

ماده ۱۰- هر سال شمسی به چهار دوره مالیاتی سه ماهه، تقسیم می‌شود. در صورتی که شروع یا خاتمه فعالیت مؤدی در خلال یک دوره مالیاتی باشد، زمان فعالیت مؤدی طی دوره مربوط یک دوره مالیاتی تلقی می‌شود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی مجاز است با پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور مدت دوره مالیاتی را برای هر گروه از مؤدیان دو یا یک ماهه تعیین نماید.

ماده ۱۱- تاریخ تعلق مالیات به شرح زیر است:

الف - در مورد عرضه کالا:

۱- تاریخ صورتحساب، تاریخ تحویل کالا یا تاریخ تحقق معامله کالا، هر کدام که مقدم باشد، حسب مورد؛

۲- در موارد مذکور در تبصره ماده (۴) این قانون، تاریخ ثبت دارایی در دفاتر یا تاریخ شروع استفاده، هر کدام که مقدم باشد یا تاریخ برداشت، حسب مورد؛

۳- در مورد معاملات موضوع ماده (۹) این قانون، تاریخ معاوضه.

ب- در مورد ارائه خدمات:

۱- تاریخ صورتحساب یا تاریخ ارائه خدمت، هر کدام که مقدم باشد حسب مورد؛

۲- در مورد معاملات موضوع ماده (۹) این قانون، تاریخ معاوضه.

ج - در مورد صادرات و واردات:

در مورد صادرات، هنگام صدور (از حیث استرداد) و در مورد واردات تاریخ ترخیص کالا از گمرک و در خصوص خدمت، تاریخ پرداخت مابه ازاء.

تبصره- در صورت استفاده از ماشین‌های صندوق، تاریخ تعلق مالیات، تاریخ ثبت معامله در ماشین می‌باشد.

فصل دوم- معافیت‌ها

ماده ۱۲- عرضه کالاها و ارائه خدمات زیر و همچنین واردات آنها حسب مورد از پرداخت مالیات معاف می‌باشد:

۱- محصولات کشاورزی فرآوری نشده؛

۲- دام و طیور زنده، آبزیان، زنبور عسل و نوغان؛

۳- انواع کود، سم، بذر و نهال؛

۴- آرد خبازی، نان، گوشت، قند، شکر، برنج، حبوبات و سویا، شیر، پنیر، روغن نباتی و شیرخشک مخصوص تغذیه کودکان؛

۵- کتاب، مطبوعات، دفاتر تحریر و انواع کاغذ چاپ، تحریر و مطبوعات؛

۶- کالاهای اهدایی به صورت بلاعوض به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی با تأیید هیأت وزیران و حوزه‌های علمیه با تأیید حوزه گیرنده هدایا؛

۷- کالاهایی که همراه مسافر و برای استفاده شخصی تا میزان معافیت مقرر طبق مقررات صادرات و واردات، وارد کشور می‌شود. مازاد بر آن طبق مقررات این قانون مشمول مالیات خواهد بود؛

۸- اموال غیر منقول؛

۹- انواع دارو، لوازم مصرفی درمانی، خدمات درمانی (انسانی، حیوانی و گیاهی) و خدمات توانبخشی و حمایتی؛

۱۰- خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق، موضوع قانون مالیات‌های مستقیم؛

۱۱- خدمات بانکی و اعتباری بانک‌ها، مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه معجز و خدمات معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالا در بورسها و بازارهای خارج از بورس؛

۱۲- خدمات حمل و نقل عمومی مسافری درون و برون شهری جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی؛

۱۳- فرش دستباف؛

۱۴- انواع خدمات پژوهشی و آموزشی که طبق آئین‌نامه‌ای که با پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های علوم تحقیقات و فناوری، امور اقتصادی و دارایی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و کار و امور اجتماعی ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد؛

۱۵- خوراک دام و طیور؛

۱۶- رادار و تجهیزات کمک ناوبری هوانوردی ویژه فرودگاه‌ها بر اساس فهرستی که به پیشنهاد مشترک وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد؛

۱۷- اقلام با مصارف صرفاً دفاعی (نظامی و انتظامی) و امنیتی بر اساس فهرستی که به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. فهرست مذکور از اولین دوره مالیاتی پس از تصویب هیأت وزیران قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۱۳- صادرات کالا و خدمت به خارج از کشور از طریق مبادی خروجی رسمی، مشمول مالیات موضوع این قانون نمی‌باشد و مالیات‌های پرداخت شده بابت آنها با ارائه برگه خروجی صادره توسط گمرک (در مورد کالا) و اسناد و مدارک مثبت، مسترد می‌گردد.

تبصره- مالیات‌های پرداختی بابت کالاهای همراه مسافران تبعه کشورهای خارجی که از تاریخ خرید آنها تا تاریخ خروج از کشور بیش از دو ماه نگذشته باشد، از محل وصولی‌های جاری درآمد مربوط هنگام خروج از کشور در مقابل ارائه اسناد و مدارک مثبت مشمول استرداد خواهد بود.

ضوابط اجرائی این ماده توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

فصل سوم- مأخذ، نرخ و نحوه محاسبه مالیات

ماده ۱۴- مأخذ محاسبه مالیات، بهای کالا یا خدمت مندرج در صورت‌حساب خواهد بود. در مواردی که صورت‌حساب موجود نباشد و یا از ارائه آن خودداری شود و یا به موجب اسناد و مدارک مثبت احراز شود که ارزش مندرج در آنها واقعی نیست، مأخذ محاسبه مالیات بهای روز کالا یا خدمت به تاریخ روز تعلق مالیات می‌باشد.

تبصره- موارد زیر جزء مأخذ محاسبه مالیات نمی‌باشد:

الف - تخفیفات اعطائی؛

ب - مالیات موضوع این قانون که قبلاً توسط عرضه‌کننده کالا یا خدمت پرداخت شده است؛

ج - سایر مالیات‌های غیرمستقیم و عوارضی که هنگام عرضه کالا یا خدمت به آن تعلق گرفته است.

ماده ۱۵- مأخذ محاسبه مالیات واردات کالا، عبارت است از ارزش گمرکی کالا (قیمت خرید، هزینه حمل و نقل و حق بیمه) به علاوه حقوق ورودی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) مندرج در اوراق گمرکی.

تبصره- مأخذ محاسبه مالیات واردات خدمت، عبارت است از معادل ارزش ریالی مربوطه به ما به ازاء واردات خدمت مزبور.

ماده ۱۶- نرخ مالیات بر ارزش افزوده، یک و نیم درصد^۳ (۱٫۵٪) می‌باشد.

تبصره- نرخ مالیات بر ارزش افزوده کالاهای خاص به شرح زیر تعیین می‌گردد:

۱- انواع سیگار و محصولات دخانی، دوازده درصد (۱۲٪)؛

۲- انواع بنزین و سوخت هواپیما، بیست درصد (۲۰٪).

ماده ۱۷- مالیات‌هایی که مؤدیان در موقع خرید کالا یا خدمت برای فعالیت‌های اقتصادی خود به استناد صورتحساب‌های صادره موضوع این قانون پرداخت نموده‌اند، حسب مورد از مالیات‌های وصول شده توسط آن‌ها کسر و یا به آن‌ها مسترد می‌گردد. ماشین‌آلات و تجهیزات خطوط تولید نیز از جمله کالای مورد استفاده برای فعالیت‌های اقتصادی مؤدی محسوب می‌گردد.

تبصره ۱- در صورتی که مؤدیان مشمول حکم این ماده در هر دوره مالیاتی اضافه پرداختی داشته باشند، مالیات اضافه پرداخت شده به حساب مالیات دوره‌های بعد مؤدیان منظور خواهد شد و در صورت تقاضای مؤدیان، اضافه مالیات پرداخت شده از محل وصولی‌های جاری درآمد مربوط، مسترد خواهد شد.

تبصره ۲- در صورتی که مؤدیان به عرضه کالا یا خدمت معاف از مالیات موضوع این قانون اشتغال داشته باشند و یا طبق مقررات این قانون مشمول مالیات نباشند، مالیات‌های پرداخت شده بابت خرید کالا یا خدمت تا این مرحله قابل استرداد نمی‌باشد.

تبصره ۳- در صورتی که مؤدیان به عرضه توأم کالاها یا خدمات مشمول مالیات و معاف از مالیات اشتغال داشته باشند، صرفاً مالیات‌های پرداخت شده مربوط به کالاها یا خدمات مشمول مالیات در حساب مالیاتی مؤدی منظور خواهد شد.

تبصره ۴- مالیات بر ارزش افزوده و عوارض پرداختی مؤدیان بابت کالاهای خاص موضوع تبصره ماده (۱۶) و بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده (۳۸) این قانون، صرفاً در مراحل واردات، تولید و توزیع مجدد آن کالاها توسط واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان آن، قابل کسر از مالیات‌های وصول شده و یا قابل استرداد به آن‌ها خواهد بود.

^۳ به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۷ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، نرخ مالیات در سال ۱۳۹۲، ۳٫۶٪ تعیین شده است.

تبصره ۵- آن قسمت از مالیات‌های ارزش افزوده پرداختی مؤدیان که طبق مقررات این قانون قابل کسر از مالیات‌های وصول شده یا قابل استرداد نیست، جزء هزینه‌های قابل قبول موضوع قانون مالیات‌های مستقیم محسوب می‌شود.

تبصره ۶- مبالغ اضافه دریافتی از مؤدیان بابت مالیات موضوع این قانون، در صورتی که ظرف سه ماه از تاریخ درخواست مؤدی مسترد نشود، مشمول خسارتی به میزان دو درصد (۲٪) در ماه نسبت به مبلغ مورد استرداد و مدت تأخیر خواهد بود.

تبصره ۷- مالیات‌هایی که در موقع خرید کالاها و خدمات توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای انجام وظایف و خدمات قانونی پرداخت می‌گردد، طبق مقررات این قانون، قابل تهاتر و یا استرداد خواهد بود.

فصل چهارم- وظایف و تکالیف مؤدیان

ماده ۱۸- مؤدیان مکلفند به ترتیبی که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین و اعلام می‌نماید نسبت به ارائه اطلاعات درخواستی سازمان مذکور و تکمیل فرمهای مربوطه اقدام و ثبت نام نمایند.

ماده ۱۹- مؤدیان مکلف‌اند در قبال عرضه کالا یا خدمات موضوع این قانون، صورتحسابی با رعایت قانون نظام صنفی و حاوی مشخصات متعاملین و مورد معامله به ترتیبی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین و اعلام می‌شود، صادر و مالیات متعلق را در ستون مخصوص درج و وصول نمایند. در مواردی که از ماشین‌های فروش استفاده می‌شود، نوار ماشین جایگزین صورتحساب خواهد شد.

تبصره- کالاهای مشمول مالیات که بدون رعایت مقررات و ضوابط این قانون عرضه گردد، علاوه بر جرائم متعلق و سایر مقررات مربوط موضوع این قانون، کالای قاچاق محسوب و مشمول قوانین و مقررات مربوط می‌شود.

ماده ۲۰- مؤدیان مکلف‌اند، مالیات موضوع این قانون را در تاریخ تعلق مالیات، محاسبه و از طرف دیگر معامله وصول نمایند.

تبصره ۱- گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است مالیات موضوع این قانون را قبل از ترخیص از واردکنندگان کالا وصول و در پروانه‌های گمرکی و یا فرمهای مربوط حسب مورد درج نماید و اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول مقررات این قانون را حداکثر به صورت ماهانه به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه نموده و امکان دسترسی همزمان سازمان امور مالیاتی کشور به پایگاه‌های اطلاعاتی ذی‌ربط را فراهم آورد.

گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است مالیات وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به حساب مخصوصی نزد خزانه داری کل کشور که به این منظور توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، واریز نماید.

تبصره ۲- وارد کنندگان خدمات مکلف‌اند مالیات متعلق به خدمات خریداری شده از خارج از کشور را محاسبه و پرداخت نمایند.

ماده ۲۱- مؤدیان مالیاتی مکلف‌اند، اظهارنامه هر دوره مالیاتی را طبق نمونه و دستورالعملی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین و اعلام می‌شود، حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ انقضاء هر دوره، به ترتیب مقرر تسلیم و مالیات متعلق به دوره را پس از کسر مالیات‌هایی که طبق مقررات این قانون پرداخت کرده‌اند و قابل کسر می‌باشد، در مهلت مقرر مذکور به حسابی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) تعیین و توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، واریز نمایند.

تبصره ۱- چنانچه مدت فعالیت شغلی مؤدی کمتر از مدت یک دوره مالیاتی باشد، تکلیف مقرر در این ماده نسبت به مدت یاد شده نیز جاری می‌باشد.

تبصره ۲- اشخاص حقیقی و حقوقی که بیش از یک محل شغل یا فعالیت دارند، تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات برای هر محل شغل یا فعالیت به‌طور جداگانه الزامی است.

تبصره ۳- در مورد کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی که نوع فعالیت آن‌ها ایجاد دفتر، فروشگاه یا شعبه در یک یا چند محل دیگر را اقتضاء نماید، تسلیم اظهارنامه واحد مطابق دستورالعملی است که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد.

تبصره ۴- مؤدیانی که محل ثابت برای شغل خود ندارند، محل سکونت آنان از لحاظ تسلیم اظهارنامه و سایر امور مالیاتی مناط اعتبار خواهد بود.

ماده ۲۲- مؤدیان مالیاتی در صورت انجام ندادن تکالیف مقرر در این قانون و یا در صورت تخلف از مقررات این قانون، علاوه بر پرداخت مالیات متعلق و جریمه تأخیر، مشمول جریمه‌ای به شرح زیر خواهند بود:

۱- عدم ثبت نام مؤدیان در مهلت مقرر معادل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) مالیات متعلق تا تاریخ ثبت نام یا شناسایی حسب مورد؛

۲- عدم صدور صورتحساب معادل یک برابر مالیات متعلق؛

۳- عدم درج صحیح قیمت در صورت‌حساب معادل یک برابر مابه‌التفاوت مالیات متعلق؛

۴- عدم درج و تکمیل اطلاعات صورت‌حساب طبق نمونه اعلام شده معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) مالیات متعلق؛

۵- عدم تسلیم اظهارنامه از تاریخ ثبت نام یا شناسایی به بعد حسب مورد، معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات متعلق؛

۶- عدم ارائه دفاتر یا اسناد و مدارک حسب مورد معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) مالیات متعلق.

ماده ۲۳- تأخیر در پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون در مواعد مقرر، موجب تعلق جریمه‌ای به میزان دو درصد (۲٪) در ماه، نسبت به مالیات پرداخت نشده و مدت تأخیر خواهد بود.

فصل پنجم- سازمان مالیات بر ارزش افزوده و وظایف و اختیارات آن

ماده ۲۶- در مواردی که مأموران ذی‌ربط سازمان امور مالیاتی کشور جهت رسیدگی به اظهارنامه یا بررسی میزان معاملات به مؤدیان مراجعه و دفاتر و اسناد و مدارک آنان را درخواست نمایند، مؤدیان و خریداران مکلف به ارائه دفاتر و اسناد و مدارک درخواستی حسب مورد می‌باشند و در صورت عدم ارائه دفاتر و اسناد و مدارک مورد نیاز، متخلف مشمول جریمه مقرر در ماده (۲۲) این قانون محسوب گردیده و مالیات متعلق به موجب دستورالعملی که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می‌کند، به صورت علی‌الرأس تشخیص داده و مطالبه و وصول خواهد شد.

ماده ۲۷- مؤدیان موضوع این قانون می‌توانند تنظیم گزارش‌های حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده خود را به سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران یا مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ارجاع نمایند. اشخاص مذکور در صورت قبول درخواست مؤدی، مکلف‌اند گزارش حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده را با رعایت شرایط زیر و طبق نمونه و دستورالعملی که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می‌کند، تنظیم نموده و جهت تسلیم به اداره امور مالیاتی مربوط، در اختیار مؤدی قرار دهند.

الف- اظهار نظر نسبت به کفایت اسناد و مدارک حسابداری برای امر حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده طبق مفاد قوانین و مقررات و استانداردهای حسابداری؛

ب- تعیین مأخذ مشمول مالیات و مالیات متعلق هر دوره مالیاتی براساس مفاد این قانون و مقررات مربوط.

تبصره ۱- اداره امور مالیاتی گزارش حسابرسی مالیاتی را که با رعایت شرایط اخیرالذکر این ماده تنظیم شود، بدون رسیدگی قبول و مطابق مقررات مربوط برگه مطالبه صادر می‌کند. قبول گزارش حسابرسی

مالیاتی هر دوره مالیاتی موکول به آن است که مؤدی گزارش مزبور را به همراه اظهارنامه مالیاتی دوره مزبور و یا حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه، تسلیم اداره امور مالیاتی مربوط نموده باشد.

تبصره ۲- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده اشخاص حقیقی و حقوقی را به سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران یا حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی واگذار نماید. در این صورت، پرداخت حق الزحمه، طبق مقررات مربوط به عهده سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشد.

ماده ۲۹- در مواردی که اوراق مطالبه مالیات یا برگه استرداد مالیات اضافه پرداختی به مؤدی ابلاغ می‌شود، در صورتی که مؤدی معترض باشد، می‌تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ اوراق یاد شده اعتراض کتبی خود را به اداره امور مالیاتی مربوط برای رفع اختلاف تسلیم نماید و در صورت رفع اختلاف با مسؤول ذی‌ربط، پرونده مختومه می‌گردد. چنانچه مؤدی در مهلت مذکور کتباً اعتراض ننماید، مبالغ مندرج در اوراق مطالبه مالیات و یا برگه استرداد مالیات اضافه پرداختی به استثناء مواردی که اوراق موضوع این ماده ابلاغ قانونی شده باشد، حسب مورد قطعی محسوب می‌گردد.

در صورتی که مؤدی ظرف مهلت مقرر در این ماده اعتراض خود را کتباً به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم نماید، ولی رفع اختلاف نشده باشد و همچنین در مواردی که اوراق مذکور ابلاغ قانونی شده باشد، پرونده امر ظرف بیست‌روز از تاریخ دریافت اعتراض یا تاریخ انقضای مهلت اعتراض در موارد ابلاغ قانونی جهت رسیدگی به هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم احاله می‌شود.

ماده ۳۰- کلیه بانک‌ها، مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه و صندوق تعاون مکلف‌اند صرفاً اطلاعات و اسناد لازم مربوط به درآمد مؤدیان را که در امر تشخیص و وصول مالیات مورد استفاده می‌باشد، حسب درخواست رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور به سازمان مزبور اعلام نمایند. اشخاص مزبور در صورت عدم ارائه اطلاعات و اسناد مذکور مسؤول جبران زیان وارده به دولت خواهند بود.

ماده ۳۱- شهرداری‌ها مکلف‌اند اطلاعات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی خود مربوط به املاک، مشاغل و سایر موارد که در امر شناسایی یا تشخیص عملکرد مالی مؤدیان مورد نیاز سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشد، را حسب درخواست رئیس کل سازمان مذکور در اختیار این سازمان قرار داده و امکان دسترسی همزمان سازمان امور مالیاتی کشور به این اطلاعات را در پایگاه‌های اطلاعاتی ذی‌ربط فراهم آورند.

فصل ششم - سایر مقررات

ماده ۳۴- مؤدیان مشمول مالیات موضوع این قانون مکلف‌اند از دفاتر، صورتحساب‌ها و سایر فرمهای مربوط، ماشین‌های صندوق و یا سایر وسایل و روش‌های نگهداری حساب که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می‌کند، استفاده نمایند. مدارک مذکور باید به مدت ده سال بعد از سال مالی مربوط توسط مؤدیان نگهداری و در صورت مراجعه مأموران مالیاتی به آنان ارائه شود.

ماده ۳۷- یک در هزار از وجوهی که بابت مالیات، عوارض و جرائم متعلق موضوع این قانون وصول می‌گردد، در حساب مخصوصی در خزانه به نام سازمان امور مالیاتی کشور واریز می‌گردد و معادل آن از محل اعتباری که در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد، در اختیار سازمان مزبور قرار خواهد گرفت تا برای آموزش، تشویق و جایزه به مصرف کنندگان و مؤدیان هزینه نماید. وجوه پرداختی به استاد این بند از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.

فصل هفتم - عوارض کالاها و خدمات

ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ صدر ماده (۱۶) این قانون، یک و نیم درصد^۴ (۱,۵٪)؛

ب- انواع سیگار و محصولات دخانی، سه درصد (۳٪)؛

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)؛

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪).

تبصره ۱- واحدهای تولیدی آلاینده محیط زیست که استانداردها و ضوابط حفاظت از محیط زیست را رعایت نمی‌نمایند، طبق تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط زیست (تا پانزدهم اسفند ماه هر سال برای اجراء در سال بعد)، همچنین پالایشگاه‌های نفت و واحدهای پتروشیمی، علاوه بر مالیات و عوارض متعلق موضوع این قانون، مشمول پرداخت یک درصد (۱٪) از قیمت فروش به عنوان عوارض آلاینده‌گی می‌باشند. حکم ماده (۱۷) این قانون و تبصره‌های آن به عوارض آلاینده‌گی موضوع این ماده قابل تسری نمی‌باشد.

۴ به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۷ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، نرخ عوارض در سال ۱۳۹۲، ۲,۴٪ تعیین شده است.

واحدهایی که در طی سال نسبت به رفع آلایندگی اقدام نمایند، با درخواست واحد مزبور و تأیید سازمان حفاظت محیط زیست از فهرست واحدهای آلاینده خارج می‌گردند. در این صورت، واحدهای یاد شده از اول دوره مالیاتی بعد از تاریخ اعلام توسط سازمان مزبور به سازمان امور مالیاتی کشور، مشمول پرداخت عوارض آلایندگی نخواهند شد.

واحدهایی که در طی سال بنا به تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط زیست به فهرست واحدهای آلاینده محیط زیست اضافه گردند، از اول دوره مالیاتی بعد از تاریخ اعلام توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشمول پرداخت عوارض آلایندگی خواهند بود.

عوارض موضوع این تبصره در داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل استقرار واحد تولیدی و در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه موضوع تبصره (۲) ماده (۳۹) واریز می‌شود، تا بین دهیاری‌های همان شهرستان توزیع گردد.

تبصره ۲- در صورتی که واحدهای تولیدی به منظور ارتقاء مهارت و سلامت کارکنان خود مراکز آموزشی و ورزشی ایجاد کرده و یا در این خصوص هزینه نمایند، با اعلام وزارت کار و امور اجتماعی می‌توانند ده درصد (۱۰٪) عوارض موضوع بند (الف) این ماده را تا سقف هزینه صورت گرفته درخواست استرداد نمایند، در صورت تأیید هزینه‌های مزبور توسط سازمان امور مالیاتی کشور، وجوه مربوط قابل تهاتر یا استرداد حسب مقررات این قانون خواهد بود.

تبصره ۳- به منظور تأسیس و توسعه واحدهای آموزشی مورد نیاز در مناطق کمتر توسعه یافته، معادل نیم درصد (۰/۵٪) از عوارض وصولی بند (الف) این ماده در حساب مخصوص در خزانه به نام وزارت آموزش و پرورش واریز می‌گردد و معادل آن از محل اعتباری که در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد در اختیار وزارت یاد شده قرار خواهد گرفت تا توسط وزارت مزبور در امر توسعه و احداث مراکز آموزشی مورد نیاز در مناطق مزبور هزینه گردد. آئین‌نامه اجرائی این تبصره به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، کشور و امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۳۹- مؤدیان مکلف‌اند عوارض و جرائم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حسابهای رابطی که بنابه درخواست سازمان امور مالیاتی کشور و توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، واریز نمایند. سازمان امور مالیاتی کشور موظف است عوارض وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به ترتیب زیر به حساب شهرداری محل و یا تمرکز وجوه حسب مورد واریز نماید:

الف) عوارض وصولی بند (الف) ماده (۳۸) در مورد مؤدیان داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و در مورد مؤدیان خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور به منظور توزیع بین دهیاری‌های همان شهرستان بر اساس شاخص جمعیت و میزان کمتر توسعه یافتگی؛

ب) عوارض وصولی بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده (۳۸) به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور.

تبصره ۱- سه درصد (۳٪) از وجوه واریزی که به حساب‌های موضوع این ماده واریز می‌گردد، در حساب مخصوصی نزد خزانه به نام سازمان امور مالیاتی کشور واریز می‌شود و معادل آن از محل اعتبار اختصاصی که در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد در اختیار سازمان مزبور که وظیفه شناسایی، رسیدگی، مطالبه و وصول این عوارض را عهده دار می‌باشد، قرار خواهد گرفت تا برای خرید تجهیزات، آموزش و تشویق کارکنان و حسابرسی هزینه نماید. وجوه پرداختی به استناد این بند به عنوان پاداش وصولی از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.

تبصره ۲- حساب تمرکز وجوه قید شده در این ماده توسط خزانه داری کل کشور به نام وزارت کشور افتتاح می‌شود. وجوه واریزی به حساب مزبور (به استثناء نحوه توزیع مذکور در قسمت‌های اخیر بند الف) این ماده و تبصره (۱) ماده (۳۸) این قانون) به نسبت بیست درصد (۲۰٪) کلان شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت) بر اساس شاخص جمعیت، شصت درصد (۶۰٪) سایر شهرها بر اساس شاخص کمتر توسعه یافتگی و جمعیت و بیست درصد (۲۰٪) دهیاری‌ها بر اساس شاخص جمعیت تحت نظر کارگروهی متشکل از نمایندگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور و یک نفر ناظر به انتخاب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مطابق آئین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها به تصویب هیأت وزیران می‌رسد توزیع و توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها هزینه می‌شود. هرگونه برداشت از حساب تمرکز وجوه به جز پرداخت به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و وجوه موضوع ماده (۳۷)، تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۳۸) این قانون و تبصره (۱) این ماده ممنوع می‌باشد. وزارت کشور موظف است، گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یکبار به شورای عالی استان‌ها و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ماده ۴۰- احکام سایر فصول این قانون، به استثناء احکام فصل نهم در رابطه با عوارض موضوع این فصل نیز جاری است. لیکن احکام سایر فصول، مربوط به نرخ و ترتیبات واریز و توزیع عوارض که این فصل برای آن دارای حکم خاص است، جاری نخواهد بود.

فصل هشتم - حقوق ورودی

ماده ۴۱- حقوق گمرکی معادل چهاردرصد (۴٪) ارزش گمرکی کالاها تعیین می‌شود. به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیأت وزیران تعیین می‌شود حقوق ورودی اطلاق می‌گردد.

تبصره ۱- نرخ حقوق ورودی علاوه بر رعایت سایر قوانین و مقررات

باید به نحوی تعیین گردد که :

الف- در راستای حمایت مؤثر از اشتغال و کالای تولید یا ساخت داخل در برابر کالای وارداتی باشد؛

ب- در برگیرنده نرخ ترجیحی و تبعیض آمیز بین واردکنندگان دولتی با بخش‌های خصوصی، تعاونی و غیردولتی نباشد؛

ج- نرخ حقوق ورودی قطعات، لوازم و موادی که برای مصرف در فرآوری یا ساخت یا مونتاژ یا بسته‌بندی اشیاء یا مواد یا دستگاه‌ها وارد می‌گردد از نرخ حقوق ورودی محصول فرآوری شده یا شیء یا ماده یا دستگاه آماده پائین تر باشد.

تبصره ۲- کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مربوط به معافیت‌های حقوق ورودی به استثناء معافیت‌های موضوع ماده (۶) و بندهای (۱)، (۲)، (۴) تا (۹) و (۱۲) تا (۱۹) ماده (۳۷) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۷ و ماده (۸) قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴/۷/۸ و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و اصلاحات آن و قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی مصوب ۱۳۸۴ و معافیت لایحه قانونی راجع به ماشین آلات تولیدی که توسط واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی مجاز وارد می‌شود از پرداخت حقوق ورودی مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۴ شورای انقلاب اسلامی ایران و معافیت گمرکی لوازم امداد و نجات اهدائی به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور و اقلام عمده صرفاً دفاعی کشور لغو می‌گردد. اقلام عمده دفاعی به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و با تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد.

تبصره ۳- معادل دوازده در هزار ارزش گمرکی کالاهای وارداتی که حقوق ورودی آن‌ها وصول می‌شود از محل اعتباراتی که همه ساله در قوانین بودجه سنواتی کل کشور منظور می‌شود در اختیار وزارت کشور قرار می‌گیرد تا بر اساس مقررات تبصره (۲) ماده (۳۹) این قانون به شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور به عنوان کمک پرداخت و به هزینه قطعی منظور شود.

فصل نهم- سایر مالیات‌ها و عوارض خاص

ماده ۴۲- مالیات نقل و انتقال انواع خودرو به استثناء ماشین‌های راهسازی، کارگاهی، معدنی، کشاورزی، شناورها، موتورسیکلت و سه چرخه موتوری اعم از تولید داخل یا وارداتی، حسب مورد معادل یک درصد (۱٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا یک درصد (۱٪) مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آن‌ها تعیین می‌شود. مبنای محاسبه این مالیات، به ازاء سپری شدن هر سال از سال مدل خودرو و حداکثر تا شش سال به میزان سالانه ده درصد (۱۰٪) و حداکثر تا شصت درصد (۶۰٪) تقلیل می‌یابد.

تبصره ۱- دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند قبل از تنظیم هر نوع سند بیع قطعی، صلح، هبه و وکالت برای فروش انواع خودرو مشمول مالیات، رسید و یا گواهی پرداخت عوارض تا پایان سال قبل از تنظیم سند، موضوع بند (ب) ماده (۴۳) این قانون و همچنین رسید پرداخت مالیات نقل و انتقال، موضوع این ماده را طبق جداول تنظیمی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، از معامل یا موکل اخذ و در اسناد تنظیمی موارد زیر را درج نمایند:

الف- شماره فیش بانکی، تاریخ پرداخت، مبلغ و نام بانک دریافت کننده مالیات؛

ب- شماره فیش بانکی، تاریخ پرداخت مبلغ و نام بانک دریافت کننده عوارض یا شماره و تاریخ گواهی پرداخت عوارض؛

ج- مشخصات خودرو شامل نوع، سیستم، تیپ، شماره شاسی، شماره موتور و مدل؛

د- نام متعاملین، کدپستی و شماره ملی و یا شماره اقتصادی متعاملین؛

دفاتر اسناد رسمی همچنین مکلف‌اند که فهرست کامل نقل و انتقالات انجام شده در هر ماه را حداکثر تا پانزدهم ماه بعد طبق فرم یا روشی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور پیش بینی خواهد شد به اداره امور مالیاتی ذی ربط ارسال نمایند.

تبصره ۲- دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند در تنظیم وکالتنامه‌های کلی در مورد انتقال اموال، فروش خودرو را تصریح نمایند.

تبصره ۳- دفاتر اسناد رسمی در صورت تخلف از مقررات تبصره‌های (۱) و (۲) این ماده مشمول جریمه به شرح زیر خواهند بود:

الف- در صورتی که مالیات و عوارض متعلق پرداخت نگردیده و یا کمتر از میزان مقرر پرداخت شده باشد، علاوه بر پرداخت وجه معادل مالیات و عوارض و یا

مابه التفاوت موارد مذکور، مشمول جریمه ای به میزان دو درصد (۲٪) در ماه، نسبت به مالیات و عوارض پرداخت نشده و مدت تأخیر می‌باشد. جریمه مذکور غیر قابل بخشودگی است.

ب - تخلف از درج هریک از مشخصات و موارد مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج) و (د) تبصره (۱)، در سند تنظیمی و ارسال فهرست طبق فرم یا روش موضوع تبصره (۱) در موعد مقرر قانونی، تخلف انتظامی محسوب می‌شود و مطابق قوانین و مقررات ذی‌ربط با آنان عمل خواهد گردید.

تبصره ۴ - فسخ و اقاله اسناد خودرو تا شش ماه بعد از معامله مشمول مالیات

نقل و انتقال مجدد نخواهد بود. در صورتی که پس از پرداخت مالیات نقل و انتقال، معامله انجام نشود مالیات وصول شده با گواهی دفتر اسناد رسمی مربوط طبق ضوابطی که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، قابل استرداد به معامل یا موکل خواهد بود.

تبصره ۵ - اولین انتقال خودرو از کارخانجات سازنده و یا مونتاژ کننده داخلی و یا واردکنندگان (نمایندگی‌های رسمی شرکت‌های خارجی) به خریداران و همچنین

هر گونه انتقال به صورت صلح و هبه به نفع دولت، نهادهای عمومی غیر دولتی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه مشمول پرداخت مالیات نقل و انتقال موضوع این ماده نخواهد بود.

تبصره ۶ - قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی انواع خودروهای وارداتی که مبنای محاسبه مالیات و عوارض بندهای (ب) و (ج) ماده (۴۳) و مالیات نقل و انتقال قرار می‌گیرند، همه ساله براساس آخرین مدل توسط سازمان امور مالیاتی کشور تا پانزدهم دی‌ماه هر سال برای اجراء در سال بعد اعلام خواهد شد. مأخذ مذکور در مورد خودروهای وارداتی از تاریخ ابلاغ قابل اجراء می‌باشد. این مهلت زمانی برای انواع جدید خودروهایی که بعد از تاریخ مزبور تولید آن‌ها شروع یا به کشور وارد می‌شود لازم‌الرعايه نمی‌باشد. همچنین قیمت فروش یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی خودروهایی که تولید آن‌ها متوقف می‌شود توسط سازمان یاد شده و متناسب با آخرین مدل ساخته شده تعیین می‌گردد.

تبصره ۷ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ادارات راهنمایی و رانندگی) مکلف است هنگام نقل و انتقال خودروهای دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی، نسخه پرداخت شده قبض مالیات نقل و انتقال مربوط را اخذ و سپس نسبت به ثبت انتقال در سوابق اقدام نماید.

ماده ۴۳ - مالیات و عوارض خدمات خاص به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل زمینی (به استثنای ریلی)، دریایی و هوایی پنج درصد (۵٪) بهاء بلیط (به عنوان عوارض).

ب - عوارض سالیانه انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل یا وارداتی حسب مورد معادل یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا یک در هزار مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها.

تبصره- عوارض موضوع بند (ب) این ماده در مورد خودروهای با عمر بیش از ده سال (به استثنای خودروهای گازسوز) به ازاء سپری شدن هر سال (تا مدت ده سال) به میزان سالانه ده درصد (۱۰٪) و حداکثر تا صد درصد (۱۰۰٪) عوارض موضوع بند مزبور این ماده افزایش می‌یابد.

ج - شماره‌گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل و یا وارداتی به استثنای خودروهای سواری عمومی درون شهری یا برون شهری حسب مورد سه درصد (۳٪) قیمت فروش کارخانه و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها (دو درصد (۲٪) مالیات و یک درصد (۱٪) عوارض).

حکم ماده (۱۷) این قانون و تبصره‌های آن به مالیات و عوارض این ماده قابل تسری نمی‌باشد.

ماده ۴۵- به دولت اجازه داده می‌شود بابت خروج هر مسافر از مرزهای هوایی دویست و پنجاه هزار (۲۵۰/۰۰۰) ریال و از مرزهای دریایی و زمینی مبلغ پنجاه هزار (۵۰/۰۰۰) ریال از مسافران دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل کشور) واریز نماید. تغییرات این مبالغ هر سه سال یک بار با توجه به نرخ تورم با تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد.

تبصره - دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمت، خدمه وسایل نقلیه عمومی زمینی و دریایی و خطوط پروازی، دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور (دارندگان اجازه خروج دانشجویی) بیمارانی که با مجوز شورای پزشکی جهت درمان به خارج از کشور اعزام می‌گردند، دارندگان پروانه گذر مرزی و جانبازان انقلاب اسلامی که برای معالجه به کشورهای دیگر اعزام می‌شوند، همچنین ایرانیان مقیم خارج از کشور دارای کارنامه شغلی از وزارت کار و امور اجتماعی، در خصوص پرداخت وجوه موضوع این ماده، مستثنی می‌باشند.

ماده ۴۶-

الف - مالیات‌های موضوع مواد (۴۲) و (۴۳) و وجوه موضوع ماده (۴۵) این قانون به حساب یا حساب‌های درآمد عمومی مربوط که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه داری کل کشور) تعیین و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز می‌گردد.

ب- وصول عوارض موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۴۳) این قانون به شهرداری محل محمول می‌شود و عوارض مزبور نیز به حساب شهرداری محل فعالیت واریز می‌گردد.

ج- عوارض موضوع بند (ج) ماده (۴۳) به حساب تمرکز وجوه، موضوع تبصره (۲) ماده (۳۹) واریز می‌شود تا حسب ترتیبات تبصره مزبور توزیع و هزینه گردد.

د- مالیات و وجوه دریافتی موضوع مواد (۴۲)، (۴۳) و (۴۵) این قانون که توسط سازمان امور مالیاتی کشور وصول می‌گردد مشمول احکام فصل نهم باب چهارم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و اصلاحات بعدی آن است.

ه- اختلاف و استتکاف از پرداخت وجوه دریافتی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۴۳) این قانون که توسط شهرداری‌ها وصول می‌گردد، مشمول احکام ماده (۷۷) قانون اداره شهرداری‌ها خواهد بود.

و- پرداخت مالیات و عوارض موضوع ماده (۴۳) این قانون پس از موعد مقرر موجب تعلق جریمه‌ای معادل دو درصد (۲٪) به ازاء هر ماه نسبت به مدت تأخیر خواهد بود.

ماده ۴۷-

الف- اشخاصی که مبادرت به حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی می‌نمایند، مکلف‌اند پنج درصد (۵٪) بهاءبلیط موضوع بند (الف) ماده (۴۳) این قانون را با درج در بلیط و یا قرارداد حسب مورد، به عنوان عوارض از مسافران اخذ و عوارض مذکور مربوط به هرماه را حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به حساب شهرداری محل فروش بلیط واریز نمایند.

ب- مالکان خودروهای سواری و وانت دوکابین اعم از تولید داخل یا وارداتی مکلف‌اند عوارض سالیانه خودروهای متعلق به خود، موضوع بند (ب) ماده (۴۳) این قانون را به نرخ یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی (وارداتی) بر اساس قیمت‌های مندرج در جداولی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، محاسبه و به حساب شهرداری محل واریز نمایند.

ج- تولیدکنندگان انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین تولید داخل (به استثناء خودروهای سواری که به عنوان خودروهای عمومی شماره گذاری می‌شود) مکلف‌اند مالیات و عوارض موضوع بند (ج) ماده (۴۳) این قانون را در تاریخ فروش با درج در اسناد فروش از خریداران اخذ و مالیات و عوارض مذکور را حسب مقررات موضوع ماده (۲۱) به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریز نمایند.

تبصره ۱- وارد کنندگان یا مالکان خودروهای سواری وانت دو کابین وارداتی (به استثناء خودروهای سواری که عنوان خودرو عمومی شماره گذاری می‌شوند) حسب مورد مکلف‌اند قبل از شماره گذاری با مراجعه به ادارات امور مالیاتی شهر محل شماره گذاری نسبت به پرداخت مالیات و عوارض موضوع این ماده اقدام نمایند.

تبصره ۲- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (معاونت راهنمایی و رانندگی) مکلف است قبل از شماره گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین وارداتی به استثناء خودروهای سواری و عمومی درون‌شهری یا بیرون‌شهری، گواهی پرداخت مالیات و عوارض را از وارد کنندگان یا مالکان حسب‌مورد اخذ و ضمیمه اسناد مربوط نموده و از شماره گذاری خودروهای مزبور که مالیات و عوارض آن پرداخت نشده است، خودداری نماید. گواهی مزبور توسط اداره امور مالیاتی پس از وصول وجوه متعلق صادر خواهد شد.

ماده ۴۸- به منظور تأمین هزینه اجرای برنامه‌های نگهداری، بهسازی و امنیت پرواز و توسعه زیر بناها در فرودگاه‌ها و نیز استفاده از تجهیزات و سیستم‌های جدید فرودگاهی و هوانوردی و امنیتی، به شرکت فرودگاه‌های کشور اجازه داده می‌شود با تصویب شورای عالی هواپیمایی کشوری دو درصد (۲٪) قیمت فروش بلیط مسافران پروازهای داخلی را دریافت کند.

فصل دهم- تکلیف سایر قوانین مرتبط و تاریخ اجراء

ماده ۵۰- برقراری هر گونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون، تکلیف مالیات و عوارض آن‌ها معین شده است، همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات، سود سهام شرکت‌ها، سود اوراق مشارکت، سود سپرده گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز، توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد.

تبصره ۱- شوراهای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید، که تکلیف آن‌ها در این قانون مشخص نشده باشد، موظف‌اند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجراء در سال بعد، تصویب و اعلام عمومی نمایند.

تبصره ۲- عبارت «پنج در هزار» مندرج در ماده (۲) قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ به عبارت «یک درصد (۱٪)» اصلاح می‌شود.

تبصره ۳- قوانین و مقررات مربوط به اعطاء تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ملغی می‌گردد.

تبصره ۴- وزارت کشور موظف است بر حسن اجرای این ماده در سراسر کشور نظارت نماید.

ماده ۵۲- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه بعدی آن و سایر قوانین و مقررات خاص و عام مغایر مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو گردیده و برقراری و دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاها و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع می‌باشد. حکم این ماده شامل قوانین و مقررات مغایری که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، نیز می‌باشد.

موارد زیر از شمول حکم این قانون مستثنی می‌باشد:

- ۱- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲- قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن؛
- ۳- قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷؛
- ۴- قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۵؛
- ۵- قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۲؛
- ۶- عوارض آزاد راه‌ها، عوارض موضوع ماده (۱۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۶؛
- ۷- قانون نحوه تأمین هزینه اتقاق بازرگانی و صنایع و معادن و اتقاق تعاون مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱ و اصلاحات بعدی آن؛
- ۸- مواد (۶۳) و (۸۷) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸.

قانون فوق مشتمل بر پنج‌جاه و سه ماده و چهل و هفت تبصره در جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتماد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج‌سال در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

*تعدادی از بخشنامه‌های صادره در خصوص مفاد مواد مطروحه در متن قانون مالیات بر ارزش افزوده:

شماره: ۵۴۴.۹
تاریخ: ۸۸/۱۰/۲۴
بیت



رئیس کل

بخشنامه

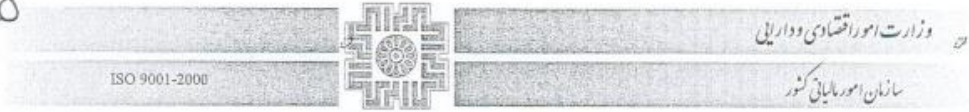
الف	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۸۸	۰۰۹
-----	-----------------------------	----	-----

مخاطبین	رئیسای محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم امور مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤدیان بزرگ مدیران کل محترم امور مالیاتی استان‌ها
موضوع	چگونگی اجرای مالیات بر ارزش افزوده و عوارض مربوطه در رابطه با مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی
<p>نظر به اینکه چگونگی اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در محدوده مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی موجب بروز سوالی برای ادارات امور مالیاتی و مؤدیان گرامی گردیده، لذا به منظور ایجاد رویه واحد، اجرای صحیح مقررات و به استناد مفاد مواد (۶)، (۷)، (۱۳) و (۵۲) قانون مذکور مقرر می‌دارد:</p> <p>۱. مبادلات کالاها و خدمات فی‌مابین اشخاص و فدانان اقتصادی مقیم در مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، در داخل محدوده مناطق یاد شده، مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون یاد شده نمی‌باشد.</p> <p>۲. صادرات کالاها و خدمات از مناطق مذکور به خارج از کشور و همچنین واردات کالا و خدمات از خارج از کشور به مناطق یاد شده مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون نمی‌باشد.</p> <p>۳. واردات کالا و خدمات از مناطق یاد شده به قلمرو گمرکی کشور مشمول پرداخت مالیات و عوارض می‌باشد.</p> <p>شایان ذکر است به استناد مفاد ماده (۱۳) قانون مالیات بر ارزش افزوده، صادرات کالاها و خدمات صرفاً به خارج از کشور از طریق مبادی خروجی رسمی، مشمول مالیات و عوارض موضوع این قانون نمی‌باشد و مالیات‌های پرداخت شده بابت آن‌ها با ارائه برگه خروجی صادره توسط گمرک (در مورد کالا) و اسناد و مدارک مثبت، مسترد می‌گردد.</p>	
دسته کاربرد: ۱- داخلی *	۲- خارجی *
تاریخ اجراء: ۱۳۸۷/۱۰/۲۴	مدت اجراء نامحدود
مرجع تفسیر: دانشکده اقتصادی مالیاتی	
مرجع پاسخگویی: مدیریت فنی، حقوقی و اعتراضات مالیات بر ارزش افزوده	
تلفن: ۸۸۸۰۵۱۰۶	
نحوه ابلاغ: فیزیکی	
بخشنامه‌های منسوخ -	

علی اکبر عرب مازار

سازمان امور مالیاتی کشور
معاونت مالیات بر ارزش افزوده
شماره: ۱۷۰۸۸ تاریخ: ۸۸/۱۰/۲۴

۲۰۰۳/۲۰/ص
تاریخ: ۱۷ اردیبهشت ۸۹
بیت



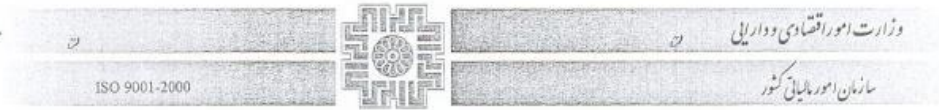
رئیس کل

بخشنامه

الف	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۸۹	۰۵۲
-----	-----------------------------	----	-----

ن تهران	052.jpg Type: JPEG Image Size: 163 KB Dimension: 1120 x 1296 pixels	رؤسای محترم امور مالیاتی شر مدیران کل محترم امور مالیات مدیر کل محترم امور مالیاتی م مدیران کل محترم امور مالیاتی	مخاطبین
مالیات بر ارزش افزوده نهاده‌ها و آستانه‌های مقدسه و واحدهای وابسته		موضوع	
<p>به پیوست تصویر نامه شماره ۵/۴۷۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۳ معاونت محترم نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری که در پاسخ به استعلام شماره ۱۰۸۰/۹۲۸۲/م مورخ ۱۳۸۹/۴/۷ وزارت امور اقتصادی و دارایی در رابطه با نحوه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده توسط آستانه‌های مقدسه و واحدهای وابسته به آن‌ها واصل گردیده است و مقرر می‌دارد:</p> <p>«... قانون مالیات بر ارزش افزوده در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۷ تصویب و اجرایی گردیده است. در ماده (۱۲) قانون، اسامی کالاها و خدمات معاف از قانون مزبور مشخص و هیچگونه معافیتی جهت اشخاص حقیقی و حقوقی در نظر گرفته نشده است.</p> <p>با توجه به مزایای اجرای قانون مزبور در راستای شفافیت معاملات اقتصادی و پرهیز از انسداد نظارتی در نظام گردش کالا و خدمات برای مؤدیانی که طرف معامله با نهادها قرار می‌گیرند، با عنایت به تدبیر مقام معظم رهبری «مدظله العالی» ضروری است قانون مزبور به طور کامل توسط کلیه دستگاه‌های تحت پوشش و آستانه‌های مقدسه و واحدهای وابسته به آن‌ها اجرا و نهایت همکاری از این بابت با مسئولین امر صورت پذیرد.»</p> <p>جهت اطلاع و اقدام مقتضی مطابق با قانون مالیات بر ارزش افزوده ارسال می‌گردد. (۷/۱۵آ)</p>			
 علی اسگری			

۹۴۴/۲۰۰/ص
تاریخ: ۱۷/۷/۸۹
بیت



رئیس کل

بخشنامه

الف	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۸۹	۰۵۳
-----	-----------------------------	----	-----

<p>رؤسای محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم امور مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤدیان بزرگ مدیران کل محترم امور مالیاتی استان‌ها</p>	<p>مخاطبین</p>
<p>حق عضویت انجمن‌های صنفی، مجامع حرفه‌ای و سایر تشکلهای قانونی</p>	<p>موضوع</p>
<p>نظر به این که در رابطه با اجرای مقررات قانون مالیات بر ارزش افزوده توسط انجمن‌های صنفی و مجامع حرفه‌ای سؤالاتی مطرح و اخیراً نیز اظهارنظرهای متفاوتی از طرف مسئولین محترم امور اقتصادی و دارایی از طریق رسانه‌های عمومی منتشر شده است، لذا به منظور وحدت رویه مقرر می‌دارد:</p> <p>کلیه انجمن‌های صنفی، مجامع حرفه‌ای و دیگر تشکلهای قانونی واجد شرایط ثبت نام و مشمول اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده مکلفند، در صورت عرضه کالا و یا ارائه خدمات نسبت به انجام تکالیف مقرر قانونی از جمله درج مالیات و عوارض ذیل صورتحساب‌های صادره، مطالبه و وصول آن از مشتریان اقدام و سپس وفق مقررات قانونی اظهارنامه‌های مالیاتی موضوع ماده (۲۱) قانون فوق‌الذکر را تسلیم و همزمان مالیات‌های متعلقه را پس از کسر مالیات‌های پرداختی قابل کسر به حساب‌های سازمان امور مالیاتی واریز نمایند. در این چارچوب صرفاً وجوه دریافتی از اعضاء تحت عنوان حق عضویت مشمول مالیات و عوارض موضوعه نخواهد بود.</p> <p>بدیهی است کلیه خریداران کالا و خدمات از جمله انجمن‌های صنفی و مجامع حرفه‌ای و تشکلهای قانونی موظفند هنگام خرید کالا و خدمات از مؤدیان مشمول اجرای قانون نسبت به پرداخت مالیات و عوارض مندرج در صورتحساب‌های صادره اقدام نمایند. (۷/۷۲)</p> <p> علی عسکری</p>	



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



شماره: ۲۵۳۱
تاریخ: ۱۳۹۰/۰۲/۰۳

معاون مالیات بر ارزش افزوده

بخشنامه

بند (۱۲) ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده ۹۰ ۰۱۵ الف

مخاطبین	رئیس محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤدیان بزرگ مدیران کل محترم امور مالیاتی استان‌ها
موضوع	در خصوص شمول یا عدم شمول مالیات بر ارزش افزوده بر قراردادهای حمل و نقل عمومی مسافری
<p>نظر به اینکه در اجرای مقررات قانون مالیات بر ارزش افزوده، توسط فعالان اقتصادی که به ارائه خدمات حمل و نقل مسافر از طریق انعقاد قرارداد حمل و نقل مسافر (اعم از درون شهری و برون شهری) اشتغال دارند، سؤالاتی مطرح گردیده است، لذا به منظور اجرای صحیح قانون و همچنین اتخاذ رویه واحد برای مؤدیان و انارات امور مالیاتی مقرر می‌دارد:</p> <p>۱. از آنجاییکه وفق مقررات بند (۱۲) ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده، ارائه خدمات حمل و نقل عمومی مسافری درون و برون شهری، جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی به صورت کلی از پرداخت مالیات و عوارض معاف می‌باشد؛ لذا ارائه خدمات حمل و نقل عمومی مسافری از طریق انعقاد قرارداد نیز مشمول مقررات بند (۱۲) ماده (۱۲) قانون خواهد بود و از پرداخت مالیات و عوارض ارزش افزوده معاف است.</p> <p>۲. حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور (اعم از اینکه با قرارداد یا بدون قرارداد باشد) با وسائل نقلیه زمینی (به استثناء ریلی)، دریایی و هوایی مشمول عوارض موضوع بند «الف» ماده (۴۳) قانون فوق‌الذکر می‌باشد، بنابراین اشخاص و مؤسسات حمل و نقل مسافر مکلف به پرداخت عوارض مزبور مطابق مقررات خواهند بود.</p>	

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان استاد نجف‌اللهی، نبش کوچه شهید محمدی، کد پستی: ۱۵۹۹۹۵۲۶۱۱
تلفن: ۰۲۰-۸۸۸۲۰۲۱۹-۸۸۸۲۰۲۱۹، پانگه اینترنتی: www.VAT.ir، پست الکترونیکی: info@VAT.ir



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

لازم به ذکر است، در مواردی که فعالان اقتصادی مطابق قراردادهای منعقد شده صرفاً وظیفه برنامه ریزی و مدیریت امور حمل و نقل را اجرا و در واقع اقدام به ارائه خدمات مدیریت حمل و نقل نمایند (به عبارتی درآمد تحصیلی آنان مطابق قرارداد منعقد، ناشی از حمل و نقل مسافر نباشد) در این صورت ارائه خدمات مزبور مشمول معافیت موضوع بند (۱۲) ماده (۱۲) قانون نخواهد بود.

محمدعلی باهنی



بسمه تعالی
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده
بخشنامه

شماره: ۱۳۶۵۵
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۳

الف	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۹۰	۰۶۶
مخاطبین		رؤسای محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیران کل محترم امور مالیاتی استان‌ها مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤدیان بزرگ	
موضوع		عدم ثبت نام فعالان اقتصادی شاغل در فعالیتهای معاف موضوع ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده	
<p>نظر به اینکه عرضه کالاها و ارائه خدمات موضوع ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده و واردات آنها از پرداخت مالیات و عوارض ارزش افزوده معاف می باشند و واردکنندگان، عرضه کنندگان و ارائه دهندگان کالاها و خدمات معاف تکلیفی برای ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده ندارند و به قرار اطلاع واصله، برخی از ادارات امور مالیاتی در راستای جزء ۲ بند ج دستورالعمل شماره ۲۰۰/۵۱۱۷ مورخ ۹۰/۳/۲۲ موضوع خوداظهاری در اجرای مقررات ماده ۱۵۸ ق.م.م. برای درآمد مشمول مالیات و مالیات عملکرد سال ۱۳۸۹ صاحبان مشاغل موضوع بندهای (الف و ب) ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم فعالان اقتصادی با موضوع فعالیت های صرفاً "معاف را مکلف به ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده تلقی و به لحاظ عدم ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده خوداظهاری آنان مورد پذیرش واقع نشده است، لذا به منظور رفع ابهام و وحدت رویه مقرر می دارد:</p> <p>فعالان اقتصادی با فعالیت صرفاً "معاف موضوع ماده ۱۲ این قانون تا کنون جهت ثبت نام در این نظام مالیاتی فراخوان شده اند و تکلیفی جهت ثبت نام و اجرای مقررات این قانون ندارند. بنابر این جزء مودیان موضوع جزء ۲ بند ج دستورالعمل فوق الذکر برای عدم پذیرش خوداظهاری مالیات سال ۱۳۸۹ به جهت عدم ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده محسوب نخواهند شد.</p>			
دامنه کاربرد: ۱- داخلی: <input type="checkbox"/> ۲- خارجی: <input type="checkbox"/>		مرجع پاسخگویی: دفتر نظارت بر امور اجرایی تلفن: ۸۲۲۷۱۰۷۸ - ۸۸۸۰۶۰۵۳، ۰۲۱ -	
بخشنامه های منسوخ:		تاریخ اجراء:	
دو نوشت:		مرجع قاطع: دادستانی انتظامی مالیاتی نحوه ابلاغ: فیزیکی	
<p>جناب آقای دکتر عسکری رئیس کل محترم سازمان امور مالیاتی کشور برای استحضار معاونین محترم سازمان امور مالیاتی کشور برای استحضار دفاتر ستادی معاونت مالیات بر ارزش افزوده برای اطلاع دادستانی انتظامی مالیاتی هیات ماده ۲۵۱ مکرر</p> <p>- شورای عالی مالیاتی - دادستانی انتظامی مالیاتی - هیات عالی انتظامی مالیاتی - طرح جامع مالیاتی.</p>			

محمد قاسم پناهی



سازمان امور مالیاتی کشور
وزارت امور اقتصادی و دارایی



معاون مالیات بر ارزش افزوده

شماره: ۱۳۶۹۶
تاریخ: ۱۳۸۹/۰۸/۰۹

بخشنامه

الف	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۸۹	۰۴۶
-----	-----------------------------	----	-----

مخاطبین رؤسای محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم امور مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤذیان بزرگ مدیران کل محترم امور مالیاتی استان‌ها	موضوع نحوه محاسبه مالیات و عوارض ارزش افزوده ارائه خدمات آب
<p>با توجه به نظریه شماره ۹۲۵۸/۱۴۷۶۹۹ مورخ ۱۳۸۹/۷/۳ معاونت محترم حقوقی رئیس جمهور و به منظور وحدت رویه در مورد نحوه محاسبه مالیات بر ارزش افزوده و عوارض منطبق به آب‌بها و ارائه خدمات آب مقرر می‌دارد:</p> <p>وجوه درپای از مشترکین تحت عناوین ضریب تعدیل و تبصره‌های (۲) و (۳) قانون ایجاد تسهیلات برای توسعه طرح‌های فاضلاب و بازسازی شبکه‌های آب شهری مصوب سال ۱۳۷۷، و همچنین وجوه حق اشعاب در مواردی که به عنوان حقوق عمومی در حساب‌ها ثبت گردد، جزء بهای آب یا خدمت ارائه شده تلقی نمی‌گردد. بنابراین به عنوان مأخذ محاسبه مالیات و عوارض ارزش افزوده محسوب نخواهد شد.</p> <p>از آنجاییکه به استناد ماده (۱۴) قانون مالیات بر ارزش افزوده، مأخذ محاسبه مالیات و عوارض بهای کالا یا خدمت مندرج در صورت‌حساب خواهد بود، بنابراین سایر مبالغ مندرج در صورت‌حساب از قبیل آب‌بها و آب‌نمان و جریمه مازاد بر الگوی مصرف که ماهیت آن نرخ آب بها می‌باشد، مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.</p> <div style="text-align: center;">  <p>محمد قاسم بناجی</p> </div>	
دامنه کاررد: ۱- داخلی: * ۲- خارجی: * مرجع پاسخگویی: مدیریت امور فنی، حقوقی و امور مالیات بر ارزش افزوده کتبی: ۰۶-۰۱-۸۸۸	
تاریخ اجراء: ۱۳۸۹/۸/۰۹ مدت اجراء: نامحدود مرجع فائق: دادستانی انتظامی مالیاتی نحوه ابلاغ: فوری	
رونوشت: - جناب آقای دکتر ستاری رئیس کل محترم سازمان امور مالیاتی کشور جهت استحضار - معاونین محترم سازمان جهت استحضار - سازمان امور اقتصادی و دارایی استان - دفاتر و واحدهای ستادی سازمان - دفتر خدمات مالیاتی برای درج در بانک اطلاعات بخشنامه‌ها - دبیر خانه هیات موضوع ماده ۲۵۱ مکرر - شورای عالی مالیاتی - هیات عالی انتظامی مالیاتی - دادستانی انتظامی مالیاتی - جامعه حسابداران رسمی ایران - سازمان حسابرسی - مدیریت امور فنی، حقوقی و امور مالیات و ارزش افزوده به همراه ساند	



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاونت مالیات بر ارزش افزوده

شماره: ۱۶۱۲۹

تاریخ: ۱۳۸۹/۰۹/۲۱

دستورالعمل

16129.jpg
Type: JFIF
Size: 82x
Dimens pixels

الف	ماده ۲۵ و ۲۱، قانون مالیات بر ارزش افزوده	۸۹	۵۴۱
-----	---	----	-----

مخاطبین	رؤسای محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم امور مالیاتی استان ها مدیران کل محترم مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤدیان بزرگ
موضوع	تخوه رسیدگی به پرونده شرکت فروشگاه های زنجیره ای

بر اساس اطلاعات واصله برخی از ماموران مالیاتی واحدهای ارزش افزوده ادارات کل امور مالیاتی در استان ها ضمن مکاتبه و مراجعه به شعبه های شرکت فروشگاه های زنجیره ای از جمله رفاه، اتکا، سپه، شهروند اقدام به درخواست رسیدگی، مطالبه و وصول مالیات و عوارض ارزش افزوده می نمایند. بنابراین به منظور وحدت رویه مقرر می دارد:

اشخاص مزبور که بیش از یک محل شغل یا فعالیت دارند و یا نوع فعالیت آن ها ایجاد دفتر، شعبه و یا فروشگاه در یک یا چند محل اقتضاء می نماید، مکلفند اظهارنامه مالیات و عوارض ارزش افزوده خود را مطابق ضوابط و مقررات اجرائی و دستورالعمل مربوط، به واحدهای ارزش افزوده اداره کل امور مالیاتی مسئول رسیدگی به پرونده عملکرد تسلیم نمایند.

بدیهی است با توجه به مقررات قانون مالیات بر ارزش افزوده، اداره امور مالیاتی که رسیدگی، مطالبه و وصول مالیات و عوارض را بعهده دارد، مالیات و عوارض وصولی را بر اساس حجم فعالیت هر شعبه حسب مورد به استان، شهرستان و یا شهر ذیربط تخصیص و واریز خواهد کرد.

محمد طاسم پناهی

مرجع پاسخگویی: دفتر نظارت بر امور مالیاتی تلفن: ۰۲۱ - ۸۳۲۷۱۰۶۸ ، ۰۲۱ - ۸۳۲۷۱۰۷۲	دامنه کاربرد: ۱- داخلی: <input type="checkbox"/> ۲- خارجی: <input type="checkbox"/>
--	---

مرجع قائل: دادستانی انتظامی مالیاتی	تاریخ اجراء:	نحوه ابلاغ: فیزیکی
-------------------------------------	--------------	--------------------

رونوشت:
- جناب آقای دکتر حسینی رئیس کل محترم سازمان امور مالیاتی کشور، جهت استحضار
- معاونین محترم سازمان امور مالیاتی کشور، جهت استحضار
- دادستانی انتظامی مالیاتی
- دفتر خدمات مالیاتی، جهت اطلاع
- دفتر ستادی معاونت مالیات بر ارزش افزوده، جهت اطلاع - ترسعه ستاد ستاد



وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

شماره: ۱۹۵۳۳

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۱/۱۴

بخشنامه

۰۷۲	۸۶	تیمبره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده	الف
-----	----	--	-----

	<p>رؤسای محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم امور مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤذیان بزرگ مدیران کل محترم امور مالیاتی استان‌ها</p>
مخاطبین	
موضوع	عوارض الیبتدگی پالایشگاه‌ها و واحدهای پتروشیمی موضوع تیمبره (۱) ماده (۳۸)
<p>به منظور اجرای صحیح مقررات موضوع تیمبره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده در خصوص پالایشگاه‌ها و واحدهای پتروشیمی و با استناد به نظریه شماره ۱۰۶۷۰/۸۶۳۱۷ مورخ ۱۳۸۹/۵/۴ معاونت محترم حقوقی رئیس جمهور، پالایشگاه‌های نفت و واحدهای پتروشیمی، علاوه بر مالیات و عوارض متعلق موضوع این قانون، مشمول پرداخت یک درصد (۱٪) از قیمت فروش به عنوان عوارض الیبتدگی می‌باشند. بدیهی است پرداخت عوارض مذکور توسط آنان نیازی به درج نام آنان در فهرست منابع الیبتدگی هر سال نخواهد داشت. لیکن در صورتی که پالایشگاه‌ها و واحدهای پتروشیمی در طی سال نسبت به رفع الیبتدگی اقدام نمایند، با درخواست واحدهای مزبور و تأیید سازمان حفاظت محیط زیست از شمول عوارض الیبتدگی خارج می‌گردند. در این صورت واحدهای یاد شده از اول دوره مالیاتی بعد از تاریخ اعلام توسط سازمان حفاظت محیط زیست به سازمان امور مالیاتی کشور، مشمول پرداخت عوارض الیبتدگی نخواهند شد.</p> <p>بنابراین در صورتی که از طرف سازمان حفاظت محیط زیست رفع الیبتدگی پالایشگاه‌ها و واحدهای پتروشیمی به این سازمان اعلام گردد، مراتب از طریق این معاونت به ادارات کل امور مالیاتی جهت اقدام لازم ابلاغ خواهد شد.</p>	
 حمید دیانت‌پی	
تاریخ: ۱۳۸۹/۱۱/۱۴	محل امضاء: تهران
محل امضاء: تهران	محل امضاء: تهران
<p>سازمان امور مالیاتی کشور معاونت امور مالیاتی استان تهران معاونت امور مالیاتی استان تهران معاونت امور مالیاتی استان تهران معاونت امور مالیاتی استان تهران</p>	



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

شماره: ۲۸۰۰۴

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۱/۱۲

بخشنامه

الف	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۸۸	۰۷۲
-----	-----------------------------	----	-----

مخاطبین	موضوع
<p>رؤسای محترم امور مالیاتی شهر و استان تهران مدیران کل محترم مالیات بر ارزش افزوده شهر و استان تهران مدیر کل محترم امور مالیاتی مؤدیان بزرگ مدیران کل محترم امور مالیاتی استان‌ها</p>	<p>پاسخ به سؤالات در مورد قانون مالیات بر ارزش افزوده</p>
<p>نظر به سؤالات مطروحه ادارات کل امور مالیاتی و به منظور اتخاذ رویه واحد در فرایند رسیدگی، مطالبه و وصول مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده مقرر می‌دارد:</p> <ol style="list-style-type: none"> ارائه خدمات در ایران برای غیر و در قبال مابه‌ازاء و عرضه کالاها از طریق هر نوع معامله (اعم از عقد بیع، صلح، هبه و ...) به استثنای موارد معاف مصرح در ماده (۱۲) قانون و همچنین واردات آنها با رعایت تریبات قانونی و دستورالعمل‌های صادره مشمول مالیات و عوارض ارزش افزوده می‌باشد. عرضه اموال منقول مستعمل و اسقاطی توسط مؤدیان مشمول اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، نیز مشمول پرداخت مالیات و عوارض می‌باشد. عرضه اموال مذکور توسط مؤدیان غیر مشمول اجرای قانون مشمول پرداخت مالیات و عوارض نمی‌باشد. به استناد مفاد ماده (۱۷) قانون، مالیات و عوارض ارزش افزوده پرداختی مؤدیان مشمول اجرای قانون بابت تحصیل دارایی‌های ثابت (از قبیل احداث ساختمان، خرید ماشین آلات و تجهیزات، وسائط نقلیه، اثاثه و ملزومات اداری) که برای فعالیت‌های اقتصادی خود و به استناد صورتحساب‌های صادره پرداخت می‌نمایند، با رعایت تبصره‌های ذیل ماده مذکور از مالیات و عوارض متعلقه بابت عرضه کالاها و خدمات غیر معاف توسط آنها قابل کسر و یا تهاتر خواهد بود. 	



وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

۴. مؤدیان مالیاتی مشمول اجرای قانون که به عرضه توأم کالاها یا خدمات مشمول و معاف از مالیات و عوارض قانون اشتغال دارند، مکلفند مالیات و عوارض پرداختی بابت تحصیل کالا و خرید خدمت را برای کالاها و خدمات مشمول و معاف به تفکیک تخصیص نمایند و نسبت به آن بخش از باقیمانده مالیات و عوارض ارزش افزوده پرداختی مشترک که امکان تخصیص آن میسر نمی‌باشد، از طریق تسهیم بر مبنای میزان فروش کالا یا درآمد خدمات (مادامی که مبنای معقول و منطقی باشد) اقدام نمایند (مشروط بر اینکه نتیجه تسهیم در یک سال مالی در رابطه با کل درآمد یا فروش کالای معاف و غیر معاف رعایت شده باشد).
- متذکر می‌شود با توجه به تبصره‌های (۲)، (۳) و (۵) ماده (۱۷) قانون، مالیات و عوارض ارزش افزوده پرداختی مربوط به کالاها و خدمات معاف قابل استرداد نمی‌باشد و به عنوان هزینه‌های قابل قبول موضوع قانون مالیات‌های مستقیم محسوب می‌شود.
- شایان ذکر است صرفاً مالیات و عوارض پرداختی مربوط به کالاها یا خدمات مشمول در حساب مالیات مؤدی منظور می‌گردد و قابل کسر از مالیات و عوارض متعلقه خواهد بود.
۵. مفاد بند (۱۱) ماده (۱۲) قانون مبنی بر معافیت خدمات بانکی و اعتباری از پرداخت مالیات و عوارض صرفاً در خصوص بانک‌ها و مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری، صندوق قرض الحسنه مجاز و صندوق تعاون موضوعیت داشته و قابل تسری به ارائه این گونه خدمات توسط سایر اشخاص نخواهد بود.
۶. چنانچه به موجب اسناد و مدارک مثبت اجراء گردد، بخشی از مطالبات بهای فروش کالا و خدمات لاوصول (سوخت شده) باشد، مالیات و عوارض آن بخش از مطالبات سوخت شده در دوره مالیاتی تحقق موضوع، قابل تعدیل و از مالیات و عوارض دوره مزبور قابل کسر خواهد بود.
۷. مالیات و عوارض ارزش افزوده پرداختی توسط مؤدیان مشمول قانون بابت آب، برق، گاز، تلفن (در قالب صورتحساب‌های صادره ارائه‌دهندگان خدمات یاد شده) برای فعالیت‌های اقتصادی خود به عنوان اعتبار مالیاتی قابل کسر از مالیات و عوارض متعلقه کالا و خدمات ارائه شده توسط آن‌ها خواهد بود.



وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

۸. مالیات و عوارض ارزش افزوده پرداختی بابت سیگار و محصولات دخانی، بنزین و سوخت هواپیما موضوع تبصره ماده (۱۶) و بندهای (ب) و (ج) ماده (۳۸) و عوارض ارزش افزوده پرداختی بابت نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره موضوع بند (د) ماده (۳۸) صرفاً در مراحل واردات، تولید و توزیع مجدد آن کالاها توسط واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیع کنندگان آن به عنوان اعتبار مالیاتی محسوب و قابل کسر از کل مالیات و عوارض متعلقه می‌باشد. در خصوص سایر مؤدیان به عنوان اعتبار مالیاتی محسوب نمی‌گردد و مالیات و عوارض ارزش افزوده پرداختی این قبیل مؤدیان بابت موارد مذکور جزء هزینه‌های قابل قبول قانون مالیات‌های مستقیم محسوب می‌شود.
۹. خریداران کالا و خدمات اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، مکلفند صرفنظر از نوع فعالیت آن‌ها به صورت صفتی یا غیر صفتی، دولتی، خصوصی و تعاونی مادامی که کالاها و خدمات غیر معاف را از مؤدیان مشمول اجرای قانون تحصیل می‌نمایند، نسبت به پرداخت مالیات و عوارض متعلقه وفق مقررات موضوعه اقدام نمایند.
۱۰. مالیات تکلیفی موضوع ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم قبل از احتساب مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده قابل اعمال می‌باشد و تکلیف کسر آن بر عهده کارفرما (گیرندگان خدمات) می‌باشد. در حالیکه تکلیف مطالبه و وصول مالیات و عوارض ارزش افزوده از مأخذ کل صورتحساب یا صورت وضعیت قبل از کسر پنج درصد (۵٪) مالیات تکلیفی موضوع ماده (۱۰۴) قانون صدرالذکر بر عهده پیمانکار (ارائه دهندگان خدمات) خواهد بود که از طرف کارفرما باید به پیمانکار پرداخت گردد.
۱۱. فعالیت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی از جمله ارائه خدمات مشمول مالیات و عوارض موضوع این قانون خواهند بود. ارائه دهندگان این خدمات مکلفند مالیات و عوارض متعلقه را به مأخذ مبلغ ناخالص مندرج در صورتحساب محاسبه و از طرف دیگر معامله وصول نمایند. خدمات پیمان مدیریت تأمین نیروی انسانی در شرایطی موضوعیت دارد که کارفرما حقوق و دستمزد نیروی انسانی را به صورت مستقیم و بی‌واسطه تخصیص یا پرداخت و در دفاتر قانونی خود تحت هزینه حقوق و دستمزد ثبت نمایند و لیست بیمه و مالیات حقوق به نام کارفرما به سازمان‌های ذیربط ارائه گردد. بدیهی است در این صورت صرفاً کارمزد ارائه خدمات مدیریتی مشمول مالیات و عوارض خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

۱۲. آن بخش از قراردادهای منعقد شده قبل از اجرای قانون (صرفنظر از تاریخ انعقاد قرارداد و عدم پیش بینی مالیات و عوارض متعلقه) که بعد از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون عملیاتی و اجرایی می‌گردد، مشمول مالیات و عوارض خواهد بود. آن بخش از قراردادها که به موجب اسناد و مدارک مثبت احراز گردد، قبل از تاریخ اجرای قانون عملیاتی و اجرایی گردیده‌اند، صرفنظر از تاریخ صدور صورتحساب یا صورت وضعیت حسب مورد مشمول پرداخت مالیات و عوارض موضوع این قانون نخواهد بود.

۱۳. تاریخ تعلق مالیات و عوارض در مورد ارائه خدمات در قالب فعالیت‌های پیمانکاری نیز تاریخ صورتحساب یا تاریخ ارائه خدمت هر کدام که مقدم باشد، حسب مورد خواهد بود. پیمانکاران مکلفند مالیات و عوارض متعلقه را در تاریخ تعلق شناسایی و در صورتحساب‌های صادره درج و از خریداران (کارفرمایان) مطالبه و وصول نمایند. در صورتیکه مبلغ صورتحساب‌های صادره (صورت وضعیت) توسط کارفرما تعدیل گردد، مالیات و عوارض متعلقه در دوره مالیاتی ثبت تعدیلات در دفاتر پیمانکار (جاری یا دوره آتی حسب مورد) به مأخذ مابه‌التفاوت ایجاد شده قابل تعدیل خواهد بود.

۱۴. با توجه به اینکه فعالیت‌های پیمانکاری جزء خدمات موضوع این قانون می‌باشد و مشمول پرداخت مالیات و عوارض به میزان ۳٪ (۱/۵٪ مالیات و ۱/۵٪ عوارض) شده است. لذا به استناد مواد (۵۰) و (۵۲) قانون وضع هر گونه عوارض به فعالیت‌های مذکور توسط سایر مراجع ممنوع و فاقد وجهت قانونی می‌باشد.

۱۵. چنانچه مؤدیان مشمول ثبت نام و اجرای قانون، مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده را به طور صحیح در صورتحساب درج و از خریداران وصول نموده باشند، مجاز به وصول مالیات‌ها و عوارض دوره‌های قبلی (از تاریخ شمولیت) در قالب صورتحساب یا صورت وضعیت اصلاحی (حسب مورد) خواهند بود. مالیات و عوارض ارزش افزوده پرداختی در قالب صورتحساب‌ها یا صورت وضعیت‌های مذکور با رعایت ترتیبات قانونی و دستورالعمل‌های صادره برای خریدار به عنوان اعتبار دوره پرداخت محسوب می‌گردد.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

۱۶. به استناد مفاد ماده (۱۲) قانون صرفاً عرضه کالاها و ارائه خدمات و همچنین واردات آنها که در (۱۷) بند ماده مذکور به صراحت مشخص گردیده‌اند از پرداخت مالیات و عوارض معاف می‌باشند. این معافیت قابل تسری به نهاده‌ها و عوامل غیر معاف به کارگیری شده (نظیر مواد اولیه کالاهای معاف و خدمات حمل و نقل باری، بیمه‌ای، توزیع و بازاریابی، مهندسی و مشاوره‌ای، سردخانه‌ای و ...) در عرضه کالاها و ارائه خدمات معاف نمی‌باشد.

۱۷. به استناد بند (۸) ماده (۱۲) عرضه اموال غیرمنقول اعم از عین و منفعت از پرداخت مالیات و عوارض معاف می‌باشد. این معافیت قابل تسری به ارائه خدمات هتلداری، انبارداری، غرفه‌های نمایشگاهی و امثالهم و همچنین ارائه خدمات اجاره اموال منقول از قبیل ماشین آلات منصوبه در آنها و تأسیسات شهر بازی‌ها نخواهد بود.

۱۸. درآمد حاصل از خسارت دریافتی از بیمه، تسعیر دارایی‌های ارزی، جوایز و سود سپرده بانکی، سود دریافتی از راق مشارکت، سود حاصل از سرمایه‌گذاری از پرداخت مالیات و عوارض معاف می‌باشد. لیکن مابه‌ازای حاصل از ارائه خدمات کارشناسی، مشاوره‌ای، ارزیابی، توزیع و بازاریابی، بسته بندی، انبارداری، حق توقف کانتینر (دوموراژ)، تخلیه و بارگیری، خسارت و غرامت به کرایه اضافه بار، نمایشگاهی و دستمزد آسیابانی با رعایت ترتیبات قانونی و دستورالعمل‌های صادره مشمول پرداخت مالیات و عوارض متعلقه خواهد بود.

۱۹. صادرات کالاها و خدمات اعم از معاف و غیر معاف به خارج از کشور از طریق مبادی خروجی رسمی مشمول مالیات و عوارض موضوع این قانون نمی‌باشد. مالیات و عوارض پرداخت شده بابت آنها با ارائه برگه خروجی صادره توسط گمرک (در مورد کالا) و اسناد و مدارک مثبت به اداره کل امور مالیاتی ذیربط مسترد می‌گردد.



وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور



معاون مالیات بر ارزش افزوده

۲۰. مأخذ عوارض آلایندگی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۸) قیمت فروش خواهد بود. عوارض مزبور از خریداران قابل دریافت نخواهد بود و به عهده واحد تولیدی آلاینده می‌باشد که مکلفند صرفنظر از نوع فروش (اعم از داخلی و صادراتی) و در قالب دوره‌های مالیاتی و با تسلیم اظهارنامه مالیاتی نسبت به واریز آن به حساب‌های تعیین شده اقدام نمایند.

در پایان خاطر نشان می‌گردد مأموران مالیاتی و هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی مکلف به رعایت و انجام مراتب فوق در گزارش‌های مالیاتی و آراء صادره می‌باشند.

مدیران کل محترم امور مالیاتی ضمن نظارت لازم مسزول حسن اجرای این بخشنامه خواهند بود.

محمد کاظم بناهی

***راهکارهای جلوگیری از جرایم سنگین قانون مالیات بر ارزش افزوده :**

- جهت اجتناب از جریمه موضوع بند یک ماده ۲۲، بمیزان (۷۵ درصد مالیات متعلق)، نسبت به ثبت نام در نظام ارزش افزوده اقدام شود.
- جهت اجتناب از جریمه موضوع بند دو ماده ۲۲، بمیزان (۱۰۰ درصد مالیات متعلق)، نسبت به صدور صورتحساب مطابق نمونه سازمان، جهت کلیه درآمدهای شرکت اعم از درآمدهای حاصل از فعالیت‌های پیمانکاری ، مهندسی مشاور، خدمات ، مدیریت پیمان ، فروش و... اقدام گردد.
- جهت اجتناب از جریمه موضوع بند سه ماده ۲۲، بمیزان (۲۵ درصد مالیات متعلق)، نسبت به درج اطلاعات و مشخصات از قبیل (نام کامل ، شماره ثبت ، شماره ملی ، تلفن ثابت ، کد پستی ، آدرس قانونی ، کد اقتصادی و...) طرفین معامله اعم از (خریدار و فروشنده) ، (کارفرما و پیمانکار) ، (صاحبکار و ارائه دهنده خدمات) اقدام گردد.
- جهت اجتناب از جریمه موضوع بند پنج ماده ۲۲، بمیزان (۵۰ درصد مالیات متعلق) پس از پایان هر فصل، نسبت به ثبت و ارسال اظهار نامه الکترونیکی در نظام مالیات بر ارزش افزوده اقدام گردد.
- در طی سال، گواهینامه ثبت نام در نظام ارزش افزوده دارای اعتبار زمانی باشد.
- جهت اجتناب از جریمه موضوع ماده ۲۳، بمیزان (۲ درصد مالیات متعلق)، نسبت به واریز و ثبت آن در سامانه اقدام گردد.

جرایم مالیات بر ارزش افزوده	
شرح	جرایم مالیاتی
عدم ثبت نام مودیان در مهلت مقرر	۷۵٪ مالیات و عوارض متعلق تا تاریخ ثبت نام
عدم صدور صورتحساب	۱۰۰٪ مالیات و عوارض متعلق
عدم درج صحیح قیمت در صورتحساب	۱۰۰٪ ما به التفاوت مالیات و عوارض متعلق
عدم درج و تکمیل اطلاعات صورتحساب	۲۵٪ مالیات و عوارض متعلق
عدم تسلیم اظهارنامه از تاریخ ثبت نام یا شناسایی به بعد	۵۰٪ مالیات و عوارض متعلق
عدم ارائه دفاتر یا اسناد و مدارک حسب مورد	۲۵٪ مالیات و عوارض متعلق
تاخیر در پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون در موعد مقرر	۲٪ در ماه نسبت به مالیات و عوارض پرداخت نشده
خسارت تاخیر مبالغ اضافه دریافتی مالیات از مودیان در صورتیکه ظرف ۳ ماه از تاریخ درخواست مودی مسترد نگردد	۲٪ در ماه نسبت به مبلغ مورد استرداد

(۸) قانون مالیات‌های مستقیم

ماده ۱- اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات می‌باشند:

- ۱- کلیه مالکین اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اموال یا املاک خود واقع در ایران طبق مقررات باب دوم.
- ۲- هر شخص حقیقی ایرانی مقیم ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌نماید.
- ۳- هر شخص حقیقی ایرانی مقیم خارج از ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران تحصیل می‌کند.
- ۴- هر شخص حقوقی ایرانی نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌نماید.
- ۵- هر شخص غیر ایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی) نسبت به درآمدهایی که در ایران تحصیل می‌کند و همچنین نسبت به درآمدهایی که بابت واگذاری امتیازات یا سایر حقوق خود و یا دادن تعلیمات و کمک‌های فنی و یا واگذاری فیلم‌های سینمایی (که به عنوان بها یا حق نمایش یا هر عنوان دیگر عاید آن‌ها می‌گردد) از ایران تحصیل می‌کند.

ماده ۲- اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون نیستند:

- ۱- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی
 - ۲- دستگاه‌هایی که بودجه آن‌ها به وسیله دولت تأمین می‌شود.
 - ۳- شهرداری‌ها
- تبصره ۱- شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن‌ها متعلق به اشخاص و مؤسسه‌های مذکور در بندهای فوق باشد، سهم درآمد یا سود آن‌ها مشمول حکم این ماده نخواهد بود. حکم این تبصره مانع استفاده شرکت‌های مزبور از فعالیت‌های مقرر در این قانون، حسب مورد، نیست.

تبصره ۲- درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی از قبیل فعالیت‌های صنعتی، معدنی، تجاری، خدماتی و سایر فعالیت‌های تولیدی برای اشخاص موضوع این ماده، که به نحوی غیر از طریق شرکت نیز تحصیل می‌شود، در هر مورد به طور جداگانه به نرخ مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مالیات خواهد بود. مسئولان اداره امور در این گونه موارد نسبت به سهم فعالیت مذکور مکلف به انجام دادن تکالیف مزبور طبق مقررات این قانون خواهند بود. در غیر این صورت نسبت به پرداخت مالیات متعلق با مؤدی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

تبصره ۳- معافیت مالیاتی این ماده برای مواردی که از طرف حضرت امام خمینی (ره) یا مقام معظم رهبری دارای مجوز می‌باشند براساس نظر مقام معظم رهبری است.

مالیات بر ارث:

ماده ۱۷- هر گاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت واقعی یا فرضی اموالی از متوفی باقی بماند به شرح زیر مشمول مالیات است:

۱- در صورتی که متوفی یا وارث یا هر دو ایرانی مقیم ایران باشند نسبت به سهم الارث هر یک از وراثت از اموال مشمول مالیات بر ارث موضوع ماده ۱۹ این قانون واقع در ایران یا در خارج از ایران پس از کسر مالیات بر ارثی که بابت آن قسمت از اموال واقع در خارج از ایران به دولت محلی که مال در آن واقع گردیده پرداخت شده است به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون.

۲- در صورتی که متوفی و وارث هر دو ایرانی مقیم خارج از ایران باشند سهم الارث هر یک از وراثت از اموال و حقوق مالی متوفی که در ایران موجود است به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون و نسبت به آن قسمت که در خارج از ایران وجود دارد پس از کسر مالیات بر ارثی که از آن بابت به دولت محل وقوع مال پرداخت شده است به نرخ بیست و پنج درصد.

۳- در مورد اتباع خارجی و سایر موارد نسبت به آن قسمت از اموال و حقوق مالی متوفی که در ایران موجود است کلاً مشمول مالیات به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون برای وراثت طبقه دوم.

ماده ۱۸- وراثت از نظر این قانون به سه طبقه تقسیم می‌شوند:

۱- وراثت طبقه اول که عبارت‌اند از: پدر، مادر، زن، شوهر، اولاد و اولاد اولاد

۲- وراثت طبقه دوم که عبارت‌اند از: اجداد، برادر، خواهر و اولاد آنها

۳- وراثت طبقه سوم که عبارت‌اند از: عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آنها

ماده ۱۹- اموال مشمول مالیات بر ارث عبارت است از: کلیه ماترک متوفی واقع در ایران و یا خارج از ایران اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی.

ماده ۲۰- نرخ مالیات بر ارث نسبت به سهم الارث به شرح زیر است:

شرح	طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم
تا مبلغ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۵٪	۱۵٪	۳۵٪
تا مبلغ ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۱۵٪	۲۵٪	۴۵٪
تا مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۲۵٪	۳۵٪	۵۵٪
نسبت به مازاد ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۳۵٪	۴۵٪	۶۵٪

- از سهم الارث هر یک از وراثت طبقه اول مبلغ سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به عنوان معافیت کسر و مازاد به نرخ‌های مذکور مشمول مالیات می‌باشد. معافیت مذکور برای هر یک از وراثت طبقه اول که کمتر از بیست سال سن داشته یا محجور یا معلول و یا از کار افتاده باشند مبلغ پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

ماده ۲۴- اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است:

۱- وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس انداز خدمت و مزایای پایان خدمت، مطالبات مربوط به خسارت اخراج، بازخرید خدمت و مرخصی استحقاقی استفاده نشده و بیمه‌های اجتماعی و نیز وجوه پرداختی توسط مؤسسات بیمه یا بیمه گزار و یا کارفرما از قبیل بیمه عمر، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آن‌ها حسب مورد که یک جا و یا به طور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می‌گردد.

۲- اموال منقول متعلق به مشمولین بند ۴ ماده ۳۹ قرارداد وین مورخ فروردین ۱۳۴۰ و ماده (۵۱) قرارداد وین مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ و بند (۴) ماده (۳۸) قرارداد وین مورخ اسفند ماه ۱۳۵۳ با رعایت شرایط مقرر در قرارداد مزبور با شرط معامله متقابل.

۳- اموالی که برای سازمان‌ها و مؤسسه‌های مذکور در ماده (۲) این قانون مورد وقف یا نذر یا حبس واقع گردد به شرط تأیید سازمان‌ها و مؤسسه‌های مذکور.

۴- هشتاد درصد اوراق مشارکت و سپرده‌های متوفی نزد بانک‌های ایرانی و شعب آن‌ها در خارج از کشور و مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی مجاز، همچنین پنجاه درصد ارزش سهام متوفی در شرکت‌هایی که سهام آن‌ها طبق قانون مزبور در بورس پذیرفته شده باشد و چهل درصد ارزش سهام شرکت‌ها و نیز چهل درصد ارزش خالص دارایی متوفی در واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی و کشاورزی.

ماده ۲۶- وراث (منفرداً یا مجتمعاً) یا ولی یا امین یا قیم یا نماینده قانونی آن‌ها مکلف‌اند ظرف شش ماه از تاریخ فوت متوفی اظهارنامه ای روی نمونه مخصوصی که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌شود حاوی کلیه اقلام ما ترک با تعیین بهای زمان فوت و تصریح مطالبات و بدهی‌هایی که طبق مقررات این فصل قابل احتساب هستند به ضمیمه مدارک زیر به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار تسلیم و رسید دریافت دارند.

- رونوشت یا تصویر گواهی شده اسناد مربوط به بدهی و مطالبات متوفی.
- رونوشت یا تصویر گواهی شده کلیه اوراقی که مثبت حق مالکیت متوفی نسبت به اموال و حقوق مالی است.
- در صورتی که اظهارنامه از طرف وکیل یا قیم یا ولی داده شود رونوشت یا تصویر گواهی شده وکالت نامه یا قیم نامه.
- رونوشت یا تصویر گواهی شده آخرین وصیت نامه متوفی اگر وصیت نامه موجود باشد.

تبصره - تسلیم اظهارنامه با مشخصات مذکور از طرف یکی از وراث، سلب تکلیف سایر ورثه می‌گردد.

ماده ۲۷- اداره امور مالیاتی صلاحیت دار در مورد ارث، اداره امور مالیاتی است که آخرین اقامتگاه قانونی متوفی در محدوده آن واقع بوده است و اگر متوفی در ایران مقیم نبوده، اداره امور مالیاتی مربوط در تهران خواهد بود. (اقامت از نظر این قانون تابع تعاریف مقرر در قانون مدنی می‌باشد).

ماده ۲۸- مشمولین مالیات بر ارث مکلف‌اند مالیات متعلق را بر اساس اظهارنامه تا سه ماه پس از انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه به رسم علی الحساب پرداخت و رسید دریافت دارند.

ماده ۳۰- اداره امور مالیاتی مربوط مکلف است اظهارنامه مؤدیان را طبق مقررات این فصل رسیدگی و ارزش اموال را تشخیص و به شرح زیر عمل کند:

الف - در صورتی که جمع ارزش اموال مشمول مالیات اظهار شده در اظهارنامه با ارزش تعیین شده همان اموال توسط اداره امور مالیاتی بیش از ۱۵ درصد اختلاف نداشته باشد، اظهارنامه را قطعی تلقی و مراتب را ظرف شش ماه به مؤدی ابلاغ نماید.

ب - در صورتی که اختلاف بیش از ۱۵ درصد باشد و همچنین در مواردی که وراثت یا نماینده قانونی آن‌ها و سایر کسانی که طبق مقررات این قانون مکلف به دادن اظهارنامه هستند از تسلیم اظهارنامه خودداری کنند یا در اظهارنامه قسمتی از اموال را ذکر ننمایند مالیات متعلق را بر طبق مقررات این قانون تشخیص و به مؤدی ابلاغ کند.

تبصره - هرگاه وراثت ظرف یک ماه از تاریخ اخطار کتبی ممیز مالیاتی از ارایه اموال به منظور ارزیابی خودداری نمایند ممیز مالیاتی نسبت به تعیین بهای اموال راساً اقدام خواهد نمود.

ماده ۳۲- مأخذ ارزیابی املاک اعم از عرصه یا اعیان، ارزش معاملاتی ملک با رعایت تبصره (۱) ماده (۵۹) این قانون در زمان فوت بوده و مأخذ ارزیابی سایر اموال و حقوق مالی متوفی، ارزش آن‌ها در تاریخ فوت خواهد بود.

تبصره ۱ - اثاث البیت محل سکونت از نظر مالیاتی جزو ماترک متوفی محسوب نخواهد شد.

تبصره ۴ - حقوق ناشی از عقود اجاره به شرط تملیک با بانک‌ها نسبت به عرصه و اعیان املاک براساس ارزش معاملاتی حین الفوت متوفی محاسبه خواهد شد.

ماده ۳۶- بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاصی که وجوه نقد یا سفته یا جواهر یا سهام یا سهم الشرکه و یا هر نوع مال دیگر از متوفی نزد خود دارند مجاز نخواهند بود آن را به وارث یا وصی حسب مورد تسلیم و یا به نام آنان ثبت نمایند مگر این که گواهی نامه موضوع قسمت اخیر ماده ۳۵ این قانون ارایه گردد.

ماده ۳۸- اموالی که به موجب وقف یا حبس یا نذر یا وصیت منتقل می‌شود، در صورتی که از موارد معافیت مذکور در بند ۳ ماده ۲۴ این قانون نباشند و یا مشمول مقررات فصل مالیات بردرآمد اتفاقی نگردد، به شرح زیر مشمول مالیات است:

الف - در مورد وقف و حبس، منافع مال هر سال مشمول مالیات به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود.

ب - در نذر و وصیت چنانچه منافع مورد نذر و وصیت باشد، به شرح بند الف فوق و در صورتی که عین مال مورد نذر و وصیت باشد، ارزش مال طبق مقررات این فصل تعیین و یک جا به نرخ مقرر برای وراثت طبقه دوم مشمول مالیات خواهد بود.

تبصره ۱ - مال مورد وصیت وقتی مشمول مالیات خواهد بود که وصیت با فوت موصی قطعی شده باشد.

تبصره ۲ - اداره امور مالیاتی صلاحیتدار در مورد وقف و حبس و نذر و وصیت اداره امور مالیاتی است که محل اقامت متولی یا حبس و نذرکننده یا موصی در محدوده آن واقع است و در صورتی که افراد مذکور مقیم ایران نباشند اداره امور مالیاتی مربوط در تهران خواهد بود.

تبصره ۳ - دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت اسناد و محاکم دادگستری و سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و اداره سرپرستی صغار و محجورین و همچنین بانک‌ها و سایر مؤسسات مجاز نخواهند بود به مفاد وصیت نامه ای ترتیب اثر دهند مگر این که گواهینامه اداره امور مالیاتی مبنی بر اینکه وصیت نامه مذکور از طرف وصی یا وراث به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار تسلیم شده است، ارایه گردد.

ماده ۴۰ - در صورتی که مشمولان مالیات این فصل قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از مالیات خود نباشد سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند با اخذ تضمین معتبر قرار تقسیط آن را تا مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن مالیات متعلق بدهد و در صورتی که دادن تضمین تقسیط برای وراث مقدور نباشد می‌تواند طبق ماده ۴۱ این قانون عمل کند.

ماده ۴۲ - در صورتی که جز ماترک متوفی کارخانه یا کارگاه تولیدی یا واحدهای کشاورزی باشد و ارزش سایر اموال متوفی تکافوی مالیات بر ارث متعلق به ماترک را نکند، پس از وصول مالیات از محل سایر اموال نسبت به مازاد مالیات و همچنین در مواردی که ماترک منحصر به کارخانه یا کارگاه تولیدی یا واحدهای کشاورزی باشد سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است در صورت تقاضای وراث با تقسیط مالیات در مدت مناسبی موافقت نماید.

ماده ۴۳ - در صورتی که بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاصی که مالی از متوفی نزد خود دارند از اجرای مواد ۳۴ و ۳۶ این قانون تخلف نمایند، علاوه بر این که تا معادل ارزش مالی که نزد آن‌ها بوده، با وراث نسبت به پرداخت مالیات و جرائم متعلق مسئولیت تضامنی دارند، مشمول جریمه ای معادل پنج درصد قیمت مال نیز خواهند بود، در مورد بانک‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات دولتی، متخلف و شرکاء و معاونان وی در تخلف نیز مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

حق تمبر:

ماده ۴۴ - از هر برگ چک که از طرف بانک‌ها چاپ می‌شود در موقع چاپ دویست ریال حق تمبر اخذ می‌شود.

ماده ۴۵ - از اوراق مشروحه زیر نسبت به مبلغ آن‌ها معادل سه در هزار حق تمبر اخذ می‌شود: برات، فته طلب (سفته) و نظایر آن‌ها. تبصره - حق تمبر مقرر در این ماده بابت کمتر از هزار ریال معادل حق تمبر هزار ریال خواهد بود.

ماده ۴۶ - از کلیه اسناد تجاری قابل انتقال که در ایران صادر و یا معامله و مورد استفاده قرار داده می‌شود (به استثنای اوراق مذکور در مواد ۴۵ و ۴۸ این قانون) و اسناد کاشف از حقوق مالکیت نسبت به مال التجاره از قبیل بارنامه هوایی و دریائی و همچنین اوراق بیمه مال التجاره پنج هزار (۵۰۰۰) ریال و بارنامه زمینی و صورت وضعیت مسافری یک هزار ریال (۱۰۰۰) حق تمبر دریافت خواهد

شد. مؤسسه‌های حمل و نقل مسئول تنظیم دقیق برنامه هستند و باید هویت و نشانی صحیح صاحب کالا و سایر اطلاعات مربوط را در آن درج نمایند و نسخ کافی اوراق مذکور را حداقل تا پنج سال از تاریخ صدور نگاهداری کنند.

تبصره - از اوراق و مدارک زیر به شرح مقرر در این تبصره حق تمبر اخذ می‌شود:

۱ - از کارت معافیت هر یک از مشمولان که به انحصار مختلف از انجام دادن خدمت وظیفه معاف می‌شوند، بابت صدور کارت معافیت مذکور، مبلغ ده هزار ریال

۲ - از هر گونه گواهینامه رانندگی بین المللی مبلغ پنجاه هزار ریال

۳ - از هر پلاک ترانزیت انواع خودرو و همچنین از شماره گذاری هر وسیله نقلیه که به صورت موقت وارد کشور می‌شود مبلغ دوست هزار ریال

۴ - از گواهینامه رانندگی انواع خودرو به ازای هر سال به مدت اعتبار مبلغ یک هزار ریال

۵ - از کارنامه و گواهینامه دانش آموزان دوره ابتدائی، راهنمائی و متوسطه مبلغ یک هزار ریال

۶ - از دانشنامه و گواهی دانشنامه کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا و بالاتر مبلغ ده هزار ریال

۷ - از گواهی ارزش تحصیلی دوره‌های ابتدائی، راهنمائی و متوسطه خارجی مبلغ بیست هزار ریال

۸ - از گواهی ارزش تحصیلی دوره‌های فنی و حرفه ای و دانشگاهی خارجی مبلغ پنجاه هزار ریال

۹ - از پروانه مامائی یا مدرک تحصیلی دوره کاردانی و دندانپزشکی تجربی مبلغ بیست هزار ریال

۱۰ - از پروانه مشاغل پزشکی، دندانپزشکی، پیراپزشکی، دامپزشکی و داروسازی مبلغ یکصد هزار ریال

۱۱ - از جواز تاسیس، کارت شناسائی واحدهای تولیدی و معدنی، کارت بازرگانی، پروانه وکالت و کارشناسی و سایر پروانه‌های کسب و کار، بابت صدور مبلغ یکصد هزار ریال و بابت تجدید آن‌ها مبلغ پنجاه هزار ریال

ماده ۴۷- از کلیه قراردادها و اسناد مشابه آن‌ها به شرح زیر که بین بانک‌ها و مشتریان آن‌ها مبادله یا از طرف مشتریان تعهد می‌شود، در صورتی که در دفاتر اسناد رسمی ثبت نشود، معادل ده هزار ریال حق تمیر اخذ می‌شود:

۱ - برگ قبول شرایط عمومی حساب جاری

۲ - قرارداد وام یا اعطای تسهیلات از هر نوع که باشد و نیز اوراق و فرم های تعهد آوری که بانک‌ها به نام‌های مختلف در موقع انجام معاملات به امضای مشتریان خود می‌رساند.

۳ - قراردادهای انواع سپرده‌های سرمایه گذاری

- ۴- وکالت نامه‌های بانکی که در دفتر بانک تنظیم می‌شود و مشتریان حق امضای خود را به دیگری واگذار می‌نمایند.
- ۵- قراردادهای دیگری که بین بانک‌ها و مشتریان منعقد می‌شود و طرفین تعهدات و مسئولیت‌هایی را به عهده می‌گیرند و به امور مذکور در این ماده مرتبط می‌شود.
- ۶- ضمانت نامه‌های صادره از طرف بانک‌ها
- ۷- تقاضای صدور ضمانت نامه در صورتی که تقاضا از طرف بانک قبول شده و ضمانت نامه صادر گردد.
- ۸- تقاضای گشایش اعتبار اسنادی برای داخله ایران یا برای کشورهای خارج در صورتی که تقاضا از طرف بانک قبول شده و اعتبار اسنادی گشایش یابد.
- ماده ۴۸- سهام و سهم‌الشرکه کلیه شرکت‌های ایرانی موضوع قانون تجارت به استثنای شرکت‌های تعاونی براساس ارزش اسمی سهام یا سهم‌الشرکه به قرار دو در هزار مضمون حق تمبر خواهد بود. کسور صد ریال هم صد ریال محسوب می‌شود.
- تبصره - حق تمبر سهام و سهم‌الشرکه شرکت‌ها باید ظرف دو ماه از تاریخ ثبت قانونی شرکت و در مورد افزایش سرمایه و سهام اضافی از تاریخ ثبت افزایش سرمایه در اداره ثبت شرکت‌ها از طریق ابطال تمبر پرداخت می‌شود. افزایش سرمایه در مورد شرکت‌هایی که قبلاً سرمایه خود را کاهش داده‌اند تا میزانی که حق تمبر آن پرداخت شده است مضمون حق تمبر مجدد نخواهد بود.
- ماده ۵۱- در صورت تخلف از مقررات این فصل، متخلف علاوه بر اصل حق تمبر، معادل دو برابر آن جریمه خواهد شد.

مالیات بردرآمد املاک:

- ماده ۵۲- درآمد شخص حقیقی یا حقوقی ناشی از واگذاری حقوق خود نسبت به املاک واقع در ایران پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون مشمول مالیات بردرآمد املاک می‌باشد.
- ماده ۵۳- درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره واگذار می‌گردد عبارت است از:
- کل مال الاجاره، اعم از نقدی و غیرنقدی، پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه‌ها و استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره. درآمد مشمول مالیات در مورد اجاره دست اول املاک مورد وقف یا حبس براساس این ماده محاسبه خواهد شد. در رهن تصرف، راهن طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود. هرگاه موجر مالک نباشد، درآمد مشمول مالیات وی عبارت است از: ما به التفاوت اجاره دریافتی و پرداختی بابت ملک مورد اجاره.
- حکم این ماده در مورد خانه‌های سازمانی متعلق به اشخاص حقوقی در صورتی که مالیات آن‌ها طبق دفاتر قانونی تشخیص شود جاری نخواهد بود.

تبصره ۱ - محل سکونت پدر یا مادر یا همسر یا فرزند یا اجداد و همچنین محل سکونت افراد تحت تکفل مالک اجاری تلقی نمی‌شود مگر این که به موجب اسناد و مدارک ثابت گردد که اجاره پرداخت می‌شود. در صورتی که چند واحد مسکونی محل سکونت مالک و یا افراد مزبور باشد یک واحد برای سکونت مالک و یک واحد مسکونی جمعاً برای هر یک افراد مذکور به انتخاب مالک از شمول مالیات این بخش خارج خواهد بود.

تبصره ۲ - املاکی که مجاناً در اختیار سازمان‌ها و مؤسسات موضوع ماده ۲ این قانون قرار می‌گیرد غیر اجاری تلقی می‌شود.

تبصره ۳ - از نظر مالیات بر درآمد اجاره املاک، هر واحد آپارتمان یک مستغل محسوب می‌شود.

تبصره ۴ - در مورد املاکی که با اثاثه یا ماشین آلات به اجاره واگذار می‌شود درآمد ناشی از

اجاره اثاثه و ماشین آلات نیز جز درآمد ملک محسوب و مشمول مالیات این فصل می‌شود.

تبصره ۵ - مستحدثاتی که طبق قرارداد از طرف مستاجر در عین مستاجر به نفع موجر ایجاد می‌شود بر اساس ارزش معاملاتی روز تحویل مستحدثه به موجر تقویم و پنجاه درصد آن جز درآمد مشمول مالیات اجاره سال تحویل محسوب می‌گردد.

تبصره ۶ - هزینه‌هایی که به موجب قانون یا قرارداد به عهده مالک است و از طرف مستاجر انجام می‌شود و همچنین مخارجی که به موجب قرارداد انجام آن از طرف مستاجر تقبل شده در صورتی که عرفاً به عهده مالک باشد بهای روز انجام هزینه تقویم و به عنوان مال الاجاره غیر نقدی به جمع اجاره بهای سال انجام هزینه اضافه می‌شود.

تبصره ۷ - در صورتی که مالک اعیان احداث شده در عرصه استیجاری ملک را کلاً یا جزئاً به اجاره واگذار نماید مبلغ اجاره پرداختی بابت عرصه به نسبت مورد اجاره از مال الاجاره دریافتی کسرو و مازاد طبق مقررات صدر این ماده مشمول مالیات خواهد بود.

تبصره ۸ - در صورتی که مالک محل سکونت خود را بفروشد و در سند انتقال بدون اجاره بها مهلتی برای تخلیه ملک داده شود در مدتی که محل سکونت انتقال دهنده می‌باشد تا شش ماه و در بیع شرط مادام که طبق شرایط معامله مبیع در اختیار بایع شرطی است اجاری تلقی نمی‌شود مگر این که به موجب اسناد و مدارک ثابت گردد که اجاره پرداخت می‌شود.

تبصره ۹ - وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و دستگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از بودجه آن‌ها بوسیله دولت تامین می‌شود، نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها و همچنین سایر اشخاص حقوقی مکلف‌اند مالیات موضوع این فصل را از مال الاجاره‌هایی که پرداخت می‌کنند کسرو و ظرف ده روز به اداره امور مالیاتی محل موقع ملک پرداخت و رسید آنرا به موجر تسلیم نمایند.

تبصره ۱۰ - واحدهای مسکونی متعلق به شرکت‌های سازنده مسکن که قبل از انتقال قطعی و طبق اسناد و مدارک مثبت به موجب قرارداد واگذار می‌گردد مادام که در تصرف خریدار می‌باشد، در مدت مذکور اجاری تلقی نمی‌شود و از لحاظ مالیاتی با خریدار

مانند مالک رفتار خواهد شد. مشروط بر اینکه مالیات نقل و انتقال قطعی موضوع ماده (۵۹) این قانون به مأخذ تاریخ تصرف پرداخت شده باشد.

تبصره ۱۱- مالکان مجتمع‌های مسکونی دارای بیش از سه واحد استیجاری که با رعایت الگوی مصرف مسکن بنا به اعلام وزارت مسکن و شهرسازی ساخته شده یا می‌شوند در طول مدت اجاره از صد در صد (۱۰۰٪) مالیات بر درآمد املاک اجاری معاف می‌باشد در غیر این صورت درآمد هر شخص ناشی از اجاره واحد یا واحدهای مسکونی در تهران تا مجموع یکصد و پنجاه متر مربع زیر بنای مفید و در سایر نقاط تا مجموع دویست متر مربع زیر بنای مفید از مالیات بر درآمد ناشی از اجاره املاک معاف می‌باشد.

ماده ۵۴- مال الاجاره از روی سند رسمی تعیین می‌شود و در صورتی که اجاره نامه رسمی وجود نداشته باشد یا از تسلیم سند یا رونوشت آن خودداری گردد و یا موجر علاوه بر اجاره بها وجهی به عنوان ودیعه یا هر عنوان دیگر از مستأجر دریافت نموده باشد، میزان اجاره بها براساس املاک مشابه تعیین خواهد شد. چنانچه بعداً اسناد و مدارک مثبت به دست آید که معلوم شود اجاره ملک بیش از مبلغی است که مأخذ تشخیص درآمد مشمول مالیات قرار گرفته، مالیات مابه التفاوت طبق مقررات این قانون قابل مطالبه خواهد بود.

تبصره ۱- ارزش اجاری مستغلات در مواردی که باید براساس اجاره بهای املاک مشابه تقویم گردد به وسیله اداره امور مالیاتی که ملک در محدوده آن واقع است تعیین خواهد شد.

تبصره ۲- از ابتدای سال ۱۳۸۲، مأخذ محاسبه درآمد مشمول مالیات اجاره املاک، ارزش اجاری خواهد بود که توسط کمیسیون تقویم املاک موضوع ماده (۶۴) این قانون برای محدوده شهرها و روستاها و بر اساس هر متر مربع تعیین خواهد شد.

ماده ۵۵- هرگاه مالک خانه یا آپارتمان مسکونی، آن را به اجاره واگذار نماید و خود محل دیگری برای سکونت خویش اجاره نماید یا از خانه سازمانی که کارفرما در اختیار او می‌گذارد استفاده کند در احتساب درآمد مشمول مالیات این فصل میزان مال الاجاره ای که به موجب سند رسمی یا قرارداد می‌پردازد یا توسط کارفرما از حقوق وی کسر و یا برای محاسبه‌ی مالیات حقوق تقویم می‌گردد از کل مال الاجاره‌ی دریافتی او کسر خواهد شد.

ماده ۵۷- در مورد شخص حقیقی که هیچگونه درآمدی ندارد تا میزان معافیت مالیاتی درآمد حقوق موضوع ماده (۸۴) این قانون از درآمد مشمول مالیات سالانه مستغلات از مالیات معاف و مازاد طبق مقررات این فصل مشمول مالیات می‌باشد. مشمولان این ماده باید اظهارنامه‌ی مخصوصی طبق نمونه‌های که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک تسلیم و اعلام نمایند که هیچ گونه درآمد دیگری ندارد. اداره امور مالیاتی مربوط باید خلاصه‌ی مندرجات اظهارنامه مؤدی را به اداره امور مالیاتی محل سکونت مؤدی ارسال دارد و در صورتی که ثابت شود اظهارنامه مؤدی خلاف واقع است مالیات متعلق به اضافه یک برابر آن به عنوان جریمه وصول خواهد شد. در اجرای حکم این ماده حقوق بازنشستگی و وظیفه دریافتی و جوایز و سود ناشی از سپرده‌های بانکی درآمد تلقی نخواهد شد.

تبصره ۱- حکم این ماده در مورد فرزندان صغیری که تحت ولایت پدر باشند جاری نخواهد بود.

تبصره ۲- در صورتی که سایر درآمدهای مشمول مالیات ماهانه مؤدی کمتر از مبلغ مذکور در این ماده باشد آن مقدار از درآمد مشمول مالیات اجاره املاک که با سایر درآمدهای مؤدی بالغ بر مبلغ فوق باشد معاف و مازاد طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود.

تبصره ۳- مؤدیان موضوع این فصل در صورتی که فرزند معلول یا عقب مانده ای که قادر به کار نباشد در تکفل خود داشته باشند علاوه بر سایر معافیت‌های مذکور در این فصل که حسب مورد از آن استفاده خواهند نمود ماهانه تا ده هزار ریال از درآمد مشمول مالیات اجاره املاک آن‌ها به ازای هر یک از پرداخت مالیات معاف می‌شود.

ماده ۵۹- نقل و انتقال قطعی املاک به مأخذ ارزش معاملاتی و به نرخ پنج درصد (۵٪) و همچنین انتقال حق واگذاری محل به مأخذ وجوه دریافتی مالک یا صاحب حق و به نرخ دو درصد (۲٪) در تاریخ انتقال از طرف مالکان عین یا صاحبان حق مشمول مالیات می‌باشد.

تبصره ۱- چنانچه برای مورد معامله ارزش معاملاتی تعیین نشده باشد، ارزش معاملاتی نزدیک‌ترین محل مشابه مبنای محاسبه مالیات خواهد بود.

تبصره ۲- حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از حق کسب یا پیشه یا حق تصرف محل یا حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل.

ماده ۶۱- در مواردی که انتقال ملک در دفاتر اسناد رسمی انجام نمی‌شود نیز ارزش معاملاتی ملک طبق مقررات این فصل در محاسبه‌ی مالیات ملاک عمل خواهد بود و به طور کلی برای املاکی که ارزش معاملاتی آن‌ها تعیین نشده ارزش معاملاتی نزدیک‌ترین محل مشابه مناط اعتبار می‌باشد.

ماده ۶۳- نقل و انتقال قطعی املاکی که به صورتی غیر از عقد بیع انجام می‌شود به استثنای نقل و انتقال بلاعوض که طبق مقررات مربوط مشمول مالیات است مشمول مالیات نقل و انتقال قطعی املاک برابر مقررات این فصل خواهد بود و چنانچه عوضین، هر دو ملک باشند هر یک از متعاملین به ترتیب فوق مالیات نقل و انتقال قطعی مربوط به ملک واگذاری خود را پرداخت خواهند نمود.

ماده ۶۴- تعیین ارزش معاملاتی املاک به عهده‌ی کمیسیون تقویم املاک، متشکل از هفت عضو می‌باشد که در تهران از نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور و وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و نماینده‌ی سازمان ثبت اسناد و املاک و سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک به معرفی شورای شهر و در شهرستان‌ها از مدیران کل یا رؤسای ادارات امور مالیاتی، مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و ثبت اسناد و املاک به ترتیب در مراکز استان‌ها یا شهرستان‌ها حسب مورد و یا نمایندگان آن‌ها و سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک به معرفی شورای شهر تشکیل و هر سال یک بار نسبت به تعیین ارزش معاملاتی املاک اقدام خواهد نمود.

تبصره ۱ - سازمان امور مالیاتی کشور یا ادارات تابعه سازمان مزبور می‌توانند قبل از اتمام دوره یک ساله کمیسیون تقویم املاک را در موارد زیر تشکیل دهند:

۱ - برای تعیین ارزش معاملاتی نقاطی که فاقد ارزش معاملاتی است.

۲ - برای تعدیل ارزش معاملاتی تعیین شده نقاطی که حسب تشخیص وزارت امور اقتصادی و دارایی با مقایسه با نقاط مشابه هماهنگی ندارد.

۳ - برای تعدیل ارزش معاملاتی تعیین شده نقاطی که حسب تشخیص وزارت امور اقتصادی و دارایی با توجه به عوامل ذکر شده در این ماده تغییرات عمده در ارزش تعیین شده به وجود آمده باشد. ارزش معاملاتی تعیین شده حسب این تبصره پس از یک ماه از تاریخ تصویب نهایی کمیسیون تقویم املاک لازم الاجرا بوده و تا تعیین ارزش معاملاتی جدید معتبر خواهد بود.

تبصره ۲ - مادامی که ارزش معاملاتی املاک طبق مقررات این قانون تعیین نشده است آخرین ارزش معاملاتی تعیین شده معتبر است.

ماده ۶۵ - نقل و انتقال قطعی املاک که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات اراضی به عمل آمده و یا خواهد آمد و واحدهای مسکونی از طرف شرکت‌های تعاونی مسکن به اعضای آن‌ها مشمول مالیات موضوع این فصل نخواهد بود.

ماده ۶۶ - در صورتی که انتقال گیرنده دولت یا شهرداری‌ها یا مؤسسات وابسته به آن‌ها بوده و همچنین در مواردی که ملک به وسیله‌ی اجرای ثبت و سایر ادارات دولتی به قائم مقامی مالک انتقال داده می‌شود چنانچه بهای مذکور در سند کمتر از ارزش معاملاتی باشد در محاسبه مالیات موضوع ماده (۵۹) این قانون بهای مذکور در سند به جای ارزش معاملاتی هنگام انتقال حسب مورد ملاک عمل قرار خواهد گرفت.

ماده ۶۷ - فسخ معاملات قطعی املاک بر اساس حکم مراجع قضایی به طور کلی و اقاله یا فسخ معاملات قطعی املاک در سایر موارد تا شش ماه بعد از انجام معامله به عنوان معامله جدید مشمول مالیات موضوع این فصل نخواهد بود.

ماده ۶۸ - املاکی که در اجرای ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب مرداد ماه ۱۳۲۰ و اصلاحات بعدی آن به دولت تملیک می‌شود از پرداخت مالیات نقل و انتقال قطعی معاف است.

ماده ۶۹ - اولین انتقال قطعی واحدهای مسکونی ارزان و متوسط قیمت که ظرف مدت ده سال از تاریخ تصویب این قانون مطابق ضوابط و قیمت‌هایی که وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌نمایند احداث و حداکثر در مدت یک سال از تاریخ انقضای مهلت اجرای برنامه احداث که حسب مورد توسط وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری محل تعیین می‌شود منتقل می‌گردد از پرداخت مالیات بر نقل و انتقال قطعی املاک معاف می‌باشد.

ماده ۷۰ - هرگونه مال یا جوهری که از طرف وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها بابت عین یا حقوق راجع به املاک و اراضی برای ایجاد و یا توسعه مناطق نظامی یا مرافق عامه از قبیل توسعه یا احداث جاده، راه آهن، خیابان، معابر،

لوله کشی آب و نفت و گاز، حفر نهر و نظایر آن‌ها به مالک یا صاحب حق تعلق می‌گیرد یا به حساب وی به ودیعه گذاشته می‌شود از مالیات نقل و انتقال موضوع این فصل معاف خواهد بود. املاکی که طبق قوانین مربوطه در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده یا می‌رسد در صورت انتقال به سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به کل مالیات نقل و انتقال قطعی متعلق و در سایر موارد که مالکیت در دست اشخاص باقی می‌ماند نسبت به ۵۰ درصد مالیات مربوط به درآمد موضوع فصل مالیات بر درآمد املاک از معافیت مالیاتی برخوردار خواهد شد. و همچنین هرگونه وجه یا مالی که از طرف اشخاص مذکور بابت تملک املاک یا حقوق واقع در محدوده‌ی طرح‌های نوسازی، بهسازی و بازسازی محلات قدیمی و بافت‌های فرسوده شهرها به مالکین یا صاحبان حق تعلق می‌گیرد از پرداخت مالیات نقل و انتقال معاف است.

ماده ۷۱- زمین‌هایی که از طریق اسناد عادی معامله گردیده است در موقع تنظیم سند رسمی به نام خریدار قیمت اعیانی احداث شده وسیله خریدار در محاسبه منظور نخواهد شد مشروط بر این که موضوع مورد تأیید مراجع ذیصلاح دولتی یا محاکم قضایی یا شهرداری محل که ملک در محدوده‌ی آن واقع است حسب مورد قرار گرفته باشد.

ماده ۷۲- در مواردی که پس از پرداخت مالیات از طرف مؤدی معامله انجام نشود اداره امور مالیاتی مربوط مکلف است بنا به درخواست مؤدی و تأیید دفتر اسناد رسمی مربوط، مبنی بر عدم ثبت معامله ظرف پانزده روز از تاریخ اعلام دفتر اسناد رسمی مالیات وصول شده متعلق به معامله‌ی انجام نشده را از محل وصولی جاری طبق مقررات این قانون مسترد دارد. حکم این ماده در مورد استرداد مالیات‌های مربوط به حق واگذاری و درآمد اتفاقی نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷۵- از نظر مالیاتی مستأجرین املاک اوقافی اعم از این که اعیان مستحدثه در آن داشته یا نداشته باشند نسبت به عرصه مشمول مقررات این فصل خواهند بود.

تبصره ۱- در محاسبه مالیات این گونه مؤدیان تاریخ اجاره به جای تاریخ تملک منظور خواهد شد.

تبصره ۲- حکم این ماده در مواردی که ملک توسط مستاجر واگذار می‌شود مانع اجرای تبصره ۷ ماده ۵۳ این قانون نخواهد بود.

ماده ۷۶- در مواردی که نقل و انتقال موضوع ماده ۵۲ این قانون طبق مقررات این فصل مشمول مالیات به شرح ماده ۵۹ این قانون باشد، وجه دیگری بابت مالیات بر درآمد نقل و انتقال مزبور مطالبه نخواهد شد.

ماده ۷۷- اولین نقل و انتقال قطعی ساختمان‌های نوساز اعم از مسکونی و غیره که بیش از دو سال از تاریخ صدور گواهی پایان کار آن‌ها نگذشته باشد، علاوه بر مالیات نقل و انتقال قطعی موضوع ماده (۵۹) این قانون مشمول مالیات مقطوع به نرخ ده درصد (۱۰٪) به مأخذ ارزش معاملاتی اعیانی مورد انتقال خواهند بود. اشخاص حقیقی یا حقوقی، مشمول مالیات دیگری از بابت درآمد حاصل از ساخت و فروش موضوع این ماده نخواهند بود.

تبصره - علاوه بر اشخاصی که شغل آن‌ها بساز و بفروشی است هر شخص حقیقی که در یک سال مالیاتی بیش از یک واحد مسکونی و یا دو واحد کسبی اعم از کامل یا نا تمام را که خود احداث نموده و در صورت کامل بودن بیش از دو سال از تاریخ خاتمه بنای آن نگذشته است بفروشد از نظر مالیاتی بساز و بفروش تلقی می‌شود. تاریخ خاتمه بنا به تشخیص ممیز و تأیید سرممیز

مربوط می‌باشد. در اجرای این تبصره هر واحد آپارتمانی یک واحد مسکونی یا کسبی حسب مورد و هر مغازه یک واحد کسبی محسوب می‌شود.

ماده ۸۰ - مؤدیان موضوع این فصل مکلف‌اند اظهارنامه مالیاتی خود را روی نمونه‌ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و در دسترس آن‌ها قرار می‌گیرد تنظیم و در مورد حق واگذاری محل و نیز مؤدیان موضوع ماده ۷۴ این قانون تا سی روز پس از انجام معامله و در سایر موارد تا آخر تیرماه سال بعد به انضمام مدارک مربوط به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک تسلیم و مالیات متعلق را طبق مقررات پرداخت نمایند.

تبصره ۱ - در مواردی که معاملات موضوع ماده ۵۲ این قانون به موجب اسناد رسمی انجام می‌گیرد مؤدی مکلف است قبل از انجام معامله میزان دریافتی و یا درآمد موضوع هر یک از مالیات‌های مندرج در ماده ۱۸۷ این قانون را به تفکیک به حوزه مالیاتی ذیربط اعلام دارد این اعلام به استثنای مواردی که موجد تغییر ننموده به منزله انجام تکالیف مقرر در متن این ماده می‌باشد.

تبصره ۲ - در مواردی که معاملات موضوع این فصل به موجب اسناد رسمی انجام نمی‌گیرد انتقال گیرنده مکلف است مراتب را ظرف سی روز از تاریخ انجام معامله کتباً به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک اطلاع دهد.

مالیات بردر آمد کشاورزی:

ماده ۸۱ - درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغان داری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات از پرداخت مالیات معاف می‌باشد.

مالیات بردر آمد حقوق:

ماده ۸۲ - درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران بر حسب مدت یا کار انجام یافته به طور نقد یا غیرنقد تحصیل می‌کند مشمول مالیات بردر آمد حقوق است.

تبصره - درآمد حقوقی که در مدت مأموریت خارج از کشور (از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران یا اشخاص مقیم ایران) از منابع ایرانی عاید شخص می‌شود مشمول مالیات بر درآمد حقوق می‌باشد.

ماده ۸۳ - درآمد مشمول مالیات حقوق عبارت است از:

حقوق (مقرری یا مزد، یا حقوق اصلی) و مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر و یا غیر مستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون.

تبصره - درآمد غیر نقدی مشمول مالیات حقوق به شرح زیر تقویم و محاسبه می‌شود:

الف - مسکن با اثاثیه معادل ۲۵ درصد و بدون اثاثیه ۲۰ درصد حقوق و مزایای مستمری نقدی (به استثنای مزایای نقدی معاف موضوع ماده ۹۱ این قانون) در ماه پس از وضع وجوهی که از این بابت از حقوق کارمند کسر می‌شود.

ب - اتومبیل اختصاصی با راننده معادل ۱۰ درصد و بدون راننده معادل ۵ درصد حقوق و مزایای مستمر نقدی (به استثنای مزایای نقدی معاف موضوع ماده ۹۱ این قانون) در ماه پس از کسروجویی که از این بابت از حقوق کارمند کسر می‌شود.

ج - سایر مزایای غیر نقدی معادل قیمت تمام شده برای پرداخت کننده حقوق.

ماده ۵۸۴ - تامیزان یکصد و پنجاه برابر حداقل حقوق مبنای جدول حقوق موضوع ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۰ - درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق کلیه حقوق بگیران از جمله کارگران مشمول قانون کار، از یک یا چند منبع از پرداخت مالیات معاف می‌شود.

تبصره - میزان معافیت موضوع این ماده در مورد کارکنانی که حقوق آن‌ها توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و یا از محل اعتبارات دولتی پرداخت می‌گردد در صورت داشتن افراد تحت تکفل به هشتصد و چهل هزار ریال افزایش می‌یابد.

ماده ۸۵^۶ - نرخ مالیات بر درآمد حقوق در مورد کارکنان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۷۰ پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون به نرخ مقطوع ده درصد (۱۰٪) و در مورد سایر حقوق بگیران نیز پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون تا مبلغ چهل و دو میلیون (۴۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ ده درصد (۱۰٪) و نسبت به مازاد آن به نرخ‌های مقرر در ماده (۱۳۱) این قانون خواهد بود.

ماده ۸۶ - پرداخت کنندگان حقوق هنگام هر پرداخت یا تخصیص آن مکلف‌اند مالیات متعلق را طبق مقررات ماده (۸۵) این قانون محاسبه و کسر و ظرف سی روز ضمن تسلیم فهرستی متضمن نام و نشانی دریافت کنندگان حقوق و میزان آن به اداره امور مالیاتی محل پرداخت و در ماه‌های بعد فقط تغییرات را صورت دهند.

تبصره - پرداخت‌هایی که از طرف غیر از پرداخت کنندگان مقرری مزد حقوق اصلی به عمل می‌آید پرداخت کنندگان این قبیل وجوه مکلف‌اند هنگام هر پرداخت مالیات متعلق را بدون رعایت معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون به نرخ‌های مقرر در ماده (۸۵) این قانون محاسبه و کسر و ظرف سی روز با صورتی حاوی نام و نشانی دریافت کنندگان و میزان آن به اداره امور مالیاتی محل پرداخت کنند.

ماده ۸۷ - اضافه پرداختی بابت مالیات بر درآمد حقوق طبق مقررات این قانون مسترد خواهد شد مشروط بر این که بعد از انقضای تیرماه سال بعد تا آخر آن سال با درخواست کتبی حقوق بگیر از اداره امور مالیاتی محل سکونت مورد مطالبه قرار گیرد.

^۵ طبق ماده ۴۹ بودجه سال ۱۳۹۲، سقف معافیت مالیاتی موضوع ماده (۵۲) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران برای سال ۱۳۹۲، مبلغ یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در سال تعیین گردیده است.

^۶ طبق ماده ۵۲ قانون برنامه پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران، سقف معافیت مالیاتی موضوع مواد (۸۴) و (۸۵) قانون مالیاتهای مستقیم در طول برنامه هر ساله در بودجه سنواتی تعیین می‌شود. همچنین در ماده (۸۵) قانون مذکور به جای عبارت «مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۲» عبارت «وزارتخانه‌ها و مؤسسات و سایر دستگاههای دولتی موضوع مواد (۱) و (۲) و قسمت اخیر ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز سایر دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور در صورت اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، قضات، اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی و تحقیقاتی» جایگزین می‌شود.

اداره امور مالیاتی مذکور موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم درخواست رسیدگی‌های لازم را معمول و در صورت احراز اضافه پرداختی و نداشتن بدهی قطعی دیگر در آن اداره امور مالیاتی نسبت به استرداد اضافه پرداختی از محل وصولی‌های جاری اقدام کند. در صورتی که درخواست کننده بدهی قطعی مالیاتی داشته باشد اضافه پرداختی به حساب بدهی مزبور منظور و مازاد مسترد خواهد شد.

ماده ۸۸ - در مواردی که از اشخاص مقیم خارج که در ایران شعبه یا نمایندگی ندارند حقوق دریافت شود دریافت کنندگان حقوق مکلف‌اند ظرف سی روز از تاریخ دریافت حقوق مالیات متعلق را طبق مقررات این فصل به اداره امور مالیاتی محل سکونت خود پرداخت و تا آخر تیرماه سال بعد اظهارنامه مالیاتی مربوط به حقوق دریافتی خود را به اداره امور مالیاتی مزبور تسلیم نمایند.

ماده ۸۹ - صدور پروانه خروج از کشور یا تمدید پروانه اقامت و یا اشتغال برای اتباع خارجه، به استثنای کسانی که طبق مقررات این قانون از پرداخت مالیات معاف می‌باشند، موقوف به ارایه مفاصا حساب مالیاتی یا تعهد کتبی کارفرمای اشخاص حقوقی ایرانی طرف قرارداد با کارفرمای اتباع خارجی یا اشخاص حقوقی ثالث ایرانی است.

ماده ۹۰ - در مواردی که پرداخت کنندگان حقوق، مالیات متعلق را در موعد مقرر نپردازند یا کمتر از میزان واقعی پرداخت نمایند، اداره امور مالیاتی محل اشتغال حقوق بگیر، یا در مورد مشمولان تبصره ماده (۸۲) این قانون، اداره امور مالیاتی محل پرداخت کننده حقوق مکلف است مالیات متعلق را به انضمام جرایم موضوع این قانون محاسبه و از پرداخت کنندگان حقوق که در حکم مؤدی می‌باشند به موجب برگ تشخیص با رعایت مهلت مقرر در ماده (۱۵۷) این قانون مطالبه کند. حکم این ماده نسبت به مشمولان ماده (۸۸) این قانون نیز جاری خواهد بود.

ماده ۹۱ - درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:

۱ - رؤسا و اعضای مأموریت‌های سیاسی خارجی در ایران و رؤسا و اعضای هیأت‌های نمایندگی فوق العاده دول خارجی نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دولت متبوع خود به شرط معامله متقابل و همچنین رؤسا و اعضای هیأت‌های نمایندگی سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن در ایران نسبت به درآمد حقوق دریافتی از سازمان و مؤسسات مزبور در صورتی که تابع دولت جمهوری اسلامی ایران نباشند.

۲ - رؤسا و اعضای مأموریت‌های کنسولی خارجی در ایران و همچنین کارمندان مؤسسات فرهنگی دول خارجی نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دول متبوع خود به شرط معامله متقابل.

۳ - کارشناسان خارجی که با موافقت دولت جمهوری اسلامی ایران از محل کمک‌های بلاعوض فنی و اقتصادی و علمی و فرهنگی دول خارجی و یا مؤسسات بین‌المللی به ایران اعزام می‌شوند نسبت به حقوق دریافتی آنان از دول متبوع یا مؤسسات بین‌المللی مذکور.

۴ - کارمندان محلی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی که دارای تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران نباشند به شرط معامله متقابل.

- ۵ - حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری و پایان خدمت و خسارت اخراج و بازخرید خدمت و وظیفه یا مستمری پرداختی به وراث و حق سنوات و حقوق ایام مرخصی استفاده نشده که در موقع بازنشستگی یا از کارافتادگی به حقوق بگیر پرداخت می‌شود.
- ۶ - هزینه سفر و فوق العاده مسافرت مربوط به شغل.
- ۷ - مسکن واگذاری در محل کارگاه یا کارخانه جهت استفاده کارگران و خانه‌های ارزان قیمت سازمانی در خارج از محل کارگاه یا کارخانه که مورد استفاده کارگران قرار می‌گیرد.
- ۸ - وجوه حاصل از بیمه بابت جبران خسارت بدنی و معالجه و امثال آن.
- ۹ - عیدی سالانه یا پاداش آخر سال جمعاً معادل یک دوازدهم میزان معافیت مالیاتی موضوع ماده (۸۴) این قانون.
- ۱۰ - خانه‌های سازمانی که با اجازه قانونی یا به موجب آیین نامه‌های خاص در اختیار مأموران کشوری گذارده می‌شود.
- ۱۱ - وجوهی که کارفرما بابت هزینه معالجه کارکنان خود یا افراد تحت تکفل آن‌ها مستقیماً یا به وسیله حقوق بگیر به پزشک یا بیمارستان به استناد اسناد و مدارک مثبت پرداخت کند.
- ۱۲ - مزایای غیرنقدی پرداختی به کارکنان حداکثر معادل دو دوازدهم معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون.
- ۱۳ - درآمد حقوق پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از نظامی و انتظامی، مشمولان قانون استخدامی وزارت اطلاعات و جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و آزادگان.
- ماده ۹۲ - پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات حقوق کارکنان شاغل در مناطق کمتر توسعه یافته طبق فهرست سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بخشوده می‌شود.
- تبصره - بدهی مالیات بر درآمد حقوق کادر نظامی و انتظامی تا تاریخ اجرای این قانون بخشوده می‌شود.

مالیات بر درآمد مشاغل:

- ماده ۹۳ - درآمدی که شخص حقیقی از طریق اشتغال به مشاغل یا به عناوین دیگر غیر از موارد مذکور در سایر فصل‌های این قانون در ایران تحصیل کند پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد مشاغل می‌باشد.
- تبصره - درآمد شرکت‌های مدنی (اعم از اختیاری یا قهری) و همچنین درآمدهای ناشی از فعالیت‌های مضاربه در صورتی که عامل (مضارب) شخص حقیقی باشد تابع مقررات این فصل می‌باشد.
- ماده ۹۴ - درآمد مشمول مالیات مؤدیان موضوع این فصل عبارت است از:
- کل فروش کالا و خدمات به اضافه سایر درآمدهای آنان که مشمول مالیات فصول دیگر شناخته نشده پس از کسر هزینه‌ها و استهلاکات مربوط طبق مقررات فصل هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات.

ماده ۹۵ - صاحبان مشاغل موضوع این فصل مکلف‌اند اسناد و مدارک مثبت کافی برای تشخیص درآمد مشمول مالیات خود نگاهداری کنند. صاحبان مشاغل از لحاظ تشخیص درآمد مشمول مالیات به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

الف - صاحبان مشاغلی که به موجب این قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر روزنامه و کل موضوع قانون تجارت هستند و باید دفاتر و اسناد و مدارک مربوط را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری نگاهداری کنند.

ب - صاحبان مشاغلی که بر حسب این قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر درآمد و هزینه می‌باشند. نمونه‌های دفاتر مذکور توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌گردد و در دسترس قرار می‌گیرد.

ج - صاحبان مشاغلی که مشمول مقررات بندهای (الف) و (ب) فوق نیستند مکلف‌اند صورت خلاصه وضعیت درآمد و هزینه خود را طبق ضوابط و نمونه‌های تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور نگاهداری کنند.

تبصره ۱- سازمان امور مالیاتی کشور در صورت تشخیص ضرورت تا پایان دی ماه هر سال فهرست مشاغل افزوده شده به بندهای (الف) و (ب) ماده (۹۶) و مشمول از آغاز سال بعد را تهیه و از طریق تشکلهای صنفی و درج آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به مؤدیان اعلام می‌دارد.

تبصره ۲- آیین نامه مربوط به روش‌های نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک و نحوه ثبت وقایع مالی و چگونگی تنظیم صورت‌های مالی نهایی بر اساس نوع فعالیت و همچنین رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری توسط سازمان امور مالیاتی کشور با کسب نظر از جامعه حسابداران رسمی تهیه و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید.

ماده ۹۶ -

الف - صاحبان مشاغل موضوع بند (الف) ماده (۹۵) این قانون عبارت‌اند از:

۱- دارندگان کارت بازرگانی و کلیه وارد کنندگان و صادر کنندگان.
۲- صاحبان کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی که برای آن‌ها جواز تأسیس و پروانه بهره برداری از وزارتخانه ذیربط صادر شده یا می‌شود.

۳- بهره برداران معادن.

۴- صاحبان مؤسسات حسابرسی، حسابداری و دفترداری، خدمات مالی و ارائه دهندگان خدمات مدیریتی، مشاوره ای، انفورماتیک، رایانه ای اعم از سخت افزاری و نرم افزاری و طراحی سیستم.

۵- صاحبان مراکز آموزشی و پرورشی، آموزشگاه‌های آزاد، مدارس غیرانتفاعی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.

۶- صاحبان بیمارستان‌ها، زایشگاه‌ها، آسایشگاه‌ها، درمانگاه‌ها و خانه‌های سالمندان.

^۷ به موجب اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۱۴ مورخه ۱۳۸۷/۱۱/۰۳ در اجرای تبصره یک ماده ۹۵ م.م، عبارت «حسابدار رسمی» از ردیف بند ۵ بند "ب" حذف و به ردیف ۴ بند "الف" اضافه شده است؛ که از ابتدای سال ۱۳۸۸ لازم‌الاجرا می‌باشد.

- ۷- صاحبان هتل‌ها و هتل‌های سه ستاره و بالاتر.
- ۸- بانکداران، عمده فروش‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، واسطه‌های مالی، نمایندگان توزیع کالاهای داخلی و وارداتی و صاحبان انبارها.
- ۹- نمایندگان مؤسسه‌های تجاری و صنعتی، اعم از داخلی و خارجی.
- ۱۰- صاحبان مؤسسات حمل و نقل موتوری، زمینی، دریایی و هوایی اعم از مسافری یا باربری.
- ۱۱- صاحبان مؤسسات مهندسی و مهندسی مشاور.
- ۱۲- صاحبان مؤسسات تبلیغاتی و بازاریابی.
- ب- صاحبان مشاغل موضوع بند (ب) ماده (۹۵) این قانون عبارت‌اند از:
- ۱- صاحبان کارگاه‌های صنعتی.
- ۲- صاحبان مشاغل ساختمانی، تأسیسات فنی و صنعتی، نقشه کشی، نقشه برداری، محاسبات فنی و نظارت.
- ۳- چاپخانه داران، لیتوگراف‌ها، صحاف‌ها، ارایه دهندگان خدمات چاپ و گرافیک‌ها.
- ۴- صاحبان مراکز ارتباطات رایانه‌ای.
- ۵- ^۸ و کلاء، کارشناسان، مترجمان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی، حسابداران رسمی و اعضای سازمان‌های نظام مهندسی.
- ۶- محققان، پژوهشگران و کارشناسان آزاد که به تهیه و ارایه طرح‌های تحقیقاتی اشتغال دارند.
- ۷- دلالان، حق‌العمل کاران و کارگزاران.
- ۸- صاحبان مراکز فرهنگی، هنری، فرهنگسراها، کانون‌های حرفه‌ای و انجمن‌های صنفی و تخصصی.
- ۹- صاحبان سینماها، تماشاخانه‌ها و مکان‌های تفریحی و ورزشی.
- ۱۰- صاحبان مشاغل فیلم برداری، دوبلاژ، مونتاژ و سایر خدمات سینمایی.
- ۱۱- پزشکان و دندانپزشکان که دارای مطب هستند و دامپزشکان که به حرفه دامپزشکی اشتغال دارند.
- ۱۲- ^۹ صاحبان آزمایشگاه‌ها، رادیولوژی‌ها، فیزیوتراپی‌ها، سونوگرافی‌ها، الکتروانسفالوگرافی‌ها، سی‌اتی اسکن‌ها، سالن‌های زیبایی و دیگر ارایه دهندگان خدمات بهداشتی، طبی و غیر طبی.
- ۱۳- صاحبان میهمان سراها، میهمان پذیرها و مسافرخانه‌ها.
- ۱۴- صاحبان تالارهای پذیرایی، رستوران‌ها، تهیه کنندگان غذاهای آماده، ارایه دهندگان خدمات پذیرایی و کرایه دهندگان ظروف.
- ۱۵- صاحبان دفاتر اسناد رسمی.
- ۱۶- صاحبان تعمیرگاه‌های مجاز و اتو سرویس‌ها.

^۸ به موجب اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور مندرج در رزومه رسمی شماره ۱۸۶۱۴ مورخه ۱۳۸۷/۱۱/۰۳ در اجرای تبصره یک ماده ۹۵ ق.م.م، عبارت «حسابدار رسمی» از ردیف بند ۵ بند

"ب" حذف و به ردیف ۴ بند "الف" اضافه شده است؛ که از ابتدای سال ۱۳۸۸ لازم‌الاجرا می‌باشد.

^۹ به موجب اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور مندرج در رزومه رسمی شماره ۱۸۶۱۴ مورخه ۱۳۸۷/۱۱/۰۳ در اجرای تبصره یک ماده ۹۵ ق.م.م، عبارت «صاحبان داروخانه‌ها اعم از انسانی و دامی، لابراتوارهای دندان سازی، مراکز ترک اعتیاد، مؤسسات ترمیم و کاشت مو، سازندگان اعضای مصنوعی، مراکز بینایی‌سنجی و شنوایی‌سنجی، مشاوره ژنتیک، مشاوره روان‌سنجی و روان‌شناسی، دفاتر خدمات پرستاری، مامائی و مراکز خدمات آمبولانس» به ردیف ۱۲ بند "ب" اضافه شده است؛ که از ابتدای سال ۱۳۸۸ لازم‌الاجرا می‌باشد.

- ۱۷ - صاحبان نمایشگاه‌ها، فروشگاه‌های اتومبیل، بنگاه‌های معاملات املاک و آژانس‌های کرایه اتومبیل.
- ۱۸ - سازندگان و فروشندگان طلا و جواهر.
- ۱۹ - ۱۰ عاملان فروش و فروشندگان آهن آلات.
- ۲۰ - ۱۱ صاحبان دفاتر خدمات ارتباطی (دفتر خدمات مشترکین تلفن همراه و آژانس‌های پستی)، صاحبان دفاتر خدمات دولت الکترونیک (پلیس +۱۰) و دفاتر خدمات الکترونیک شهر.
- ۲۱ - صاحبان جایگاه‌های اختصاصی فرآورده‌های نفتی و گاز. (پمپ‌های بنزین و گازوئیل و گاز)
- ۲۲ - صاحبان مهدهای کودک و پیش دبستانی.
- ۲۳ - ناشران و صاحبان موسسات انتشاراتی.
- ۲۴ - صاحبان خدمات پیک موتوری.
- ۲۵ - صاحبان دفاتر خدمات مسافرتی و جهانگردی.
- ۲۶ - شیرینی فروشان و قنادی‌های دارای کارگاه.
- ۲۷ - صاحبان کارگاه‌های تولید نان‌های حجیم، فانتزی و صنعتی.
- تبصره ۱- سازمان امور مالیاتی کشور در صورت تشخیص ضرورت می‌تواند هریک از مشمولان بند (ب) این ماده را به رعایت مقررات موضوع بند (الف) این ماده ملزم نماید مشروط بر آن که مراتب کتباً تا پایان دی ماه هر سال به مؤدیان فوق ابلاغ گردد. مؤدیان اخیر الذکر از اول سال بعد مکلف به اجرای آن می‌باشند.

تبصره ۲- منظور از صاحبان مذکور در این ماده اشخاصی است که بهره برداری از مؤسسات به حساب آنان انجام می‌شود.

تبصره ۳- مشمولان این ماده که در محل شغل خود دارای فعالیت‌های شغلی دیگر موضوع این فصل می‌باشند مکلف‌اند برای کلیه فعالیت‌های شغلی خود طبق مقررات این قانون عمل کنند.

ماده ۹۷ - در موارد زیر در آمد مشمول مالیات مؤدی از طریق علی‌الرأس تشخیص خواهد شد:

۱- در صورتی که تا موعد مقرر ترازنامه و حساب سود و زیان و یا حساب درآمد و هزینه و حساب سود و زیان، حسب مورد، تسلیم نشده باشد.

۲- در صورتی که مؤدی به درخواست کتبی اداره امور مالیاتی مربوط ازارایه دفاتر و یا مدارک حساب در محل کار خود خودداری نماید. (منظور از محل کار در مورد اشخاص حقوقی نیز همان اقامتگاه قانونی آن‌ها می‌باشد مگر این که مؤدی قبلاً مرکز عملیات خود را برای ارایه دفاتر و اسناد و مدارک کتباً به اداره امور مالیاتی مربوط اعلام نموده باشد).

^{۱۰} به موجب اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور مندرج در رزنامه رسمی شماره ۱۸۶۱۴ مورخه ۱۳۸۷/۱۱/۰۳ در اجرای تبصره یک ماده ۹۵ ق.م.م، عبارت «فروشندگان مصالح ساختمانی دارنده عاملیت فروش یا توزیع (سیمان، گچ و سایر مصالح ساختمانی)» به ردیف ۱۹ بند "ب" اضافه شده است؛ که از ابتدای سال ۱۳۸۸ لازم‌الاجرا می‌باشد.

^{۱۱} به موجب اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور مندرج در رزنامه رسمی شماره ۱۸۶۱۴ مورخه ۱۳۸۷/۱۱/۰۳ در اجرای تبصره یک ماده ۹۵ ق.م.م، ردیف‌های ۲۰ الی ۲۷ به بند "ب" اضافه شده است؛ که از ابتدای سال ۱۳۸۸ لازم‌الاجرا می‌باشد.

در اجرای این بند هرگاه مؤدی از ارایه قسمتی از مدارک حساب خودداری نماید چنانچه مربوط به هزینه باشد از احتساب آن جزء هزینه‌های قابل قبول خودداری می‌شود و در صورتی که مربوط به درآمد باشد درآمد مشمول مالیات این قسمت از طریق علی‌الرأس تعیین خواهد شد.

۳- در صورتی که دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی برای محاسبه درآمد مشمول مالیات به نظر اداره امور مالیاتی غیرقابل رسیدگی تشخیص شود و یا به علت عدم رعایت موازین قانونی و آیین نامه مربوط مورد قبول واقع نشود که در این صورت مراتب باید با ذکر دلایل کافی کتبا به مؤدی ابلاغ و پرونده برای رسیدگی به هیأتی متشکل از سه نفر حسابرس منتخب رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور احاله گردد. مؤدی می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ با مراجعه به هیأت مزبور نسبت به رفع اشکال رسیدگی و ادای توضیح کتبی درمورد نحوه رعایت موازین قانونی و آیین نامه حسب مورد اقدام نماید و در هر حال هیأت مکلف است ظرف ده روز پس از انقضای یک ماه فوق نظر خود را با توجیهات و دلایل لازم و کافی به اداره امور مالیاتی اعلام نماید تا براساس آن اقدام گردد. نظر هیأت با اکثریت مناط اعتبار است و نظر عضوی که در اقلیت قرار گیرد باید در صورت جلسه درج گردد. در مواردی که هیأت نظر اداره امور مالیاتی را در مورد غیرقابل رسیدگی بودن دفاتر مؤدی مردود اعلام می‌کند باید مراتب را به دادستانی انتظامی مالیاتی نیز اعلام نماید.

تبصره ۱- در اجرای بند ۳ این ماده دو ماه به مهلت رسیدگی موضوع ماده ۱۵۶ این قانون اضافه می‌شود.

تبصره ۲- هرگاه طبق اسناد و مدارک ابرازی یا بدست آمده امکان تعیین درآمد واقعی مؤدی وجود داشته باشد، اداره امور مالیاتی مکلف است درآمد مشمول مالیات را بر اساس رسیدگی به اسناد و مدارک مزبور یا دفاتر، حسب مورد، تعیین کند، در صورت داشتن درآمد ناشی از فعالیت های مکتوم که مستند به دلایل و قراین کافی باشد، درآمد مشمول مالیات آن فعالیت‌ها همواره از طریق علی‌الرأس تشخیص داده و به درآمد مشمول مالیات مشخص شده قبلی افزوده و مأخذ مطالبه مالیات واقع خواهد شد.

ماده ۹۸- در موارد تشخیص علی‌الرأس، اداره امور مالیاتی باید پس از تحقیقات و بررسی‌های لازم و کسب اطلاعات مورد نیاز از مراجع مختلف اعم از دولتی یا غیردولتی ابتدا قرینه و یا قرائن مذکور در این قانون را که متناسب با وضعیت و موضوع فعالیت مؤدی باشد انتخاب و دلایل انتخاب نوع قرینه یا قرائن و رقم آن‌ها را با توجیه کافی در گزارش رسیدگی قید نماید و سپس با اعمال ضریب یا ضرایب مقرر در قرینه یا قرائن انتخابی درآمد مشمول مالیات مؤدی را تعیین نماید. در صورتی که به چند قرینه اعمال ضریب شود معدلی که از نتایج اعمال ضریب به دست می‌آید درآمد مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۹۹- قراردادهای پیمانکاری موضوع ماده (۷۶) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن که پیشنهاد آن‌ها قبل از تاریخ تصویب این قانون می‌باشد از لحاظ تشخیص درآمد مشمول مالیات و نیز پرداخت چهار درصد مالیات مقطوع کماکان مشمول مقررات قانون فوق‌الذکر خواهند بود.

تبصره - قراردادهای پیمانکاری موضوع ماده ۷۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی که پیشنهاد آن‌ها از تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۶ لغایت ۲۹ اسفند ۱۳۶۷ تسلیم گردیده از لحاظ تعیین درآمد مشمول مالیات تابع مقررات این

قانون بوده و فقط از لحاظ اعمال نرخ مالیات بر درآمد عملکرد منتهی به سال ۱۳۶۷ تابع نرخ مالیاتی مقرر در سال مزبور خواهند بود.

ماده ۱۰۰- مؤدیان موضوع این فصل این قانون مکلف‌اند اظهارنامه مالیاتی مربوط به فعالیت‌های شغلی خود را در یک سال مالیاتی برای هر واحد شغلی یا برای هر محل جداگانه طبق نمونه‌ای که وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد تنظیم و تا آخر تیر ماه سال بعد به اداره امور مالیاتی محل شغل خود تسلیم و مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون پرداخت نمایند.

تبصره ۱- در مورد کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی که نوع فعالیت آنان ایجاد دفتر یا فروشگاه در یک یا چند محل دیگر را اقتضا نماید مؤدی مکلف است کلیه درآمدهای حاصل از فعالیت‌های خود را طی یک اظهارنامه به اداره امور مالیاتی محل وقوع کارگاه یا واحد تولیدی تسلیم نماید.

تبصره ۲- در مورد مشمولین این فصل که دارای محل ثابت برای شغل خود نمی‌باشند، محل سکونت آن‌ها از لحاظ تسلیم اظهارنامه محل شغل تلقی می‌گردد.

تبصره ۳- در شرکت‌های مدنی تسلیم اظهارنامه توسط یکی از شرکا موجب اسقاط تکلیف سایر شرکا نخواهد بود. این امر مانع از تسلیم اظهارنامه مشترک نمی‌باشد.

تبصره ۴- اظهارنامه مالیاتی مؤدیان موضوع این فصل شامل ترازنامه و حساب سود و زیان یا حساب درآمد و هزینه یا خلاصه وضعیت درآمد و هزینه، حسب مورد طبق نمونه‌هایی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می‌شود خواهد بود.

تبصره ۵- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند در مورد بعضی از منابع این فصل در هر سال و در نقاطی که مقتضی بداند درآمد مشمول مالیات تمام یا برخی از مؤدیان متعلقه را که قطعی خواهد بود وصول نماید و در مواردی که معلوم شود از اول یک سال مالیاتی یا در اثنای آن مؤدی ترک کسب نموده و یا به عللی خارج از اختیار وی قادر به انجام کار نبوده است و این امر مورد تأیید هیأت حل اختلاف مالیاتی قرار گیرد درآمد مشمول مالیات به نسبت مدت اشتغال محاسبه و مالیات متعلقه وصول خواهد شد.

ماده ۱۰۱- درآمد سالانه مشمول مالیات مؤدیان موضوع این فصل که اظهارنامه مالیاتی خود را طبق مقررات این فصل در موعد مقرر تسلیم کرده‌اند تا میزان معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون از پرداخت مالیات معاف و مازاد آن به نرخ‌های مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون مشمول مالیات خواهد بود. شرط تسلیم اظهارنامه برای استفاده از معافیت فوق نسبت به عملکرد سال ۱۳۸۲ به بعد جاری است.

تبصره- در مشارکت‌های مدنی اعم از اختیاری و قهری شرکا حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد و مبلغ معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و باقی مانده سهم هر شریک جداگانه مشمول مالیات خواهد بود. شرکایی که با هم رابطه زوجیت دارند از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت مقرر به زوج اعطا می‌گردد. در صورت فوت احد از شرکا وراثت

وی به عنوان قائم مقام قانونی از معافیت مالیاتی سهم متوفی در مشارکت به شرح فوق استفاده نموده و این معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و از درآمد سهم هر کدام کسر خواهد شد.

ماده ۱۰۲ - در مضاربه، عامل (مضارب) مکلف است در موقع تسلیم اظهارنامه علاوه بر پرداخت مالیات خود مالیات درآمد سهم صاحب سرمایه را بدون رعایت معافیت ماده ۱۰۱ این قانون کسر و به عنوان مالیات علی الحساب صاحب سرمایه به حساب مالیاتی واریز و رسید آن را به اداره امور مالیاتی ذیربط و صاحب سرمایه ارایه نماید.

تبصره - در صورتی که صاحب سرمایه بانک باشد تکلیف کسر مالیات صاحب سرمایه از عامل یا مضارب ساقط است.

ماده ۱۰۳ - وکلای دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی و کالت می‌کنند مکلف‌اند در وکالت نامه‌های خود رقم حق الوکاله‌ها را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی الحساب مالیاتی روی وکالت نامه تمبر الصاق و ابطال نمایند که در هر حال مبلغ تمبر حسب مورد نباید کمتر از میزان مقرر در زیر باشد:

الف - در دعاوی و اموری که خواسته آن‌ها مالی است پنج درصد حق الوکاله مقرر در تعرفه برای هر مرحله.

ب - در مواردی که موضوع وکالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانوناً لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری که تعیین حق الوکاله به نظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق الوکاله مقرر در آیین نامه حق الوکاله برای هر مرحله.

ج - در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد بر طبق مواد حکم بند (الف) این ماده.

د - در مورد دعاوی و اختلافات مالی که در مراجع اختصاصی غیرقضایی رسیدگی و حل و فصل می‌شود و برای حق الوکاله آن‌ها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض توسعه معابر شهرداری و نظایر آن‌ها میزان حق الوکاله صرفاً از لحاظ مالیاتی به شرح زیر:

تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال ما به الاختلاف پنج درصد، تا سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال ما به الاختلاف چهار درصد نسبت به مازاد ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، از سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال ما به الاختلاف به بالا سه درصد نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال منظور می‌شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد.

مفاد این بند درباره‌ی اشخاصی که وکالتاً در مراجع مذکور در این بند اقدام می‌نمایند (ولو این که وکیل دادگستری نباشند) نیز جاری است، جز در مورد کارمندان مؤدی یا پدر، مادر، برادر، خواهر، پسر یا دختر نواده و همسر مؤدی.

تبصره ۱ - در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکالت وکیل با رعایت مقررات قانون آیین نامه دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاه‌ها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود مگر در مورد وکالت‌های مرجوعه از طرف وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها که محتاج به ابطال تمبر روی وکالت‌نامه نمی‌باشند.

تبصره ۲- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها مکلف‌اند از جوهی که بابت حق الوکاله به وکلا پرداخت می‌کنند پنج درصد آن را کسر و بابت علی الحساب مالیاتی وکیل ظرف ده روز به اداره امور مالیاتی محل پرداخت نمایند.

تبصره ۳- در صورتی که پس از ابطال تمبر تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگذار شود وکیل جدید مکلف به ابطال تمبر روی و کالتنامه مربوط نخواهد بود.

تبصره ۴- در مواردی که دادگاه‌ها حق الوکاله یا خسارت حق الوکاله را بیشتر یا کمتر از مبلغی که مأخذ ابطال تمبر روی و کالتنامه قرار گرفته است تعیین نمایند مدیران دفتر دادگاه‌ها مکلف‌اند میزان مورد حکم قطعی را به اداره امور مالیاتی مربوط اطلاع دهند تا مابه التفاوت مورد محاسبه قرار گیرد.

ماده ۱۱۰۴- وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی و اشخاص موضوع بند (الف) ماده (۹۵) این قانون مکلف‌اند در هر مورد که بابت حق الزحمه پزشکی، هزینه‌های بیمارستانی و آزمایشگاهی و رادیولوژی، داوری، مشاوره، کارشناسی، حسابرسی، خدمات مالی و اداری، نویسنده‌گی، تألیف و تصنیف، آهنگ سازی، نوازندگی و هنرپیشگی و خوانندگی، نقاشی و دلالی و حق العمل کاری، هرگونه حق الزحمه یا کارمزد ارایه خدمات به استثنای کارمزد پرداختی به بانک‌ها، صندوق تعاون و مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز، امور مربوط به نظافت اماکن و ابنیه، اجاره ماشین آلات اداری و محاسباتی، کلیه خدمات و ارتباطات رایانه‌ای، اجاره هر نوع وسایل نقلیه موتوری زمینی، هوایی و دریایی، ماشین آلات و کارخانجات و سردخانه‌ها، انبارداری، نگهداری و تعمیر آسانسور و شفاژ و تهویه مطبوع، هر نوع کار ساختمانی و تأسیسات فنی و تأسیساتی، تهیه طرح ساختمان‌ها و تأسیسات، نقشه کشی، نقشه برداری، نظارت و محاسبات فنی، حمل و نقل و جوهی که بابت حق نمایش فیلم به هر عنوان پرداخت می‌کنند پنج درصد آن را به عنوان علی الحساب مالیات مؤدی (دریافت کنندگان وجوه) کسر و ظرف سی روز به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز و رسید آن را به مؤدی تسلیم نمایند و همچنین ظرف همین مدت مشخصات دریافت کنندگان را با ذکر نام و نشانی آن‌ها به اداره امور مالیاتی ذریبط ارسال دارند.

تسهیلات اعطایی بانک‌ها از طریق قرارداد جعاله در امور مربوط به کشاورزی و تعمیر و تکمیل یک واحد مسکونی مشمول کسر مالیات علی الحساب موضوع این ماده نبوده و در این گونه موارد بانک‌ها مکلف‌اند رونوشت قرارداد جعاله تنظیمی با عامل را ظرف سی روز از تاریخ انعقاد قرارداد به اداره امور مالیاتی ذریبط ارسال دارند.

تبصره ۱- در مورد انجام امور مربوط به این ماده چنانچه قراردادی تنظیم گردد کارفرما مکلف است ظرف سی روز از تاریخ انعقاد قرارداد رونوشت آن را به اداره امور مالیاتی محل با اخذ رسید تسلیم نماید.

^{۱۲} طبق قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیاتهای مستقیم مورخه ۱۳۹۱/۰۵/۱۱، عبارت «پنج درصد آن به عنوان علی الحساب مالیات مؤدی دریافت کنندگان وجوه کسر و ظرف سی روز» حذف و عبارت «سه درصد آن به عنوان علی الحساب مالیات مؤدی دریافت کنندگان وجوه کسر و تا پایان ماه بعدی»، جایگزین می‌گردد.

تبصره ۲- در مواردی که منابع درآمد مذکور در این ماده کلاً از پرداخت مالیات معاف باشد کسر علی الحساب مالیات به شرح فوق به شرط استعلام قبلی و کسب نظر اداره امور مالیاتی محل منتفی است.

تبصره ۳- در مواردی که وجوه مذکور در این ماده در صندوق دادگستری و امثال آن تودیع و یا وسیله مراجع اجرائی وصول و ایصال می‌گردد تودیع کننده مکلف به کسر مالیات نخواهد بود و انجام تکالیف مقرر در این ماده به عهده متصدیانی خواهد بود که دستور پرداخت وجوه مذکور را صادر می‌کنند.

تبصره ۴- در مورد قراردادهای پیمانکاری موضوع ماده ۷۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن که پیشنهاد آن‌ها قبل از تاریخ تصویب این قانون باشد کارفرما مکلف است طبق مقررات ماده مذکور عمل نماید.

تبصره ۵- سازمان امور مالیاتی کشور تا پایان دی ماه هر سال فهرست سایر مواردی را که باید از آغاز سال بعد به امور مصرح در این ماده اضافه شود، از طریق درج آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور اعلام خواهد کرد.

تبصره ۶- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند در صورت خودداری پرداخت کنندگان وجوه موضوع این ماده از انجام تکالیف مقرر، به آن‌ها مراجعه و پس از رسیدگی‌های لازم، مالیات متعلق را مطالبه کند. در صورت استتکاف آن‌ها از پرداخت، از طریق عملیات اجرایی موضوع فصل نهم از باب چهارم این قانون، مالیات را وصول و در مورد کلیه دستگاه‌های اجرایی دولت، نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر سازمان‌ها و مؤسساتی که به نحوی از اعتبارات دولتی استفاده می‌کنند و همچنین سایر دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، از حساب بانکی آن‌ها برداشت کند.

مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی:

ماده ۱۰۵- جمع درآمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیر معاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می‌باشد، مشمول مالیات به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪) خواهند بود.

تبصره ۱- در مورد اشخاص حقوقی ایرانی غیر تجاری که به منظور تقسیم سود تاسیس نشده‌اند، در صورتی که دارای فعالیت انتفاعی باشند، از مأخذ کل درآمد مشمول مالیات فعالیت انتفاعی آن‌ها مالیات به نرخ مقرر در این ماده وصول می‌شود.

تبصره ۲- اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران به استثنای مشمولان تبصره (۵) ماده (۱۰۹) و ماده (۱۱۳) این قانون از مأخذ کل درآمد مشمول مالیاتی که از بهره برداری سرمایه در ایران یا از فعالیت‌هایی که مستقیماً یا به وسیله نمایندگی از قبیل شعبه، نماینده، کارگزار و امثال آن در ایران انجام می‌دهند یا از واگذاری امتیازات و سایر حقوق خود، انتقال دانش فنی، دادن تعلیمات، کمک‌های فنی یا واگذاری فیلم‌های سینمایی از ایران تحصیل می‌کنند به نرخ مذکور در این ماده مشمول مالیات خواهند بود. نمایندگان اشخاص و مؤسسات مذکور در ایران نسبت به درآمدهایی که به هر عنوان به حساب خود تحصیل می‌کنند طبق مقررات مربوط به این قانون مشمول مالیات می‌باشند.

تبصره ۳- در موقع احتساب مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی اعم از ایرانی یا خارجی، مالیات‌هایی که قبلاً پرداخت شده است با رعایت مقررات مربوط از مالیات متعلق کسر خواهد شد و اضافه پرداختی از این بابت قابلاسترداد است.

تبصره ۴- اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به سود سهام یا سهام شرکت‌های سرمایه پذیر مشمول مالیات دیگری نخواهند بود.

تبصره ۵- در مواردی که به موجب قوانین مصوب و جوهی تحت عناوین دیگری غیر از مالیات بر درآمد از مأخذ درآمد مشمول مالیات اشخاص قابل وصول باشد، مالیات اشخاص پس از کسر وجوه مزبور به نرخ مقرر مربوط محاسبه خواهد شد.

ماده ۱۰۶- درآمد مشمول مالیات در مورد اشخاص حقوقی (به استثنای درآمدهایی که طبق مقررات این قانون نحوه‌ی دیگری برای تشخیص آن مقرر شده است) از طریق رسیدگی به دفاتر قانونی بر طبق مقررات ماده (۹۴) و بند (الف) ماده (۹۵) این قانون و در موارد مذکور در ماده (۹۷) این قانون به طور علی‌الرأس تشخیص می‌گردد.

ماده ۱۰۷ ۱۳- درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران به شرح زیر تشخیص می‌گردد:

الف ۱۴- در مورد پیمانکاری در ایران نسبت به عملیات هر نوع کار ساختمانی، تأسیسات فنی و تأسیساتی شامل تهیه و نصب موارد مذکور، و نیز حمل و نقل و عملیات تهیه طرح ساختمان‌ها و تأسیسات، نقشه برداری، نقشه کشی، نظارت و محاسبات فنی، دادن تعلیمات و کمک‌های فنی، انتقال دانش فنی و سایر خدمات در تمام موارد به مأخذ دوازده درصد (۱۲٪) کل دریافتی سالانه.

ب- بابت واگذاری امتیازات و سایر حقوق خود از ایران و واگذاری فیلم‌های سینمایی، که به عنوان بهاء یا حق نمایش یا هر عنوان دیگر عاید آن‌ها می‌شود، به مأخذ بیست درصد (۲۰٪) تا چهل درصد (۴۰٪) مجموع وجوهی که ظرف یک سال مالیاتی عاید آن‌ها می‌گردد، می‌باشد. ضریب تعیین درآمد مشمول مالیات هر یک از موارد مذکور در این بند بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌شود.

پرداخت کنندگان وجوه مزبور و همچنین پرداخت کنندگان وجوه مذکور در بند (الف) این ماده مکلف‌اند در هر پرداخت مالیات متعلق را با توجه به مبالغی که از اول سال تا آن تاریخ پرداخت کرده‌اند کسر و ظرف مدت ده روز به اداره امور مالیاتی محل اقامت خود پرداخت کنند. در غیر این صورت دریافت کنندگان متضامناً مشمول پرداخت اصل مالیات و متعلقات آن خواهند بود.

ج- در مورد بهره برداری از سرمایه و سایر فعالیت‌هایی که اشخاص حقوقی و مؤسسات مزبور به وسیله‌ی نمایندگی از قبیل شعبه، نماینده، کارگزار و امثال آن‌ها در ایران انجام می‌دهند طبق مقررات ماده (۱۰۶) این قانون.

۱۳ قرارداد‌های پیمانکاری اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران موضوع بند الف ماده ۱۰۷ ق.م.م که از تاریخ ۱۳۸۲/۰۱/۰۱ به بعد منعقد شده باشند و دارای شعبه یا نمایندگی در ایران نباشند، مشمول کسر نرخ موضوع ماده ۱۰۴ ق.م.م خواهند بود.

۱۴ درآمد مشمول مالیات قرارداد‌های پیمانکاری منعقد شده قبل از سال ۱۳۸۲، از طریق اعمال ضریب مالیاتی معادل ۱۲٪ به مأخذ کل دریافتی سالانه محاسبه می‌گردد؛ و درآمد مشمول مالیات قرارداد‌های پیمانکاری منعقد شده بعد از سال ۱۳۸۲، همانند شرکت‌های ایرانی و مطابق ماده ۱۰۶ ق.م.م تشخیص خواهد شد.

تبصره ۱- در مواردی که تمام یا قسمتی از عملیات پیمانکاری موضوع بندهای (الف) و (ب) این ماده به اشخاص حقوقی پیمانکار ایرانی واگذار می‌گردد، پرداخت کننده وجه باید از هر پرداخت به پیمانکاران ایرانی دو و نیم درصد (۲/۵٪) به عنوان مالیات علی الحساب آن‌ها کسر و ظرف سی روز از تاریخ پرداخت به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز کند.

تبصره ۲- در مورد عملیات پیمانکاری موضوع بند (الف) این ماده در صورتی که کارفرما، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها باشند، آن قسمت از مبلغ قرارداد که از طریق خرید داخلی یا خارجی به مصرف خرید لوازم و تجهیزات می‌رسد مشروط بر آنکه در قرارداد یا اصلاحات و الحاقات بعدی آن مبالغ لوازم و تجهیزات به طور جدا از سایر اقلام قرارداد درج شده باشد از پرداخت مالیات معاف خواهد بود.

تبصره ۳- شعب و نمایندگی‌های شرکت‌ها و بانک‌های خارجی در ایران که بدون داشتن حق انجام دادن معامله به امر بازاریابی و جمع آوری اطلاعات اقتصادی در ایران برای شرکت مادر اشتغال دارند و برای جبران مخارج خود از شرکت مادر وجوهی دریافت می‌کنند نسبت به آن مشمول مالیات بر درآمد نخواهند بود.

تبصره ۴- در مواردی که پیمانکاران خارجی تمام یا قسمتی از پیمانکاری موضوع بند (الف) این ماده را به پیمانکاران دست دوم اشخاص حقوقی ایرانی واگذار کنند معادل آن مبلغ از لوازم و تجهیزات مذکور در قرارداد دست اول که توسط پیمانکار دست دوم خریداری می‌گردد از دریافتی پیمانکار دست اول از پرداخت مالیات بر درآمد معاف خواهد بود.

تبصره ۵- درآمد مشمول مالیات فعالیت‌های موضوع بند (الف) ماده (۱۰۷) این قانون که قرارداد پیمانکاری آن‌ها از ابتدای سال ۱۳۸۲ و به بعد منعقد می‌گردد طبق مقررات ماده (۱۰۶) این قانون تشخیص می‌گردد. حکم این تبصره نسبت به ادامه فعالیت‌های موضوع قراردادهای پیمانکاری که تاریخ انعقاد آن‌ها قبل از سال ۱۳۸۲ بوده است، جاری نخواهد بود.

ماده ۱۰۸- اندوخته‌هایی که مالیات آن تا تاریخ لازم الاجرا شدن این اصلاحیه پرداخت نشده در صورت انتقال به حساب سرمایه مشمول مالیات نخواهد بود، لیکن در صورت تقسیم یا انتقال به حساب سود و زیان یا کاهش سرمایه معادل اندوخته اضافه شده به حساب سرمایه، به درآمد مشمول مالیات سال تقسیم یا انتقال یا کاهش سرمایه اضافه می‌شود. این حکم شامل اندوخته‌های سود ناشی از فعالیت‌های معاف مؤسسه در دوران معافیت و اندوخته موضوع ماده (۱۳۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳ اسفند ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن تا تاریخ تصویب این اصلاحیه پس از احراز شرایط مربوط تا آن تاریخ نخواهد بود. اندوخته‌هایی که مالیات آن تا تاریخ لازم الاجرا شدن این اصلاحیه وصول گردیده در صورت تقسیم یا انتقال به حساب سود و زیان یا سرمایه یا انحلال مشمول مالیات دیگری نخواهد بود.

ماده ۱۰۹- درآمد مشمول مالیات در مورد مؤسسات بیمه ایرانی عبارت است از:

۱- ذخایر فنی در آخر سال مالی قبل

۲- حق بیمه دریافتی در معاملات بیمه مستقیم پس از کسر برگشتی‌ها و تخفیف‌ها

۳- حق بیمه بیمه‌های اتکایی وصولی پس از کسر برگشتی‌ها

- ۴ - کارمزد و مشارکت در سود معاملات بیمه‌های اتکایی واگذاری
 - ۵ - بهره سپرده‌های بیمه‌ی بیمه‌گر اتکایی نزد بیمه‌گر واگذارکننده
 - ۶ - سهم بیمه‌گران اتکایی بابت خسارت پرداختی بیمه‌های غیرزندگی، بازخرید، سرمایه و مستمری‌های بیمه‌های زندگی
 - ۷ - سایر درآمدها
- پس از کسر:
- ۱ - هزینه تمیر قراردادهای بیمه
 - ۲ - هزینه‌های پزشکی بیمه‌های زندگی
 - ۳ - کارمزدهای پرداختی از بابت معاملات بیمه مستقیم
 - ۴ - حق بیمه‌های اتکایی واگذاری
 - ۵ - سهم صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از حق بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث
 - ۶ - مبالغ پرداختی از بابت بازخرید و سرمایه و مستمری‌های بیمه زندگی و خسارت پرداختی از بابت بیمه‌های غیرزندگی
 - ۷ - سهم مشارکت بیمه‌گذاران در منافع
 - ۸ - کارمزدها و سهم مشارکت بیمه‌گران در سود معاملات بیمه‌های اتکایی قبولی
 - ۹ - بهره متعلق به سپرده‌های بیمه‌های اتکایی واگذاری
 - ۱۰ - ذخایر فنی در آخر سال مالی
 - ۱۱ - سایر هزینه‌ها و استهلاکات قابل قبول
- تبصره ۱ - انواع ذخایر فنی مؤسسات بیمه (اندوخته‌های فنی موضوع ماده ۶۱ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری) برای هر یک از رشته‌های بیمه و میزان و طرز محاسبه آن‌ها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که از طرف بیمه مرکزی ایران تهیه و پس از موافقت شورای عالی بیمه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید.
- تبصره ۲ - انواع ذخایر فنی بیمه مرکزی ایران برای هر یک از رشته‌های بیمه و میزان و طرز محاسبه آن‌ها از طرف مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران تعیین خواهد شد.
- تبصره ۳ - در معاملات بیمه مستقیم حق بیمه و کارمزدها و تخفیف حق بیمه و سهم مشارکت بیمه‌گذاران در منافع و نحوه احتساب آن‌ها با رعایت مقررات تعیین شده از طرف شورای عالی بیمه خواهد بود. کلیه اقلام مزبور به استثنای کارمزدها باید در قرارداد بیمه ذکر شده باشد.
- تبصره ۴ - اقلام مربوط به معاملات بیمه‌های اتکایی اعم از قبولی یا واگذاری بر اساس شرایط قراردادها و یا توافق‌های مؤسسات بیمه ذیربط خواهد بود.

تبصره ۵ - مؤسسات بیمه خارجی که با قبول بیمه اتکایی از مؤسسات بیمه ایرانی تحصیل درآمد می‌نمایند مشمول مالیاتی به نرخ دو درصد حق بیمه دریافتی و سود حاصل از سپرده مربوط در ایران می‌باشند. در صورتی که مؤسسات بیمه ایرانی در کشور متبوع مؤسسه بیمه گر اتکایی دارای فعالیت بیمه بوده و از پرداخت مالیات بر معاملات اتکایی معاف باشند مؤسسه مزبور نیز از پرداخت مالیات دولت ایران معاف خواهد شد. مؤسسات بیمه ایرانی مکلف‌اند در موقع تخصیص حق بیمه به نام بیمه گر اتکایی خارجی مشمول مالیات موضوع این تبصره دو درصد آن را به عنوان مالیات بیمه گراتکایی کسر نمایند و وجوه کسر شده در هر ماه را منتهی ظرف سی روز به ضمیمه صورتی حاوی مشخصات بیمه گر اتکایی و حق بیمه متعلق به حوزه مالیاتی مربوط ارسال و وجه مزبور را به حساب مالیاتی پرداخت نمایند.

ماده ۱۱۰ - اشخاص حقوقی مکلف‌اند اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر و اسناد و مدارک خود را حداکثر تا چهارماه پس از سال مالیاتی همراه با فهرست هویت شرکاء و سهامداران و حسب مورد میزان سهم الشرکه یا تعداد سهام و نشانی هر یک از آن‌ها را به اداره امور مالیاتی که محل فعالیت اصلی شخص حقوقی در آن واقع است تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند. پس از تسلیم اولین فهرست مزبور، تسلیم فهرست تغییرات در سنوات بعد کافی خواهد بود. محل تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران که در ایران دارای اقامتگاه یا نمایندگی نمی‌باشند تهران است.

حکم این ماده در مورد کارخانه داران و اشخاص حقوقی در دوران معافیت نیز جاری خواهد بود.

تبصره - اشخاص حقوقی نسبت به درآمدهایی که طبق مقررات این قانون نحوه دیگری برای تشخیص آن مقرر شده است مکلف به تسلیم اظهارنامه مالیاتی جداگانه که در فصل‌های مربوط پیش بینی شده است نیستند.

ماده ۱۱۱ - شرکت‌هایی که با تأسیس شرکت جدید یا با حفظ شخصیت حقوقی یک شرکت، در هم ادغام یا ترکیب می‌شوند از لحاظ مالیاتی مشمول مقررات زیر می‌باشند:

الف - تأسیس شرکت جدید یا افزایش سرمایه شرکت موجود تا سقف مجموع سرمایه‌های ثبت شده شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده از پرداخت دو در هزار حق تمبر موضوع ماده (۴۸) این قانون معاف است.

ب - انتقال دارایی‌های شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده به شرکت جدید یا شرکت موجود حسب مورد به ارزش دفتری مشمول مالیات مقرر در این قانون نخواهد بود.

ج - عملیات شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده در شرکت جدید یا شرکت موجود مشمول مالیات دوره‌ی انحلال موضوع بخش مالیات بر درآمد این قانون نخواهد بود.

د - استهلاك دارایی‌های منتقل شده به شرکت جدید یا شرکت موجود باید بر اساس روال قبل از ادغام یا ترکیب ادامه یابد.

ه - هر گاه در نتیجه ادغام یا ترکیب، درآمدی به هر یک از سهامداران در شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده تعلق گیرد طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود.

و - کلیه تعهدات و تکالیف مالیاتی شرکت‌های ادغام یا ترکیب شده به عهده‌ی شرکت جدید یا موجود حسب مورد می‌باشد.

ز - آیین نامه اجرایی این ماده حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این اصلاحیه به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۱۲ - حکم ماده (۹۹) و تبصره آن در مورد عملیات پیمانکاری اشخاص حقوقی اعم از ایرانی و خارجی جاری خواهد بود.

ماده ۱۱۳ - مالیات مؤسسات کشتیرانی و هواپیمایی خارجی بابت کرایه مسافر، حمل کالا و امثال آن‌ها از ایران به طور مقطوع عبارت است از پنج درصد کلیه وجوهی که از این بابت عاید آن‌ها خواهد شد اعم از این که وجوه مزبور در ایران یا در مقصد یا در بین راه دریافت شود.

نماینده‌ی یا شعب مؤسسات مذکور در ایران موظف‌اند تا بیستم هر ماه صورت وجوه دریافتی ماه قبل را به اداره امور مالیاتی محل تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند. مؤسسات مذکور از بابت این گونه درآمدها مشمول مالیات دیگری به عنوان مالیات بردرآمد نخواهند بود. هرگاه شعب یا نمایندگی‌های مذکور صورت‌های مقرر را به موقع تسلیم نکنند یا صورت ارسالی آن‌ها مطابق واقع نباشد در این صورت مالیات متعلق براساس تعداد مسافر و حجم محمولات علی‌الرأس تشخیص خواهد شد.

تبصره - در مواردی که مالیات متعلق بردرآمد مؤسسات کشتیرانی و هواپیمایی ایران در کشورهای دیگر بیش از پنج درصد کرایه دریافتی باشد با اعلام سازمان ذیربط ایرانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است مالیات شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی تابع کشورهای فوق را معادل نرخ مالیاتی آن‌ها افزایش دهد.

ماده ۱۱۴ - آخرین مدیر یا مدیران شخص حقوقی مشترکاً موظف‌اند قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی با سایر ارکان صلاحیت دار که برای اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال شخص حقوقی دعوت شده است اظهارنامه‌ای حاوی صورت دارایی و بدهی شخص حقوقی در تاریخ دعوت روی نمونه‌ای که بدین منظور از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌گردد، تنظیم و به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم نمایند. اظهارنامه‌ای که حداقل حاوی امضاء یا امضاهای مجاز و حسب مورد مهر مؤسسه بر طبق اساسنامه شخص حقوقی باشد برای اداره امور مالیاتی معتبر خواهد بود.

ماده ۱۱۵ - مأخذ محاسبه مالیات آخرین دوره‌ی عملیات اشخاص حقوقی که منحل می‌شوند ارزش دارایی شخص حقوقی است منهای بدهی‌ها و سرمایه پرداخت شده و اندوخته‌ها و مانده سودهایی که مالیات آن قبلاً پرداخت گردیده است.

تبصره ۱ - ارزش دارایی شخص حقوقی نسبت به آنچه قبلاً فروش رفته بر اساس بهای فروش و نسبت به بقیه بر اساس بهای روز انحلال تعیین می‌شود.

تبصره ۲ - چنانچه در بین دارایی‌های شخص حقوقی که منحل می‌شود، دارایی یا دارایی‌های موضوع فصل اول باب سوم این قانون و سهام یا سهم الشرکه یا حق تقدم سهام شرکت‌ها وجود داشته باشد و این دارایی یا دارایی‌ها حسب مورد در هنگام نقل و انتقال قطعی مشمول مقررات ماده (۵۹) و تبصره‌های ماده (۱۴۳) این قانون باشند، در تعیین مأخذ محاسبه مالیات آخرین دوره عملیات

اشخاص حقوقی منحل ارزش دفتری دارایی یا دارایی‌های مذکور جزو اقلام دارایی‌های شخص حقوقی منحل شده منظور نمی‌گردد و معادل همان ارزش دفتری از جمع سرمایه و بدهی‌ها کسر می‌گردد. مالیات متعلق به دارایی یا دارایی‌های مزبور حسب مورد بر اساس مقررات ماده (۵۹) و تبصره‌های ماده (۱۴۳) این قانون تعیین و مورد مطالبه قرار می‌گیرد.

تبصره ۳- آن قسمت از اموال اشخاص حقوقی منحل شده که براساس مقررات فوق در تاریخ انحلال مشمول مالیات مقطوع موضوع ماده (۵۹) و تبصره‌های ماده (۱۴۳) این قانون می‌باشند در اولین نقل و انتقال بعد از تاریخ انحلال مشمول مالیات نخواهند بود.

ماده ۱۱۶- مدیران تصفیه مکلف‌اند ظرف شش ماه از تاریخ انحلال (تاریخ ثبت انحلال شخص حقوقی در اداره ثبت شرکت‌ها) اظهارنامه مالیاتی مربوط به آخرین دوره عملیات شخص حقوقی را بر اساس ماده (۱۱۵) این قانون تنظیم و به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند.

تبصره- مالیات آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی که منحل می‌شوند با رعایت تبصره (۲) ماده (۱۱۵) این قانون به نرخ مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون محاسبه می‌گردد.

ماده ۱۱۷- اداره امور مالیاتی مکلف است برابر مقررات این قانون به اظهارنامه مربوط به آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی خارج از نوبت رسیدگی نموده و در صورتی که به مندرجات آن اعتراض داشته باشد حداکثر ظرف یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه، مالیات متعلق را به موجب برگ تشخیص تعیین و ابلاغ نماید و گرنه مالیات متعلق به اظهارنامه تسلیمی به وسیله مدیران تصفیه قطعی تلقی می‌گردد. در صورتی که بعداً معلوم گردد اقلامی از دارایی شخص حقوقی در اظهارنامه ذکر نشده است نسبت به آن قسمت که در اظهارنامه قید نشده در مهلت مقرر در تبصره ماده (۱۱۸) این قانون، مالیات مطالبه خواهد شد.

ماده ۱۱۸- تقسیم دارایی اشخاص حقوقی منحل شده قبل از تحصیل مفاصا حساب مالیاتی یا بدون سپردن تأمین معادل میزان مالیات مجاز نیست.

تبصره - آخرین مدیران شخص حقوقی در صورت عدم تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۱۱۴ این قانون یا تسلیم اظهارنامه خلاف واقع و مدیران تصفیه در صورت عدم رعایت مقررات موضوع ماده ۱۱۶ این قانون و این ماده و ضامن یا ضامن‌های شخص حقوقی و شرکا ضامن (موضوع قانون تجارت) متضامناً و کلیه کسانی که دارایی شخص حقوقی بین آنان تقسیم گردیده به نسبت سهمی که از دارایی شخص حقوقی نصیب آنان شده است مشمول پرداخت مالیات و جرایم متعلق به شخص حقوقی خواهد بود به شرط آنکه ظرف مهلت مقرر در ماده ۱۵۷ این قانون از تاریخ درج آگهی انحلال در روزنامه رسمی کشور مطالبه شده باشد.

مالیات در آمد اتفاقی:

ماده ۱۱۹- درآمد نقدی و یا غیرنقدی که شخص حقیقی یا حقوقی به صورت بلاعوض و یا از طریق معاملات محاباتی و یا به عنوان جایزه یا هر عنوان دیگر از این قبیل تحصیل می‌نماید مشمول مالیات اتفاقی به نرخ مقرر در ماده (۱۳۱) این قانون خواهد بود.

ماده ۱۲۰- درآمد مشمول مالیات موضوع این فصل عبارت است از:

صد درصد درآمد حاصله و در صورتی که غیر نقدی باشد، به بهای روز تحقق درآمد طبق مقررات این قانون تقویم می‌شود مگر در مورد املاکی که در اجرای مفاد ماده (۶۴) این قانون برای آن‌ها ارزش معاملاتی تعیین شده است که در این صورت ارزش معاملاتی مأخذ محاسبه مالیات قرار خواهد گرفت.

تبصره - در مورد صلح معوض و هبه معوض به استثنای مواردی که مشمول ماده ۶۳ این قانون می‌باشد درآمد مشمول مالیات موضوع این فصل عبارت خواهد بود از مابه التفاوت ارزش عوضین که براساس مقررات این ماده تعیین می‌شود نسبت به طرف معامله ای که از آن منتفع شده است.

ماده ۱۲۱- صلح با شرط خیار فسخ و هبه با حق رجوع از نظر مالیاتی قطعی تلقی می‌گردد ولی در صورتی که ظرف شش ماه از تاریخ وقوع عقد معامله فسخ یا اقاله یا رجوع شود، وجوهی که به عنوان مالیات موضوع این فصل وصول شده است قابل استرداد می‌باشد.

در این صورت اگر در فاصله بین وقوع عقد و فسخ یا اقاله یا رجوع منتقل الیه از منافع آن استفاده کرده باشد نسبت به آن منافع مشمول مالیات این فصل خواهد بود.

ماده ۱۲۲- در مورد صلح مالی که منافع آن مادام العمر یا برای مدت معین به مصالح یا شخص ثالث اختصاص داده می‌شود بهای مال به مأخذ جمع ارزش عین و منفعت در تاریخ تعلق منافع، مأخذ مالیات متصالح در تاریخ مزبور خواهد بود.

تبصره - در صورتی که قبل از تاریخ تعلق منفعت انتقالی صورت گیرد قیمت مذکور در سند مأخذ مالیات انتقال دهنده قرار خواهد گرفت که طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود لیکن مأخذ مالیات آخرین انتقال گیرنده عین که منافع مال نیز به او تعلق بگیرد عبارت خواهد بود از ما به التفاوت بهای مال به شرح حکم فوق و مبلغی که طبق سند پرداخته است.

ماده ۱۲۳- در صورتی که منافع مالی به طور دائم یا موقت بلاعوض به کسی واگذار شود انتقال گیرنده مکلف است مالیات منافع هر سال را در سال بعد پرداخت نماید.

ماده ۱۲۴- مال مورد وصیت به نفع اشخاص معین در حدودی که وصیت قانوناً نافذ است بعد از قطعی شدن آن در مورد وراثت به سهم الارث آن‌ها اضافه و مشمول مالیات برارث می‌باشد و در مورد غیر وراثت نسبت به کل آن مشمول مالیات این فصل خواهد بود.

ماده ۱۲۵- انتقالی که طبق مقررات فصل مالیات برارث مشمول مالیات می‌باشد مشمول مالیات این بخش نخواهد بود.

ماده ۱۲۶- صاحبان درآمد موضوع این فصل مکلف‌اند در هر سال اظهارنامه مالیاتی خود را در مورد منافع موضوع ماده (۱۲۳) این قانون تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد و در سایر موارد ظرف سی روز از تاریخ تحصیل درآمد یا تعلق منافع به اداره امور مالیاتی

مربوط تسلیم و مالیات متعلق را پردازند. در صورتی که معامله در دفاتر اسناد رسمی انجام و مالیات وصول شده باشد تکلیف تسلیم اظهارنامه ساقط می‌شود.

ماده ۱۲۷ - موارد زیر مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود:

الف - کمک‌های نقدی و غیرنقدی بلاعوض سازمان‌های خیریه یا عام‌المنفعه یا وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی به اشخاص حقیقی غیر از مواردیکه مشمول مالیات فصل حقوق است.

ب - وجوه یا کمک‌های مالی اهدایی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش سوزی و یا حوادث غیر مترقبه دیگر.

ج - جوایزی که دولت برای تشویق صادرات و تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می‌نماید.

تبصره - ضوابط اجرایی بندهای (الف) و (ب) طبق آیین‌نامه ای خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور تهیه خواهد شد.

ماده ۱۲۸ - درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی ناشی از درآمدهای اتفاقی از طریق رسیدگی به دفاتر تشخیص خواهد شد و مالیات‌هایی که طبق مقررات این فصل در منبع پرداخت می‌گردد به عنوان پیش پرداخت مالیات آن‌ها منظور خواهد شد.

مالیات بر جمع درآمد ناشی از منابع مختلف:

ماده ۱۳۱ - نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می‌باشد به شرح زیر است:

تا میزان سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ پانزده درصد (۱۵٪)

تا میزان یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه، نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست درصد (۲۰٪)

تا میزان دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه، نسبت به مازاد یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪)

تا میزان یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه، نسبت به مازاد دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ سی درصد (۳۰٪)

نسبت به مازاد یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ سی و پنج درصد (۳۵٪)

معافیت‌های مالیاتی: ۱۵

ماده ۱۳۲^{۱۶} - درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی در واحدهای تولیدی یا معدنی در بخش‌های تعاونی و خصوصی که از اول سال ۱۳۸۱ به بعد از طرف وزارتخانه‌های ذیربط برای آن‌ها پروانه بهره برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می‌شود، از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) و به مدت چهار سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صد در صد (۱۰۰٪) و به مدت ده سال^{۱۷} از مالیات موضوع ماده (۱۰۵) این قانون معاف هستند.

تبصره ۱ - فهرست مناطق کمتر توسعه یافته برای بقیه مدت برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین در آغاز هر دوره برنامه توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره ۲ - معافیت‌های موضوع این ماده شامل درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز تهران و پنجاه کیلومتری مرکز اصفهان و سی کیلومتری مراکز استان‌ها و شهرهای دارای بیش از سیصد هزار نفر جمعیت براساس آخرین سرشماری به استثنای شهرک‌های صنعتی استقرار یافته در شعاع سی کیلومتری مراکز استان‌ها و شهرهای مذکور نخواهد بود.

تبصره ۳ - کلیه تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی دارای پروانه بهره برداری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر سال از پرداخت ۵۰ درصد مالیات متعلق معاف هستند.

تبصره ۴ - ضوابط مربوط به تعیین تاریخ شروع بهره برداری واحدهای معاف موضوع این ماده و همچنین تعیین محدوده موضوع تبصره (۲) این ماده توسط وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن تعیین و اعلام می‌گردد.

ماده ۱۳۳ - صد در صد درآمد شرکت‌های تعاونی روستائی، عشائری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش آموزان و اتحادیه‌های آن‌ها از مالیات معاف است.

تبصره - دولت مکلف است معادل مالیات بردرآمد متعلق به آن قسمت از سود ابرازی سازمان مرکزی تعاون روستائی ایران را که با تصویب مجمع عمومی برای سرمایه گذاری در شرکت‌های تعاونی روستائی اختصاص داده می‌شود، پس از وصول و واریز آن به

^{۱۵} برابر صورتجلسه شماره ۲۰۱/۸۹۹۳ مورخه ۱۳/۰۶/۱۳۹۰ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی، معافیت مالیاتی مصرح در مواد ۱۳۲ و ۱۳۸ ق.م.م به موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و یا بخش عمومی غیر دولتی قابل تسری نمی‌باشد.

^{۱۶} براساس بند ب ماده ۱۵۹ قانون برنامه پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران، میزان معافیت مالیاتی واحدهای صنعتی و معدنی مناطق کمتر توسعه یافته تا سقف معافیت‌های منظور شده در مناطق آزاد تجاری - صنعتی افزایش یافته است.

^{۱۷} مطابق ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی، اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز فعالیت، به مدت بیست سال (۲۰) از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم معاف خواهند بود.

حساب درآمد عمومی کشور، از محل اعتبار ردیف خاصی که به همین منظور در قانون بودجه کل کشور پیش بینی می‌شود در وجه سازمان مذکور مسترد نماید.

ماده ۱۳۴- درآمد حاصل از تعلیم و تربیت مدارس غیرانتفاعی اعم از ابتدائی، راهنمایی، متوسطه، فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیر انتفاعی و درآمد مؤسسات نگهداری معلولین ذهنی و حرکتی بابت نگهداری اشخاص مذکور که حسب مورد دارای پروانه فعالیت از مراجع ذیربط هستند، همچنین درآمد باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی دارای مجوز از سازمان تربیت بدنی حاصل از فعالیت‌های منحصراً ورزشی از پرداخت مالیات معاف است. آیین نامه اجرائی این ماده به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۳۶- وجوه پرداختی بابت بیمه عمر از طرف مؤسسات بیمه که به موجب قراردادهای منعقد شده بیمه عاید ذینفع می‌شود از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۷- هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود و یا همسر، اولاد، پدر، مادر، برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی به شرط این که اگر دریافت کننده مؤسسه درمانی یا پزشک مقیم ایران باشد دریافت وجه را گواهی نماید و چنانچه به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به علت فقدان امکانات لازم معالجه در خارج از ایران صورت گرفته است پرداخت هزینه مزبور به گواهی مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در کشور محل معالجه یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت بیمه عمر و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد. در مورد معلولان و بیماران خاص و صعب‌العلاج علاوه بر هزینه‌های مذکور هزینه مراقبت و توانبخشی آنان نیز قابل کسر از درآمد مشمول مالیات معلول یا بیمار یا شخصی که تکفل او را عهده دار است می‌باشد.

ماده ۱۳۸^{۱۸}- آن قسمت از سود ابرازی شرکت‌های تعاونی و خصوصی که برای توسعه و بازسازی و نوسازی یا تکمیل واحدهای موجود صنعتی و معدنی خود یا ایجاد واحدهای جدید صنعتی یا معدنی در آن سال مصرف گردد از ۵۰ درصد مالیات متعلق موضوع ماده ۱۰۵ این قانون معاف خواهد بود مشروط بر این که قبلاً اجازه توسعه یا تکمیل یا ایجاد واحد صنعتی و یا معدنی جدید در قالب طرح سرمایه گذاری معین از وزارتخانه ذیربط تحصیل شده باشد. در صورتی که هزینه اجرای طرح یا طرح‌های یادشده در هر سال مازاد بر سود ابرازی همان سال باشد و یا از هزینه طرح سرمایه گذاری کمتر باشد شرکت می‌تواند از معافیت مذکور در محاسبه مالیات سود ابرازی سال‌های بعد حداکثر به مدت سه سال و به میزان مازاد مذکور و یا باقی مانده هزینه اجرای کامل طرح بهره مند شود.

تبصره ۱- در صورتی که شرکت، قبل از تکمیل، اجرا طرح را متوقف نماید یا ظرف یک سال پس از مهلت تعیین شده در طرح سرمایه گذاری، آن را به بهره برداری نرساند، یا ظرف پنج سال پس از شروع بهره برداری آن را تعطیل، منحل یا منتقل نماید معادل

^{۱۸} مطابق با ماده ۱۵۹ قانون برنامه پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران، به منظور تسهیل و تشویق سرمایه گذاری صنعتی و معدنی در کشور، معافیت موضوع ماده (۱۳۸) قانون مالیاتهای مستقیم و اصلاحات بعدی در طول برنامه به میزان پانزده واحد درصد (۱۵٪) افزایش می‌یابد.

معافیت‌های مالیاتی منظور شده در این ماده برای اجرای طرح و جرائم متعلقه موضوع ماده ۱۹۰ این قانون از شرکت وصول خواهد شد.

تبصره ۲- واحدهای صنعتی جدید که با استفاده از معافیت‌های مندرج در این ماده تاسیس می‌شوند نمی‌توانند از معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ این قانون استفاده نمایند.

تبصره ۳- کارخانه‌های واقع در محدوده آبریز تهران که تعداد کارکنان آن‌ها کمتر از ۵۰ نفر نباشند در صورتی که تاسیسات خود را کلاً به خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران انتقال دهند براساس ضوابطی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت ذیربط حسب مورد برقرار می‌شود تا ده سال از تاریخ بهره برداری در محل جدید از پرداخت مالیات بردرآمد ناشی از فعالیت صنعتی مربوط معاف خواهند بود.

تبصره ۴- از نظر این قانون محدوده آبریز تهران شامل منطقه آبریز غربی رودخانه حبله رود گرمسار و منطقه آبریز شرقی رودخانه زیاران و کلیه مناطق رودخانه‌های دماوند، جاجرود، دارآباد، دربند، اوین، فرحزاد، کن، کرج و کردان بوده و حدود آن عبارت است از:

شمالاً: خط الراس کوه‌های البرز که آب آن به رشته کویر مرکزی جاری می‌شود.

شرقاً: ساحل غربی رودخانه حبله رود گرمسار.

غرباً: ساحل شرقی رودخانه زیاران.

جنوباً: خطوط ممتد از غرب به شرق از محل تقاطع رودخانه زیاران با رودخانه شور تا خط القعر دریاچه نمک به سمت غرب تا محل تقاطع با مسیر حبله رود گرمسار.

ماده ۱۳۹-

الف - موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی آستان قدس رضوی، آستان حضرت عبد العظیم الحسنی (ع)، آستانه حضرت معصومه، آستان حضرت احمد ابن موسی (شاه چراغ)، آستان مقدس حضرت امام خمینی (ره)، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و سایر بقاع متبرکه که از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص سایر بقاع متبرکه به عهده سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد.

ب - کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از پرداخت مالیات معاف است.

ج - کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی صندوق‌های پس انداز بازنشستگی و سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تأمین اجتماعی و همچنین حق بیمه و حق بازنشستگی سهم کارکنان و کارفرما و جریمه‌های دریافتی مربوط توسط آن‌ها از پرداخت مالیات معاف است.

د- کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی مدارس علوم اسلامی از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص مدارس علوم اسلامی با شورای مدیریت حوزه علمیه قم می‌باشد.

ه- کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی نهادهای انقلاب اسلامی از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص نهادهای انقلاب اسلامی با هیأت وزیران می‌باشد.

و- آن قسمت از درآمد صندوق عمران موقوفات کشور که به مصرف عمران موقوفات برسد از پرداخت مالیات معاف است.

ز- درآمد اشخاص از محل وجوه به ریه ولی فقیه، خمس و زکات از پرداخت مالیات معاف است.

ح - آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی، علمی، دینی، فنی، اختراعات، اکتشافات، تعلیم و تربیت و بهداشت و درمان، بنا و تعمیر و نگهداری مساجد و مصالها و حوزه‌های علمیه و مدارس علوم اسلامی و مدارس و دانشگاه‌های دولتی، مراسم عزیه و اطعام، تعمیر آثار باستانی، امور عمرانی و آبادانی، هزینه یا وام تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان، کمک به مستضعفان و آسیب دیدگان حوادث ناشی از سیل و زلزله، آتش سوزی، جنگ و حوادث غیر مترقبه دیگر برسد، مشروط بر اینکه درآمد و هزینه‌های مزبور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه رسیده باشد، از پرداخت مالیات معاف است.

ط - کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه که به ثبت رسیده‌اند، مشروط بر این که به موجب اساسنامه آن‌ها صرف امور مذکور در بند (ح) این ماده شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه‌ی آن‌ها نظارت کند، از پرداخت مالیات معاف است.

ی - کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی و همچنین حق عضویت اعضا مجامع حرفه‌ای، احزاب و انجمن‌ها و تشکل‌های غیر دولتی که دارای مجوز از مراجع ذیربط باشند و وجوهی که به موجب قانون و مقررات مربوط از درآمد یا حق الزحمه اعضا آن‌ها کسر و به حساب مجامع مزبور واریز می‌شود، از پرداخت مالیات معاف است.

ک - موقوفات و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی انجمن‌ها و هیأت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط بر اینکه رسمیت آن‌ها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است.

ل - فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌شوند، از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره ۱- وجوهی که از فعالیت‌های غیر انتفاعی و به منظور پیشبرد اهداف و وظایف اشخاص موضوع این ماده از راه برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارها، نشر کتاب و نشریه‌های دوره‌ای و... در چارچوب اساسنامه آن‌ها تحصیل می‌شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه آن‌ها نظارت می‌کند، از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره ۲- حکم تبصره (۲) ماده (۲) این قانون در مورد درآمد مشمول مالیات اشخاص موضوع این ماده جاری می‌باشد.

تبصره ۳- آئین نامه اجرائی موضوع این ماده به وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۴- مفاد این ماده در مواردی که از طرف حضرت امام خمینی (ره) یا مقام معظم رهبری دارای مجوز می‌باشند بر اساس نظر مقام معظم رهبری انجام می‌گیرد.

ماده ۱۴۱-

الف - صددرصد درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده کالاهای صنعتی و محصولات بخش کشاورزی (شامل محصولات زراعی، باغی، دام و طیور، شیلات، جنگل و مرتع) و صنایع تبدیلی و تکمیلی آن و پنجاه درصد درآمد حاصل از صادرات سایر کالاهایی که به منظور دست یافتن به اهداف صادرات کالاهای غیر نفتی به خارج از کشور صادر می‌شوند از شمول مالیات معاف هستند.

فهرست کالاهای مشمول این ماده در طول هر برنامه به پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کشاورزی و جهاد سازندگی و وزارتخانه‌های صنعتی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ب - صددرصد درآمد حاصل از صادرات کالاهای مختلف که به صورت ترانزیت به ایران وارد شده یا می‌شوند و بدون تغییر در ماهیت یا با انجام کاری بر روی آن صادر می‌شوند از شمول مالیات معاف است.

تبصره - زیان حاصل از صدور کالاهای معاف از مالیات در مورد کسانی که غیر از امور صادراتی فعالیت دیگری هم دارند، در محاسبه مالیات سایر فعالیت‌های آنان منظور نخواهد شد.

ماده ۱۴۲- درآمد کارگاه‌های فرش دستباف و صنایع دستی و شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تولیدی مربوطه از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۴۳- شرکت‌هایی که سهام آن‌ها طبق قانون مربوط از طرف هیأت پذیرش برای معامله در بورس قبول می‌شود از سال پذیرش تا سالی که از فهرست نرخ‌ها در بورس حذف نشده در صورتی که کلیه نقل و انتقالات سهام از طریق کارگزاران بورس انجام و در دفاتر مربوط ثبت گردد معادل ۱۰ درصد مالیات آن‌ها بخشوده می‌شود.

^{۱۹} به موجب ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های اصل چهارم و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵، متن ماده ۱۴۳ اصلاح، تبصره (۱) ماده (۱۴۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن حذف و تبصره‌های (۲) و (۳) به عنوان تبصره‌های (۱) و (۲) ابقاء گردید؛ که از تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۵ لازم‌الاجرا می‌باشد. (رجوع شود به متن قانون مذکور در متن همین مرقومه).

تبصره ۱- از هر نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام شرکت‌ها در بورس و همچنین سایر اوراق بهاداری که در بورس معامله می‌شوند، مالیات مقطوعی به میزان نیم درصد ارزش فروش سهام و حق تقدم سهام وصول و از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بردرآمد نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام مطالبه نخواهد شد.

کارگزاران بورس مکلف‌اند مالیات مزبور را به هنگام هر انتقال از انتقال دهنده وصول و به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند و طرف مدت ده روز از تاریخ انتقال رسید آن را به همراه فهرستی حاوی تعداد و مبلغ فروش سهام و حق تقدم سهام مورد انتقال به اداره امور مالیاتی محل ارسال دارند.

تبصره ۲- از هر نقل و انتقال سهام و سهم الشرکه و حق تقدم سهام و سهم الشرکه شرکا در سایر شرکت‌ها مالیات مقطوعی به میزان چهار درصد ارزش اسمی آن‌ها وصول می‌شود. از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بردرآمد نقل و انتقال فوق مطالبه نخواهد شد. انتقال دهندگان سهام و سهم الشرکه و حق تقدم سهام مکلف‌اند قبل از انتقال مالیات متعلق را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز کنند.

ادارات ثبت یا دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند در موقع ثبت تغییرات یا تنظیم سند انتقال حسب مورد گواهی پرداخت مالیات متعلق را اخذ و ضمیمه پرونده مربوط به ثبت یا انتقال کنند.

تبصره ۳- در شرکت‌های سهامی پذیرفته شده در بورس اندوخته صرف سهام مشمول مالیات مقطوع به نرخ نیم درصد خواهد بود و به این درآمد مالیات دیگری تعلق نمی‌گیرد. شرکت‌ها مکلف‌اند ظرف سی روز از تاریخ ثبت افزایش سرمایه آن را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز کنند.

ماده ۱۴۳ مکرر^{۲۰} - حذف شده است.

ماده ۱۴۴- جهیزیه منقول و مهریه اعم از منقول و غیرمنقول و جوایز علمی و بورس‌های تحصیلی و همچنین درآمدی که بابت حق اختراع یا حق اکتشاف عاید مخترعین و مکشفین می‌گردد به طور کلی و نیز درآمد ناشی از فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی مراکزی که دارای پروانه تحقیق از وزارتخانه‌های ذیصلاح می‌باشند، به مدت ده سال از تاریخ اجرای این اصلاحیه طبق ضوابط مقرر در آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، از پرداخت مالیات معاف می‌باشد.

ماده ۱۴۵- سود دریافتی به هر عنوان در موارد زیر از پرداخت مالیات معاف است:

۱ - سود متعلق به سپرده‌های مربوط به کسور بازنشستگی و پس انداز کارمندان و کارگران نزد بانک‌های ایرانی در حدود مقررات استخدامی مربوطه.

^{۲۰} به موجب ماده ۷ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های اصل چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵، ماده ۱۴۳ مکرر و چهار تبصره ذیل آن به قانون الحاق شده است. (که از تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۵ لازم‌الاجرا می‌باشد). (رجوع شود به متن قانون مذکور در متن همین مرقومه).

۲- سود یا جوایز متعلق به حساب‌های پس انداز و سپرده‌های مختلف نزد بانک‌های ایرانی یا مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز. این معافیت شامل سپرده‌هایی که بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز نزد هم می‌گذارند نخواهد بود.

۳- جوایز متعلق به اوراق قرضه دولتی و اسناد خزانه.

۴- سود پرداختی بانک‌های ایرانی به بانک‌های خارج از ایران بابت اضافه برداشت (اوردرافت) و سپرده ثابت به شرط معامله متقابل.

۵- سود و جوایز متعلق به اوراق مشارکت.

تبصره - در مواردی که در قانون مالیات‌های مستقیم به بانک‌ها اشاره می‌شود امتیازات، تسهیلات، ترجیحات و تکالیف ذکر شده شامل مؤسسات اعتباری غیر بانکی که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تاسیس شده‌اند یا می‌شوند نیز خواهد شد.

ماده ۱۴۶- کلیه معافیت‌های مدت دار که به موجب قوانین مالیاتی و مقررات قبلی مقرر شده است با رعایت مقررات مربوط تا انقضا مدت به قوت خود باقی است.

تبصره - مالیات سود متعلق به قبوض اقساطی اصلاحات ارضی کماکان بخشوده خواهد بود.

هزینه‌های قابل قبول و استهلاک:

ماده ۱۴۷- هزینه‌های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات به شرحی که ضمن مقررات این قانون مقرر می‌گردد عبارت است از:

هزینه‌هایی که در حدود متعارف متکی به مدارک بوده و منحصراً مربوط به تحصیل درآمد مؤسسه در دوره مالی مربوط با رعایت حد نصاب‌های مقرر باشد. در مواردی که هزینه‌ای در این قانون پیش بینی نشده یا بیش از نصاب‌های مقرر در این قانون بوده ولی پرداخت آن به موجب قانون و یا مصوبه هیأت وزیران صورت گرفته باشد قابل قبول خواهد بود.

تبصره - از لحاظ مقررات این فصل مؤسسه عبارت است از کلیه اشخاص حقوقی و همچنین صاحبان مشاغل موضوع بندهای الف و ب ماده ۹۵ این قانون.

ماده ۱۴۸- هزینه‌هایی که حائز شرایط مذکور در ماده فوق می‌باشد به شرح زیر در حساب مالیاتی قابل قبول است:

۱- قیمت خرید کالای فروخته شده و یا قیمت خرید مواد مصرفی در کالا و خدمات فروخته شده

۲- هزینه‌های استخدامی متناسب با خدمت کارکنان براساس مقررات استخدامی مؤسسه به شرح زیر:

الف - حقوق یا مزد اصلی و مزایای مستمر اعم از نقدی یا غیر نقدی (مزایای غیر نقدی به قیمت تمام شده برای کارفرما).

ب - مزایای غیر مستمر اعم از نقدی و غیر نقدی از قبیل خواربار، بهره وری، پاداش، عیدی، اضافه کار، هزینه سفر و فوق العاده مسافرت. نصاب هزینه سفر و فوق العاده مسافرت مدیران و بازرسان و کارکنان به خارج از ایران به منظور رفع حوائج مؤسسه ذریبط طبق آیین نامه ای خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد تعیین خواهد شد.

ج - هزینه‌های بهداشتی و درمانی و وجوه پرداختی بابت بیمه‌های بهداشتی و عمر و حوادث ناشی از کار کارکنان.

د - حقوق بازنشستگی، وظیفه، پایان خدمت طبق مقررات استخدامی مؤسسه و خسارت اخراج و بازخرید طبق قوانین موضوعه مازاد بر مانده حساب ذخیره مربوط.

ه - وجوه پرداختی به سازمان تأمین اجتماعی طبق مقررات مربوط و همچنین تا میزان سه درصد حقوق پرداختی سالانه بابت پس انداز کارکنان براساس آیین نامه ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

و - معادل یک ماه آخرین حقوق و دستمزد و همچنین ما به التفاوت تعدیل حقوق سنوات قبل که به منظور تأمین حقوق بازنشستگی و وظیفه و مزایای پایان خدمت، خسارت اخراج و بازخرید کارکنان مؤسسه ذخیره می‌شود. این حکم نسبت به ذخائری که تا کنون در حساب بانک‌ها نگهداری شده است نیز جاری خواهد بود.

۳ - کرایه محل مؤسسه در صورتی که اجاری باشد مال الاجاره پرداختی طبق سند رسمی و در غیر اینصورت در حدود متعارف.

۴ - اجاره بهای ماشین آلات و ادوات مربوط به مؤسسه در صورتی که اجاری باشد.

۵ - مخارج سوخت، برق، روشنایی، آب و مخابرات و ارتباطات.

۶ - وجوه پرداختی بابت انواع بیمه مربوط به عملیات و دارایی مؤسسه.

۷ - حق الامتیاز پرداختی و همچنین حقوق و عوارض و مالیات‌هایی که به سبب فعالیت مؤسسه به شهرداری‌ها و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به آن‌ها پرداخت می‌شود (به استثنای مالیات بر درآمد و ملحقات آن و سایر مالیات‌هایی که مؤسسه به موجب مقررات این قانون ملزم به کسر از دیگران و پرداخت آن می‌باشد و همچنین جرایمی که به دولت و شهرداری‌ها پرداخت می‌گردد).

۸ - هزینه‌های تحقیقاتی، آزمایشی و آموزشی، خرید کتاب و نشریات و لوح‌های فشرده، هزینه‌های بازاریابی، تبلیغات و نمایشگاهی مربوط به فعالیت مؤسسه براساس آیین نامه ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

۹ - هزینه‌های مربوط به جبران خسارت وارده مربوط به فعالیت و دارایی مؤسسه مشروط بر اینکه:

اولاً - وجود خسارت محقق باشد.

ثانیاً - موضوع و میزان آن مشخص باشد.

ثالثاً - طبق مقررات قانون یا قراردادهای موجود جبران آن به عهده دیگری نبوده یا در هر صورت از طریق دیگر جبران نشده باشد. آیین نامه احراز شروط سه گانه مذکور در این بند به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

۱۰ - هزینه‌های فرهنگی و ورزشی و رفاهی کارگران پرداختی به وزارت کار و امور اجتماعی حداکثر معادل ده هزار ریال به ازای هر کارگر.

۱۱ - ذخیره مطالباتی که وصول آن مشکوک باشد مشروط بر اینکه:

اولاً - مربوط به فعالیت مؤسسه باشد.

ثانیاً - احتمال غالب برای لاوصول ماندن آن موجود باشد.

ثالثاً - در دفاتر مؤسسه به حساب مخصوص منظور شده باشد تا زمانی که طلب وصول گردد یا لاوصول بودن آن محقق شود. آیین نامه مربوط به این بند به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

۱۲ - زیان اشخاص حقیقی و حقوقی که از طریق رسیدگی به دفاتر آن‌ها و با توجه به مقررات احراز گردد، از درآمد سال یا سال‌های بعد استهلاک پذیر است.

۱۳ - هزینه‌های جزئی مربوط به محل مؤسسه که عرفاً به عهده مستاجر است در صورتیکه اجاری باشد.

۱۴ - هزینه‌های مربوط به حفظ و نگهداری محل مؤسسه در صورتی که ملکی باشد.

۱۵ - مخارج حمل و نقل.

۱۶ - هزینه‌های ایاب و ذهاب، پذیرائی و انبارداری.

۱۷ - حق الزحمه‌های پرداختی متناسب با کار انجام شده از قبیل حق العمل دلالی، حق الوکاله، حق المشاوره، حق حضور، هزینه حسابرسی و خدمات مالی و اداری و بازرسی، هزینه نرم افزاری، طراحی و استقرار سیستم‌های مورد نیاز مؤسسه، سایر هزینه‌های کارشناسی در ارتباط با فعالیت مؤسسه و حق الزحمه بازرس قانونی.

۱۸ - سود و کارمزدی که برای انجام دادن عملیات مؤسسه به بانک‌ها، صندوق تعاون و همچنین مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز پرداخت شده یا تخصیص یافته باشد.

۱۹ - بهای ملزومات اداری و لوازمی که معمولاً ظرف یک سال از بین می‌روند.

- ۲۰ - مخارج تعمیر و نگاهداری ماشین آلات و لوازم کار و تعویض قطعات یدکی که به عنوان تعمیر اساسی تلقی نگردد.
- ۲۱ - هزینه‌های اکتشاف معادن که منجر به بهره برداری نشده باشد.
- ۲۲ - هزینه‌های مربوط به حق عضویت و حق اشتراک پرداختی مربوط به فعالیت مؤسسه.
- ۲۳ - مطالبات لاوصول به شرط اثبات آن از طرف مؤدی مازاد بر مانده حساب ذخیره مشکوک الوصول.
- ۲۴ - زیان حاصل از تسعیر ارز براساس اصول متداول حسابداری مشروط بر اتخاذ یک روش یکنواخت طی سال‌های مختلف از طرف مؤدی.
- ۲۵ - ضایعات متعارف تولید.
- ۲۶ - ذخیره مربوط به هزینه‌های پرداختنی قابل قبول که به سال مورد رسیدگی ارتباط دارد.
- ۲۷ - هزینه‌های قابل قبول مربوط به سال‌های قبلی که پرداخت یا تخصیص آن در سال مالیاتی مورد رسیدگی تحقق می‌یابد.
- ۲۸ - هزینه خرید کتاب و سایر کالاهای فرهنگی هنری برای کارکنان و افراد تحت تکفل آن‌ها تا میزان حداکثر ۵ درصد معافیت مالیاتی موضوع ماده ۸۴ این قانون به ازای هر نفر.
- تبصره ۱- هزینه‌های دیگر که مربوط به تحصیل درآمد مؤسسه تشخیص داده می‌شود و در این ماده پیش بینی نشده است به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور و تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی جز هزینه‌های قابل قبول پذیرفته خواهد شد.
- تبصره ۲- مدیران و صاحبان سرمایه اشخاص حقوقی در صورتی که دارای شغل موظف در مؤسسات مذکور باشند جزء کارکنان مؤسسه محسوب خواهند شد ولی در مؤسساتی که غیر اشخاص حقوقی باشند حقوق و مزایای صاحب مؤسسه و اولاد تحت تکفل و همسر نامبرده به استثنای هزینه سفر و فوق العاده مسافرت مربوط به شغل که مشمول مقررات جز ب بند ۲ این ماده خواهد بود جزء هزینه‌های قابل قبول منظور نخواهد شد.
- تبصره ۳- در محاسبه مالیات شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی، ذخایر موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۵ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های بعدی آن و در مورد شرکت‌ها و اتحادیه‌هایی که وضعیت خود را با قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳ شهریور ۱۳۷۰ تطبیق داده‌اند یا بدهند ذخیره موضوع بند ۱ و حق تعاون و آموزش موضوع بند ۳ ماده ۲۵ قانون اخیر الذکر جزء هزینه محسوب می‌شود.
- ماده ۱۴۹- در تشخیص درآمد مشمول مالیات محاسبه استهلاکات دارایی و هزینه‌های تاسیس و سرمایه‌ای با رعایت اصول زیر انجام می‌شود:

۱- آن قسمت از دارایی ثابت که بر اثر استعمال یا گذشت زمان یا سایر عوامل بدون توجه به تغییر قیمت‌ها ارزش آن تقلیل می‌یابد قابل استهلاک است.

۲- مأخذ استهلاک، قیمت تمام شده دارایی می‌باشد.

۳- استهلاکات از تاریخی محاسبه می‌شود که دارایی قابل استهلاک آماده برای بهره برداری، در اختیار مؤسسه قرار می‌گیرد. در صورتی که دارایی قابل استهلاک به استثنای فیلم‌های سینمایی وارده از خارج از کشور که از تاریخ اولین نمایش قابل استهلاک خواهد بود در خلال ماه در اختیار مؤسسه قرار گیرد، ماه مزبور در محاسبه منظور نخواهد شد. در مورد کارخانجات، دوره بهره برداری آزمایشی جزء بهره برداری محسوب نمی‌گردد.

۴- هزینه‌های تأسیس از قبیل مخارج ثبت مؤسسه و حق مشاوره و نظایر آن هزینه‌های زاید بردرآمد (دوره قبل از بهره برداری و دوره بهره برداری آزمایشی) جز در مواردی که ضمن جدول مقرر در ماده ۱۵۱ این قانون تصریح خواهد شد حداکثر تا مدت ده سال از تاریخ بهره برداری به طور مساوی قابل استهلاک است.

۵- در صورتی که بر اثر فروش مال قابل استهلاک یا مسلوب المنفعه شدن ماشین آلات زیانی متوجه مؤسسه گردد زیان حاصل معادل ارزش مستهلک نشده دارایی منهای حاصل فروش (در صورت فروش) یک جا قابل احتساب در حساب سود و زیان همان سال می‌باشد.

تبصره - در مورد محاسبه مالیات تهیه کنندگان فیلم‌های ایرانی که در ایران تهیه می‌شود قیمت تمام شده فیلم در سال اول بهره برداری و در صورتی که درآمد فیلم تکافو نکند در سال‌های بعد در محاسبه درآمد مشمول مالیات منظور خواهد شد.

ماده ۱۵۰- طرز محاسبه استهلاک به شرح زیر است:

الف - در مواردی که طبق جدول مذکور در ماده ۱۵۱ این قانون برای استهلاک نرخ تعیین شود نرخ‌ها ثابت بوده و در هر سال ما به التفاوت قیمت تمام شده مال مورد استهلاک و مبلغی که در سال‌های قبل برای آن به عنوان استهلاک منظور شده است اعمال می‌گردد.

ب - در مواردی که طبق جدول مذکور در ماده ۱۵۱ این قانون مدت تعیین شده، در هر سال به طور مساوی از قیمت تمام شده مال به نسبت مدت مقرر استهلاک منظور می‌گردد.

تبصره ۱- هزینه مربوط به تغییر یا تعمیر اساسی دارایی قابل استهلاک جز قیمت تمام شده دارایی محسوب می‌شود.

تبصره ۲- مؤسسات می‌توانند هزینه‌های نرم افزاری خود را حداکثر تا ۵ سال مستهلک کنند.

تبصره ۳- مؤسسات می‌توانند آن مقدار از دارائی‌های ثابت استهلاک پذیر را که برای بازسازی جایگزینی خطوط تولید یا توسعه و تکمیل خریداری گردیده است با دوبرابر نرخ یا نصف مدت استهلاک پیش بینی شده در جدول استهلاکات موضوع ماده ۱۵۱ این قانون حسب مورد مستهلک کنند.

تبصره ۴- در اجاره‌های سرمایه‌ای دارائی‌های ثابت استهلاک پذیر نحوه انعکاس هزینه استهلاک در دفاتر طرفین معامله براساس استانداردهای حسابداری خواهد بود.

ماده ۱۵۱- جدول استهلاکات براساس ضوابط مصوب از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و پس از تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قرائن و ضرایب مالیاتی:

ماده ۱۵۲- قرائن مالیاتی عبارتست از:

عواملی که در هر رشته از مشاغل با توجه به موقعیت شغلی برای تشخیص درآمد مشمول مالیات به طور علی‌الراس به کار می‌رود و فهرست آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- خرید سالانه.

۲- فروش سالانه.

۳- درآمد ناویژه.

۴- میزان تولید در کارخانجات.

۵- ارزش حق واگذاری محل کسب.

۶- جمع کل وجوهی که بابت حق التحریر و حق الزحمه وصول عوارض و مصرف تمبر عاید دفترخانه اسناد رسمی می‌شود یا میزان تمبر مصرفی آنها.

۷- سایر عوامل به تشخیص کمیسیون تعیین ضرائب.

ماده ۱۵۳- ضرایب مالیاتی عبارت است از ارقام مشخصه‌ای که حاصل ضرب آنها در قرینه مالیاتی در موارد تشخیص علی‌الراس درآمدمشمول مالیات تلقی می‌گردد.

تبصره - در صورتی که به چند قرینه اعمال ضریب شود معدلی که از نتایج اعمال ضرایب بدست می‌آید درآمد مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۵۴- جدول ضرایب تشخیص درآمد مشمول مالیات به ترتیب زیر تنظیم و ابلاغ می‌گردد:

الف - برای تعیین ضرایب هر سال کمیسیونی مرکب از نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماینده شورای مرکزی اصناف در مورد اصناف، نماینده نظام پزشکی در مورد مشاغل وابسته به پزشکی، نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران در مورد سایر مشاغل در سازمان امور مالیاتی کشور تشکیل می‌شود و با توجه به جریان معاملات و اوضاع و احوال اقتصادی ضرایب مربوط به مالیات‌های حوزه تهران را نسبت به هریک از قرائن مذکور در ماده ۱۵۲ این قانون درباره مؤدیان مختلف برحسب نوع مشاغل به طور تفکیک تعیین و فهرست آن را به سازمان امور مالیاتی کشور تسلیم می‌نماید تصمیمات این کمیسیون از طرف سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان جدول ضرایب حوزه تهران برای اجرا ابلاغ خواهد شد.

ب - جدول مذکور در بند «الف» از طرف سازمان امور مالیاتی کشور به ادارات امور مالیاتی شهرستان‌ها ارسال می‌گردد.

به محض وصول جدول مذکور کمیسیونی مرکب از رئیس اداره امور مالیاتی محل، رئیس بانک ملی ایران، نماینده شورای مرکزی اصناف در مورد اصناف، نماینده نظام پزشکی در مورد مشاغل وابسته به پزشکی، نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران در مورد سایر مشاغل تشکیل می‌شود. کمیسیون مزبور جدول رسیده را مبنای مطالعه قرار داده و با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی خاص حوزه جغرافیائی محل در صورت اقتضاء، تغییرات لازم را در ارقام آن با ذکر دلیل به عمل خواهد آورد نتیجه کمیسیون به مرکز گزارش شده و از طرف سازمان امور مالیاتی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و تا حدی که دلایل اقامه شده برای تغییرات جدول قانع کننده به نظر برسد جدول از طرف سازمان امور مالیاتی کشور برای اصلاح و به عنوان جدول ضرایب به اداره امور مالیاتی مربوط ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۱- در نقاطی که شورای مرکزی اصناف یا اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران یا نظام پزشکی تشکیل نشده است فرماندار محل حسب مورد به جای هریک از نمایندگان آن‌ها نماینده ای بصیر و مطلع را جهت شرکت در کمیسیون ضرایب معرفی خواهد نمود.

تبصره ۲- حضور نماینده سازمان امور مالیاتی کشور یا رئیس اداره امور مالیاتی همچنین نماینده بانک مرکزی یا بانک ملی حسب مورد برای رسمیت جلسات کمیسیون ضروری است و تصمیمات کمیسیون با اکثریت آرای حاضرین در جلسه مناط اعتبار است.

تبصره ۳- ضریب مالیاتی در مواردی که درآمد مشمول مالیات موضوع این قانون باید علی‌الراس تشخیص داده شود در صورتی که به موجب این قانون یا طبق جدول ضریبی برای آن تعیین نشده باشد بوسیله هیأت حل اختلاف مالیاتی محل با توجه به ضریب مشاغل مشابه تعیین خواهد شد.

تبصره ۴- کمیسیون تعیین ضرایب نماینده اتحادیه هر رشته یا صنف را برای ادای توضیحات در جلسه کمیسیون ضرایب دعوت خواهد نمود.

مقررات عمومی:

ماده ۱۵۵- سال مالیاتی عبارت است از:

یک سال شمسی که از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفندماه همان سال ختم می‌شود لکن در مورد اشخاص حقوقی مشمول مالیات که سال مالی آن‌ها به موجب اساسنامه با سال مالیاتی تطبیق نمی‌کند درآمد سال مالی آن‌ها به جای سال مالیاتی مبنای تشخیص مالیات قرار می‌گیرد و موعد تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان و سررسید پرداخت مالیات آن‌ها چهار ماه شمسی پس از سال مالی می‌باشد.

ماده ۱۵۶- اداره امور مالیاتی مکلف است اظهارنامه مؤدیان مالیات بردرآمد را درمورد درآمد هر منبع که در موعد مقرر تسلیم شده است حداکثر تا یک سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر برای تسلیم اظهارنامه رسیدگی نماید. در صورتی که ظرف مدت مذکور برگ تشخیص درآمد صادر ننماید و یا تا سه ماه پس از انقضای یک سال فوق‌الذکر برگ تشخیص درآمد مذکور را به مؤدی ابلاغ نکند اظهارنامه مؤدی قطعی تلقی می‌شود.

هرگاه پس از قطعی شدن اظهارنامه مالیاتی یا بعد از رسیدگی و صدور ابلاغ برگ تشخیص اعم از این که به قطعیت رسیده یا نرسیده باشد معلوم شود مؤدی درآمد یا فعالیت‌های انتفاعی کتمان شده‌ای داشته و مالیات متعلق به آن نیز مطالبه نشده باشد فقط مالیات بردرآمد آن فعالیت‌ها بارعایت ماده ۱۵۷ این قانون قابل مطالبه خواهد بود. دراین حالت و همچنین در مواردی که اظهارنامه مؤدی به علت عدم رسیدگی قطعی تلقی می‌گردد اداره امور مالیاتی بایستی یک نسخه از برگ تشخیص صادره به انضمام گزارش توجیهی مربوط را ظرف ده روز از تاریخ صدور جهت رسیدگی به دادستانی انتظامی مالیاتی ارسال نماید.

ماده ۱۵۷- نسبت به مؤدیان مالیات بردرآمد که درموعدمقرر از تسلیم اظهارنامه منبع درآمد خودداری نموده‌اند یا اصولاً طبق مقررات این قانون مکلف به تسلیم اظهارنامه در سررسید پرداخت مالیات نیستند مرور زمان مالیاتی پنج سال از تاریخ سررسید پرداخت مالیات می‌باشد و پس از گذشتن پنج سال مذکور مالیات متعلق قابل مطالبه نخواهد بود مگر اینکه ظرف این مدت درآمد مؤدی تعیین و برگ تشخیص مالیات صادر و حداکثر ظرف سه ماه پس از انقضای ۵ سال مذکور برگ تشخیص صادر به مؤدی ابلاغ شود.

تبصره - در مواردی که مالیات به هر علت از غیر مؤدی مطالبه شده باشد پس از تأیید مراتب از طرف هیات حل اختلاف مالیاتی مطالبه مالیات از غیر مؤدی در هر مرحله‌ای که باشد کان لم یکن تلقی می‌گردد و دراین صورت اداره امور مالیاتی مکلف است بدون رعایت مرور زمان موضوع این ماده ظرف یک سال از تاریخ صدور رای هیأت مزبور مالیات متعلق را از مؤدی واقعی مطالبه نماید و گرنه مشمول مرور زمان خواهد بود.

ماده ۱۵۸- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند درمورد بعضی از منابع مالیاتی کلاً یا جزئاً و در نقاطی که مقتضی بداند طبق آگهی منتشره در نیمه اول هر سال اعلام نماید که در سال بعد اظهارنامه‌های

مؤدیان مزبور را که به موقع تسلیم نموده باشند بدون رسیدگی قبول نموده و فقط تعدادی از آن‌ها را به طور نمونه گیری و طبق مقررات این قانون مورد رسیدگی قرار خواهد داد.

ماده ۱۵۹- وجوهی که به عنوان مالیات هر منبع از طریق واریز به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور یا ابطال تمبر پرداخت می‌شود در موقع تشخیص و احتساب، مالیات قطعی مؤدی منظور می‌گردد و در صورتی که مبلغی بیش از مالیات متعلق پرداخت شده باشد اضافه پرداختی مسترد خواهد شد.

تبصره - به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می‌شود که در مورد مؤدیان غیرایرانی و اشخاص مقیم خارج از کشور کل مالیات‌های متعلق را به نرخ مربوط مقرر در منبع وصول نماید.

ماده ۱۶۰- سازمان امور مالیاتی کشور برای وصول مالیات و جرائم متعلق از مؤدیان و مسئولان پرداخت مالیات نسبت به سایر طلبکاران به استثنای صاحبان حقوق نسبت به مال مورد وثیقه و مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از خدمت، حق تقدم خواهد داشت. حکم قسمت اخیر این ماده مانع وصول مالیات متعلق به انتقال مال مورد وثیقه نخواهد بود.

ماده ۱۶۱- در مواردی که مالیات مؤدی هنوز قطعی نشده یا مراحل اجرائی آن طی نشده است و بیم تفریط مال یا اموال از طرف مؤدی به قصد فرار از پرداخت مالیات می‌رود اداره امور مالیاتی باید با ارایه دلایل کافی از هیأت حل اختلاف مالیاتی قرار تأمین مالیات را بخواهد و در صورتی که هیأت صدور قرار را لازم تشخیص دهد ضمن تعیین مبلغ، قرار مقتضی صادر خواهد کرد. اداره امور مالیاتی مکلف است معادل همان مبلغ از اموال و وجوه مؤدی که نزد وی یا اشخاص ثالث باشد تأمین نماید در این صورت مؤدی و اشخاص ثالث پس از ابلاغ اخطار کتبی اداره امور مالیاتی حق نخواهند داشت اموال مورد تأمین را از تصرف خود خارج کنند مگر اینکه معادل مبلغ مورد مطالبه تأمین دهند و در صورت تخلف علاوه بر پرداخت مطالبات مذکور مشمول مجازات مقرر در تبصره ۲ ماده ۱۹۹ این قانون خواهند بود.

ماده ۱۶۲- در مواردی که اشخاص متعدد مسئول پرداخت مالیات شناخته می‌شوند ادارات امور مالیاتی حق دارند به همه آن‌ها مجتمعاً یا به هریک جداگانه برای وصول مالیات مراجعه کنند و مراجعه به یکی از آن‌ها مانع مراجعه به دیگران نخواهد بود.

ماده ۱۶۳- سازمان امور مالیاتی کشور مجاز است که مضمولان مالیات را در مواردی که مالیات آنان در موقع تحصیل درآمد کسر و پرداخت نمی‌شود کلاً یا بعضاً مکلف نماید در طول سال مالیات متعلق به همان سال را به نسبتی از آخرین مالیات قطعی شده سنوات قبل یا به نسبتی از حجم فعالیت به طور علی

الحساب پرداخت نمایند و در صورت تخلف علی الحساب مذکور طبق مقررات این قانون وصول خواهد شد.

ماده ۱۶۴- سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است به منظور تسهیل در پرداخت مالیات و تقلیل موارد مراجعه مؤدیان به ادارات امور مالیاتی حساب مخصوصی از طریق بانک مرکزی در بانک ملی افتتاح نماید تا مؤدیان بتوانند مستقیماً به شعب یا بجه‌های بانک مزبور مراجعه و مالیات‌های خود را به حساب مذکور پرداخت نمایند.

ماده ۱۶۵- در مواردی که بر اثر حوادث و سوانح از قبیل زلزله سیل، آتش سوزی، بروز آفات، خشکسالی، طوفان و اتفاقات غیر مترقبه دیگر به یک منطقه کشور یا به مؤدی یا مؤدیان خاص خساراتی وارد گردد و خسارت وارده از طریق وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی یا شهرداری‌ها یا سازمان‌های بیمه و یا مؤسسات عام المنفعه جبران نگردد وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند معادل خسارت وارده از درآمد مشمول مالیات در آن سال و سنوات بعد کسر و نسبت به آن دسته از مؤدیان که بیش از ۵۰٪ اموال آنان در اثر حوادث مذکور از بین رفته است و قادر به پرداخت بدهی‌های مالیاتی خود نمی‌باشند با تصویب هیأت وزیران تمام یا قسمتی از بدهی مالیاتی آن‌ها را بخشوده یا تقسیط طولانی نماید. آیین نامه اجرائی این ماده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره - مؤدیان مالیاتی مناطق جنگ زده غرب و جنوب کشور که فهرست این مناطق بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران اعلام می‌گردد، از تسهیلات مالیاتی زیر برخوردار خواهند شد:

الف - پنجاه درصد مالیات مؤدیان مزبور بابت درآمد حاصل در نقاط مذکور از اول سال ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۲ بخشوده می‌گردد.

ب - به ازای هر سال اشتغال در نقاط فوق از تاریخ اجرای این اصلاحیه یک سوم بدهی مالیاتی تا پایان سال ۱۳۶۷ آن‌ها بابت درآمد حاصل در نقاط مذکور بخشوده می‌شود.

ج - مالیات پرداخت شده مؤدیان موصوف بابت درآمدهای حاصل از تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ لغایت سال ۱۳۶۷ در نقاط مذکور حداکثر معادل یک سوم آن در هر سال از مالیات سنوات بعد آنان در همان نقاط کسر خواهد شد.

د - در مواردی که مؤدیان قادر به ادامه فعالیت در نقاط مذکور نباشد با ارائه دلایل مورد قبول وزارت امور اقتصادی و دارایی تمام یا قسمتی از بدهی‌های موصوف مؤدی بخشوده خواهد شد.

ماده ۱۶۶- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند قبوض پیش پرداخت مالیاتی تهیه و برای استفاده مؤدیان عرضه نماید. قبوض مذکور با نام و غیر قابل انتقال بوده و در موقع واریز مالیات مؤدی مبلغ پیش پرداخت به اضافه دو درصد آن به ازای هر سه ماه زود پرداخت از بدهی مالیاتی مربوط کسر خواهد شد.

ماده ۱۶۷- وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند نسبت به مؤدیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه به طور یک جا نیستند از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی بدهی مربوط را حداکثر به مدت سه سال تقسیط نماید.

ماده ۱۶۸- دولت می‌تواند برای جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات راجع به درآمد و دارایی مؤدیان با دولت‌های خارجی موافقت نامه‌های مالیاتی منعقد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مرحله اجرا بگذارد. قراردادهای موافقت نامه‌های مربوط به امور مالیاتی که تا تاریخ اجرای این قانون با دول خارجی منعقد و به تصویب قوه مقننه یا هیأت وزیران رسیده است تا زمانی که لغو نشده به قوت خود باقی است. دولت موظف است ظرف یک سال از تاریخ اجرای این قانون قراردادهای موافقت نامه‌های قبلی را بررسی و نظر خود را مبنی بر ادامه یا لغو آن‌ها مستلاً به مجلس شورای اسلامی گزارش نماید.

ماده ۱۶۹- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند در صورتی که به منظور تسهیل در تشخیص درآمد مؤدیان مالیاتی کاربرد وسایل و روش‌ها و صورت حساب‌ها و فرم‌هایی را جهت نگهداری حساب برای هر گروه از آنان ضروری تشخیص دهد مراتب را تا آخر دی ماه هر سال در یکی از روزنامه‌های کثیر الانتشار آگهی کند و مؤدیان از اول فروردین سال بعد مکلف به رعایت آن‌ها می‌باشند، عدم رعایت موارد مذکور در مورد مؤدیانی که مکلف به نگاهداری دفاتر قانونی هستند موجب بی اعتباری دفاتر مربوط خواهد بود و در مورد سایر مؤدیان موجب تعلق جریمه ای معادل بیست درصد مالیات منبع مربوط می‌باشد.

تبصره- در صورتی که رعایت موارد مذکور در ماده فوق بنا به تشخیص هیأت حل اختلاف مالیاتی از عهده مؤدی خارج بوده باشد مشمول بی اعتباری دفاتر و جریمه مربوط حسب مورد نخواهد بود.

ماده ۱۶۹ مکرر- به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می‌شود برای اشخاص حقیقی و حقوقی کارت اقتصادی شامل شماره اقتصادی صادر کند اشخاص حقیقی و حقوقی که حسب اعلام سازمان امور مالیاتی کشور موظف به اخذ کارت می‌شوند مکلف‌اند براساس دستورالعملی که توسط سازمان مزبور تهیه و اعلام می‌شود برای انجام دادن معاملات خود صورتحساب صادر و شماره اقتصادی مربوط را در صورت حساب‌ها و فرم‌ها و اوراق مربوط درج نموده و فهرست معاملات خود را به سازمان امور مالیاتی تسلیم کنند. عدم صدور صورتحساب یا عدم درج شماره اقتصادی خود و طرف معامله حسب

مورد یا استفاده از شماره اقتصادی خود برای معاملات دیگران یا استفاده از شماره اقتصادی دیگران برای معاملات خود مشمول جریمه ای معادل ده درصد (۱۰٪) مبلغ مورد معامله ای که بدون رعایت ضوابط فوق انجام می‌شود خواهد بود. عدم ارایه فهرست معاملات انجام شده به سازمان امور مالیاتی کشور طبق دستورالعمل صادره مشمول جریمه ای معادل یک درصد (۱٪) معاملاتی که فهرست آن‌ها ارایه نشده است خواهد بود. جرائم مذکور توسط اداره امور مالیاتی مربوط با رعایت مهلت مقرر در ماده ۱۵۷ این قانون مطالبه خواهد شد و مؤدی مکلف است ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ برگ مطالبه نسبت پرداخت آن اقدام کند. در غیر اینصورت معترض شناخته شده و موضوع جهت رسیدگی و صدور رأی به هیأت حل اختلاف مالیاتی ارجاع خواهد شد. رأی هیأت مزبور قطعی و لازم الاجرا است. جریمه مذکور غیر قابل بخشش است و از طریق مقررات اجرائی موضوع این قانون قابل وصول خواهد بود.

تبصره ۱- استفاده کنندگان از شماره اقتصادی دیگران نسبت به مالیات بر درآمد و همچنین جرائم موضوع این ماده با اشخاصی که شماره اقتصادی آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

تبصره ۲- در صورتیکه طرفین معامله در معاملات خود از انجام دادن هر یک از تکالیف مقرر در این ماده خودداری نمایند، متضامناً مسئول خواهند بود و در مواردی که خریدار از ارایه شماره اقتصادی خودداری کند چنانچه فروشنده مشخصات خریدار و موضوع معامله را ظرف مهلت یک ماه به سازمان امور مالیاتی کشور اعلام نماید مشمول جریمه تخلف فوق از این بابت نخواهد بود.

تبصره ۳- اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۹۵) این قانون مکلف به نگهداری صورتحساب‌های مربوط به خریدهای خود در سال عملکرد و سال بعد از آن می‌باشند و در صورت درخواست مأموران مالیاتی باید به آنان ارایه دهند. در غیر این صورت مشمول جریمه ای معادل ده درصد (۱۰ درصد) صورتحساب‌های ارایه نشده خواهند بود.

ماده ۱۷۰- مرجع رسیدگی به هرگونه اختلافات که در تشخیص مالیات‌های موضوع این قانون بین اداره امور مالیاتی و مؤدی ایجاد شود هیأت حل اختلاف مالیاتی می‌باشد مگر مواردی که به موجب مقررات سایر مواد این قانون مرجع رسیدگی دیگری تعیین شده باشد.

ماده ۱۷۱- کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور در دوره خدمت یا آمادگی به خدمت نمی‌توانند به عنوان وکیل یا نماینده مؤدیان مراجعه نمایند.

ماده ۱۷۲- صددرصد (۱۰۰٪) وجوهی که به حساب‌های تعیین شده از طرف دولت به منظور بازسازی یا کمک و نظایر آن به صورت بلاعوض پرداخت می‌شود و همچنین وجوه پرداختی یا تخصیصی و یا

کمک‌های غیر نقدی بلاعوض اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی جهت تعمیر، تجهیز، احداث، یا تکمیل مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی، مراکز بهداشتی و درمانی و یا اردوگاه‌های تربیتی و آسایشگاه‌ها و مراکز بهزیستی و کتابخانه، مراکز فرهنگی و هنری (دولتی) طبق ضوابطی که توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شود از درآمد مشمول مالیات عملکرد سال پرداخت منبعی که مؤدی انتخاب خواهد کرد قابل کسر می‌باشد.

ماده ۱۷۳- این قانون از اول فروردین سال ۱۳۶۸ به موقع اجرا گذاشته می‌شود و مقررات آن شامل کلیه مالیات‌ها و مالیات بردرآمدهایی است که سبب تعلق مالیات یا تحصیل درآمد حسب مورد بعد از تاریخ اجرای این قانون بوده و همچنین مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط به سال مالی که در سال اول اجرای این قانون خاتمه می‌یابد خواهد بود و کلیه قوانین مالیاتی مغایر دیگر نسبت به آن‌ها ملغی است.

تبصره - با اجرای این قانون وصول عوارض تخلیه موضوع ماده ۸ قانون تعدیل و تثبیت اجاره بها مصوب سال ۱۳۵۲ منتفی است.

ماده ۱۷۴- مالیات بردرآمدهایی که تاریخ تحصیل درآمد و سایر مالیات‌های مستقیم موضوع این قانون که سبب تعلق آن‌ها قبل از سال ۱۳۶۸ و بعد از ۱۳۴۵ می‌باشد به عنوان بقایای مالیاتی تلقی و از نظر تعیین و تشخیص درآمد مشمول مالیات و نرخ‌های مالیاتی و تکالیف مؤدیان و مرور زمان تابع احکام قانونی زمان تحصیل درآمد و از لحاظ رسیدگی و ترتیب تصفیه تابع مقررات این قانون خواهد بود.

تبصره ۱- مالیات‌هایی که سال تحصیل درآمد مربوط یا تعلق آن‌ها حسب مورد قبل از سال ۱۳۴۶ می‌باشد و تا تاریخ تصویب این قانون پرداخت نشده باشد قابل مطالبه نخواهد بود.

تبصره ۲- انتقالات موضوع ماده ۱۸۰ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحات بعدی آن که قبل از اجرای این قانون صورت گرفته است در صورت فوت انتقال دهنده بعد از اجرای این قانون به سهم الارث ورثه مربوط اضافه و مالیات متعلق طبق مقررات مربوط در این قانون پس از وضع سهم الارث پرداختی قبلی وصول خواهد شد.

ماده ۱۷۵- کلیه نصاب‌های مندرج در این قانون هماهنگ با نرخ تورم هر دو سال یک بار به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران قابل تعدیل است.

ماده ۱۷۶- سازمان امور مالیاتی می‌تواند مالیات موضوع این قانون را از طریق ابطال تمبر به صورت قطعی و یا تشخیصی وصول نماید.

آیین نامه اجرائی این ماده توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و پس از تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی به موقع اجرا گذارده می‌شود.

وظایف مؤدیان:

ماده ۱۷۷- مؤدیان مالیاتی می‌توانند اظهارنامه‌های موضوع این قانون را که حسب مورد مکلف به تسلیم آن هستند به تفکیک با اخذ رسید به اداره امور مالیاتی محل سکونت تسلیم نمایند. در اینصورت اداره امور مالیاتی مذکور باید مراتب را در پرونده مؤدی منعکس نموده و اظهارنامه تسلیمی را ظرف ۳ روز برای اقدام به اداره امور مالیاتی ذیربط ارسال دارد. تسلیم اظهارنامه به اداره امور مالیاتی محل سکونت از لحاظ آثار مترتب در حکم تسلیم آن به اداره امور مالیاتی مربوط خواهد بود. حکم این ماده شامل مواردی نیز که مؤدی اظهارنامه خود را اشتبهاً به اداره امور مالیاتی دیگری در شهرستان تسلیم نماید خواهد بود.

تبصره ۱- هر گاه آخرین روز مهلت یا موعد مقرر برای تسلیم اظهارنامه یا سایر اوراقی که مؤدی مالیاتی به موجب مقررات مکلف به تسلیم آن می‌باشد مصادف با تعطیل یا تعطیلات رسمی یا عمومی گردد اولین روز بعد از تعطیل یا تعطیلات مزبور برحسب مورد جزء مهلت یا موعد مقرر جهت تسلیم اظهارنامه یا اوراق مذکور محسوب خواهد شد.

تبصره ۲- تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات مؤدیانی که در خارج از ایران اقامت دارند و همچنین مؤسسات و شرکت هائی که مرکز اصلی آنها در خارج از کشور است، چنانچه دارای نماینده در ایران باشند به عهده نماینده آنها خواهد بود.

تبصره ۳- صاحبان مشاغل مکلف‌اند ظرف چهار ماه از تاریخ شروع فعالیت مراتب را کتباً به اداره امور مالیاتی محل اعلام نمایند. عدم انجام دادن تکلیف فوق در مهلت مقرر مشمول جریمه ای معادل ده درصد (۱۰٪) مالیات قطعی و نیز موجب محرومیت از کلیه تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی از تاریخ شناسایی توسط اداره امور مالیاتی خواهد بود. این حکم در مورد صاحبان مشاغلی که برای آنها از طرف مراجع ذیربط پروانه یا مجوز فعالیت صادر گردیده است، نخواهد بود.

ماده ۱۷۸- در مواردی که اظهارنامه مالیاتی یا سایر اوراقی که مؤدی مالیاتی به موجب مقررات مکلف به تسلیم آنها می‌باشد بوسیله اداره پست واصل می‌گردد تاریخ تسلیم به اداره پست در صورت احراز، تاریخ تسلیم به مراجع مربوط تلقی خواهد شد.

ماده ۱۷۹- در صورتی که مؤدی محل‌های متعدد برای سکونت خود داشته باشد مکلف است یکی از آن‌ها را به عنوان محل سکونت اصلی معرفی نماید وگرنه اداره امور مالیاتی می‌تواند هر یک از محل‌های سکونت مؤدی را محل سکونت اصلی تلقی نماید.

ماده ۱۸۰- هر شخص حقیقی ایرانی که با ارایه گواهی نمایندگی‌های مالی یا سیاسی دولت جمهوری اسلامی در خارج ثابت کند که از درآمد یک سال مالیاتی خود در یکی از کشورهای خارج به عنوان مقیم مالیات پرداخته است از لحاظ مالیاتی در آن سال مقیم خارج از کشور خواهد شد مگر در یکی از موارد زیر:

- ۱- در سال مالیاتی مزبور در ایران دارای شغلی بوده باشد.
 - ۲- در سال مالیاتی مزبور حداقل شش ماه متوالی یا متناوباً در ایران سکونت داشته باشد.
 - ۳- توقف در خارج از کشور به منظور انجام مأموریت یا معالجه یا امثال آن بوده باشد.
- تبصره - اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی مقیم ایران در صورتیکه درآمدهای خود از خارج کشور تحصیل نموده و مالیات آنرا به دولت محل تحصیل درآمد پرداخته باشند و درآمد مذکور را در اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان خود حسب مورد طبق مقررات این قانون اعلام نمایند مالیات پرداختی آن‌ها در خارج از کشور و یا آن مقدار مالیاتی که به درآمد تحصیل شده در خارج کشور با تناسب به کل درآمد مشمول مالیات آنان تعلق می‌گیرد هر کدام کمتر باشد از مالیات بردرآمد آن‌ها قابل کسر خواهد بود.

ماده ۱۸۱- سازمان امور مالیاتی کشوری تواند به منظور نظارت بر اجرای قوانین و مقررات مالیاتی هیأت‌هایی مرکب از سه نفر را جهت بازدید و کنترل دفاتر قانونی مؤدیان مالیاتی طبق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور و تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد بود اعزام نماید. در صورتیکه مؤدی از ارایه دفاتر خودداری نماید با موافقت هیأت مذکور در بند ۳ ماده ۹۷ این قانون درآمد مشمول مالیات سال مربوط از طریق علی‌الرأس تشخیص خواهد شد.

تبصره - هیأت‌های موضوع این ماده می‌توانند حسب تجویز سازمان امور مالیاتی کشور کلیه دفاتر و اسناد و مدارک مالی مؤدیان را اعم از اینکه مربوط به سال مراجعه و یا سنوات قبل باشند به منظور کسب اطلاعات لازم و ارایه آن به اداره امور مالیاتی ذیربط مورد بازرسی قرار دهند و یا در صورت لزوم دفاتر و اسناد و مدارک سنوات قبل را در قبال ارایه رسید به اداره امور مالیاتی ذیربط منتقل نمایند.

وظایف اشخاص ثالث:

ماده ۱۸۲- کسانی که مطابق مقررات این قانون مکلف به پرداخت مالیات دیگران می‌باشند و همچنین هر کس که پرداخت مالیات دیگری را تعهد یا ضمانت کرده باشد و کسانی که در اثر خودداری از انجام تکالیف مقرر در این قانون مشمول جریمه ای شناخته شده‌اند در حکم مؤدی محسوب و از نظر وصول بدهی طبق مقررات قانونی اجرای وصول مالیات‌ها با آنان رفتار خواهد شد.

ماده ۱۸۳- در مواردی که انتقال ملک بوسیله اداره ثبت انجام می‌گیرد مالیات بر نقل و انتقال قطعی باید قبلاً پرداخت شود و اداره ثبت با ذکر شماره مفاصا حساب صادره از اداره امور مالیاتی ذیصلاح در سند انتقال اقدام انتقال ملک خواهد نمود.

ماده ۱۸۴- ادارات ثبت مکلف‌اند در آخر هر ماه فهرست کامل شرکت‌ها و مؤسساتی را که در طول ماه به ثبت می‌رسند و تغییرات حاصله در مورد شرکت‌ها و مؤسسات موجود و نیز نام اشخاص حقیقی یا حقوقی را که دفتر قانونی به ثبت رسانده‌اند با ذکر تعداد دفاتر ثبت شده و شماره‌های آن به اداره امور مالیاتی محل اقامت مؤسسه ارسال دارند.

ماده ۱۸۵- در کلیه مواردی که معاملات مربوط به فصل ۴ از باب دوم و همچنین فصول اول و ششم باب سوم این قانون به موجب سند رسمی صورت می‌گیرد صاحبان دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند فهرست خلاصه معاملات هر ماه را تا پایان ماه بعد در مقابل اخذ رسید به اداره امور مالیاتی ذیربط در محل تسلیم نمایند.

ماده ۱۸۶- صدور یا تجدید یا تمدید کارت بازرگانی و پروانه کسب یا کار اشخاص حقیقی یا حقوقی از طرف مراجع صلاحیت دار منوط به ارائه گواهی از اداره امور مالیاتی ذیربط مبنی بر پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی مالیات‌های مزبور با مؤدی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

تبصره ۱- اعطای تسهیلات بانکی به اشخاص حقوقی و همچنین صاحبان مشاغل از بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری منوط به اخذ گواهی‌های زیر خواهد بود.

۱- گواهی پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی مالیاتی قطعی شده.

۲- گواهی حوزه مالیاتی مربوط مبنی بر وصول نسخه ای از صورت‌های مالی ارائه شده به بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری.

ضوابط اجرائی این تبصره توسط وزارت امور اقتصادی و دارائی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۲- به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می‌شود مبلغی معادل یک در هزار در آمد مشمول مالیات قطعی شده صاحبان درآمد مشاغل را وصول و در حساب مخصوص در خزانه منظور نموده تا در حدود اعتبارات مصوب بودجه سالانه به شکل‌های صنفی و مجامع حرفه‌ای که در امر تشخیص و وصول مالیات همکاری می‌نمایند پرداخت نماید. وجوه پرداختی به استناد این ماده از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.

ماده ۱۸۷- در کلیه مواردی که معاملات موضوع فصل چهارم از باب دوم و همچنین فصول اول و ششم باب سوم این قانون به موجب اسناد رسمی صورت می‌گیرد صاحبان دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند قبل از ثبت و یا اقاله یا فسخ سند معامله مراتب را به شرح و مشخصات کامل و چگونگی نوع و موضوع معامله مورد نظر به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک و یا محل سکونت مؤدی حسب مورد اعلام و پس از کسب گواهی انجام معامله اقدام به ثبت یا اقاله یا فسخ سند معامله حسب مورد نموده و شماره و مرجع صدور آن را در سند معامله قید نمایند. گواهی انجام معامله حداکثر ظرف ده روز از تاریخ اعلام دفترخانه پس از وصول بدهی‌های مالیاتی مربوط به مورد معامله از مؤدی ذیربط از قبیل مالیات بر درآمد اجاره املاک و همچنین وصول مالیات حق واگذاری محل مالیات شغلی محل، مورد معامله، مالیات درآمد اتفاقی و مالیات نقل و انتقال قطعی املاک حسب مورد صادر خواهد شد.

تبصره ۱- چنانچه میزان مالیات مشخصه، مورد اختلاف باشد پرونده امر، خارج از نوبت در مراجع حل اختلاف مالیاتی موضوع این قانون رسیدگی خواهد شد و اگر مؤدی تمایل به اخذ گواهی قبل از رسیدگی و صدور رای از طرف مراجع حل اختلاف داشته باشد با وصول مالیات مورد قبول مؤدی و اخذ سپرده یا تضمین معتبر از قبیل سفته، بیمه نامه، اوراق بهادار، وثیقه ملکی و... معادل مبلغ مابه الاختلاف گواهی انجام معامله صادر خواهد شد.

تبصره ۲- در مواردی که بموجب احکام دادگاه‌ها، وجوه مربوط به حق واگذاری محل در صندوق دادگستری و امثال آن تودیع می‌گردد، مسوولان در موقع پرداخت به ذینفع مکلف‌اند ضمن استعلام از اداره امور مالیاتی مربوط، مالیات متعلق را کسر و به حساب سازمان امور مالیاتی کل کشور واریز نمایند.

ماده ۱۸۸- متصدیان فروش و ابطال تمبر مکلف‌اند براساس مقررات این قانون به میزان مقرر در روی هر وکالت نامه تمبر باطل و میزان آن را در دفتری که اختصاصاً جهت تمبر مصرفی باید به وسیله هر یک از وکلاء نگهداری شود ثبت و گواهی نمایند. دفتر مزبور باید در موقع رسیدگی به حساب مالیاتی وکیل به اداره امور مالیاتی ارایه شود و گرنه از موجبات عدم قبول دفتر وکیل از نظر مالیاتی خواهد بود.

تشویقات و جرائم مالیاتی:

ماده ۱۸۹- اشخاص حقوقی و همچنین اشخاص حقیقی موضوع بندهای الف و ب ماده ۹۵ این قانون چنانچه طی سه سال متوالی ترازنامه و حساب سود و زیان و دفاتر و مدارک آنان مورد قبول قرار گرفته باشد و مالیات هر سال را در سال تسلیم اظهارنامه بدون مراجعه به هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی پرداخت کرده باشند معادل ۵ درصد اصل مالیات سه سال مذکور علاوه بر استفاده از مزایای مقرر در ماده ۱۹۰ این قانون به عنوان جایزه خوش حسابی از محل وصولی‌های جاری پرداخت یا در حساب سنوات بعد آنان منظور خواهد شد. جایزه مربوط از پرداخت مالیات معاف خواهد بود.

ماده ۱۹۰- علی‌الحساب پرداختی بابت مالیات عملکرد هر سال مالی قبل از سررسید مقرر در این قانون برای پرداخت مالیات عملکرد موجب تعلق جایزه ای معادل یک درصد مبلغ پرداختی به ازای هر ماه تا سررسید مقرر خواهد بود که از مالیات متعلق همان عملکرد کسر خواهد شد. پرداخت مالیات پس از آن موعد موجب تعلق جریمه ای معادل ۲/۵٪ مالیات به ازای هر ماه خواهد بود. مبدء احتساب جریمه در مورد مؤدیانی که مکلف به تسلیم اظهارنامه مالیاتی هستند نسبت به مبلغ مندرج در اظهارنامه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم آن و نسبت به مابه‌الاجتلاف از تاریخ مطالبه و در مورد مؤدیانی که از تسلیم اظهارنامه خودداری نموده و یا اصولاً مکلف به تسلیم اظهارنامه نیستند تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه یا سررسید پرداخت مالیات حسب مورد می‌باشد.

تبصره ۱- مؤدیانی که به تکالیف قانونی خود راجع به تسلیم به موقع اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان و پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت مالیات طبق اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان و حسب مورد ارایه به موقع دفاتر و اسناد و مدارک خود اقدام نموده‌اند در موارد مذکور در ماده ۲۳۹ این قانون، هر گاه برگ تشخیص مالیاتی صادره را قبول یا با اداره امور مالیاتی توافق نمایند و نسبت به پرداخت مالیات متعلقه یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام کنند از هشتاد درصد (۸۰٪) جریمه مقرر در این قانون معاف خواهند بود. همچنین، در صورتی که این گونه مؤدیان ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ برگ قطعی مالیات نسبت به پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام نمایند از چهل درصد (۴۰٪) جریمه متعلقه مقرر در این قانون معاف خواهند بود.

تبصره ۲- چنانچه فاصله تاریخ وصول اعتراض مؤدی نسبت به برگ تشخیص مالیات تا تاریخ قطعی شدن مالیات از یک سال تجاوز نماید، جریمه دو و نیم درصد (۲/۵٪) در ماه موضوع این ماده نسبت به مدت زمان بیش از یکسال مذکور تا تاریخ ابلاغ برگ قطعی مالیات قابل مطالبه از مؤدی نخواهد بود. سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که رسیدگی و قطعیت یافتن مالیات مؤدیان حداکثر تا یک سال پس از تاریخ تسلیم اعتراض آنان صورت پذیرد.

ماده ۱۹۱- تمام یا قسمتی از جرائم مقرر در این قانون بنا به درخواست مؤدی با توجه به دلایل ابرازی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظر گرفتن سوابق مالیاتی و خوش حسابی مؤدی به تشخیص و موافقت سازمان امور مالیاتی کشور قابل بخشوده شدن می‌باشد.

ماده ۱۹۲- در کلیه مواردی که مؤدی یا نماینده او که بموجب مقررات این قانون از بابت پرداخت مالیات مکلف به تسلیم اظهارنامه می‌باشد چنانچه از تسلیم آن در مواعد مقرر در این قانون خودداری نماید مشمول جریمه ای معادل ده درصد (۱۰٪) درصد مالیات متعلق خواهد بود.

تبصره - عدم تسلیم اظهارنامه توسط اشخاص حقوقی و مشمولان بندهای (الف) و (ب) ماده (۹۵) این قانون موجب تعلق جریمه ای معادل چهل درصد (۴۰٪) مالیات متعلق می‌گردد و مشمول بخشودگی نمی‌شوند. در مورد مؤدیانی که اظهارنامه خود را تسلیم می‌نمایند حکم این تبصره نسبت به مالیات متعلق به درآمدهای کتمان شده یا هزینه‌های غیر واقعی که غیر قابل قبول نیز باشد جاری خواهد بود.

ماده ۱۹۳- نسبت به مؤدیانی که به موجب مقررات این قانون مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند در صورت عدم تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان یا عدم ارائه دفاتر مشمول جریمه ای معادل بیست درصد (۲۰٪) مالیات برای هر یک از موارد مذکور و در مورد رد دفتر مشمول جریمه ای معادل ده درصد (۱۰٪) مالیات خواهند بود.

تبصره- عدم تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان در دوره معافیت موجب عدم استفاده از معافیت مقرر در سال مربوط خواهد شد.

ماده ۱۹۴- مؤدیانی که اظهارنامه آن‌ها در اجرای مقررات ماده ۱۵۸ این قانون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد در صورتی که درآمد مشمول مالیات مشخصه قطعی با رقم اظهار شده از طرف مؤدی بیش از پانزده درصد (۱۵٪) اختلاف داشته باشد علاوه بر تعلق جرائم مقرر مربوط که قابل بخشودن نیز نخواهد بود تا سه سال بعد از ابلاغ مالیات مشخصه قطعی از هر گونه تسهیلات و بخشودگی‌های مقرر در قانون مالیات‌ها نیز محروم خواهند شد.

ماده ۱۹۵- جریمه تخلف آخرین مدیران شخص حقوقی از لحاظ عدم تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۱۱۴ این قانون ظرف مهلت مقرر یا تسلیم اظهارنامه خلاف واقع به ترتیب عبارتست از:

دو درصد و یک درصد سرمایه پرداخت شده شخص حقوقی در تاریخ انحلال.

ماده ۱۹۶- جریمه تخلف مدیر یا مدیران تصفیه در مورد تقسیم دارایی شخص حقوقی قبل از تصفیه امور مالیاتی شخص حقوقی یا قبل از سپردن تأمین مقرر موضوع ماده ۱۱۸ این قانون معادل بیست درصد (۲۰٪) مالیات متعلق خواهد بود که از مدیر یا مدیران تسویه وصول می‌گردد.

ماده ۱۹۷- نسبت به اشخاصی که به شرح مقررات این قانون مکلف به تسلیم صورت یا فهرست یا قرارداد یا مشخصات راجع به مؤدی می‌باشند، در صورتی که از تسلیم آن‌ها در موعد مقرر خودداری و یا برخلاف واقع تسلیم نمایند، جریمه متعلق در مورد حقوق عبارت خواهد بود از:

دو درصد (۲٪) حقوق پرداختی و در خصوص پیمانکاری یک درصد (۱٪) کل مبلغ قرارداد و در هر حال با مؤدی متضامناً مسئول جبران زیان وارده به دولت خواهند بود.

ماده ۱۹۸- در شرکت‌های منحل‌ه مدیران اشخاص حقوقی مجتمعاً یا منفرداً نسبت به پرداخت مالیات بردرآمد اشخاص حقوقی و همچنین مالیات‌هایی که اشخاص حقوقی به موجب مقررات این قانون مکلف به کسر و ایصال آن بوده و مربوط به دوران مدیریت آن‌ها باشد با شخص حقوقی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

ماده ۱۹۹- هر شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب مقررات این قانون مکلف به کسر و ایصال مالیات مؤدیان دیگر می‌باشد در صورت تخلف از انجام وظایف مقرر علاوه بر مسئولیت تضامنی که با مؤدی در پرداخت مالیات خواهد داشت مشمول جریمه‌ای معادل بیست درصد (۲۰٪) مالیات پرداخت نشده خواهد بود.

تبصره ۱- در مواردی که مکلفین به کسر مالیات، وزارتخانه، شرکت یا مؤسسه دولتی یا شهرداری باشد مسوولین امر مشمول مجازات مقرر طبق قانون تخلفات اداری خواهند بود.

تبصره ۲- هر گاه مکلف به کسر مالیات شخص حقوقی غیر دولتی باشد مدیر یا مدیران مربوط نیز علاوه بر مسوولیت تضامنی نسبت به پرداخت مالیات و جرائم متعلق به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهند شد این حکم شامل مدیر یا مدیران اشخاص حقوقی که برای پرداخت مالیات‌های مذکور در فوق به سازمان امور مالیاتی کشور تامین سپرده‌اند نخواهد بود.

تبصره ۳- چنانچه کسر کننده مالیات شخص حقیقی باشد به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مراجع قضائی در خصوص تبصره‌های ۲ و ۳ این ماده از طرف رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۰۰- در هر مورد که به موجب مقررات این قانون تکلیف یا وظیفه‌ای برای دفاتر اسناد رسمی مقرر گردیده است در صورت تخلف علاوه بر مسئولیت تضامنی سردفتر با مؤدی در پرداخت مالیات و مالیات‌های متعلق مربوط مشمول جریمه‌ای معادل بیست درصد (۲۰٪) آن نیز خواهد بود و در مورد تکرار به مجازات مقرر در تبصره ۲ ماده ۱۹۹ این قانون نیز با رعایت مقررات مربوط محکوم خواهد شد.

ماده ۲۰۱- هر گاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و سود و زیان خودداری کند علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد.

تبصره - تعقیب و اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مراجع قضایی از طرف رئیس سازمان مالیاتی کشور به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۰۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آن‌ها از ۱۰ میلیون ریال بیشتر باشد از کشور جلوگیری نماید. حکم این ماده در مورد مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی بابت بدهی قطعی مالیاتی شخص حقوقی اعم از مالیات بر درآمد شخص حقوقی یا مالیات‌های که به موجب این قانون شخص حقوقی مکلف به کسر و ایصال آن می‌باشد و مربوط به دوره مدیریت آنان بوده نیز جاری است مراجع ذیربط با اعلام وزارت یا سازمان مزبور مکلف به اجرای این ماده می‌باشند.

تبصره- در صورتیکه مؤدیان مالیاتی به قصد فرار از پرداخت مالیات اقدام به نقل و انتقال اموال خود به همسر و یا فرزندان نمایند سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند نسبت به ابطال اسناد مذکور از طریق مراجع قضائی اقدام نماید.

ابلاغ:

ماده ۲۰۳- اوراق مالیاتی بطور کلی باید به شخص مؤدی ابلاغ و در نسخه ثانی رسید اخذ گردد. هر گاه به خود مؤدی دسترسی پیدا نشود اوراق مالیاتی باید در محل سکونت یا محل کار او به یکی از بستگان یا مستخدمین او ابلاغ گردد مشروط بر این که به نظر مأمور ابلاغ سن ظاهری این اشخاص برای تمیز اهمیت اوراق مورد ابلاغ کافی بوده و بین مؤدی و شخصی که اوراق را دریافت می‌دارد تعارض منفعت نباشد.

تبصره - هر گاه مؤدی یا در صورت عدم حضور وی بستگان یا مستخدمین او از گرفتن برگ‌ها استکاف نمایند یا در صورتیکه هیچ یک از اشخاص مذکور در محل نباشند مأمور ابلاغ باید امتناع آنان از گرفتن اوراق یا عدم حضور اشخاص فوق را در محل با گواهی یک نفر پاسبان یا ژاندارم یا دو نفر گواه از اهل محل در هر دو نسخه قید نموده و نسخه اول اوراق را به درب محل سکونت یا محل کار مؤدی الصاق نماید اوراق مالیاتی که به ترتیب فوق ابلاغ شده قانونی تلقی و تاریخ الصاق، تاریخ ابلاغ به مؤدی محسوب می‌شود.

ماده ۲۰۴- مأمور ابلاغ باید مراتب زیر را در نسخه اول و دوم اوراق مالیاتی تصریح و امضاء نماید:

الف - محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز و ماه و سال به حروف و عدد.

ب - نام کسی که اوراق به او ابلاغ شده با تعیین این که چه نسبتی با مؤدی دارد.

ج - نام و مشخصات گواهان با نشانی کامل آنان در مورد تبصره ماده ۲۰۳ این قانون.

ماده ۲۰۵- اگر مؤدی یکی از ادارات دولتی یا مؤسسات وابسته به دولت باشد اوراق مالیاتی باید به رئیس یا قائم مقام رئیس یا رئیس دفتر آن اداره یا مؤسسه ابلاغ گردد.

ماده ۲۰۶- اگر مؤدی شرکت تجاری یا سایر اشخاص حقوقی باشد اوراق مالیاتی باید به مدیر یا اشخاص دیگری که از طرف شرکت حق امضا دارند ابلاغ شود.

تبصره- مقررات ماده ۲۰۳ این قانون و تبصره آن در مورد شرکت‌های تجاری و سایر اشخاص حقوقی نیز مجری است.

ماده ۲۰۷- در مواردی که مؤدی محلی را به عنوان محل کار یا سکونت یا محل ابلاغ اوراق مالیاتی معرفی کند و در غیر این مورد در صورتی که اوراق مالیاتی در محلی به عنوان محل کار یا سکونت مؤدی ابلاغ شود و در پرونده دلیل واثری حاکی از اطلاع مؤدی از این موضوع بوده و به این نشانی ایراد نکرده باشد، مادامی که محل دیگری به عنوان محل سکونت یا کار اعلام نکند، ابلاغ اوراق مالیاتی به همان نشانی، قانونی و صحیح است.

ماده ۲۰۸- در مواردی که نشانی مؤدی در دست نباشد اوراق مالیاتی یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار حوزه اداره امور مالیاتی محل و اگر در محل مزبور روزنامه نباشد در روزنامه کثیرالانتشار نزدیک‌ترین محل به حوزه اداره امور مالیاتی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز آگاهی می‌شود. این آگاهی در حکم ابلاغ به مؤدی محسوب خواهد شد.

تبصره ۱- در متن اوراق مالیاتی ابلاغ شده باید علاوه بر مطالب مربوط، محل مراجعه، مهلت مقرر و تکلیف قانونی مؤدی درج شده باشد.

تبصره ۲- در مورد مؤدیان مالیات مستغلات که نشانی آنها طبق ماده ۲۰۷ این قانون مشخص نباشد اوراق مالیاتی به ترتیب مذکور در تبصره ماده ۲۰۳ این قانون به محل مستغلی که مالیات آن مورد مطالبه است ابلاغ خواهد شد.

ماده ۲۰۹- مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ، جز در مواردی که در این قانون مقرر گردیده است در مورد ابلاغ اوراق مالیاتی اجرا خواهد شد.

وصول مالیات:

ماده ۲۱۰- هرگاه مؤدی مالیات قطعی شده خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ برگ قطعی پرداخت ننماید اداره امور مالیاتی به موجب برگ اجرائی به او ابلاغ می‌کند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ کلیه بدهی خود را بپردازد یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی بدهد.

تبصره ۱- در برگ اجرائی باید نوع و مبلغ مالیات، مدارک تشخیص قطعی بدهی، سال مالیاتی، مبلغ پرداخت شده قبلی و جریمه متعلق درج گردد.

تبصره ۲- آن قسمت از مالیات مورد قبول مؤدی مذکور در اظهارنامه یا ترازنامه تسلیمی به عنوان مالیات قطعی تلقی می‌شود و از طریق عملیات اجرائی قابل وصول است.

ماده ۲۱۱- هرگاه مؤدی پس از ابلاغ برگ اجرائی در موعد مقرر مالیات مورد مطالبه را کلاً پرداخت نکند یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی ندهد به اندازه بدهی مؤدی اعم از اصل و جرائم متعلق به اضافه ده درصد (۱۰٪) بدهی از اموال منقول یا غیر منقول و مطالبات مؤدی توقیف خواهد شد. صدور دستور توقیف و دستور اجرای آن به عهده اجرائیات اداره امور مالیاتی می‌باشد.

ماده ۲۱۲- توقیف اموال زیر ممنوع است:

- ۱- دوسوم حقوق بگیران و سه چهارم حقوق بازنشستگی و وظیفه.
- ۲- لباس و اشیاء و لوازمی که برای رفع حوائج ضروری مؤدی و افراد تحت تکفل او لازم است و همچنین آذوقه موجود و نفقه اشخاص واجب النفقه مؤدی.
- ۳- ابزار و آلات کشاورزی و صنعتی و وسایل کسب که برای تأمین حداقل معیشت مؤدی لازم است.
- ۴- محل سکونت به قدر متعارف.

تبصره ۱- هرگاه ارزش مالی که برای توقیف در نظر گرفته می‌شود زاید بر میزان بدهی مالیاتی مؤدی بوده و قابل تفکیک نباشد تمام مال توقیف و فروخته خواهد شد و مازاد مسترد می‌شود مگر اینکه مؤدی اموال بلاعارض دیگری معادل میزان فوق معرفی نماید.

تبصره ۲- هر گاه مؤدی یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می‌نمایند از اثاث البیت آنچه عادتاً مورد استفاده زنان است متعلق به زن و بقیه متعلق به شوهر شناخته می‌شود مگر آنکه خلاف ترتیب فوق معلوم شود.

تبصره ۳- توقیف واحدهای تولیدی اعم از کشاورزی و صنعتی در مدت عملیات اجرائی نباید موجب تعطیل واحد تولیدی گردد.

ماده ۲۱۳- ارزیابی اموال مورد توقیف به وسیله ارزیاب اداره امور مالیاتی به عمل خواهد آمد ولی مؤدی می‌تواند با تودیع حق الزحمه ارزیابی طبق مقررات مربوط به دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری تقاضا کند که ارزیابی اموال وسیله ارزیاب رسمی به عمل آید.

ماده ۲۱۴- کلیه اقدامات لازم مربوط به آگهی حراج و مزایده فروش اموال مورد توقیف اعم از منقول و غیر منقول به عهده مسئول اجرائی اداره امور مالیاتی می‌باشد. در مورد فروش اموال غیر منقول در صورتی که پس از انجام تشریفات مقرر و تعیین خریدار، مالک برای امضای سند حاضر نشود مسئول اجرائیات اداره امور مالیاتی به استناد مدارک مربوط از اداره ثبت محل تقاضای انتقال ملک به نام خریدار خواهد کرد و اداره ثبت اسناد و املاک مکلف به اجرای آن است.

ماده ۲۱۵- در مورد اموال غیر منقول توقیف شده در صورتی که پس از دونوبت آگهی (که نوبت دوم آن بدون حداقل قیمت آگهی می‌شود) خریداری برای آن پیدا نشود سازمان امور مالیاتی کشوری تواند مطابق ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری معادل کل بدهی مؤدی به علاوه هزینه متعلقه از مال مورد توقیف تملک و بهای آن را به حساب بدهی مؤدی منظور نماید.

تبصره ۱- در صورتیکه مؤدی قبل از انتقال مال مذکور بنام سازمان امور مالیاتی کشور و یا دیگری، حاضر به پرداخت بدهی خود باشد سازمان امور مالیاتی کشور با دریافت بدهی مؤدی به اضافه ده درصد بدهی و هزینه‌های متعلقه از ملک مزبور رفع توقیف می‌نماید.

تبصره ۲- در صورتیکه مال به تملک سازمان امور مالیاتی کشور درآمده باشد اگر آمادگی جهت فروش داشته باشد و مؤدی درخواست نماید در شرایط مساوی اولویت با مؤدی است.

ماده ۲۱۶- مرجع رسیدگی به شکایات ناشی از اقدامات اجرائی راجع به مطالبات دولت از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی که طبق مقررات اجرائی مالیات‌ها قابل مطالبه و وصول می‌باشد هیأت حل اختلاف مالیاتی خواهد بود. به شکایات مزبور به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی و رأی صادر خواهد شد. رأی صادره قطعی و لازم الاجرا است.

تبصره ۱- در مورد مالیات‌های مستقیم در صورتیکه شکایت حاکی از این باشد که وصول مالیات قبل از قطعیت، بموقع اجرا گذارده شده است هرگاه هیات حل اختلاف مالیاتی شکایت را وارد دانست ضمن صدور رای به بطلان اجرائیه حسب مورد فرار رسیدگی و اقدام لازم صادر یا نسبت به درآمد مشمول مالیات مؤدی رسیدگی و رای صادر خواهد کرد. رای صادره از هیات حل اختلاف قطعی است.

تبصره ۲- در مورد مالیات‌های غیر مستقیم هر گاه شکایت اجرائی از این جهت باشد که مطالبه مالیات قانونی نیست مرجع رسیدگی به این شکایت نیز هیات حل اختلاف مالیاتی خواهد بود و رای هیات مزبور در این باره قطعی و لازم الاجرا است. مفاد این تبصره شامل جرایم قاچاق اموال موضوع عایدات دولت و بهای مال قاچاق از بین رفته و نیز آن دسته از مالیات‌های غیر مستقیم که طبق مقررات مخصوص به خود در مراجع خاص باید حل و فصل شود نخواهد بود.

ماده ۲۱۷- به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود که یک درصد از وجوهی که بابت مالیات و جرائم موضوع این قانون وصول می‌گردد (به استثنای مالیات بردرآمد شرکت‌های دولتی) در حساب مخصوص در خزانه منظور نموده و در مورد آموزش و تربیت کارمندان در امور مالیاتی و حسابرسی و تشویق کارکنان و کسانی که در امر وصول مالیات فعالیت موثری مبذول داشته و یا می‌دارند خرج نماید. وجوه پرداختی به استناد این ماده به عنوان پاداش وصولی از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است. وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است که در هر شش ماه گزارشی از میزان وصول مالیات و توزیع مالیات وصولی بین طبقات و سطوح مختلف درآمد را به کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

ماده ۲۱۸- آیین نامه مربوط به قسمت وصول مالیات توسط وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و دادگستری تصویب و توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

مراجع تشخیص مالیات و وظایف و اختیارات آن‌ها:

ماده ۲۱۹- شناسایی و تشخیص درآمد مشمول مالیات، مطالبه و وصول مالیات موضوع این قانون به سازمان امور مالیاتی کشور محول می‌شود که به موجب بند (الف) ماده (۵۹) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردیده است. نحوه انجام دادن تکالیف و استفاده از اختیارات و برخورداری از صلاحیت‌های هر یک از مأموران مالیاتی و اداره امور مالیاتی و همچنین ترتیبات اجرای احکام مقرر در این قانون به موجب آیین نامه ای خواهد بود که حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور، به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید.

تبصره - سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند تا تصویب آیین‌نامه موضوع این ماده، از روش‌ها، ترتیبات اجرایی و عناوین شغلی قبلی به عنوان مقررات مجری استفاده نماید.

ماده ۲۲۶ - عدم تسلیم اظهارنامه در موعد مقرر از طرف مؤدیانی که مکلف به تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان هستند موجب عدم رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان آن‌ها که در موعد مقرر قانونی تسلیم شده است در مهلت مذکور در ماده (۱۵۶) این قانون نخواهد بود. در غیر این صورت، درآمد مذکور در ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی قطعی خواهد بود.

تبصره - به مؤدیان مالیاتی اجازه داده می‌شود در صورتی که به نحوی از انحاء در اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی از نظر محاسبه اشتباهی شده باشد، با ارایه مدارک لازم ظرف یک ماه از تاریخ انقضاء مهلت تسلیم اظهارنامه نسبت به رفع اشتباه اقدام و اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان اصلاحی را حسب مورد تسلیم نماید و در هر حال تاریخ تسلیم اظهارنامه مؤدی تاریخ تسلیم اظهارنامه اول می‌باشد.

ماده ۲۲۷ - در مواردی که اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان مؤدی حسب مورد قبول می‌شود و همچنین پس از تشخیص علی‌الرأس و صدور برگ تشخیص، چنانچه ثابت شود مؤدی فعالیت‌هایی داشته است که درآمد آن را کتمان نموده است و یا اداره امور مالیاتی در موقع صدور برگ تشخیص از آن مطلع نبوده‌اند، مالیات باید با محاسبه درآمد ناشی از فعالیت‌های مذکور تعیین و مابه تفاوت آن با رعایت مهلت مقرر در ماده (۱۵۷) این قانون مطالبه شود.

ماده ۲۲۸ - در مواردی که اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان مؤدی مورد قبول واقع نشود و یا اساساً مؤدی اوراق مزبور را در موعد قانونی تسلیم نکرده باشد، مالیات مؤدی طبق مقررات این قانون تشخیص و مطالبه خواهد شد.

ماده ۲۲۹ - اداره امور مالیاتی می‌تواند برای رسیدگی به اظهارنامه یا تشخیص هر گونه درآمد مؤدی به کلیه دفاتر و اسناد و مدارک مربوط مراجعه و رسیدگی نمایند و مؤدی مالیات مکلف به ارایه و تسلیم آن‌ها می‌باشد و گرنه بعداً به نفع او در امور مالیاتی آن سال قابل استناد نخواهد بود مگر آن که قبل از تشخیص قطعی درآمد معلوم شود که ارایه آن‌ها در مراحل قبلی به عللی خارج از حدود اختیار مؤدی میسر نبوده است. حکم این ماده مانع از آن نخواهد بود که مراجع حل اختلاف برای تشخیص درآمد واقعی مؤدی به اسناد و مدارک ارایه شده از طرف مؤدی استناد نمایند.

ماده ۲۳۰ - در مواردی که مدارک و اسناد حاکی از تحصیل درآمد نزد اشخاص ثالث به استثنای اشخاص مذکور در ماده (۲۳۱) این قانون موجود باشد اشخاص ثالث مکلف‌اند با مراجعه و مطالبه اداره

امور مالیاتی، دفاتر و همچنین اصل یا رونوشت اسناد مربوط و هر گونه اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی یا مشخصات او را ارایه دهند و گرنه در صورتی که در اثر این استتکاف آن‌ها زیانی متوجه دولت شود به جبران زیان وارده به دولت محکوم خواهند شد. مرجع ثبوت استتکاف اشخاص ثالث و تعیین زیان وارده به دولت مراجع صالحه قضایی است که با اعلام دادستانی انتظامی مالیاتی و خارج نوبت به موضوع رسیدگی خواهند نمود.

تبصره - در موارد استتکاف اشخاص ثالث در ارایه اسناد و مدارک مورد درخواست اداره امور مالیاتی، سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند اشخاص ثالث را از طریق دادستانی کل کشور مکلف به ارایه اسناد و مدارک مذکور بنماید. تعقیب قضایی موضوع مانع از اقدامات اداره مالیاتی نخواهد بود.

ماده ۲۳۱ - در مواردی که ادارات امور مالیاتی کتباً از وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها و سایر مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی اطلاعات و اسناد لازم را در زمینه فعالیت و معاملات و درآمد مؤدی بخواهند مراجع مذکور مکلف‌اند رونوشت گواهی شده اسناد مربوط و هر گونه اطلاعات لازم را در اختیار آنان بگذارند مگر این که مسئول امر ابراز آن را مخالف مصالح مملکت اعلام نماید که در این صورت با موافقت وزیر مسئول و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی از ابراز آن خودداری می‌شود و در غیر این صورت به تخلف مسئول امر با اعلام دادستانی انتظامی مالیاتی در مراجع صالحه قضایی خارج از نوبت رسیدگی و حسب مورد به مجازات مناسب محکوم خواهد شد. ولی در مورد اسناد و اطلاعاتی که نزد مقامات قضایی است و مقامات مزبور ارایه آن را مخالف مصلحت بدانند، ارایه آن منوط به موافقت دادستان کل کشور خواهد بود.

تبصره - در مورد بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی سازمان امور مالیاتی کشور اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی را از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی مطالبه خواهد کرد و بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی موظف‌اند حسب نظر وزیر امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند.

ماده ۲۳۲ - ادارات امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به دست می‌آورند محرمانه تلقی و از افشای آن جزء در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذیربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشاء طبق قانون مجازات اسلامی با آن‌ها رفتار خواهد شد.

ماده ۲۳۳ - در صورتی که ادارات امور مالیاتی ضمن رسیدگی‌های خود به تخلفات مالیاتی مؤدی موضوع ماده (۲۰۱) این قانون برخورد نمودند مکلف‌اند مراتب را برای تعقیب به دادستان انتظامی مالیاتی گزارش دهند.

ماده ۲۳۵ - اداره امور مالیاتی مکلف است نسبت به مؤدیانی که بدهی مالیاتی قطعی خود را پرداخت نموده‌اند حداکثر ظرف پنج روز از تاریخ وصول تقاضای مؤدی مفاصا حساب مالیاتی تهیه و به مؤدی تسلیم کند.

ترتیب رسیدگی:

ماده ۲۳۷ - برگ تشخیص مالیات باید بر اساس مأخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی و به نحوی تنظیم گردد که کلیه فعالیت‌های مربوط و درآمدهای حاصل از آن به طور صریح در آن قید و برای مؤدی روشن باشد. امضاء کنندگان برگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سمت خود را در برگ تشخیص به طور خوانا قید نمایند و مسئول مندرجات برگ تشخیص و نظریه خود از هر جهت خواهند بود و در صورت استعلام مؤدی از نحوه تشخیص مالیات مکلف‌اند جزئیات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص قرار گرفته است به مؤدی اعلام نمایند و هرگونه توضیحی را در این خصوص بخواهد به او بدهند.

ماده ۲۳۸ - در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مؤدی ابلاغ می‌شود، چنانچه مؤدی نسبت به آن معترض باشد می‌تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ شخصاً یا به وسیله وکیل تام‌الاختیار خود به اداره امور مالیاتی مراجعه و با ارایه دلایل و اسناد و مدارک کتباً تقاضای رسیدگی مجدد نماید. مسئول مربوط موظف است پس از ثبت درخواست مؤدی در دفتر مربوط و ظرف مهلتی که بیش از سی روز از تاریخ مراجعه نباشد به موضوع رسیدگی و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک ابراز شده را برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی دانست، آن را رد و مراتب را ظهر برگ تشخیص درج و امضاء نماید و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک ابرازی را موثر در تعدیل درآمد تشخیص دهد و نظر او مورد قبول مؤدی قرار گیرد، مراتب ظهر برگ تشخیص منعکس و به امضای مسئول و مؤدی خواهد رسید و هرگاه دلایل و اسناد و مدارک ابرازی مؤدی را برای رد برگ تشخیص یا تعدیل درآمد مؤثر تشخیص ندهد باید مراتب را مستنداً در ظهر برگ تشخیص منعکس و پرونده امر را برای رسیدگی به هیأت حل اختلاف ارجاع نماید.

ماده ۲۳۹ - در صورتی که مؤدی ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ برگ تشخیص مالیات قبولی خود را نسبت به آن کتباً اعلام کند یا مالیات مورد مطالبه را به مأخذ برگ تشخیص پرداخت یا ترتیب پرداخت آن را بدهد یا اختلاف موجود بین خود و اداره امور مالیاتی را به شرح ماده (۲۳۸) این قانون رفع نماید پرونده امر از لحاظ میزان درآمد مشمول مالیات مختومه تلقی می‌گردد و در مواردی که مؤدی ظرف سی روز کتباً اعتراض ننماید و یا در مهلت مقرر در ماده مذکور به اداره امور مالیاتی مربوط مراجعه نکند درآمد تعیین شده در برگ تشخیص مالیات قطعی است.

تبصره - در مواردی که برگ تشخیص مالیات طبق مقررات تبصره ماده ۲۰۳ و ماده ۲۰۸ این قانون ابلاغ شده باشد و مؤدی به شرح مقررات این ماده اقدام نکرده باشد در حکم معترض به برگ تشخیص مالیات شناخته می‌شود در اینصورت و همچنین در مواردی که مؤدی ظرف مهلت سی روز از تاریخ ابلاغ کتباً به برگ تشخیص اعتراض کند پرونده امر برای رسیدگی به هیأت حل اختلاف مالیاتی ارجاع می‌گردد.

ماده ۲۴۰ - در موقع طرح پرونده در هیأت حل اختلاف مالیاتی نماینده اداره امور مالیاتی باید در جلسات مقرر هیأت شرکت کند و برای توجیه مندرجات برگ تشخیص دلایل کافی اقامه کند و توضیحات لازم را بدهد.

تبصره - در مواردی که برگ تشخیص صرفاً بر اساس رسیدگی کارشناسان یا حسابرسان مالیاتی صادر شده کارشناس یا حسابرس رسیدگی کننده مربوط حسب مورد بجای ممیز یا سرممیز برای ادای توضیحات لازم در هیأت شرکت خواهد نمود.

ماده ۲۴۲ - اداره امور مالیاتی موظف است در هر مورد که به علت اشتباه در محاسبه، مالیات اضافی دریافت شده است و همچنین در مواردی که مالیاتی طبق مقررات این قانون قابل استرداد می‌باشد، وجه قابل استرداد را از محل وصولی جاری ظرف یک ماه به مؤدی پرداخت کند.

تبصره - مبالغ اضافه دریافتی از مؤدی بابت مالیات موضوع این قانون به هر عنوان مشمول خسارتی به نرخ یک و نیم درصد (۱/۵٪) در ماه از تاریخ دریافت تا زمان استرداد می‌باشد و از محل وصولی‌های جاری به مؤدی پرداخت خواهد شد. حکم این تبصره نسبت به مالیات‌های تکلیفی و علی الحساب‌های پرداختی در صورتی که اضافه بر مالیات متعلق باشد در صورتی که ظرف سه ماه از تاریخ درخواست مؤدی مسترد نشود از تاریخ انقضاء مدت مزبور جاری خواهد بود.

ماده ۲۴۳ - در صورتی که درخواست استرداد از طرف مؤدی به عمل آمده باشد و اداره امور مالیاتی آن را وارد نداند، مؤدی می‌تواند ظرف سی روز از تاریخ اعلام نظر اداره یاد شده از هیأت حل اختلاف مالیاتی درخواست رسیدگی کند. رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی در این مورد قطعی و غیر قابل تجدید نظر است و در صورت صدور رأی به استرداد مالیات اضافی اداره مربوط طبق جزء اخیر ماده (۲۴۲) این قانون ملزم به اجرای آن خواهد بود.

مرجع حل اختلاف مالیاتی:

ماده ۲۴۴ - مرجع رسیدگی به کلیه اختلاف‌های مالیاتی جز در مواردی که ضمن مقررات این قانون مرجع دیگری پیش بینی شده، هیأت حل اختلاف مالیاتی است. هر هیأت حل اختلاف مالیاتی از سه نفر به شرح زیر تشکیل خواهد شد:

۱- یک نفر نماینده سازمان امور مالیاتی کشور.

۲- یک نفر قاضی اعم از شاغل یا بازنشسته. در صورتی که قاضی بازنشسته واجد شرایطی در شهرستان‌ها یا مراکز استان‌ها وجود نداشته باشد بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور، رئیس قوه قضائیه یک نفر قاضی شاغل را برای عضویت هیأت معرفی خواهد نمود.

۳- یک نفر نماینده از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران یا اتاق تعاون یا جامعه حسابداران رسمی یا مجامع حرفه‌ای یا تشکلهای صنفی یا شورای اسلامی شهر به انتخاب مؤدی در صورتی که برگ تشخیص مالیات ابلاغ قانونی شده باشد و یا همزمان با تسلیم اعتراض به برگ تشخیص در مهلت قانونی مؤدی انتخاب خود را اعلام ننماید سازمان امور مالیاتی با توجه به نوع فعالیت مؤدی یا موضوع مورد رسیدگی از بین نمایندگان مزبور یک نفر را انتخاب خواهد کرد.

تبصره ۱- جلسات هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی با حضور سه نفر رسمی است و رأی هیأت‌های مزبور با اکثریت آراء قطعی و لازم الاجرا است. ولی نظر اقلیت باید در متن رای قید گردد.

تبصره ۲- اداره امور هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و مسئولیت تشکیل جلسات هیات‌ها به عهده سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشد و حق الزحمه اعضاء هیات‌های حل اختلاف بر اساس آیین نامه‌ای که بنا به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید از محل اعتباری که به همین منظور در بودجه سازمان مذکور پیش بینی می‌شود قابل پرداخت خواهد بود.

ماده ۲۴۵- نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور عضو هیأت از بین کارمندان سازمان مذکور که دارای ده سال سابقه خدمت بوده و لااقل شش سال آن را در امور مالیاتی اشتغال داشته و در امر مالیاتی بصیر و مطلع باشند انتخاب خواهند شد.

ماده ۲۴۶- وقت رسیدگی هیأت حل اختلاف مالیاتی در مورد هر پرونده، جهت حضور مؤدی یا نماینده مؤدی و نیز اعزام نماینده اداره امور مالیاتی باید به آن‌ها ابلاغ گردد. فاصله تاریخ ابلاغ و روز تشکیل جلسه هیأت نباید کمتر از ده روز باشد مگر به درخواست مؤدی و موافقت واحد مربوط.

تبصره - عدم حضور مؤدی یا نماینده مؤدی و نیز نماینده اداره امور مالیاتی مربوط مانع از رسیدگی هیات و صدور رای نخواهد بود.

ماده ۲۴۸- رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی بایستی متضمن اظهار نظر موجه و مدلل نسبت به اعتراض مؤدی بوده و در صورت اتخاذ تصمیم به تعدیل درآمد مشمول مالیات، جهات و دلایل آن توسط هیأت در متن رای قید شود.

ماده ۲۴۹- هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی مکلف‌اند مأخذ مورد محاسبات مالیات را در متن رأی قید و در صورتی که در محاسبه اشتباهی کرده باشند، با درخواست مؤدی یا اداره امور مالیاتی مربوط به موضوع رسیدگی و رأی را اصلاح کنند.

ماده ۲۵۰- در مواردی که هیأت حل اختلاف مالیاتی برگ تشخیص مالیات را رد و یا این که تشخیص اداره امور مالیاتی را تعدیل نماید مکلف است نسخه‌ای از رأی خود را به انضمام رونوشت برگ تشخیص مالیات جهت رسیدگی نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال کند تا در صورت احراز تخلف نسبت به تعقیب متخلف اقدام نماید.

ماده ۲۵۱- مؤدی یا اداره امور مالیاتی می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی هیأت حل اختلاف مالیاتی، به استناد عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه یا نقض رسیدگی، با اعلام دلایل کافی به شورای عالی مالیاتی شکایت و نقض رأی و تجدید رسیدگی را درخواست کنند.

ماده ۲۵۱ مکرر- در مورد مالیات‌های قطعی موضوع این قانون و مالیات‌های غیر مستقیم که در مرجع دیگری قابل طرح نباشد و به ادعای غیر عادلانه بودن مالیات مستنداً به مدارک و دلایل کافی از طرف مؤدی شکایت و تقاضای تجدید رسیدگی شود وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌تواند پرونده امر را به هیأتی مرکب از سه نفر به انتخاب خود جهت رسیدگی ارجاع نماید. رأی هیأت به اکثریت آرا قطعی و لازم الاجرا می‌باشد. حکم این ماده نسبت به عملکرد سنوات ۱۳۶۸ تا تاریخ تصویب این اصلاحیه نیز جاری خواهد بود.

شورای عالی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن:

ماده ۲۵۲- شورای عالی مالیاتی مرکب است از: بیست و پنج نفر عضو که از بین اشخاص صاحب نظر، مطلع و مجرب در امور حقوقی، اقتصادی، مالی، حسابداری و حسابرسی که دارای حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی یا معادل در رشته‌های مذکور می‌باشند به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب می‌شوند.

تبصره ۱- حداقل پانزده نفر از اعضاء شورای عالی مالیاتی باید از کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی و یا سازمان‌ها و واحدهای تابعه آن که دارای حداقل شش سال سابقه کار در مشاغل مالیاتی باشند، انتخاب شوند.

تبصره ۲- جلسات شورای عالی مالیاتی با حضور حداقل دو سوم اعضاء رسمی است و تصمیمات آن با رأی حداقل نصف به علاوه یک حاضرین معتبر خواهد بود.

ماده ۲۵۳- دوره عضویت اعضای شورای عالی مالیاتی سه سال از تاریخ انتصاب است و در این مدت قابل تغییر نیستند مگر به تقاضای خودشان یا به موجب حکم قطعی دادگاه اختصاصی اداری موضوع ماده (۲۶۷) این قانون. انتصاب مجدد اعضا پس از انقضای سه سال مذکور بلامانع است. رئیس شورای عالی مالیاتی از بین اعضای شورا که کارمند وزارت امور اقتصادی و دارایی باشد، به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب می‌شود.

ماده ۲۵۴- شورای عالی مالیاتی دارای هشت شعبه و هر شعبه مرکب از سه نفر عضو خواهد بود. رئیس و اعضای شعب از طرف رئیس شورای عالی مالیاتی منصوب می‌شوند.

ماده ۲۵۵- وظایف و اختیارات شورای عالی مالیاتی به شرح زیر است:

۱- تهیه آئین نامه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به اجرای این قانون در مواردی که از طرف وزیر

امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور ارجاع می‌گردد و یا در مواردی که شورای عالی مالیاتی تهیه آن را ضروری می‌داند پس از تهیه به رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد کند.

۲- بررسی و مطالعه به منظور پیشنهاد و اعلام نظر در مورد شیوه اجرای قوانین و مقررات مالیاتی و همچنین پیشنهاد اصلاح و تغییر قوانین و مقررات مالیاتی و یا حذف بعضی از آنها به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور.

۳- اظهار نظر در مورد موضوعات و مسایل مالیاتی که وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور حسب اقتضاء برای مشورت و اظهار نظر به شورای عالی مالیاتی ارجاع می‌نماید.

۴- رسیدگی به آرای قطعی هیات‌های حل اختلاف مالیاتی که از لحاظ عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه یا نقص رسیدگی مورد شکایت مؤدی یا اداره امور مالیاتی واقع شده باشد.

ماده ۲۵۶- هرگاه از طرف مؤدی یا اداره امور مالیاتی شکایتی در موعد مقرر از رأی قطعی هیأت حل اختلاف مالیاتی واصل شود که ضمن آن با اقامه دلایل و یا ارایه اسناد و مدارک صراحتاً یا تلویحاً ادعای نقض قوانین و مقررات موضوعه یا ادعای نقص رسیدگی شده باشد، رئیس شورای عالی مالیاتی شکایت را جهت رسیدگی به یکی از شعب مربوط ارجاع خواهد نمود. شعبه مزبور موظف است بدون ورود به ماهیت امر صرفاً از لحاظ رعایت تشریفات و کامل بودن رسیدگی‌های قانونی و مطابقت مورد با قوانین و مقررات موضوعه به موضوع رسیدگی و مستنداً به جهات و اسباب و دلایل قانونی رأی مقتضی بر نقض آرای هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و یا رد شکایت مزبور صادر نماید، رأی شعبه با اکثریت مناظ اعتبار است و نظر اقلیت باید در متن رأی قید گردد.

ماده ۲۵۷ - در مواردی که رأی مورد شکایت از طرف شعبه نقض می‌گردد پرونده امر جهت رسیدگی مجدد به هیأت حل اختلاف مالیاتی دیگر ارجاع خواهد شد و در صورتی که در آن محل یک هیأت بیشتر نباشد به هیأت حل اختلاف مالیاتی نزدیک‌ترین شهری که با محل مزبور در محدوده یک استان باشد ارجاع می‌شود. مرجع مزبور مجدداً به موضوع اختلاف مالیاتی برطبق فصل سوم این باب و با رعایت نظر شعبه شورای عالی مالیاتی رسیدگی ورأی مقتضی می‌دهد. رأیی که بدین ترتیب صادر می‌شود قطعی و لازم الاجرا است. حکم این ماده در مواردی که آرای صادره از هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی توسط دیوان عدالت اداری نقض می‌گردد نیز جاری خواهد بود.

تبصره - در مواردی که رأی هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی نقض می‌شود شورای عالی مالیاتی موظف است یک نسخه از رأی هیات را برای رسیدگی نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال دارد تا در صورت احراز تخلف اقدام به تعقیب نماید.

ماده ۲۵۸ - هرگاه در شعب شورای عالی مالیاتی نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد حسب ارجاع وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور یا رئیس شورای عالی مالیاتی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی با حضور رئیس شورا و رؤسای شعب و درغیاب رئیس شعبه یک نفر از اعضای آن شورا به انتخاب رئیس شورا تشکیل خواهد شد و موضوع مورد اختلاف را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر و اقدام به صدور رأی می‌نماید در این صورت رأی هیأت عمومی که با دو سوم آرای تمام اعضاء قطعی است برای شعب شورای عالی مالیاتی و هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی در موارد مشابه لازم الاتباع است.

ماده ۲۵۹ - هرگاه شکایت از رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی از طرف مؤدی به عمل آمده باشد و مؤدی به میزان مالیات مورد رأی وجه نقد یا تضمین بانکی بسپرد و یا وثیقه ملکی معرفی کند یا ضامن معتبر که اعتبارضامن مورد قبول اداره امور مالیاتی باشد، معرفی نماید رأی هیأت تا صدور رأی شورای عالی مالیاتی موقوف الاجرا می‌ماند.

هیأت عالی انتظامی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن:

ماده ۲۶۱ - هیأت عالی انتظامی مالیاتی مرکب خواهد بود از سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل که از بین کارمندان عالی مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی که در امور مالیاتی بصیر و مطلع بوده و دارای شانزده سال سابقه خدمت که لااقل شش سال آن را در امور مالیاتی اشتغال داشته باشند به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی برای مدت سه سال به این سمت منصوب می‌شود و در مدت مذکور قابل تغییر نیستند مگر به تقاضای خودشان و یا به موجب حکم قطعی دادگاه اختصاصی اداری موضوع ماده (۲۶۷) این قانون. انتصاب مجدد آنان پس از انقضای سه

سال مذکور بلامانع است. رئیس هیأت عالی انتظامی مالیاتی از بین اعضای اصلی هیأت به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی انتخاب و منصوب می‌شود.

تبصره - کارمندی که مدارج مذکور در ماده ۲۲۰ این قانون را طی نموده و در یکی از استان‌های کشور بجز استان تهران به عنوان مدیر کل خدمت کرده باشند در انتخاب به سمت فوق حق تقدم دارند.

ماده ۲۶۲- وظایف و اختیارات هیات عالی انتظامی مالیاتی به شرح زیر است:

الف - رسیدگی به تخلفات اداری در امور مالیاتی کلیه مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و هیأت سه نفری موضوع بند (۳) ماده (۹۷) این قانون و سایر مأمورانی که طبق این قانون مسئول وصول مالیات هستند و نیز کسانی که با حفظ سمت وظایف مأموران مزبور را انجام می‌دهند به درخواست دادستانی انتظامی مالیاتی. تعقیب و رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در دادستانی و هیأت عالی انتظامی مالیاتی سابق به عهده مراجع موضوع این فصل خواهد بود.

ب - نفی صلاحیت شاغلین مقامات مذکور در ادامه خدمات مالیاتی به جهات مسایل اخلاقی و یا رفتار منافی با حیثیت و شئون مأموران مالیاتی و سوء شهرت و اهمال و مسامحه آنان در انجام وظایف خود به درخواست دادستان انتظامی مالیاتی.

ج - رسیدگی به اعتراض مأمورانی که صلاحیت آن‌ها مورد تأیید دادستان انتظامی مالیاتی قرار نگرفته است نظر هیأت در این گونه موارد برای مسئولین ذیربط معتبر خواهد بود.

دادستانی انتظامی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن:

ماده ۲۶۳ - دادستان انتظامی مالیاتی از بین کارمندان عالی مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی که دارای حداقل ده سال سابقه خدمت بوده و شش سال آن را در امور مالیاتی اشتغال داشته باشند به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی به این سمت منصوب می‌شود.

تبصره - دادستان انتظامی مالیاتی می‌تواند به تعداد کافی دادیار داشته باشد و قسمتی از اختیارات خود را به آنان تفویض نماید.

ماده ۲۶۴ - وظایف دادستان انتظامی مالیاتی به شرح زیر است:

الف - رسیدگی و کشف تخلفات و تقصیرات مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و همچنین اعضای هیأت سه نفری موضوع بند (۳) ماده (۹۷) این قانون و سایر مأموران که طبق این قانون در امر وصول مالیات دخالت دارند و نیز کسانی که باحفظ سمت وظایف مأموران مزبور را انجام می‌دهند و تعقیب آن‌ها.

ب - تحقیق درجهات اخلاقی و اعمال و رفتار افراد مذکور.

پ - اعلام نظر نسبت به ترفیع مقام مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی.

ت - اقامه دعوی علیه مؤدیان و مأموران مالیاتی که در این قانون پیش بینی شده است.

ماده ۲۶۵ - جهات ذیل موجب شروع رسیدگی و تحقیق خواهد بود:

الف - شکایت ذینفع راجع به عدم رعایت مقررات این قانون.

ب - گزارش رسیده از مراجع رسمی.

پ - مواردی که از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و یا هیأت عالی انتظامی مالیاتی ارجاع شود.

ت - مشهودات و اطلاعات دادستانی انتظامی مالیاتی.

تبصره - دادستان انتظامی مالیاتی موارد مذکور در این ماده را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و حسب مورد پرونده را بایگانی یا قرار منع تعقیب صادر و یا ادعا نامه تنظیم و به هیأت عالی انتظامی مالیاتی تسلیم می‌نماید و در موارد صدور منع تعقیب نیز مراتب باید به هیأت عالی انتظامی مالیاتی اعلام شود هیأت مذکور در صورتیکه قرار منع تعقیب صادره را منطبق با موضوع تشخیص ندهد رأساً نسبت به رسیدگی اقدام خواهد نمود.

ماده ۲۶۶ - مرجع رسیدگی به تخلف افراد مذکور در ماده (۲۶۲) این قانون مرکب است از دو نفر اعضای هیأت عالی انتظامی غیر از رئیس هیأت و یک نفر از اعضای شورای عالی مالیاتی بنا به معرفی رئیس شورا. مرجع مذکور طبق مقررات این قانون و قانون رسیدگی به تخلفات اداری و سایر مقررات موضوعه نسبت به موضوع ارجاعی رسیدگی و رأی به براءت یا محکومیت صادر می‌نماید. رأی مزبور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی از طرف کارمند مورد تعقیب و همچنین دادستانی انتظامی مالیاتی قابل تجدیدنظر است، مرجع تجدیدنظر مرکب از سه نفر عضو که عبارت‌اند از: رئیس هیأت عالی انتظامی مالیاتی، رئیس شورای عالی مالیاتی و یکی از اعضای هیأت عالی انتظامی به انتخاب رئیس هیأت عالی انتظامی که در رأی بدوی دخالت نداشته باشد. رأی مرجع تجدیدنظر قطعی و لازم الاجرا است.

تبصره ۱- هر گاه هر یک از اعضاء هیأت عالی انتظامی مالیاتی خواه در مرحله بدوی یا تجدید نظر سابقه صدور رأی یا هر نوع اظهار نظری نسبت به موضوع طرح شده داشته باشند وزیر امور اقتصادی و دارایی حسب مورد یک نفر دیگر را در آن مورد تعیین خواهد نمود.

تبصره ۲- در هر مورد که رأی مرجع تجدید نظر توسط دیوان عدالت اداری نقض و یا پرونده قابل رسیدگی مجدد اعلام گردد پرونده امر منحصراً به جهات مورد نظر دیوان مزبور به هیأتی مرکب از سه نفر به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارائی که یکی از آنان رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور خواهد بود احاله و رأی هیأت اخیرالذکر قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۶۷- تخلفات انتظامی اعضای شورای عالی مالیاتی و اعضای هیأت عالی انتظامی به دستور وزیر امور اقتصادی و دارائی در دادگاه اختصاصی اداری مرکب از یکی از رؤسای شعب دیوان عالی کشور به معرفی رئیس دیوان عالی کشور، رئیس کل دیوان محاسبات و رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که بر طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری و سایر مقررات مربوط رسیدگی و رأی بر براءت یا محکومیت صادر خواهد نمود. این رأی قطعی و لازم الاجرا است.

ماده ۲۶۸- در مواردی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی به سبب معاملاتی که در دفتر اسناد رسمی انجام می‌شود تکالیفی به عهده صاحبان دفتر گذارده شده است. تخلف آنان از انجام تکالیف مذکور به وسیله دادستانی انتظامی مالیاتی تعقیب خواهد شد. محاکمه و مجازات سر دفتر متخلف در مرجع صلاحیت دارمذکوردر قانون دفاتر اسناد رسمی به عمل خواهد آمد ولی دادستانی انتظامی مالیاتی علاوه بر تسلیم ادعاینامه می‌تواند از وجود نماینده اداره امور مالیاتی برای ادای توضیحات لازم در مرجع مزبور استفاده نماید.

ماده ۲۶۹- تخلف قضات اعضای هیأت های حل اختلاف مالیاتی در انجام تکالیفی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی به عهده هیأت های حل اختلاف گذارده شده است با اعلام دادستانی انتظامی مالیاتی در دادرسی انتظامی قضات مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. در مورد قضات بازنشسته و نیز نمایندگان موضوع بند (۳) ماده (۲۴۴) این قانون به تخلف آنان با اعلام دادستانی انتظامی در محاکم دادگستری رسیدگی و به مجازات متناسب محکوم خواهند شد.

ماده ۲۷۰- مجازات تخلف مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیأت حل اختلاف در موارد زیر عبارت است از:

۱- هرگاه بعد از تشخیص مالیات و غیر قابل اعتراض بودن آن معلوم شود که مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور عضو هیأت حل اختلاف مالیاتی از روی تعمد یا مسامحه بدون توجه به اسناد و مدارک مؤدی و بدون تحقیقات کافی درآمد مؤدی را کمتر یا بیشتر از میزان واقعی تشخیص داده‌اند، علاوه بر جبران خسارت وارده به میزانی که شورای عالی مالیاتی تعیین می‌نماید، متخلف به مجازات اداری حداقل سه ماه و حداکثر پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

۲- در مواردی که مالیات مؤدیان بر اثر مسامحه و غفلت مأموران مالیاتی مشمول مرورزمان یا غیر قابل وصول گردد جز در مورد اظهارنامه‌هایی که در اجرای ماده (۱۵۸) این قانون رسیدگی به آن الزامی نیست، مقصر به موجب رأی هیأت عالی انتظامی از خدمات مالیاتی برکنار و حسب مورد به مجازات متناسب مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد. ضمناً نسبت به زیان وارده به دولت به میزانی که شورای عالی مالیاتی تشخیص می‌دهد متخلف مسئولیت مدنی داشته و وسیله دادستان انتظامی مالیاتی در دادگاه‌های حقوقی دادگستری به این عنوان دعوی جبران ضرر و زیان اقامه خواهد شد و در صورت وجود سوء نیت متهم وسیله دادستانی انتظامی مالیاتی مورد تعقیب جزایی قرار خواهد گرفت.

مأموران مالیاتی که امر مالیاتی مختوم را مجدداً مورد اقدام قرار دهند به موجب حکم هیأت عالی انتظامی به انفصال از خدمات دولت از یک الی چهار سال محکوم می‌شوند و در مواردی که با دادن گزارش خلاف واقع در امر مالیاتی تعمداً وسایل تعقیب مؤدیانی را که بی تقصیراند فراهم سازند به موجب حکم دادگاه‌های دادگستری به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. دادگاه‌ها خارج از نوبت به این جرایم رسیدگی خواهند نمود.

این حکم شامل مأموران مالیاتی نیز خواهد بود که در موارد مذکور در مواد (۱۵۶)، (۲۲۷) و (۲۳۹) این قانون به طور کلی بعد از صدور برگ تشخیص در هر مرحله ای که باشد، بابت فعالیت دیگر مؤدی اعم از این که از همان نوع باشد یا نوع دیگر بدون به دست آوردن مدرک مثبت یا در خارج از مهلت مرور زمان مالیاتی موضوع مواد (۱۵۶) و (۱۵۷) این قانون مطالبه مالیات نمایند.

تبصره - تشریفات رسیدگی به تخلفات و مجازات آن‌ها جز در مواردی که مقررات خاصی برای آن در این قانون پیش بینی شده است مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری خواهد بود.

ماده ۲۷۱- در مورد رد دفاتر و اسناد و مدارک مؤدی هرگاه هیأت سه نفری موضوع بند (۳) ماده (۹۷) این قانون در یک سال مالیاتی بیش از یک پنجم نظریات اداره امور مالیاتی را (با نوبت اضافی) مردود اعلام نماید مأموران مالیاتی مربوط برای مدت یک سال و در صورت تکرار به طور دایم از اشتغال در رده مأموران مالیاتی منفصل خواهند شد.

ماده ۲۷۲- سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران و حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی که عهده دار انجام دادن وظایف حسابرسی و بازرسی قانونی یا حسابرسی اشخاص هستند در صورت درخواست اشخاص مذکور مکلف‌اند گزارش حسابرسی مالیاتی طبق نمونه ای که از طرف سازمان امور مالیاتی تهیه می‌شود، تنظیم کنند و جهت تسلیم به اداره امور مالیاتی مربوط در اختیار مؤدی قرار دهند. گزارش اخیرالذکر باید شامل موارد زیر باشد:

الف - اظهارنامه نسبت به کفایت اسناد و مدارک حسابداری برای امر حسابرسی طبق مفاد این قانون و مقررات مربوط با رعایت اصول و ضوابط و استانداردهای حسابداری.

ب - تعیین درآمد مشمول مالیات بر اساس مفاد این قانون و مقررات مربوط.

ج - اظهار نظر نسبت به مالیات‌های تکلیفی که مؤدی به موجب قانون مکلف به کسر و پرداخت آن به سازمان امور مالیاتی بوده است.

د - سایر مواردی که در نمونه گزارش حسابرسی مالیاتی مورد نظر سازمان امور مالیاتی کشور تعیین خواهد شد.

تبصره ۱- اداره امور مالیاتی گزارش حسابرسی مالیاتی را بدون رسیدگی قبول و مطابق مقررات برگ تشخیص مالیات صادر می‌کند، قبول گزارش حسابرسی مالیاتی موقوف به آن است که مؤدی گزارش حسابرسی مالی نسبت به صورت‌های مالی که طبق استانداردهای حسابرسی توسط همان حسابدار رسمی یا مؤسسه حسابرسی تنظیم شده باشد را ضمیمه گزارش حسابرسی مالیاتی همراه با اظهارنامه مالیاتی یا حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه، تسلیم اداره امور مالیاتی مربوط نموده باشد.

تبصره ۲- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند حسابرسی صورت‌های مالی و تنظیم گزارش مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی را به حسابداران رسمی یا مؤسسات حسابرسی واگذار نماید. در این صورت، پرداخت حق الزحمه، طبق مقررات مربوط به عهده سازمان امور مالیاتی کشور می‌باشد.

ماده ۲۷۳ - تاریخ اجرای این قانون از اول سال ۱۳۸۱ خواهد بود و کلیه اشخاص حقوقی که شروع سال مالی آن‌ها از اول فروردین ماه سال ۱۳۸۰ به بعد باشد نیز از لحاظ ترتیب رسیدگی و نرخ مالیاتی مشمول این قانون خواهند شد. از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر به استثنای احکام مالیاتی در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دوران برنامه مزبور و نیز ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷ شهریور ۱۳۷۲ و استفساریه مصوب ۲۱ فروردین ۱۳۷۴ قانون اخیرالذکر لغو می‌گردد. این حکم شامل قوانین و مقررات مغایری که شمول قوانین و مقررات عمومی به آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است نیز می‌باشد.

خلاصه معافیت‌های مالیاتی مندرج در قانون مالیات‌های مستقیم		
شماره مواد	موضوع	نوع معافیت مالیات
۲	اشخاص مشمول عدم پرداخت مالیات (معافین مالیاتی) ۱-وزارتخانه ها و موسسات دولتی ۲-دستگاه‌هایی که بودجه آنها بوسیله دولت است ۳-شهرداری‌ها (بجز درآمدهای حاصل از فعالیتهای اقتصادی غیر از وظایف ذاتی آنها)	کلامعاف
۲۰	سهم الارث وراث طبقه اول (پدر، مادر، زن، شوهر، اولاد و اولاد اولاد)	تاسی میلیون ریال
۲۰	سهم الارث وراث طبقه اول که کمتر از ۲۰ سال سن دارند یا محجور یا معلول و از کار افتاده باشند	تا پنجاه میلیون ریال
۵۳	املاکی که به اجاره و انذار میگردد با احتساب کل اجاره اعم از نقدی و غیر نقدی	٪۲۵
۵۳ تبصره ۱	درآمد اجاره مالکان واحدهای مسکونی بیش از سه واحد استیجاری با رعایت الگوی مسکن در طول مدت اجاره	کلامعاف
۵۳ تبصره ۲	درآمد هر شخص ناشی از اجاره واحد یا واحدهای مسکونی در تهران تا مجموع ۱۵۰ متر مربع زیربنای مفید و در سایر نقاط تا مجموع ۲۰۰ متر مربع	کلامعاف
۵۷	معافیت مالیات اجاره برای کسی که درآمد دیگری ندارد به اندازه معافیت حقوق نیز جاری است. ضمناً بازنشستگی، وظیفه و جوایز و سود سپرده بانکی درآمدنی است	به اندازه معافیت حقوق
۶۵	مالیات نقل و انتقال واحدهای مسکونی از طرف شرکت تعاونی مسکن به اعضا	کلامعاف
۷۰	مالیات نقل و انتقال املاک بلاعوض اعطائی از طرف موسسات دولتی و شهرداریها در قبال ملک معارض،	کلامعاف
۸۱	درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی دامپروری دامداری پرورش ماهی زنبور عسل و طیور صیادی ماهیگیری نوغانداری نخیلات	کلامعاف
۸۴	تامینان ۱۵۰ برابر حداقل حقوق مبنای جدول حقوق موضوع ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت درآمد سالانه از پرداخت مالیات کلیه حقوق بگیران معاف است	تا ۱۵۰ برابر حقوق مینا
۱۳۲	درآمد مشمول مالیات واحدهای تولیدی و معدنی در بخش تعاونی و خصوصاً از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج به میزان ۸۰٪ در ۴ سال و مناطق کمتر توسعه یافته ۱۰۰٪ به مدت ۱۰ سال معاف مالیاتی است	۸۰ و ۱۰۰ درصد
۱۳۲ تبصره ۲	معافیت ماده فوق شامل واحدهای در شعاع ۱۲۰ کیلومتر تهران و ۱۵۰ کیلومتر مشهد و ۳۰ کیلومتر استانها و شهرهای بیش از ۳۰۰ هزار نفر به استثناء واحدهای فناوری اطلاعات و شهرکهای صنعتی در شعاع ۳۰ کیلومتر باشد	
۱۳۲ تبصره ۳	تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی دارای پروانه بهره برداری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۵۰٪ مالیات معاف
۱۳۳	درآمد شرکتهای تعاونی روستایی عشایری کشاورزی صیادان کارگری کارمندی دانشجویی و دانش آموزی و اتحادیه های آنها	کلامعاف
۱۳۴	درآمد صرفاً مرتبط با تعلیم مدارس غیرانتفاعی ابتدایی راهنمایی متوسطه فنی حرفه ای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی و موسسات نگهداری معلولین و باشگاهها ورزشی با پروانه از مراجع	کلامعاف
۱۳۶	وجوه پرداختی بابت بیمه عمر از طرف موسسات بیمه که عاید ذینفع می شود	کلامعاف
۱۳۷ قسمت ۱	هزینه درمانی هر مودی بابت خود همسر اولاد پدر مادر برادر خواهر تحت تکفل با گواهی پزشک و حق بیمه هر شخص حقیقی به موسسات بیمه ایرانی بابت بیمه عمر و درمانی	کسر از درآمد مشمول
۱۳۷ قسمت ۲	معلولان و بیماران خاص و صعب العلاج علاوه بر هزینه های مذکور، مراقبت و توانبخشی از درآمد مشمول مالیات خود یا شخصی که تکفل او را عهده دار است کسر میشود	کسر از درآمد مشمول
۱۳۸ قسمت ۱	سود ابرازی شرکت که برای توسعه بازسازی نوسازی یا تکمیل واحد صنعتی و معدنی خود یا ایجاد واحد جدید در آن سال صرف میشود از ۵۰٪ مالیات ماده ۱۰۵ معافند به شرط اخذ مجوز از وزارت خانه ذیربط	۵۰٪ ماده ۱۰۵
۱۳۸ قسمت ۲	وقتی هزینه سالانه طرح فوق بیشتر از سود ابرازی همان سال باشد و یا از هزینه طرح سرمایه گذاری کمتر باشد میتوان از معافیت مذکور در محاسبه مالیات سود ابرازی برای سه سال استفاده کرد	سه سال از زمان طرح

۱۳۸ تبصره ۱	توقف قبل از تکمیل طرح و عدم بهره برداری یکسال پس از مهلت تعیین شده و تعطیلی و واگذاری طرح پس از ۵ سال، موجب احتساب معادل معافیت مالیاتی + جرایم متعلقه ماده ۱۹۰ می‌شود
۱۳۸ تبصره ۲	واحدهایی که با استفاده از این ماده تاسیس و راه اندازی می‌شوند نمی‌توانند از معافیت‌های موضوع ماده ۱۳۲ استفاده نمایند
۱۳۸ تبصره ۳ قسمت ۱	کارخانه‌های محدوده آبریز تهران با تعداد کارکنان بیشتر از ۱۵۰ نفر در صورتی که به خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران منتقل شوند
۱۳۸ تبصره ۳ قسمت ۲	کارخانه‌های واقع در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران و حوزه استحفاظی شهرهای بزرگ (مشهد تبریز اهواز اراک شیراز و اصفهان) که به شهرک‌های صنعتی مصوب منتقل شوند
۱۳۹ قسمت ۱	موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی آستان قدس، آستان شاه عبدالعظیم و حضرت معصومه و شاه چراغ و خمینی، مساجد حسینه هاتکایا و سایر بقیع متبرکه (با تشخیص سازمان اوقاف و امور خیریه)
۱۳۹ قسمت ۲	کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی سازمان هلال احمر و مدارس علوم اسلامی (با تشخیص شورای مدیریت حوزه علمیه قم) و نهادهای انقلاب اسلامی (به تشخیص هیات وزیران)
۱۳۹ قسمت ۳	کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی صندوق‌های پس انداز بازنشستگی و خدمات درمانی و تامین اجتماعی و حق بیمه و حق بازنشستگی سهم کارکنان و کارفرما و جریمه‌های دریافتی مربوط توسط آن‌ها
۱۳۹ قسمت ۴	آن قسمت از درآمد صندوق عمران موقوفات (به شرط مصرف عمران موقوفات) و درآمد اشخاص از محل وجوه به ریه ولی فقیه خمس و زکات
۱۳۹ قسمت ۵	آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی، علمی، اختراعات، تعلیم، بهداشت و درمان، بنا و تعمیر مساجد، تعزیه، آبادانی و تعمیر آثار باستانی، هزینه تحصیلی دانش آموزان، مستضعفان و حادثه دیدگان با تایید سازمان اوقاف و امور خیریه
۱۳۹ قسمت ۶	کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی موسسات خیریه به ثبت رسیده بپیش بینی در اساسنامه که صرف موارد فوق (۵/۱۳۹) شوند با نظارت سازمان امور مالیاتی بر درآمد هزینه آن‌ها
۱۳۹ قسمت ۷	فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی فرهنگی و هنری با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد و موقوفات و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی انجمن‌ها و هیات‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی با شرط تصویب رسمیت آنها در وزارت کشور
۱۳۹ قسمت ۸	کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی و حق عضویت اعضا مجامع حرفه‌ای، احزاب و انجمن‌های و تشکلهای غیر دولتی دارای مجوز از مراجع ذیربط و وجوهی که به موجب قانون از درآمد یا حق الزحمه آنها کسرو به حساب مجامع مربوط واریز می‌شود
۱۳۹ قسمت ۹	کل اشخاص مندرج در این ماده (۱۳۹) در قبال وجوه دریافتی که از فعالیت‌های غیر انتفاعی و برای اهداف از راه برگزاری دوره آموزشی، سمینار و نشر کتاب و نشریه‌های دوره‌ای در چارچوب اساسنامه آنها تحصیل می‌شود (با نظارت سازمان امور مالیاتی)
۱۴۱ قسمت ۱	صد در صد درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده کالای صنعتی و بخش کشاورزی (زراعی دام و طیور شیلات جنگل و مرتع) و صنایع تبدیلی و تکمیلی و پنجاه درصد حاصل از صادرات سایر کالاها برای اهداف صادرات غیر نفتی
۱۴۱ قسمت ۲	۱۰۰٪ درآمد حاصل از صادرات کالاها یا مختلف که به صورت ترانزیت به ایران وارد شده یا می‌شوند و بدون تغییر در ماهیت یا با انجام کاری بروی آن صادر می‌شوند.
۱۴۲	درآمد کارگاه‌های فرش دستباف و صنایع دستی و شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تولیدی مربوطه
۱۴۳	شرکت‌های پذیرفته شده در بورس از سال پذیرش تاسالی که فهرست نرخ‌ها در بورس حذف نشده باشد با شرط نقل و انتقال سهام از طریق کارگزار و ثبت در دفاتر مربوطه ۱۰٪ (ده درصد) از مالیات آنها بخشوده می‌شود

۱۴۴	جهیزیه منقول و مهریه اعم از منقول و غیر منقول و جوایز علمی و بورسهای تحصیلی درآمد حق اختراع یا اکتشاف درآمدهای پژوهشی و تحقیقاتی مراکز دارای پروانه تحقیق از وزارتخانه ذیصلاح به مدت ده سال	۱۰ سال معاف
۱۴۵	سود دریافتی به هر عنوان شامل سود سپرده کسور باز نشستگی و پس انداز کارمندی و کارگری نزد بانکهای ایرانی سودیاجوایز متعلق به حسابهای پس انداز و سپرده هایی مختلف نزد بانکهای ایرانی یا موسسات اعتباری غیر بانکی مجاز، جوایز اوراق قرضه دولتی، سود و جوایز اوراق مشارکت	کلامعاف

خلاصه جرائم و تشویقات مالیاتی					
شماره مواد	موضوع	نرخ تشویق	نرخ جریمه	ماخذ محاسبه	دامنه کاربرد
۴۳	تخلف بانکها و اشخاص در مورد اموال متوفی	-	۵٪	قیمت مال + مسئولیت تضامنی	مالیات بر ارث
۵۱	تخلف از مقررات حق تمبر	-	۲۰۰٪	حق تمبر	مالیات حق تمبر
۵۷	تسلیم اظهارنامه خلاف واقع	-	۱۰۰٪	مالیات	مالیات بر درآمد املاک
۱۳۸ تبصره ۱	توقف طرح قبل از تکمیل یا عدم بهره برداری طرف یکسال پس از مهلت موعود	-	۲٫۵٪	اخذ مالیات متعلق + جریمه ماهانه	مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی
۱۷۷ تبصره ۳	عدم اعلام کتبی شروع فعالیت ظرف چهار ماه از تاریخ شروع فعالیت	-	۱۰٪	مالیات	مالیات بر درآمد مشاغل
۱۸۹	قبولی سه سال متوالی ترازنامه و حساب سود و زیان و دفاتر اشخاص حقوقی و حقیقی (موضوع افراد بندهای الف و ب ماده ۹۵) که بدون مراجعه به هیاتهای حل اختلاف، مالیات هر سال را پرداخت می کنند	۵٪	-	اصل مالیات ۳ سال مذکور	مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و مشاغل
۱۹۰ قسمت ۱	علی الحساب پرداختی مالیات عملکرد هر سال قبل از سررسید مقرر در این قانون	۱٪	-	مبلغ پرداختی به ازای هر ماه تا سررسید مقرر	-
۱۹۰ قسمت ۱	پرداخت مالیات پس از موعد (تاخیر در پرداخت)	-	۲٫۵٪	مالیات (به ازای هر ماه)	مالیات بر ارث، املاک، اشخاص حقوقی، مشاغل
۱۹۰ تبصره ۱	ادای تکالیف قانونی در خصوص تسلیم به موقع اظهارنامه، پرداخت مالیات طبق اظهارنامه و ارائه به موقع دفاتر و اسناد (ماده ۲۳۹) و در صورت قبولی برگ تشخیص و توافق با ممیز	۸۰٪	-	جرایم مقرر	-
۱۹۰ تبصره ۱	ترتیب پرداخت برگ قطعی مالیات حداکثر یکماه پس از ابلاغ آن	۴۰٪	-	جرایم متعلقه	-
۱۹۱	تمام یا قسمتی از جرایم مقرر در این قانون با توجه به دلایل مودی مبنی بر خارج از اختیار بودن تاخیر در انجام تکالیف مقرر با در نظر گرفتن سوابق مالیاتی و به تشخیص و موافقت سازمان امور مالیاتی کشور	۱۰۰٪	-	جرایم متعلقه	-

مالیات بر ارث، املاک، مشاغل (بند "ج")	مالیات متعلق	٪۱۰	-	عدم تسلیم اظهارنامه مالیاتی توسط اشخاص حقیقی در موعد مقرر	۱۹۲ قسمت ۱
مالیات بر درآمد املاک، اشخاص حقوقی، مشاغل (بند "الف" و "ب")	مالیات متعلق	٪۴۰	-	عدم تسلیم اظهارنامه مالیاتی توسط اشخاص حقوقی در موعد مقرر	۱۹۲ قسمت ۲
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، مشاغل	مالیات متعلق به درآمدهای کتمان شده و هزینه غ.ق.ق	٪۴۰	-	درآمدهای کتمان شده و هزینه های غیرواقعی و یا غیرقابل قبول مودیان (حتی در صورت تسلیم به موقع اظهارنامه)	۱۹۲ قسمت ۳
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، مشاغل	مالیات متعلق	٪۲۰	-	مودیان مکلف به نگهداری دفاتر قانونی در صورت عدم تسلیم ترازنامه و حساب سودوزیان	۱۹۳ قسمت ۱
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، مشاغل	مالیات متعلق	٪۲۰	-	مودیان مکلف به نگهداری دفاتر قانونی در صورت عدم ارائه دفاتر	۱۹۳ قسمت ۱
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، مشاغل	مالیات متعلق	٪۱۰	-	عدم قبول یا رد دفاتر قانونی	۱۹۳ قسمت ۱
-	-	-	-	عدم تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سودوزیان در دوره معافیت موجب عدم استفاده از معافیت در سال مربوط خواهد بود	۱۹۳- تبصره
-	-	-	-	اظهارنامه‌های رسیدگی شده در اجرای ماده ۱۵۸ (رسیدگی نمونه ای) که مالیات مشخص و قطعی شده آنها بیش از ۱۵٪ یا مالیات اظهار شده اختلاف داشته باشد علاوه بر جرایم مربوطه که غیرقابل بخشودگی اند تا سه سال از هرگونه بخشودگی و تسهیلات مقرر در قانون نیز محروم هستند	۱۹۴
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی،	سرمایه پرداخت شده در تاریخ انحلال	٪۱	-	ارسال خلاف واقع اظهارنامه (موضوع ماده ۱۱۴) توسط آخرین مدیران شخص حقوقی منحل شده	۱۹۵
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی،	سرمایه پرداخت شده در تاریخ انحلال	٪۲	-	عدم تسلیم اظهارنامه (موضوع ماده ۱۱۴) توسط آخرین مدیران شخص حقوقی منحل شده ظرف مدت مقرر در تاریخ انحلال	۱۹۵
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی،	مالیات متعلق	٪۲۰	-	تقسیم دارایی‌های شخص حقوقی منحل شده قبل از تصفیه امور مالیاتی یا سپردن تامین مقرر موضوع ماده ۱۱۸	۱۹۶
مالیات بر درآمد حقوق،	حقوق پرداختی	٪۲	-	عدم تسلیم فهرست یا قرارداد یا مشخصات راجع به مودی در موعد مقرر یا بر خلاف واقع در مورد حقوق	۱۹۷
مالیات تکلیفی	کل مبلغ قرارداد	٪۱	-	عدم تسلیم فهرست یا قرارداد یا مشخصات راجع به مودی در موعد مقرر یا بر خلاف واقع در خصوص پیمانکاری	۱۹۷ مکرر

۱۹۹	مکلفین کسروایصال مالیات مودیان دیگر در صورت تخلف از انجام وظایف مقرر علاوه بر مسئولیت تضامنی بامودی در پرداخت اصل مالیات	-	۲۰٪	مالیات پرداخت نشده	مالیات بر درآمد املاک، حقوق، تکلیفی
۲۰۰	عدم اجرای تکلیف یا وظیفه ای که برای دفاتر اسناد رسمی مقرر گردیده، علاوه بر مسئولیت تضامنی سردفتر بامودی در پرداخت اصل مالیات	-	۲۰٪	مالیات متعلق	-
۲۰۱	تهیه و تنظیم خلاف واقع اسناد و مدارک، ترازنامه و حساب سود و زیان که مورد استفاده برای تشخیص مالیات است و یاسه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و سود و زیان خودداری کند (مودی)، علاوه بر جریمه های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهند شد.	-	-	-	-

انواع اظهارنامه و مواعد قانونی تسلیم آن‌ها

مواد قانونی	نوع اظهارنامه	موعد تسلیم
۲۶	اظهارنامه مالیات بر ارث	ظرف مدت شش ماه از تاریخ فوت متوفی
۳۹	اظهارنامه وقف، متولی، حبس و نذر	از تاریخ وقوع عقد یا فوت موصی ظرف سه ماه
۸۰	اظهارنامه مالیات بر درآمد اجاره املاک	تا آخر تیرماه سال بعد
۸۰	اظهارنامه حق واگذاری محل	تا سی روز پس از انجام معامله
۸۸	دریافت کنندگان حقوق از اشخاص مقیم خارج از ایران	تا آخر تیرماه سال بعد
۱۰۰	اظهارنامه مالیات بر درآمد مشاغل	تا آخر تیرماه سال بعد
۱۱۰	اظهارنامه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی	چهار ماه پس از پایان سال مالی
۱۱۴	اشخاص حقوقی در حال انحلال	تا قبل از تشکیل مجمع
۱۱۶	مدیر تصفیه شرکت منحل شده	ظرف شش ماه از تاریخ انحلال
۱۲۶	اظهارنامه مالیات بر درآمد اتفاقی	انتقال منافع مال
		در سایر موارد

وظایف مودیان در خصوص مالیات‌های تکلیفی

مواد قانونی	پرداخت کنندگان	موعد کسر و ایصال	میزان کسر مالیات
تبصره ۹ ماده ۵۳	پرداخت کنندگان اجاره محل (موجر شخص حقیقی)	ده روز	نرخ ماده ۱۳۱
تبصره ۹ ماده ۵۳	پرداخت کنندگان اجاره محل (موجر شخص حقوقی)	ده روز	نرخ ماده ۱۰۵
تبصره ۲ ماده ۱۰۳	پرداخت کننده به و کلا	ده روز	۵٪
بندهای الف و ب ماده ۱۰۷	پرداخت کنندگان به اشخاص حقوقی خارجی	ده روز	۳٪ یا ۲۵٪
ماده ۱۰۴	پرداخت کنندگان به اشخاص حقوقی و حقیقی ایرانی	پایان ماه بعد	۳٪

تبصره ۱ ماده ۱۰۷	واگذاری عملیات پیمانکاری موضوع بندهای الف و ب ماده ۱۰۷ به اشخاص حقوقی ایرانی	سی روز	۲,۵٪
ماده ۸۶	پرداخت کنندگان حقوق	سی روز	نرخ ماده ۸۵
تبصره ذیل ماده ۸۶	پرداخت از طرف غیر پرداخت کنندگان حقوق اصلی	سی روز	نرخ ماده ۸۵
ماده ۸۸	دریافت کنندگان حقوق از اشخاص مقیم خارج	سی روز	نرخ ماده ۸۵
ماده ۱۰۲	صاحبان سرمایه در مضاربه	زمان تسلیم اظهارنامه	نرخ ماده ۱۳۱
تبصره ۵ ماده ۱۰۹	بیمه‌گران اتکایی خارجی	وجوه کسر شده هر ماه را طرف سی روز	۲٪
۱۴۳ مکرر الحاقی	کارگزاران بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس	در زمان انتقال	نیم درصد

جدول نرخ‌های مالیاتی	
نرخ	شرح
	مالیات بر ارث
به شرح جدول ماده ۲۰	حق تمیر سرمایه شرکت‌ها
دو در هزار	
نرخ ماده ۱۳۱	مالیات بر درآمد اجاره املاک
۲۵٪	اشخاص حقیقی
۵٪	اشخاص حقوقی
	مالیات نقل و انتقال قطعی املاک
۱۰٪ (مازاد بر ۵٪)	مالیات نقل و انتقال اعیان نوساز
۲٪	مالیات حق واگذاری محل (سرقفلی)
۱۰٪	مالیات بر درآمد حقوق
تا مبلغ ۴۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال ۱۰٪ مازاد به نرخ ماده ۱۳۱	دولتی و دستگاه‌های خاص
	خصوصی
نرخ ماده ۱۳۱	مالیات بر درآمد مشاغل
۲۵٪	مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی
۰,۵٪ (نیم درصد) ارزش روز سهام	مالیات نقل و انتقال سهام
۴٪ ارزش اسمی	سهام بورسی
	سهام غیر بورسی
نرخ ماده ۱۳۱	مالیات بر درآمد اتفاقی
۲۵٪	اشخاص حقیقی
	اشخاص حقوقی

نرخ ماده ۱۳۱	
نرخ	شرح
۱۵٪	تا میزان ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه
۲۰٪	تا میزان ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲۵٪	تا میزان ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳۰٪	تا میزان ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳۵٪	نسبت به مازاد ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه

جدول هزینه‌های قابل قبول مالیاتی (موضوع ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم)		
عنوان	شرط قابل قبول بودن	
(۱) قیمت خرید کالای فروخته شده و یا قیمت خرید مواد مصرفی در کالا و خدمات فروخته شده	-	
(۲) هزینه‌های استخدامی	حقوق یا مزد اصلی و مزایای مستمر اعم از نقدی یا غیر نقدی	متناسب با خدمت کارکنان بر اساس مقررات استخدامی موسسه
	مزایای غیر مستمر اعم از نقدی و غیر نقدی از قبیل خواربار، بهره وری، پاداش، عیدی، اضافه کار، هزینه سفر و فوق العاده مسافرت.	به منظور رفع حوائج موسسه ذیربط و طبق آئین نامه هیأت وزیران
	هزینه‌های بهداشتی و درمانی و وجوه پرداختی بابت بیمه‌های بهداشتی و عمر و حوادث ناشی از کار کارکنان.	-
	حقوق بازنشستگی، وظیفه، پایان خدمت طبق مقررات استخدامی مؤسسه و خسارت اخراج و بازخرید طبق قوانین موضوعه مازاد بر مانده حساب ذخیره مربوط.	طبق قوانین موضوعه مازاد بر مانده حساب ذخیره مربوط.
	وجوه پرداختی به سازمان تأمین اجتماعی طبق مقررات مربوط و همچنین تا میزان سه درصد حقوق پرداختی سالانه بابت پس انداز کارکنان	بر اساس آیین نامه ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.
	ذخیره جهت حقوق بازنشستگی و وظیفه و مزایای پایان خدمت، خسارت اخراج و بازخرید کارکنان	معادل یک ماه آخرین حقوق و دستمزد و همچنین ما به التفاوت تعدیل حقوق سنوات قبل
(۳) کرایه محل مؤسسه	در صورتی که اجاری باشد مال الاجاره پرداختی طبق سند رسمی و در غیر اینصورت در حدود متعارف.	
(۴) اجاره بهای ماشین آلات و ادوات مربوط به مؤسسه	در صورتی که اجاری باشد.	
(۵) مخارج سوخت، برق، روشنایی، آب و مخابرات و ارتباطات.	-	
(۶) وجوه پرداختی بابت انواع بیمه مربوط به عملیات و دارایی مؤسسه.	-	
(۷) حق الامتیاز پرداختی و همچنین حقوق و عوارض و مالیات‌هایی که به سبب فعالیت مؤسسه به شهرداری‌ها و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به آن‌ها پرداخت می‌شود.	به استثنای مالیات بر درآمد و ملحقات آن و سایر مالیات‌هایی که مؤسسه به موجب مقررات این قانون ملزم به کسر از دیگران و پرداخت آن می‌باشد و همچنین جرایمی که به دولت و شهرداری‌ها پرداخت می‌گردد.	

<p>براساس آیین نامه ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.</p>	<p>۸) هزینه‌های تحقیقاتی، آزمایشی و آموزشی، خرید کتاب و نشریات و لوح‌های فشرده، هزینه‌های بازاریابی، تبلیغات و نمایشگاهی مربوط به فعالیت مؤسسه.</p>
<p>مشروط بر این‌که: اولاً - وجود خسارت محقق باشد. ثانیاً - موضوع و میزان آن مشخص باشد. ثالثاً - طبق مقررات قانون یا قراردادهای موجود جبران آن به عهده دیگری نبوده یا در هر صورت از طریق دیگر جبران نشده باشد. آیین نامه احراز شروط سه گانه مذکور در این بند به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.</p>	<p>۹) هزینه‌های مربوط به جبران خسارت وارده مربوط به فعالیت و دارایی مؤسسه.</p>
<p>حداکثر معادل ده هزار ریال به ازای هر کارگر.</p>	<p>۱۰) هزینه‌های فرهنگی و ورزشی و رفاهی کارگران پرداختی به وزارت کار و امور اجتماعی.</p>
<p>مشروط بر این‌که: اولاً - مربوط به فعالیت مؤسسه باشد. ثانیاً - احتمال غالب برای لاوصول ماندن آن موجود باشد. ثالثاً - در دفاتر مؤسسه به حساب مخصوص منظور شده باشد تا زمانی که طلب وصول گردد یا لاوصول بودن آن محقق شود. آیین نامه مربوط به این بند به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.</p>	<p>۱۱) ذخیره مطالباتی که وصول آن مشکوک باشد.</p>
<p>مشروط بر این‌که از طریق رسیدگی به دفاتر آن‌ها و با توجه به مقررات احراز گردد.</p>	<p>۱۲) زیان اشخاص حقیقی و حقوقی که از درآمد سال یا سال‌های بعد استهلاک پذیر است.</p>
<p>هزینه‌ها عرفاً به عهده مستاجر باشد.</p>	<p>۱۳) هزینه‌های جزئی مربوط به محل استیجاری مؤسسه.</p>
<p>در صورتی که مالکیت محل متعلق به موسسه باشد.</p>	<p>۱۴) هزینه‌های مربوط به حفظ و نگهداری محل مؤسسه.</p>
<p>-</p>	<p>۱۵) مخارج حمل و نقل.</p>
<p>-</p>	<p>۱۶) هزینه‌های ایاب و ذهاب، پذیرائی و انبارداری.</p>

<p>متناسب با کار انجام شده باشد.</p>	<p>۱۷) حق الزحمه های پرداختی از قبیل حق العمل دلالی، حق الوکاله، حق المشاوره، حق حضور، هزینه حسابرسی و خدمات مالی و اداری و بازرسی، هزینه نرم افزاری، طراحی و استقرار سیستم های مورد نیاز مؤسسه و سایر هزینه های کارشناسی در ارتباط با فعالیت مؤسسه و حق الزحمه بازرس قانونی.</p>
<p>که برای انجام دادن عملیات مؤسسه به بانک‌ها، صندوق تعاون و همچنین مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز پرداخت شده یا تخصیص یافته باشد.</p>	<p>۱۸) سود و کارمزد</p>
<p>-</p>	<p>۱۹) بهای ملزومات اداری و لوازمی که معمولاً ظرف یک سال از بین می‌روند.</p>
<p>در صورتی که به عنوان تعمیر اساسی تلقی نگردد.</p>	<p>۲۰) مخارج تعمیر و نگهداری ماشین آلات و لوازم کار و تعویض قطعات یدکی.</p>
<p>در صورتی که منجر به بهره برداری نشده باشد.</p>	<p>۲۱) هزینه‌های اکتشاف معادن.</p>
<p>در صورتی که مربوط به فعالیت مؤسسه باشد.</p>	<p>۲۲) هزینه‌های مربوط به حق عضویت و حق اشتراک پرداختی.</p>
<p>به شرط اثبات آن از طرف مؤدی مازاد برمانده حساب ذخیره مشکوک الوصول.</p>	<p>۲۳) مطالبات لاوصول.</p>
<p>براساس اصول متداول حسابداری مشروط بر اتخاذ یک روش یکنواخت طی سال‌های مختلف از طرف مؤدی.</p>	<p>۲۴) زیان حاصل از تسعیر ارز.</p>
<p>-</p>	<p>۲۵) ضایعات متعارف تولید.</p>
<p>-</p>	<p>۲۶) ذخیره مربوط به هزینه های پرداختنی قابل قبول که به سال مورد رسیدگی ارتباط دارد.</p>
<p>در صورتی که پرداخت یا تخصیص آن در سال مالیاتی مورد رسیدگی تحقق می‌یابد.</p>	<p>۲۷) هزینه‌های قابل قبول مربوط به سال‌های قبلی.</p>

<p>تا میزان حداکثر ۵ درصد معافیت مالیاتی موضوع ماده ۸۴ این قانون به ازای هر نفر.</p>	<p>۲۸) هزینه خرید کتاب و سایر کالاهای فرهنگی هنری برای کارکنان و افراد تحت تکفل آنها.</p>
--	---

جدول موعد زمان رسیدگی به مالیات اشخاص حقوقی قبل و بعد از انحلال				
مهلتهای رسیدگی و تعیین مأخذ محاسبه مالیات و صدور برگ تشخیص مالیات		تسلیم یا عدم تسلیم اظهارنامه و صورت‌های مالی		
اشخاص حقوقی مشغول به فعالیت	اشخاص حقوقی منحل	اشخاص حقوقی مشغول به فعالیت	اشخاص حقوقی منحل	
حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	تسلیم اظهارنامه و صورت‌های مالی
اشخاص حقوقی مشغول به فعالیت	اشخاص حقوقی منحل	اشخاص حقوقی مشغول به فعالیت	اشخاص حقوقی منحل	تسلیم اظهارنامه و صورت‌های مالی
حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	حداکثر مهلت ابللاغ برگ تشخیص مالیات	عدم تسلیم اظهارنامه و صورت‌های مالی
اشخاص حقوقی مشغول به فعالیت	اشخاص حقوقی منحل	اشخاص حقوقی مشغول به فعالیت	اشخاص حقوقی منحل	عدم تسلیم اظهارنامه و صورت‌های مالی

۹) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)

ماده ۱ - اهداف نظام بانکی عبارت‌اند از:

- ۱ - استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور.
- ۲ - فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری.
- ۳ - ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری به منظور اجرای بند "۲" و "۹" اصل چهل و سوم قانون اساسی.
- ۴ - حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی.
- ۵ - تسهیل در امور پرداخت‌ها و دریافت‌ها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون بر عهده بانک گذاشته می‌شود.

ماده ۲ - وظایف نظام بانکی عبارت‌اند از:

- ۱ - انتشار اسکناس و سکه‌های فلزی رایج کشور طبق قانون و مقررات.
- ۲ - تنظیم، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار طبق قانون و مقررات.
- ب ۳ - انجام کلیه عملیات بانکی ارزی و ریالی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی دولت طبق قانون و مقررات.
- ۴ - نظارت بر معاملات طلا و ارز و ورود و صدور پول رایج ایران و ارز و تنظیم مقررات مربوط به آنها طبق قانون.
- ۵ - انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات.
- ۶ - اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری طبق قانون و مقررات.
- ۷ - عملیات بانکی مربوط به آن قسمت از برنامه‌های اقتصادی مصوب که از طریق سیستم پولی و اعتباری باید انجام گیرد.

۸ - افتتاح انواع حساب‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار و صدور اسناد مربوط به آن‌ها بر طبق قوانین و مقررات.

۹ - اعطای وام و اعتبار بدون ربا (بهره) طبق قانون و مقررات.

۱۰ - اعطای وام و اعتبار و ارائه سایر خدمات بانکی به تعاونی‌های قانونی جهت تحقق بند "۲" اصل ۴۳ قانون اساسی.

۱۱ - انجام معاملات طلا و نقره و نگاهداری و اداره ذخائر ارزی و طلای کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط به آن.

۱۲ - نگاهداری وجوه ریالی مؤسسات پولی و مالی بین‌المللی و یا مؤسسات مشابه و یا وابسته به این مؤسسات طبق قانون و مقررات.

۱۳ - انعقاد موافقتنامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و بازرگانی و ترانزیتی بین دولت و سایر کشورها طبق قانون و مقررات.

۱۴ - قبول و نگاهداری امانات طلا و نقره و اشیاء گرانبها و اوراق بهادار و اسناد رسمی از اشخاص حقیقی و حقوقی و اجاره صندوق امانات.

۱۵ - صدور و تأیید و قبول ضمانتنامه ارزی و ریالی جهت مشتریان.

۱۶ - انجام خدمات و کالت و وصایت بر طبق قانون و مقررات.

فصل دوم - تجهیز منابع پولی

ماده ۳ - بانک‌ها می‌توانند، تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند:

الف - سپرده‌های قرض‌الحسنه:

۱ - جاری.

۲ - پس‌انداز.

ب - سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

تبصره - سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در بکار گرفتن آن‌ها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماده ۴ - بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا بیمه نمایند.

ماده ۵ - منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده "۳" این قانون، بر اساس قرارداد منعقد، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات، تقسیم خواهد شد.

ماده ۶ - بانک‌ها می‌توانند، به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روش‌های تشویقی از امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطا نمایند:

الف - اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه.

ب - تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم.

فصل سوم - تسهیلات اعطایی بانکی

ماده ۷ - بانک‌ها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخش‌های مختلف تولیدی و بازرگانی و خدماتی قسمتی از سرمایه و یا منابع مورد نیاز این بخش‌ها را به صورت مشارکت تأمین نمایند.

ماده ۸ - بانک‌ها می‌توانند، در امور و یا طرح‌های تولیدی و عمرانی مستقیماً به سرمایه‌گذاری مبادرت نمایند. برنامه آن گونه سرمایه‌گذاری‌ها باید در ضمن لایحه بودجه سالانه کل کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و نتیجه ارزیابی طرح حاکی از عدم زیان‌دهی باشد.

تبصره - بانک‌ها به هیچ وجه حق ندارند در تولید اشیاء تجملی و مصرفی غیر ضروری سرمایه‌گذاری نمایند.

ماده ۹ - بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی در چهار چوب سیاست‌های بازرگانی دولت، منابع مالی لازم را بر اساس قرارداد مضاربه در اختیار مشتریان با اولویت دادن به تعاونی‌های قانونی قرار دهند.

تبصره - بانک‌ها در امر واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نمی‌باشند.

ماده ۱۰ - بانک‌ها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم در گسترش امر مسکن، با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی، واحدهای مسکونی ارزان قیمت به منظور فروش اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک احداث نمایند.

تبصره - تملک زمین با رعایت قانون اراضی شهری جهت احداث واحدهای مسکونی موضوع ماده ۱۰ توسط بانک‌ها بلامانع است.

ماده ۱۱ - بانک‌ها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات اموال منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر خرید و مصرف و یا استفاده مستقیم مال و یا اموال مورد درخواست خریداری نموده و با اخذ تأمین به صورت اقساطی به مشتری بفروشند.

ماده ۱۲ - بانک‌ها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی، اموال منقول و غیر منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر انجام اجاره به شرط تملیک و استفاده خود، خریداری و به صورت اجاره به شرط تملیک به مشتری واگذار نمایند.

ماده ۱۳ - بانک‌ها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به هر یک از عملیات ذیل مبادرت نمایند:

الف - مواد اولیه و لوازم یدکی مورد نیاز واحدهای تولیدی را بنا به درخواست این واحدها و تعهد آن‌ها مبنی بر خرید و مصرف مواد اولیه و لوازم یدکی مورد درخواست، خریداری و به صورت نسیه به واحدهای مذکور بفروشند.

ب - آن قسم از تولیدات این واحدها را که سهل‌البیع باشد بنا به درخواست آن‌ها پیش خرید نمایند.

ماده ۱۴ - بانک‌ها موظف‌اند جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی بخشی از منابع خود را از طریق قرض الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیأت دولت می‌رسد.

ماده ۱۵ - کلیه قراردادهایی که در اجرای مواد "۹"، "۱۱"، "۱۲"، "۱۳" و "۱۴" این قانون مبادله می‌گردد، به موجب قراردادی که بین طرفین منعقد می‌شود، در حکم اسناد لازم‌الاجراء و تابع مفاد آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی است.

ماده ۱۶ - بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی مبادرت به جعاله نمایند.

ماده ۱۷ - بانک‌ها می‌توانند، اراضی مزروعی و یا باغات را که در اختیار و تصرف خود دارند به مزارعه و یا مساقات بدهند.

فصل چهارم - بانک مرکزی ایران و سیاست پولی

ماده ۱۸ - بانک مرکزی ایران که از این پس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نامیده می‌شود در مورد شرکت‌های دولتی که سهام آن صد درصد متعلق به دولت نیست، فقط می‌تواند طبق عملیات مجاز در این قانون عمل نماید.

ماده ۱۹ - سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی کوتاه مدت (یک‌ساله) به پیشنهاد مجمع عمومی بانک مرکزی و تصویب هیأت دولت تعیین شده و سیاست اعتباری و تسهیلات اعطایی پنج‌ساله و درازمدت در ضمن لوایح برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله و درازمدت کشور جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.

ماده ۲۰ - بانک مرکزی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می‌تواند با استفاده از ابزار ذیل، طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد بر اساس ماده ۱۹ در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند:

۱ - تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و مضاربه این نسبت‌ها ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

۲ - تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

۳ - تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله. این نسبت‌ها ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد.

۴ - تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر این که بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق الوکاله بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری که توسط بانک‌ها دریافت می‌شود.

۵ - تعیین نوع، میزان، حداقل و حداکثر امتیازات موضوع ماده "۶" و تعیین ضوابط تبلیغات برای بانک‌ها در این موارد.

۶- تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، نسیه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض‌الحسنه برای بانک‌ها و یا هر یک از آن‌ها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری.

فصل پنجم - متفرقه

ماده ۲۱- بانک مرکزی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نمی‌باشند.

ماده ۲۲- بانک‌ها می‌توانند، با اجازه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی به عملیات مجازبانکی مبادرت نمایند.

ماده ۲۳- وجوه دریافتی تحت عنوان کارمزد و حق‌الوکاله جزو درآمدهای بانک‌ها بوده و قابل تقسیم بین سپرده‌گذاران نمی‌باشد.

ماده ۲۴- معافیت از سود بازرگانی و یا معافیت‌های مالیاتی اعطایی طبق قانون به کارخانجات و مؤسسات تولیدی به بانک‌هایی که از لحاظ واردات و یا مالکیت جانشین کارخانجات و یا مؤسسات تولیدی می‌شوند نیز تعلق می‌گیرد.

ماده ۲۵- واحدهایی که بانک‌ها در آن‌ها مشارکت و یا سرمایه‌گذاری نموده باشند تابع قانون تجارت خواهند بود، مگر این که مشمول قانون دیگری باشند.

ماده ۲۶- پس از تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر لغو و اختیارات و وظایف مذکور در قانون پولی و بانکی و لایحه قانونی اداره اموربانک‌ها و متمم آن که در این قانون به مراجع ذیصلاح دیگری سپرده شده است از مراجع قبلی سلب می‌گردد.

ماده ۲۷- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است آیین‌نامه اجرایی این قانون را با پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و پس از تصویب هیأت دولت که نباید مدت تهیه و تصویب آن از مدت ۴ ماه بیشتر باشد به مرحله اجرا بگذارد.

قانون فوق مشتمل بر بیست و هفت ماده و چهار تبصره در جلسه روز سه‌شنبه هشتم شهریور ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۲،۶،۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

(۱۰) قانون پولی و بانکی کشور

ماده ۱ -

- الف - واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.
- ب - یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰,۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص است.
- ج - تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارائی و تأیید هیأت وزیران و تصویب کمیسیونهای دارائی مجلس میسر خواهد بود.
- د - برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با رعایت تعهدات کشور در مقابل صندوق بین‌المللی پول محاسبه و تعیین می‌شود.

ماده ۲ -

- الف - پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است.
- ب - فقط اسکناس و پول‌های فلزی که در تاریخ تصویب این قانون در جریان بوده و یا طبق این قانون انتشار می‌یابد جریان قانونی و قوه ابراء دارد.
- ج - تعهد پرداخت هر گونه دین و یا بدهی فقط به پول رایج کشور انجام‌پذیر است مگر آن که با رعایت مقررات ارزی کشور ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار داده شده باشد.
- د - مسکوکات طلا رواج قانونی ندارد.
- ه - مقررات مربوط به ورود و صدور طلا و نقره به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارائی و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌شود.
- و - مبلغ اسمی - شکل - جنس - رنگ - اندازه - نقشه و سایر مشخصات اسکناس‌ها و سکه‌های فلزی رایج کشور به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی ایران و تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی با رعایت مقررات این قانون تعیین خواهد گردید. میزان سکه‌های فلزی به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی، تعیین خواهد شد.
- ز - اسکناس دارای امضاء وزیر امور اقتصادی و دارائی و رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

ماده ۳ -

- الف - امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است و این امتیاز با رعایت مقررات این قانون منحصرأ به بانک مرکزی ایران واگذار می‌شود.
- ب - میزان قوه ابراء سکه‌های فلزی رایج کشور و همچنین طرز جمع آوری و شرایط خروج اسکناس‌ها و سکه‌ها از جریان به وسیله بانک مرکزی ایران با تأیید شورای پول و اعتبار پس از تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی تعیین و از طریق درج در روزنامه رسمی کشور و حداقل یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار پایتخت و پخش از شبکه رادیو و تلویزیون کشور به اطلاع عموم می‌رسد.

ماده ۴ -

- الف - تعهد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مقابل اسکناس‌ها یا سکه‌های فلزی منتشر شده منحصر به پرداخت پول رایج کشور خواهد بود.

ب - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در قبال سرقت یا فقدان یا از بین رفتن اسکناس‌ها و سکه‌های فلزی در دست اشخاص هیچگونه تعهد و مسئولیتی نخواهد داشت.

ج - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مدتی که کمتر از ده سال نخواهد بود اسکناس‌ها و سکه‌های فلزی را که طبق بند ب ماده ۳ این قانون از جریان خارج می‌شوند و رواج قانونی خود را از دست می‌دهند با پول رایج کشور معاوضه خواهد نمود و پس از انقضاء مدت مقرر تعهدی در قبال آن‌ها نخواهد داشت و اسکناس‌ها و سکه‌های فلزی تعویض نشده به حساب خزانه منظور خواهد شد.

ماده ۵ -

الف - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید برابر صد درصد اسکناس‌های منتشر شده همواره دارایی‌هایی به شرح زیر به عنوان پشتوانه در اختیار داشته باشد.

۱- طلا طبق ماده ۶؛

۲- ارز طبق ماده ۷؛

۳- اسناد و اوراق بهادار طبق مواد ۸ و ۹.

ب - مجموع دارایی‌های مندرج در ردیف‌های یک و دو بند الف این ماده نباید از ۲۵ درصد مجموع بدهی‌های بانک مرکزی ایران بابت اسکناس‌های منتشر شده کمتر باشد.

تبصره - ارزش دارایی‌های موضوع این ماده در صورتی که قیمت خرید آن‌ها پایین‌تر از قیمت اسمی باشد به قیمت خرید و در صورتی که قیمت خرید آن‌ها زیاده‌تر از قیمت اسمی باشد به قیمت اسمی محسوب می‌شود.

ماده ۶ - دارایی‌های طلا موضوع ردیف (۱) بند الف ماده ۵ عبارت‌اند از:

الف - شمش طلا، طلای مسکوک موجود در خزانه بانک، طلایی که در بانک‌های خارجی و مؤسسات بین‌المللی سپرده شده باشد.

ب - طلای تحویلی به صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و یا مؤسسات مشابه با وابسته به آن‌ها بابت سهمیه یا سرمایه طبق قوانین مصوب.

ماده ۷ - دارایی‌های ارزی موضوع ردیف (۲) بند الف ماده ۵ با رعایت تبصره این ماده عبارت است از:

الف - اسکناس‌های خارجی قابل تبدیل مورد قبول بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ب - مطالبات ارزی که به سر رسید آن‌ها بیش از شش ماه نمانده باشد.

ج - هر گونه پرداخت بابت سهمیه و یا سرمایه به صندوق بین‌المللی پول یا بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و یا مؤسسات مشابه یا وابسته به آنها طبق قوانین مربوط.

د - اسناد صادر یا تضمین شده از طرف سازمان‌های رسمی بین‌المللی و مؤسسات وابسته به آن‌ها.

ه - اسناد صادر یا تضمین شده از طرف دولت‌های خارجی.

و - مطالبات ارزی یا مطالبات ریالی قابل تبدیل به ارز از خارجه که بر اثر اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی پرداخت یا پایایی حاصل شده باشد تا حدود پیش‌بینی شده در موافقتنامه‌های مزبور.

ز - اسناد بازرگانی عهده اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی به ارز قابل تبدیل و دارای سه امضاء معتبر که یکی از آن‌ها امضاء بانک و اگذارکننده باشد و به سررسید آن‌ها بیش از شش ماه نمانده باشد.

ح - اوراق و اسناد بهادار خارجی قابل تبدیل به ارزهای مورد قبول بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ط - موجودی حساب حق برداشت مخصوص در صندوق بین‌المللی پول طبق قوانین مربوط.

تبصره - ارزها و اسناد و مطالبات ارزی مذکور در این ماده باید از نوع ارزهای قابل تبدیل مورد قبول بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشند.

ماده ۸ - اسناد و اوراق بهادار دولتی موضوع ردیف (۳) بند الف ماده ۵ عبارت است از:

الف - اسناد خزانه و اوراق قرضه دولتی یا تضمین شده از طرف وزارت دارایی مشروط بر این که اجازه انتشار یا تضمین آن قانوناً تحصیل شده باشد.

ب - مطالبات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و یا

وابسته به شهرداری‌ها که به طور بازرگانی اداره می‌شوند مشروط بر این که این مطالبات از طرف وزارت دارایی تضمین شده باشد.

تبصره - جواهرات سلطنتی موضوع قانون ۲۵ آبان ۱۳۱۶ و وثیقه کلیه تعهدات ناشی از اجرای این ماده می‌باشند

نگاهداری و حفاظت جواهرات سلطنتی به عهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است و استفاده از آن‌ها فقط طبق مقررات این قانون و زیر نظر هیأت اندوخته اسکناس امکان‌پذیر است.

ماده ۹ - اسناد غیر دولتی موضوع ردیف ۳ بند الف ماده ۵ عبارتست از:

الف - اسناد بازرگانی ریالی قابل پرداخت به حواله کرد دارای سه امضاء معتبر که یکی از آن‌ها امضاء بانک و اگذارکننده باشد با سررسید حداکثر یک سال.

ب - سایر مطالبات کوتاه مدت ریالی به وثیقه شمش یا مسکوک طلا یا دارایی‌های مندرج در ماده ۷ با سررسید حداکثر یک سال.

قسمت دوم - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - کلیات

ماده ۱۰ -

الف - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری بر اساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد.

ب - هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.

ج - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای شخصیت حقوقی است و در مواردی که در این قانون پیش‌بینی نشده است تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی خواهد بود.

د - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جز در مواردی که قانون صریحاً مقرر داشته باشد مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و همچنین مشمول مقررات قسمت بانکداری این قانون نمی‌باشد.

ه - سرمایه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پنج میلیارد ریال است که از محل سرمایه قبلی بانک و تفاوت ناشی از اجرای ماده یک این قانون و اندوخته‌های بانک تأمین شده و متعلق به دولت است که تماماً پرداخت شده است. سرمایه بانک به پیشنهاد مجمع عمومی و تصویب هیأت وزیران ممکن است افزایش یابد.

و - مرکز اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهران است و در صورت اقتضای مصالح کشور می‌توان با تصویب هیأت وزیران به محل دیگری منتقل نمود.

ز - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در هر محل لازم بداند شعبه تأسیس نماید یا به بانک ملی ایران و در صورت نبودن شعبه یا نمایندگی بانک ملی ایران به بانک دیگری نمایندگی بدهد.

ح - انحلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فقط به موجب قانون امکان‌پذیر است.

فصل دوم - وظایف و اختیارات

ماده ۱۱ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور موظف به انجام وظایف زیر می‌باشد:

الف - انتشار اسکناس و سکه‌های فلزی رایج کشور طبق مقررات این قانون.

ب - نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری طبق مقررات این قانون.

ج - تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و همچنین نظارت بر معاملات ارزی.

- د - نظارت بر معاملات طلا و تنظیم مقررات مربوط به این معاملات یا تصویب هیأت وزیران.
- ه - نظارت بر صدور و ورود پول رایج ایران و تنظیم مقررات مربوط به آن با تصویب شورای پول و اعتبار.
- ماده ۱۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بانکدار دولت موظف به انجام وظایف زیر است:
- الف - نگاهداری حساب‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و همچنین مؤسساتی که بیش از نصف سرمایه آن‌ها متعلق به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و یا شهرداری‌ها می‌باشند و انجام کلیه عملیات بانکی آنها در داخل و خارج از کشور.
- ب - فروش و بازپرداخت اصل و بهره انواع اوراق قرضه دولتی و اسناد خزانه به عنوان عامل دولت و واگذاری این عاملیت به افراد و یا مؤسسات دیگر.
- ج - نگاهداری کلیه ذخائر ارزی و طلای کشور.
- د - نگاهداری وجوه ریالی صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و شرکت مالی بین‌المللی و مؤسسه بین‌المللی توسعه و مؤسسات مشابه یا وابسته به این مؤسسات.
- ه - انعقاد موافقتنامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و مالی و بازرگانی و ترانزیتی بین دولت و سایر کشورها.
- تبصره ۱ - وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات مذکور در بند الف این ماده مکلف‌اند وجوهی را که در اختیار دارند منحصراً نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نگاهداری نمایند و کلیه عملیات بانکی خود را منحصراً توسط بانک مرکزی ایران انجام دهند و اطلاعاتی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در انجام وظایف خود از آن‌ها بخواهد در اختیار آن بگذارند.
- تبصره ۲ - وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و مؤسساتی که به موجب قوانین خاص مجاز به انجام عملیات بانکی وسیله بانک‌های دیگر می‌باشند مشمول مفاد بند الف و قسمت اول تبصره یک این ماده نخواهند بود.
- ماده ۱۳ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای اختیارات زیر می‌باشد.
- ۱ - دادن وام و اعتبار به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با مجوز قانونی.
- ۲ - تضمین تعهدات دولت و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با مجوز قانونی.
- ۳ - دادن وام و اعتبار و تضمین وام و اعتبارات اعطایی به شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و همچنین به مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها با تأمین کافی.
- ۴ - تنزیل مجدد برات‌ها و اسناد بازرگانی کوتاه مدت بانک‌ها و دادن اعتبار به بانکها با تأمین کافی.
- ۵ - خرید و فروش اسناد خزانه و اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه صادر شده از طرف دولت‌های خارجی یا مؤسسات مالی بین‌المللی معتبر.

۶- خرید و فروش طلا و نقره.

۷- افتتاح و نگاهداری حساب جاری نزد بانک‌های خارج و یا نگاهداری حساب بانک‌های داخل و خارج نزد خود و انجام کلیه عملیات مجاز بانکی دیگر و تحصیل اعتبارات در داخل و خارج به حساب خود و یا به حساب بانک‌های داخل.

تبصره ۱- دادن وام و اعتبار و تضمین وام و اعتبارات اعطایی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی موکول به تضمین وزارت دارایی است.

تبصره ۲- آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای این ماده به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.

ماده ۱۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حسن اجرای نظام پولی کشور می‌تواند به شرح زیر در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند.

۱- تعیین نرخ رسمی تنزیل مجدد و بهره وام‌ها که ممکن است بر حسب نوع وام و اوراق و اسناد نرخ‌های مختلف تعیین شود.

۲- تعیین نسبت دارایی‌های آنی بانک‌ها به کلیه دارایی‌ها یا به انواع بدهی‌های آن‌ها بر حسب نوع فعالیت بانک‌ها یا سایر ضوابط به تشخیص بانک مرکزی ایران.

۳- تعیین نسبت و نرخ بهره سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که ممکن است بر حسب ترکیب و نوع فعالیت بانک‌ها نسبت‌های متفاوتی برای آن تعیین گردد ولی در هر حال این نسبت از ۱۰ درصد کمتر و از ۳۰ درصد بیشتر نخواهد بود.

۴- تعیین میزان حداقل و حداکثر بهره و کارمزد دریافتی و پرداختی بانک‌ها.

۵- تعیین نسبت مجموع سرمایه پرداخت شده و اندوخته بانک‌ها به انواع دارایی‌ها.

۶- تعیین حداکثر نسبی تعهدات ناشی از افتتاح اعتبار اسنادی - ظهرنویسی یا ضمانت‌نامه‌های صادر از طرف بانک‌ها و نوع و میزان وثیقه این قبیل تعهدات.

۷- تعیین شرایط معاملات اقساطی که اعتبار آن از طرف بانک‌ها تأمین می‌شود.

۸- تعیین مقررات افتتاح حساب جاری و پس‌انداز و سایر حساب‌ها.

۹- تعیین نوع و میزان جوائز و هر گونه امتیاز دیگری که برای جلب سپرده‌های جاری یا پس‌انداز از طرف بانک‌ها عرضه می‌گردد و تعیین ضوابط برای تبلیغات بانک‌ها در این مورد.

۱۰- رسیدگی به عملیات و حساب‌ها و اسناد و مدارک بانک‌ها و اخذ هر گونه اطلاعات و آمار از بانک‌ها با توجه به لزوم حفظ اسرار حرفه‌ای.

۱۱- محدود کردن بانک‌ها به انجام یک یا چند نوع از فعالیت‌های مربوط به طور موقت یا دائم.

۱۲- تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مشابه نزد بانک‌ها.

۱۳ - تعیین حداکثر مجموع وام‌ها و اعتبارات بانکها به طور کلی یا در هر یک از رشته‌های مختلف.

۱۴ - تعیین شرایط کلی اخذ وام بانک‌ها از اشخاص و صدور گواهی سپرده.

۱۵ - تعیین مقررات مشروح در بندهای ۱ تا ۱۴ بالا برای مؤسسات اعتباری غیر بانکی.

تبصره - استفاده از اختیارات موضوع این ماده باید قبلاً به تصویب شورای پول و اعتبار برسد.

ماده ۱۵ - رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نماینده دولت در صندوق بین‌المللی پول است و ارتباط دولت با صندوق بین‌المللی پول از طریق بانک مرکزی ایران خواهد بود و انجام کلیه وظایف و اعمال اختیاراتی که به موجب قانون اجازه مشارکت دولت ایران در صندوق بین‌المللی پول به بانک ملی ایران واگذار شده است با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

فصل سوم - ارکان

ماده ۱۶ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای ارکان ذیل می‌باشد:

۱ - مجمع عمومی.

۲ - شورای پول و اعتبار.

۳ - هیأت عامل.

۴ - هیأت نظارت اندوخته اسکناس.

۵ - هیأت نظار.

بخش اول - مجمع عمومی

ماده ۲۱۱۷ -

الف - مجمع عمومی بانک از وزیر امور اقتصادی و دارائی - وزیر اقتصاد و یک وزیر دیگر به انتخاب هیأت وزیران به نمایندگی از طرف دولت تشکیل می‌شود. ریاست مجمع عمومی بانک با وزیر امور اقتصادی و دارائی است.

ب - اعضاء سایر ارکان بانک در جلسات و مذاکرات مجمع عمومی بدون حق رأی شرکت می‌کنند.

ج - وظایف مجمع عمومی به شرح زیر است:

۱ - رسیدگی و تصویب ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲ - رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی نسبت به گزارش‌های هیأت نظار.

^{۲۱} طبق ماده ۸۸ قانون برنامه پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران، ترکیب اعضای مجمع عمومی بانک مرکزی ج.ا.ا عبارت است از: رئیس جمهور(ریاست مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و دو نفر از وزراء به انتخاب هیأت وزیران.

۳- رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره پیشنهاد تقسیم سود ویژه.

۴- انتخاب اعضاء هیأت نظار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارائی.

۵- سایر وظایفی که طبق مقررات این قانون به عهده مجمع عمومی گذارده شده است.

د- جلسات مجمع عمومی بانک حداقل سالی یک مرتبه تا پایان تیر ماه و نیز در مواقع دیگر به نظر وزیر امور اقتصادی و دارائی یا به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی ایران به دعوت وزیر امور اقتصادی و دارائی تشکیل خواهد شد.

ه- برای مذاکره و اخذ تصمیم در جلسات مجمع عمومی حضور کلیه اعضایی که حق رأی دارند و رییس کل یا قائم مقام رییس کل بانک مرکزی ایران ضروری خواهد بود.

و- تصمیمات مجمع عمومی به اکثریت آراء دارندگان حق رأی اتخاذ خواهد شد.

بخش دوم - شورای پول و اعتبار

ماده ۱۸۲ -

الف - شورای پول و اعتبار به منظور مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست کلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر امور پولی و بانکی کشور عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و تصویب سازمان و بودجه و مقررات استخدامی و آیین‌نامه‌های داخلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲- رسیدگی و اظهار نظر نسبت به ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای طرح در مجمع عمومی.

۳- رسیدگی و تصویب آیین‌نامه‌های مذکور در این قانون.

۴- اظهار نظر در مسائل بانکی و پولی و اعتباری کشور و همچنین اظهار نظر نسبت به لوایح مربوط به وام یا

تضمین اعتبار و هر موضوع دیگری که از طرف دولت به شورا ارجاع می‌شود.

۵- دادن نظر مشورتی و توصیه به دولت در مسائل بانکی و پولی و اعتباری کشور که به نظر شورا در وضع اقتصادی و به خصوص در سیاست اعتباری کشور مؤثر خواهد بود.

۶- اظهار نظر درباره هر موضوعی که از طرف رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حدود این قانون به شورا عرضه می‌گردد.

ب- اعضاء شورای پول و اعتبار^{۲۳} عبارت‌اند از:

^{۲۲} طبق ماده ۹۶ قانون برنامه پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران، اداره امور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون پولی و بانکی کشور و مصوبات شورای پول و اعتبار است.

^{۲۳} طبق ماده ۸۹ قانون برنامه پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران، اعضاء شورای پول اعتبار عبارت است از: وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی، رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، دو نفر از وزراء به انتخاب هیأت وزیران، وزیر صنعت، معدن و تجارت، دو نفر کارشناس

- ۱- رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 - ۲- دادستان کل کشور.
 - ۳- یک نفر از معاونان وزارت دارایی به معرفی وزیر امور اقتصادی و دارایی.
 - ۴- یک نفر از معاونان وزارت اقتصاد به معرفی وزیر اقتصاد.
 - ۵- رییس دفتر بودجه.
 - ۶- رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.
 - ۷- مدیر عامل کانون بانک‌ها موضوع ماده ۳۸ این قانون.
 - ۸- دو نفر مطلع در امور مالی و پولی به تشخیص و انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی.
 - ۹- یک نفر مطلع در امور بازرگانی و صنعتی به تشخیص و انتخاب وزیر اقتصاد.
 - ۱۰- یک نفر مطلع در امور کشاورزی به تشخیص و انتخاب وزیر کشاورزی.
- تبصره ۱- ریاست شورای پول و اعتبار با رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است
- تبصره ۲- افراد مذکور در ردیف‌های ۸ و ۹ و ۱۰ بند ب برای مدت دو سال عضویت شورا را دارا خواهند بود و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.
- تبصره ۳- در صورت استعفا - فوت و یا احراز عدم صلاحیت یا عدم توانایی برای عضویت در شورا در مورد هر یک از افراد ردیف‌های ۸ و ۹ و ۱۰ بند ب شخص دیگری برای بقیه مدت به ترتیب مقرر انتخاب خواهد شد.
- ج- شورا بر حسب دعوت رییس کل بانک یا تقاضای حداقل سه نفر از اعضاء تشکیل جلسه خواهد داد و مسائلی که رییس کل بانک یا اعضای متقاضی در نظر داشته باشند مطرح خواهد شد.
- د- جلسات شورا با حضور حداقل ۸ نفر از اعضاء رسمیت خواهد یافت و نظرات و توصیه‌ها و تصمیمات شورا با رأی موافق ۶ نفر از اعضای حاضر در جلسه رسمی معتبر است.
- ه- شورا می‌تواند از اشخاص صلاحیت‌دار برای مشورت دعوت نماید.
- و- اعضای شورای و اشخاصی که جهت مشورت دعوت می‌شوند موظف به حفظ اطلاعات و اسرار شورا می‌باشند مگر در مواردی که قانوناً مکلف به اظهار اطلاع یا ادای شهادت باشند.

ز - اعضای شورا برای حضور در جلسات شورا حق‌الزحمه‌ای دریافت خواهند کرد که به پیشنهاد رییس کل بانک و تصویب مجمع عمومی تعیین می‌گردد.

ح - اعضای شورای پول و اعتبار قبل از شروع به کار باید در جلسه مجمع عمومی سوگند یاد کنند که در انجام وظایف شورای پول و اعتبار نهایت‌دقت و بی‌نظری را به کار برند و کلیه تصمیماتی را که می‌گیرند مقرون به صلاح کشور بوده و رعایت کامل حفظ اسرا بانک و شورا بشود.

بخش سوم - هیأت عامل

ماده ۱۹ -

الف - هیأت عامل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مرکب از رییس کل - قائم‌مقام - دبیر کل بانک و سه نفر معاون با اختیارات و مسئولیت‌های معین در این قانون خواهد بود.

ب -

۱ - رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین مقام اجرایی و اداری عهده‌دار کلیه امور بانک به استثناء وظایفی است که به موجب این قانون به عهده ارکان دیگر بانک گذارده شده است.

۲ - رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول حسن اداره امور بانک و موظف به اجرای این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن می‌باشد.

۳ - رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نماینده بانک در کلیه مراجع رسمی داخلی و خارجی با حق توکیل می‌باشد.

۴ - رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند حق امضاء و قسمتی از اختیارات خود را به اعضای هیأت عامل و کارمندان بانک تفویض بنماید.

۵ - رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارائی و تصویب هیأت وزیران به موجب فرمان همایونی برای مدت پنج سال منصوب می‌شود و انتصاب مجدد او بلامانع است.

ج - قائم‌مقام رییس کل بانک به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارائی و تصویب هیأت وزیران به فرمان همایونی برای مدت پنج سال منصوب می‌گردد و انتصاب مجدد او بلامانع است. اختیارات قائم‌مقام رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از طرف رییس کل تعیین می‌شود و در صورت غیبت یا استعفا یا معذوریت یا فوت رییس کل بانک قائم‌مقام دارای کلیه اختیارات رییس کل می‌باشد.

د - دبیر کل بانک به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تصویب مجمع عمومی منصوب می‌گردد و سرپرستی دبیرخانه شورای پول و اعتبار رانیز به عهده خواهد داشت. دبیر کل بانک صورت جلسات شورای پول و اعتبار را برای اطلاع وزیر امور اقتصادی و دارائی و وزیر اقتصاد ارسال خواهد داشت.

ه - معاونان بانک از طرف رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منصوب و وظایف آنان به وسیله نامبرده تعیین می‌شود.

ماده ۲۰ -

الف - حقوق و مزایای رییس کل و قائم‌مقام رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از طرف مجمع عمومی تعیین و از بودجه بانک پرداخت می‌شود.

ب - حقوق و مزایای دبیر کل و معاونان بانک به پیشنهاد رییس کل و تصویب مجمع عمومی تعیین و از بودجه بانک پرداخت می‌شود.

ج - رییس کل بانک - قائم‌مقام رییس کل - دبیر کل و معاونان بانک قبل از شروع به کار در مجمع عمومی سوگند یاد خواهند نمود که اسرار بانک را حفظ نمایند و وظایف قانونی خود را به نحو احسن انجام دهند.

د - اعضاء هیأت عامل در دوران تصدی خود مشمول قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری خواهند بود و نباید صاحب سهم بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری خصوصی باشند.

ه - اعضاء هیأت عامل در دوران تصدی خود نمی‌توانند در دستگاه‌های دولتی یا خصوصی سمت موظفی دارا باشند.

و - قبول سمتهای غیر موظف فقط در مؤسسات خیریه و اجتماعی و تدریس در دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزش عالی در مورد رییس کل و قائم‌مقام رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تصویب مجمع عمومی و در مورد سایر اعضاء هیأت عامل با موافقت رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممکن خواهد بود.

بخش چهارم - هیأت نظارت اندوخته اسکناس

ماده ۲۱ -

الف - هیأت نظارت اندوخته اسکناس عهده‌دار نظارت بر حسن اجرای مفاد ماده ۵ این قانون از طریق تحویل و نگاهداری اسکناس‌های چاپ‌شده و همچنین نگاهداری حساب دارایی‌های موضوع ماده ۵ و صورت جواهرات سلطنتی و تنظیم مقررات مربوط به نمایش و نظارت بر ورود و خروج آنها از خزانه بانک و بعلاوه نظارت در معدوم کردن اسکناس‌هایی که باید از جریان خارج شود می‌باشد.

ب - هیأت نظارت اندوخته اسکناس از افراد زیر تشکیل می‌شود:

۱ - دو نماینده مجلس به انتخاب مجلس شورای اسلامی.

۲ - رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۳ - دادستان کل کشور.

۴ - خزانه‌دار کل کشور.

۵ - رییس کل دیوان محاسبات.

۶ - رییس هیأت نظار.

تبصره - مدت مأموریت سناتورها و نمایندگان مجلس با مجلس خواهد بود و در هر حال تا انتخاب جانشین خود به این سمت باقی خواهند ماند.

ج - آیین‌نامه مربوط به نحوه اجرای وظائف محول به هیأت نظارت اندوخته اسکناس به وسیله هیأت تصویب و به موقع اجرا گذارده می‌شود.

د - اعضای هیأت نظارت اندوخته اسکناس برای حضور در جلسات هیأت حق‌الزحمه‌ای دریافت خواهند کرد که به پیشنهاد رییس کل بانک و تصویب مجمع عمومی تعیین می‌گردد.

بخش پنجم - هیأت نظار

ماده ۲۲ -

الف - هیأت نظار مسئول رسیدگی به حساب‌ها و تعهدات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است که نسبت به صحت این حساب‌ها و تعهدات اظهار نظر می‌کند.

ب - وظائف هیأت نظار به شرح زیر است:

۱ - رسیدگی به ترازنامه پایان سال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تهیه گزارش برای مجمع عمومی سالانه.

۲ - رسیدگی به صورت ریز دارایی‌ها و بدهی‌ها و خلاصه حساب‌های بانک و گواهی آن‌ها برای انتشار.

۳ - رسیدگی به عملیات بانک از لحاظ انطباق آنها با موازین قانونی.

ج - هیأت نظار مرکب از یک نفر رییس و چهار نفر عضو از میان حساب‌برسان خبره یا افراد مطلع در امور حسابداری یا بانکی با داشتن حداقل ده سال سابقه کار است که به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارائی و تصویب مجمع عمومی برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

د - رییس هیأت نظار به عنوان رابط موظف است گزارش‌های لازم از فعالیت‌های بانک و تصمیمات جاری بانک را به وزیر امور اقتصادی و دارائی تسلیم نماید.

تبصره - هیأت نظار در ایفاء وظایف فوق می‌تواند کلیه اسناد حساب‌ها و دارایی‌های بانک را مورد رسیدگی قرار دهد و به کلیه مقررات و تصمیمات و نوشته‌های بانک که لازم می‌داند دسترسی داشته باشد و بدون مداخله در امور جاری بانک در حدود وظائف خود نظراتی به رییس کل بانک مرکزی ایران بدهد.

ماده ۲۳ -

الف - حقوق و مزایای هیأت نظار از طرف وزیر امور اقتصادی و دارائی تعیین و از بودجه وزارت دارائی قابل پرداخت است.

ب - اعضای هیأت نظار قبل از شروع به کار در مجمع عمومی سوگند یاد خواهند نمود که اسرار بانک را حفظ نمایند و وظایف قانونی خود را به نحو احسن انجام دهند.

ج - اعضای هیأت نظار مشمول قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری خواهند بود.

د - اعضای هیأت نظار در دوران تصدی خود نمی‌تواند در دستگاه‌های دولتی یا خصوصی سمت موظف دارا باشند.

ه - قبول سمت‌های غیر موظف فقط در مؤسسات خیریه و اجتماعی و تدریس در دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزش عالی با تصویب مجمع عمومی بلامانع است.

و - آیین‌نامه داخلی هیأت نظار به وسیله خود هیأت تنظیم و با تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی اجرا خواهد شد.

فصل چهارم - مقررات عمومی

ماده ۲۴ -

الف - سال مالی بانک از اول فروردین هر سال شروع و در آخر اسفند همان سال خاتمه می‌یابد.

ب - ترازنامه و حساب سود و زیان بانک بایستی حداقل یک ماه قبل از تشکیل جلسه سالانه مجمع عمومی به هیأت نظار تسلیم گردد.

ج - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حداقل ماهی یک بار خلاصه‌ای از وضع حساب‌های خود را انتشار خواهد داد.

ماده ۲۵ -

الف - سود ویژه بانک در هر سال به شرح زیر تقسیم خواهد شد:

۱ - پرداخت مالیات بر درآمد به حساب درآمد عمومی دولت بر اساس مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی.

۲ - ده درصد برای اندوخته قانونی تا وقتی که اندوخته مزبور معادل سرمایه بانک بشود.

۳ - مبلغی به پیشنهاد رییس کل بانک و تصویب مجمع عمومی برای اندوخته احتیاطی.

۴ - مبلغی به پیشنهاد رییس کل بانک و تصویب مجمع عمومی برای انتقال به حساب سال بعد.

ب - باقیمانده سود ویژه پس از تقسیمات مقرر در بند الف متعلق به دولت خواهد بود.

ماده ۲۶ -

الف - دولت موظف است در مقابل زیان‌های احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های

خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین صادر و به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تسلیم نماید.

ب - سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه به مصرف استهلاک اصل و بهره‌دهی‌های دولت به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد رسید و مازاد آن به خزانه دولت تحویل خواهد شد.

ج - سود و زیان ناشی از اجرای موافقتنامه‌های پرداخت موضوع بنده ماده ۱۲ این قانون به حساب دولت منظور خواهد شد.

ماده ۲۷ -

الف - کلیه اسناد تعهد آور صادر از بانک مرکزی به استثنای اسناد مربوط به امور داخلی بانک دارای دو امضای مجاز خواهد بود.

ب - مدت و طرز نگاهداری اسناد و اوراق بازرگانی و دفاتر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به صورت عین و همچنین طرز تبدیل آنها به عکس یا فیلم یا نظائر آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد و این قبیل عکس‌ها و فیلم‌ها و نظائر آن در دادگاه‌ها پس از گذشتن مدت‌های مقرر در آیین‌نامه حکم اصول اسناد را خواهند داشت.

ماده ۲۸ - اسکناس‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و همچنین طلا و نقره و مطلس‌های مسکوک فلزی متعلق به بانک مرکزی ایران از حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی و هر گونه مالیات و عوارض دیگر معاف است.

ماده ۲۹ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در هر مورد که مصلحت اقتصادی و ارزی کشور ایجاب کند می‌تواند با تصویب هیأت وزیران صادرکنندگان یک یا چند نوع کالا را از سپردن پیمان ارزی معاف نماید.

قسمت سوم - بانکداری

فصل اول - شرایط تأسیس بانک

ماده ۳۰ -

الف - تأسیس بانک و اشتغال به عملیات بانکی و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسات اعتباری فقط طبق مقررات این قانون ممکن است.

ب - تشخیص عملیات بانکی با شورای پول و اعتبار می‌باشد.

ج - تأسیس بانک در ایران موقوف به تصویب اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

د - مراجع ثبت شرکت‌ها نمی‌توانند تقاضای تأسیس بانکی را در ایران به ثبت برسانند مگر آن که اجازه‌نامه بانک مرکزی ایران و رونوشت گواهی‌شده اساسنامه مربوط که به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است ضمیمه تقاضای ثبت باشد.

ه - هر گونه تغییر در اساسنامه بانک‌ها بایستی به تصویب شورای پول و اعتبار برسد.

و - ایجاد یا تعطیل شعبه یا باجه یا نمایندگی بانک‌ها در داخل یا خارج کشور طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.

تبصره - بانک‌هایی که قبل از تصویب این قانون تأسیس شده‌اند و اساسنامه آنها با مقررات این قانون مغایرت دارد مکلف‌اند اساسنامه خود را حداکثر ظرف یک سال از تاریخ تصویب این قانون با مقررات این قانون تطبیق دهند و آن را به تصویب شورای پول و اعتبار برسانند.

ماده ۳۱ -

الف - تشکیل بانک فقط به صورت شرکت سهامی عام با سهام با نام ممکن خواهد بود.

ب - مدیر عامل و رییس هیأت مدیره و اکثریت اعضاء هیأت عامل و اکثریت اعضاء هیأت مدیره بانک‌های ایرانی باید از اتباع ایران باشند.

ج - هر بانکی که بیش از چهل درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد از نظر این قانون بانک خارجی محسوب می‌شود و باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت برسد. از نظر این ماده هر شخص حقوقی که صد درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع ایران نباشد خارجی تلقی می‌شود.

د - بانک‌های ایرانی نمی‌توانند بیش از ۴۰ درصد سهام خود را به اتباع خارجی یا اشخاص حقوقی که صد درصد سرمایه آن متعلق به اتباع ایران نیست منتقل نمایند. انتقال سهام بانک‌های ایرانی به دولت‌های خارجی مطلقاً ممنوع است.

ه - از تاریخ تصویب این قانون تأسیس بانک‌های خارجی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی خارجی که به عملیات متعارف بانکی اشتغال می‌ورزند فقط با تصویب مجلس خواهد بود. مؤسسات اعتباری غیر بانکی مؤسساتی هستند که در عنوان خود از نام بانک استفاده نمی‌کنند ولی به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واسطه بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار می‌باشند و عملیات آن‌ها در حجم و نحوه توزیع اعتبارات مؤثر است.

ماده ۳۲ -

الف - سرمایه بانک‌ها فقط به صورت پول رایج کشور قابل پرداخت است.

ب - حداقل سرمایه بانک‌های ایرانی دویست میلیون ریال است که باید تماماً تعهد شده و اقلاً پنجاه درصد آن پرداخت و قبل از تسلیم تقاضای تأسیس نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سپرده شده باشد. حداقل سرمایه بانک‌های خارجی دویست میلیون ریال است که باید تماماً قبل از تسلیم تقاضای تأسیس در بانک مرکزی ایران سپرده شده باشد.

ج - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تصویب شورای پول و اعتبار می‌تواند مهلت پرداخت سرمایه تعهد شده بانک‌های ایرانی را تعیین و برای اجراء به بانک‌ها ابلاغ نماید.

د - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تصویب هیأت وزیران حداقل سرمایه مذکور در بند ب را در مورد کلیه بانک‌ها یا در مورد بانک‌هایی که فعالیت آنها در رشته‌های مخصوصی است افزایش دهد.

فصل دوم - شرایط و نحوه فعالیت بانک‌ها

ماده ۳۳ -

- الف - میزان و نحوه ایجاد اندوخته قانونی بانک‌ها و طرز استفاده از آن طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید تعیین خواهد شد. اندوخته قانونی از ۰٫۱۵ سود ویژه سالانه کمتر و از ۰٫۲۰ بیشتر نخواهد بود. اندوخته قانونی پس از آن که به میزان سرمایه رسید اختیاری است.
- ب - در صورتی که سرمایه بانکی بر اثر زیان از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود باید بر اساس آیین‌نامه‌ای که در این مورد به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید سرمایه خود را تکمیل نماید.
- ج - نحوه و اصول حسابداری و دفترداری بانکها به نحوی که ترازنامه مربوط نشان دهنده کلیه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک باشد به وسیله شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد و بانک‌ها مکلف به اجرای آن خواهند بود.
- د - میزان استهلاک دارایی‌های منقول و غیرمنقول قابل استهلاک و هزینه‌های تأسیس و توسعه و همچنین میزان اندوخته‌های احتیاطی بانک‌ها از طرف شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد و بانک‌ها موظف به اجرای آن خواهند بود.
- ه - بانک‌ها مکلف‌اند ترازنامه و حساب سود و زیان خود را به گواهی حسابداران رسمی برسانند.
- و - مدت و طرز نگاهداری اوراق بازرگانی و اسناد و دفاتر بانکها به صورت عین و همچنین طرز تبدیل آنها به عکس یا فیلم یا نظایر آن به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید تعیین خواهد شد و این قبیل عکس‌ها و فیلم‌ها و نظایر آن در دادگاه‌ها پس از گذشتن مدتهای مقرر در آیین‌نامه حکم اصول اسناد را خواهند داشت.
- ماده ۳۴ - انجام عملیات زیر برای بانک‌ها ممنوع است:
- ۱ - خرید و فروش کالا به منظور تجارت.
 - ۲ - معاملات غیر منقول جز برای بانک‌هایی که هدف آن‌ها انجام معاملات غیرمنقول است.
 - ۳ - خرید سهام و مشارکت در سرمایه یک یا چند شرکت و یا خرید اوراق بهادار داخلی یا خارجی به حساب خود به میزانی بیش از آنچه بانک مرکزی ایران به موجب دستورها یا آیین‌نامه‌های خاص تعیین خواهد کرد.
 - ۴ - اعطای اعتبار به اعضای ارکان خود و مؤسساتی که اعضای مزبور در آن ذینفع‌اند و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی بیش از آنچه بانک مرکزی ایران به موجب دستورها یا آیین‌نامه‌های خاص تعیین خواهد کرد.
 - ۵ - اعطای اعتبار به اعضای ارکان یا رؤسای ادارات و بازرسان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مگر با رعایت آیین‌نامه‌ای که در این مورد به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.
 - ۶ - انتشار اوراق دیداری در وجه حامل.
- تبصره - تملک غیر منقول برای استیفاء مطالبات یا برای تأمین محل کار یا مسکن کارکنان بانک و معاملات نسبت به آن طبق شرایطی که بانک مرکزی ایران تعیین خواهد نمود مشمول ممنوعیت موضوع بند ۲ این ماده نخواهد بود.
- ماده ۳۵ -

الف - محکومین به سرقت، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل و تزویر، صدور چک بی‌محل و ورشکستگی به تقصیر یا تقلب اعم از این که حکم از دادگاه‌های داخلی یا خارج کشور صادر شده یا محکوم مجرم اصلی یا شریک یا معاون جرم بوده باشد از تصدی اداره اموربانکها به هر عنوان ممنوع می‌باشند.

ب - مدیران و رؤسای هیچ بانکی نمی‌توانند بدون اجازه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بانک دیگری سهم یا سمتی داشته باشند.

ج - هر بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می‌شود مسئول و متعهد جبران خواهد بود. مدیر عامل، رییس هیأت مدیره، اعضاء هیأت عامل و اعضاء هیأت مدیره هر بانک نیز در مقابل صاحبان سهام و مشتریان مسئول خساراتی می‌باشند که به علت تخلف هر یک از آنها از مقررات و قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به این قانون یا اساسنامه آن بانک به صاحبان سهام یا مشتریان وارد می‌شود.

تبصره - مرجع صالح برای تشخیص و تطبیق احکام صادره از دادگاه‌های خارجی در مورد بند الف این ماده وزارت دادگستری است.

ماده ۳۶ - طرز تهیه و تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان بانکها و مؤسسات اعتباری از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین خواهد شد.

ماده ۳۷ - بانکها مکلف‌اند مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را که به

موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های متکی بر آن صادر می‌شود و همچنین مقررات اساسنامه مصوب خود را رعایت کنند.

ماده ۳۸ -

الف - کلیه بانک‌هایی که در ایران کار می‌کنند عضو کانون بانکها شناخته می‌شوند.

ب - کانون بانکها دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و به موجب اساسنامه‌ای که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید اداره خواهد شد.

فصل سوم - ترتیب انحلال و ورشکستگی بانکها

ماده ۳۹ - در موارد زیر ممکن است بنا به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید شورای پول و اعتبار و تصویب هیأتی مرکب از نخست‌وزیر و وزیر امور اقتصادی و دارائی و وزیر اقتصاد و وزیر دادگستری اداره امور بانک به عهده بانک مرکزی ایران واگذار شود یا ترتیب دیگری برای اداره بانک داده شود یا اجازه تأسیس بانک لغو شود.

الف - در صورتی که مقامات صلاحیتدار بانک تقاضا نمایند.

ب - در صورتی که بانک در مدت یک سال از تاریخ ابلاغ اجازه تأسیس عملیات خود را شروع نکند.

ج - در صورتی که بانکی بدون عذر موجه فعالیت خود را برای مدتی متجاوز از یک هفته قطع کند.

د - در صورتی که بانکی برخلاف این قانون و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های متکی بر آن صادر می‌شود و یا برخلاف اساسنامه مصوب خود عمل نماید.

ه - در صورتی که قدرت پرداخت بانکی به خطر افتد یا سلب شود.

تبصره - بانکی که اجازه تأسیس آن لغو می‌شود از تاریخ الغاء اجازه تأسیس طبق دستور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عمل خواهد کرد.

ماده ۴۰ - طرز اداره بانک در موارد مذکور در ماده ۳۹ و نحوه الغاء اجازه تأسیس به موجب آیین‌نامه‌ای می‌باشد که به تصویب کمیسیون‌های دارایی مجلس خواهد رسید.

ماده ۴۱ -

الف - در صورتی که توقف یا ورشکستگی بانکی اعلام شود دادگاه قبل از هر گونه اتخاذ تصمیم نظر بانک مرکزی ایران را جلب خواهد کرد. بانک مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف یک ماه نظر خود را کتباً به دادگاه اعلام دارد. دادگاه با توجه به نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دلایل موجود در پرونده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

ب - تصفیه امور بانک ورشکسته با اداره تصفیه امور ورشکستگی می‌باشد.

ج - در تمام موارد انحلال و ورشکستگی بانک‌ها تصفیه امور آنها با نظارت نماینده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد گرفت.

د - استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان پنجاه هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک‌های منحل شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتازه مقدم است.

ه - با انحلال یا ورشکستگی یک بانک نام آن از دفاتر اداره ثبت حذف خواهد شد.

فصل چهارم - مقررات کیفری و انتظامی

ماده ۴۲ -

الف - خرید و فروش ارز و هر گونه عملیات بانکی که موجب انتقال ارز یا تعهد ارزی گردد یا ورود یا خروج ارز یا پول رایج کشور بدون رعایت مقرراتی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب ماده ۱۱ این قانون مقرر می‌دارد ممنوع است. متخلفین به جزای نقدی تا معادل ۵۰٪ مبلغ موضوع تخلف محکوم خواهند شد.

ب - تأسیس بانک و اشتغال به بانکداری بدون رعایت مقررات این قانون و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسات اعتباری ممنوع است. مرتکب به حبس تأدیبی تا شش ماه محکوم خواهد شد و در صورت اقتضاء دادستان می‌تواند به درخواست بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موقتاً دستور تعطیل تعطیل مؤسسه را تعیین تکلیف نهایی آن از طرف دادگاه بدهد.

تبصره - تعقیب کیفری در موارد فوق منوط به شکایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

ماده ۴۳ - بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که نسبت‌های مقرر در بندهای ۲ و ۳ و ۵ و ۶ ماده ۱۴ را رعایت نکنند به تشخیص شورای پول و اعتبار مکلف به پرداخت مبلغی معادل ۱۲٪ در سال نسبت به مبلغ مورد تخلف خواهند بود.

ماده ۴۴ - تخلف از سایر مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های آن و دستورات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های آن صادر می‌شود موجب مجازات‌های انتظامی زیر خواهد بود:

۱ - تذکر کتبی به مدیران یا متصدیان متخلف.

۲ - پرداخت مبلغی روزانه تا حداکثر دویست هزار ریال برای ایام تخلف.

۳ - ممنوع ساختن بانک یا مؤسسه اعتباری غیر بانکی از انجام بعضی امور بانکی به طور موقت یا دائم.

مرجع رسیدگی به تخلفات موضوع این ماده و صدور حکم به مجازات‌های انتظامی هیأت انتظامی بانک‌ها خواهد بود که مرکب است از نماینده دادستان کل یک نفر نماینده کانون بانک‌ها و یک نفر از اعضای شورای پول و اعتبار به انتخاب شورا. دبیر کل بانک سمت دادستان هیأت را خواهد داشت. احکام هیأت انتظامی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شورای پول و اعتبار خواهد بود و رأی شورا قطعی است.

تبصره ۱ - وجوه موضوع ماده ۴۳ و بند ۲ این ماده وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از بانک یا مؤسسه مربوط وصول و به حساب درآمد عمومی منظور خواهد شد.

تبصره ۲ - ترتیب رسیدگی و تشخیص تخلفات و تعیین هر یک از مجازات‌های انتظامی برای تخلفات و ترتیب درخواست تجدید نظر و طرز رسیدگی مجدد و اجرای تصمیمات هیأت رسیدگی و شورای پول و اعتبار مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.

ماده ۴۵ - کلیه قوانین و مقررات دیگر در مواردی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ اجرای این قانون ملغی است و تا زمانی که آیین‌نامه‌های این قانون به تصویب نرسیده است آیین‌نامه‌های سابق مشروط بر این که با مفاد این قانون به تشخیص شورای پول و اعتبار معارض نباشد قابل اجرا خواهد بود.

قانون فوق مشتمل بر چهل و پنج ماده و بیست تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۵۱،۴،۷، در جلسه روز یکشنبه هیجدهم تیر ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و یک شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۱۱) قانون بیمه بیکاری

مشمولین:

کلیه مشمولین قانون تأمین اجتماعی که تابع قوانین کار و کار کشاورزی هستند، به استثناء گروه‌های زیر :

۱,۱. بازنشستگان و ازکارافتادگان کلی.

۱,۲. صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه‌شدگان اختیاری.

۱,۳. اتباع خارجی.

بیکار کیست:

بیکار از نظر این قانون بیمه شده‌ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد؛ بعلاوه دو استثناء: ۱- بیمه شدگانی که به علت تغییرات ساختار اقتصادی واحد مربوطه با تأیید شورای عالی کار بیکار موقت شناخته شوند، ۲- بیمه شدگانی که به علت بروز حوادث قهریه و غیر مترقبه از قبیل سیل، زلزله جنگ، آتش‌سوزی و... بیکار می‌شوند.

بیمه بیکاری چیست:

به عنوان یکی از حمایت‌های تأمین اجتماعی است و سازمان تأمین اجتماعی مکلف است با دریافت حق بیمه مقرر، به بیمه‌شدگانی که طبق مقررات این قانون بیکار می‌شوند مقرری بیمه بیکاری پرداخت نماید. بیمه شده بیکار با معرفی کتبی واحد کار و امور اجتماعی محل از مزایای این قانون منتفع خواهد شد.

حق بیمه بیکاری:

به میزان (۳٪) مزد بیمه شده می‌باشد که کلاً توسط کارفرما تأمین و پرداخت خواهد شد.

شرایط دریافت مقرری بیمه بیکاری:

بیمه شده قبل از بیکار شدن حداقل (۶) ماه سابقه پرداخت بیمه را داشته باشد.
بیمه شده مکلف است ظرف (۳۰) روز از تاریخ بیکاری با اعلام مراتب بیکاری به واحدهای کار و امور اجتماعی آمادگی خود را برای اشتغال به کار تخصصی و یا مشابه آن اطلاع دهد.
مراجعه پس از سی روز با عذر موجه و با تشخیص هیأت حل اختلاف تا سه ماه امکان‌پذیر خواهد بود.

بیمه شده بیکار مکلف است در دوره‌های کارآموزی و سوادآموزی که توسط مراجع ذیصلاح تعیین می‌شود شرکت نموده و هر دو ماه یک بار گواهی لازم در این مورد را به شعب تأمین اجتماعی تسلیم نماید.

کارگرانی که در زمان دریافت مقرری بیمه بیکاری به شغل یا مشاغل گمارده می‌شوند که میزان حقوق و مزایای آن از مقرری بیمه بیکاری متعلقه کمتر باشد مابه‌التفاوت دریافتی بیمه شده از حساب صندوق بیمه بیکاری پرداخت خواهد شد.

مدت دریافت مقرری بیمه بیکاری جزء سوابق پرداخت حق بیمه، بیمه شده از نظر بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت محسوب خواهد شد.

مدت پرداخت مقرری بیمه بیکاری و میزان آن:

جمع مدت پرداخت مقرری از زمان برخورداری از مزایای بیمه بیکاری اعم از دوره اجرای آزمایشی و یا دائمی آن برای مجردین حداکثر (۳۶) ماه و برای متأهلین یا متکفلین حداکثر (۵۰) ماه بر اساس سابقه کلی پرداخت حق بیمه و به شرح جدول ذیل می‌باشد:

سابقه پرداخت حق بیمه حداکثر مدت استفاده از مقرری جمعاً با احتساب دوره‌های قبلی

مدت سابقه برای مجردین برای متأهلین یا متکفلین

از (۶) ماه لغایت (۲۴) ماه	(۶) ماه	(۱۲) ماه
از (۲۵) ماه لغایت (۱۲۰) ماه	(۱۲) ماه	(۱۸) ماه
از (۱۲۱) ماه لغایت (۱۸۰) ماه	(۱۸) ماه	(۲۶) ماه
از (۱۸۱) ماه لغایت (۲۴۰) ماه	(۲۶) ماه	(۳۶) ماه
از (۲۴۱) ماه به بالا	(۳۶) ماه	(۵۰) ماه

افراد مسن مشمول این قانون که دارای ۵۵ سال سن و بیشتر می‌باشند مادامی که مشغول به کار نشده‌اند می‌توانند تا رسیدن به سن بازنشستگی تحت پوشش بیمه بیکاری باقی بمانند.

میزان مقرری روزانه بیمه شده بیکار معادل (۵۵٪) متوسط مزد یا حقوق و یا کارمزد روزانه بیمه شده می‌باشد. به مقرری افراد متأهل یا متکفل، تا حداکثر (۴) نفر از افراد تحت تکفل به ازاء هر یک از آنها به میزان (۱۰٪) حداقل دستمزد افزوده خواهد شد. در هر حال مجموع

دریافتی مقرری بگير نبايد از حداقل دستمزد، کمتر و از (۸۰٪) متوسط مزد يا حقوق وی بیشتر باشد.

مقرری بیمه بیکاری از روز اول بیکاری قابل پرداخت است.

مبلغ مقرری بیمه بیکاری :

متوسط مزد يا حقوق روزانه بیمه شده بیکار به منظور محاسبه مقرری بیمه بیکاری عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه شده که به‌مأخذ آن حق بیمه دریافت شده در آخرین (۹۰) روز قبل از شروع بیکاری تقسیم بر روزهای کار، و در مورد بیمه شدگانی که کارمزد دریافت می‌کنند آخرین مزد عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه شده که به‌مأخذ آن حق بیمه دریافت شده در آخرین (۹۰) روز قبل از شروع بیکاری تقسیم بر (۹۰) در صورتی که بیمه شده کارمزد، ظرف (۳) ماه مذکور مدتی از غرامت دستمزد استفاده نموده باشد متوسط مزدی که مبنای محاسبه غرامت دستمزد قرار گرفته به منزله دستمزد ایام بیکاری تلقی و در محاسبه منظور خواهد شد.

افراد تحت موضوع این ماده عبارت‌اند از:

همسر (زن یا شوهر)

- فرزندان اناث مادام که ازدواج ننموده و فاقد حرفه و شغل باشند.
- فرزندان ذکور که سن آنان کمتر از هجده سال تمام باشد و یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته و یا طبق نظر پزشک معتمد سازمان تأمین اجتماعی، از کارافتاده کلی باشند.
- پدر و مادر که سن پدر از (۶۰) سال متجاوز باشد و یا طبق نظر پزشک معتمد سازمان تأمین اجتماعی از کارافتاده کلی باشند و در هر حال معاش آنان منحصراً توسط بیمه شده تأمین گردد.
- خواهر و برادر تحت تکفل در صورت داشتن شرایط مربوط به فرزندان اناث و ذکور.

دریافت مقرری بیمه بیکاری مانع از دریافت مستمری جزئی نمی‌گردد.

در صورت بیکاری زوجین فقط یکی از آنان (زن یا شوهر) محقق به استفاده از افزایش مقرری به ازاء هر یک از فرزندان خواهد بود.

مقرری بیمه بیکاری مانند سایر مستمری‌های تأمین اجتماعی از پرداخت هر گونه مالیات معاف خواهد بود.

شرایط قطع مقرری بیمه بیکاری:

زمانی که بیمه شده مجدداً اشتغال به کار یابد.

بنا به اعلام واحد کار و امور اجتماعی محل و یا نهضت سوادآموزی و سایر واحدهای ذیربط از طریق وزارت کار و امور اجتماعی، بیمه شده بیکار بدون عذر موجه از شرکت در دوره‌های کارآموزی یا سوادآموزی خودداری نماید.

بیمه شده بیکار از قبول شغل تخصصی خود و یا شغل مشابه پیشنهادی خودداری ورزد.

بیمه شده بیکار ضمن دریافت مقرری بیمه بیکاری مشمول استفاده از مستمری بازنشستگی و یا ازکارافتادگی کلی شود.

بیمه شده به نحوی از انحاء با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به کار مربوطه اعاده گردد.

در صورتی که پس از پرداخت مقرری بیمه بیکاری محرز شود که بیکاری بیمه شده، ناشی از میل و اراده او بوده است و یا چنانچه بیمه شده بیکار، اشتغال مجدد خود را مکتوم داشته و مقرری بیمه بیکاری را دریافت کرده باشد، کارگر موظف به استرداد وجوه دریافتی به سازمان تأمین اجتماعی خواهد بود.

دریافت کمک‌هزینه حین کارآموزی مانع استفاده از مقرری بیمه بیکاری نخواهد بود.

(۱۲) ضمائم و پیوست‌ها

* پرسش و پاسخ‌های مالیاتی ۲۴:

اجاره املاک و مستغلات؛

سوال شماره ۱:

در صورتی که یک واحد مسکونی در تهران بیش از ۱۵۰ متر مربع مساحت داشته باشد آیا مازاد مساحت مشمول مالیات است یا کل ملک؟

ج - با توجه به دستورالعمل‌های صادره توسط سازمان امور مالیاتی کشور در مواردی که ملک مسکونی در تهران بیش از ۱۵۰ متر مربع بنای مفید باشد در این صورت تا سقف ۱۵۰ متر مربع از مالیات معاف و مازاد مشمول مالیات خواهد بود.

سوال شماره ۲:

در صورتی که مالک دارای چند ملک به طور مثال ۱۰۰ متر ۸۰ متر و ۱۵۰ متری در شهرستان باشد معافیت مسکونی چگونه محاسبه می‌شود؟

ج - چون حد نصاب معافیت املاک مسکونی برای هر شخص در شهرهای دیگر غیر از تهران برای یک یا چند واحد حداکثر تا ۲۰۰ متر مربع می‌باشد بنابراین این مالک می‌تواند از مجموع مترهاژ مورد سوال تا ۲۰۰ متر مربع به انتخاب خود از معافیت مالیاتی استفاده نموده و نسبت به مازاد مالیات متعلق را پرداخت نماید.

سوال شماره ۳:

آیا واحدهای مسکونی که مورد استفاده تجاری یا اداری است مشمول معافیت مالیات تا ۱۵۰ متر مساحت می‌باشد؟

ج - بر اساس دستورالعمل‌های صادره از سوی سازمان امور مالیاتی فقط واحدهای مسکونی که مورد استفاده مسکونی می‌باشند مشمول معافیت هستند.

سوال شماره ۴:

در آمد حاصل از اجاره دارائی های ثابت شرکت‌ها چگونه محاسبه می‌گردد؟

ج- ۱- در صورتی که دارایی ثابت ملک باشد ۷۵ درصد درآمد اجاره طبق مقررات بخش املاک درآمد مشمول مالیات تلقی و به نرخ مشخص برای اشخاص حقوقی مشمول مالیات خواهد بود.

ج- ۲- در صورتی که دارایی ثابت مورد اجاره ملک نباشد اجاره دریافتی در درآمدهای شرکت لحاظ خواهد شد و استهلاك این دارایی‌ها طبق مقررات مربوط محاسبه می‌گردد. چنانچه این دارایی‌ها جزء دارایی‌های مذکور در ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم باشد اجاره کننده در صورتی که دارای شخصیت حقوقی باشد باید در موقع پرداخت اجاره ۵ درصد علی الحساب موضوع ماده مذکور را کسر و ظرف مدت تعیین شده به حساب تعیین شده توسط سازمان امور مالیاتی واریز نمایند.

سوال شماره ۵:

در صورت عدم پرداخت مالیات نقل و انتقال املاک اشخاص حقوقی در زمان معامله، برخورد سازمان امور مالیاتی هنگام رسیدگی به دفاتر چگونه است؟

ج - در این گونه موارد سازمان امور مالیاتی نسبت به وصول مالیات و جرایم متعلق طبق مقررات مزبور اقدام خواهد نمود.

سوال شماره ۶:

آیا درآمد اجاره زمین کشاورزی مشمول معافیت است؟

ج - درآمد اجاره املاک کشاورزی طبق مقررات بخش املاک مشمول مالیات می‌باشد.

سوال شماره ۷:

در قراردادهای اجاره املاک که حسابرس به ارزش معاملاتی دسترسی ندارد مالیات مربوط چگونه محاسبه می‌گردد؟

ج - در اجرای تبصره ۲ ماده ۵۴ قانون مالیات‌های مستقیم ارزش اجاره املاک تعیین و ابلاغ می‌گردد بنابراین ارزش اجاره ملک در دستگاه مالیاتی وجود دارد که حسابدار رسمی بایستی به آن دسترسی و طبق مقررات مربوط عمل کند.

انحلال؛

سوال شماره ۱:

آیا شرکت‌ها پس از تسلیم اظهارنامه انحلال موضوع مواد ۱۱۴ و ۱۱۶ مکلف به اخذ دفاتر قانونی هستند یا خیر؟

ج - با توجه به ماده ۲۰۸ قانون تجارت شخصیت حقوقی شرکت‌های منحل تا ختم امر تصفیه به قوت خود باقی می‌باشد، بنابراین اخذ دفاتر قانونی الزامی است.

سوال شماره ۲:

آیا مشمولین ماده ۱۱۶ پس از پرداخت مالیات انحلال مشمول مالیات دیگری هستند یا خیر؟

ج - چنانچه بعد از ثبت انحلال تا ختم امر تصفیه درآمدی تحقق یابد که مشمول مالیات به نرخ خاص موضوع تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۱۱۵ نباشد مشمول پرداخت مالیات بر درآمد خواهد بود.

پیمانکاری؛

سوال شماره ۱:

در مواردی که مالیات از قراردادهای پیمانکاری کسر ولی ایصال نمی‌گردد تکلیف پیمانکار چیست؟

ج - به نظر کارگروه بر اساس ماده ۱۰۴ قانون مذکور مکلفین در هر پرداخت به عنوان مالیات علی‌الحساب مودی می‌بایست ۳٪ مبلغ پرداختی را کسر و ظرف مدت پایان ماه بعد به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز و رسید آن را به مودی تسلیم نمایند. بر اساس مفاد ماده ۱۹۹ قانون مالیات‌های مستقیم هر شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب مقررات این قانون مکلف به کسر و ایصال مالیات مودیان دیگر می‌باشند در صورت تخلف از انجام وظایف مقرر علاوه بر مسئولیت تضامنی که با مودی در پرداخت مالیات خواهد داشت مشمول جریمه‌ای معادل ۲۰٪ مالیات پرداخت نشده نیز خواهد بود. لذا عدم کسر مالیات و عدم پرداخت آن توسط مکلفین مانع از مطالبه مالیات بر درآمد از مودیان (دریافت کنندگان وجوه) نخواهد بود.

سوال شماره ۲:

در مواردی که قراردادهای پیمانکاری خالص منعقد و کارفرما مالیات را به حساب هزینه منظور می‌نماید با توجه به اینکه پیمانکار خود اقدام به تصفیه مالیاتی می‌نماید آیا مالیات پرداختی تکراری نیست؟

چنانچه مقصود از سوال این باشد که مبلغ خالص قرارداد به پیمانکار پرداخت و ۳ درصد مالیات موضوع ماده ۱۰۴ از طرف کارفرما به نام پیمانکار به حساب سازمان مالیاتی واریز گردد و این مبلغ جزء هزینه کارفرما منظور شود و پیمانکار هم مالیات قرارداد خالص را بدون کسر ۵ درصد مذکور پرداخت کرده باشد آیا این مالیات مضاعف نمی‌باشد.

ج- چون مالیات پرداختی توسط کارفرما به نام پیمانکار به حساب واریز گردیده باید با مالیات پرداخت شده جمع و از مالیات مورد مطالبه کسر و مازاد در صورتی که وجود داشته باشد مسترد گردد.

سوال شماره ۳:

آیا هزینه حمل پرداختی طی بارنامه مشمول ۳٪ علی الحساب می‌باشد یا خیر؟

ج- هزینه حمل پرداختی اعم از این که به موجب بارنامه باشد یا نباشد مشمول کسر ۳٪ مالیات موضوع ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم خواهد بود لیکن به موجب بخشنامه ۴۲۷۵/۱۹۸۲۳-۲۱۱ مورخ ۸۴/۱۱/۱۱ سازمان امور مالیاتی کسر مالیات بابت هزینه حمل طی بارنامه که به رانندگان خودمالک و وسایط نقلیه (اشخاص حقیقی) پرداخت می‌گردد منتفی است، ضمناً وجوهی که به موجب قرارداد بابت حمل و نقل به اشخاص حقیقی یا حقوقی پرداخت می‌گردد کماکان مشمول کسر مالیات موضوع ماده فوق الذکر می‌باشد.

سوال شماره ۴:

آیا قراردادهای مقطوع پیمانکاری مشمول کسر ۳٪ می‌باشد یا خیر؟

ج - در هر صورت کارفرما مکلف به کسر و ایصال ۳٪ از مبلغ قرارداد می‌باشد.

سوال شماره ۵:

آیا از پیش پرداخت به پیمانکاران می‌بایست مالیات کسر نمود؟

ج - در ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص عدم کسر ۳٪ مالیات از پیش پرداخت‌ها در ارتباط با امور مصرحه در ماده مزبور حکمی وجود ندارد.

سوال شماره ۶:

با توجه به کاهش نرخ مالیاتی در قانون جدید پیمانکاران پس از کسر علی الحساب مالیات پرداختی به سازمان امور مالیاتی، بستانکار می‌شوند که برگشت مازاد مالیات مشکلاتی را ایجاد کرده است آیا بهتر نیست نرخ مالیات علی الحساب کاهش داده شود؟

ج- نیاز به مجوز قانونی دارد.

سوال شماره ۷:

در مورد شرکت‌های انبوه ساز که پروژه‌های بلند مدت اجرا می‌کنند و آپارتمانها را نیز پیش فروش می‌نمایند محاسبه درآمد مشمول مالیات چگونه است آیا می‌توان ذخیره مالیات را بر اساس مالیات نقل و انتقال قطعی ملک در حساب‌ها ذخیره نمود و پس از پرداخت به عنوان پیش پرداخت مالیات قطعی تلقی نمود؟

ج - شرکت‌های انبوه ساز در زمان شناخت درآمد طبق اصول و موازین حسابداری می‌بایست بابت مالیات‌های موضوع مواد ۵۹ و ۷۷ قانون مالیات‌های مستقیم در حساب‌ها ذخیره منظور نمایند ضمناً انبوه سازان می‌توانند برابر مقررات تبصره ۱۰ ماده ۵۳ قانون مذکور اقدام نمایند.

سوال شماره ۸:

در پیمانکاری‌های بلندمدت طبق استانداردهای حسابداری درآمد در هر سال مالی شناسایی می‌گردد از نظر مالیاتی چگونه باید عمل نمود؟

ج - درآمد پیمانکاری بر حسب پیشرفت کار شناسایی و مالیات طبق مقررات ماده ۱۰۵ محاسبه می‌گردد.

سوال شماره ۹:

آیا عقد قرارداد جداگانه توسط پیمانکاران بابت تجهیزات و آماده سازی مشمول مالیات پیمانکاری است یا خیر؟
ج - شرکت ایرانی اعم از پیمانکار یا غیر آن برای هر قرارداد جداگانه بابت تجهیزات و آماده سازی طبق مقررات مواد ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶ مشمول مالیات می‌باشند لیکن در مورد پیمانکاران خارجی با رعایت تبصره ۲ ماده ۱۰۷ تجهیزات و لوازم مشمول مالیات نخواهند بود.

سوال شماره ۱۰:

با در نظر گرفتن عدم وجود کادر متخصص و حدنصاب هزینه‌های قابل قبول برای پیمانکاران خارجی رسیدگی مالیاتی آنها چگونه می‌بایست انجام شود آیا اعمال نرخ ۱۲٪ قانونی است؟
ج - نسبت به قراردادهای منعقد تا پایان سال ۱۳۸۱ ضریب ۱۲٪ مذکور در بند الف ماده ۱۰۷ و نسبت به قراردادهای منعقد از اول سال ۱۳۸۲ به بعد درآمد مشمول مالیات از طریق رسیدگی به دفاتر (طبق ماده ۱۰۶) تشخیص می‌گردد و در صورت علی‌الراس ضریب مربوط در جدول ضرایب مالیاتی اعمال خواهد شد.

تحریر دفاتر قانونی و اظهارنامه مالیاتی؛

سوال شماره ۱:

چنانچه ثبت عملیات فروردین ماه و تراز افتتاحیه قبل از تاریخ پلمپ دفاتر قانونی باشد آیا اشکالی دارد چنانچه شرکت ۱۰۰٪ متعلق به دولت باشد چه حکمی دارد؟

ج - هرگونه ثبت عملیات در دفاتر بایستی بعد از پلمپ دفاتر صورت گیرد و از این بابت تفاوتی بین شرکت‌های دولتی و خصوصی وجود ندارد. چنانچه عملیاتی در دفاتر پلمپ شده به تاریخ قبل از پلمپ ثبت گردد مشمول مقررات تاخیر ثبت و پلمپ خواهد بود.

سوال شماره ۲:

آیا در مواردی که عملیات به طور کامل در دفاتر قانونی ثبت می‌گردد ولی اسناد با کامپیوتر صادر می‌گردند مودی مکلف به تسلیم گزارش سه ماهه می‌باشد یا خیر؟

ج - خیر زیرا سیستم به طور کامل مکانیزه نیست ضمن اینکه در آئین نامه تحریر دفاتر عنوان شده است مودیانی که از سیستم مکانیزه استفاده می‌نمایند حداقل بایستی ماهی یک بار خلاصه عملیات را در دفاتر روزنامه ثبت نمایند، بنابراین ثبت روزانه عملیات در دفاتر مشمول تسلیم گزارش موضوع قسمت اخیر ماده ۱۷ آئین نامه نحوه تنظیم و تحریر دفاتر قانونی ... نخواهد بود.

سوال شماره ۳:

چرا با وجود غیر کاربردی بودن دفاتر روزنامه و کل اقدامی برای مکانیزه و یکنواخت نمودن ثبت عملیات مالی به عمل نمی‌آید؟

ج - هر چند عبارت غیر کاربردی بودن دارای مفهوم مشخص نمی‌باشد معینا استفاده از دفاتر قانونی روزنامه و کل مادامی که قانون تجارت اصلاح نگردد الزامی خواهد بود.

سوال شماره ۴:

آیا اشتباه حسابداری که در خلال سال کشف نشده باقی بماند در سال بعد موجب رد دفاتر است؟

ج - طبق تبصره ماده ۱۱ و بند ۱۰ ماده ۲۰ آئین نامه تنظیم دفاتر (تبصره ۲ ماده ۹۵) موجب رد دفاتر است ولی با استاندارد حسابداری و اصلاح اشتباهات مغایر است.

سوال شماره ۵:

در صورتی که شرکت تراز سه ماهه را به سازمان امور مالیاتی ارائه نکرده باشد تکلیف حسابدار رسمی چیست؟

ج - عدم ارسال خلاصه عملیات سه ماهه موضوع قسمت اخیر ماده ۱۷ آئین نامه نحوه تنظیم و تحریر طبق قسمت اخیر بند ۱۲ ماده ۲۰ آئین نامه مزبور موجب رد دفاتر می‌باشد بنابراین در این گونه موارد حسابدار رسمی قبل از تهیه گزارش مالیاتی باید مراتب را در اجرای بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم به اداره مالیاتی مربوط اعلام نماید.

سوال شماره ۶:

عدم ثبت چه مواردی از اسناد حسابداری با توجه به ماهیت حساب موجب رد دفاتر می‌گردد؟

ج - به موجب بند ۲ ماده ۲۰ آئین نامه نحوه تحریر دفاتر عدم ثبت یک یا چند فعالیت مالی در دفاتر به شرط احراز موجب رد دفاتر است.

سوال شماره ۷:

آیا اظهارنامه مالیاتی تعریف مشخصی دارد و آیا درج اسم به تنهایی در فرم مخصوص به معنی دادن اظهار نامه است؟

ج - اظهار نامه مالیاتی برای منابع مختلف مالیاتی طبق نمونه‌ای می‌باشد که توسط سازمان امور مالیاتی تهیه و در دسترس قرار می‌گیرد.

سوال شماره ۸:

با توجه به مهلت ۴ ماهه برای اصلاح حساب‌های پایان سال، مودیان گزارش خلاصه عملیات سه ماهه خود را در چه زمانی باید ارسال نمایند؟

ج- حداکثر تا دهم بعد از سه ماه آخر (شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها منطبق با سال شمسی است حداکثر تا دهم فروردین)

سوال شماره ۹:

آیا عدم ارائه اظهارنامه موجب سلب معافیت می‌گردد در صورت ارائه اظهارنامه و عدم ارائه صورت‌های مالی و دفاتر چگونه باید برخورد شود؟

ج- در کلیه مواردی که مودیان مکلف به نگهداری دفاتر قانونی می‌باشند به استناد تبصره ماده ۱۹۳ قانون مالیات‌های مستقیم عدم تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و سود و زیان در دوره معافیت، مانع از برخورداری از معافیت مقرر در آن سال خواهد بود. لکن عدم ارائه صورت‌های مالی با وجود تسلیم اظهارنامه در موعد مقرر موجب تشخیص مالیات به طور علی‌الراس خواهد شد که در این صورت علاوه بر پرداخت مالیات بابت عدم تسلیم صورت‌های مالی در موعد مقرر مشمول جریمه معادل ۲۰ درصد مالیات می‌باشد و چنانچه دفاتر خود را برای رسیدگی ارائه ندهد باید معادل ۲۰ درصد دیگر جریمه بابت عدم ارائه دفاتر پرداخت کند.

تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت؛

سوال شماره ۱:

آیا تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت جزء هزینه‌های قابل قبول می‌باشد یا خیر و چرا تازمانی که به حساب سرمایه منظور نشده سازمان امور مالیاتی آنرا جزء هزینه‌های قابل قبول تلقی نمی‌کند؟

ج - چنانچه منظور از سوال استهلاک مازاد حاصل از تجدید ارزیابی بوده و به عنوان هزینه قابل قبول منظور خواهد شد یا خیر باشد. پاسخ آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- در صورتی که شرکت‌های دولتی طبق مقررات پیش بینی شده در قوانین برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی و ... اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود کرده باشد در این صورت مازاد حاصل از تجدید ارزیابی قابل استهلاک می‌باشد.

۲- در سایر موارد بر اساس قوانین و مقررات فعلی استهلاک مازاد حاصل از تجدید ارزیابی جزء هزینه‌های قابل قبول تلقی نخواهد شد.

سوال شماره ۲:

تجدید ارزیابی املاک از نظر مالیاتی چه حکمی دارد؟

ج - به طور کلی مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌ها (به استثنای شرکت‌های دولتی که طبق مقررات برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی اقدام نموده‌اند) در سال تجدید ارزیابی مشمول مالیات می‌باشد.

مالیات تکلیفی؛

سوال شماره ۱:

آیا مبالغ پرداختی بابت حق الوکاله مشمول ماده ۱۰۴ است یا ماده ۱۰۳؟

ج- مشمول ماده ۱۰۳ و برحسب مورد تبصره ۲ ماده مزبور می‌باشد.

سوال شماره ۲:

آیا صندوق بازنشستگی صدا و سیما مشمول ماده ۱۰۴ می‌باشد یا خیر؟

ج - بله مشمول ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد.

سوال شماره ۳:

منظور از کلمه "هرگونه حق الزحمه" در ماده ۱۰۴ چیست و چرا حق الزحمه‌ها جداگانه نیز درج شده است؟

ج - با توجه به تبصره ۵ ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم فقط امور مصرح در ماده ۱۰۴ اعم از این که تحت عنوان حق الزحمه یا کارمزد پرداخت گردد مشمول کسر ۳٪ مالیات خواهد بود.

سوال شماره ۴:

کسر مالیات تکلیفی ماده ۱۰۴ در موارد زیر چگونه است:

۱- شرکت‌های دولتی و خصوصی

۲- پیمانکاران دست اول و دوم

۳- آیا کسر مالیات در هر پرداخت انجام می‌شود و بهای مواد و تجهیزات نیز مشمول مالیات علی الحساب می‌گردد؟

ج:

- در خصوص بندهای ۱ و ۲ پرداخت کننده موارد موضوع ماده ۱۰۴ مکلف به کسر ۳٪ می‌باشند.

- در مورد بند ۳، کسر مالیات در هر پرداخت اعم از این که بهای مواد و تجهیزات جداگانه معین شده یا نشده باشد کل مبلغ قرارداد مشمول کسر ۳٪ خواهد بود. ضمناً با توجه به مقررات تبصره ۲ ماده ۱۰۷ خرید تجهیزات و رعایت مقررات تبصره مزبور از مالیات معاف می‌باشد.

سوال شماره ۵:

آیا عقد قراردادهای ساخت قطعات مشمول مالیات ۱۰۴ می‌باشد یا خیر در صورت مثبت بودن پاسخ مگر ساخت قطعه یک نوع

تولید نیست چرا مشمول مالیات علی الحساب می‌باشد؟

ج - با توجه به تبصره ۵ ماده ۱۰۴ و بخشنامه شماره ۵۸۸۳/۱۰۰۰۰ مورخ ۸۲/۱۰/۲۷ قراردادهای ساخت مذکور در بخشنامه مزبور از جمله ساخت قطعات مشمول کسر ۳٪ می‌باشد.

سوال شماره ۶:

آیا مشمولین ماده ۱۰۴ در صورت عدم ارسال لیست مشمول جریمه ۲٪ می‌باشند یا خیر؟ مجوز قانونی آن چیست؟

ج - در خصوص عدم ارسال قرارداد، مشمول جریمه به میزان ۱٪ مبلغ کل قرارداد (ماده ۱۹۷) و در خصوص عدم پرداخت مالیات مشمول جریمه ای به میزان ۲۰٪ مالیات پرداخت نشده می‌باشد. (ماده ۱۹۹)

سوال شماره ۷:

در مواردی که مبلغ قراردادهای ماده ۱۰۴ نقد پرداخت نمی‌شود مالیات چه زمان کسر می‌گردد؟

ج - هر پرداختی مشمول کسر ۳٪ مالیات است.

سوال شماره ۸:

آیا پرداخت‌هایی را که در ماده ۱۰۴ به صراحت ذکر نشده باید مشمول ماده ۱۰۴ دانست یا خیر؟

ج- طبق ماده ۱۰۴ شمول کسر ۳٪ مالیات به موارد تصریح شده در ماده ۱۰۴ و موارد اضافه شده به موجب تبصره ۵ ماده مزبور است.

حقوق، دستمزد، پاداش و بازخرید خدمت؟

سوال شماره ۱:

مالیات حقوق شرکت‌های ساختمانی که دستمزد کارگر و بنا را به طور مقطوع پرداخت و مالیات کسر نمی‌گردد و صورتی نیز ارسال نمی‌دارند چگونه محاسبه می‌گردد. در رسیدگی به این شرکت‌ها چه گونه باید رفتار کرد؟

ج - چنانچه انجام کار مشخص به شخص یا اشخاص در قبال مبلغ معین واگذار گردد که اشخاص مزبور به تنهایی یا با به کارگیری دیگران این کار را انجام دهند موضوع از امور مصرح در ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم بوده و پرداخت کننده مکلف است در هر پرداخت ۳٪ آن را طبق مقررات ماده مزبور کسر و پرداخت نماید. در مواردی که افراد روزانه یا ماهانه برای کارفرما کار انجام داده و دستمزد روزانه یا ماهانه دریافت کنند موضوع مشمول مالیات حقوق می‌باشد.

سوال شماره ۲:

چرا از پاداش هیئت مدیره یکبار ۲۵٪ مالیات کسر می‌شود و یکبار ۱۰٪ مگر این پرداخت بابت یک موضوع نیست آیا اینکه دهنده وجه شرکت باشد یا سهامدار تفاوتی ندارد؟

ج - نرخ ۲۵٪ مربوط به مالیات بردرآمد شرکت‌ها است و ارتباطی به درآمد اعضای هیات مدیره ندارد چون اعضای هیات مدیره از محل سود تقسیم شده یا از منابع دیگر شرکت وجوهی تحت عنوان پاداش دریافت دارند این مبلغ درآمد آن‌ها بوده و طبق مقررات مربوط مشمول مالیات بردرآمد حقوق می‌باشد و ضمناً ۱۰ درصدی که در سوال مطرح شده مالیات قطعی پاداش هیات مدیره نبوده و در مواردی که دریافتی اعضای هیات مدیره مشمول مقررات تبصره ذیل ماده ۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم باشد در این صورت تا مبلغ ۴۲ میلیون ریال به نرخ ۱۰ درصد و نسبت به مازاد آن مشمول نرخ‌های مزبور در ماده ۱۳۱ خواهد بود.

سوال شماره ۳:

در صورت پرداخت سود (پاداش) از محل سود و زیان سنواتی به مدیران که مالیات آن قبلاً پرداخت شده آیا مدیران مشمول مالیات هستند یا خیر؟

ج - دریافتی مدیران از هر محلی که باشد طبق مقررات مشمول مالیات است.

سوال شماره ۴:

بر اساس ماده ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم آیا در مورد مالیات حقوق شرکت‌های تعاونی و خصوصی تفاوتی وجود دارد؟

ج- نرخ مالیات بر درآمد حقوق برای کلیه کارکنان شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های خصوصی یکسان می‌باشد.

سوال شماره ۵:

آیا هزینه مرخصی استفاده نشده کارکنان قابل قبول است یا خیر؟

ج - هزینه مرخصی استفاده نشده کارکنان همان حقوق و مزد اصلی است که طبق بند الف ماده ۱۴۸ قابل قبول می‌باشد.

سوال شماره ۶:

آیا پرداخت مزایای پایان خدمت بیش از یک ماه قابل قبول است؟

ج- به استناد جزء د بند ۲ ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم پرداخت مزایای پایان خدمت کارکنان طبق مقررات استخدامی موسسه قابل قبول است لیکن ذخیره مزایای پایان خدمت به استناد جزء و بند ۲ ماده ۱۴۸ قانون مذکور بیش از یک ماه قابل قبول نخواهد بود.

سوال شماره ۷:

آیا پاداش اعضای هیئت مدیره طبق تصویب هیئت مدیره جزء هزینه‌های قابل قبول است؟

ج- پاداش اعضای هیئت مدیره در صورت تفویض اختیار از جانب مجمع عمومی به هیئت مدیره طبق جزء ب بند ۲ ماده ۱۴۸ قابل قبول است.

حسابدار رسمی؛

سوال شماره ۱:

آیا مودیانی که فروش یا دارایی ثابت آنها به حد نصاب مذکور در بند ز آئین نامه ماده ۴ قانون حسابداران رسمی نرسیده است می‌توانند از خدمات حسابداران رسمی استفاده نمایند؟

ج - بلی، مورد مذکور در ماده ۷ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی، پیش‌بینی شده است.

سوال شماره ۲:

در صورتی که گزارش حسابدار رسمی و گزارش مالی قبل از سه ماه تحویل پست گردد و بعد از سه ماه به حوزه تحویل گردد آیا گزارش قابل قبول است؟

ج - طبق مفاد ماده ۱۷۸ قانون مالیات‌های مستقیم، تاریخ تسلیم اوراقی که مودی مالیاتی به موجب مقررات مکلف به تسلیم آن می‌باشد، در مواردی که به وسیله اداره پست واصل می‌گردد، تاریخ تسلیم به اداره پست در صورت احراز، تاریخ تسلیم به مراجع مالیاتی مربوط در موعد مقرر تلقی خواهد شد.

سوال شماره ۳:

در صورت عدم ارائه گزارش مطلوب حسابرسی آیا حسابدار رسمی می‌تواند گزارش مالیاتی تهیه نماید؟

ج - چنانچه ایرادات برخورد شده جزو موارد رد دفاتر نباشد و خللی به اعتبار دفاتر وارد ننماید می‌تواند گزارش حسابرسی مالیاتی تهیه نماید.

سوال شماره ۴:

در بند ب ماده ۲۷۲ اختصاراً تعیین درآمد مشمول مالیات ذکر شده آیا حسابداران رسمی حق تعیین عنوانی غیر از درآمد مشمول مالیات رادارند یا خیر؟ (مانند مالیات‌های نقل و انتقال، بساز بفروشی، هواپیمائی)

ج - کلیه مواردی که حسابدار رسمی می‌بایست در گزارش حسابرسی مالیاتی منعکس نماید در فرم موضوع ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم مشخص شده است.

سوال شماره ۵:

آیا حسابدار رسمی می‌تواند گزارش براساس تشخیص علی‌الراس بدهد یا خیر؟

ج - خیر

سوال شماره ۶:

آیا حسابداران رسمی مجاز به ارائه خدمات حسابرسی به اشخاص مشمول نگاهداری دفاتر قانونی که دفتر پلمب نکرده‌اند می‌باشند یا خیر؟

ج - در اجرای ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم خیر .

سوال شماره ۷:

آیا اظهار نظر در مورد تجمیع عوارض به عهده حسابداران رسمی که گزارش مالیاتی تهیه می‌کنند می‌باشد؟

ج - هر چند اظهار نظر در خصوص قانون تجمیع عوارض و صحت اجرای آن توسط مودیان، از طریق حسابرسی مالیاتی توسط حسابداران رسمی میسر می‌باشد، لکن در فرم گزارش حسابرسی مالیاتی ابلاغ شده توسط سازمان امور مالیاتی کشور، مورد مذکور پیش بینی نشده است.

سوال شماره ۸:

چرا در گزارش حسابرس به رسیدگی نمونه گیری اشاره نمی‌شود؟

ج - هر چند که در حسابرسی مالی، مبنای اظهار نظر بر اساس رسیدگی‌های نمونه‌ای به همراه سایر رسیدگی‌ها می‌باشد که در بند دامنه رسیدگی به آن صراحتاً اشاره می‌شود، لکن در حسابرسی مالیاتی در خصوص تعیین درآمد مشمول مالیات و نیز اظهار نظر در خصوص مالیات‌های تکلیفی، رسیدگی نمونه‌ای مورد نداشته و مجاز نمی‌باشد.

سوال شماره ۹:

باتوجه به اینکه هیچگونه دستورالعمل حسابرسی مالیاتی تاکنون ارائه نشده بررسی پرونده حسابداران رسمی که گزارش مالیاتی ارائه می‌نمایند با چه ملاکی انجام می‌شود؟

ج - اگرچه دستورالعمل حسابرسی مالیاتی و نمونه گزارش مربوط توسط سازمان امور مالیاتی کشور (تیرماه ۱۳۸۲) منتشر گردیده است لکن تهیه دستورالعمل حسابرسی مالیاتی به صورت جامع به منظور یکنواختی در انجام موضوع فوق در دستور کار جامعه حسابداران رسمی ایران قرار دارد.

سوال شماره ۱۰:

اگر گزارش حسابرسی مالیاتی توسط حسابدار رسمی بجز حسابرس و بازرس قانونی شرکت تهیه شده باشد و برای انطباق با قانون، یک گزارش حسابرسی صورت‌های مالی نیز ضمیمه شده باشد آیا تخلف و قابل پی گیری است؟

ج - تهیه گزارش حسابرسی مالی و گزارش حسابرسی مالیاتی می‌بایست توسط یک حسابدار رسمی و یا یک موسسه حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی صورت پذیرد در غیر این صورت تخلف محسوب و قابل پیگیری می‌باشد.

سوال شماره ۱۱:

در صورت عدم ارائه گزارش حسابرسی مالیاتی توسط مودی در مهلت مقرر با وجود معرفی حسابدار رسمی به اداره امور مالیاتی چگونه است؟

ج - بر اساس نظریه شورای عالی مالیاتی به شماره ۲۰۱/۳۹۴ مورخ ۸۴/۱/۲۳ که طی نامه شماره ۳۷۲/۳۳۵۶-۲۱۱ مورخ ۸۴/۳/۱ سازمان امور مالیاتی کشور ابلاغ گردیده، در صورت عدم تسلیم گزارش حسابرسی مالیاتی در مهلت مقرر توسط مودی، ماموران مالیاتی مکلف به اجرای ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم و دیگر احکام هستند.

سوال شماره ۱۲:

آیا بدون انجام حسابرسی عملیاتی می‌توان حسابرسی مالیاتی به عمل آورد؟
ج - در صورتی که منظور از حسابرسی عملیاتی، حسابرسی صورت‌های مالی باشد جواب منفی است.

سوال شماره ۱۳:

آیا هیئت حل اختلاف ماده ۱۷۰ مجاز به رفع اختلاف بین حسابدار رسمی و مودی که نسبت به گزارش مربوط اعتراض نموده می‌باشد یا خیر؟

ج - چنانچه اداره امور مالیاتی بر اساس درآمد مشمول مالیات تعیین شده توسط حسابدار رسمی برگ تشخیص صادر نماید و مودی مالیاتی نسبت به تشخیص حسابدار رسمی اعتراض داشته باشد می‌تواند به برگ تشخیص اعتراض نموده و موضوع را از طریق رییس اداره امور مالیاتی و یا هیات سه نفری حل اختلاف مالیاتی حل و فصل نماید.

سوال شماره ۱۴:

آیا تعیین میزان بدهی بابت مالیات‌های شخص ثالث نیز بعهده حسابدار رسمی رسیدگی کننده است یا خیر؟
ج - چنانچه منظور از شخص ثالث دریافت کنندگان وجوهی باشد که پرداخت کنندگان در موقع پرداخت طبق قانون مکلف به کسر تمام و یا بعضی از مالیات متعلق باشند در این صورت برابر بند ج ماده ۲۷۲ حسابدار رسمی باید نسبت به مالیات‌های تکلیفی اظهار نظر نماید و برابر جدول مربوطه در فرم گزارش حسابرسی مالیاتی اطلاعات این گونه بدهی‌ها را اعلام نماید.

سوال شماره ۱۵:

آیا سازمان امور مالیاتی می‌تواند مستقیماً از حسابدار رسمی در مورد گزارش درخواست اطلاعات و مستندات بنماید در صورت مثبت بودن جواب نحوه همکاری چگونه است؟

ج - در این مورد باید به دستورالعمل‌های سازمان امور مالیاتی مراجعه شود.

دفاتر حقوقی - وکلا و کارشناسان؛

سوال شماره ۱:

آیا موسسات حقوقی ثبت شده که به صورت تیمی کار می‌کنند هر وکیل باید بابت وکالت حق تمبر پرداخت کند و آیا ۵٪ مکسوره به چه حسابی منظور می‌گردد؟

برای پاسخ دادن به این سوال حالات مختلف زیر قابل ذکر است:

ج - ۱- در کلیه مواردی که وکلای دادگستری به عنوان وکیل در مراجع قضایی یا مراجع غیرقضایی مانند هیات های حل اختلاف مالیاتی یا کمیسیون های شهرداری شرکت می نمایند مکلف اند معادل ۵ درصد حق الوکاله طبق ضوابط مربوط روی وکالتنامه تمبر الصاق و ابطال نمایند. این مبلغ به عنوان پیش پرداخت مالیاتی وکیل در حساب مالیاتی او منظور خواهد شد. هر گاه امور وکالت از طرف وزارتخانه ها، موسسات دولتی، شرکت های دولتی و شهرداری ها به وکیل ارجاع شود نیازی به ابطال تمبر روی وکالتنامه نمی باشد و در این قبیل موارد دستگاه پرداخت کننده حق الوکاله مکلف اند در موقع پرداخت ۵ درصد آن را کسر و به حساب سازمان امور مالیاتی کشور به نام وکیل واریز نمایند این مالیات نیز به عنوان پیش پرداخت مالیات وکیل محسوب می گردد. نرخ مالیات برای وکلای دادگستری نرخ های مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مالیات های مستقیم می باشد.

ج - ۲- در کلیه مواردی که موسسات حقوقی بابت مشاوره و یا سایر خدمات حقوقی از اشخاص حقوقی وجوهی دریافت می کنند پرداخت کنندگان وجوه مکلف اند مطابق ماده ۱۰۴ قانون مالیات های مستقیم در هر پرداخت معادل ۳ درصد آن را کسر و طبق مقررات مذکور در ماده مزبور به حساب سازمان امور مالیاتی منظور نمایند این مالیات به عنوان پیش پرداخت مالیات موسسه حقوقی محسوب می گردد و موسسه حقوقی چون ثبت شده و دارای شخصیت حقوقی است نسبت به درآمد مشمول پرداخت مالیات به نرخ ۲۵ درصد می باشد.

سوال شماره ۲:

در صورتی که وکلای دادگستری قرارداد مانند ثبت صورتجلسات با شرکت ها داشته باشد آیا شرکت مکلف به کسر مالیات علی الحساب است یا خیر؟

ج - چون حق الزحمه مشمول ماده ۱۰۴ است، پرداخت کننده مکلف به کسر ۳٪ می باشد.

سود و کارمزد بانکی؛

سوال شماره ۱:

آیا هزینه سود و کارمزد تسهیلات مالی دریافتی از صندوق های حمایتی، از جمله تحقیقات انفورماتیک، جزء هزینه های قابل قبول می باشد یا خیر؟

ج - سود و کارمزد پرداختی صرفاً به موسسات مذکور در بند ۱۸ ماده ۱۴۸ قانون مالیات های مستقیم جزء هزینه های قابل قبول خواهد بود و هر گونه سود و کارمزد پرداختی به غیر از موسسات مذکور قابل پذیرش نمی باشد. علیهذا چنانچه صندوق های حمایتی از جمله تحقیقات انفورماتیک به موجب قانون یا مصوبه هیات وزیران در حکم موسسات اعتباری غیر بانکی مجاز شناخته شوند مشمول مقررات مزبور خواهند بود.

سوال شماره ۲:

آیا هزینه وام شرکت را بدلیل بدهی سهامداران به شرکت می توان برگشت داد؟

ج - هزینه وام شرکت ارتباطی با بدهی سهامداران ندارد (از نظر مالیاتی) و برگشت هزینه آن به دلیل بدهی سهامداران به شرکت منطبق با مقررات هزینه های قابل قبول نمی باشد.

سوال شماره ۳:

آیا شرکت‌های مادر که برای شرکت‌های تابعه بنام خود وام اخذ می‌نمایند هزینه بهره آن در شرکت تابعه قابل قبول است (قرارداد بنام شرکت مادر است)؟

ج- خیر.

سوال شماره ۴:

سود و کارمزد بانکی که برای عملیات شرکت به بانک‌های ایرانی پرداخت می‌شود قابل قبول است یا خیر؟

ج- قابل قبول است.

سوال شماره ۵:

بهره پرداختی بابت وام‌های اخذ شده از بانک‌های خارجی جزء هزینه‌های قابل قبول است یا خیر؟

ج- بر اساس مقررات بند ۱۸ ماده ۱۴۸ سود یا کارمزد پرداختی به بانک‌ها بابت انجام دادن عملیات موسسه جزء هزینه‌های قابل قبول است (قید بانک خارجی یا ایرانی ندارد).

سوال شماره ۶:

در مورد پذیرش یا عدم پذیرش بهره شرکت‌های داخلی به بانک‌های خارجی که اکثراً در سرمایه گذاری B.O.T مصرف می‌شود توضیح دهید؟

ج- به استناد بخشنامه شماره ۳۵۶۸۱ مورخ ۸۱/۶/۲۰ جزء هزینه‌های قابل قبول است.

سوال شماره ۷:

جریمه پرداختی به وام‌های بانک‌های خارجی یا داخلی قابل قبول است یا خیر؟

ج- به استناد بند ۷ ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم صرفاً جریمه پرداختی به دولت و شهرداری‌ها جزء هزینه‌های قابل قبول نمی‌باشد، لکن جرائم پرداختی در ارتباط با معافیت موسسه به بانک‌های داخلی و خارجی در صورت احراز جزء هزینه‌های قابل قبول خواهد بود.

شرکت‌های تعاونی؛**سوال شماره ۱:**

در مورد مالیات شرکت‌های تعاونی و مالیات سود اتحادیه شرکت‌های تعاونی که اقدام به ساخت و ساز می‌نمایند و دارای سود هستند. توضیح دهید؟

ج- فقط درآمدهای شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های آنها (موضوع ماده ۱۳۳) در حدود فعالیت اساسنامه معاف از مالیات هستند.

سوال شماره ۲:

آیا جایزه خرید که تولید کنندگان بابت خرید به صورت جنسی به اتحادیه‌های تعاونی اعطا می‌نمایند مشمول مالیات می‌باشد یا خیر؟

ج- به استناد بخشنامه شماره ۳۰/۴/۱۷۲۷/۲۷۹۹۶ مورخ ۷۴/۵/۲۱ مشمول مالیات می‌باشد.

سوال شماره ۳:

آیا درآمدهای مستثنی از معافیت برای شرکت‌های تعاونی وجود دارد یا خیر؟

ج- به استناد بخشنامه شماره ۳۰/۴/۱۷۱۷/۲۷۹۹۶ مورخ ۷۴/۵/۲۱ درآمدهای غیرمرتبط با اهداف شرکت‌های تعاونی، موضوع مواد ۱۳۳ و ۱۴۲، مشمول مالیات است. لازم به یادآوری سایر شرکت‌های تعاونی نسبت به درآمدهای حاصل طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهند بود.

هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات؛

سوال شماره ۱:

هزینه‌های غیر قابل قبول شرکت‌های در حال تاسیس و قبل از بهره برداری چه زمانی مشمول مالیات می‌گردد؟

ج- آن مقدار از هزینه‌های قابل قبول دوره قبل از بهره برداری که مورد پذیرش دستگاه مالیاتی قرار گیرد از تاریخ بهره برداری به مدت ۱۰ سال قابل استهلاک می‌باشد و آن بخش از هزینه‌های دوره قبل از بهره برداری که مورد پذیرش دستگاه مالیاتی قرار نگیرد در هر سالی که به حساب هزینه منظور گردد برگشت داده شده و طبق مقررات مربوط عمل خواهد شد.

سوال شماره ۲:

چگونگی قبول هزینه‌های ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها و تخفیفات فروش را در هزینه‌های قابل قبول بفرمائید؟

ج- چگونگی قبول ذخیره مطالبات مشکوک الوصول مشروط به رعایت بند ۱۱ ماده ۱۴۸ و آئین نامه مربوط می‌باشد ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها در قانون مالیات‌ها پیش بینی نشده و در مورد تخفیفات فروش مندرج در فاکتور فروش عرفاً قابل قبول می‌باشد.

سوال شماره ۳:

آیا هزینه مطالبات مشکوک الوصول تحقق یافته دوران معافیت در زمان شمول مالیات قابل قبول است یا خیر؟

ج- هزینه مطالبات مشکوک الوصول به شرط اثبات در دوره تحقق قابل قبول است و هزینه‌های دوران معافیت را نمی‌توان به دوران غیرمعاف انتقال داد.

سوال شماره ۴:

آیا استهلاک می‌بایست بر اساس ظرفیت استفاده شده از ماشین آلات منظور گردد یا کامل طبق جدول؟

ج- استهلاک دارایی‌های ثابت از جمله ماشین آلات بر اساس مقررات جدول استهلاکات محاسبه می‌شود ظرفیت و میزان استفاده از ظرفیت یا میزان کارکرد و ساعت کار و غیره برای محاسبه استهلاک پیش‌بینی نشده است.

سوال شماره ۵:

آیا نرخ استهلاک بعضی از صنایع را می‌توان بیشتر از جدول استهلاکات در نظر گرفت؟

ج- از نظر مالیاتی قابل قبول نیست.

سوال شماره ۶:

آیا برای حیوانات وحشی که در باغ وحش نگهداری می‌گردند استهلاک در نظر گرفته شده است؟
ج- در آیین نامه استهلاکات موضوع ماده ۱۵۱ پیش بینی نشده است.

سوال شماره ۷:

برای محاسبه استهلاک کدام یک از قرائن "عمر مفید" یا "مدت کارکرد" ملاک محاسبه استهلاک است؟
ج- اساس محاسبه استهلاک با توجه به ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم بر اساس جدول استهلاکات موضوع ماده ۱۵۰ قانون مزبور می‌باشد.

سایر موضوعات؛

سوال شماره ۱:

آیا شرکت‌های وابسته به شهرداری‌ها که به صورت بازرگانی اداره می‌شوند مشمول مالیات هستند یا خیر؟
ج- بلی، به استناد تبصره ۱ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن‌ها متعلق به شهرداری‌ها می‌باشد مشمول مالیات هستند.

سوال شماره ۲:

آیا تعدیلات سنواتی دورانی که از طریق علی‌الراس تشخیص شده نباید در تعیین درآمد مشمول مالیات منظور گردد؟
ج - چنانچه تعدیل سنواتی مربوط به درآمدی باشد که مالیات آن قبلاً پرداخت نشده باشد بایستی در تعیین درآمد مشمول مالیات لحاظ گردد.

سوال شماره ۳:

اگر بازرگان کارت دار مدت ده سال از کارت خود استفاده نکرده ولی در همان محل بکار دیگری اشتغال داشته باشد می‌تواند از نظر خود اظهاری طبق ماده ۱۵۸ استفاده کند یا باید بجای بند (ج) از جمله اشخاص بند الف ماده ۹۶ تلقی گردد و دفتر روزنامه و کل نگهداری کند؟
ج - دارندگان کارت بازرگانی مکلف‌اند عملیات مالی خود را در دفاتر روزنامه و کل پلمب شده ثبت نمایند. استفاده از مقررات ماده ۱۵۸ نیز موقوف به نظر سازمان امور مالیاتی است.

سوال شماره ۴:

آیا شرکت‌های سرمایه پذیر که در خارج به همین عنوان ثبت شده‌اند و به شرکت‌های ایرانی سود سهم پرداخت می‌نمایند مشمول تبصره ۴ ماده ۱۰۵ می‌باشند یا خیر؟ مجوز قانونی در صورت منفی یا مثبت بودن پاسخ را ذکر فرمائید.
ج - شرکت ایرانی که از شرکت خارجی سود دریافت می‌نماید مشمول مالیات است (موضوع بند ۴ ماده ۱ قانون) لذا مشمول تبصره ۴ ماده ۱۰۵ نیست ضمناً در این مورد مالیات‌های پرداخت شده در خارج از کشور طبق مقررات تبصره ماده ۱۸۰ قابل کسر از مالیات متعلق در ایران خواهد بود.

سوال شماره ۵:

در مواردی که به بهانه عدم رسیدگی به مالیات سال بعد از استرداد مالیات اضافی پرداختی خودداری می‌گردد تکلیف مودی چیست؟

ج - مالیات هر سال مستقل بوده و ارتباطی به سال بعد ندارد و اضافه پرداختی پس از احراز و قطعی شدن بایستی مسترد گردد.

سوال شماره ۶:

در صورت تشخیص علی‌الراس شرکت‌های مشمول بند الف ماده ۱۰۷ آیا ضریب همان ۱۲ درصد می‌باشد یا طبق جدول ضرائب؟
ج - در صورتی که قرارداد تا پایان سال ۱۳۸۱ منعقد شده باشد ۱۲٪ مذکور در بند الف ماده ۱۰۷ اعمال خواهد شد ولی قراردادهای منعقد شده از اول سال ۱۳۸۲ به بعد به استناد تبصره ۵ ماده ۱۰۷ ضریب جدول ضرائب باید اعمال شود.

سوال شماره ۷:

موارد اختلاف استانداردهای حسابداری و حسابرسی با قانون مالیات‌های مستقیم و چگونگی برخورد سازمان امور مالیاتی با آنها چگونه است؟

ج - در صورت بروز اختلاف مقررات قانون مالیات‌های مستقیم حاکم خواهد بود.

سوال شماره ۸:

آیا بیش از یکبار می‌توان از معافیت ماده ۱۳۲ استفاده نمود؟

ج - برای واحدهای جدید التاسیس اعم از صنعتی و معدنی که برای آنها از اول سال ۸۱ پروانه بهره برداری از طرف وزارتخانه ذیربط صادر می‌شود فقط برای یک بار می‌توان از معافیت مالیاتی مقرر در ماده ۱۳۲ استفاده نمود.

سوال شماره ۹:

آیا عدم استفاده از ظرفیت کامل (به طور مثال ۲۰٪) را می‌توان به عنوان قبل از بهره برداری تلقی نمود؟

ج - قانون قیدی به درصد بهره برداری یا استفاده از درصد ظرفیت برای برخورداری از معافیت مالیاتی ندارد و معافیت مالیاتی از تاریخ شروع بهره برداری با استفاده از هر میزان از ظرفیت شروع می‌شود.

سوال شماره ۱۰:

آیا درآمدهای مدارس غیرانتفاعی خارج از موارد تعیین شده توسط آموزش و پرورش مشمول مالیات است یا خیر؟

ج - بر اساس مقررات ماده ۱۳۴ درآمدهای حاصل از تعلیم و تربیت در مدارس غیرانتفاعی مشمول مالیات نمی‌باشد. لذا چنانچه درآمدهای دیگری به جز تعلیم و تربیت داشته باشند مشمول مالیات خواهند بود. (به آئین نامه ماده ۱۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم مراجعه شود)

سوال شماره ۱۱:

جریمه عدم اجرای ماده ۱۳۸ قانون مالیات‌های قدیم مربوط به زمان اجرای قانون مذکور که به دوران قانون جدید نیز تسری پیدا کرده چگونه محاسبه می‌گردد؟

ج - با توجه به این که طبق مقررات ماده ۱۴۶ کلیه معافیت‌های مدت دار مقرر شده به موجب قانون قبل از اصلاحیه مصوب ۸۰/۱۱/۲۷ با رعایت مقررات مربوط تا انقضاء مدت به قوت خود باقی است لذا جریمه عدم اجرای ماده ۱۳۸ قبل از اصلاحیه مذکور از اول سال ۱۳۸۱ به بعد برابر مقررات قبل از اصلاحیه قابل اعمال است.

سوال شماره ۱۲:

در مواردی که استفاده از معافیت در نیمه دوم سال آغاز می‌گردد آیا مدت معافیت بر اساس سال شمسی محاسبه می‌گردد یا ۳۶۵ روز؟

ج- معافیت از تاریخ شروع بهره برداری محاسبه می‌گردد لذا چنانچه مودی در یک سال مالی از کل مدت آن سال از معافیت استفاده ننموده باشد می‌تواند باقی مانده مدت استفاده نشده را در سال پس از انقضای مدت معافیت استفاده کند.

سوال شماره ۱۳:

صدور خدمات و کالا در برنامه چهارم دارای معافیت است یا خیر؟

ج- طبق بند د ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه برقراری هر نوع مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع می‌باشد بنابراین درآمد حاصل از کالا و خدمات در طول برنامه چهارم کلاً از مالیات معاف می‌باشد.

سوال شماره ۱۴:

شرکت‌هایی که در خارج از ایران اقدام به تاسیس شرکت فرعی می‌نمایند و بخشی از فعالیت خود را به شرکت مذکور منتقل می‌نمایند در صورت داشتن معافیت شرکت اصلی سود سهام شرکت‌های فرعی که صد در صد آن نیز متعلق به شرکت اصلی است دارای معافیت می‌باشد یا خیر؟

ج- معافیت شرکت‌های اصلی ایرانی قابل تسری به درآمدهای سرمایه‌گذاری که در خارج از کشور تحصیل می‌گردد نمی‌باشد.

سوال شماره ۱۵:

آیا زیان عملیاتی شرکت‌های تازه تاسیس دارای معافیت از سود غیر عملیاتی مشمول مالیات آن‌ها کسر می‌گردد یا خیر؟

ج- زیان عملیاتی شرکت‌ها که درآمد عملیاتی آن‌ها از مالیات معاف است به استناد ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم قابل کسر از سود یا درآمد غیر عملیاتی، مشمول مالیات نمی‌باشد.

سوال شماره ۱۶:

شرکتی در دوران بهره برداری بخش قابل توجهی مواد اولیه را به عنوان ضایعات تولید آزمایشی قلمداد نموده است آیا این هزینه را به بهای تمام شده ماشین آلات می‌توان اضافه نمود؟ در این صورت از نظر مالیاتی چه حکمی دارد؟

ج- ضایعات تولید در حد متعارف طبق بند ۲۵ ماده ۱۴۸ جزء هزینه‌های قابل قبول است و منظور کردن هزینه ضایعات به بهای تمام شده ماشین آلات خارج از اصول و استانداردهای حسابداری است و قیمت تمام شده ماشین آلات را غیرواقعی نشان می‌دهد و برخلاف مقررات قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد. در صورت اضافه نمودن ضایعات به بهای تمام شده دارائی‌ها در سنوات بعد استهلاك آن مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

سوال شماره ۱۷:

آیا سود سهامی که مالیات آن در مبدا پرداخت شده برای دریافت کننده مشمول سهمی از هزینه‌های اداری می‌باشد یا خیر؟

ج- با توجه به بخشنامه شماره ۲۳۲/۱۳۷۶/۱۰۱۲۴ مورخ ۸۴/۵/۲۹ فقط آن بخش از هزینه‌هایی که در ارتباط با وصول سود سهام شرکت‌ها متحمل می‌شوند جزء هزینه‌های قابل قبول خواهد بود.

سوال شماره ۱۸:

منظور از کلمه "تخصیص" در بند ۲۷ ماده ۱۴۸ چیست آیا مترادف با پرداخت یا ذخیره و یا کنار گذاشتن وجوه است؟
ج- تخصیص به معنی پرداخت نمی‌باشد بلکه به معنی تحقق و ثبت هزینه یا ذخیره گرفتن آن است (بند ۲۷ ماده ۱۴۸)

سوال شماره ۱۹:

با توجه به تناقض قبول هزینه‌های قبل از بهره برداری بین استانداردهای حسابداری و هزینه‌های قابل قبول حسابداری رسمی در گزارش مالیاتی چه اقدامی می‌بایست انجام دهد؟
ج- گزارش مالیاتی بایستی بر اساس مقررات قانون مالیات‌ها تهیه و تنظیم گردد.

سوال شماره ۲۰:

آیا شرکتی می‌تواند از جایزه سه سال خوش حسابی و ۱٪ پیش پرداخت مالیات همزمان استفاده نماید؟
ج- با توجه به مقررات ماده ۱۸۹ قانون مالیات‌های مستقیم مودیان می‌توانند همزمان از جایزه خوش حسابی موضوع ماده مزبور و همچنین ۱٪ جایزه پیش پرداخت موضوع ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم استفاده نمایند.

سوال شماره ۲۱:

منظور از هزینه‌های غیر واقعی غیر قابل قبول مذکور در تبصره ماده ۱۹۲ چیست؟
ج- منظور هزینه‌های واهی و صوری است که عملاً در موسسه انجام نشده ولی مدارک صوری دال بر انجام هزینه در دفاتر ثبت گردیده است.

سوال شماره ۲۲:

آیا انتقال دارائیهای ثابت شرکت‌های هلدینگ به شرکت‌های فرعی به قیمت دفتری از مصادیق ترکیب و ادغام است یا خیر؟
ج - خیر.

*پرسش و پاسخ‌های قوانین کار و تأمین اجتماعی:

سوال شماره ۱:

آیا کارگر و کارفرما می‌توانند با توافق مزایایی کمتر از آنچه که در قانون کار و سایر مقررات تبعی آمده است را در قرارداد کار اولیه یا ملحقات آن پیش‌بینی نمایند؟

پاسخ: هر نوع تغییر در قرارداد کار که مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در قانون کار برای کارگر منظور نماید مستند به ماده ۸ قانون نافذ نبوده و بلا اعتبار خواهد بود.

سوال شماره ۲:

در برخی موارد کارفرمایان جهت فرار از مقررات پیش‌بینی شده و برای جلوگیری از اخراج کارگران مبادرت به انعقاد قراردادهای کار با مدت موقت می‌نمایند. آیا اقدام آن‌ها قانونی است؟

پاسخ: برابر ماده ۷ قانون کار انعقاد چنین قراردادهایی پیش‌بینی شده و کارفرما قانوناً مجاز به انعقاد اینگونه قراردادها خواهد بود.

سوال شماره ۳:

آیا انعقاد قراردادهای کار با مدت موقت (موضوع پرسش قبل) به مدت بیش از یکسال و به صورت طولانی معتبر است؟
پاسخ: در قانون متبوع پیش‌بینی خاصی جهت مدت قراردادهای کار با مدت موقت نشده است و فقط برابر تبصره ۱ ماده ۷ قانون کار مقرر شده است حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آن‌ها جنبه غیر مستمر دارد به وسیله وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد (که تاکنون این اقدام انجام نشده است). لذا انعقاد قرارداد کار با مدت موقت برای هر مدت منع قانونی ندارد.

سوال شماره ۴:

آیا در قراردادهای کار با مدت موقت یا کار معین پیش‌بینی دوره آزمایشی جایز است؟
پاسخ: با عنایت به مواد ۱۱ و ۲۵ قانون و صراحت ماده اخیر الذکر به اینکه اصولاً هیچیک از طرفین به تنهایی حق فسخ قرارداد کار با مدت موقت یا کار معین را ندارند به نظر می‌رسد پیش‌بینی دوره آزمایشی موضوع ماده ۱۱ فاقد توجیه قانونی باشد.

سوال شماره ۵:

آیا قراردادهای کار ساعتی که بین مؤسسات و اشخاص حقیقی منعقد می‌گردند در زمره قراردادهای موضوع ماده ۷ قانون متبوع قرار می‌گیرند؟

پاسخ: با عنایت به تبصره ۱ ماده ۳۵ و بند الف ماده ۳۵ قانون کار قراردادهای ساعتی اصولاً از جمله قراردادهای موضوع ماده ۷ خواهند بود مگر اینکه به حکم قانون در دایره شمول مقررات استخدامی خاص قرار گرفته باشند.

سوال شماره ۶:

اختیار تعیین محل کار با کدامیک از طرفین قرارداد کار است؟ کارگر؟ کارفرما؟ هر دو؟

پاسخ: تکلیف تعیین محل انجام کار در قرارداد کار موضوع بند «د» ماده ۱۰ قانون مرقوم دلالت بر لزوم مشخص بودن محل کار کارگر در قرارداد کار (بدواً) در قرارداد دارد. لیکن چنانچه در قرارداد کار اختیار تعیین و تغییر محل کار به کارفرما تفویض شده باشد شرط مزبور نافذ بوده و کارگر موظف به تبعیت از آن خواهد بود.

سوال شماره ۷:

آیا (قانوناً) کارفرما می‌تواند مبلغی را با توافق کارگر به طور یکجا به عنوان مجموع مزد و مزایای وی تعیین نماید؟
پاسخ: علیرغم اینکه در قانون در خصوص تفکیک مزد و مزایای کارگران پیش‌بینی نشده است ولی به لحاظ امکان محاسبه مزایایی که مبنای محاسبه آن‌ها مزد ثابت کارگر تعیین شده و نیز نظارت دقیق بر اجرای مقررات قانونی لازم است مزد و مزایای متعلقه دقیقاً تفکیک شده و در قرارداد کار مشخص گردند.

سوال شماره ۸:

اگر خانواده فردی که کمتر از ۱۵ سال سن دارد با استخدام وی در کارگاهی موافقت نمایند آیا به لحاظ قانونی اشتغال وی بلامانع خواهد بود؟

پاسخ: اشتغال افراد زیر ۱۵ سال مستند به ماده ۷۹ قانون ممنوع بوده و رضایت خانواده این افراد نیز نافذ نبوده و مسئولیت اشتغال افراد زیر ۱۵ سال فقط متوجه کارفرما بوده و کارفرمایان متخلف برابر ماده ۱۷۶ قانون مجازات می‌گردند.

سوال شماره ۹:

چنانچه افراد کمتر از ۱۵ سال در کارگاه بکار اشتغال داشته باشند آیا محق به استفاده از امتیازات و حقوق مقرر در قانون کار خواهند بود یا خیر؟ ضمناً اگر کارفرما از پرداخت حقوق و یا مزد ایشان خودداری نماید آیا مراجع حل اختلاف موضوع قانون متبوع به شکایات ایشان رسیدگی می‌نمایند؟

پاسخ: به استناد ماده ۷۹ قانون و نیز بند «ج» ماده ۹ اصولاً قرارداد کار افراد زیر ۱۵ سال (با عنایت به ممنوعیت قانونی اشتغال بکار ایشان) باطل بوده و لذا به لحاظ قانونی کارگر شناخته نمی‌شوند. در نتیجه از هیچیک از مزایای مقرر در قانون مرقوم و مقررات تبعی نیز برخوردار نمی‌گردند. تعیین و منظور نمودن دستمزد یا مزایایی برای ایشان به عنوان اجرت‌المثل نیز با توجه به عدم شمول قانون از حدود صلاحیت و وظایف هیأت‌های حل اختلاف قانون کار خارج بوده و در صلاحیت مراجع دادگستری می‌باشد.

سوال شماره ۱۰:

آیا کارمندان بازنشسته دولت می‌توانند به عنوان کارگر در دستگاه‌های دولتی مشغول بکار شوند؟
پاسخ: اشتغال بکار اینگونه افراد به لحاظ دریافت دو حقوق از صندوق دولت ممنوع بوده و صحت قرارداد کار ایشان با عنایت به بند «ج» ماده ۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران محل تردید است.

سوال شماره ۱۱:

آیا به کارگیری پرسنل ارتشی در واحدهای خصوصی منع قانونی دارد؟
پاسخ: فرمان مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در زمینه لزوم کسب هماهنگی مکتوب سماجا (ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران) برای به کارگیری پرسنل شاغل یا رها شده ارتش دستگاه‌های مذکور در متن فرمان را شامل بوده و ناظر بر پرسنل

سایر نیروهای مسلح و واحدهای بخش خصوصی نخواهد بود. ضمناً منظور از پرسنل رها شده پرسنلی هستند که قبلاً در استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده و به صورت مختلف منجمله بازنشستگی، بازخرید، استعفاء یا اخراج از خدمت رها گردیده‌اند.

سوال شماره ۱۲:

آیا کارگرانی که به عنوان کارگر روزمزد در کارگاه‌ها کار می‌کنند می‌توانند از امتیازات و مزایای مقرر در قانون کار برخوردار شوند؟

پاسخ: به لحاظ قانونی عنوان کارگر اطلاق عام داشته و اعم از کارگران روزمزد، موقت، دائمی و ... می‌باشد. لذا کلیه کارگرانی که در چارچوب قرارداد کار با مدت موقت یا کار معین و یا غیر موقت بکار مشغول می‌باشند تحت حمایت قانون متبوع قرار داشته و کارگر شناخته می‌شوند و از مزایای مقرر در قانون بهره‌مند می‌گردند.

سوال شماره ۱۳:

آیا اجاره نیز از مواردی است که در ماده ۱۲ قانون کار به عنوان تغییر مالکیت کارگاه به آن‌ها اشاره شده است؟
پاسخ: هر چند که منظور ماده ۱۲ قانون کار در خصوص مالکیت عین بوده نه مالکیت منافع و لذا تغییر مستأجر از مصادیق تغییر مالکیت موضوع ماده مزبور محسوب نمی‌گردد لیکن با عنایت به اصل وابستگی کارگر به کارگاه در حقوق کار انتقال کارگاه از مستأجر به مؤجر و بالعکس در تداوم رابطه قراردادی کارگرانی که قرارداد کارشان با کارگاه قطعیت یافته مؤثر نبوده و کارفرمای جدید قائم مقام کلیه تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود.

سوال شماره ۱۴:

آیا کارگرانی که در منازل و مطب‌ها اشتغال بکار دارند نیز با تغییر مالک کارگاه (فی المثل فروش منزل) به مالک (کارفرمای) جدید انتقال می‌یابند؟

پاسخ: منزل یا مطبی که افراد مشمول قانون کار در آن بکار اشتغال دارند با عنایت به تعریف مذکور در ماده ۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران کارگاه محسوب و لذا با توجه به ماده ۱۲ قانون اخیرالذکر هر نوع تغییر حقوقی در ملکیت آن (انتقال یا فروش) تأثیری در رابطه قراردادی کارگران شاغل در این واحدها نداشته و منتقل الیه یا خریدار قائم مقام کارفرمای سابق در زمینه اجرای مقررات قانون کار خواهد بود.

سوال شماره ۱۵:

اخیراً بعضی از دستگاه‌های دولتی یا خصوصی انجام برخی از فعالیت‌های خود را به پیمانکاران واگذار نموده و پیمانکاران نیز برای انجام پیمان منعقد کرده‌اند کارگرانی را با قراردادهای کار موقت به خدمت می‌گیرند. اغلب پس از انقضای مدت پیمان پیمانکار کارگران مزبور را جهت اجرای سایر پیمان‌هایی که دارد بکار می‌گیرد (در همان کارگاه یا کارگاه‌های دیگر) آیا قرارداد اینگونه کارگران تبدیل به قرارداد کار دائم خواهد شد؟

پاسخ: در مواردی که بعضی از دستگاه‌های دولتی یا خصوصی انجام برخی از فعالیت‌های خود را به پیمانکاران واگذار نموده و پیمانکاران نیز برای انجام پیمان منعقد کرده‌اند کارگرانی را با قراردادهای کار موقت به خدمت می‌گیرند با عنایت به موقت بودن پیمان قرارداد منعقد با پیمانکار کارگران در زمره قراردادهای موقت موضوع تبصره ۱ ماده ۷ قانون مرقوم بوده و حداکثر مدت آن‌ها محدود به مدت پیمان خواهد بود. بدیهی است با انقضای مدت پیمان و انجام تسویه حساب رابطه کاری و کارفرمایی کارگران

و پیمانکار خاتمه یافته و اشتغال احتمالی کارگران در همان واحد یا مؤسسه (برای پیمانکار نخستین یا سایر پیمانکاران) یا در مؤسسات دیگر و برای همان پیمانکار دنباله اشتغال اولیه محسوب نخواهد گردید.

سوال شماره ۱۶:

در برخی از کارگاه‌ها درآمد افراد از طریق مشتریان کارگاه تأمین می‌گردد و از کارفرمای کارگاه مزد و حقوق دریافت نمی‌نمایند. آیا رابطه کارگری و کارفرمایی موضوع قانون کار در اینگونه موارد جاریست؟

پاسخ: اصولاً وجه تمایز عمده و اساسی قراردادهای کار با سایر قراردادهایی که موضوع آنها نیز کار و فعالیت انسانی است تبعیتی است که کارگر از کارفرما داشته که در سایر قراردادها این موضوع دیده نمی‌شود. متذکر می‌گردد که تبعیت کارگر از کارفرما به صورت لزوم رعایت دستورات شفاهی یا کتبی و نیز ضوابط و مقررات مکتوب یا عرفی کارگاه (تبعیت حقوقی) و نیز به صورت رابطه مزدی طرفین و عدم احتمال و تصور سود و زیان کارگر از کار انجام شده (تبعیت اقتصادی) قابل تشخیص است. در زمینه تبعیت اقتصادی ذکر این نکته بی‌فایده به نظر نمی‌رسد که جدای از مزدبگیری معمول و عرفی که بر اساس آن کارگر مزد مورد توافق را بر پایه زمانی مشخص (ساعت، روز یا ماه) یا براساس هر واحد از کار انجام شده (کارمزدی) مستقیماً از کارفرما یا نماینده وی دریافت می‌نماید با عنایت به پیش‌بینی ماده ۱۹۰ قانون کار رابطه مزدی می‌تواند بدون اینکه کارگر مستقیم یا غیرمستقیم مزد خود را از کارفرما دریافت دارد به نحوی باشد که تمام یا قسمتی از مزد کارگران بوسیله مراجعین یا مشتریان کارگاه تأمین گردد.

سوال شماره ۱۷:

آیا دستگاه‌های دولتی می‌توانند به منظور تقلیل پرسنل غیر تخصصی (اداری و خدماتی) افراد را به صورت ساعتی به خدمت بگیرند؟

پاسخ: اشتغال افراد به صورت قرارداد ساعتی قالب مناسبی جهت اجرای بند ۲ تصویب‌نامه شماره ۱۲۲۹۱۰/ت/۷۵۰ مورخ ۶۶/۹/۲۵ هیأت وزیران نبوده و با عنایت به تبصره ۱ ماده ۳۵ و بند الف ماده ۳۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران قراردادهای ساعتی اصولاً از جمله قراردادهای کار موضوع ماده ۷ قانون اخیرالذکر می‌باشد مگر اینکه به حکم قانون در دایره شمول مقررات استخدامی خاص قرار گرفته باشند.

سوال شماره ۱۸:

آیا موارد تعلیق قرارداد کار منحصرأ همان مواردی است که در قانون کار نامبرده شده است یا اینکه طرفین قرارداد نیز می‌توانند به نحو مورد توافق رابطه کار را به حالت تعلیق درآورند؟

پاسخ: صرفنظر از مواردی که در قانون کار به عنوان تعلیق قرارداد کار نامبرده شده است، هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند با توافق طرف مقابل قرارداد را به هر صورت که توافق گردد به حالت تعلیق در آورند، لازم‌تذکر است که چنانچه به تشخیص هیأت حل اختلاف، کارفرما موجب تعلیق یکجانبه قرارداد کار شناخته شود، وفق مقررات ماده ۲۹ قانون، کارگر استحقاق دریافت خسارت ناشی از تعلیق را داشته و کارفرما مکلف خواهد بود وی را بکار سابق باز گرداند.

سوال شماره ۱۹:

آیا موارد تعلیق قرارداد کار که در قانون مربوطه ذکر شده است، صرفاً در مورد قراردادهای دائم است یا اینکه در دیگر قراردادهای نیز موارد تعلیق مزبور امکان‌پذیر می‌باشد؟

پاسخ: موارد تعلیق موضوع مبحث دوم از فصل دوم قانون کار و احکام مربوط به آن اختصاص به نوع مشخصی از قرارداد کار نداشته و کلیه قراردادهای کار اعم از غیر موقت / مدت معین / و نیز کار معین را شامل می‌گردد.

سوال شماره ۲۰:

کارفرمایی فوت شده است. از آنجایی که وراث قانونی وی هنوز مشخص نشده‌اند کارگاه فعلاً تعطیل است. آیا می‌توان این مورد را از موارد حوادث غیر قابل پیش بینی که در ماده ۱۵ قانون کار به عنوان مسبب ایجاد حالت تعلیق شناخته شده، به حساب آورد؟
پاسخ: چنانچه فوت کارفرما موجب تعطیل موقت کارگاه گردد مورد از مصادیق ماده ۱۵ قانون کار تلقی می‌گردد.

سوال شماره ۲۱:

آیا واحدهای کار و امور اجتماعی نیز می‌توانند علت تعطیل موقت کارگاه را قوه قهریه و یا حوادث غیر قابل پیش بینی تشخیص دهند؟ یا اینکه این تشخیص صرفاً در صلاحیت وزارت متبوع می‌باشد؟
پاسخ: قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون کار صراحتاً عبارت «وزارت کار و امور اجتماعی» را ذکر کرده است. بنابر این تشخیص اینگونه موارد به عهده وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشد.

سوال شماره ۲۲:

آیا تعطیل موقت کارگاه در اثر مشکلات اقتصادی از قبیل کمبود نقدینگی و یا عدم فروش محصولات را می‌توان تعلیق ناشی از بروز حوادث غیر قابل پیش بینی موضوع ماده ۱۵ قانون کار تلقی کرد؟
پاسخ: ماده مزبور تنها ناظر به موارد قهریه و یا بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی بوده و کمبود نقدینگی و عدم فروش محصولات از مصادیق آن نمی‌باشد.

سوال شماره ۲۳:

کارگری به دلیل بیماری مدتی را در کارگاه حاضر نشده است. از آنجا که کارگر مزبور بیمه نبوده، سازمان تأمین اجتماعی بیماری وی را تایید ننموده است. مدت عدم حضور در کارگاه چه وضعی را خواهد داشت؟ و آیا کارفرما می‌تواند از اعاده بکار وی خودداری نماید؟
پاسخ: اگر عدم توانایی انجام کار کارگری که به این دلیل در کارگاه حاضر نمی‌شود، بطریقی غیر از تایید سازمان تأمین اجتماعی، برای مراجع حل اختلاف محرز گردد، مدت مزبور به عنوان ایام تعلیق محسوب و پس از رفع تعلیق، بنا بر حکم مراجع مزبور، کارفرما مکلف به اعاده بکار کارگر خواهند بود.

سوال شماره ۲۴:

کارگری در دوران مرخصی بدون حقوق، بازداشت گردیده و با جود اینکه قبل از اتمام مرخصی از بازداشتگاه آزاد گردیده است ولی کارفرما به بهانه این توقیف و اینکه داگاه هنوز رای قطعی صادر نکرده، از پذیرش وی خودداری می‌کند. حکم قانون در این مورد چیست؟

پاسخ: مقررات مواد ۱۷ و ۱۸ قانون، صرفاً ناظر بمواردی است که کارگر بدلیل توقیف، قادر به حضور در کارگاه نباشد. لذا در صورتیکه زمان و مدت توقیف به نحوی باشد که مانع از حضور کارگر در کارگاه نبوده، اقدام کارفرما به منزله فسخ قرارداد کار بوده و کارگر می‌تواند برابر مقررات به مراجع ذیصلاح مراجعه و تقاضای اعاده بکار نماید.

سوال شماره ۲۵:

چنانچه بازداشت کارگر منجر به محکومیت وی در مراجع صالحه گردد آیا تلقی مدت بازداشت به عنوان دوران تعلیق قرارداد کار منطبق با ضوابط قانونی است؟

پاسخ: در ارتباط با مواد ۱۷ و ۱۸ قانون در مواردی که توقیف کارگر منتهی به محکومیت وی گردد، اصولاً تعلیق تحقق نیافته و مدت بازداشت نیز در سابقه کار کارگر محسوب نخواهد شد.

سوال شماره ۲۶:

کارگری با یک قرارداد یکساله در کارگاهی بکار اشتغال داشته است و پس از گذشت مدتی بازداشت شده و در توقیف بوده است. آیا در صورت برائت، می‌تواند جهت ادامه کار به کارگاه مراجعه نماید یا اینکه مدت قرارداد، منقضی شده است؟

پاسخ: از آنجا که تعلیق قرارداد کار به این معنی است که تعهدات طرفین قرارداد، و در نتیجه موضوع قرارداد کار، موقتاً به حال تعلیق در آمده و به عبارت دیگر قرارداد در این مدت بلا اثر می‌گردد، طبیعتاً در قراردادهای موقت، مدت تعلیق جزء مدت قرارداد به حساب نخواهد آمد.

سوال شماره ۲۷:

کارگری از سوی مقامات ذیصلاح بازداشت و پس از مدتی با سپردن وثیقه موقتاً تا زمان تشکیل دادگاه آزاد شده است. آیا کارفرما مکلف به اعاده بکار وی است؟

پاسخ: در اینگونه موارد با عنایت به اینکه محکومیت وی قطعیت نیافته است و ماده ۱۷ قانون متبوع، حالت تعلیق قرارداد را موقوف به عدم محکومیت کارگر دانسته است لذا روشن نبودن حالت قرارداد بمنزله ادامه توقیف کارگر تلقی و لذا کارفرما تکلیفی در خصوص اعاده بکار وی نخواهد داشت. بدیهی است چنانچه علت بازداشت، شکایت کارفرما بوده باشد، پرداخت پنجا درصد حقوق موضوع تبصره ماده ۱۸، تا زمان صدور رای قطعی مراجع صالحه، بعهده کارفرما خواهد بود.

سوال شماره ۲۸:

کارگری بنا به شکایت کارفرما بازداشت شده است. در دوران بازداشت وضعیت حقوق و مزایای وی چگونه است و چنانچه در دادگاه محکوم شود تکلیف سنوات وی چه می‌شود؟

پاسخ: در اینگونه موارد مستند به تبصره ماده ۱۸ قانون، مادامیکه حکم قطعی دادگاه صالحه در خصوص محکومیت یا عدم محکومیت وی صادر نگردیده، کارفرما مکلف خواهد بود حداقل پنجاه درصد از حقوق ماهیانه وی را به طور علی الحساب به خانواده‌اش پرداخت نماید. بدیهی است در صورت محکومیت وی، چنانچه مراجع حل اختلاف قانون کار، فسخ قرارداد کار را از سوی کارفرما تشخیص دهند با عنایت به مفاد ماده ۲۷ قانون کار، نسبت به «حق سنوات» متعلقه صدور رای خواهند نمود.

سوال شماره ۲۹:

در مواردی که بازداشت کارگر در اثر شکایت کارفرماست، چنانچه کارگر تیره گردد، آیا مدت بازداشت در سابقه کار کارگر محسوب می‌گردد؟

پاسخ: بله.

سوال شماره ۳۰:

کارفرمایی علیه کارگر خود در مراجع دادگستری طرح شکایت نموده است و بلافاصله از ادامه کار وی جلوگیری نموده است، آیا کارفرما مکلف نبوده حداقل ۵۰٪ حقوق وی را به خانواده کارگر پرداخت نماید؟

پاسخ: پرداخت مبلغ مزبور در مواردی لزوم پیدا می‌کند که کارگر در اثر این شکایت بازداشت شده باشد و چنانچه کارگر در اثر شکایت کارفرما توقیف نشده باشد پرداخت این ۵۰٪ لزومی نخواهد داشت.

سوال شماره ۳۱:

در مواردی که با شکایت کارفرما کارگر بازداشت شده و برابر تصمیم مراجع صالحه با قید ضمانت آزاد می‌گردد و کارفرما وی را موقتاً بکار اعاده نماید، آیا بازهم تکلیفی به پرداخت حقوق مقرر در تبصره ماده ۱۸ خواهد داشت؟

پاسخ: نظر به اینکه هدف قانونگذار رسیدگی به مشکل معیشتی خانواده کارگر بوده است و بر اساس رویه‌های موجود چنانچه کارگر بر اساس شکایت کارفرما توقیف و سپس با قید ضمانت آزاد گردد، کارفرما می‌تواند تا تعیین تکلیف نهایی کارگر را به کار اعاده نماید. بدیهی است در غیر اینصورت کارفرما مکلف به پرداخت مبلغ مزبور خواهد بود.

سوال شماره ۳۲:

در موادی که بر اساس رای صادره از مراجع حل اختلاف، کارگر بکار قبلی اعاده می‌گردد، و کارفرما مکلف می‌گردد حق السعی ایام تعلیق یعنی از تاریخ اخراج تا تاریخ اعاده بکار مجدد را پرداخت نماید، پرداخت کسورات قانونی (حق بیمه و مالیات سهم کارگر) به عهده کیست و به چه نحو؟

پاسخ: برابر مقررات مالیاتی و قانون تأمین اجتماعی اینگونه کسورات توسط کارفرما از حق السعی کارگر کسر می‌گردد و در مواردی که حکم مراجع حل اختلاف توسط دایره اجرای احکام دادگستری اجرا می‌گردد، کسورات قانونی مزبور مربوط به ایام تعلیق به عنوان بدهی کارگر به کارفرما بوده و کارفرما می‌تواند به استناد بند «الف» ماده ۴۵ قانون و بارعایت ترتیب مقرر در ماده ۴۴ قانون مرقوم، طلب خود را وصول نماید.

سوال شماره ۳۳:

در موادی که بر اساس رای صادره از مراجع حل اختلاف، کارگر بکار قبلی اعاده می‌گردد، و کارفرما مکلف می‌گردد حق السعی ایام تعلیق یعنی از تاریخ اخراج تا تاریخ اعاده بکار مجدد را پرداخت نماید، پرداخت کسورات قانونی (حق بیمه و مالیات سهم کارگر) به عهده کیست و به چه نحو؟

پاسخ: برابر مقررات مالیاتی و قانون تأمین اجتماعی اینگونه کسورات توسط کارفرما از حق السعی کارگر کسر می‌گردد و در مواردی که حکم مراجع حل اختلاف توسط دایره اجرای احکام دادگستری اجرا می‌گردد، کسورات قانونی مزبور مربوط به ایام تعلیق به عنوان بدهی کارگر به کارفرما بوده و کارفرما می‌تواند به استناد بند «الف» ماده ۴۵ قانون و بارعایت ترتیب مقرر در ماده ۴۴ قانون مرقوم، طلب خود را وصول نماید.

سوال شماره ۳۴:

در مواردی که با شکایت کارفرما کارگر بازداشت شده و برابر تصمیم مراجع صالحه با قید ضمانت آزاد می‌گردد و کارفرما وی را موقتاً بکار اعاده نماید، آیا بازهم تکلیفی به پرداخت حقوق مقرر در تبصره ماده ۱۸ خواهد داشت؟

پاسخ: نظر به اینکه هدف قانونگذار رسیدگی به مشکل معیشتی خانواده کارگر بوده است و بر اساس رویه‌های موجود چنانچه کارگر بر اساس شکایت کارفرما توقیف و سپس با قید ضمانت آزاد گردد، کارفرما می‌تواند تا تعیین تکلیف نهایی کارگر را به کار اعاده نماید. بدیهی است در غیر اینصورت کارفرما مکلف به پرداخت مبلغ مزبور خواهد بود.

سوال شماره ۳۵:

کارفرمایی علیه کارگر خود در مراجع دادگستری طرح شکایت نموده است و بلافاصله از ادامه کار وی جلوگیری نموده است، آیا کارفرما مکلف نبوده حداقل ۵۰٪ حقوق وی را به خانواده کارگر پرداخت نماید؟
پاسخ: پرداخت مبلغ مزبور در مواردی لزوم پیدا می‌کند که کارگر در اثر این شکایت بازداشت شده باشد و چنانچه کارگر در اثر شکایت کارفرما توقیف نشده باشد پرداخت این ۵۰٪ لزومی نخواهد داشت.

سوال شماره ۳۶:

در مواردی که بازداشت کارگر در اثر شکایت کارفرماست، چنانچه کارگر تیرنه گردد، آیا مدت بازداشت در سابقه کار کارگر محسوب می‌گردد؟
پاسخ: بله.

سوال شماره ۳۷:

کارگری بنا به شکایت کارفرما بازداشت شده است. در دوران بازداشت وضعیت حقوق و مزایای وی چگونه است و چنانچه در دادگاه محکوم شود تکلیف سنوات وی چه می‌شود؟
پاسخ: در اینگونه موارد مستند به تبصره ماده ۱۸ قانون، مادامیکه حکم قطعی دادگاه صالحه در خصوص محکومیت یا عدم محکومیت وی صادر نگردیده، کارفرما مکلف خواهد بود حداقل پنجاه درصد از حقوق ماهیانه وی را به طور علی الحساب به خانواده‌اش پرداخت نماید. بدیهی است در صورت محکومیت وی، چنانچه مراجع حل اختلاف قانون کار، فسخ قرارداد کار را از سوی کارفرما تشخیص دهند با عنایت به مفاد ماده ۲۷ قانون کار، نسبت به «حق سنوات» متعلقه صدور رای خواهند نمود.

سوال شماره ۳۸:

کارگری از سوی مقامات ذیصلاح بازداشت و پس از مدتی با سپردن وثیقه موقتاً تا زمان تشکیل دادگاه آزاد شده است. آیا کارفرما مکلف به اعاده بکار وی است؟
پاسخ: در اینگونه موارد با عنایت به اینکه محکومیت وی قطعیت نیافته است و ماده ۱۷ قانون متبوع، حالت تعلیق قرارداد را موقوف به عدم محکومیت کارگر دانسته است لذا روشن نبودن حالت قرارداد بمنزله ادامه توقیف کارگر تلقی و لذا کارفرما تکلیفی در خصوص اعاده بکار وی نخواهد داشت. بدیهی است چنانچه علت بازداشت، شکایت کارفرما بوده باشد، پرداخت پنجاه درصد حقوق موضوع تبصره ماده ۱۸، تا زمان صدور رای قطعی مراجع صالحه، بعهدہ کارفرما خواهد بود.

سوال شماره ۳۹:

کارگری با یک قرارداد یکساله در کارگاهی بکار اشتغال داشته است و پس از گذشت مدتی بازداشت شده و در توقیف بوده است. آیا در صورت برائت، می‌تواند جهت ادامه کار به کارگاه مراجعه نماید یا اینکه مدت قرارداد، منقضی شده است؟

پاسخ: از آنجا که تعلیق قرارداد کار به این معنی است که تعهدات طرفین قرارداد، و در نتیجه موضوع قرارداد کار، موقتاً به حال تعلیق در آمده و به عبارت دیگر قرارداد در این مدت بلا اثر می‌گردد، طبیعتاً در قراردادهای موقت، مدت تعلیق جزء مدت قرارداد به حساب نخواهد آمد.

سوال شماره ۴۰:

کارگری در دوران مرخصی بدون حقوق، بازداشت گردیده و با وجود اینکه قبل از اتمام مرخصی از بازداشتگاه آزاد گردیده است ولی کارفرما به بهانه این توقیف و اینکه داگاه هنوز رای قطعی صادر نکرده، از پذیرش وی خودداری می‌کند. حکم قانون در این مورد چیست؟

پاسخ: مقررات مواد ۱۷ و ۱۸ قانون، صرفاً ناظر بمواردی است که کارگر بدلیل توقیف، قادر به حضور در کارگاه نباشد. لذا در صورتیکه زمان و مدت توقیف به نحوی باشد که مانع از حضور کارگر در کارگاه نبوده، اقدام کارفرما به منزله فسخ قرارداد کار بوده و کارگر می‌تواند برابر مقررات به مراجع ذیصلاح مراجعه و تقاضای اعاده بکار نماید.

سوال شماره ۴۱:

کارگری به دلیل بیماری مدتی را در کارگاه حاضر نشده است. از آنجا که کارگر مزبور بیمه نبوده، سازمان تأمین اجتماعی بیماری وی را تایید ننموده است. مدت عدم حضور در کارگاه چه وضعی را خواهد داشت؟ و آیا کارفرما می‌تواند از اعاده بکار وی خودداری نماید؟

پاسخ: اگر عدم توانایی انجام کار کارگری که به این دلیل در کارگاه حاضر نمی‌شود، بطریقی غیر از تایید سازمان تأمین اجتماعی، برای مراجع حل اختلاف محرز گردد، مدت مزبور به عنوان ایام تعلیق محسوب و پس از رفع تعلیق، بنا بر حکم مراجع مزبور، کارفرما مکلف به اعاده بکار کارگر خواهند بود.

سوال شماره ۴۲:

آیا تعطیل موقت کارگاه در اثر مشکلات اقتصادی از قبیل کمبود نقدینگی و یا عدم فروش محصولات را می‌توان تعلیق ناشی از بروز حوادث غیر قابل پیش بینی موضوع ماده ۱۵ قانون کار تلقی کرد؟

پاسخ: ماده مزبور تنها ناظر به موارد قهریه و یا بروز حوادث غیر قابل پیش بینی بوده و کمبود نقدینگی و عدم فروش محصولات از مصادیق آن نمی‌باشد.

سوال شماره ۴۳:

آیا واحدهای کار و امور اجتماعی نیز می‌توانند علت تعطیل موقت کارگاه را قوه قهریه و یا حوادث غیر قابل پیش بینی تشخیص دهند؟ یا اینکه این تشخیص صرفاً در صلاحیت وزارت متبوع می‌باشد؟

پاسخ: قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون کار صراحتاً عبارت «وزارت کار و امور اجتماعی» را ذکر کرده است. بنابر این تشخیص اینگونه موارد به عهده وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشد.

سوال شماره ۴۴:

کارفرمایی فوت شده است. از آنجایی که وراث قانونی وی هنوز مشخص نشده‌اند کارگاه فعلاً تعطیل است. آیا می‌توان این مورد را از موارد حوادث غیر قابل پیش بینی که در ماده ۱۵ قانون کار به عنوان مسبب ایجاد حالت تعلیق شناخته شده، به حساب آورد؟
پاسخ: چنانچه فوت کارفرما موجب تعطیل موقت کارگاه گردد مورد از مصادیق ماده ۱۵ قانون کار تلقی می‌گردد.

سوال شماره ۴۵:

آیا موارد تعلیق قرارداد کار که در قانون مربوطه ذکر شده است، صرفاً در مورد قراردادهای دائم است یا اینکه در دیگر قراردادها نیز موارد تعلیق مزبور امکان‌پذیر می‌باشد؟
پاسخ: موارد تعلیق موضوع مبحث دوم از فصل دوم قانون کار و احکام مربوط به آن اختصاص به نوع مشخصی از قرارداد کار نداشته و کلیه قراردادهای کار اعم از غیر موقت / مدت معین / و نیز کار معین را شامل می‌گردد.

سوال شماره ۴۶:

آیا موارد تعلیق قرارداد کار منحصرأ همان مواردی است که در قانون کار نامبرده شده است یا اینکه طرفین قرارداد نیز می‌توانند به نحو مورد توافق رابطه کار را به حالت تعلیق درآورند؟
پاسخ: صرفنظر از مواردی که در قانون کار به عنوان تعلیق قرارداد کار نامبرده شده است، هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند با توافق طرف مقابل قرارداد را به هر صورت که توافق گردد به حالت تعلیق در آورند، لازم‌تذکر است که چنانچه به تشخیص هیأت حل اختلاف، کارفرما موجب تعلیق یکجانبه قرارداد کار شناخته شود، وفق مقررات ماده ۲۹ قانون، کارگر استحقاق دریافت خسارت ناشی از تعلیق را داشته و کارفرما مکلف خواهد بود وی را بکار سابق باز گرداند.

سوال شماره ۴۷:

آیا دستگاه‌های دولتی می‌توانند به منظور تقلیل پرسنل غیر تخصصی (اداری و خدماتی) افراد را به صورت ساعتی به خدمت بگیرند؟
پاسخ: اشتغال افراد به صورت قرارداد ساعتی قالب مناسبی جهت اجرای بند ۲ تصویب‌نامه شماره ۱۲۲۹۱۰/ت/۷۵۰ مورخ ۶۶/۹/۲۵ هیأت وزیران نبوده و با عنایت به تبصره ۱ ماده ۳۵ و بند الف ماده ۳۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران قراردادهای ساعتی اصولاً از جمله قراردادهای کار موضوع ماده ۷ قانون اخیرالذکر می‌باشد مگر اینکه به حکم قانون در دایره شمول مقررات استخدامی خاص قرار گرفته باشند.

سوال شماره ۴۸:

در برخی از کارگاه‌ها درآمد افراد از طریق مشتریان کارگاه تأمین می‌گردد و از کارفرمای کارگاه مزد و حقوق دریافت نمی‌نمایند.
آیا رابطه کارگری و کارفرمایی موضوع قانون کار در اینگونه موارد جاریست؟
پاسخ: اصولاً وجه تمایز عمده و اساسی قراردادهای کار با سایر قراردادهایی که موضوع آن‌ها نیز کار و فعالیت انسانی است تبعیتی است که کارگر از کارفرما داشته که در سایر قراردادها این موضوع دیده نمی‌شود. متذکر می‌گردد که تبعیت کارگر از کارفرما به صورت لزوم رعایت دستورات شفاهی یا کتبی و نیز ضوابط و مقررات مکتوب یا عرفی کارگاه (تبعیت حقوقی) و نیز به صورت رابطه مزدی طرفین و عدم احتمال و تصور سود و زیان کارگر از کار انجام شده (تبعیت اقتصادی) قابل تشخیص است. در زمینه

تبعیت اقتصادی ذکر این نکته بی‌فایده به نظر نمی‌رسد که جدای از مزدبگیری معمول و عرفی که بر اساس آن کارگر مزد مورد توافق را بر پایه زمانی مشخص (ساعت، روز یا ماه) یا براساس هر واحد از کار انجام شده (کارمزدی) مستقیماً از کارفرما یا نماینده وی دریافت می‌نماید با عنایت به پیش‌بینی ماده ۱۹۰ قانون کار رابطه مزدی می‌تواند بدون اینکه کارگر مستقیم یا غیرمستقیم مزد خود را از کارفرما دریافت دارد به نحوی باشد که تمام یا قسمتی از مزد کارگران بوسیله مراجعین یا مشتریان کارگاه تأمین گردد.

سوال شماره ۴۹:

اخیراً بعضی از دستگاه‌های دولتی یا خصوصی انجام برخی از فعالیت‌های خود را به پیمانکاران واگذار نموده و پیمانکاران نیز برای انجام پیمان منعقد کرده‌اند. کارگرانی را با قراردادهای کار موقت به خدمت می‌گیرند. اغلب پس از انقضای مدت پیمان پیمانکار کارگران مزبور را جهت اجرای سایر پیمان‌هایی که دارد بکار می‌گیرد (در همان کارگاه یا کارگاه‌های دیگر) آیا قرارداد اینگونه کارگران تبدیل به قرارداد کار دائم خواهد شد؟

پاسخ: در مواردی که بعضی از دستگاه‌های دولتی یا خصوصی انجام برخی از فعالیت‌های خود را به پیمانکاران واگذار نموده و پیمانکاران نیز برای انجام پیمان منعقد کرده‌اند کارگرانی را با قراردادهای کار موقت به خدمت می‌گیرند با عنایت به موقت بودن پیمان قرارداد منعقد با پیمانکار کارگران در زمره قراردادهای موقت موضوع تبصره ۱ ماده ۷ قانون مرقوم بوده و حداکثر مدت آن‌ها محدود به مدت پیمان خواهد بود. بدیهی است با انقضای مدت پیمان و انجام تسویه حساب رابطه کارگری و کارفرمایی کارگران و پیمانکار خاتمه یافته و اشتغال احتمالی کارگران در همان واحد یا مؤسسه (برای پیمانکار نخستین یا سایر پیمانکاران) یا در مؤسسات دیگر و برای همان پیمانکار دنباله اشتغال اولیه محسوب نخواهد گردید.

سوال شماره ۵۰:

آیا کارگرانی که در منازل و مطب‌ها اشتغال بکار دارند نیز با تغییر مالک کارگاه (فی‌المثل فروش منزل) به مالک (کارفرمای) جدید انتقال می‌یابند؟

پاسخ: منزل یا مطبی که افراد مشمول قانون کار در آن بکار اشتغال دارند با عنایت به تعریف مذکور در ماده ۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران کارگاه محسوب و لذا با توجه به ماده ۱۲ قانون اخیرالذکر هر نوع تغییر حقوقی در ملکیت آن (انتقال یا فروش) تأثیری در رابطه قراردادی کارگران شاغل در این واحدها نداشته و منتقل الیه یا خریدار قائم مقام کارفرمای سابق در زمینه اجرای مقررات قانون کار خواهد بود.

سوال شماره ۵۱:

آیا اجاره نیز از مواردی است که در ماده ۱۲ قانون کار به عنوان تغییر مالکیت کارگاه به آن‌ها اشاره شده است؟
پاسخ: هر چند که منظور ماده ۱۲ قانون کار در خصوص مالکیت عین بوده نه مالکیت منافع و لذا تغییر مستأجر از مصادیق تغییر مالکیت موضوع ماده مزبور محسوب نمی‌گردد لیکن با عنایت به اصل وابستگی کارگر به کارگاه در حقوق کار انتقال کارگاه از مستأجر به مؤجر و بالعکس در تداوم رابطه قراردادی کارگرانی که قرارداد کارشان با کارگاه قطعیت یافته مؤثر نبوده و کارفرمای جدید قائم مقام کلیه تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود.

سوال شماره ۵۲:

آیا کارگرانی که به عنوان کارگر روزمزد در کارگاه‌ها کار می‌کنند می‌توانند از امتیازات و مزایای مقرر در قانون کار برخوردار شوند؟

پاسخ: به لحاظ قانونی عنوان کارگر اطلاق عام داشته و اعم از کارگران روزمزد، موقت، دائمی و ... می‌باشد. لذا کلیه کارگرانی که در چارچوب قرارداد کار با مدت موقت یا کار معین و یا غیر موقت بکار مشغول می‌باشند تحت حمایت قانون متبوع قرار داشته و کارگر شناخته می‌شوند و از مزایای مقرر در قانون بهره‌مند می‌گردند.

سوال شماره ۵۳:

آیا به کارگیری پرسنل ارتشی در واحدهای خصوصی منع قانونی دارد؟

پاسخ: فرمان مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در زمینه لزوم کسب هماهنگی مکتوب سماجا (ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران) برای به کارگیری پرسنل شاغل یا رها شده ارتش دستگاه‌های مذکور در متن فرمان را شامل بوده و ناظر بر پرسنل سایر نیروهای مسلح و واحدهای بخش خصوصی نخواهد بود. ضمناً منظور از پرسنل رها شده پرسنلی هستند که قبلاً در استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده و به صورت مختلف منجمله بازنشستگی، بازنشستگی، استعفاء یا اخراج از خدمت رها گردیده‌اند.

سوال شماره ۵۴:

آیا کارمندان بازنشسته دولت می‌توانند به عنوان کارگر در دستگاه‌های دولتی مشغول بکار شوند؟

پاسخ: اشتغال بکار اینگونه افراد به لحاظ دریافت دو حقوق از صندوق دولت ممنوع بوده و صحت قرارداد کار ایشان با عنایت به بند «ج» ماده ۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران محل تردید است.

سوال شماره ۵۵:

چنانچه افراد کمتر از ۱۵ سال در کارگاه بکار اشتغال داشته باشند آیا محق به استفاده از امتیازات و حقوق مقرر در قانون کار خواهند بود یا خیر؟ ضمناً اگر کارفرما از پرداخت حقوق و یا مزد ایشان خودداری نماید آیا مراجع حل اختلاف موضوع قانون متبوع به شکایات ایشان رسیدگی می‌نمایند؟

پاسخ: به استناد ماده ۷۹ قانون و نیز بند «ج» ماده ۹ اصولاً قرارداد کار افراد زیر ۱۵ سال (با عنایت به ممنوعیت قانونی اشتغال بکار ایشان) باطل بوده و لذا به لحاظ قانونی کارگر شناخته نمی‌شوند. در نتیجه از هیچیک از مزایای مقرر در قانون مرقوم و مقررات تبعی نیز برخوردار نمی‌گردند. تعیین و منظور نمودن دستمزد یا مزایایی برای ایشان به عنوان اجرت‌المثل نیز با توجه به عدم شمول قانون از حدود صلاحیت و وظایف هیأت‌های حل اختلاف قانون کار خارج بوده و در صلاحیت مراجع دادگستری می‌باشد.

سوال شماره ۵۶:

اگر خانواده فردی که کمتر از ۱۵ سال سن دارد با استخدام وی در کارگاهی موافقت نمایند آیا به لحاظ قانونی اشتغال وی بلامانع خواهد بود؟

پاسخ: اشتغال افراد زیر ۱۵ سال مستند به ماده ۷۹ قانون ممنوع بوده و رضایت خانواده این افراد نیز نافذ نبوده و مسئولیت اشتغال افراد زیر ۱۵ سال فقط متوجه کارفرما بوده و کارفرمایان متخلف برابر ماده ۱۷۶ قانون مجازات می‌گردند.

سوال شماره ۵۷:

آیا (قانوناً) کارفرما می‌تواند مبلغی را با توافق کارگر به طور یکجا به عنوان مجموع مزد و مزایای وی تعیین نماید؟
پاسخ: علیرغم اینکه در قانون در خصوص تفکیک مزد و مزایای کارگران پیش‌بینی نشده است ولی به لحاظ امکان محاسبه مزایایی که مبنای محاسبه آن‌ها مزد ثابت کارگر تعیین شده و نیز نظارت دقیق بر اجرای مقررات قانونی لازم است مزد و مزایای متعلقه دقیقاً تفکیک شده و در قرارداد کار مشخص گردند.

سوال شماره ۵۸:

اختیار تعیین محل کار با کدامیک از طرفین قرارداد کار است؟ کارگر؟ کارفرما؟ هر دو؟
پاسخ: تکلیف تعیین محل انجام کار در قرارداد کار موضوع بند «د» ماده ۱۰ قانون مرقوم دلالت بر لزوم مشخص بودن محل کار کارگر در قرارداد کار (بدواً) در قرارداد دارد. لیکن چنانچه در قرارداد کار اختیار تعیین و تغییر محل کار به کارفرما تفویض شده باشد شرط مزبور نافذ بوده و کارگر موظف به تبعیت از آن خواهد بود.

سوال شماره ۵۹:

آیا قراردادهای کار ساعتی که بین مؤسسات و اشخاص حقیقی منعقد می‌گردند در زمره قراردادهای موضوع ماده ۷ قانون متبوع قرار می‌گیرند؟
پاسخ: با عنایت به تبصره ۱ ماده ۳۵ و بند الف ماده ۳۵ قانون کار قراردادهای ساعتی اصولاً از جمله قراردادهای موضوع ماده ۷ خواهند بود مگر اینکه به حکم قانون در دایره شمول مقررات استخدامی خاص قرار گرفته باشند.

سوال شماره ۶۰:

آیا در قراردادهای کار با مدت موقت یا کار معین پیش‌بینی دوره آزمایشی جایز است؟
پاسخ: با عنایت به مواد ۱۱ و ۲۵ قانون و صراحت ماده اخیر الذکر به اینکه اصولاً هیچیک از طرفین به تنهایی حق فسخ قرارداد کار با مدت موقت یا کار معین را ندارند به نظر می‌رسد پیش‌بینی دوره آزمایشی موضوع ماده ۱۱ فاقد توجیه قانونی باشد.

سوال شماره ۶۱:

آیا انعقاد قراردادهای کار با مدت موقت (موضوع پرسش قبل) به مدت بیش از یکسال و به صورت طولانی معتبر است؟
پاسخ: در قانون متبوع پیش‌بینی خاصی جهت مدت قراردادهای کار با مدت موقت نشده است و فقط برابر تبصره ۱ ماده ۷ قانون کار مقرر شده است حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آن‌ها جنبه غیر مستمر دارد به وسیله وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد (که تاکنون این اقدام انجام نشده است). لذا انعقاد قرارداد کار با مدت موقت برای هر مدت منع قانونی ندارد.

سوال شماره ۶۲:

در برخی موارد کارفرمایان جهت فرار از مقررات پیش‌بینی شده و برای جلوگیری از اخراج کارگران مبادرت به انعقاد قراردادهای کار با مدت موقت می‌نمایند. آیا اقدام آن‌ها قانونی است؟
پاسخ: برابر ماده ۷ قانون کار انعقاد چنین قراردادهایی پیش‌بینی شده و کارفرما قانوناً مجاز به انعقاد اینگونه قراردادها خواهد بود.

سوال شماره ۶۳:

آیا کارگر و کارفرما می‌توانند با توافق مزایایی کمتر از آنچه که در قانون کار و سایر مقررات تبعی آمده است را در قرار داد کار اولیه یا ملحقات آن پیش‌بینی نمایند؟

پاسخ: هر نوع تغییر در قرارداد کار که مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در قانون کار برای کارگر منظور نماید مستند به ماده ۸ قانون نافذ نبوده و بلا اعتبار خواهد بود.

سوال شماره ۶۴:

تهیه آئین نامه انضباط کار در هر کارگاه به عهده چه کسی است؟ و آیا این آئین نامه بدون تأیید اداره کار قانونی است؟
پاسخ: به موجب ماده ۲ مقررات تعیین موارد قصور و نقض دستورالعمل‌ها و آئین نامه‌های انضباط کار مصوب ۷۰/۲/۸، آئین نامه انضباط کار توسط کارفرما تهیه و پس از تأیید اداره کار و امور اجتماعی محل توسط کمیته انضباط کار به مرحله اجرا درخواهد آمد. بدیهی است واحد کار و امور اجتماعی در جهت تضمین موفقیت بیشتر آئین نامه، قبل از اعلام تأیید و یا عدم تأیید آن، نظرات تشکل کارگری موجود در کارگاه را کسب و در آن لحاظ خواهد نمود.

پرسش: آیا برای انتخاب اعضای کمیته‌های انضباط کار مقررات و ضوابط خاصی وجود دارد؟
پاسخ: مقررات و ضوابط خاصی جهت انتخاب افراد برای عضویت در کمیته انضباط کار وجود ندارد، تعیین اشخاص واجد شرایط و تشخیص صلاحیت آن‌ها با انتخاب کنندگان خواهد بود.

سوال شماره ۶۵:

در مواردی که تشکل‌های کارگری قانونی در کارگاه وجود ندارد نمایندگان کارگر در کمیته انضباط کار به چه نحو انتخاب می‌شوند؟

پاسخ: چنانچه کارگاه فاقد شورای اسلامی کار، یا انجمن صنفی، یا نمایندگان رسمی کارگران باشد، کارگران می‌توانند نماینده خود را جهت عضویت در کمیته انضباط کار موضوع بندهای الف و ب ماده ۵ مقررات تعیین موارد قصور و ... مصوب ۷۰/۲/۸ وزیر کار و امور اجتماعی، حسب مورد، انتخاب و معرفی نمایند.

سوال شماره ۶۶:

به دلیل عدم حضور نماینده مدیریت، جلسه کمیته انضباط کار رسمیت پیدا نمی‌کند، تکلیف چیست؟
پاسخ: براساس ماده ۸ دستورالعمل تعیین موارد قصور و ... چنانچه کمیته انضباط کار به دلیل عدم حضور کلیه اعضاء در دو جلسه متوالی رسمیت پیدا نکند، موضوع مستقیماً از سوی ذی‌نفع قابل طرح در مراجع حل اختلاف می‌باشد.

سوال شماره ۶۷:

در کارگاهی سرپرستان با انتخاب نماینده جهت عضویت در کمیته انضباط کار موافقت نکرده‌اند. آیا می‌توان کمیته را بدون حضور نماینده سرپرستان تشکیل داد و یا این که شورای اسلامی این نماینده را معرفی می‌نماید؟ در صورت عدم تشکیل کمیته تکلیف چیست؟

پاسخ: نظر به اینکه بند الف ماده ۵ مقررات تعیین موارد قصور و نقض دستورالعمل‌ها و آئین نامه‌های انضباط کار در کارگاه‌ها موضوع تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون کار، انتخاب یک نفر نماینده از میان سرپرستان کارگاه را در حیطه صلاحیت و وظایف خود

سرپرستان کارگاه قرار داده و ماده ۸ مقررات مذکور نیز رسمیت جلسات کمیته انضباط کار را با حضور کلیه اعضا معتبر شناخته است، لذا تا زمانی که کلیه اعضای کمیته منجمله نماینده سرپرستان کارگاه، به ترتیب مقرر انتخاب نشده باشند تشکیل کمیته انضباط کار منطبق با مقررات نبوده و مالاً اجرای آئین نامه مربوط مورد پیدا نخواهد کرد. بدیهی است با توجه به ماده ۸ مقررات تعیین موارد قصور و ... در صورت عدم تشکیل کمیته انضباط کار در کارگاه موضوع مستقیماً از سوی ذی نفع قابل طرح در مراجع حل اختلاف می‌باشد.

سوال شماره ۶۸:

منظور از سرپرستان در کمیته‌های انضباط کار چه کسانی هستند؟

پاسخ: منظور از سرپرستان افرادی هستند که تحت عنوان رئیس، سرپرست و نظایر آن، و یا بدون داشتن چنین عناوینی عملاً، (براساس شغل سازمانی و یا به صورت ماموریت موقت شغلی) مسئولیت یک اداره، قسمت و یا واحد سازمانی را برعهده دارند. کسانی که با داشتن عنوان مدیر و یا بدون آن، و براساس شغل سازمانی و یا به صورت ماموریت موقت شغلی، سرپرستی و اداره یک یا چند سرپرست به معنای گفته شده را عهده‌دار باشند مدیر شناخته شده و از دایره تعریف قراردادی سرپرست خارج خواهند بود.

سوال شماره ۶۹:

کارفرمایی در آئین نامه انضباط کاری که برای کارگاه خود تهیه نموده و جهت تأیید به اداره کار و اموراجتماعی داده است، بخش «تشویقات» را پیش‌بینی نکرده است. آیا درج بخش مزبور در آئین نامه انضباط کار اجباری است؟

پاسخ: در مقررات تعیین موارد قصور و دستورالعمل‌ها و آئین نامه‌های انضباط کار در کارگاه‌ها موضوع تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون کار، نسبت به تدوین موارد تشویق پیش‌بینی خاصی به عمل نیامده است. بنابراین هرچند معمولاً در آئین نامه‌های انضباطی بخش تشویقات نیز پیش‌بینی می‌شود، لکن اجبار کارفرما به درج موارد تشویق در آئین نامه انضباط کار فاقد مستند قانونی می‌باشد.

سوال شماره ۷۰:

آیا می‌توان در بخش مجازات‌های آئین نامه انضباط کار تعلیق کارگر از کار را پیش‌بینی نمود؟

پاسخ: پیش‌بینی و درج تعلیق کارگر از کار در بخش مجازات آئین نامه‌های انضباط کار برخلاف مدلول ماده ۲۹ قانون کار بوده و، مستند به ماده اخیر، چنانچه بنا به تشخیص هیات حل اختلاف کارفرما موجب تعلیق شناخته شود، کارگر استحقاق دریافت خسارت ناشی از تعلیق را خواهد داشت.

سوال شماره ۷۱:

تکلیف کارفرما با کارگری که مرتکب تاخیر و یا غیبت می‌شود چیست؟

پاسخ: در صورت غیبت یا تاخیر ورود کارگر، کارفرما می‌تواند به نسبت مدت زمان عدم حضور وی در کارگاه از مزد و مزایای وی کسر نماید. ضمناً چنانچه این تاخیر و غیبت به حدی باشد که از مصادیق قصور تلقی شود کارفرما می‌تواند برابر ماده ۲۷ قانون کار با کارگر رفتار نماید.

سوال شماره ۷۲:

کارفرمایی شکایتی به مراجع حل اختلاف تسلیم و طی آن مدعی شده که در اثر اهمال و سهل‌انگاری کارگر متحمل خسارت شده است و از مراجع مزبور تقاضای رسیدگی و اجبار کارگر به پرداخت خسارت وارده را نموده است. آیا مراجع حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به این خواسته را دارند؟

پاسخ: رسیدگی به هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد کار از جمله رسیدگی به اهمال و کوتاهی و یا قصور کارگر در انجام وظایف و مسئولیت‌های شغلی با مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون کار خواهد بود.

سوال شماره ۷۳:

افراد مشمول قانون کار شاغل در واحد حراست شرکت ملی گاز ایران به لحاظ مقررات انضباطی از آئین نامه انضباط کار موضوع مقررات موارد قصور و دستورالعمل‌ها و آئین است؟ نامه‌های انضباطی کارگاه‌های موضوع تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون کار تبعیت می‌کنند و یا مقرراتی خاص برای آن‌ها پیش‌بینی شده؟

پاسخ: ماده ۲ آئین نامه اجرایی تشکیل واحد حراست از تاسیسات نفتی که به استناد ماده ۹ قانون نفت مصوب ۶۶/۷/۹ مجلس شورای اسلامی به تصویب هیات وزیران رسیده است، شرکت ملی گاز ایران را جزء صنعت نفت شناخته است. طبق ماده ۵ آئین نامه اجرایی مذکور مقررات استخدامی و آموزشی حراست صنعت نفت با توجه به مقررات مشابه در نیروهای انتظامی طبق آئین نامه‌ی خواهد بود که توسط حراست صنعت نفت تهیه و به تصویب وزرای کشور و نفت می‌رسد. براساس ماده ۶ این آئین نامه، افراد حراست صنعت نفت از لحاظ مقررات انضباطی و کیفری مشمول قوانین و آئین نامه‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران خواهند بود.

سوال شماره ۷۴:

چنانچه کارفرما مطابق قانون کار اقدام به محاسبه ریز حقوق و مزایای کارگران خود نماید و در پایان هر ماه در قبال پرداخت آن رسید تسویه حساب اخذ نماید آیا به لحاظ قانونی اوراق اخذ شده معتبر خواهد بود؟

پاسخ: چنانچه اوراق تسویه حساب شامل ریز اقلام حقوقی مخدوش نبوده و مقرون به صحت بوده باشد با قانون کار منافاتی نداشته و برای مراجع حل اختلاف معتبر و نافذ خواهد بود.

سوال شماره ۷۵:

چنانچه کارگری بنا به شکایت کارفرما بازداشت و توسط دادگاه محکوم شود تکلیف اعاده به کار و یا مزایای پایان کار وی چه می‌شود؟

پاسخ: در صورت محکومیت کارگر در مراجع صالحه دادگستری کارفرما نسبت به اعاده وی به کار تکلیفی ندارد. با این حال با عنایت به مفاد ماده ۲۷ قانون کار کارگر محکوم شد، استحقاق دریافت مزایای پایان کار (حق سنوات به مأخذ) هر سال سابقه کار هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق را خواهد داشت.

سوال شماره ۷۶:

آیا کارگری که مبادرت به ترک کار می‌نماید می‌تواند از مزایای پایان کار برخوردار شود؟ یا خیر

پاسخ: در قانون کار اقدام کارگر به ترک کار از موارد خاتمه قرارداد کار که پرداخت مزایای پایان کار را در بر گیرد شناخته نشده است لذا کارگر ترک کار کننده استحقاق مزایای پایان کار را نخواهد داشت. البته تشخیص ترک کار کارگر با مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون کار خواهد بود.

سوال شماره ۷۷:

تکلیف کارفرما با کارگری که مرتکب تأخیر و یا غیبت می‌شود چیست؟ آیا می‌توان کارگر خاطی در این زمینه را اخراج نمود؟
پاسخ: در صورت غیبت یا تأخیر ورود کارگر، کارفرما می‌تواند به نسبت مدت زمان عدم حضور وی در کارگاه از مزد و مزایای وی کسر نماید و چنانچه این تأخیر یا غیبت به حدی باشد که از مصادیق قصور تلقی شود

سوال شماره ۷۸:

چنانچه قرارداد کار غیر موقت خاتمه یابد و سابقه کارگر کمتر از یکسال باشد آیا کارگر موصوف استحقاق در یافت مزایای پایان مقرر در ماده ۲۷ قانون کار را خواهد داشت؟

پاسخ: مزایای پایان پیش بینی شده در ماده ۲۷ قانون کار نسبت به سوابق کار کمتر از یک سال نیز قابل محاسبه و پرداخت خواهد بود.

سوال شماره ۷۹:

آیا کارگاه‌های مشمول قانون کار می‌توانند از ورود بازرسان وزارت کار و امور اجتماعی به کارگاه جلوگیری به عمل آورند؟
پاسخ: خیر. و در صورت جلوگیری موضوع از سوی وزارت کار در مراجع قضائی پیگیری و نهایتاً برای کارفرما محکومیت خواهد داشت.

سوال شماره ۸۰:

آیا مزایای ناشی از انجام شب کاری - اضافه کاری و نوبت کاری موضوع مواد ۵۸ - ۵۹ - ۵۶ قانون کار جزء حق السعی کارگر به حساب می‌آید؟

پاسخ: مبالغی که تحت عناوین یاد شده به کارگر پرداخت می‌شود در واقع وجوهاتی است که در ازاء کار فوق العاده پرداخت می‌گردد بنابراین بموجب ماده ۳۴ قانون کار جزء حق السعی محسوب نمی‌شود.

سوال شماره ۸۱:

چنانچه کارفرما به دلیل عدم اطلاع از مقررات، یا به اشتباه وجوهاتی مازاد به کارگران پرداخت نموده باشد می‌تواند مبالغ پرداختی را از کارگران بدون حکم دادگاه مسترد دارد؟

پاسخ: چنانچه پس از رسیدگی‌های لازم مشخص شود که وجوهات مربوطه برخلاف مقررات و به اشتباه به کارگر پرداخت شده است با عنایت به ماده ۱۵۷ قانون کار و مستند به ماده ۴۵ قانون مزبور برداشت آن از مزد کارگر به موجب قطعی مراجع حل اختلاف ممکن خواهد بود.

سوال شماره ۸۲:

با توجه به پیش بینی وضع مقررات خاصی برای خدمه و مستخدمین منازل در ماده ۱۹۰ قانون کار و نظر به اینکه مقررات مزبور تاکنون به تصویب نرسیده است، تکلیف این دسته از کارگران چیست؟

هر چند که در ماده ۱۹۰ قانون کار پیش‌بینی تصویب مقررات خاصی در خصوص مدت کار، تعطیلات، مرخصی‌ها و مزد و حقوق خدمه و مستخدمین منازل به عمل آمده است، لیکن از آنجا که آئین‌نامه مربوط تاکنون تهیه و تصویب مراجع ذی صلاح (هیأت وزیران) نرسیده است، لذا خدمه و مستخدمین منازل نیز همانند دیگر کارگران مشمول مقررات قانون کار بوده و از کلیه مزایای مقرر در این قانون برخوردار می‌باشند.

سوال شماره ۸۳:

کارکنان موسسه‌ای که تاکنون مشمول مقررات استخدامی خاص بوده‌اند، اخیراً براساس قانون در شمول مقررات قانون کار قرار گرفته‌اند. تکلیف سابقه کار آن‌ها چیست؟
تعیین تکلیف سابقه کار کارکنان واحدی که با تبدیل استخدامی مشمول قانون کار شناخته شده‌اند بامقرراتی خواهد بود که تبدیل وضعیت براساس آن صورت گرفته است.
بدیهی است در صورت عدم پیش‌بینی موضوع، توافق طرفین در این زمینه ملاک عمل می‌باشد. ولی در مقام اجرای قانون کار، سنوات خدمت افراد اصولاً از زمانی که مشمول قانون کار شناخته شده‌اند مبنای محاسبه قرار خواهد گرفت.

سوال شماره ۸۴:

چنانچه به تصویب مرجع صلاحیتدار، شرکت یا موسسه‌ای که تاکنون مشمول قانون کار بوده است از دایره شمول مقررات قانون کار خارج گردد، وضعیت استخدامی کارکنان آن چه خواهد بود و تکلیف سوابق قبلی آن‌ها چیست؟
تغییر و تبدیل وضعیت استخدامی کارگران مشمول قانون کار مستلزم داشتن مستندات قانونی است. لذا چنانچه شرکت و یا موسسه‌ای، در اجرای مصوبات مجلس شورای اسلامی و یا مراجع ذی صلاح دیگر که اختیار و اجازه تصویب مقررات خاص استخدامی به موجب قانون به مراجع مذکور تفویض شده است، از دایره شمول قانون کار خارج و مشمول قوانین و مقررات خاص استخدامی دیگری شناخته شود، به حکم ماده ۱۸۸ قانون کار مشمول این قانون نبوده و از تاریخ اجرای مقررات خاص استخدامی، مراجع حل اختلاف، صالح به رسیدگی نسبت به دعاوی کارکنان واحد مربوط نخواهند بود و سوابق خدمتی قبلی این افراد نیز تابع ضوابط و مقررات استخدامی جدید می‌باشد.

سوال شماره ۸۵:

آیا کارگر و کارفرما می‌توانند با توافق مزایایی کمتر از آنچه که در قانون کار و سایر مقررات تبعی آمده در قرارداد کار اولیه و یا ملحقات آن پیش‌بینی نمایند؟
هر نوع تغییر در قرارداد کار که مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در قانون کار برای کارگر منظور نماید مستند به ماده ۸ قانون کار نافذ نبوده و بلااعتبار خواهد بود. ضمناً در قراردادهای کار اولیه نیز رعایت حداقل‌های قانونی پیش‌بینی شده در قانون کار و مقررات تبعی الزامی بوده و سازش بر مبنای کمتر از حداقل‌های مربوط محمل قانونی نخواهد داشت.

سوال شماره ۸۶:

در برخی موارد کارفرمایان جهت فرار از مقررات پیش‌بینی شده برای جلوگیری از اخراج، مبادرت به انعقاد قرارداد کار با مدت موقت با کارگران می‌نمایند، آیا اقدام آن‌ها قانونی است؟

در ماده ۷ قانون کار انعقاد قراردادهای کار با مدت موقت پیش بینی گردیده و کارگر و کارفرما قانوناً مجاز به انعقاد چنین قراردادهایی خواهند بود.

سوال شماره ۸۷:

آیا انعقاد قرارداد کار موقت با مدت بیش از یکسال و به مدت طولانی مجاز است؟
در قانون کار محدودیت زمانی برای مدت قراردادهای کار پیش بینی نشده است و فقط طبق تبصره یک ماده ۷ این قانون، حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیرمستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. لذا انعقاد قرارداد کار به هر مدت منع قانونی نداشته و قرارداد در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد وفق مدلول ماده ده قانون مدنی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند نافذ خواهد بود.

سوال شماره ۸۸:

در قراردادهای کار با مدت معین و یا کار معین آیا پیش بینی دوره آزمایشی جایز است؟
با در نظر گرفتن مواد ۱۱ و ۲۵ قانون کار و اینکه بنابه ماده اخیر اصولاً هیچ یک از طرفین به تنهایی حق فسخ قرارداد کار با مدت موقت و یا کار معین را ندارند، به نظر می‌رسد پیش بینی دوره آزمایشی موضوع ماده ۱۱ در قراردادهای کار فاقد توجیه قانونی باشد.

سوال شماره ۸۹:

آیا قراردادهای کار ساعتی که بین موسسات و اشخاص حقیقی منعقد می‌شوند در زمره قرار دادهای کار موضوع ماده ۷ قانون کار محسوب می‌گردد یا خیر؟
با عنایت به تبصره یک ماده ۳۵ و بند «الف» ماده ۳۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران قراردادهای کار ساعتی اصولاً از جمله قراردادهای کار موضوع ماده ۷ قانون مرقوم خواهند بود مگر اینکه به حکم قانون در دایره شمول مقررات استخدامی خاص قرار گرفته باشند.

سوال شماره ۹۰:

اختیار تعیین محل کار با کدام یک از طرفین قرارداد کار است؟ کارگر؟ کارفرما؟ هر دو؟
تکلیف تعیین محل انجام کار در قرارداد کار، موضوع بند «د» ماده ده قانون کار، دلالت بر لزوم مشخص بودن محل کار کارگر در قرارداد کار (با توافق طرفین) دارد، لیکن چنانچه در قرارداد کار اختیار تعیین و تغییر محل کار به کارفرما تفویض شده باشد، شرط مزبور معتبر بوده و کارگر موظف به تبعیت از آن خواهد بود.

سوال شماره ۹۱:

آیا کارفرما می‌تواند با توافق کارگر مبلغی را به طور یکجا به عنوان مجموع مزد و مزایای وی تعیین نماید؟
علی‌رغم اینکه در قانون کار الزامی در خصوص تفکیک مزد و مزایای کارگران مشمول این قانون پیش بینی نشده است، به لحاظ امکان محاسبه مزایایی که منبای محاسبه آنها مزد ثابت کارگر تعیین شده، و نیز نظارت بر اجرای دقیق مقررات قانونی، لازم است مزد و مزایای متعلقه به هر کارگر دقیقاً تفکیک و در قرارداد کار مربوط مشخص گردد.

سوال شماره ۹۲:

اگر خانواده فردی که کمتر از ۱۵ سال تمام سن دارد بااستخدام اودر کارگاهی موافقت نمایند، آیا به لحاظ قانون کار، کار او بلااشکال خواهد بود؟

اشتغال افراد زیر ۱۵ سال مستند به ماده ۷۹ قانون کار مطلقاً ممنوع بوده و رضایت خانواده این افراد نیز نافی این ممنوعیت نیست. متذکر می‌گردد به لحاظ قانون کار مسئولیت به کارگماردن افراد زیر ۱۵ سال فقط متوجه کارفرما بوده و کارفرمایان متخلف برابر ماده ۱۷۶ این قانون مجازات خواهند گردید.

سوال شماره ۹۳:

چنانچه افرادی با سن کمتر از ۱۵ سال در کارگاه اشتغال به کار داشته باشند آیا محق به استفاده از امتیازات و حقوق مقرر در قانون کار خواهند بود یا خیر؟ ضمناً اگر کارفرما از پرداخت مزد و یا حقوق آنان خودداری نماید، آیا مراجع حل اختلاف قانون کار می‌توانند به شکایات آنان رسیدگی نمایند؟

با استناد به ماده ۷۹ قانون کار و بند «ج» ماده ۹ این قانون اصولاً قراردادهای کار افراد کمتر از ۱۵ سال با عنایت به ممنوعیت قانونی انجام کار آنان، باطل بوده و لذا به لحاظ قانون کار کارگر شناخته نمی‌شوند، و در نتیجه از هیچیک از مزایای مقرر در قانون کار و دیگر مقررات تبعی نیز نمی‌توانند برخوردار گردند. تعیین و منظور داشتن دستمزد و یا مزایایی برای آنان به عنوان اجرت المثل نیز، با توجه به عدم شمول قانون کار نسبت به آنان، از حدود صلاحیت و وظایف هیات‌های تشخیص و حل اختلاف خارج بوده و اجرای این امر در صلاحیت مراجع دادگستری می‌باشد.

سوال شماره ۹۴:

آیا کارمندان بازنشسته دولت می‌توانند به عنوان «کارگر» در دستگاه‌های دولتی مشغول کار شوند؟
اشتغال بکار کارکنان بازنشسته دولت در واحدهای دولتی، به لحاظ ممنوعیت دریافت و حقوق از صندوق دولت ممنوع بوده و صحت قرارداد کار آنان با توجه به بند «ج» ماده ۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران محل تردید است.

سوال شماره ۹۵:

آیا «اجاره» نیز از جمله مواردی است که در ماده ۱۲ قانون کار به عنوان تغییر مالکیت کارگاه به آن‌ها اشاره شده است؟
هر چند که ماده ۱۲ قانون کار در خصوص مالکیت عین بوده نه مالکیت منافع و لذا تغییر مستاجر از مصادیق تغییر مالکیت موضوع ماده مذکور محسوب نمی‌گردد لیکن با عنایت به اصل وابستگی کارگر به «کارگاه» در حقوق کار، انتقال کارگاه از مستاجر به موجر و بالعکس در تداوم رابطه قراردادی کارگرانی که قرارداد کارشان با کارگاه قطعیت یافته موثر نبوده و کارفرمای جدید قائم مقام کلیه تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود.

سوال شماره ۹۶:

آیا کارگرانی که در منازل و مطب‌ها اشتغال به کار دارند نیز با تغییر مالک کارگاه، فی المثل فروش منزل، به مالک جدید (کارفرمای جدید) انتقال می‌یابند؟

منزل و مطبی که در آن افراد مشمول قانون کار اشتغال به کار دارند، با عنایت به تعریف مذکور در ماده ۴ این قانون، کارگاه محسوب می‌گردد، و لذا با توجه به ماده ۱۲ قانون مزبور هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت آن، از قبیل انتقال و فروش، تأثیری

در رابطه قراردادی کارگران شاغل در این واحدها نداشته و منتقل الیه یا خریدار قائم مقام کارفرمای سابق در زمینه اجرای مقررات قانون کار خواهد بود

سوال شماره ۹۷:

اخیراً برخی از دستگاه‌ها و موسسات دولتی یا خصوصی انجام برخی از فعالیت‌های خود را به پیمانکاران واگذار می‌کنند و این پیمانکاران برای انجام پیمان منعقد کرده‌اند. کارگرانی را با قراردادهای کار موقت به خدمت می‌گیرند. اغلب پس از انقضای مدت پیمان، پیمانکار کارگران مزبور را در پیمانهای دیگری که دارد به کار می‌گیرد (در همان کارگاه و یا کارگاه‌های دیگر)، آیا قرارداد کار این کارگران تبدیل به قرارداد کار دائم خواهد شد؟

در مواردی که واحدها و موسسات دولتی یا خصوصی انجام برخی از امور خود را از طریق عقد قرارداد پیمانکاری به اشخاص حقیقی و یا حقوقی واگذار و موسسات اخیر در اجرای پیمان مزبور مبادرت به استخدام کارگر و یا کارگرانی می‌نمایند، با عنایت به موقت بودن پیمان، قراردادهای منعقد فی مابین پیمانکار و کارگران در زمره قراردادهای موقت موضوع تبصره یک ماده ۷ قانون کار بوده و حداکثر مدت آن‌ها محدود به حداکثر مدت پیمان خواهد بود.

بدیهی است با انقضای مدت پیمان و انجام تسویه حساب، رابطه کارگری و کارفرمایی کارگران و پیمانکاران خاتمه یافته و اشتغال احتمالی بعدی کارگران مزبور در همان واحد و یا موسسه (برای همان پیمانکار نخستین و یا پیمانکاران دیگر)، و یا در موسسات دیگر (برای همان پیمانکار اولیه)، دنباله اشتغال اولیه محسوب نخواهد گردید.

سوال شماره ۹۸:

به کارگیری پرسنل ارتشی در واحدهای خصوصی منع قانونی دارد؟

فرمان مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در زمینه لزوم کسب هماهنگی مکتوب سماجا (ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران) برای به کارگیری پرسنل شاغل یا رها شده ارتش، دستگاه‌های مذکور در متن فرمان را شامل بوده و ناظر بر پرسنل سایر نیروهای مسلح و واحدهای بخش خصوصی نخواهد بود. ضمناً منظور از پرسنل رها شده، پرسنلی هستند که قبلاً در استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده و به صورت مختلف از جمله بازنشستگی، بازنشستگی، استعفاء اخراج و ... از خدمت رها گردیده‌اند.

سوال شماره ۹۹:

آیا کارگرانی که به عنوان کارگر روز مزد در کارگاه‌ها کار می‌کنند می‌توانند از امتیازات و مزایای مقرر در قانون کار برخوردار شوند؟

به لحاظ قانون کار عنوان کارگر اطلاق عام داشته و اعم از کارگر روزمزد، موقت، دائمی و غیره می‌باشد. لذا کلیه کارگرانی که در چهارچوب قرارداد کار با مدت معین یا قرارداد کار برای کار معین و یا قرارداد کار غیرموقت بکار اشتغال دارند تحت حمایت قانون کار قرار داشته و قانوناً کارگر شناخته می‌شوند و از مزایای مقرر در این قانون و مقررات تبعی برخوردار خواهند بود.

سوال شماره ۱۰۰:

آیا «اجاره» نیز از جمله مواردی است که در ماده ۱۲ قانون کار به عنوان تغییر مالکیت کارگاه به آن‌ها اشاره شده است؟ هر چند که ماده ۱۲ قانون کار در خصوص مالکیت عین بوده نه مالکیت منافع و لذا تغییر مستاجر از مصادیق تغییر مالکیت موضوع ماده مذکور محسوب نمی‌گردد لیکن با عنایت به اصل وابستگی کارگر به «کارگاه» در حقوق کار، انتقال کارگاه از مستاجر به

موجر و بالعکس در تداوم رابطه قراردادی کارگرانی که قرارداد کارشان با کارگاه قطعیت یافته موثر نبوده و کارفرمای جدید قائم مقام کلیه تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود.

سوال شماره ۱۰۱:

آیا کارگرانی که در منازل و مطب‌ها اشتغال به کار دارند نیز با تغییر مالک کارگاه، فی‌المثل فروش منزل، به مالک جدید (کارفرمای جدید) انتقال می‌یابند؟

منزل و مطبی که در آن افراد مشمول قانون کار اشتغال به کار دارند، با عنایت به تعریف مذکور در ماده ۴ این قانون، کارگاه محسوب می‌گردد، و لذا با توجه به ماده ۱۲ قانون مزبور هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت آن، از قبیل انتقال و فروش، تأثیری در رابطه قراردادی کارگران شاغل در این واحدها نداشته و منتقل الیه یا خریدار قائم مقام کارفرمای سابق در زمینه اجرای مقررات قانون کار خواهد بود.

سوال شماره ۱۰۲:

اخیراً برخی از دستگاه‌ها و موسسات دولتی یا خصوصی انجام برخی از فعالیت‌های خود را به پیمانکاران واگذار می‌کنند و این پیمانکاران برای انجام پیمان منعقد کرده کارگرانی را با قراردادهای کار موقت به خدمت می‌گیرند. اغلب پس از انقضای مدت پیمان، پیمانکار کارگران مزبور را در پیمانهای دیگری که دارد به کار می‌گیرد (در همان کارگاه و یا کارگاه‌های دیگر)، آیا قرارداد کار این کارگران تبدیل به قرارداد کار دائم خواهد شد؟

در مواردی که واحدها و موسسات دولتی یا خصوصی انجام برخی از امور خود را از طریق عقد قرارداد پیمانکاری به اشخاص حقیقی و یا حقوقی واگذار و موسسات اخیر در اجرای پیمان مزبور مبادرت به استخدام کارگر و یا کارگرانی می‌نمایند، با عنایت به موقت بودن پیمان، قراردادهای منعقد شده فی مابین پیمانکار و کارگران در زمره قراردادهای موقت موضوع تبصره یک ماده ۷ قانون کار بوده و حداکثر مدت آن‌ها محدود به حداکثر مدت پیمان خواهد بود.

بدیهی است با انقضای مدت پیمان و انجام تسویه حساب، رابطه کارگری و کارفرمایی کارگران و پیمانکاران خاتمه یافته و اشتغال احتمالی بعدی کارگران مزبور در همان واحد و یا موسسه (برای همان پیمانکار نخستین و یا پیمانکاران دیگر)، و یا در موسسات دیگر (برای همان پیمانکار اولیه)، دنباله اشتغال اولیه محسوب نخواهد گردید.

سوال شماره ۱۰۳:

با توجه به پیش‌بینی وضع مقررات خاصی برای خدمه و مستخدمین منازل در ماده ۱۹۰ قانون کار و نظر به اینکه مقررات مزبور تاکنون به تصویب نرسیده است، تکلیف این دسته از کارگران چیست؟

پاسخ: هر چند که در ماده ۱۹۰ قانون کار پیش‌بینی تصویب مقررات خاصی در خصوص مدت کار، تعطیلات، مرخصی‌ها و مزد و حقوق خدمه و مستخدمین منازل به عمل آمده است، لیکن از آنجا که آئین‌نامه مربوط تاکنون تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح (هیأت وزیران) نرسیده است، لذا خدمه و مستخدمین منازل نیز همانند دیگر کارگران مشمول مقررات قانون کار بوده و از کلیه مزایای مقرر در این قانون برخوردار می‌باشند.

سوال شماره ۱۰۴:

کارکنان موسسه‌ای که تاکنون مشمول مقررات استخدامی خاص بوده‌اند، اخیراً براساس قانون در شمول مقررات قانون کار قرار گرفته‌اند. تکلیف سابقه کار آن‌ها چیست؟

پاسخ: تعیین تکلیف سابقه کار کارکنان واحدی که با تبدیل استخدامی مشمول قانون کار شناخته شده‌اند بامقرراتی خواهد بود که تبدیل وضعیت براساس آن صورت گرفته است.

بدیهی است در صورت عدم پیش‌بینی موضوع، توافق طرفین در این زمینه ملاک عمل می‌باشد. ولی درمقام اجرای قانون کار، سنوات خدمت افراد اصولاً از زمانی که مشمول قانون کار شناخته شده‌اند مبنای محاسبه قرار خواهد گرفت.

سوال شماره ۱۰۵:

چنانچه به تصویب مرجع صلاحیتدار، شرکت یا موسسه‌ای که تاکنون مشمول قانون کار بوده است از دایره شمول مقررات قانون کار خارج گردد، وضعیت استخدامی کارکنان آن چه خواهد بود و تکلیف سوابق قبلی آن‌ها چیست؟

پاسخ: تغییر و تبدیل وضعیت استخدامی کارگران مشمول قانون کار مستلزم داشتن مستندات قانونی است. لذا چنانچه شرکت و یا موسسه‌ای، در اجرای مصوبات مجلس شورای اسلامی و یا مراجع ذی‌صلاح دیگر که اختیار و اجازه تصویب مقررات خاص استخدامی به موجب قانون به مراجع مذکور تفویض شده است، از دایره شمول قانون کار خارج و مشمول قوانین و مقررات خاص استخدامی دیگری شناخته شود، به حکم ماده ۱۸۸ قانون کار مشمول این قانون نبوده و از تاریخ اجرای مقررات خاص استخدامی، مراجع حل اختلاف، صالح به رسیدگی نسبت به دعاوی کارکنان واحد مربوط نخواهند بود و سوابق خدمتی قبلی این افراد نیز تابع ضوابط و مقررات استخدامی جدید می‌باشد.

سوال شماره ۱۰۶:

آیا کارگر و کارفرما می‌توانند با توافق مزایایی کمتر از آنچه که در قانون کار و سایر مقررات تبعی آمده در قرارداد کار اولیه و یا ملحقات آن پیش‌بینی نمایند؟

پاسخ: هر نوع تغییر در قرارداد کار که مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در قانون کار برای کارگر منظور نماید مستند به ماده ۸ قانون کار نافذ نبوده و بلااعتبار خواهد بود. ضمناً در قراردادهای کار اولیه نیز رعایت حداقل‌های قانونی پیش‌بینی شده در قانون کار و مقررات تبعی الزامی بوده و سازش بر مبنای کمتر از حداقل‌های مربوط محمل قانونی نخواهد داشت.

سوال شماره ۱۰۷:

در برخی موارد کارفرمایان جهت فرار از مقررات پیش‌بینی شده برای جلوگیری از اخراج، مبادرت به انعقاد قرارداد کار با مدت موقت با کارگران می‌نمایند، آیا اقدام آن‌ها قانونی است؟

پاسخ: در ماده ۷ قانون کار انعقاد قراردادهای کار با مدت موقت پیش‌بینی گردیده و کارگر و کارفرما قانوناً مجاز به انعقاد چنین قراردادهایی خواهند بود.

سوال شماره ۱۰۸:

آیا انعقاد قرارداد کار موقت با مدت بیش از یکسال و به مدت طولانی مجاز است؟

پاسخ: در قانون کار محدودیت زمانی برای مدت قراردادهای کار پیش‌بینی نشده است و فقط طبق تبصره یک ماده ۷ این قانون، حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیرمستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. لذا انعقاد قرارداد کار به هر مدت منع قانونی نداشته و قرارداد در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد وفق مدلول ماده ده قانون مدنی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند نافذ خواهد بود.

سوال شماره ۱۰۹:

در قراردادهای کار با مدت معین و یا کار معین آیا پیش‌بینی دوره آزمایشی جایز است؟
پاسخ: با در نظر گرفتن مواد ۱۱ و ۲۵ قانون کار و اینکه بنابه ماده اخیر اصولاً هیچ یک از طرفین به تنهایی حق فسخ قرارداد کار با مدت موقت و یا کار معین را ندارند، به نظر می‌رسد پیش‌بینی دوره آزمایشی موضوع ماده ۱۱ در قراردادهای کار فاقد توجیه قانونی باشد.

سوال شماره ۱۱۰:

آیا قراردادهای کار ساعتی که بین موسسات و اشخاص حقیقی منعقد می‌شوند در زمره قراردادهای کار موضوع ماده ۷ قانون کار محسوب می‌گردد یا خیر؟
پاسخ: با عنایت به تبصره یک ماده ۳۵ و بند «الف» ماده ۳۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران قراردادهای کار ساعتی اصولاً از جمله قراردادهای کار موضوع ماده ۷ قانون مرقوم خواهند بود مگر اینکه به حکم قانون در دایره شمول مقررات استخدامی خاص قرار گرفته باشند.

سوال شماره ۱۱۱:

اختیار تعیین محل کار با کدام یک از طرفین قرارداد کار است؟ کارگر؟ کارفرما؟ هر دو؟
پاسخ: تکلیف تعیین محل انجام کار در قرارداد کار، موضوع بند «د» ماده ده قانون کار، دلالت بر لزوم مشخص بودن محل کار کارگر در قرارداد کار (با توافق طرفین) دارد، لیکن چنانچه در قرارداد کار اختیار تعیین و تغییر محل کار به کارفرما تفویض شده باشد، شرط مزبور معتبر بوده و کارگر موظف به تبعیت از آن خواهد بود.

سوال شماره ۱۱۲:

آیا کارفرما می‌تواند با توافق کارگر مبلغی را به طور یکجا به عنوان مجموع مزد و مزایای وی تعیین نماید؟
پاسخ: علی‌رغم اینکه در قانون کار الزامی در خصوص تفکیک مزد و مزایای کارگران مشمول این قانون پیش‌بینی نشده است، به لحاظ امکان محاسبه مزایایی که مبنای محاسبه آنها مزد ثابت کارگر تعیین شده، و نیز نظارت بر اجرای دقیق مقررات قانونی، لازم است مزد و مزایای متعلقه به هر کارگر دقیقاً تفکیک و در قرارداد کار مربوط مشخص گردد.

سوال شماره ۱۱۳:

اگر خانواده فردی که کمتر از ۱۵ سال تمام سن دارد با استخدام او در کارگاهی موافقت نمایند، آیا به لحاظ قانون کار، کار او بلاشکال خواهد بود؟

پاسخ: اشتغال افراد زیر ۱۵ سال مستند به ماده ۷۹ قانون کار مطلقاً ممنوع بوده و رضایت خانواده این افراد نیز نافی این ممنوعیت نیست. متذکر می‌گردد به لحاظ قانون کار مسئولیت به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال فقط متوجه کارفرما بوده و کارفرمایان متخلف برابر ماده ۱۷۶ این قانون مجازات خواهند گردید.

سوال شماره ۱۱۴:

چنانچه افرادی با سن کمتر از ۱۵ سال در کارگاه اشتغال به کار داشته باشند آیا محق به استفاده از امتیازات و حقوق مقرر در قانون کار خواهند بود یا خیر؟ ضمناً اگر کارفرما از پرداخت مزد و یا حقوق آنان خودداری نماید، آیا مراجع حل اختلاف قانون کار می‌توانند به شکایات آنان رسیدگی نمایند؟

پاسخ: با استناد به ماده ۷۹ قانون کار و بند «ج» ماده ۹ این قانون اصولاً قراردادهای کار افراد کمتر از ۱۵ سال با عنایت به ممنوعیت قانونی انجام کار آنان، باطل بوده و لذا به لحاظ قانون کار کارگر شناخته نمی‌شوند، و در نتیجه از هیچیک از مزایای مقرر در قانون کار و دیگر مقررات تبعی نیز نمی‌توانند برخوردار گردند. تعیین و منظور داشتن دستمزد و یا مزایایی برای آنان به عنوان اجرت‌المثل نیز، با توجه به عدم شمول قانون کار نسبت به آنان، از حدود صلاحیت و وظایف هیات‌های تشخیص و حل اختلاف خارج بوده و اجرای این امر در صلاحیت مراجع دادگستری می‌باشد.

سوال شماره ۱۱۵:

آیا کارمندان بازنشسته دولت می‌توانند به عنوان «کارگر» در دستگاه‌های دولتی مشغول کار شوند؟
پاسخ: اشتغال بکار کارکنان بازنشسته دولت در واحدهای دولتی، به لحاظ ممنوعیت دریافتدو حقوق از صندوق دولت ممنوع بوده و صحت قرارداد کار آنان با توجه به بند «ج» ماده ۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران محل تردید است.

سوال شماره ۱۱۶:

نقش سازش در حل و فصل اختلافات کارگری؟ آیا سازش طرفین در جریان رسیدگی در مراجع حل اختلاف قانونی است؟
پاسخ: یکی از طرقی که به دعوی پایان می‌دهد و بعضی آنرا بهترین طریق پایان دعوی می‌دانند سازش است. اصولاً محاکم بر اساس دلایل ابرازی طرفین اعلام حق می‌نمایند و ممکن است شخص واقعاً محق باشد ولی دلایل نداشته باشد و یا نتواند دلایل خود را ارائه نماید و در نتیجه حکم محکمه علیه او صادر گردد. از آنجا که اصحاب دعوی خود بیشتر و بهتر به حقوق واقعی خود واقف‌اند، اگر عواملی آن‌ها را به سازش تشویق نماید صاحب حق از حق خود استفاده نموده و دعوی نیز به نحو مطلوبی خاتمه خواهد یافت. دعاوی کارگری و کارفرمایی نیز از این حکم کلی مستثنی نیستند، به ویژه اینکه با عنایت به نقش روابط حسنه کارگر و کارفرما در ادامه حیات کارگاه و افزایش کمیت و بهبود کیفیت تولید و یا خدمات کارگاه، سازش کارگر و کارفرما از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است. لازم به تذکر است که سازش محتاج به قواعد و ترتیبات خاصی نبوده و طرفین در هر زمان و در هر مرحله از اختلاف می‌توانند آنرا به سازش ختم نمایند.

سوال شماره ۱۱۷:

از آنجا که در ماده ۱۵۷ قانون کار پیش بینی شده است که اختلافات کارگری در وهله نخست از طریق سازش حل و فصل می‌شوند، در مواردی که در این زمینه اقدامی نشده آیا رسیدگی به اختلاف در مراجع حل اختلاف مغایر با حکم ماده مزبور نخواهد بود؟

پاسخ: مراجعه کارگر و یا کارفرما به واحد کار و امور اجتماعی و تسلیم دادخواست، اصولاً به این معنی است که سازش مذکور در ماده ۱۵۷ قانون کار حاصل نشده و شاکی خواستار رسیدگی در مرجع قانونی است. متذکر می‌گردد برای واحد کار و امور اجتماعی و یا مراجع حل اختلاف در قانون کار و آیین نامه‌های مربوط هیچگونه تکلیفی در زمینه لزوم کسب اطلاع از طرفین در خصوص سازش و اینکه اصولاً مذاکراتی در این باره صورت گرفته یا نه پیش بینی نشده است.

سوال شماره ۱۱۸:

چگونگی خاتمه دادن به اختلاف به طریق سازش و نقش مراجع رسیدگی کننده قانون کار در این زمینه و تنظیم گزارش اصلاحی توسط مراجع مزبور؟

پاسخ: در مواقعی که طرفین دعوی مستقیماً و یا از طریق میانجی‌گری شخص ثالث در هر مرحله از رسیدگی به توافق می‌رسند می‌توانند یا به دفاتر اسناد رسمی مراجعه و شروط خود را برای سازش اعلام و سند رسمی تنظیمی را به مرجع رسیدگی تقدیم نمایند و یا اینکه مستقیماً در جلسه رسیدگی شرط و شروط خود را اعلام و از مرجع درخواست نمایند که طبق شرایط اعلامی گزارش اصلاحی تنظیم گردد که در حالت اخیر مرجع مراتب سازش و شروط طرفین را در صورت جلسه خود درج و بر اساس تقاضای آنان گزارش اصلاحی تنظیم و شکایت را مختومه اعلام می‌دارد. گزارش اصلاحی مزبور بین طرفین و وراث و قائم مقام آنان نافذ و معتبر خواهد بود. مستند تنظیم گزارش اصلاحی و لازم الاجرا بودن آن می‌تواند ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی باشد.

سوال شماره ۱۱۹:

امکان اعتراض به آرای مبتنی بر سازش هیأت تشخیص؟ اجرای گزارش اصلاحی که متعاقب سازش طرفین در مراجع حل اختلاف تنظیم می‌شود چگونه است؟

پاسخ: کلیه احکام صادره از ناحیه هیأت‌های تشخیص، هر چند بر اساس سازش و توافق حاصله فی ما بین طرفین انشاء شده باشد ظرف مهلت قانونی قابل اعتراض و رسیدگی پژوهشی در هیأت‌های حل اختلاف خواهند بود و در این زمینه استثنایی در مقررات قانونی پیش بینی نشده است بدیهی است چنانچه پس از حصول سازش، مرجع حل اختلاف صرفاً نسبت به درج شرایط آن سازش به ترتیبی که واقع شده در صورت جلسه اقدام و نسبت به تنظیم آنچه که اصطلاحاً گزارش اصلاحی نامیده می‌شود مبادرت نماید، گزارش مزبور مستند به ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب فروردین ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام آن‌ها نافذ و معتبر بوده و مانند احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

سوال شماره ۱۲۰:

آیا آراء سازشی صادره از سوی هیأت‌های تشخیص نیز قابل اعتراض و ارجاع به هیأت حل اختلاف می‌باشد؟

پاسخ: کلیه آراء و تصمیمات متخذه هیأت‌های تشخیص ظرف مواعید مقرر در قانون کار قابل اعتراض و ارجاع به هیأت حل اختلاف بوده و آراء سازشی یا توافقی صادره نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

سوال شماره ۱۲۱:

چنانچه در جریان رسیدگی در مراجع حل اختلاف بین کارگر و یا کارفرما سازشی حاصل شود ولی بعداً کارفرما و یا کارگر از اجرای سازش حاصله امتناع نماید، آیا ذینفع می‌تواند اجرای آن را از واحد اجرای احکام دادگستری بخواهد؟

پاسخ: سازش و توافق که در جریان رسیدگی و در جلسات مراجع حل اختلاف بین طرفین حاصل می‌شود به منزله آراء مراجع مزبور بوده و طبق مفاد مواد ۱۵۹ و ۱۶۶ فصل نهم قانون کار به مرحله اجرا در خواهند آمد. بنا به مراتب فوق، در صورت توافق و سازش، نه فقط درج توافق حاصله در متن رای الزامی است بلکه جزئیات آن نیز می‌بایستی در متن رای مندرج در صورتجلسه مرجع قید گردد.

سوال شماره ۱۲۲:

آیا مراجع حل اختلاف می‌بایست به تسویه حساب‌های ارائه شده از سوی کارفرما که در جلسات رسیدگی تسلیم می‌شود ترتیب اثر داده و آن را مورد توجه قرار دهند؟

پاسخ: کلیه تسویه حساب‌هایی که در جریان رسیدگی به یک پرونده به مراجع حل اختلاف ارائه می‌گردد چنانچه از سوی کسی که تسویه حساب‌های مذکور علیه او ابراز می‌شود مورد انکار قرار نگیرد (شخص خط یا مهر یا امضاء منتسب به خود را انکار نکند) و یا مجعول اعلام نشود (شخص مدعی ساختگی بودن آن نشود) با عنایت به تعریف موضوع ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی سند و از ادله مهم اثبات دعوی بوده و در تصمیم و رای مراجع مورد توجه قرار می‌گیرد بدیهی است در صورت انکار، تکلیف اثبات صحت سند با صاحب (ارائه کننده) سند و در مورد جعل با مدعی جعل خواهد بود. به این ترتیب کارگران در هنگام امضاء تسویه حساب می‌باید به مفاد آن دقت لازم کرده و صرفاً در مقابل وجوه دریافتی به امضاء تسویه حساب مبادرت نمایند.

سوال شماره ۱۲۳:

پرونده ای به دلیل شکایت یکی از اصحاب دعوی نسبت به رای هیأت تشخیص در هیأت حل اختلاف مطرح رسیدگی است ولی در جریان رسیدگی معترض از شکایت خود انصراف می‌دهد ادامه رسیدگی چگونه خواهد بود؟

پاسخ: در مواردی که پرونده ای صرفاً بر اساس اعتراض احد از طرفین به هیأت حل اختلاف ارجاع شده است در صورت انصراف معترض از اعتراض، هیأت فارغ از رسیدگی بوده و می‌باید مبادرت به صدور قرار سقوط شکایت نموده و پرونده را جهت اجرای مفاد رای هیأت تشخیص به واحد کار و امور اجتماعی اعاده نماید

سوال شماره ۱۲۴:

در جریان رسیدگی به شکایت کارگران، کارفرما ضمن ارائه مدارک مدعی می‌شود که قسمتی از مطالبات کارگران را طی چند فقره چک تسویه حساب نموده است اما کارگران ادعای بلامحل بودن چک‌های دریافتی را دارند ادعاهای فوق چه اثری در نتیجه رسیدگی مراجع حل اختلاف خواهد داشت؟

پاسخ: در جریان رسیدگی مراجع حل اختلاف چنانچه کارگران از بابت موضوع خواسته مبلغی طی چک دریافت کرده باشند، در مورد آن قسمت از مطالبات که بابت آن چک صادر شده است، مراجع حل اختلاف مجاز به صدور رای نخواهند بود و کارگران در صورت بلامحل بودن چک‌های دریافتی می‌بایست به مراجع عام دادگستری مراجعه نمایند.

سوال شماره ۱۲۵:

مقررات مربوط به ابلاغ در آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار به چه ترتیبی می‌باشد؟

پاسخ: ماده ۷ آیین نامه - ابلاغ دعوت‌نامه‌ها و پیوست‌های آن‌ها توسط واحد کار و امور اجتماعی محل و از طریق مأمور ابلاغ در نشانی اعلام شده از سوی خواهان به عمل خواهد آمد.

مأمور ابلاغ مکلف است حداقل ۳ روز قبل از تاریخ تشکیل جلسه دعوت‌نامه و پیوست‌های آن را به شخص خوانده یا نماینده و یا به یکی از بستگان وی تحویل داده، ضمن درج نام و نام خانوادگی گیرنده دعوت نامه و اخذ امضاء یا اثر انگشت گیرنده در نسخه ثانی برگ ابلاغ، آن را با درج مشخصات خود امضاء نموده و به واحد کار و امور اجتماعی عودت دهد.

برابر تبصره یک از ماده ۷ آیین نامه، در صورت امتناع خوانده، نماینده یا بستگان وی از دریافت دعوت نامه یا خودداری از امضای نسخه ثانی، مراتب در دعوت‌نامه یا نسخه ثانی آن قید و موضوع به گواهی مأمور ابلاغ خواهد رسید.

حسب تبصره ۲ ماده ۷ آیین نامه، در صورتی که هیچکدام از افراد فوق در محل حاضر نباشند، مأمور ابلاغ باید با نصب اعلامیه ای حاوی مواد زیر در محل نشانی خوانده مراتب را در نسخه ثانی دعوت‌نامه قید و آن را امضاء و اعاده نماید.

۱- نام و نام خانوادگی خواهان و خوانده

۲- محل حضور و نام مرجع حل اختلاف

۳- تاریخ جلسه با ذکر سال و ماه و روز و ساعت

۴- تاریخ روزی که مأمور برای ابلاغ به محل مراجعه کرده است

بر اساس تبصره ۳ از ماده ۷ آیین نامه فوق، ابلاغ دعوت نامه از طریق نمابر (دورنگار)، به شرط آنکه شماره نمابر قبلاً توسط مخاطب دعوت‌نامه به طور کتبی به واحد کار و امور اجتماعی محل اعلام شده باشد بلامانع است در این صورت ارسال نمابر باید به تأیید مأمور مربوط رسیده باشد.

منطبق با ماده ۸ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، اگر کارگر یا کارآموز پس از قطع رابطه کار با کارفرما یا پس از تعطیل دایم کارگاه در حوزه اداره کار و امور اجتماعی محل دیگری اقامت داشته باشند بنا به درخواست ذینفع، دعوت‌نامه به اداره کار و امور اجتماعی محل اقامت آنان ارسال و ابلاغ توسط اداره مذکور صورت خواهد گرفت.

طبق ماده ۹ آیین نامه چنانچه هر کدام از طرفین دعوی محل اقامت خود را که قبلاً اعلام داشته و یا قبلاً ابلاغی در آن محل به وی صورت گرفته تغییر دهد باید نشانی محل جدید خود را به واحد کار و امور اجتماعی اطلاع دهد در غیر اینصورت ابلاغ به نشانی قبلی قانونی محسوب می‌گردد.

سوال شماره ۱۲۶:

ابلاغ دادخواست در خارج از کشور چگونه انجام می‌شود؟

پاسخ: مطابق ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ابلاغ دادخواست در خارج از کشور بوسیله مأمورین سیاسی یا کنسولی ایران به عمل می‌آید. مأمورین مزبور دادخواست و ضمائم آنرا به وسیله مأمورین سفارت و یا هر

وسیله ای که امکان داشته باشد برای خواننده می‌فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه می‌رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خوانده، مامورین سیاسی یا کنسولی نباشند، این اقدام را وزارت امور خارجه بطریقی که مقتضی بداند انجام می‌دهد.

سوال شماره ۱۲۷:

در مواردی که طرفین قرارداد ایرانی هستند ولی محل کار خارج از کشور است آیا دعاوی آن‌ها قابل طرح در مراجع حل اختلاف قانون کار ایران خواهد بود؟

پاسخ: طبق تبصره ۴ ماده ۳ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، در مواردی که محل کار، در قرارداد کاری که طرفین آن‌ها ایرانی هستند، خارج از کشور باشد در صورتی که حاکمیت مقررات کشور محل انجام کار نافذ یا مورد توافق طرفین نباشد و ترتیب دیگری نیز در قرارداد کار ذکر نشده باشد مقررات ایران نافذ بوده و محل اقامت خواننده در ایران محل تقدیم دادخواست خواهد بود.

سوال شماره ۱۲۸:

چنانچه خواهان نتواند نشانی خواننده را معین نماید نحوه ابلاغ دادخواست چگونه خواهد بود؟

پاسخ: برابر ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در صورتی که خواهان نتواند نشانی خواننده را معین نماید یا با توجه به ماده ۷۲ قانون مرقوم، پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی خواهد شد تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یکماه باشد.

سوال شماره ۱۲۹:

در دعاوی مربوط به ورشکسته و شرکت‌های منحل شده ابلاغ به چه نحوی انجام می‌شود؟

پاسخ: در دعاوی مربوط به ورشکسته، دادخواست و ضمایم آن به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه ابلاغ خواهد شد ضمناً در دعاوی مربوط به شرکت‌های منحل شده که دارای مدیر تصفیه نباشند، اوراق اخطاریه و ضمایم آن به آخرین مدیر قبل از انحلال در آخرین محلی که به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی شده است ابلاغ خواهد شد (تبصره‌های ۲ و ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی).

سوال شماره ۱۳۰:

اگر خواننده یک موسسه یا سازمان دولتی و یا شهرداری باشد ابلاغ باید چگونه انجام شود؟

پاسخ: حسب ماده ۷۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در دعاوی راجع به ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و موسسات مأمور خدمات عمومی و شهرداری‌ها و نیز موسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آن‌ها متعلق به دولت است اوراق اخطاریه و ضمایم به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ و در نسخه اول رسید اخذ می‌شود. در صورت امتناع رئیس دفتر یا قائم مقام او از اخذ اوراق، مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق اعاده می‌شود. در این مورد استکفاف از گرفتن اوراق اخطاریه و ضمایم و ندادن رسید تخلف از انجام وظیفه خواهد بود و به وسیله مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالحه اعلام و به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد. برابر تبصره ماده قانونی فوق‌الاشاره در

دعاوی مربوط به شعب مراجع بالا یا وابسته به دولت اوراق اخطاریه و ضمایم به مسئول دفتر شعبه مربوط یا قائم مقام او ابلاغ خواهد شد.

با توجه به ماده ۷۶ قانون یاد شده در دعاوی راجع به سایر اشخاص حقوقی دادخواست و ضمایم آن به مدیر یا قائم مقام او با دارنده حق امضاء و در صورت عدم امکان به مسئول دفتر موسسه با رعایت مقررات مواد ۶۸، ۶۹ و ۷۲ این قانون ابلاغ خواهد شد. طبق تبصره یک از ماده مرقوم هرگاه ابلاغ اوراق دعوی در محل تعیین شده ممکن نگردد اوراق به آدرس آخرین محلی که به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی شده ابلاغ خواهد شد.

سوال شماره ۱۳۱:

پس از ابلاغ رای هیأت تشخیص به کارگر و کارفرما که در دو تاریخ متفاوت صورت گرفته است برای لحاظ داشتن حق طرفین در استفاده از فرجه مقرر برای اعتراض به رای مرجع بدوی چه تمهیداتی لازم است؟

پاسخ: در خصوص مهلت اعتراض به احکام صادره از سوی هیأت‌های تشخیص نظر به اینکه آراء صادره از هیأت‌های تشخیص در مهلت مقرر قانونی از سوی هر یک از دو طرف قابل اعتراض و ارجاع به هیأت حل اختلاف می‌باشند و به دلایل مختلف معمولاً ابلاغ حکم به هر دو طرف همزمان صورت نمی‌گیرد، به منظور پیشگیری از بروز اشکالات احتمالی بعدی لازم است تاریخ تشکیل جلسه هیأت حل اختلاف حداقل پانزده روز پس از تاریخ ابلاغ به طرفی که ابلاغ به وی موخر انجام شده است تعیین شود. لهذا پس از وصول اعتراض از سوی احد از طرفین، واحد کار و امور اجتماعی مکلف است تا پانزده روز پس از ابلاغ به طرف دیگر (ابلاغ موخر) از دعوت هیأت حل اختلاف و طرح پرونده در هیأت اخیر خودداری نماید.

سوال شماره ۱۳۲:

جلسات هیأت تشخیص با چند نفر رسمیت می‌یابد و تصمیم‌گیری و صدور رأی در آن چگونه انجام می‌شود؟
با توجه به ماده ۱۰ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، جلسه هیأت تشخیص با حضور هر سه نفر اعضاء تشکیل خواهد شد ریاست جلسات با نماینده واحد کار و امور اجتماعی بوده و تصمیمات هیأت به اتفاق یا اکثریت آراء اتخاذ می‌شود. در صورتی که در جلسه اول هیأت تشخیص همه اعضاء حضور نیابند، جلسه بعدی با حضور ۲ نفر از اعضاء که الزاماً یکی از آن‌ها نماینده واحد کار و امور اجتماعی است رسمیت می‌یابد این جلسه در حکم جلسه اول خواهد بود.

در اجرای ماده ۲۶ از آیین نامه فوق الذکر، چنانچه با وجود رسمیت جلسه هیأت تشخیص، اتفاق یا اکثریت آراء حاصل نشود، جلسه تجدید و در جلسه اخیر در صورت عدم حصول اتفاق یا اکثریت آراء تصمیم و نظر نماینده واحد کار و امور اجتماعی محل به منزله رأی هیأت تشخیص خواهد بود.

سوال شماره ۱۳۳:

جلسه هیأت حل اختلاف با چند نفر عضو رسمیت می‌یابد و با چه اکثریتی تصمیم‌گیری و صدور رأی می‌کند؟
پاسخ: هیأت حل اختلاف، که مرجع رسیدگی به اعتراض و شکایت از آراء هیأت‌های تشخیص است مگر در مواردی که قانون اتخاذ تصمیم را مستقیماً به آن محول نموده باشد، جلسات آن با حضور حداقل ۷ نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و آراء آن به اتفاق

یا اکثریت ۴ رای از ۷ رای یا ۵ رای از ۹ رای صادر می‌گردد. در صورت تساوی آراء رای گروهی که نماینده واحد کار و امور اجتماعی جزء آن است، قاطع خواهد بود.

سوال شماره ۱۳۴:

رأی هیأت تشخیص پس از صدور ابلاغ، بین طرفین اجرا شده است در این صورت آیا شکایت کارگر و یا کارفرما از رای هیأت تشخیص در فرجه ۱۵ روزه قابل رسیدگی در هیأت حل اختلاف خواهد بود؟

پاسخ: در صورت اجرای حکم هیأت تشخیص و تصفیه حساب کارگران با کارفرما اعتراض به رای اجرا شده موضوعیت نداشته و در صورت اقامه شکایت به اداره کار محل و طرح احتمالی پرونده در هیأت حل اختلاف، این هیأت می‌باید مبادرت به رد شکایت شاکیان بنماید.

سوال شماره ۱۳۵:

مهلت اعتراض به رای هیأت تشخیص ۱۵ روز پس از ابلاغ خواهد بود حال اگر آخرین روز این فرجه قانونی با روز تعطیل برخورد کند تکلیف چیست؟

پاسخ: در احتساب مهلت اعتراض نسبت به رای هیأت تشخیص موضوع مواد (۱۴۲ و ۱۵۹ قانون کار) روز ابلاغ رای و روز تسلیم اعتراض به واحد کار و امور اجتماعی محل جزو ایام مزبور محسوب نمی‌شود. ضمناً چنانچه آخرین روز مهلت مزبور با تعطیل اعم از جمعه یا تعطیلات رسمی مصادف شود تسلیم اعتراض می‌تواند در اولین روز پس از تعطیل یا تعطیلات صورت گیرد. بدیهی است در مواردی که راجع به سپری شدن یا باقی بودن مهلت اعتراض، بین ذینفع و واحد کار و امور اجتماعی اختلاف نظر باشد، نظر مرجع رسیدگی کننده به اعتراض قاطع است.

سوال شماره ۱۳۶:

آیا در قانون کار و آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون مرقوم مقرراتی راجع به "واخواهی" پیش بینی شده است؟

پاسخ: در قانون کار جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه‌های مربوط در رابطه با "واخواهی" مقرراتی پیش بینی نشده و احکام هیأت‌های تشخیص عموماً مستند به ماده ۱۵۹ قانون مرقوم در صورتی که پس از ابلاغ به طرفین ظرف مهلت تعیین شده مورد اعتراض کتبی آن‌ها قرار بگیرند بدون واخواهی مستقیماً قابل تجدید نظر (پژوهش) در هیأت‌های حل اختلاف خواهند بود. ضمناً احکام و مقررات واخواهی موضوع مواد ۳۰۵ الی ۳۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی را تشکیل می‌دهد.

سوال شماره ۱۳۷:

شخصی علیه یکی از شرکت‌های مقیم خارج از کشور مبادرت به تسلیم دادخواست نموده است چنانچه کارگاه محل کار شاکی در خارج از ایران واقع شده باشد آیا مراجع حل اختلاف صرفاً به این دلیل که شاکی ایرانی است می‌توانند وارد رسیدگی شوند؟

پاسخ: چنانچه یکی از اتباع ایرانی در شرکتی که محل استقرار و فعالیت آن در کشور خارج است بکار اشتغال داشته باشد و در زمینه اخراج و مطالبات در ادارات کار ایران اقامه دعوی نماید رسیدگی به شکایت نامبرده از حیطة وظایف و اختیارات و صلاحیت مراجع حل اختلاف فصل نهم قانون کار خارج بوده و دادخواست مشارالیه باید طبق مقررات در مراجع ذیربط کشور محل استقرار و فعالیت کارگاه بررسی و اتخاذ تصمیم گردد.

سوال شماره ۱۳۸:

آیا مراجع حل اختلاف مقرر در قانون کار صلاحیت رسیدگی به شکایات کارگران خارجی فاقد پروانه اشتغال معتبر را دارا می‌باشند در صورتی که فاقد صلاحیت هستند تکلیف این اشخاص چیست؟

پاسخ: با توجه به ماده ۹ قانون کار به ویژه بند "ج" ماده مذکور، نداشتن پروانه کار معتبر با عنایت به ماده ۱۲۰ قانون مرقوم به منزله ممنوعیت تبعه بیگانه از انعقاد قرار داد کار بوده و قراردادهایی که بدون رعایت این شرط منعقد شده باشد، قرارداد کار موضوع قانون کار نخواهد بود بدیهی است در اینصورت مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون مذکور نیز صلاحیت رسیدگی و حل و فصل اختلافات ناشیه را نخواهند داشت. یادآوری می‌نماید اینگونه اشخاص در صورت انجام کار می‌توانند به دادگاه‌های حقوقی دادگستری مراجعه و بر اساس مبحث اجاره اشخاص در قانون مدنی طرح دادخواست نمایند.

سوال شماره ۱۳۹:

آیا مراجع حل اختلاف در زمینه صدور پروانه کار برای اتباع بیگانه مسئولیتی دارند و آیا این مراجع صلاحیت رسیدگی به اختلاف بین تبعه خارجی فاقد پروانه کار و کارفرما را دارا می‌باشند؟

امور مربوط به صدور پروانه کار در چهارچوب قانون کار و مقررات مربوط در صلاحیت و از وظایف اداره کل اشتغال اتباع بیگانه و نیز واحدهای کار و امور اجتماعی در محدوده اختیارات محوله می‌باشد و در این زمینه برای مراجع حل اختلاف قانوناً تکلیفی پیش بینی نشده است. ضمناً با توجه به ممنوعیت‌های قانونی اشتغال اتباع بیگانه فاقد پروانه کار و ملاً بطلان قراردادهای مربوط، ورود به رسیدگی و صدور رای مراجع حل اختلاف در زمینه بازگشت بکار تبعه بیگانه مورد پیدا نکرده و محمل قانونی نخواهد داشت.

سوال شماره ۱۴۰:

برابر قسمت پایانی ماده ۱۲۲ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، مأمور تحقیق باید از کارکنان رسمی یا پیمانی واحد کار و امور اجتماعی که دارای اطلاعات کافی در زمینه کار، قانون کار و سایر مقررات مرتبط باشد معین گردد با توجه به مراتب فوق چنانچه اداره کار با کمبود پرسنل رسمی و یا پیمانی مواجه باشد تکلیف چیست؟

پاسخ: ضرورت رسمی یا پیمانی بودن مأمور تحقیق به دلیل لزوم ثبات کاری و اشراف آنان به مقررات قانون کار در ماده ۲۲ از آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف پیش بینی و لحاظ گردیده است لذا ضمن تأکید بر اجرای آن چنانچه واحد کار و امور اجتماعی با کمبود پرسنل رسمی یا پیمانی مواجه باشد استفاده از نیروی انسانی خارج از دو نوع استخدام فوق تا حصول به کارگیری نیروی انسانی مورد نیاز به صورت رسمی یا پیمانی خالی از اشکالی خواهد بود.

سوال شماره ۱۴۱:

طبق تبصره ۳ ماده ۱۲ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار طرفین می‌توانند در صورت تمایل با درخواست کتبی و هزینه شخصی از اوراق پرونده رونوشت اخذ نمایند. با توجه به این تبصره آیا طرفین مجاز به اخذ رونوشت از مدارک محرمانه مضبوط در پرونده نیز خواهند بود؟

پاسخ: تبصره ۳ ماده ۱۲ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار حقی را برای طرفین جهت اخذ رونوشت از مکاتبات محرمانه مضبوط در پرونده منجمله گزارش‌های مأمور تحقیق و بازرسان کار ایجاد نمی‌نماید.

سوال شماره ۱۴۲:

یکی از نمایندگان کارگران از عضویت در هیأت حل اختلاف استعفاء داده است ترتیب جایگزین کردن نماینده مستعفی به چه نحو می‌باشد؟

پاسخ: ماده ۱۲ آیین نامه مربوط به انتخاب اعضاء هیأت‌های حل اختلاف مصوب ۱۳۷۰/۲/۷ وزیر کار و امور اجتماعی یکی از موارد از دست دادن عضویت در هیأت را استعفاء دانسته و براساس قسمت پایانی همین ماده وزارت کار و امور اجتماعی حسب مورد نماینده جدید را بر اساس این آیین نامه انتخاب و جایگزین می‌نماید که در این رابطه تشریفات مربوط به انتخاب نمایندگان کارگران در هیأت‌های حل اختلاف موضوع مواد ۱ الی ۴ آیین نامه را تشکیل می‌دهد به این ترتیب جایگزین شدن فرد دیگری به جای نماینده مستعفی با رعایت ضوابط یاد شده صورت می‌گیرد.

سوال شماره ۱۴۳:

آیا رؤسای دادگستری و فرمانداران برای حضور در جلسات هیأت‌های حل اختلاف نیاز به اعتبارنامه دارند؟
پاسخ: رئیس دادگستری و فرماندار محل مستنداً به ماده ۱۶۰ قانون کار و ماده ۱۴ آیین نامه مربوط به انتخاب اعضاء هیأت حل اختلاف صرفاً به اعتبار سمت و نمایندگی از سوی واحدهای متبوع خود، عضو هیأت حل اختلاف می‌شوند و تا زمانی که سمت‌های فوق را دارا می‌باشند خود به خود عضویت آن‌ها در هیأت حل اختلاف ادامه پیدا کرده و نیازی به صدور اعتبارنامه از سوی وزارت کار برای آنان نمی‌باشد.

سوال شماره ۱۴۴:

کارگری به عنوان نماینده کارگران از طرف کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان جهت عضویت در مراجع حل اختلاف انتخاب شده است حال اگر کارفرما مخالف حضور وی در جلسات این مراجع که در ساعات اداری تشکیل می‌شود باشد تکلیف چیست؟

پاسخ: برابر ماده ۴۲ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، در صورتی که جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف در ساعات اداری تشکیل گردد کارفرمایان و نیز مراجع اداری ذیربط مکلفند با مأموریت نمایندگان در جلسات مراجعی که عضو آن باشند موافقت نمایند و واحد کار و امور اجتماعی موضوع مذکور را پی‌گیری می‌نماید. اینکه واحدی به دلیل نیازی که به وجود نماینده کارگران پیدا می‌کند مخالف حضور وی در جلسات هیأت تشخیص باشد موضوعی است که می‌بایست قبلاً و پیش از معرفی و انتخاب شدن و صدور اعتبارنامه، با کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان و اداره کل کار مربوط هم‌هنگی لازم به عمل آید. بدیهی است کسر حقوق نماینده کارگر به دلیل حضور وی در جلسات هیأت تشخیص و حل اختلاف با ماده ۴۲ از آیین نامه گفته شده بالا مخالفت دارد.

سوال شماره ۱۴۵:

آیا نمایندگان کارگران و کارفرمایان که به عنوان اعضا هیأت حل اختلاف در جلسات هیأت شرکت می‌کنند مجاز به حضور و مشارکت در رسیدگی و صدور رای در هیأت‌های حل اختلاف دیگر اداره کل با همان اعتبارنامه واحد هستند؟

پاسخ: از آنجا که پس از طی مراحل تشریفات مربوط به انتخاب اعضاء هیأت‌های حل اختلاف و برگزیده شدن افراد، صدور اعتبارنامه‌های منتخبان از سوی وزارت کار یا واحدهای استانی به اعتبار عضویشان برای هیأت‌های حل اختلاف اداره کل صادر می‌گردد نه برای هیأت حل اختلاف خاص (مثلاً هیأت حل اختلاف شماره یک یا دو) و نگاه به اعتبارنامه‌های صادره نیز مؤید این مراتب است لذا حضور و جایگزین شدن نمایندگان کارگران و کارفرمایان در جلسات هیأت‌های حل اختلاف اداره کل مخالفی با مقررات آیین نامه‌ای پیدا نمی‌کند.

سوال شماره ۱۴۶:

پس از برگزاری انتخابات و تعیین نمایندگان کارفرمایان جهت عضویت در هیأت حل اختلاف و صدور اعتبارنامه برای افراد منتخب، هیأت حل اختلاف با کامل شدن اعضاء، مرکب از نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت تشکیل و در چندین جلسه به تعدادی از پرونده‌ها رسیدگی و صدور رای می‌نماید پس از چندی انتخاب نمایندگان کارفرمایان باطل اعلام می‌شود تکلیف پاسخ: پرونده‌های رسیدگی شده که منجر به صدور رای قطعی شده‌اند چیست؟ تکلیف پرونده‌های در دست اقدام چگونه؟

چنانچه انتخاب نمایندگان کارفرمایان در هیأت‌های حل اختلاف وفق مقررات پیش‌بینی شده در آیین نامه مربوط انجام و افراد منتخب در اجرای ماده ۱۱ آیین نامه، اعتبارنامه خود را جهت عضویت و حضور در جلسات هیأت‌های حل اختلاف دریافت کرده باشند پرونده‌هایی که تا تاریخ ابطال انتخابات نهایی شده و رای قطعی در مورد آن‌ها صادر شده باشد از جریان رسیدگی خارج و احکام صادره معتبر و دارای نفوذ قانونی خواهد بود. ضمناً تا برگزاری انتخابات مجدد و صدور اعتبارنامه برای افراد منتخب به منظور جلوگیری از اطاله رسیدگی می‌توان پرونده‌های در دست اقدام را جهت طرح در هیأت حل اختلاف به ادارات کار حوزه فعالیت استان ارسال و ارجاع نمود و این اقدام در انطباق با ماده یک آیین نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت حل اختلاف بوده و تا تشکیل هیأت حل اختلاف در محل اداره کل کار راه حل مناسبی به نظر می‌رسد.

سوال شماره ۱۴۷:

در واحدهائی که تشکل کارگری دارند آیا کارفرما قبل از اخراج کارگر باید نظر شورای اسلامی کار کارگاه و یا دیگر تشکل‌های کارگری را استعلام نماید؟

پاسخ: حسب ماده ۲۷ قانون کار و ماده ۱۷ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ این قانون و نیز به استناد رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، در مواردی که اخراج کارگر به استناد ماده ۲۷ قانون کار صورت گرفته باشد، در کارگاهی که دارای شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی یا نماینده کارگران باشد کارفرما مکلف است مدارکی را دال بر استعلام نظر، تشکل کارگری موجود در کارگاه و نظریه تشکل مذکور، در صورت اعلام نظر، به مرجع رسیدگی کننده ارائه نماید. در غیر اینصورت استناد کارفرما به ماده فوق معتبر نخواهد بود.

سوال شماره ۱۴۸:

آیا هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف ملزم به دعوت از کارگر و کارفرما برای حضور در جلسات رسیدگی هستند؟

پاسخ: به استناد ماده یازده آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار دعوت از طرفین برای حضور در جلسه رسیدگی هیأت تشخیص برای یک نوبت الزامی است عدم حضور خواهان، خوانده یا نمایندگان آنان در هر یک از جلسات مانع رسیدگی و صدور رای نخواهد بود ضمناً برابر تبصره ماده فوق‌الاشاره حضور نماینده هر یک از طرفین دعوی که کتباً معرفی شده باشد در حکم حضور خود کارگر و کارفرما خواهد بود.

از طرفی در اجرای ماده ۱۶۲ قانون کار، هیأت‌های حل اختلاف از طرفین اختلاف برای حضور در جلسه رسیدگی کتباً دعوت می‌کنند. عدم حضور هر یک از طرفین یا نماینده تام‌الاختیار آن‌ها مانع رسیدگی و صدور رای توسط هیأت حل اختلاف نیست مگر آنکه هیأت حضور طرفین را ضروری تشخیص دهد در اینصورت فقط یک نوبت تجدید دعوت می‌نماید. ضمن اینکه مطابق ماده ۱۶۳ قانون کار هیأت‌های حل اختلاف می‌توانند در صورت لزوم از مسئولین و کارشناسان، انجمن‌ها و شوراهای اسلامی واحدهای تولیدی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی دعوت به عمل آورند و نظرات و اطلاعات آنان را در خصوص موضوع استماع نمایند.

سوال شماره ۱۴۹:

در صورت امتناع کارفرما از اجرای رای قطعی مراجع حل اختلاف آیا برای واحد کار و امور اجتماعی تکلیف قانونی برای پیگیری اجرای رای وجود دارد یا کارگر ذینفع باید مستقیماً درخواست اجرای حکم را از دایره اجرای احکام دادگستری بخواهد؟

پاسخ: هر چند رویه و عملکرد ادارات کار اجرائی بعد از صدور رای قطعی مبتنی بر پذیرش درخواست محکوم له احکام قطعی در زمینه اجرای حکم و انجام مکاتبات اداری برای ارسال سوابق به دوائر اجرای احکام دادگستری می‌باشد اما از آنجا که در قانون کار و آیین نامه طرز اجرای آراء قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف در این زمینه برای ادارات کار تکلیفی پیش‌بینی نگردیده است لذا می‌توان در صورت مراجعه افراد ذینفع ضمن تفهیم مقررات آنان را جهت ارائه درخواست اجرای رای و تسلیم مدارک به اجرای دادگستری راهنمایی نمود. ضمناً برابر ماده ۳۸ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، در صورت استعلام مراجع قضائی، اعلام قطعیت آراء هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف از سوی واحد کار و امور اجتماعی منوط به ابلاغ و قطعی شدن آراء مذکور است.

سوال شماره ۱۵۰:

بعضاً ملاحظه می‌شود از وزارت کار و امور اجتماعی و یا ادارات کل ستادی و اجرایی این وزارتخانه در زمینه نحوه رسیدگی و صدور آرای مراجع حل اختلاف شکایت به عمل می‌آید آیا مگر دستگاه‌های مزبور در اتخاذ تصمیم و اصدار رای مراجع حل اختلاف دخالت دارند؟

پاسخ: مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون کار به عنوان مراجع اختصاصی رسیدگی به اختلاف کارگری و کارفرمایی مستقل از وزارت کار و ادارات کل کار اجرائی و ستادی عمل می‌کنند و این وزارتخانه در هر یک از هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف که ترکیب آنها به ترتیب ۳ نفره و ۹ نفره می‌باشد تنها یک نماینده داشته و این نماینده در کنار و به طور مساوی با دیگر نمایندگان قانوناً حق دادن یک رای را دارد و در این رابطه برای رای نماینده وزارت کار در مقایسه با رای سایر اعضاء امتیازی نیز در نظر گرفته نشده است.

سوال شماره ۱۵۱:

آیا مسئولین و مقامات وزارت کار و امور اجتماعی که سمت عضویت در مراجع حل اختلاف را ندارند می‌توانند در خصوص نحوه رسیدگی و صدور رای دخالت نمایند؟

پاسخ: احراز رابطه کارگری و کارفرمایی و تشخیص شمول یا عدم شمول مقررات قانون کار نسبت به افراد با توجه به قوانین و مقررات جاری در صلاحیت هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف بوده و مقامات و مسئولین اداری وزارت کار و امور اجتماعی قانوناً مجاز به دخالت در صدور رای و نحوه رسیدگی در مراجع مذکور نمی‌باشند و اشخاصی که نسبت به آراء قطعی صادره از مراجع حل اختلاف اعتراض داشته باشند می‌توانند به استناد بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری با تقدیم دادخواست به دیوان مذکور تقاضای رسیدگی نمایند.

سوال شماره ۱۵۲:

آیا مراجع اداری و یا قضائی صلاحیت اظهارنظر در خصوص موجه بودن و غیرموجه بودن اخراج را دارا می‌باشند؟
پاسخ: به موجب مواد ۱۵۷ و ۱۶۵ قانون کار جمهوری اسلامی ایران اظهارنظر در خصوص موجه یا غیرموجه بودن اخراج کارگران صرفاً در صلاحیت مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم این قانون می‌باشد.

سوال شماره ۱۵۳:

یکی از موسسات دولتی علیرغم اینکه درآمد و مخارج آن در بودجه کل کشور منظور نشده است از پرداخت مبلغ رای قطعی مرجع حل اختلاف خودداری و به قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت استناد می‌کند آیا عمل شرکت قانونی است؟
پاسخ: موضوع قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین اموال دولتی مصوب ۶۵/۸/۱۵ مربوط به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی است که درآمد و مخارج آن‌ها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد. بنابراین اجرای آراء قطعی صادره از مراجع حل اختلاف در مواقعی که کارفرما، مؤسسه یا شرکت دولتی بوده لیکن درآمد و مخارج آن‌ها در بودجه کل کشور منظور نمی‌گردد مشمول قانون مرقوم نمی‌باشد.

سوال شماره ۱۵۴:

چنانچه مشخص شود وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی بر خلاف واقع و علیرغم داشتن اعتبار لازم به بهانه و توسل به نحوه پرداخت محکوم به دولت از اجرای رای قطعی مراجع حل اختلاف استنکاف نموده‌اند تکلیف چیست؟
پاسخ: طبق قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی چنانچه ثابت شود وزارتخانه‌ها و موسسات مشمول این قانون با وجود تامین اعتبار از پرداخت محکوم به استنکاف نموده‌اند مسئول یا مسئولین مستنکف توسط محاکم صالحه به یکسال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف بوسیله استنکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشند ضامن خسارت وارده می‌باشد.

سوال شماره ۱۵۵:

آیا وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند توقف عملیات اجرایی حکم صادره از مراجع حل اختلاف را از دایره اجرا تقاضا نماید؟

پاسخ: مستند به ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی، تعطیل یا توقیف و یا قطع اجرای حکم تنها به موجب قرار دادگاهی که دستور اجرای حکم را داده و یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد و یا با ابراز رسید محکوم له دایر به وصول محکوم به یا رضایت کتبی وی امکان پذیر بوده و برای وزارت کار و امور اجتماعی چنین صلاحیتی پیش بینی نشده است.

سوال شماره ۱۵۶:

آیا مأموران دولت به طور کلی و به خصوص مدیران واحدهای دولتی می‌توانند از اجرای رای قطعی مراجع حل اختلاف خودداری نمایند؟

پاسخ: بر اساس ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی "هر یک از مستخدمین و ماموران دولتی در هر مرتبه و مقامی که باشند هر گاه برای جلوگیری از اجرای اوامر کتبی یا اجرای قوانین مملکتی یا اجرای احکام و اوامر دادگاه‌ها و دادرها یا هر گونه امری که از مقامات قانونی صادر شده باشد بر خلاف قانون، قدرت رسمی خود را اعمال کند از خدمت دولت منفسل خواهد شد."

سوال شماره ۱۵۷:

ماده ۳ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار رسیدگی در مراجع حل اختلاف را منوط به تسلیم دادخواست از سوی ذینفع یا نمایندگان قانونی وی به واحد کار و امور اجتماعی محل شناخته است در این زمینه بعضاً مشاهده می‌شود کارگر بجای اداره کار به محاکم عمومی دادگستری مراجعه و اقامه شکایت می‌نماید و این مراجع نیز خود را صالح به رسیدگی ندانسته و رای به اعتبار رسیدگی مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون کار صادر می‌کنند که تا ورود آن به دفتر ثبت دادخواست اداره کار محل مهلت یکساله که برای طرح شکایت مقرر است نیز منقضی می‌شود. سؤال این است که آیا می‌توان تاریخ ثبت دادخواست در مراجع قضائی را به منزله طرح شکایت در اداره کار محل جهت ورود به رسیدگی تلقی نمود؟

پاسخ: "هر چند به موجب ماده ۴۳ آیین نامه رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار مقرر گردیده «سایر مواردی که در آیین نامه پیش بینی نگردیده مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود» معیناً با توجه به اینکه در ماده ۵ آیین نامه فوق‌الذکر پیش بینی شده، دادخواست از سوی خواهان به دبیرخانه واحد کار و امور اجتماعی تسلیم گردد و با عنایت به اینکه در مواد ۴۸ و ۳۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، تجویزی در مورد قطع مرور زمان با ارائه دادخواست به مرجع دیگر لحاظ نشده است علیهذا با توجه به ماده ۵ آیین نامه، قطع مرور زمان در مورد شکایت‌های مربوط به مراجع حل اختلاف قانون کار از تاریخ تسلیم دادخواست به دبیرخانه واحد کار و امور اجتماعی صورت می‌گیرد."

توضیح اینکه جوابیه بالا به شماره ۴۰۳۷۲ مورخ ۸۲/۸/۲۰ معاونت دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به استعلام شماره ۵۳۲۴۶ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۷ اداره کل تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی اعلام گردیده است.

سوال شماره ۱۵۸:

چنانچه واحد کار و امور اجتماعی و یا مقامات وزارت کار و یا دستگاه‌های دیگر رای قطعی صادره از مراجع حل اختلاف را مغایر قانون و خلاف تشخیص دهند آیا می‌توانند در زمینه تجدید نظر در رای اقدام نمایند؟

پاسخ: آراء قطعی مراجع حل اختلاف صرفنظر از صحت و سقم آنها به هر حال قابل تجدیدنظر در مراجع حل اختلاف و یا واحد کار و امور اجتماعی و یا سایر سازمان‌ها و دستگاه‌ها و حتی دادگاه‌ها نبوده و تنها دیوان عدالت اداری قانوناً مجاز به رسیدگی مجدد و احیاناً نقض آنها می‌باشد.

سوال شماره ۱۵۹:

چنانچه کارفرما مدعی وارد شدن خسارت به کارگاه (ابزار کار، مواد مصرفی و غیره) از سوی کارگر باشد آیا می‌تواند از مراجع حل اختلاف اجبار کارگر را به جبران خسارت طلب نماید و در این صورت آیا مراجع حل اختلاف صلاحیت رسیدگی خواهند داشت؟

پاسخ: در خصوص رسیدگی و صدور رای راجع به ضرر و زیان وارده از سوی کارگر به کارفرما، قانون کار ساکت است و به نظر می‌رسد که تشخیص میزان تقصیر کارگر و همچنین احراز وجود و یا عدم وجود سوء نیت کارگر در این مورد و احیاناً صدور رای بابت جبران زیان وارده به کارفرما بر عهده و صلاحیت مراجع قضایی باشد.

سوال شماره ۱۶۰:

کارگری به اتهام اخذ رشوه اخراج شده است تکلیف مراجع حل اختلاف چیست؟
پاسخ: چنانچه کارگر به اتهام اخذ رشوه تحت تعقیب مقامات انتظامی و قضایی قرار گرفته و بازداشت و محکوم شده باشد، مطابق با ضوابط مواد ۱۷ و ۱۸ قانون کار عمل خواهد شد لیکن چنانچه مساله اخذ رشوه در مراجع انتظامی و قضایی مطرح نگردیده و کارگر توقیف نشده باشد، کارفرما می‌تواند برابر ضوابط ماده ۲۷ قانون کار و تبصره یک آن با کارگر رفتار نماید.

سوال شماره ۱۶۱:

کارگری در ارتباط با اختلاف خود با کارفرما در اداره کار محل تشکیل پرونده داده است کارفرما در جلسات رسیدگی اعلام می‌دارد که از کارگر در مراجع قضائی شکایت کرده و خواستار متوقف شدن رسیدگی در مراجع حل اختلاف تا روشن شدن پرونده در دادگاه دادگستری می‌گردد. آیا مراجع حل اختلاف تکلیف به توقف رسیدگی پیدا می‌کنند؟
پاسخ: مطرح بودن شکایت کارفرما علیه کارگر در مراجع دادگستری به هیچ وجه نافی صلاحیت و حق مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون کار در رسیدگی به اختلاف حادث بین کارگر و کارفرما، هر چند که دو پرونده تحت رسیدگی به لحاظ موضوع مرتبط با یکدیگر باشند، نبوده و صدور قرار اناطه از سوی مراجع حل اختلاف فوق‌الاشاره صرفاً منوط به تشخیص و نظر مرجع رسیدگی کننده خواهد بود.

سوال شماره ۱۶۲:

کارگری تحت اتهام و شکایت وارده از سوی کارفرما بازداشت و توقیف می‌شود. ری مرجع قضایی مبتنی بر براءت کارگر می‌باشد. این شخص به دلیل امتناع کارفرما از ابقاء بکار وی به اداره کار شکایت برده است کارفرما در جلسات رسیدگی مدعی می‌شود که کارگر می‌بایست بعد از قطع رابطه با او و در طی دوران بازداشت و به موقع نزد اداره کار تسلیم دادخواست می‌نمود آیا ادعای کارفرما متکی به دلایل قانونی است؟

پاسخ: حکم ماده ۱۸ قانون کار ناظر به موردی است که کارگر به موجب شکایت کارفرما توقیف و جریان رسیدگی در مراجع قضائی به محکومیت وی منتهی نشود که با تحقق این مراتب یعنی توقیف به سبب شکایت کارفرما و براءت وی از اتهام منتسبه

تکلیف کارفرما به ابقاء کارگر با حفظ سوابق کار و پرداخت مزد و مزایای ایام بازداشت کارگر خواهد بود و در این زمینه اساساً قبل از تصمیم و رای قطعی مرجع قضائی و روشن شدن تکلیف نهایی پرونده، رابطه کارگری و کارفرمائی فی‌مابین خاتمه یافته استنباط نمی‌شود تا الزام کارگر را به شکایت در مراجع حل اختلاف فراهم کند به این ترتیب عدم شکایت کارگر در مراجع حل اختلاف در ایامی که وی در بازداشت و توقیف بسر می‌برد و بعداً به حکم دادگاه از اتهام وارده برائت حاصل می‌کند باعث اسقاط حق او برای بازگشت بکار و حق السعی ایام توقیف نخواهد شد.

سوال شماره ۱۶۳:

کارگری به اتهام حیف و میل اموال شرکت اخراج شده است در جلسات رسیدگی کارفرما عنوان داشته است که در این زمینه پرونده‌ای در مراجع قضائی دادگستری مطرح و تحت رسیدگی است آیا مراجع حل اختلاف مکلف‌اند تا روشن شدن نتیجه رسیدگی به پرونده در دادگستری، پرونده را در دست اقدام نگاه دارند؟

پاسخ: گرچه در اتهامات کیفری، اشخاص مادام که از سوی مراجع قضائی محکوم نگردیده باشند مبری شناخته می‌شوند ولی این امر نافی صلاحیت و اختیارات مراجع حل اختلاف موضوع فصل نهم قانون کار در زمینه رسیدگی به دلایل عنوان شده از سوی کارفرما نبوده و مراجع مذکور می‌توانند با توجه به صلاحیت خود و با بررسی‌های لازم و در نظر گرفتن همه جوانب امر در این خصوص اتخاذ تصمیم نمایند.

سوال شماره ۱۶۴:

کارگری با تسلیم دادخواست به اداره کار محل تشکیل پرونده داده است کارفرما در جلسات مراجع حل اختلاف قانون کار مدعی می‌شود که طرفین در ارتباط با موضوع شکایت کارگر در مراجع قضائی نیز دعوی کیفر دارند. حدود تأثیر این ادعا در تصمیم‌گیری مرجع رسیدگی کننده اداره کار چه اندازه است؟

پاسخ: بر اساس ماده ۳۰ آیین رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، چنانچه بین طرفین دعوی، همزمان دعوی کیفری مرتبطی با دعوی مطرح در مراجع حل اختلاف در سایر مراجع قضائی مورد رسیدگی باشد که نتیجه آن به تشخیص هیأت موثر در رای مرجع حل اختلاف باشد، صدور رای موکول به تعیین تکلیف دعوی کیفری در مراجع مذکور خواهد بود.

سوال شماره ۱۶۵:

آیا برای واحدهای ستادی و اجرایی وزارت کار در تصمیم‌گیری‌های مراجع حل اختلاف قانون کار نقشی پیش‌بینی شده است؟ و آیا دخالت این واحدها در تصمیم و صدور رای مراجع فوق قانونی است؟ در مورد کمیته‌های انضباطی کار چطور؟

پاسخ: از ویژگی‌های هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف قانون کار در رسیدگی به اختلافات کارگری و کارفرمائی ملحوظ داشتن اصل سه جانبه‌گرایی در ترکیب اعضاء تشکیل دهنده مراجع قانونی مذکور است و به این لحاظ نمایندگان کارگران و کارفرمایان و دولت به طور برابر در هیأت‌های مزبور نماینده دارند و از نقطه نظر شرکت در تصمیم‌گیری و صدور رای نیز برای نماینده وزارت کار قانوناً فقط یک رای اختصاص یافته است. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که مسئولان اداری منجمله مدیرکل کار در رسیدگی‌ها و اصدار آراء دخالتی ندارند و اصولاً هیچ محمل قانونی برای دخالت وزارت کار، ادارات کل ستادی و اجرایی، مدیران کل، کارکنان و مسئولان اداری در تصمیم‌گیری و صدور رای مراجع حل اختلاف وجود ندارد. در ترکیب کمیته‌های

انضباط کار هم که در واحدهای کارگری به موجب مقررات تشکیل و انجام وظیفه می‌کنند نمایندگان تشکلهای کارگری و نیز نماینده مدیریت و سرپرستان عضویت داشته و مستقل از وزارت کار در چارچوب مقررات تعیین موارد قصور و نقض دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های انضباط کار موضوع تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون کار اتخاذ تصمیم و صدور رای می‌کنند.

سوال شماره ۱۶۶:

منظور از ساعات کار چیست و آیا ساعات صرف غذا جزء ساعت کار کارگران به حساب می‌آید؟
پاسخ: همانگونه که ماده ۵۱ قانون کار نیز به آن تصریح دارد ساعت کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر نیرو یا وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می‌دهد به این لحاظ ساعات صرف صبحانه و نهار جزء ساعت کار به حساب نمی‌آید بدیهی است چنانچه در کارگاهی از قبل رویه مورد عمل بر این قرار گرفته باشد که ساعت صرف صبحانه یا نهار و یا شام جزء ساعت کار به حساب آید استمرار آن به عنوان عرف مستقر در کارگاه محسوب و کماکان باید اجرا گردد. ضمناً با توجه به ماده ۱۵۰ قانون کار کارفرما مکلف است در ایام ماه مبارک رمضان مدتی را برای ادای فرایض دینی و صرف افطار یا سحری اختصاص دهد که این مدت جزء ساعت کار کارگران منظور می‌شود.

سوال شماره ۱۶۷:

حداکثر ساعت کار روزانه به چه میزان می‌باشد؟
پاسخ: در قانون کار به استثنای کارگران موضوع ماده ۵۶ قانون مزبور که در مورد آن‌ها ساعات کار در چهار هفته متوالی ۱۷۶ ساعت تعیین شده، ساعات کار اصولاً به صورت هفتگی تعیین گردیده است - مواد ۵۱ و ۵۲ قانون کار - به میزان ۳۶ ساعت برای کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان‌آور و زیرزمینی و ۴۴ ساعت برای سایر کارگران. یادآوری می‌نماید توزیع ساعات کار در روزهای هفته با جلب توافق کارگران ذریبط از اختیارات کارفرما بوده و به جز کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان‌آور که ساعات کار آن‌ها نباید از ۶ ساعت در هر روز تجاوز نماید در مورد سایر کارگران با عنایت به تبصره یک ماده ۵۱ عملاً حداکثری برای میزان ساعات کار روزانه، مشروط به جلب موافقت کارگر، در قانون کار در نظر گرفته نشده است بدیهی است مازاد بر سقف‌های فوق‌الاشاره، ساعات کار انجام شده با در نظر گرفتن ممنوعیت موضوع ماده ۶۱ و قید «مگر در موارد استثنایی با توافق طرفین» در تبصره ماده ۵۹ اضافه کار خواهد بود.

سوال شماره ۱۶۸:

در یکی از واحدهای کارگری ساعت کار از بدو فعالیت کارگاه، هفته ای ۴۰ ساعت بوده است و کارفرما تصمیم به افزایش آن تا میزان ساعت کار قانونی یعنی ۴۴ ساعت در هفته را دارد آیا مجاز به این کار خواهد بود؟
پاسخ: ساعت کاری که در ماده ۵۱ قانون کار پیش بینی شده است حداکثر ساعات کار قانونی روزانه می‌باشد حال چنانچه کارگاهی در بدو تأسیس و شروع فعالیت کارگاه و یا بعد از آن اقدام به تعیین ساعت کار به میزان کمتر از ساعت کار قانونی نموده باشد این امر مخالفتی با قانون نداشته و تداوم اجرای آن جزء شرایط کار کارگران محسوب می‌گردد و تغییر آن نیاز به جلب موافقت افراد ذینفع دارد مگر آنکه در گذشته به هنگام تقلیل ساعت کار قید موقت بودن این کاهش شرط شده باشد که شرطی نافذ و برای طرفین لازم‌الرعایه خواهد بود.

سوال شماره ۱۶۹:

در کارگاهی از بدو تأسیس ساعت کار از ۷ صبح تا ۳ بعدازظهر بوده است آیا کارفرما مجاز به تغییر و انتقال آن از ساعات صبح به ساعات عصر مثلاً بعدازظهر تا ۱۱ شب و یا از ۱۱ شب تا ۷ صبح خواهد بود؟

پاسخ: وقتی در بدو تأسیس و شروع فعالیت کارگاه انجام کار مثلاً برای ساعات صبح تنظیم و مورد موافقت قرار می‌گیرد تغییرات بعدی در شروع و خاتمه ساعت کار نیز به توافق کارگران و کارفرما مربوط می‌شود به ویژه زمانی که این تغییر به صورت انتقال ساعات کار از صبح به عصر و یا شب و یا بالعکس صورت گیرد البته چنانچه کارفرما توجیه کافی برای تغییر ساعت کار در کارگاه داشته باشد می‌تواند مطابق ماده ۲۶ قانون کار اقدام نماید.

سوال شماره ۱۷۰:

کارگری به موجب یک فقره قرارداد یکساله بکار گرفته شده و ساعت کار در آن با مزد مشخص ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه قید گردیده است اما کارگر عملاً حدود ۳ ماه از قرارداد را روزی ۶ ساعت کار کرده و بعد از آن کارفرما از وی خواسته در زمینه ساعت کار مطابق قرارداد عمل کند تکلیف چیست؟

پاسخ: در هر حال طرفین ملزم به اجرای تعهدات قراردادی خود خواهند بود به این لحاظ هر چند شرط پیش بینی شده در قرارداد کار که متضمن ۴۴ ساعت کار در هفته برای مدتی اجرا نشده و عملاً کارگر کمتر از ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه در روز کار کرده باشد اعتبار شرط در طول اعتبار قرارداد زایل نمی‌شود و تعهد به اجرای آن کماکان برای کارگر باقی می‌ماند.

سوال شماره ۱۷۱:

میزان فوق العاده ای که برای کار در ایام تعطیل رسمی باید پرداخت شود چقدر است؟

پاسخ: کار در روز تعطیل رسمی از همان ساعت اول به عنوان اضافه کار تلقی و برای هر ساعت آن فوق العاده‌ای معادل ۴۰٪ اضافه بر مزد هر ساعت کار عادی باید پرداخت شود. بدیهی است چنانچه بر اساس عرف و روال کارگاه فوق العاده اضافه کار پرداختی در روزهای تعطیل رسمی بیش از میزان اخیرالذکر بوده باشد، عرف و روال مذکور کماکان معتبر و لازم الرعایه می‌باشد.

سوال شماره ۱۷۲:

چنانچه با توجه به توافق به عمل آمده، در کارگاهی روز پنجشنبه تعطیل توافقی اعلام و کار پنجشنبه در ۵ روز اول هفته انجام شود در صورت برخورد تعطیلات رسمی با تعطیل توافقی چه نوع حقی برای کارگران ایجاد می‌شود؟

پاسخ: اگر بر اساس توافق به عمل آمده، روز پنجشنبه تعطیل توافقی اعلام و کار این روز در سایر روزهای هفته انجام شود در صورت برخورد تعطیل توافقی روز پنجشنبه با تعطیل رسمی، از آنجا که کارگران کار روز پنجشنبه را در پنج روز اول هفته انجام داده‌اند از این رو استحقاق ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه اضافه کاری از بابت فوق را پیدا می‌کنند.

سوال شماره ۱۷۳:

در کارگاهی روز پنجشنبه تعطیل توافقی اعلام شده است و کارگران کار روز پنجشنبه را در پنج روز اول هفته انجام می‌دهند حال اگر تعطیلات رسمی با پنج روز اول هفته مصادف شود و یا وقتی کارگر هر یک از این روزها را از مرخصی استحقاقی استفاده می‌کند طلب کارفرما از کارگر به چه میزان است؟

پاسخ: کارگرانی که برابر توافق به عمل آمده با کارفرما روز پنجشنبه را تعطیل و کار این روز را در سایر روزهای هفته انجام می‌دهند برای هر روزی که از مرخصی استحقاقی استفاده می‌کنند ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه به اضافه قسمتی از ساعت کار روز پنجشنبه که در آن روز انجام شده است به حساب مرخصی آنان منظور خواهد شد و همچنین وقتی تعطیلات رسمی با ۵ روز اول هفته مصادف می‌شود از آنجا که تعطیل رسمی برای ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه لحاظ می‌شود بنابراین مازاد بر ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه به حساب بدهی کارگر به کارفرما گذاشته می‌شود.

سوال شماره ۱۷۴:

در کارگاهی ساعات کار هفتگی عرفاً چهار ساعت است کارفرما تحت این عنوان که میزان ساعات کار در قانون چهل و چهار ساعت تعیین شده می‌خواهد ساعات کار کارگاه را افزایش دهد آیا قانوناً حق چنین افزایشی را دارد؟

پاسخ: به استناد مفهوم مخالف ماده ۸ قانون کار و نظر به اینکه حقوق و مزایای مقرر در این قانون اصولاً حداقل حقوق و مزایای متعلقه به کارگران بوده و توافقی‌های حاصله فی مابین کارگران و کارفرما که مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در قانون کار منظور ننموده باشد برای طرفین لازم الاجرا خواهند بود لذا رویه و عرف موجود در کارگاه مبنی بر تعیین ساعات عادی کار به میزان کمتر از ۴۴ ساعت در هفته بلا اشکال بوده و طرفین ملزم به رعایت رویه و عرف مزبور هستند.

سوال شماره ۱۷۵:

آیا در قانون کار مقررات خاصی برای ساعات کار کارگرانی که در مغازه‌ها و موسسات تجاری کار می‌کنند پیش بینی نشده است؟

پاسخ: ساعات کار کارگران شاغل در مغازه‌ها و موسسات تجاری نیز همان ۴۴ ساعت کار هفتگی مقرر در ماده ۵۱ قانون کار می‌باشد که زمان انجام آن در هر مورد با توجه به نوع فعالیت و رویه گذشته و بر حسب توافق فی مابین کارگر و کارفرما تنظیم می‌گردد و انجام کار اضافی نیز حداکثر به میزان روزی ۴ ساعت مگر در موارد استثنایی با توافق طرفین مجاز می‌باشد.

سوال شماره ۱۷۶:

آیا اوقات صرف غذا و استراحت جزء ساعات کار کارگر محسوب می‌شود؟

پاسخ: به تصریح ماده ۵۱ قانون کار، ساعات کار مدت زمانی است که کارگر نیرو یا وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می‌دهد. لذا قانوناً اوقات صرف غذا و استراحت جزء ساعات کار محسوب نخواهد شد. بدیهی است چنانچه بر اساس عرف و روال کارگاه از قبل اوقات مذکور جزء ساعات کار محسوب می‌گردیده، عرف و رویه مذکور کماکان معتبر خواهد بود. ضمناً در اجرای ماده ۱۵۰ قانون مرقوم در ماه مبارک رمضان کارفرما مکلف است مدتی از اوقات کار را برای ادای فریضه نماز و صرف افطار یا سحری اختصاص دهد.

سوال شماره ۱۷۷:

آیا اوقاتی که قبل از شروع کار و پس از خاتمه آن صرف استحمام و تعویض لباس می‌گردد جزء ساعات کار کارگر محسوب می‌شود؟

پاسخ: چنانچه انجام وظایف شغلی عرفاً مستلزم استحمام و تعویض لباس باشد اوقات مصروفه برای این منظور جزء ساعات کار کارگر محسوب می‌گردد.

سوال شماره ۱۷۸:

وضعیت کارگرانی که ۲۴ ساعت کار و ۲۴ ساعت متوالی استراحت می‌کنند به لحاظ مقررات قانون کار چگونه است و مرخصی استحقاقی آن‌ها چگونه محاسبه می‌شود؟

پاسخ: کارگرانی که حسب توافق به عمل آمده ۲۴ ساعت کار و ۲۴ ساعت استراحت می‌کنند نحوه انجام کار آنان از مصادیق کار مختلط موضوع ماده ۵۳ قانون کار بوده و به این قبیل کارگران مستند به ماده ۵۸ قانون مرقوم برای هر ساعت کار در شب ۳۵ درصد اضافه بر مزد ساعت کار عادی تعلق می‌گیرد. ضمناً مزاد بر انجام ۴۴ ساعت کار در هفته آنان اضافه کار محسوب و فوق العاده مربوط با رعایت ماده ۵۹ قانون کار محاسبه و پرداخت خواهد شد. متذکر می‌گردد حکم ماده ۶۲ قانون کار در زمینه اجباری بودن تعطیل یک روز معین در هفته نسبت به کارگران یاد شده نیز جاری می‌باشد. بدیهی است مرخصی استحقاقی سالانه کارگران فوق الذکر به میزان مقرر در ماده ۶۴ قانون کار است که حسب ساعات استفاده شده محاسبه و قابل تبدیل به روز (۷ ساعت و ۲۰ دقیقه) خواهد بود.

سوال شماره ۱۷۹:

با توجه به مقررات قانون کار، ساعت کار در ماه چند ساعت می‌باشد؟ آیا تعیین میزان ثابت ساعت کار برای تمام ماههای سال امکان پذیر است؟

پاسخ: در مقررات قانون کار ساعات کار ماهانه پیش بینی نگردیده ولی مستفاد از مواد ۵۱ و ۵۷ این قانون ساعات کار حداکثر ۴۴ ساعت در هفته یا در مورد کارگران نوبتکار ۱۷۶ ساعت در چهار هفته متوالی می‌باشد بدیهی است در ازای هر روز تعطیل رسمی، ساعات کار هفته به میزان ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه از ۴۴ ساعت مزبور کمتر خواهد بود ضمناً با توجه به تفاوت تعداد روزهای کار در ماههای مختلف، تعیین ساعات کار معین به عنوان ساعات کار ماهانه مقدور نمی‌باشد.

سوال شماره ۱۸۰:

با توجه به تبصره ماده ۶۹ قانون کار چنانچه در خصوص تنظیم جدول زمانی استفاده از مرخصی کارگران بین کارفرما و تشکل کارگری اختلاف باشد راه حل قضیه چگونه می‌باشد؟

پاسخ: تبصره ماده ۶۹ قانون کار تنظیم جدول زمانی استفاده از مرخصی کارگران در مورد کارهای پیوسته (زنجیره ای) و تمامی کارهاییکه همواره حضور حداقل معینی از کارگران در روزهای کار را اقتضا می‌نماید از تکلیف کارفرما شناخته است که باید ظرف ۳ ماهه آخر هر سال برای سال بعد تنظیم و پس از تأیید شورای اسلامی یا انجمن صنفی یا نماینده کارگران اعلام نماید و در این زمینه چنانچه بین مدیریت و تشکل کارگری مربوط در خصوص جدول زمانی استفاده از مرخصی کارگران اختلاف وجود داشته باشد حکم ماده ۶۹ قانون کار معتبر و لازم الاجرا خواهد بود.

سوال شماره ۱۸۱:

آیا رعایت ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه کار برای تمام روزهای هفته الزامی است و یا می‌توان در بعضی از روزهای هفته کمتر از ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه و در بعضی دیگر از روزها بیشتر کار کرد؟

پاسخ: در مقررات قانون کار پیش بینی تقسیم کار به میزان مساوی بین ایام هفته به عمل نیامده است و تنها در قسمت اخیر ماده ۵۱ این قانون سقف ساعات کار روزانه کارگران بجز موارد مستثنی شده در قانون هشت ساعت تعیین گردیده است. لکن در تبصره

یک ماده مذکور به طرفین (کارفرما و کارگران و یا نمایندگان آنها) اجازه داده شده است که در صورت توافق ساعت کار را در بعضی از روزهای هفته کمتر و در دیگر روزها اضافه بر هشت ساعت یاد شده تعیین نمایند مشروط بر اینکه مجموع ساعات کار در هفته از ۴۴ ساعت تجاوز ننماید.

سوال شماره ۱۸۲:

منظور از اضافه کار چیست؟ و کارگر برای اضافه کاری استحقاق چه مزایایی را خواهد داشت و در صورت تقارن آن با روزهای تعطیل رسمی چگونه عمل می‌شود؟

پاسخ: ارجاع کار اضافه بر ساعات کار عادی (۴۴ ساعت در هفته برای کارگران غیر نوبتکار و ۱۷۶ ساعت در چهار هفته متوالی برای کارگران نوبت کار) اضافه کار بوده و نحوه محاسبه فوق العاده مربوط و دیگر شرایط آن تابع مقررات موضوع مواد ۵۹ و ۶۰ قانون کار خواهد بود. بدیهی است در صورت تقارن هر یک از روزهای تعطیل رسمی با روزهای کار، به ازای هر روز تعطیل رسمی معادل یک ششم ساعات کار عادی هفتگی (برای کارگران غیر نوبتی) و یک بیست و چهارم کار عادی در چهار هفته متوالی (برای کارگران نوبتی) از ساعات عادی کار کارگر کسر و مازاد بر ساعات باقی مانده اضافه کار خواهد بود.

سوال شماره ۱۸۳:

آیا نحوه محاسبه اضافه کاری بر مبنای مزد ماهانه تقسیم بر ۱۹۲ ساعت صحیح می‌باشد در این صورت با توجه به اینکه این شیوه محاسبه متضمن امتیاز بیشتری برای کارگران است آیا کارفرما مجاز به تغییر آن می‌باشد؟

پاسخ: رویه معمول و مورد عمل در کارگاه‌های مشمول قانون کار برای محاسبه اضافه کاری بر اساس تقسیم مزد ماهانه به ۳۰ روز و تقسیم مزد روزانه به ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه انجام می‌شود که با اضافه کردن ۴۰٪ به مزد یک ساعت کار عادی، مزد یک ساعت اضافه کاری محاسبه خواهد شد با وجود این از آنجا که ملاک محاسبه اضافه کاری بر مبنای مزد ماهانه تقسیم بر ۱۹۲ ساعت امتیاز بیشتری را برای کارگران متضمن می‌باشد به این لحاظ ترتیب اجرای آن مخالفتی با قانون نداشته و با توجه به استمرار آن و ایجاد حق مکسبه ای برای کارگران ذینفع تکلیف به ادامه اجرای آن خواهد بود.

سوال شماره ۱۸۴:

چنانچه در قرارداد کار کارگر متعهد شده باشد روزانه مدتی مثلاً ۴ ساعت اضافه کاری داشته باشد آیا می‌تواند از انجام تعهد خودداری نماید؟

پاسخ: نظر به اینکه شرط انجام اضافه کاری توسط کارگر در قرارداد از جمله شرایط غیر نافذ بشمار می‌رود لذا شرط مزبور بلااثر بوده و ایجاد هیچ نوع تعهدی برای طرفین قرارداد کار نمی‌نماید.

سوال شماره ۱۸۵:

حداکثر ساعات اضافه کاری در روز در موارد استثنائی مذکور در تبصره ماده ۵۹ قانون کار چند ساعت است؟
پاسخ: در قسمت اخیر تبصره ماده ۵۹ قانون کار سقف مربوط به ساعات کار اضافی مشخص نگردیده است. النهایه ارجاع کار بیش از چهل ساعت باید با عنایت به استثناء پیش بینی شده در تبصره فوق باشد به نحوی که در این زمینه استثناء تبدیل به قاعده نشود.

سوال شماره ۱۸۶:

تأیید ضرورت ارجاع کار اضافی اجباری به کارگران و تعیین مدت آن با چه مرجعی است؟

پاسخ: در صورت ارجاع کار اضافی موضوع ماده ۶۰ قانون کار، کارفرما مکلف است حداکثر ۴۸ ساعت پس از پایان اولین روز کار مراتب را به اداره کار و امور اجتماعی محل اطلاع دهد تا واحد کار و امور اجتماعی ضرورت کار اضافی و مدت آنرا تعیین نماید

سوال شماره ۱۸۷:

نوع کار و ماهیت کار در یک واحد مشمول قانون کار به نحوی است که کارگران باید مستمراً اضافه کار کنند آیا کارفرما می‌تواند در صورت عدم تمایل کارگران آن‌ها را وادار به اضافه کاری نماید؟

پاسخ: بند « الف » ماده ۶۰ قانون کار صرفاً در رابطه با حوادث بوده و لفظ حادثه دلالت بر امور اتفاقی و استثنایی دارد. لهذا چنانچه ماهیت کار واحدی مستلزم کار کارگران برای ساعاتی بیش از ساعات کار عادی قانونی است استفاده از ماده فوق مورد نداشته و واحد مربوط می‌باید نسبت به تأمین پرسنل مورد نیاز خود و احیاناً ایجاد شیفت اضافی اقدام نماید.

سوال شماره ۱۸۸:

آیا در مورد کارگرانی که با میل و اختیار خود و بر اساس توافق با کارفرما اضافه کاری می‌کنند نیز کارفرما باید موضوع اضافه کاری را ظرف ۴۸ ساعت به اداره کار محل اطلاع دهد؟

پاسخ: مقررات موضوع ماده ۶۰ قانون کار اصولاً در ارتباط با اختیارات کارفرمایان در زمینه الزام کارگران به انجام اضافه کار بوده و به حالاتی که کارگران بر اساس توافق و بنا به تمایل خود به اضافه کاری اشتغال ورزند تسری نخواهند داشت. بدیهی است در صورتی که کارگران بر خلاف تمایل خود صرفاً با تشخیص کارفرما وادار به انجام کار اضافی شوند به تصریح تبصره یک ماده مرقوم کارفرما مکلف است در هر مورد حداکثر ظرف ۴۸ ساعت موضوع را به اداره کار و امور اجتماعی اطلاع دهد تا با عنایت به بندهای الف و ب ماده مذکور در زمینه ضرورت کار اضافی و تعیین مدت آن اتخاذ تصمیم به عمل آید.

سوال شماره ۱۸۹:

آیا کارگرانی که سن آن‌ها از هیجده سال تمام کمتر است مجاز به انجام کار اضافی می‌باشند؟

پاسخ: در اجرای ماده ۸۳ قانون کار ارجاع هر نوع کار اضافی به کارگران نوجوان حتی با توافق آنان ممنوع می‌باشد با متخلفین از این ماده برابر ماده ۱۷۶ قانون مرقوم رفتار خواهد شد.

سوال شماره ۱۹۰:

با توجه به ماده ۶۱ قانون کار آیا ارجاع کار اضافی به کارگرانی که کار مختلط دارند نیز ممنوع می‌باشد؟

پاسخ: ارجاع کار اضافی به کارگران (اعم از نوبت کار و یا غیر نوبتکار) که تمام و یا بیش از نیمی از ساعات کار آن‌ها در فاصله ۲۲ تا ۶ بامداد قرار می‌گیرد مستند به ماده ۶۱ قانون کار ممنوع است. توضیح اینکه مطابق ماده ۶۱ قانون کار ارجاع کار اضافی به کارگرانی که کار شبانه یا کارهای خطرناک و سخت و زیان آور انجام می‌دهند ممنوع می‌باشد.

سوال شماره ۱۹۱:

در صورت توافق کارگر و کارفرما آیا انجام کار در روز جمعه بدون تعطیل یک روز معین در هفته اشکال دارد یا خیر؟

پاسخ: با توجه به ماده ۶۲ قانون کار تعطیل یک روز معین و مستمر در هفته به عنوان تعطیل هفتگی کارگران اجباری بوده و انجام کار و نیز اضافه کاری در این روز حتی با توافق طرفین بر خلاف مقررات و ممنوعیت خواهد داشت. به این ترتیب انجام کار در روز جمعه منوط به تعطیل یک روز معین دیگر در هفته می‌باشد.

سوال شماره ۱۹۲:

تعدادی از کارگران کارگاهی که جهت ارتقاء سطح مهارت در یک مرکز کارآموزی به تحصیل مشغول‌اند مدعی هستند از آنجا که ساعات تحصیل روزانه آن‌ها بیش از ساعات کاری است که در کارگاه داشته‌اند کارفرما باید برای ساعات اضافی به آنان فوق العاده اضافه کاری پرداخت کند تکلیف کارفرما چیست؟

پاسخ: چنانچه شرکت کارگران در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و یا سایر مراکز که به منظور گذراندن دوره‌های مربوط انجام می‌شود بنا به میل و درخواست خود کارگران صورت گرفته باشد پرداخت اضافه کاری در ساعات مازاد بر ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه حضور در کلاسهای آموزشی مورد پیدا نمی‌کند مگر اینکه در زمینه این پرداخت‌ها قبلاً بین طرفین توافق به عمل آمده باشد بدیهی است در صورتی که گذراندن دوره‌ها در مراکز مذکور از سوی کارفرما به کارگران تکلیف شده باشد در این صورت حضور مازاد بر ساعات کار قانونی در کلاسهای آموزشی اضافه کاری تلقی و با رعایت ماده ۵۹ قانون کار قابل احتساب خواهد بود.

سوال شماره ۱۹۳:

فوق العاده اضافه کاری در کارگاههایی که مزد کارگران ماهانه پرداخت می‌شود چگونه محاسبه می‌گردد؟

نحوه محاسبه اضافه کاری:

مزد روزانه = ۳۰ : حقوق ماهانه

مزد یک ساعت کار عادی = ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه : مزد روزانه

مزد یک ساعت اضافه کاری = ۴۰٪ : مزد یک ساعت کار عادی + مزد یک ساعت کار عادی

سوال شماره ۱۹۴:

در برخی مواقع ضرورت دارد کارگر روز کار در ساعات شب به صورت اضافه کاری بکار ادامه دهد آیا در میزان فوق العاده دریافتی او تغییری داده می‌شود یا همان فوق العاده اضافه کاری در ساعات روز را دریافت می‌دارد؟

پاسخ: کارگران غیر نوبت کار که ساعات اضافه کاری آن‌ها در فاصله ساعات ۲۲ شب تا ۶ بامداد واقع شود علاوه بر ۴۰ درصد فوق العاده مربوط به اضافه کاری، استحقاق دریافت ۳۵٪ مربوط به کار شب را نیز خواهند داشت به این ترتیب کارگران غیر نوبتکار برای هر ساعت اضافه کاری در شب در مجموع ۷۵٪ علاوه بر مزد آن ساعت دریافت می‌دارند.

سوال شماره ۱۹۵:

گاهی لازم است کارگران نوبت کاری که کار عادی آن‌ها در شیفت‌های صبح یا عصر است به صورت اضافه کاری در شیفت شب کار کنند میزان فوق العاده یی که باید به آن‌ها پرداخت شود چقدر است؟

پاسخ: در مواردی که بنا به ضرورت و در موارد خاص از کارگران نوبت کاری که به طور عادی در نوبت‌های صبح و عصر انجام وظیفه می‌نمایند برای انجام کار اضافی در شب دعوت به عمل می‌آید کارگران مذکور علاوه بر فوق العاده اضافه کاری استحقاق استفاده از فوق العاده کار در شب یعنی (۳۵٪ + ۴۰٪) را نیز خواهند داشت.

سوال شماره ۱۹۶:

آیا کار اضافی کارگرانی که روز جمعه طبق توافق به عمل آمده با کارفرما روز کار آن‌ها بوده و بجای آن از یک روز دیگر به عنوان تعطیل هفتگی استفاده می‌کنند در روز جمعه و غیر جمعه به لحاظ میزان فوق العاده تفاوت دارد؟

پاسخ: کارگرانی که در اجرای تبصره یک ماده ۶۲ قانون کار بجای روز جمعه از روز معین و مستمر دیگری در هفته به عنوان تعطیل هفتگی استفاده می‌نمایند مزد روز جمعه آنان ۴۰٪ اضافه بر مزد روزهای دیگر هفته خواهد بود و در این مورد استثنایی بین کارگران نوبتی و غیر نوبتی پیش بینی نشده است. لهذا چنانچه این قبیل کارگران در روز جمعه (که در این حال جزء روز کار عادی آن‌ها تلقی می‌شود) اضافه بر ساعات عادی روزانه کار کرده باشند ۴۰٪ فوق الذکر نیز جزء مزد مآخذ محاسبه فوق العاده اضافه کاری منظور خواهد گردید.

سوال شماره ۱۹۷:

آیا سختی کار، مزایای سرپرستی و امثالهم در هنگام محاسبه فوق العاده اضافه کاری باید جزء مزد مآخذ محاسبه لحاظ شود؟

پاسخ: با توجه به تبصره یک ماده ۳۶ قانون کار مزایایی از قبیل سختی کار، مزایای سرپرستی و فوق العاده شغل که به تبع شغل و برای ترمیم مزد در ساعات عادی کار پرداخت می‌شود جزء مزد ثابت محسوب شده و لذا مبنای محاسبه اضافه کاری نیز منظور خواهد شد.

سوال شماره ۱۹۸:

آیا کمک هزینه هائی که در کارگاه به کارگران پرداخت می‌شود مانند کمک هزینه مسکن و یا عائله مندی باید در مزد مآخذ محاسبه فوق العاده اضافه کاری به حساب آید؟

پاسخ: کمک هزینه‌های مسکن، خواربار، کمک عائله مندی و بن کارگری در زمره مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل، مذکور در ماده ۳۶ قانون کار نبوده و لذا در محاسبه نرخ اضافه کاری جزء مزد منظور نمی‌شود.

سوال شماره ۱۹۹:

آیا مزایایی مانند فوق العاده نوبت کاری و یا شب کاری جزء مزد مآخذ محاسبه فوق العاده اضافه کاری باید به حساب آورده شود؟

پاسخ: ملاک محاسبه مزد ساعات اضافه کاری همان مزد ثابت یا مزد مبنای موضوع ماده ۳۶ قانون کار بوده و لذا مزایایی مانند حق نوبتکاری، شبکاری و تفاوت تطبیق و نظائر آن که در ارتباط با شغل پرداخت نمی‌گردد در محاسبه اضافه کاری منظور نخواهد شد.

سوال شماره ۲۰۰:

در برخی از کارگاه‌های دارای طرح طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت کار با نظر این وزارتخانه و بر اساس اجازه تبصره ۲ ماده ۱۹ دستور العمل اجرای طرح طبقه بندی، تعدادی از کارگران مبلغی علاوه بر مزد گروه و پایه خود دریافت می‌دارند آیا این مبلغ در زمان محاسبه فوق العاده اضافه کاری با مزد گروه و پایه جمع می‌شود یا خیر؟

پاسخ: در اجرای بند «ب» ماده ۵۹ قانون کار مبنای احتساب اضافه کار «مزد» کارگر بوده و از طرفی در کارگاههایی که طرح طبقه بندی مشاغل به مرحله اجرا در آمده است با عنایت به تبصره ۲ ماده ۳۶ قانون مرقوم مزد گروه و پایه مبنای محاسبه هر گونه مزایا خواهد بود. لذا احتساب فوق العاده های موضوع تبصره ۲ ماده ۱۹ دستورالعمل اجرایی طرح طبقه بندی مشاغل و یا اصولاً هر نوع پرداخت دیگری در محاسبه اضافه کاری وفق مقررات نخواهد بود.

(۱۳) منابع و مأخذ

- ❖ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران؛
- ❖ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید؛
- ❖ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران؛
- ❖ قانون محاسبات عمومی؛
- ❖ قانون تجارت و اصلاحیه آن؛
- ❖ قانون برگزاری مناقصات؛
- ❖ قانون مالیات بر ارزش افزوده؛
- ❖ قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحیه آن؛
- ❖ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)؛
- ❖ قانون پولی و بانکی کشور؛
- ❖ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور؛
- ❖ بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مالیاتی؛
- ❖ درگاه اینترنتی سازمان امور مالیاتی، مالیات بر ارزش افزوده و جامعه حسابداران رسمی ایران؛
- ❖ درگاه‌های اینترنتی مالی، اقتصادی، بانکی، بورسی و...؛
- ❖ آخوندی، احمد، حسابداری مالیاتی با رویکرد کاربردی، موسسه کتاب مهربان نشر، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲؛
- ❖ جزوات و مستندات آموزشی ارائه شده توسط جناب آقای محسن برزوزاده؛
- ❖ و سایر منابع مرتبط.

خواننده گرامی:

تقاضا دارم هر گونه انتقادات، پیشنهادات و ایرادات احتمالی خود را، جهت ارتقاء سطح کیفی «ویرایش دوم» این اثر، از طریق ایمیل زیر با من در میان بگذارید. سپاسگزارم

hdianatpey@gmail.com

با احترام

حمید دیانت‌پی

این اثر تقدیم می‌گردد به تمام کودکان سرطانی و بی‌سرپرست